



سلسلہ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۵۳

آثار تاریخی طهران

مجلد اول

اماکن متبرکہ

تالیف

سید محمد علی مصطفوی

تتظیم و تصحیح
میراثم محمد

تاریخ طبرستان

تألیف
سید محمد تقی مصطفوی

تبران

۱

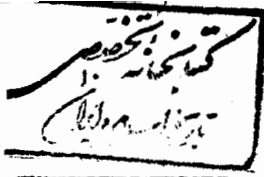
۲

۲۵

۱۵۱



منظره برج طغرل در شهر دی



سلسله انتشارات انجمن آثار ملی
۱۵۳

آثار تاریخی طهران

مجلد اول

اماکن تبرک

تألیف

سید محمد تقی مصطفوی

تنظیم و تصحیح

میراثم محمد

آئاد قاریخی طهران
تالیف : سید محمد تقی مصطفوی
ناشر : انجمن آثار ملی
تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
چاپ اول
آذرماه ۱۳۶۱
چاپ و صحافی : چاپ بهمن

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
يك	سر آغاز
سه	پیش گفتار
شش	شرح حال مؤلف
۱	یادداشت مربوط به تدوین کتاب
۹	سپاسگزاری از علاقه‌مندان
۱۱	دخیل بستن و قندیل آویختن
۱۴	تهران و حومه آن
۵۰	نوشته‌های تاریخی در آثار منبر که تهران قدیم و خارج شهر
۱۰۹	دو گوشه از طهران در یکصد و ده سال پیش
۱۱۴	چهار بنا به يك نام در چهار پایتخت ایران
۱۱۹	شهری پیش از ادوار اسلامی
۱۲۲	آثار تاریخی ادوار اسلامی شهری
۱۲۴	زندان هارون الرشید یا آتشکده ساسانی
۱۳۰	بقعه بی‌بی شهر بانو
۱۴۱	سر سره فتحعلی شاه و قلعه طبرک و...
۱۴۷	آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

صفحه	عنوان
۱۶۱	امامزاده حمزه
۱۶۲	امامزاده عبدالله
۱۶۳	امامزاده هادی (شهری)
۱۶۵	امامزاده ابوالحسن (شهری)
۱۹۶	هفت چنار بریانك
۱۹۶	امامزاده حسن (حی علیا)
۲۰۲	امامزاده عبدالله (حی علیا)
۲۲۸	آثار تاریخی شمیران
۲۵۵	آثار تاریخی کرج
۲۶۰	آثار تاریخی ورامین
۲۶۳	آثار تاریخی دماوند و بومهن
۲۶۷	ضمائم
۲۶۹	آستان قدس رضوی
۲۹۱	آستانه حضرت عبدالعظیم
۲۹۷	چهاربنا در چهارشهر بنام قلمه دختر
۳۰۱	غنی ترین بقاع متبرك
۳۰۸	بادگیر پدیده ای زیبا و سهل و ممتنع در معماری اصیل ایرانی
۳۲۳	مسجد جمعه نائین
۳۲۵	فهرست آثار باستانی و ابنیه تاریخی ایران بطور تفکیک
۳۵۰	هنرهای تزئینی و بناهای تاریخی ایران ، تکیه ها...
۴۰۹	آثار و ابنیه اسلامی قسمتهایی از استان مرکزی
۴۴۶	سیری در آثار پیش از عهد صفویه شهر تهران
۴۵۱	یادداشت درباره خانه بزرگ قدیمی محل انجمن آثار ملی در طهران

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

سرآغاز

بنام آفریدگار جهان و جهانیان و درود بی کران بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و دودمان او، در پرتو عنایات حضرت ولی عصر صاحب الزمان حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه کتاب «آثار تاریخی طهران مجلد اول - اماکن متبرکه» تألیف دانشمند مرحوم حاج سید محمد تقی مصطفوی کاشانی به معرض انتشار و استفاده علاقه مندان گذارده میشود.

این کتاب ثمره بیش از سی سال تحقیق و مطالعه مؤلف دقیق و نکته بین آن است که قرار بود سالیان پیش در زمان حیات آن مرحوم به چاپ برسد ولی بدان سبب که مؤلف کار خود را پایان یافته نمیدانست و در پی دستیابی به مطالب جدیدتری بود این کار عملی نگردید. انجمن آثار ملی پس از فوت آن فقید تصمیم گرفت که کتاب را تا هر کجا که نوشته شده و بهر طریق که ممکن است بچاپ برساند از این رو از آقای میرهاشم محدث که از هر لحاظ شایستگی انجام تصحیح این اثر را دارند درخواست نمود تا یادداشتهای پراکنده آن مرحوم را برای چاپ آماده نماید ایشان هم با نهایت پشتکار به این مهم مشغول شدند.

همانطور که از نام کتاب برمیآید محتویات این اثر درباره زیارتگاهها و اماکن متبرکه ای است که در شهر طهران وجود دارند و

متأسفانه تاکنون چنان که باید و شاید تحقیقی در این باره نشده.
کیفیت مراحل مختلف چاپ این کتاب را مصحح محترم در پیش
گفتار خویش بیان خواهند نمود.

انجمن آثار ملی که از بدو تأسیس توانسته در راه احیای آثار مذهبی
و تاریخی و ادبی ایران منشاء اثر باشد و با چاپ کتب معتبری همچون
«النقض» تألیف متکلم بزرگ شیعی شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی و
«الغارات» تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوفی
اصفهان‌ی و کتب فراوان دیگر نشان داده که گذشتگان ما چه کوششی
جهت حفظ و احیای دین به خرج میداده‌اند مفتخر است که با چاپ این
کتاب خدمت دیگری بجامعه علم و ادب تقدیم نموده است.

بمنه و کرمه

انجمن آثار ملی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار

کتاب حاضر مجموعه ای است از مقالاتی پیرامون اماکن متبرکه طهران که مقداری از آنها - همانطور که مؤلف در مقدمه خود بدان اشاره میکنند - در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ در مجلات مختلف چاپ گردیده و مؤلف بتدریج با تحقیقات جدیدتر خود آنها را کاملتر نموده است.

چون انجمن آثار ملی تصحیح و تنظیم این یادداشتها را بعهده این جانب گذاشت یادداشتها و عکسهائی را که از خانواده محترم مؤلف جهت چاپ تحویل گرفته شده بود در اختیار این جانب قرار داد. این یادداشتها دو دسته بودند مقداری از آنها ماشین شده بود و مقداری دستنویس همراه با دو دفترچه که حاوی نوشته های روی کتیبه ها و آثار باستانی بود. این جانب بدقت و با وسواس تمام یادداشتها را دوباره روی کاغذ آوردم و آنها را به هم مربوط نمودم و مطالبی را که در دفترچه ها یادداشت شده بود چون مربوط به موضوع کتاب بود به اصل آن افزودم و کتاب به این صورت که ملاحظه میشود در آمد.

مؤلف دریکی از دفترچه ها چند اسم برای این کتاب انتخاب نموده بود که نام فعلی را هیئت محترم مؤسس انجمن آثار ملی از آن میان برگزید.

برای سهولت در امر استفاده از کتاب عکسهای هربخش بلافاصله

پس از توصیف همان قسمت قرار داده شد.

همانطور که ملاحظه میشود این کتاب هنوز کامل نگشته است بنابراین مصحح فقط یادداشتهای مؤلف را بچاپ رسانید. مؤلف را نیت برآن بود که وصف تمام آثار تاریخی طهران اعم از بقاع و مزارات متبرکه و مقابر رجال و بناهای غیر مذهبی را در کتاب بیاورد ولی بیش از این فرصت نیافت که یادداشتهای جلد اول را فراهم کند.

در عرض مدتی که به تنظیم و تصحیح این کتاب مشغول بودم به مقدار دیگری از یادداشتهای مؤلف که نسخه ماشین شده ای از آنها در کتابخانه انجمن آثار ملی محفوظ است برخورد نمودم که یا تاکنون چاپ نشده و یا در خارج از ایران بچاپ رسیده اند و اگر چه بعضی از آنها جزء آثار طهران نبودند ولی چون همه آثار باستانی مربوط به ایران بودند این مقالات را در بخشی بنام «ضمائم» به آخر کتاب افزودم.

شرح حال مؤلف را که در کتاب ملاحظه میکنید بقلم خود مؤلف است که سالیان پیش نگارش یافته این جانب شرح حال مذکور را برای اظهار نظر به خانواده محترم ایشان دادم و پس از موافقت آنان بچاپ رسید. فهرست تألیفات مؤلف را هم پس از فوت ایشان، سرکار خانم فاطمه مهران - مؤسس و رئیس وقت کتابخانه انجمن آثار ملی - تهیه نموده اند که عیناً چاپ گشته. برای اطلاع از مقالات ایشان هم میتوان به «فهرست مقالات فارسی» رجوع نمود.

در این کتاب مؤلف بنا را بر مشاهده گذاشته بدین ترتیب که وی مشاهدات خود را نوشته و بغیر از یکی دو مورد، در سراسر کتاب نقل قولی دیده نمیشود.

در اکثر موارد نویسنده کتاب به پیروی از روش اسلاف، طهران را با «ط» نوشته که این جانب نیز از روش وی پیروی نموده ام. در نقل نوشته های روی کتیبه ها یا سنگ قبرها دقت زیادی شد تا اصل آنها ضبط گردد.

بخاطر تعجیل زیادی که در چاپ این کتاب بود مسلماً نارسائیهائی دیده میشود که امیدوارم اهل تحقیق بر مصحح ببخشایند.

وظیفه خود میدانم از الطاف و محبتهای بی دریغ هیئت محترم مؤسس انجمن آثار ملی و شخص مهندس منوچهر سالور رئیس محترم هیئت مدیره آن انجمن که برای چاپ این کتاب همه گونه وسائل را مهیا نمودند سپاسگزاری نمایم.

از برادر عزیزم آقای سید عباس محدث نیز که در مقابله مطبعی کتاب به این جانب کمک نمودند متشکرم.

امید است خوانندگان در حق گردآورنده این مجموعه چنان نظر کنند که در عبارات مقلّمه دانشوران ناصری آمده است:

«... و از ملکات کریمه وقایع پردازان خاطر آگاه و بدایع طرازان دقیقه یاب، مسئول و مأمول چنان است که به هنگام مطالعت این اوراق موشح و اطواق مطررز از طریق اعتساف کناره گیرند و از در سلامت و انصاف در آیند.... و اگر احیاناً بر زلت قدمی و طغیان قلمی واقف آیند مانند مردمی که

در سوا الملوک لیمکو ابجد الهم

فیها صلور محافل و مجالس

نفیر مراء بر ندارند.... و از در مردمی و فتوت عیون اعتراض به جفون اغماض فرو پوشند

فما ابرّه نفسی اتنی بشر

اسهو و اخطی مالم یحمنی قدر»

میرهاشم محدث

تهران. فروردین ماه ۱۳۶۱

مختصری از شرح حال
سید محمد تقی مصطفوی

در سال ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۰۵ میلادی) متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۹۲۵ میلادی) از دبیرستان دارالفنون فارغ التحصیل گردید و از همان سال به کار تدریس در دبستانها پرداخت و ضمناً در دانشکده حقوق مشغول ادامه تحصیل شد در ۱۳۰۷ شمسی (۱۹۲۸ میلادی) از دانشکده حقوق لیسانسیه شد. کار تدریس را تا سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۹۲۹ میلادی) در دبستان ادامه داد و پس از آن مدت دو سال بتدریس زبان فرانسه در دبیرستان پرداخت و در ۱۳۱۰ شمسی (۱۹۳۱ میلادی) از دبیرستان به شعبه عتیقات وزارت فرهنگ منتقل گردید.

شعبه عتیقات در آن موقع شروع به فعالیتهای دامنه داری در کار حفاریهای علمی و بررسی ابنیه تاریخی نموده بود و کم کم رو بتوسعه میرفت و بتدریج از آن صورت تبدیل به سازمان اداره کل باستان شناسی وموزه ایران باستان گردید.

سید محمد تقی مصطفوی ابتدا بسمت بازرس فنی عتیقات مشغول کار گردید و مدت چهار سال در کاوشهای علمی شوش و پس از آن در خاکبرداریهای علمی تخت جمشید با هیئتهای علمی فرانسوی و آلمانی همکاری میکرد و در سال ۱۳۱۴ شمسی (۱۹۳۵ میلادی) در اصفهان بامر تعمیر ابنیه تاریخی مهم آنجا اشتغال ورزید و در همان سال به عضویت هیئت اعزامی ایران در سومین کنگره بین المللی آثار تاریخی و هنری ایران در لنین گراد انتخاب شد و همراه با سایر اعضای هیئت مزبور که بریاست

علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت تعیین گردیده بودند در کنگره نامبرده شرکت کرد. پس از آن مدت چند سال بسمت معاونت باستان شناسی و از سال ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) به عنوان ریاست اداره مزبور بانجام وظیفه اداری و در عین حال اجرای امور فنی بخصوص در تعمیرات و اصلاحات ابنیه تاریخی ادامه داد و از سال ۱۳۲۷-ش (۱۹۴۸-م) به عضویت انجمن آثار ملی هم در آمد و در انجمن مزبور نیز خدمات مربوط به آرامگاههای بزرگان ایران و تجلیل مفاخر ملی را انجام داده است.

در سال ۱۳۳۴-ش (۱۹۵۶-م) ضمن مسافرت هفت ماهه به آمریکا و اروپا و کشورهای باستانی مصر و سوریه و لبنان و عراق، موزه‌ها و ابنیه تاریخی مختلف کشورهای مزبور را بازدید و بررسی نمود و در بهار سال ۱۳۳۷-ش (۱۹۵۸-م) بژاپن رفت و در تنظیم نمایشگاه آثار تاریخی ایران در آنجا شرکت و همکاری کرد و با موزه‌ها و آثار تاریخی کشور مزبور آشنائی نزدیک یافت و در مراجعت در کشورهای هند و پاکستان مدتی توقف کرد و ابنیه و آثار باستانی و موزه‌های این دو کشور را نیز ملاحظه نمود.

از پائیز ۱۳۳۷-ش (۱۹۵۸-م) بازنشسته شده و تا آخر عمر هم چندین بار در مجامع پژوهشی مربوط به باستان شناسی ایران که در داخل یا خارج کشور تشکیل شده شرکت نمود و با نوشتن مقاله‌ها و رساله‌ها و ایراد سخنرانیها و تدریس در مؤسسه‌های علمی مختلف خدماتهای مورد علاقه خود با آثار ایران را ادامه داد تا سرانجام در ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹ روی در نقاب خاک کشید.

تألیفات سید محمد مصطفوی

۱۳۱۸-۱۳۱۶ش

۱- ترجمه مقالات آثار ایران (سه جزوه)

شهریورماه ۱۳۳۰ش. تهران ۲۶ ص

۲- آستانه حضرت عبدالعظیم

فروردین ماه ۱۳۳۰ش. تهران ۵۱ ص + ۲۶ تصویر

۳- تخت جمشید و شرح اجمالی آن

تیرماه ۱۳۳۴ش. تهران ۲۷۸ ص

۴- هگمتانه، آثار تاریخی همدان و فصلی

در باره ابوعلی سینا

- ۵- تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده ۱۳۳۴ ش.
- ۶- فرشها و پارچه های ایرانی عهد هخامنشی بدون تاریخ
- ۷- بنای تاریخی بی بی شهربانو درری (فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی) ۱۳۳۹ ش
- ۸- اقلیم پارس- آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس (این کتاب چند سال بعد توسط نورمن شارپ در لندن به انگلیسی ترجمه و چاپ شد) آذرماه ۱۳۴۳ ش. تهران. ۵۹۵ ص
- ۹- سفارش نامه انجمن آثار ملی اردی بهشت ماه ۴ ق ۱۳ ش. تهران. ۵۶ ص
- ۱۰- سنگاهی به هنر معماری ایران ۱۳۴۶ ش. تهران. ۱۰۳ ص
- ۱۱- سنگاهی به هنر معماری ایران ۱۹۶۷ میلادی
- ۱۲- قلعه ضحاک در آذربایجان شرقی ۱۳۴۸ ش - ۲۱۹۶۹
- (یک اثر تاریخی از دوران ماد تا عهد اسلامی) از یادنامه ایرانی مینورسکی ۱۳۴۹
- ۱۳- فهرست آثار باستانی ایران مهرماه ۱۳۵۰ ش
- ۱۴- استمرار هنر معماری در ایران

یادداشت مربوط بتدوین کتابی حاوی اطلاعات در باره

«زیارتگاههای تهران بزرگ و گورهای تاریخی آن»

در میان بناهای فراوان دوران اسلامی، زیارتگاههای ایران از نظر هنر معماری و شیوه‌های ساختمانی و ویژگیهای مربوط بخود دارد. وجود کانون یا هسته مرکزی در هر زیارتگاه و به فراخور مقام و اهمیت هر کدام آنها، احداث بناها و متعلقات مربوط بآن همچون رواقها، ایوانها، صحنها، مدرسه‌های علوم دینی و احياناً بناهای عام المنفعه مانند آب انبار و کاروانسرا و نظایر آنها در پیرامون بنای اولیه، عامل عمده بوجود آمدن چنین ویژگیهایی است. همچنین گنبد‌های هرمی (کلاه درویشی) و مخروطی (کله قندی) بطور کلی بر فراز زیارتگاهها و آرامگاههای شخصیت‌های بزرگ در گذشته خودنمایی میکند.

تدوین کتابی در باره زیارتگاههای تهران بزرگ (که گورهای جداگانه تاریخی چند بیرون از زیارتگاهها هم ضمن آن معرفی میگردد) فرصتی است که تا حدی در این زمینه مطالبی نگاشته آید. علاوه برآن انجام چنین خدمت از چند بابت بشرح زیر هم مفید بنظر میرسد:

۱- از لحاظ مذهبی و جلب توجه طبقات مختلف پیاس حرمت آثار گذشته ملی

که جنبه دینی هم دارد.

۲- از نظر تاریخی و معماری.

۳- جنبه انسانی و فرهنگ مردمی و سنت‌های دیرین و انجام نذرها و اطعام

- و غیره که در هر گوشه و کنار کشور در این گونه محلّها انجام می گردد.
- ۴- کمک به حفظ محیط زیست.
- ۵- پردیس های ساده عملی برای توده مردم.
- ۶- برگهائی از شناسنامه پایتخت کشور ایران که گروهی آن را «شهر بی هویت» معرفی می کنند.
- ۷- افزایش علاقه خانواده های متعدد که آرامگاه نیاکان و بزرگان منسوب به ایشان در کتاب ذکر می گردد.
- توضیحاتی هم در پایان مطلب نوشته شده است که تقاضای توجه به آنرا نیز مینماید.
- ۸- جنبه های دیگری که در طول زمان بیشتر و بهتر محسوس خواهد شد. از جمله آنها شاید انگیزه ای شود تا گروهی از علاقمندان و دوستان چنین موضوعی در شهرهای دیگر ایران به انجام نظیر این گونه پژوهش و بررسی پردازند و با استفاده از تألیفات گذشتگان در این زمینه ها منشا خدمتی بهتر گردند.

آنچه مورد درخواست است:

- ترسیم طرح موقعیت محلّ برای هر زیارتگاه.
- نقشه بنا که قسمتهای قدیم و الحاقی دوره های مختلف بعدی را بنماید با تعیین محرم و ضریح و وضع بنا یا خیابان یا بازار یا کوچه هائی که از کنار آن می گذرد.
- عکس از جهات مختلف.
- چگونگی ضریح و مرقد و داخل ضریح.
- تمام نوشته های تاریخی بنا و صندوق و در و غیره.
- گورهای شخصیت های مدفون در هر بقعه یا کلیسا یا هر مکان متبرک دیگر یا در محوطه های مربوط به هر کدام (تا حدّ امکان و تا آنجا که مناسب باشد).

ویژگیهای معماری:

آثار هنری - کاشی کاری - آینه کاری - حجاری - گچ بری - نقاشی - خاتم و غیره.

توصیف فضا و محوطه و درختان و آب و جلوه‌خان و سر در و آب انبار و آشپزخانه و محلّ قربانی (اگر مورد دارد).

اختصاص معماری یا شهرت و یژه، مثلاً: امامزاده ارغوان، امامزاده گل‌زرد، امامزاده آب‌اندرمان و امثال آن.

افسانه و معتقدات مردم ساده‌دل درباره هر کجا.

چند نقشه از بخشهای مختلف شهر تهران که محلّ زیارتگاهها در روی آن نموده شود (با توجه به این که انجام این منظور بر روی یک برگ نقشه تهران بزرگ عملی و مفید بنظر نمی‌رسد).

فهرست اجمالی آثار مورد نظر در کتاب نامبرده

الف: تهران قدیم در محدوده شاه طهماسبی:

۱- بقعه سید اسماعیل - خیابان سیروس (قدیم‌ترین تاریخ موجود در آن ۸۸۶ هجری).

۲- بقعه امامزاده یحیی - گذر امامزاده یحیی (۸۹۵ هجری).

۳- بقعه امامزاده زید و گور لعلی‌خان زند - بازار (۹۰۲ هجری).

۴- بقعه سیدناصرالدین که مردم سید نصرالدین می‌گویند - خیابان خیام (۹۹۳ هجری).

۵- بقعه سیدولی - بازار.

۶- امامزاده ابراهیم - گودزنبورکخانه.

۷- بقعه چهل تن - بازار.

۸- بقعه هفت تن - بازار.

۹- امامزاده روح‌الله - خیابان باب‌همایون.

- ۱۰- امامزاده نورالله — خیابان باب همایون.
- ۱۱- امامزاده غیبی — بازار عباس آباد.
- ۱۲- بقعه هفت دختران — خیابان سیروس.
- ۱۳- سقاخانه نوروزخان — [رو بروی مسجد شاه نرسیده به پامنار].
- ۱۴- امامزاده سید اسحاق که [آن را] چهارده معصوم هم می نامند — خیابان ناصر خسرو.
- ۱۵- کلیسای طاووس — بازار حضرتی.
- ۱۶- کلیسای گورک — کوچه کلیسا (درخونگاه).
- ۱۷- بقعه پاته عطا — محله کلیمیان.
- ۱۸- حسینیّه و آرامگاه آقا سید آقا جان — خیابان سیروس.
- ۱۹- چنار نظرکرده در یک خانه واقع در کوچه صدراعظم (اگر هنوز موجود باشد) — خیابان پامنار.

تهران در محدوده توسعه سال ۱۲۸۴ هجری

(= ۱۲۴۶ خورشیدی = ۱۸۶۷ میلادی)

- ۱- آرامگاه آقا شیخ هادی نجم آبادی — خیابان آقا شیخ هادی (رازی).
- ۲- آرامگاه صنیع الدوله و افراد دیگر خاندان هدایت — خیابان اسلامبول.
- ۳- آرامگاه حاجی شیخ علی اصغر بروجردی و گور گروهی از مجاهدین مشروطیت و سربازان سیلاخوری محمّد علی شاهی — کوچه نزدیک چهارراه امیر کبیر و سیروس.
- ۴- آرامگاه سردار فیروزکوهی — خیابان آقا شیخ هادی (رازی).
- ۵- بقعه سرقبرآقا (آرامگاه خاندان امام جمعه تهران) — انتهای جنوبی خیابان سیروس.
- ۶- آرامگاه صفی علیشاه — خانقاه صفی علیشاه.
- ۷- آرامگاه حاجی علی آقا (؟) طهرانی در مسجد قائم — خیابان سعدی.

تهران بزرگ

- ۱- آرامگاه سه نفر از شهیدان طراز اول مشروطیت ایران (میرزاجهانگیر خان صوراسرافیل، میرزانصرالله ملک المتکلمین، قاضی ارداقی). - تهران - خیابان مخصوص.
- ۲- آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده حمزه و سایر متعلقات آنها و امامزاده طاهر با صحنها و رواقها و سردرها و ایوانها (از دوران آل بویه بعد) - شهرری.
- ۳- امامزاده عبدالله (ع) (۱۲۷۴ هجری) - شهرری.
- ۴- امامزاده ابوالحسن (ع) آب اندرمان (۱۲۵۷ هجری تاریخی برزنجیر آن که از بین رفت) - شهرری.
- ۵- بی بی زبیده (ع) (۱۲۷۱ هجری) - شهرری.
- ۶- شیخ صدوق (ابن بابویه) - شهرری.
- ۷- بی بی شهربانو (دوره های ساسانی، آل بویه، صفویه، قاجاریه) - شهرری.
- ۸- امامزاده هادی (ع) مسجد ماشاءالله (شاه طهماسب اول بعد) - شهرری.
- ۹- سه دختران و دو برادران - شهرری.
- ۱۰- باغ آرامگاه آقا سید محمد صادق طباطبائی (بعقه صادقیه) - شهرری.
- ۱۱- جوانمرد قصاب - شهرری.
- ۱۲- نقاره خانه (محل آرامگاه یکی از شهریاران آل بویه) - شهرری.
- ۱۳- تپه گبری (محل آرامگاههایی از دوران آل بویه) - شهرری.
- ۱۴- برج طغرل (۱۳۰۱ هجری) - شهرری.
- ۱۵- آرامگاه ابراهیم خواص - شهرری.
- ۱۶- صفائیه - چشمه علی.
- ۱۷- بقعه امامزاده حسن (ع) (۱۲۷۶ هجری) - جی علیا.
- ۱۸- بقعه امامزاده معصوم (ع) (۱۰۴۰ هجری) - بریانک.
- ۱۹- زیارتگاه هفت چنار - بریانک.
- ۲۰- بقعه امامزاده عبدالله (ع) - جی.
- ۲۱- بقعه شیخ عبدالله طرشتی (۹۵۴ هجری - سنگ گور) - طرشت.
- ۲۲- شاهزاده قاسم - طرشت.

- ۲۳- بقعه امامزاده عون علی وزین علی (ع) - پونک.
- ۲۴- بقعه علی بن محمد ملقب به قاضی صابر (۱۳۰۳ هجری) و آرامگاه خاندان مستوفی الممالک (یوسف) - ونک.
- ۲۵- بقعه معصوم صالح (ع) (۹۸۶ هجری) - فره زاد.
- ۲۶- بقعه امامزاده ابوطالب (ع) - فره زاد.
- ۲۷- بقعه سید محمدرضا (مرضی) - کن.
- ۲۸- امامزاده علی افطس و حسین اصغر (کابل حسین) - کن.
- ۲۹- امامزاده جعفر - کن.
- ۳۰- امزاده شعیب - کن.
- ۳۱- بقعه سید محمد - کن.
- (به احتمال زیاد در کن و سولقان زیارتگاههای دیگری هم باید وجود داشته باشد که نیازمند بررسی و فرصت مناسب است)
- ۳۲- بقعه امامزاده داود (ع) (۱۲۸۳ هجری) - امامزاده داود.
- ۳۳- بقعه امامزاده سید محمد ولی (ع) (۱۲۴۸ هجری) - درکه.
- ۳۴- بقعه امامزاده مطیب (ع) - اوین.
- ۳۵- بقعه چند گور شخصیت‌های خاندان سالور - اوین.
- ۳۶- بقعه امامزاده عزیز - اوین.
- ۳۷- بقعه امامزاده اسماعیل (ع) - قل‌هک.
- ۳۸- گور شادروان حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی - قل‌هک.
- ۳۹- بقعه امامزاده صالح (ع) (۱۲۱۰ هجری) - تجریش.
- ۴۰- بقعه امامزاده قاسم (ع) (۹۶۳ هجری) - امامزاده قاسم.
- ۴۱- بقعه امامزاده ابراهیم - پس قلعه.
- ۴۲- بقعه امامزاده علی اکبر (ع) - چیزر.
- ۴۳- بقعه امامزاده اسماعیل (ع) - چیزر.
- ۴۴- گور شادروان مهدیقلی هدایت (حاجی مخبر السلطنه) - دروس.
- ۴۵- بقعه امامزاده (سالم، ابوطالب، رضا، رحیم) پسران شیث کاظم فرزند علی بن الحسین - لویزان.

۴۶- بقعه چهل تن - دولاب.

۴۷- بقعه سیده ملکه خاتون (تعمیر ۱۳۰۹ هجری) - دولاب.

۴۸- بقعه امامزاده اهل بن علی (تعمیر ۱۳۰۸ هجری) - دولاب.

۴۹- گورستان قدیمی در مشرق تهران که بخشی از آن هم برای گورستان لهستانیانی که در دوران جنگ دوم جهانی بتهران آمدند تخصیص داده شده و گور دکتر کلو که D. L. E. CLOQUET پزشک فرانسوی در بار ایران (در گذشته در ۲۴ اکتبر ۱۸۵۵)

هم در آنجا است.

بدین ترتیب تعداد آثار مورد نظر دست کم بالغ بر ۷۳ زیارتگاه و دیگر پدیده های

مربوط به چنین موضوعی می گردد.

یقیناً در آبادیهای واقع در مغرب و جنوب غربی تهران بزرگ و احیاناً سایر نقاطی که با گسترش تهران بخشی جدید از پایتخت کشور را بوجود می آورد زیارتگاهها یا گورهای تاریخی قرار دارد که ضمن عمل و اجرای کار بهتر چگونگی معلوم و بوجود آنها پی برده خواهد شد.

جناب آقای دکتر رضا کسائی استاد محترم دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی وعده قطعی داده اند نقشه و عکسهائی از امامزاده قاسم شمیران و امامزاده عزیز (درکه) و گور شاهزادگان خاندان سالدور نزدیک آن و امامزاده مطیب (اوین) را به اختیارم بگذارند.

در سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ خورشیدی سلسله مقالاتی درباره تعدادی از این زیارتگاهها تهیه و در مجله اطلاعات ماهانه چاپ شد و از آن موقع یادداشتهای دیگری هم فراهم نموده است.

در باره آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) رساله مستقل جداگانه در سال ۱۳۳۰ خورشیدی و راجع به بقعه بی بی شهربانو هم مقاله مفصلی ضمن مجله سوم گزارشهای باستان شناسی در سال ۱۳۳۴ خورشیدی تهیه نموده ام که به چاپ رسیده است و در این دو مورد نیز بررسیها و پژوهشهای بعدی انجام گرفته اطلاعاتی افزون از پیش گردآوری شده است.

بسیاری از علاقمندان باین گونه مطالب پیوسته سفارش و تأکید کرده اند در این زمینه کتابی تدوین و همه اطلاعات را بصورت شایسته مدون و منتشر نماید.

از نظر تهیّه مجموعه‌ای حاوی این موضوعها و تأمین نظر گروه بزرگی از دوستداران یادگارهای دینی و فرهنگی، با وجود درگیری در کارهای فراوان و روزمره انجمن آثار ملی، انجام چنین خدمتی را در این مرحله زندگی برخود فریضه‌ای میدانم و بخواست پروردگار بزرگ در راه تحقق آن می‌کوشم و هرگونه یاری اخلاقی و معنوی و عملی برای برآورده شدن این منظور شریف را استدعا می‌کنم.

با عرض سپاس و احترام همیشگی

سید محمد تقی مصطفوی

۱۳۵۷/۵/۲۴



سپاسگزاری از علاقه‌مندان

از مردادماه سال گذشته که سلسله مقالات راجع به آثار متبرکه داخل و خارج شهر تهران در مجله اطلاعات ماهیانه انتشار یافت عده زیادی از دانشمندان بزرگوار و بسیاری از جوانان تحصیل کرده پیوسته این بنده را تشویق و به ادامه این کار ترغیب می‌فرمودند.

اینک وظیفه خود می‌دانم در وهله اول از جناب آقای مسعودی و دوست محترم آقای پسیان سردبیر مجله اطلاعات ماهیانه که با بردباری مخصوص زحمت قبول این مقالات و انتشار آن را بر خود قبول فرمودند صمیمانه تشکر نمایم و همچنین از آقای مرتضی رستمی عکاس باستان‌شناس که برای بازدید و بررسی این آثار عموماً همراه این جانب آمدند و عکسهای مورد احتیاج را برداشتند کمال امتنان را دارد.

جناب آقای علی اصغر حکمت و جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی مکرر—خواه در جلسات انجمن آثار ملی و خواه جداگانه—نگارنده را درباره این خدمت ناچیز مورد عنایت و تشویق قرار دادند و بر اثر پیشنهاد جناب آقای حکمت، انجمن آثار ملی تدوین و چاپ جداگانه این سلسله مقالات را به ضمیمه اطلاعات دیگر مناسب بصورت رساله‌ای بنام مجلد اول «آثار طهران» به عهده این بنده خواسته‌اند که امیدوارم توفیق اجرای آن نصیب گردد.

در بین سایر خوانندگان علاقه‌مند که پیوسته نگارنده را در این خدمت مختصر

تشویق فرموده‌اند مخصوصاً وظیفه خود می‌دانم از سرکار خانم خورشید کلاه ملک‌زاده و صبیّه دانشمندشان خانم ملک‌زاده بیانی و استاد دانشمند آقای جلال همائی و آقای دکتر مهدی بیانی و آقای حسین کی‌استوان و آقای محسن حدّاد و آقای غلامرضا فرخ‌منش و آقای دکتر بهمن کریمی و آقای مجید مهران که هر کدام به نوبه خود نظریات مفید و مستحسن خویش را اظهار می‌فرمودند و بدین وسیله یاری و همکاری مفید معمول داشته و در عین حال با ابراز توجه و علاقه به این قسمت موجبات دلگرمی بیشتر را فراهم ساخته‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم و آرزو مندم در ضمن تدوین رساله آثار طهران تا حدّ امکان از نظریات صائب ایشان مستفید گردم.

سید محمد تقی مصطفوی

دخیل بستن و قندیل آویختن

بستن دخیل و آویختن قندیل از سنت‌هایی است که ریشه چند هزار ساله دارد. یکی از پاک‌ترین و بی‌شائبه‌ترین مظاهر زندگی طبقه ساده‌دل و توده پاک سرشت مردم چگونگی توسل به اماکن متبرک و زیارتگاه‌ها است که به وسیله آفرختن شمع و بستن دخیل و آویختن قندیل و امثال آن صورت‌پذیر می‌گردد.

در زیارتگاه‌های بزرگ این گونه توسل‌ها به صورت کوبیدن ورقه‌های نازک طلا یا نقره به شکل دست یا چشم یا بستن قفل یا آویختن قندیل و امثال آن ظاهر می‌گردد و در زیارتگاه‌های کوچک که ضریح و محجر ندارد میخ‌هایی به دیوار می‌کوبند و رشته‌های مهره و تسبیح‌های گلی به آن می‌آویزند یا این که زنجیر و بندی را از دو طرف به دیوار بقرعه بند می‌کنند و به آن دخیلی می‌بندند و بهمین جهت در بسیاری از زیارتگاه‌های محقر که جز صورت قبر اثر دیگری وجود ندارد از این گونه بندها و دخیل‌ها ورشته‌ها زیاد دیده می‌شود.

مردم ساده‌نهاد و خوش اعتقاد نه تنها در اماکن و بقاع متبرک این گونه توسل می‌یازند و پیوستگی بین خود و معبودشان می‌جویند بلکه چه بسا درختان کهن سال خصوصاً چنارهای قدیمی را که در گوشه و کنار بفاصله دور یا نزدیک آبادیها واقع شده است نیز وسیله توسل قرار می‌دهند و با بستن دخیل و کوفتن میخ و غیره نیازمندی خود را ظاهر می‌سازند.

در بقعه امامزاده داود که از لحاظ اجرای سنن اجتماعی و معتقدات عمومی

جماعت زوآر در بین تمام زیارتگاهها امتیاز و رونق مخصوص دارد، یک کار بسیار معمولی و رایج، گرفتن قطعه نخ یا باریکه پارچه سبزرنگ از شخصی است که در کنار ضریح نشسته و زوآر را به افروختن شمع و بستن دخیل و توسل به امامزاده ترغیب می نماید.

با توجه به این عوالم بی مورد نیست کمی به منشأ پیدایش چنین سنت دیرین

بیندیشیم.

اصولاً دست یافتن به دامن بزرگان و تکیه کردن به نیروی مادی یا معنوی قدرت مندان همیشه از احتیاجات طبیعی بشر و از خصائل فطری آدمیزاده بوده است. کسانی که حاجتی دارند یا از اوضاع روزگار گله مند هستند دنبال شخصی یا مقامی می گردند که بتواند حاجتشان را برآورد یا از نگرانی خلاصشان نماید و چون مردمی که پابند مذهب هستند قبل از هر کجا و بیش از هر چیز سراغ معبود خود می روند که خاطرشان را از این گونه عوامل آسوده سازد لذا معابد و پرستشگاهها علاوه بر محل رازونیز بدرگاه خداوند از قدیم ترین ایام برای توسل و استغاثه صاحبان حاجت و دردمندان مورد توجه فراوان مردم با عقیده و ایمان بوده است.

راهی که برای ارتباط با عالم معنی و بستگی به قدرت پروردگار به نظر افراد بشر رسیده است ایجاد یک نوع پیوستگی ظاهری بین مردم و خالق بوده است و این پیوستگی در ادوار قدیم بصورت بسیار ساده ظاهر می شده است و با فروبردن میخ در دیوار یا آویزان کردن قطعه سنگ و این گونه اعمال انسان خود را مربوط و وابسته به خداوند می شناخته است و متدرجاً میخهایی که برای این منظور بکار می رفته و قطعه سنگهایی که می آور یخته اند از صورت ساده بیرون آمده تزئیناتی در آنها بکار برده اند. در کاوشهای شوش و چوغازنبیل خوزستان و تپه های باستانی آذربایجان و تپه حصار دامغان و همچنین در لرستان و تخت جمشید نمونه های مختلف میخهای سفالی و کاشی و فلزی و سنگی که در دیوارهای معابد قدیم نصب می کرده اند و همچنین لوحه های سنگ مرمر و سنگ سیاه که برای آویختن تهیه شده بود بدست آورده اند.

در ادوار بسیار قدیم نوک میخ سفالی یا کاشی که بدیوار فرو می رفته باریک تر بوده است ولی در دوران هخامنشی و کمی قبل از آن بجای میخهای سابق سرمجسمه حیوانات را با سنگ مرمر می تراشیده اند و دنباله آن را بزرگتر و ضخیمتر می نمودند و در

دیوار کار می گذاردند و بدین ترتیب وسیله پیوستگی و توسل به مبدأ جنبه زینت و تجمل معبد را هم پیدا کرده بود و همچنین بجای لوحه های سنگی ساده روی لوحه های سنگی که می آویخته اند نقوش برجسته احداث می نمودند چنانکه در لوحه سنگ سیاه مکشوف در آذر بایجان یک طرف نقوش برجسته درب معبد بطور مکرر حجاری گشته است و در سمت دیگر نقوش حیوانات دیده می شود.

زنجیرهایی که به درب ورود امامزاده ها و زیارتگاهها هست خود نمونه دیگری از این سنت دیرین به شمار می رود. در میان زنان معتقد رسمی بود که موی فرزند خود را تا سن هفت سالگی کوتاه نمی کردند و در آن سن مویشان را چیده وزن می نمودند و معادل آن طلا یا نقره می خریدند و وقف برآستانه حضرت ابوالفضل (ع) می نمودند و همچنین در بسیاری موارد که طفل مبتلا به چشم درد یا شکستگی دست و امثال آن می شد چشم یا دست از ورق طلا یا نقره تهیه می کردند و بر ضریح اماکن متبرک می کوبیدند.

این آداب و سنن و بستن قفل و زنجیر و امثال آن به شرح بالا صورتهای مختلف چگونگی توسل و استعانت مردم نیکونهاد و ساده دل است که به حکم غریزه فطری بشر هنگام احتیاج به کمک و استفاده از نیروی صاحب قدرت بدان عمل می کنند و به اوضاع و حالات مختلف این احساس را ظاهر می سازند. میخ ساده و صفحات سنگ تبدیل به دخیل و قفل و زنجیر و قندیل و گو و چشم و دست طلا و نقره و امثال آن شده است و هر زمان به یک نوع روبرو معبود آورده بدو توسل نموده و استعانت جسته اند.

تهران و حومه آن

در قسمت اول این مبحث بطور اجمال ابنیه و آثار تاریخی باقی و نمایان ادوار مختلف تاریخی شهر تهران، شهر ری، شمیران، کرج و شهریار، ورامین، دماوند و بومهن معرفی می گردد و در قسمت دوم اشاره به اماکن باستانی که آثاری را در دل خاک نهفته دارد و در حول و حوش تهران واقع است خواهد نمود.

قسمت اول: آثار تاریخی تهران و نقاط سابق الذکر:

الف: آثار تاریخی شهر تهران:

شهر تهران در هنگام آبادانی ری، قریه آنقدر کوچک و ناچیزی بوده است که عموماً در کتب از آن ذکری نمی کرده اند. مثلاً در تاریخ بیهقی (قرن ۴ هجری) ضمن شرح اردوکشی های سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود، از دولاب ری و علی آباد ری نام برده اند ولی از تهران ذکری نمیشود در صورتی که اکنون دولاب یکی از محلات قسمت شرقی تهران گردیده و علی آباد در جنوب شرقی ایستگاه راه آهن ضمیمه شهر شده است و قراء و آبادیهای دیگر مانند طرشت و جی و بریانک نیز از محلات جدید تهران بشمار میرود.

پس از ویرانی ری در حمله مغول چون موقعیت محل همیشه اقتضا می کرده است که شهر بزرگی در این ناحیه وجود داشته باشد ابتدا ورامین مرکزیت یافت لکن دیری نپائید که تهران بیشتر رونق گرفت و در قرن نهم قصبه بزرگی بود و در سال ۹۶۰ هجری بوسیله شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هجری) باروی آن ساخته شد و صورت شهر پیدا کرد. و از قرائن چنین بر می آید که استقرار پایتخت سلسله صفویه در

قزوین و سپس در اصفهان، و بی مهری شاه عباس کبیر به تهران، باعث متوقف ماندن در دوران صفویه گردیده است تا اینکه آقامحمدخان قاجار در سالهای اول قرن ۱۳ هجری آن را به پایتختی برگزید و در داخل ارک آن که از آثار دوران زندیه بود کاخهای سلطنتی ایجاد نمود و شهر تهران رو به آبادی و وسعت رفت و در مدتی نزدیک به دو یست سال بصورت کنونی رسید.

اینک بطور اجمال ابنیه و آثار تاریخی شهر تهران را معرفی می نماید:

بقعه سید اسماعیل

در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۰۹ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

این بقعه که منسوب به سید اسماعیل از احفاد امام علیّ التقی (ع) است در محله چاله میدان واقع گشته. بنای کنونی آن طبق کتیبه موجود در ایوان و داخل حرم در زمان محمدشاه قاجار به سال ۱۲۶۲ هجری ساخته شده، بانی آن عیسی خان بیگلر بیگی بوده است. اثر بسیار قدیم تر آن در منبت عتیقه است که در ضلع غربی حرم قرار گرفته و به مسجد کوچکی باز میشود [که] بر روی این در نیز نام محمد شاه قاجار و عیسی خان بیگلر بیگی مذکور است ولی قسمت اصلی یعنی وسط هر دولنگه در مربوط بقرن نهم هجری می باشد و طبق کتیبه های موجود آن بانی در استاد حسین بن پیرعلی حداد تهرانی و تاریخ آن غره جمادی الاول سال ۸۸۶ هجری است و این تاریخ قدیم ترین سال تاریخی است که درباره ابنیه قدیمی داخل شهر تهران سراغ میرود.

بقعه امامزاده یحیی (ع)

بقعه امامزاده یحیی در محله قدیمی ای بهمین نام قرار دارد و بقعیده گروهی از پژوهندگان مدفن حضرت یحیی از احفاد امام زین العابدین (ع) است لکن بر روی صندوق آن، یحیی بن زید فرزند امام حسن مجتبی (ع) معرفی گردیده است.

بنای فعلی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در محل بنای خشتی قدیم که در سال ۱۳۱۸ منهدم گردیده بود بهمان سبک و هیئت اصلی ساخته شده ملحقات و تزئینات آن بتدریج در سالهای بعد انجام گرفته است. صندوق منبت عتیقه بقعه، بنابر آنچه در کتیبه های آن اشاره رفته بدستور ملکشاه غازی پسر ملکشاه به سال ۸۹۵ هجری بوسیله

دو برادر بنام [های] استاد حسین و محمد لواسانی ساخته شده است. بانی بنای قدیمی، قرایشه (؟) و معمار آن دیوحسن بوده‌اند. چنارهای کهن چندین صدساله نزدیک این بقعه از آثار تاریخی طبیعی منحصر تهران بشمار میرود.

نوشته‌های تاریخی در آثار متبرکه تهران قدیم و خارج شهر

امامزاده یحیی (۸۹۵ هجری)

کوی امامزاده یحیی یکی از قسمتهای ناحیه عودلاجان بشمار رفته از محلات معروف شرقی تهران قدیم است که بواسطه وجود بقعه امامزاده یحیی (ع) در آنجا بدین نام خوانده شده است.

بقعه امامزاده یحیی فعلاً بنای جدیدی است که در پائیز سال ۱۳۲۰ خورشیدی از روی نقشه بنای قدیمی و بهمان ابعاد تجدید ساختمان گردیده است. بنای قدیمی آن شامل برج خشتی هشت ضلعی بود که مانند ابنیه دیگری از عصر مغول یک گنبد آجری ۱۲ ضلعی هرمی شکل بر بالای آن قرار داشت و در عهد قاجاریه هم اطراف این برج خشتی اطاقها و ایوان و مستحذات غیر مهم دیگری افزوده سطح خارجی گنبد را با کاشیهای هفت رنگ و غیر مرغوبی مزین ساخته بودند و اینک در محل برج خشتی مزبور بقعه هشت ضلع کنونی ساخته شده اطراف آن علاوه بر مرقد امامزاده محمد (ع) که از قدیم در مجاورت این بقعه قرار داشته و اطاق قرینه این مرقد که مقبره مرحوم بهاءالملک همدانی و مسجد کوچکی هم هست ایوان و کفش کن و اطاق دفتر و موزه و کتابخانه احداث نموده‌اند و با نصب کتیبه‌های سنگ مرمر و کاشی معرق و آینه کاری و گچ‌بری بنای بی‌پیرایه قدیمی را تبدیل به بقعه زیبا و مزین ساخته‌اند و اینک هم مشغول آینه کاری داخل حرم می‌باشند که زائرین مرقد آن بیشتر از علاقه و دلبستگی که در راه تجلی روزافزون این مقام متبرک به کار می‌رود بهره‌مند و کامیاب گردند.

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی که بر اثر سوانح ایام این زیارتگاه مردم تهران خراب شد مرقد آن و کف سابق حرم در عمق ۲۳ سانتی متری زیر زمین مسطح باقی ماند و در آبان ۱۳۲۰ با برداشتن خاکهای مزبور کف حرم و صورت مرقد نمایان و بقعه فعلی در جای بقعه اصلی بهمان نقشه و اندازه—به خرج وزارت فرهنگ از محل اعتبارات ساختمانی—ساخته و پرداخته گردید و چنین وضعی یعنی انهدام بنا و تجدید آن پس از

دو سال بقعه متبرکه امامزاده یحیی را دارای موقعیت مخصوص و ممتازی ساخته است که توجه ساکنین نقاط مختلف شهر تهران را جلب نموده و از دورترین محلات شهر رو به آن می آورند و با اخلاص و عقیده هر چه فراوان تر با زیارت این آستانه دل را تسلی داده روح را شاد و خرم و دست توسل دراز می دارند.

اندازه هر ضلع خارجی برج خشتی هشت ضلعی قدیم ۲/۳۰ متر بود و اکنون هم اضلاع خارجی قسمت اصلی بقعه همین اندازه را دارد فاصله هر ضلع داخل حرم قدیمی با ضلع مقابل در حدود چهار متر بود که در بنای فعلی نیز همین طور است منتها در بنای خشتی سابق دیوار ضخیم بود و بنای جدید چون با آجر ساخته شده دیوار هشت ضلعی حرم به قطر سابق ضرورت نداشته و در هر ضلع طاق نمائی به پهنای ۹۲ سانتی متر و عمق ۴۰ سانتی متر احداث نموده و بدین ترتیب فضای محسوسی بر داخل حرم و اطراف مرقد افزوده اند.

تا سال ۱۳۲۸ بقعه اصلی جدیدالبناء با گنبد آجری هرمی شکل بصورت ساده باقی بود و از آن سال بعد کاشی کاری گنبد و ملحقات بنا و تزئینات فراوان آنجا بخرج وزارت فرهنگ از محل اوقاف با پشتکار و همت مخصوص آقای عباس نام آور که یکی از کارمندان بسیار جدی و لایق وزارت فرهنگ هستند و در کارهای امامزاده یحیی (ع) علاقه قلبی و ایمانی مخصوص دارند انجام گرفته و می گیرد و هنرنمائی و ایمان استادان فن در قسمتهای مختلف بنا موجب حصول نتیجه بهتر و صحیح تر زحمات آقای نام آور و تشویق زیادتر ایشان به اهتمام در این امر گردیده است.

در این خرابی موقت و آبادی مجدد که هر دو مرحله برای آبادانی و شکوه بقعه مقدر و مفید بود آثار تاریخی و نوشته های بنای قدیمی که موضوع اصلی این بخش است کمترین لطمه و خرابی ندید بلکه قطعات قابل ذکری هم ضمن تسطیح و درخت کاری قبرستان مجاور بقعه بدست آمد که اکنون زینت بخش دیوار موزه آنجا می باشد.

قبل از نقل نوشته های تاریخی بقعه مزبور لازم میدانم توجه خوانندگان محترم را به مقاله بسیار مفیدی که دوست دانشمند و نویسنده گرامی آقای ناصرالدین شاه حسینی راجع به بقعه امامزاده یحیی (ع) در شماره سی و یکم مجله اطلاعات ماهانه (مهرماه ۱۳۲۹) مرقوم فرموده اند معطوف دارد و خوشبختانه در مقاله محققانه مزبور نتیجه تحقیقات نویسنده محترم درباره شخصیت حضرت امامزاده یحیی مرقوم رفته است و چون در این مورد بخصوص دامنه تحقیق بیش از آن است که در یک مقاله بگنجد بسیار

بجا خواهد بود که علاقه‌مندان به این قسمت به مقاله مزبور مراجعه و در صورت تمایل به کسب اطلاعات بیشتر از کتابها و مآخذ مذکور در آن مقاله استفاده فرمایند. و همچنین حضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ زین العابدین سرخه امام جماعت مسجد امامزاده یحیی و حضرت مهندس عبدالرزاق خان بغایری و دانشمند گرامی آقای سید محمد محیط طباطبائی در این قسمت اطلاعات و تحقیقاتی دارند که امیدوار است با جمعی آوری تمام آنها و استفاده از مقاله فاضلانه آقای شاه حسینی این تحقیق مفید به مرحله نهائی آن برسد.

با توجه به مراتب بالا و برای احتراز از تکرار مطالبی که آقای شاه حسینی زحمت تحقیق و انتشار آن را تحمل فرموده‌اند به منظور اصلی خود یعنی نقل نوشته‌های تاریخی بقعه مزبور می‌پردازیم:

بر روی در قدیمی بقعه که چندان بزرگ نبوده در داخل چارچوب قدپای آن ۱/۵۵ متر به پهنای ۰/۷۷ متر می‌باشد علاوه بر منبت کاری اشکال ستاره هشت پر و چلیپا روی دو لوحه پائین دو لنگه در، در دو کتیبه کوچک بخط ثلث نوشته‌اند که خط اطراف آن را کشیده ولی منبت کاری آن را به اتمام نرسانیده‌اند. دو کتیبه مزبور بدین قرار است:

روی لوحه لنگه راست: بنده درگاه قرا بشاره

روی لوحه لنگه چپ: معمار العماره دیو حسن

بنابراین بانی بقعه خشتی قدیم، شخصی بنام قرا بشاره بوده ساختمان آن به معماری دیو حسن نام انجام گرفته است. «قرا» که به ترکی معنی سیاه می‌دهد در قدیم جلو اسم غلامان ذکر می‌شده بدین قرار غلامی که «بشارت» نام داشته بانی این بنای متبرک خشتی بوده است. کلمه «دیو» هم در نواحی مازندران مخصوصاً قسمت سواد کوه در قدیم جلو اسم ذکر می‌شده در نام خانوادگی هم بکار می‌رفته است و معنی بزرگ می‌دهد.

بر روی بدنه‌های اطراف صندوق مرقد امامزاده یحیی که طول و عرض و ارتفاع آن به ترتیب ۲/۰۵ متر در ۱/۰۶ متر در ۱/۱۸ متر می‌باشد مانند صندوقهای نظیر آن کتیبه‌های متعدد قرآنی و تاریخی وجود دارد و ذیلاً برای اطلاع خوانندگان گرامی به ذکر آنها می‌پردازیم:

۱- حاشیه بالای بدنه صندوق به خط ثلث برجسته مشتمل بر چند آیه سوره فتح از ابتدای سوره تا آخر آیه ششم (و ساءت مصیرا) بوده، پس از ختم آیه ششم و ذکر دو کلمه صدق الله در دنباله حاشیه از وسط ضلع شمالی چنین مرقوم رفته است: «هذه البرة والمقبرة یحیی بن زید الحسن بن امیر المؤمنین علی علیه السلام» و در دنباله آن در ضلع شرقی صندوق کتیبه زیر مسطور است: «قد امر بنحت هذا القبر خلاصة الملوك والسلاطین عضدالدوله ملک شاه غازي - ایدالله دولته - ابن المرحوم مغفور ملک شاهرخ - نور قبره تقرّباً الى الله تعالى». معلوم می شود شاهرخ پادشاه معروف سلسله تیموری (۸۰۷-۸۵۰ هجری) که خود و همسرش گوهرشاد خاتون از بانیان خیر بوده اند مسجد گوهرشاد مشهد و مسجد مولانا در سر مرقد زین الدین ابوبکر تایبادی در تایباد (که به غلط طبّیات می گویند و می نویسند) در نزدیک مرز افغانستان، و مدرسه غیاثیه در خرگرد خراسان، و قسمتهائی از مسجد جامع ورامین از آثار زمان وی و از ابنیه تاریخی مهم ایران است دارای فرزندی بنام عضدالدوله ملک غازي بوده که بر قسمتی از ایران فرمانروائی می کرده و تهران هم جزئی از قلمرو امارت این شاهزاده بوده است و عبارت صندوق نیز نمی رساند که مشارالیه پادشاهی رسیده باشد و سکه هم بنام او تا کنون دیده نشده و همان طور که آقای شاه حسینی در مقاله خود مرقوم فرموده اند در هیچیک از کتب تاریخی مربوط به شاهان تیموری از ملکشاه غازي نامی نبرده و تنها روی صندوق متبرک امامزاده یحیی (ع) در تهران نام این شاهزاده دیده می شود و در نتیجه صندوق مزبور حاوی اطلاع تاریخی مفید و بی سابقه ای هم هست.

۲- حاشیه پائینی صندوق هم مشتمل بر آیات ۸۳ تا ۹۰ از سوره انعام بوده پس از ختم آیه اخیر (قومالبسوابها کافرین) این عبارت ذکر شده است: «عمل استاد حسین و اخوه محمّد بن حسن لباسانی»

بر حاشیه چهارطرف سطح فوقانی صندوق، صلوات کبیر یعنی صلوات بر چهارده معصوم بهمان ترتیب مرقوم رفته پس از جمله صلوات الله علیهم اجمعین عبارت زیر مرقوم گردیده است: «تمام شد در تاریخ شهر ربیع الآخر سنه خمس و تسعین و ثمان مائه». بطوری که ملاحظه می شود تاریخ صندوق که قدیم ترین تاریخ موجود از آثار بقعه قدیمی امامزاده یحیی است ۸۹۵ یعنی ۹ سال جدیدتر از در قدیمی بقعه سید اسماعیل می باشد که در شماره سابق این مجله بعرض خوانندگان عزیز رسید^۱. و

۱- مقصود اطلاعات ماهانه شماره ۷ بتاریخ مهرماه ۱۳۲۹ است.

سازنده صندوق نیز ظاهراً همان استاد حسین پسر استاد حسن نجار لواسانی سازنده در قدیمی سید اسماعیل است که با همکاری برادر خود محمد صندوق امامزاده یحیی را ترتیب داده‌اند.

ناگفته نماند که از سه صندوق عتیقه در سه امامزاده تهران، قدیم‌تر و زیباتر از همه همین صندوق امامزاده یحیی (ع) است که رنگ آمیزی قدیمی آن هم بسیار جالب بوده و بصورت خوبی محفوظ مانده است.

اینک به آثار نوشته دیگری که در بقعه امامزاده یحیی بدست آمده و اکنون دیوار دو اتاق موزه و کتابخانه آنجا را زینت می‌دهد تا حدی که مفید فایده بنظر می‌رسد اشاره می‌شود:

لوحة برنجی کوچک شش گوش بطول ۲۳ سانتی متر و عرض ۱۶ سانتی متر هنگام پی برداری بقعه فعلی در سردابه‌ای که از شن و مصالح زاید پر شده بود بدست آمد که با عباراتی غیر فصیح و کمی مغلول زیارت نامه حضرت امامزاده یحیی بخط نسخ نامرغوب بر آن نقر گردیده و تصور می‌رود مربوط به اواخر عهد صفویه باشد.^۱

لوحة کاشی فیروزه رنگ بطول ۴۴ و عرض ۲۹ سانتی متر با خطوط کوفی و نسخ برجسته که قدیم‌ترین و زبده‌ترین آثار موزه امامزاده یحیی بشمار می‌رود. این لوحه در پائین قسمت خارجی دیوار خشتی غربی بقعه قدیمی نصب بود و مانند صندوق و در عتیقه مورد بحث در مدت فترت دو سال که از خرابی آن بقعه گذشت تا هنگامی که بقعه جدید احداث گردید در موزه ایران باستان نگهداری می‌شد اطراف آن حاشیه‌ای شامل آیه مبارکه اِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ^۲ تا آخر آیه و هم راکعون می‌باشد اهل اطلاع می‌دانند که این آیه مبارکه قبل از قوت یافتن و علانیه شدن مذهب شیعه در ایران بر الواح و روی انبیه‌ای که مربوط به مقابر بزرگان شیعه بود مرقوم و نصب می‌شده است.

در قسمت پائین و وسط این لوحه کاشی بخط نسخ کلماتی که معرف شخص متوفی مربوط به آن است نوشته شده که بر اثر گسترده شدن لعاب کاشی درست خطوط آن مشهود نیست و بزحمت زیاد کلمات زیر را در آن می‌توان تشخیص داد: «... ابوالوفابن ابوالقاسم بن ابوالعلاء (?) سنه ثمان و عشرين وست مائه».

۱- مؤلف در حاشیه این قسمت با خود کار سیاه اضافه کرده: «متن زیارت نامه را روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۴/۲۸

یادداشت کردم».

۲- از آیه ۶۰ سوره مائده.

به شرح بالا لوحه مزبور مربوط به یکی از شخصیت‌های مذهب شیعه است که در سال ۶۲۸ یعنی بین بیست تا بیست و پنج سال بعد از دفن حضرت امامزاده یحیی (ع) در جوار تربت آن حضرت مدفون شده است.

سه لوحه کاشی مستطیل که قسمت بالای آنها نوک تیز است و هر کدام کمی بیشتر یا کمتر از ۳۵ سانتی متر طول و بین ۲۴ و ۲۷ سانتی متر عرض دارد ضمن تسطیح زمین ورزش مجاور بقعه بدست آمده است. بر این سه لوحه اشعاری به خط نستعلیق به رنگ آبی یا سیاه بر متن سفید مرقوم رفته و در قسمت بالای آنها یک جا تصویر رحل و دوات و قلم و قلمدان رسم گشته و روی دو لوحه دیگر که مربوط به دو زن نوجوان می باشد تصاویر شانه و انگشتر و صندوق و تزیینات مربوط به جهیزیه دختران نقاشی شده است و از نشاط و شادابی مردم تهران که چنین کاشی‌های زیبایی تهیه و نقاشی می کرده‌اند در قرن ۱۱ هجری حکایت می نماید.

یکی از این سه لوحه مربوط به (تقوی شعاری صلاحیت آثاری مولانا محمدرضا بن المرحوم مولانا عبدالشکور) بوده تاریخ آن شهر شعبان المعظم ۱۰۴۴ هجری است. دو لوح دیگر مربوط به دو بانوی جوان است یکی (عصمت دستگاه پری زادخانم بنت قلیج خان بیک شاملو) به تاریخ شهر شعبان ۱۰۴۹ و عنوان خانم دیگر (ستیره صالحه شاه خانم) به تاریخ ربیع الاول ۱۰۵۷ ذکر گشته است.

در پایان این بخش از نظر وظیفه اخلاقی و ادای حق کسانی که در احترام به معتقدات دینی و حفظ آثار گذشتگان خدمت بی‌ریا و بدون تظاهر می کنند مناسب است گفته شود که تجدید قسمت اصلی بنای مجدد بقعه امامزاده یحیی با توجه به این که نگارنده اطلاع کافی از نزدیک به این موضوع داشته و دارم مرحوم علاقه مرحوم محمد علی فروغی (ذکاء الملک) نخست وزیر وقت ایران و جدیت مخصوص جناب آقای دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ وقت (آبان ۱۳۲۰) و جرارت و ایمان کامل جناب آقای اسکندر پاسدار رئیس حسابداری وقت وزارت فرهنگ بود که با وجود اتمام اعتبارات مبلغی که با آن ساختمان مزبور را بخد لازم بتوان ساخت فراهم نمودند و شادروان حاج عباسعلی معمار با کمال عقیده و اخلاص قلبی استادانی چون خود را به تجدید این ساختمان گماشت و نظر معتقدین این آستانه را به نحو احسن تأمین نمود تا امروز که با مساعی مخصوص آقای نام‌آور ملحقات و تزیینات آن متدرجاً انجام گردیده و اکنون از زیارتگاههای بسیار مهم پایتخت کشور ایران شده و وزرای متعدد فرهنگ و بسیاری

بزرگان قوم نیز بیش از پیش به آن عنایت و توجه می فرمایند. با امیدواری به موفقیت روزافزون کسانی که تنها از نظر وظیفه ملی و مذهبی در راه حفظ و تعمیر این ابنیه مساعدت و خدمت می کنند بیش از این در باره بقعه امامزاده یحیی وقت خوانندگان عزیز را نمگیرد و در نظر دارد در آینده اسناد نوشته بقعه امامزاده زید(ع) را که آن هم از آثار قبل از صفویه در تهران می باشد به اطلاع علاقه مندان برساند.

بقعه امامزاده زید(ع)

در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۱۵ ذیل شماره ۲۵۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

[این بقعه] در محله بازار واقع گشته و طبق کتیبه های آن، بنای کنونی از آثار زمان فتحعلیشاه قاجار و مورخ به ۱۲۴۵ هجری است و در زمان ناصرالدین شاه قاجار به سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ هجری تزیینات و الحاقات و آئینه کاری آن به سفارش کامران میرزا نایب السلطنه صورت گرفته است. اثر قدیمی آن صندوق مثبت عتیقه است که بنا بر نوشته های آن در سال ۹۰۲ هجری ساخته شده. بانی آن خواجه قنبرعلی بن محمد زرین طهرانی و سازنده آن استاد حبیب و استاد احمد لواسانی بوده اند. در سال ۱۳۱۸ شمسی، وزارت فرهنگ و حجرات اضراف آن را به ساختمان دبستان نوبنیاد حافظ تبدیل نمود و تعمیرات بقعه را صورت داد و گنبد آن را هم در ۱۳۱۹ کاشی کاری کرد. لطفعلی خان زند شهریار جوان زندیه که در سال ۱۲۰۹ شمسی بسن ۲۲ سالگی به امر آقا محمد خان قاجار در تهران مقتول شد در مجاور بقعه بخاک سپرده شده است.



مدخل حرم سید اسماعیل



در منبت کاری عتیقه مویخ به سال ۸۸۶ هجری در داخل حرم سید اسماعیل



ضریح سید اسماعیل



گل‌مستة جنوبی سید اسماعیل



پنجره کاشی و چلچراغ در قسمت بالای ایوان سید اسماعیل



ایوان بزرگ بقعه سید اسماعیل که با همه متعلقات دیگر بقعه مزبور در ۱۲۶۱ هجری ساخته شده است



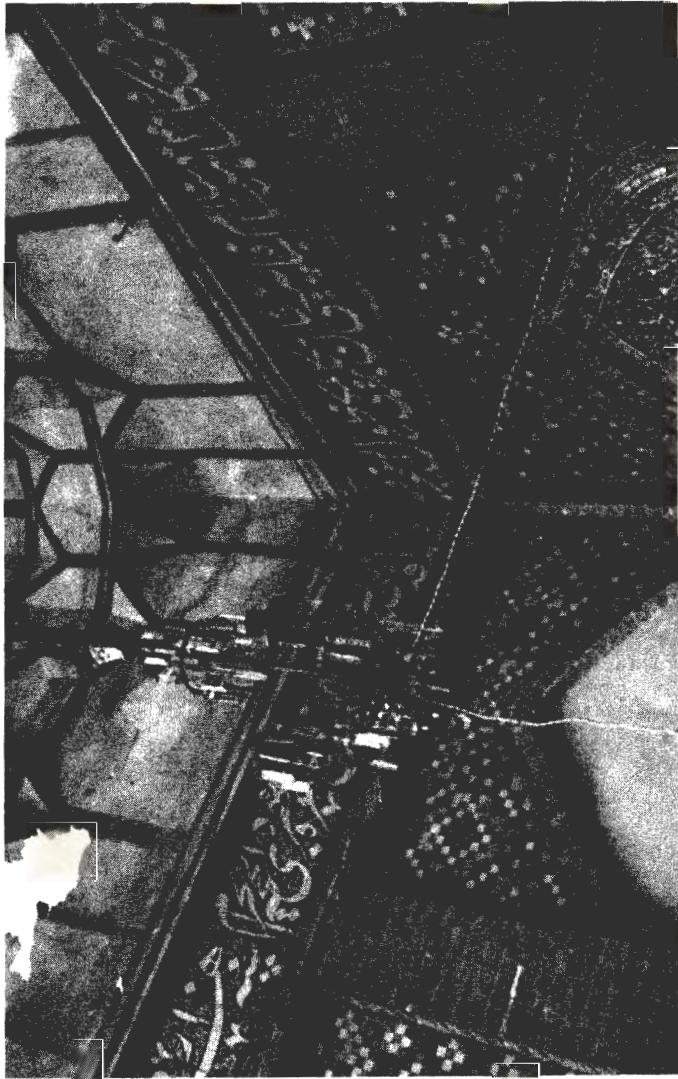
نفر دوم از سمت راست عیسی خان بیگلر بیگی بانی بقعه فعلی سید اسماعیل است. این تصویر در حدود سالهای ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۳ قمری ضمن سایر تصاویر صرفاً سلام تالار نظامیه سابق معروف به آقانه که اخیراً منهدم گردید ترسیم شده است. عنوان این شخص خیر در روی تصویر بالا امیرالامراء العظام عیسی خان بیگلر بیگی، ذکر شده است.



تصویر نقاشی موجود در امامزاده سید اسماعیل



نمای دیگری از امامزاده سید اسماعیل



کتیبه نستعلیق روی خشت کاشی در ایوان سید اسماعیل



نمای عمومی امامزاده سید اسماعیل



نفر هشتم از سمت راست تصویر مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه بانی آب انبار بزرگ سید اسماعیل است (از نقاشیهای صف سلام تالار نظامیه سابق ۱۲۷۰-۱۲۷۳ هجری).



گنبد امامزاده یحیی (ع) در حال تعمیر



قسمتی از کتیبه صندوق امامزاده یحیی (ع) که نام ملکشاه غازی بانی صندوق را دربردارد.

انتهای کتیبه سطح فوقانی صندوق امامزاده یحیی (ع) که سال تاریخ ساختمان آن ۸۹۵ را ذکر مینماید





نمائی دیگر از امامزاده یحیی (ع)



بقعه امامزاده یحیی (ع) پس از خاتمه تزئینات خارجی. استادان و کارگرانی که مشغول کارهای تزئینی داخل بقعه هستند جلو بقعه ایستاده‌اند.



صندوق عتیقه و نفیس امامزاده یحیی (ع)



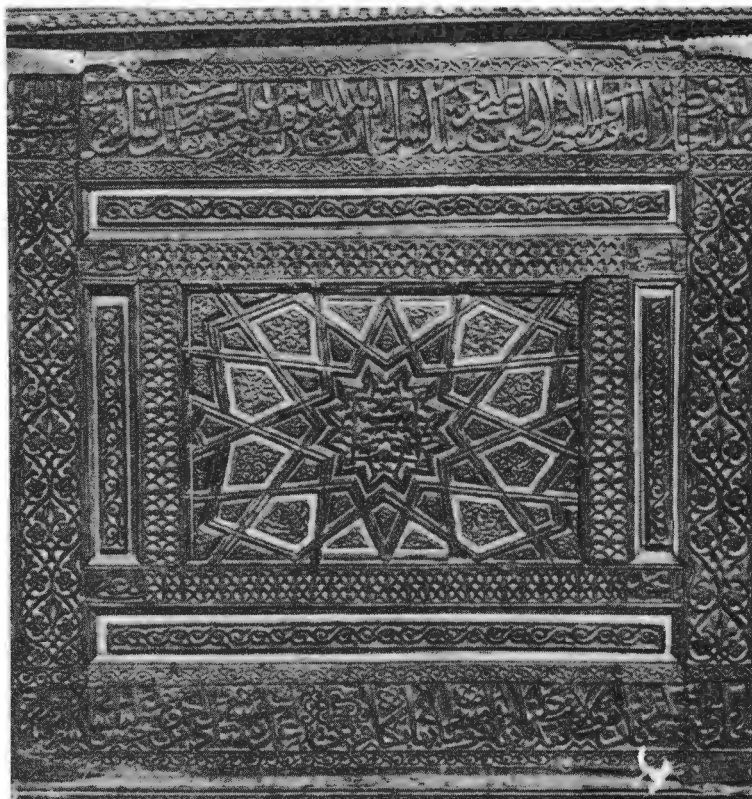
بدنه شمالی صندوق امامزاده یحیی (ع)



بقعه امامزاده یحیی (ع) بعد از تجدید ساختمان



یکی از درختان چنار کهنسال نزدیک امامزاده یحیی (ع) که وزارت فرهنگ برای جلوگیری از شکستن نیمی از تنه آن با کلافهای آهنین بالای درخت را کلاف بندی نموده است.



طرف پائین پای صندوق امامزاده یحیی (ع)



یکی از سه لوحه کاشی عصر صفویه در موزه امامزاده یحیی که بنام پریزاد خانم و مورخ به سال ۱۰۴۹ می باشد.



قسمتی از آینه کاری داخلی بقعه امامزاده یحیی (ع)



قسمتی دیگر از آینه کاری داخل بقعه امامزاده یحیی (ع)



لوحة كاشی فیروزه فام امامزاده یحیی (ع) مؤرخ به سال ۶۲۸ هجری



در عتیقه منبت کاری بقعه قدیمی امامزاده یحیی (ع)



درب امامزاده سید اسماعیل

نوشته‌های تاریخی

در آثار متبرکه تهران قدیم و خارج شهر

امامزاده زید (۹۰۲ هجری)

سومین بقعه متبرکه تهران از نظر سال تاریخ موجود در آن و معظم ترین تمام زیارتگاههای داخل شهر، بقعه امامزاده زید (ع) است که در محله بازار در انتهای جنوبی بازار بزازان معروف به «بازار امیر» بین چهار سوق کوچک و انتهای بازار ارسی دوزان قرار دارد.

این بقعه بطوری که از تاریخ صندوق عتیقه آن بر می آید مانند بقعه‌های سید اسماعیل و امامزاده یحیی (ع) پیش از دوران سلطنت سلسله شاهان صفویه در تهران دایر بوده است و مانند دو بقعه مزبور در طول مدتی که تهران پایتخت شده و شهر وسعت و اهمیت روز افزون یافته است بنای قدیمی آن را برداشته بنای کنونی را بجای آن ساخته‌اند. شهر یار جوان و ناکام سلسله زندیه یعنی لطفعلی خان زند رقیب سرسخت و دلاور آغامحمدخان قاجار که به فجیع ترین وضعی مورد کینه تیزی سر سلسله قاجاریه واقع و مقتول شد در مجاورت همین بقعه مدفون گردیده است و اداره گل باستان شناسی ضمن تعمیرات و اصلاحاتی که در بنای مزبور به عمل آورد لوحه‌ای از سنگ مرمر بنام این پادشاه تهیه و نصب نمود که متن کتیبه آن در همین قسمت بعرض خوانندگان

گرامی خواهد رسید. برای اینکه مراحل مختلف ساختمانی و تغییر و تبدیلاتی را که در بقعه امامزاده زید (ع) حاصل شده است بهتر بتوان درک نمود به منظور اصلی یعنی نقل کتیبه‌های تاریخی قسمتهای مختلف بنا پرداخته هر کجا مناسب بنظر برسد مطالب مورد افاده را توضیح خواهم داد.

بر روی صندوق عتیقه مرقد امامزاده زید (ع) دو حاشیه افقی یکی در بالای چهار بدنه صندوق و دیگری در پائین چهار ضلع آن تعبیه شده است. حاشیه بالائی حاوی کتیبه‌ای است که آنرا به خط ثلث بطور برجسته منبت کاری کرده اند و مشتمل بر دو آیه اول آیه الکرسی (آیات ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره) از قرآن مجید بوده بعد از کلمات سمیع علیم که انتهای آیه دوم مزبور باشد چنین نوشته شده است: «صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم» و در دنباله آن این جمله بر حاشیه بالائی ضلع غربی صندوق مرقوم گردیده است: «تحریر آفی خامس شهر الله رجب المرجب سنة اثنی و تسع مائه هجرية النبوة علیه افضل الصلوات». بدین قرار صندوق مزبور در سال ۹۰۲ هجری یعنی پنج سال قبل از رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و جلوس رسمی شاه اسماعیل اول سر سلسله شاهان صفویه و یک سال پیش از اینکه شهر یار مزبور اصولاً قیام کند و بهوای سلطنت برخیزد ساخته شده است و بنا براین بطور یقین پیش از آن موقع هم بقعه امامزاده زید تهران در حاشیه شمالی کنار شهر تهران قدیم وجود داشته زیارتگاه ساکنین پانصد سال پیش مردم این شهر بوده است.

بر روی حاشیه پائینی صندوق در هر طرف یک کتیبه بخط ثلث بر روی ترنجی طویل بطور برجسته نوشته شده که اطلاعات مفیدی در باره صندوق و بانی آن بدست می دهد بدین قرار:

بر ضلع شمالی: هذه البرثة المقبره امام زاده سید زیدین زین العابدین بن حسین بن علی علیه السلام.

بر ضلع شرقی یعنی طرف پائین پا: عمل زبدتی الصنائین استاد حبیب و استاد احمد نجار الباسانین.

بر ضلع جنوبی نام بانی صندوق بدین ترتیب معرفی شده است: وقف نمود جناب عمده الصواحب فی الزمان بانی مبانی الخیرات خواجه قنبر علی بن محمد زرین کمر الظهرانی ادام توفیقه.

عنوان زرین کمر که در این کتیبه ذکر گردیده است و مقایسه آن با نامهای

خانوادگی زرّین کفش وزرّین نعل وزرّین قلم و امثال آن که در روزگار ما انتخاب شده است می‌رساند که ساکنین شهر کوچک وزندۀ تهران قدیم در پنج قرن پیش هم از ذوق و قریحۀ خداداد بهره کافی داشته‌اند.

در حاشیۀ ضلع پائین ضلع غربی صندوق یعنی طرف بالا سر و بر حاشیه‌هایی که بطور عمودی در جوانب شمالی و جنوبی صندوق قرار دارد احادیث نبوی و جملات (انامدنیة العلم و علی بابها) و (نادعلی) الخ بهمان ترتیب مرقوم رفته است و بین کتیبه‌های مزبور این حدیث بر روی یکی از دو حاشیه ضلع شمالی نوشته شده است: «قال التّبیّ صلی الله علیه و سلم من اشبع جایع حرم الله علیه التّار»^۱ (پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید هر کسی گرسنه‌ای را سیر کرد پروردگار آتش را بر او حرام فرمود).

از انتخاب این حدیث و یاد آوری آن که فقط در روی صندوق فوق ذکر نموده‌اند نیز می‌توان نمونه‌ای از روحیات و معتقدات مردم پانصد سال پیش تهران را درک نمود.

از صندوق که بگذریم سایر قسمتهای بقعۀ امامزاده زید تماماً از آثار دورۀ قاجاریه است و قبل از سال ۱۳۱۸ که وزارت فرهنگ صحن بقعۀ مزبور و حجرات اطراف آن را که در مرکز بازار تهران صورت بسیار ناپسندی پیدا کرده بود برای احداث دبستان جدید البنای حافظ انتخاب نماید هر شخص علاقه‌مند به ابنیۀ مذهبی و آثار ملی وقتی وارد صحن می‌شد بواسطۀ مشاهده اوضاع اسفناک داخل صحن و حجرات آن رغبت چندانی به زیارت و دخول در حرم بقعه پیدا نمی‌کرد لکن اکنون درختان کهن و محوطه صحن در عین حال که صحن قدیم و اصلی بقعه محسوب می‌گردد حیاط آبرومند دبستان حافظ که از نظر سبک ساختمان و نمای خارجی و سایر جهات کاملاً مناسب با مجاورت این بقعه هست نیز می‌باشد و نمای اصلی بقعه و حجرات متصل به حرم با ایوان بزرگ آن بصورت قدیمی نگهداری و تعمیر و اصلاح شده در طرف مغرب محوطۀ مزبور شکوه و جلوه خود را بخوبی حفظ نموده است.

این صحن و ایوان و حجرات در زمان سلطنت ناصرالدین شاه احداث گردیده کتیبه ایوان بزرگ بقعه را که مربوط به ساختمان آنها است بعداً ذکر می‌کنیم و چون تجدید ساختمان حرم و گنبد که بسیار بنای مستحکم و اساسی می‌باشد در زمان فتحعلی شاه انجام گرفته است قبلاً بذکر کتیبه مربوط به حرم می‌پردازیم.

در بالای دیوار حرم کتیبه‌ای از خشتهای کاشی لاجوردی رنگ با خط ثلث سفید و

گل و بوته قرمز و سبز و اسلیمیهای نازک طلائی قرار دارد که مشتمل بر سوره دهر (هل اتی) بوده پس از پایان سوره مزبور در گوشه شمال غربی حرم این اشعار بخط نستعلیق نسبتاً ریز در ۶ سطر مرقوم رفته است:

به عهد خسرو صاحب قران دارای دین پرور
 سلیمان دویم فتحعلی شه ظل یزدانی
 قوام ملک شاهنشاه جناب آصف الدوله
 شد این محکم بنای دیرپارا از همم بانی
 پی تاریخ اول سال بنیادش خرد گفتم
 بپاشد کعبه اول به حکم آصف ثانی
 به حساب ابجد سال تاریخ فوق ۱۲۴۵ می شود که پنج سال پیش از پایان
 سلطنت فتحعلی شاه باشد.

قسمت داخل بنائی را که در همین سال ۱۲۴۵ تجدید ساختمان نموده اند نقاشی بوده آثار آن هنگامی که در سال ۱۳۲۵ شمسی اداره کل باستان شناسی دست بکار تعمیر و تجدید آینه کاری فعلی در داخل حرم زد مشهود گردید و معلوم شد در خلال سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ قمری که صحن و ایوان و تزیینات خارجی بقعه به سفارش کامران میرزا نایب السلطنه انجام شده داخل بقعه را نیز آینه کاری نموده اند. بین حرم و ایوان اصلی در خاتم زبائی نصب نموده اند که بر لنگه راست آن کتیبه کوچک نستعلیق با استخوان مشتمل بر این عبارت نوشته شده است: «صانع استاد کریم شیرازی ساکن دارالخلافه ۱۳۰۱».

در ایوان بزرگ بقعه کتیبه ای به خط نستعلیق درشت برخشت کاشی زمینه لاجوردی وجود دارد و این مطلب در آن ذکر شده است که بعهد ناصر الدین شاه ایوان صحن حضرت زید بن علی بن الحسین - علیه السلام - به امر شاهزاده اعظم امیر کبیر نایب السلطنه کامران کامکار صورت یافت و در پایان کتیبه به خط ریز چنین نوشته است: «عمل استاد مهدی ولد مرحوم استاد علی کاشی پزسنه ۱۲۹۷».

صحن بزرگ قدیم چون با احداث دبستان برای زائرین قابل استفاده نبود لهذا اداره کل باستان شناسی با مطالعات کافی و توجه به جهات مختلف صحن کوچک مناسبی از طرف بازار خیاطان در جنوب بقعه احداث نموده از صحن مزبور به دهلیزی جدید البنا و از آنجا به اطاق جنوبی حرم وارد می شوند و از اطاق اخیرالد کر بداخل حرم می روند.

این اطاق دارای آینه کاری بسیار شیوایی بوده بواسطه حریق و بی مبالائی کاملاً کدر و تاریک شده است و تعمیر و تجدید آئینه کاری آن خصوصاً که به شرح بالا مدخل بقعه برای زائرین خواهد بود در دست عمل می باشد. مقبره حاجیه شاهزاده جهان سلطان خانم دختر خاقان مغفور فتحعلی شاه مورخ به سال ۱۳۱۲ در وسط همین اطاق واقع گشته مدفن شاهزاده فتحعلی خان فرزند هفت ساله کامران میرزا که امیر توپخانه بوده! و بر سنگ قبر بسیار زیبایی آن تصویر برجسته طفل مزبور با لباس امیری توپخانه و حمایل و شمشیر و غیره حجاری گردیده و اشعاری در مرثیه او روی سنگ نوشته اند و مربوط به سال ۱۳۱۰ قمری است نیز بر دیوار جنوبی اطاق نصب می باشد.

لوحه مربوط به فتحعلی خان شهریار جوان و دلاور زندیه بر دیوار ایوان شرقی جلو همین اطاق بر دیوار نصب شده کتیبه زیر درده سطر بر آن مرقوم رفته است.

«هوالباقی»

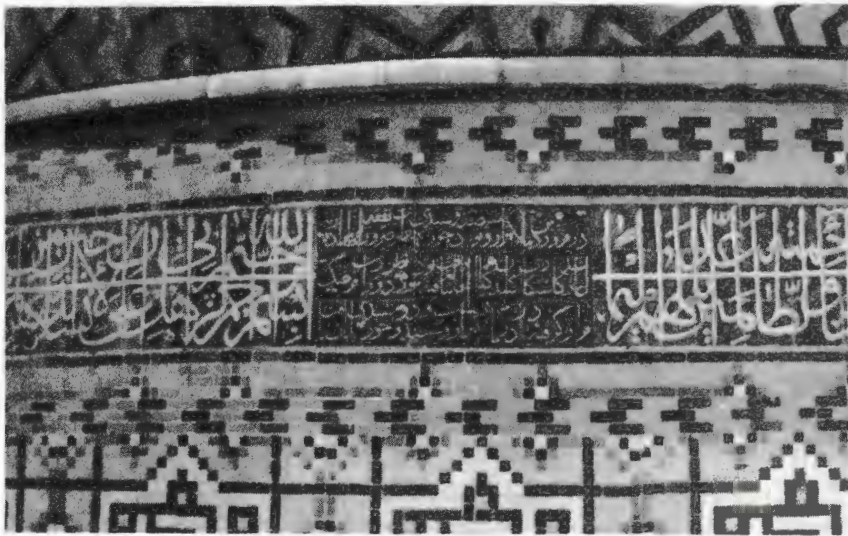
لطفعلی خان زند فرزند دلاور محمد جعفر خان نواده برادری کریم خان وکیل آراغایا سر سلسله زندیه است که تولدش در حدود سال هزار و صد و هشتاد و هفت هجری اتفاق افتاده در روزگار پادشاهی محمد جعفر خان، لطفعلی خان مأمور خطه لارو سواحل خلیج شد چون پدرش بقتل رسید به پایتخت آمد و آنجا را در بهار سال هزار و دو یست و سه هجری از مدعیان سلطنت خالی نمود و خود در همان تاریخ به پادشاهی نشست و تاریخ الثانی سال هزار و دو یست و نه هجری سلطنت نمود تا آن که در پنجم ربیع الثانی سال هزار و دو یست و نه هجری در بم بدست حکمران آنجا گرفتار و کور گردید طولی نکشید که خان نایبای زند در تهران مابین ماههای جمادی الاخری و رجب سال هزار و دو یست و نه هجری در سن بیست و دو سالگی بقتل رسید و سپس در امامزاده زید تهران بخاک سپرده شد. به تاریخ آبان ماه هزار و سیصد و نوزده خورشیدی».

آخرین کتیبه ای که ذکر آن در این مقاله مناسبت دارد کتیبه کمر بند خارجی گنبد است. توضیح آن که در هنگام شروع تعمیرات بقعه امامزاده زید در سال ۱۳۱۹ معلوم شد کتیبه کاشی به خط ثلث سفید بر متن لاجوردی مشتمل بر سوره هل اتی یعنی همان سوره که در داخل گنبد مرقوم رفته است از زمان سابق تهیه شده خشتهای این کتیبه در بالای طاق بقعه و زیر گنبد (بین دو پوش) روی هم انباشته می باشد کتیبه مزبور مرتب و تکمیل و ضمن کاشی کاری گنبد در محل مناسب که بالای گردنی گنبد باشد نصب گردید و اکنون

در محل مزبور نمایان می باشد و در انتهای آن که به اندازه یک متر و یازده سانتی متر از حاشیه کمر بند باقی می ماند این جملات در سه سطر به خط ثلث سفید منتها ریزتر بر روی خشت لاجوردی مرقوم و نصب گردیده است:

«در فروردین ماه یک هزار و سیصد و نوزده خورشیدی که تعمیرات ضروری بقعه امامزاده زید آغاز شد کاشی کاری گنبد آن هم که تا آن وقت انجام نیافته بود مورد نظر وزارت فرهنگ قرار گرفته در آذر ماه یک هزار و سیصد و بیست و دو خورشیدی پایان یافت».

در پایان این بخش وظیفه خود میدانم به پاس مساعی کسانی که در تعمیرات صحیح و اناسی این بقعه تاریخی زحمت کشیده صمیمانه مجاهدت نموده اند نام شریفشان را ذکر نماید و در این باره همکار ارجمند و دوست دانشمند آقای نصرت الله و همچنین آقای صادق صمیمی معاون محترم باستان شناسی و مدیر انبیه تاریخی و شادروان حاج عباسعلی معمار و استاد اسدالله کاشی تراش هنرمند درجه اول فعلی شهر تهران که تجدید کاشی کاری پشت بغل بالای سردر مدرسه عالی سپهسالار نمونه و گواه غیر قابل رقابتی از کارهای اوست و همچنین استاد سید مصطفی کاشی کار اصفهانی هر یک به سهم خود بذل همت و جدیت فراوان نموده بقعه مزبور را آن طور که شایسته چنین بنای متبرک و ملی است بوضعی آبرومند در آورده اند و اکنون هم به امید تکمیل تعمیرات و اصلاحات آن با فراهم شدن موجبات کار به تصدیق خوانندگان گرامی خاتمه می دهد.



قسمتی از کتیبه کمر بند گنبد امامزاده زید (ع) با لوحه مربوط بتاریخ کاشی کاری اخیر گنبد مزبور



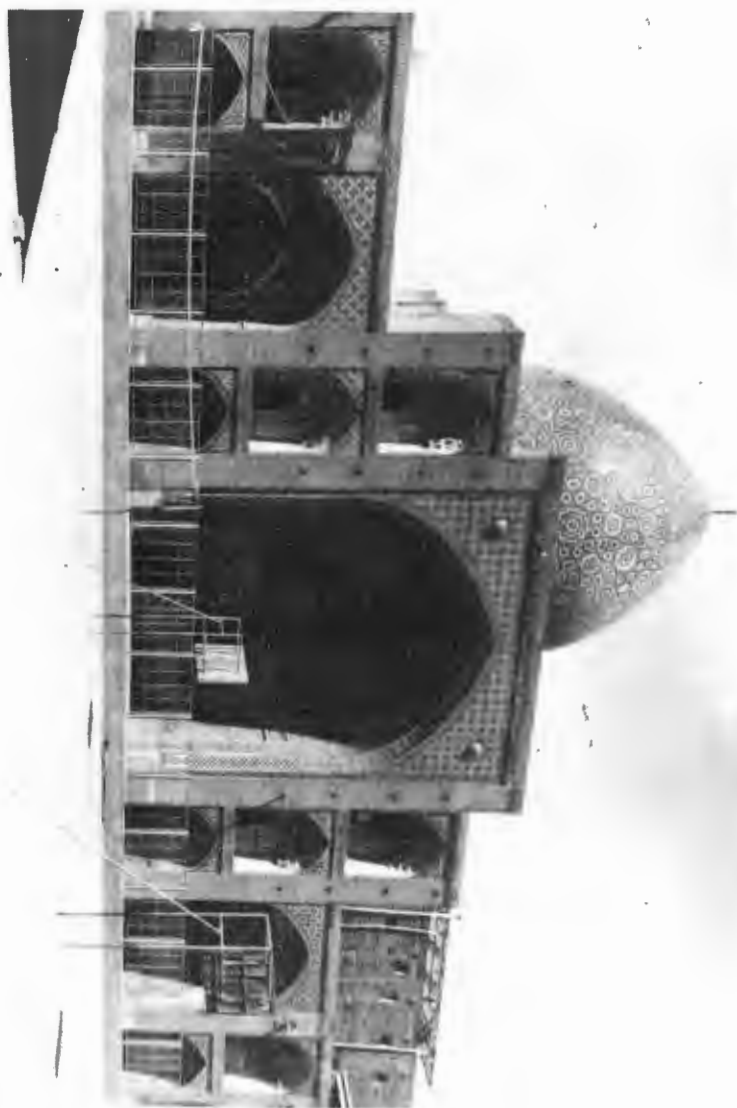
تصویر لطفعلیخان زند روی میناتور



کتاب روی صندوق امامزاده زید مشتمل بر نام قنبرعلی بن محمد زرّین کمر طهرانی واقف صندوق
لوحة مرمری مربوط به مدفن لطفعلیخان زند در ایوان کوچک امامزاده زید (ع) طهران



ایوان بزرگ امامزاده زید (ع) طهران



امامزاده زید (ع)



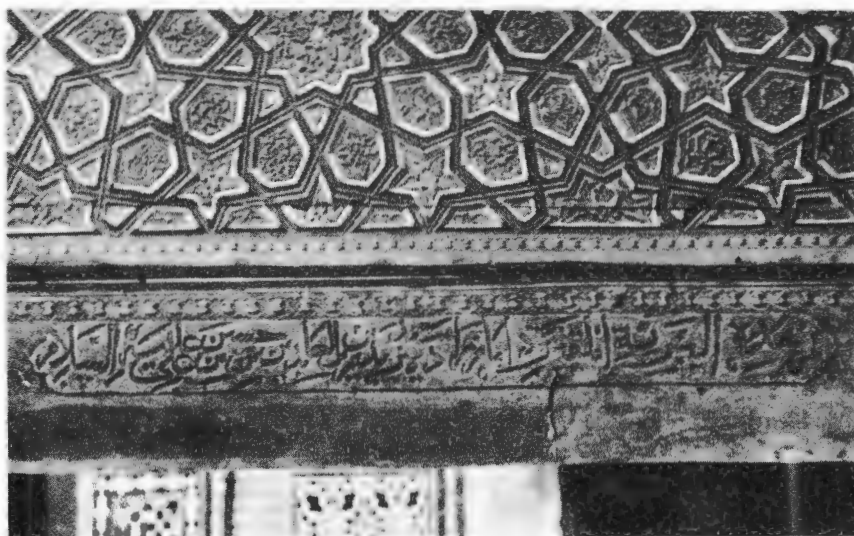
منظره بقعه امامزاده زید (ع) طهران از طرف شمال شرقی



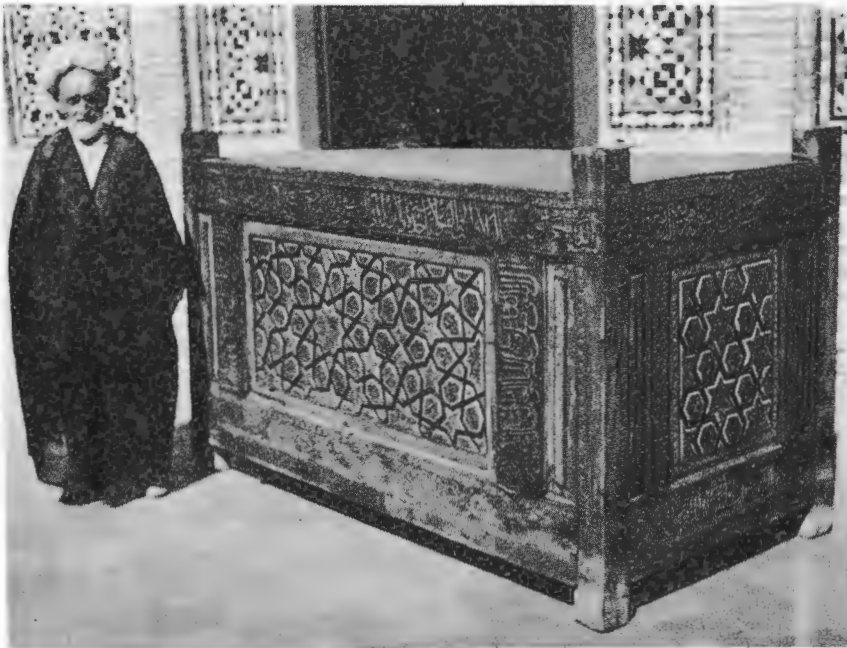
نمای دیگری از امامزاده زید



لوحة مرمری مربوط به مدفن لطفعلی خان زند در ایوان کوچک امامزاده زید (ع) طهران



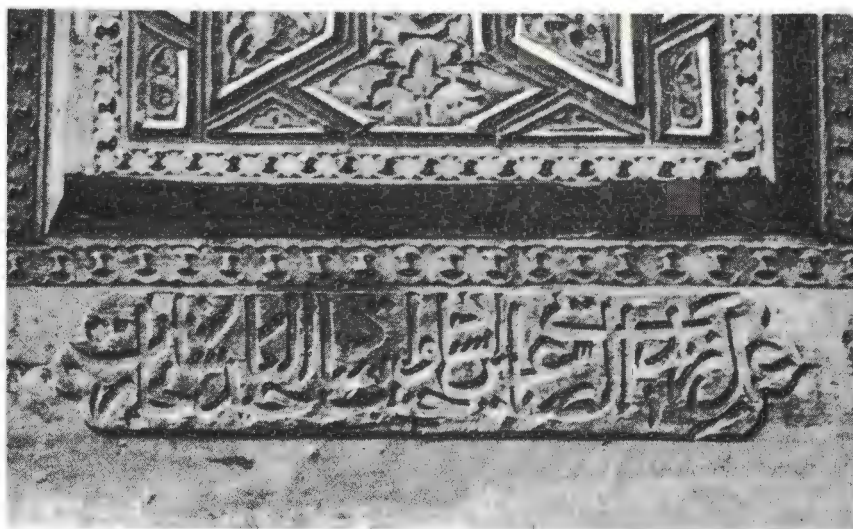
کتیبه نام امامزاده زید (ع) بر صندوق عتیقه آن



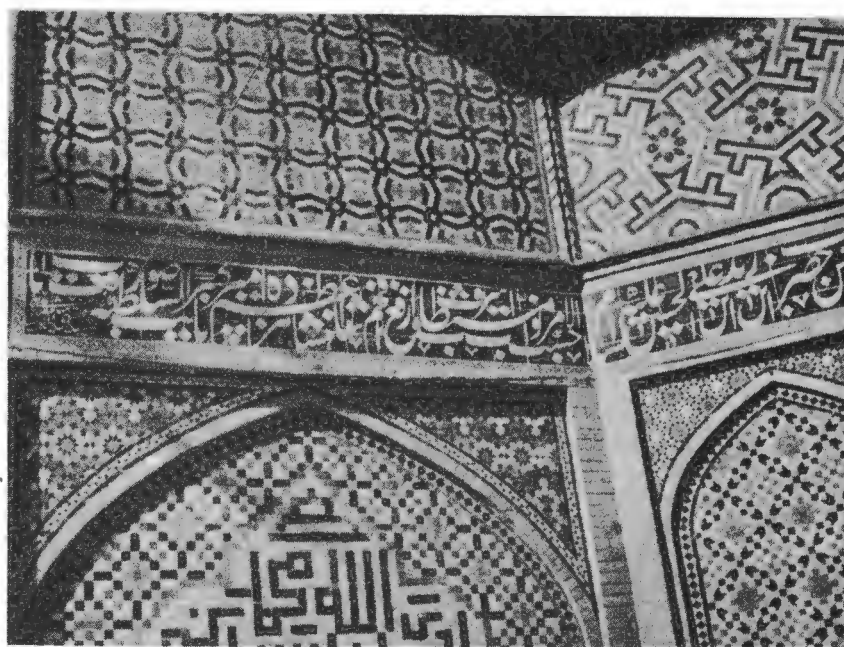
صندوق عتیقه امامزاده زید (ع) مورخ به سال ۹۰۲ هجری



کتیبه کاشی داخل حرم امامزاده زید (ع) بنام آصف الدوله که در سال ۱۲۴۵ هجری بنای جدید بقعه امامزاده زید را ساخته است



کتیبه روی صندوق امامزاده زید (ع) که نام سازندگان آن استاد حبیب و استاد احمد نجار لواسانی را دربردارد.



کتیبه ایوان بزرگ امامزاده زید (ع) بنام نایب السلطنه کامران میرزا مورخ به سال ۱۲۹۷

سید ناصرالدین

در کنار خیابان خیتام [بین میدان اعدام و چهار راه گلوبندک] واقع گردیده مشتمل بر بقعه هشت ضلعی قدیمی است که تصور میرود از آثار قرن نهم هجری باشد و طبق کتیبه های موجود در آن در ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ هجری که سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار باشد بدستور خانم منیرالسلطنه از محلّ دارائی مرحوم محمد ابراهیم خان وزیر نظام، رواق و صحن و آئینه کاری و کاشیکاریهای آن انجام گرفته است.

این بقعه منسوب بمدفن سید ناصرالدین — از فرزندان امام زین العابدین (ع) — است و کتیبه قدیم تر آن بر روی قطعه چوبی بالای ضریح جدید قرار دارد که می رساند حاجی میرزا تقی طهرانی در سال ۹۹۳ هجری بانی ضریح قدیمی بوده و استاد قطب الدین بن سیف طرشتی آن را ساخته است و امروز جز قطعه کتیبه مزبور چیزی از ضریح قدیمی باقی نیست.

بر اثر احداث خیابان خیتام صحن وسیع کاشی کاری این بقعه و درخت متبرکی که در آن بود از میان رفت و اینک فقط قسمت کوچکی از صحن در جلو ایوان و بقعه باقی است.

بقعه سید ولی، مسجد آذربایجانها و مدرسه شیخ عبدالحسین

یکی از امامزاده های بنام تهران که از ذکر آن غفلت شده و عاملی هم جز فراموشی نداشته است بقعه متبرک سید ولی در ضلع شرقی منها الیه بازار ارسى دوزان می باشد.

اراضی قبرستان سید ولی که موضوع و عامل مهمتی در ایجاد انقلاب مشروطه ایران گردیده است در مشرق آن در فاصله میان بقعه و ضلع غربی بازار ارسى دوزان قرار دارد و با وجود موقعیت مرغوب محلّ کماکان بوضع متروک و نامیمون باقی مانده است. تا سال گذشته حیاط بقعه بواسطه قهوه خانه نامناسبی که در گوشه آن دایر است

وضع ناپسندی داشت ولی بهمت عده‌ای از مردم مبتدین و جوانان فهمیده محل به خرج اهالی تعمیرات و اصلاحات بسیار خوب در این زیارتگاه به عمل آمده و در محل ایوان و رواق سابق مسجد جدیدی پشت ضلع جنوبی و شرقی حرم ساخته شد که موجب نهایت خوشوقتی علاقه‌مندان و باعث شکوه و آبرومندی بقعه گردیده است. در ضمن این اصلاحات فعلاً حیاط بقعه را بوسیله حائلی از سیم خاردار به دو قسمت کرده‌اند و راه ورود به بقعه منحصر به در غربی حیاط از سمت کوچه معروف به سیدولی گردیده است در صورتی که مدخل اصلی صحن از در جنوبی آن رو بروی مدرسه شیخ عبدالحسین می‌باشد و امیدوار است با ادامه همت اهل محل و همکاریها و مساعدتهای بسیار مفیدی که تاکنون از طرف اداره بازرسی کل اوقاف به عمل آمده است در جنوبی و اصلی بقعه مورد استفاده حقیقی خود واقع گشته وضع قهوه‌خانه مزبور نیز بطور قطع تغییر یافته و بالنتیجه اصلاحات صحن بقعه تکمیل گردد.

بنای بقعه هیچگونه نوشته و کتیبه ندارد که حکایت از قدیمی بودن آن نماید حرم مربعی دارد که هر ضلع آن تقریباً سه متر و نیم بوده و شاه‌نشینهایی به عمق دو متر یا دو متر و نیم بر وسعت حرم از چهار جانب می‌افزاید. ضریح چوبی سبزرنگی به طرح موسوم به «جعفری» بطول ۳ و عرض ۲ متر از آثار جدید عهد قاجاریه در اطراف مرقد قرار گرفته است.

صاحب مرقد در زیارت نامه آن «سیدولی بن محمدالتقی الجواد ابن باب‌الله الموتی منه و المأخوذ عنه» ذکر و معرفی شده است. وضع ساختمان بقعه می‌رساند که از اثنیه اواخر زمان فتحعلی شاه قاجار و مربوط به کمتر از صد و پنجاه سال قبل می‌باشد و آنچه از نام بقعه بر می‌آید بنای قدیم‌تری داشته و از سایر بقاع تاریخی تهران جدیدتر نبوده است منتها آن را باقی نگذاشته‌اند.

بر بالای در حرم تنها نوشته موجود در بنا بدین قرار خوانده می‌شود: «...بهر توقف شده بانی در استاد یوسف عمل استاد یوسف نجار تبریزی سنه ۱۲۹۸».

در شمال و مغرب حرم سیدولی مسجدی است که همزمان با سال بنای بقعه یا کمی قدیم‌تر بنظر میرسد و کتیبه کاشی آیه الکرسی حیاط مسجد که جدیدتر از بنای مسجد است مورخ به سال ۱۲۹۳ می‌باشد. به شرحی که گذشت مدخل اصلی بقعه سیدولی از طرف جنوب است و این مدخل مشرف به جلوخانی است که در ابتدای بازار

معروف به پاچنار از سمت بازار ارسی دوزان و امامزاده زید (ع) واقع گردیده آثار دیگر هم در جوانب آن ساخته اند که برای اطلاع مردم صاحب اندیشه ذکر آنها بی مورد نیست.

بر بالای سر در مسجد آذربایجانیان که در مجاورت مدرسه شیخ عبدالحسین و در ضلع جنوبی بازارچه وجلو خان سید ولی واقع گردیده است کتیبه قرآنی شامل آیه مبارکه انما یعمر مساجد الله... به خط ثلث غیر استادانه برخشت کاشی لاجوردی نگاشته شده است و در انتهای کتیبه مزبور این عبارت خوانده میشود: «...رقم حسین قولری آقاسی و به ثلث مرحوم میرزاتقی خان امیرنظام و به سعی مرحوم آشیخ عبدالحسین اتمام پذیرفت سنه ۱۲۷۰».

آنچه نگارنده استنباط می کنم در سال ۱۲۷۰ پس از آن که فاجعه قتل میرزا تقی خان امیرکبیر اتفاق افتاده بود طبعاً ارتباط خاندان سلطنتی قاجار که با زناشویی شاهزاده خانم عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه با فقید مزبور پیدا شده بود از هم گسست و بازماندگان قبلی آن فقید در تبریز بنا به وصیت او ثلث ما ترکش را برای امور خیریه اختصاص دادند و این امر منجر به احداث مسجد فعلی آذربایجانیان به سرپرستی و اهتمام مرحوم شیخ عبدالحسین مجتهد آذربایجانی در تهران گردید و شاید چون خوشنویسان مشهور بملاحظه رقیب زنده و موفق آن مرحوم از نوشتن کتیبه مسجد نامبرده خودداری داشتند حسین نام قولر آقاسی، کتیبه سردر را به خط نامرغوب نوشته است.

مسجد فوق دارای کاشی کاریهای عالی دوره ناصرالدین شاه و از آثار برجسته عصر قاجاریه در تهران است و حاشیه زیلوهای آن در شبستان زمستانی مورخ به سال ۱۲۷۸ و کتیبه شبستان بزرگ جنوبی و محراب آن مورخ به سال ۱۲۸۵ می باشد و بدین قرار بیش از پانزده سال بنای مسجد آذربایجانیان که منشأ اصلی آن ثلث ماترک مرحوم میرزاتقی خان امیر کبیر بوده به طول انجامیده است.

ناگفته نماند این همان مسجدی است که در همسایگی جنوبی آن منزل شاهزاده علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه پسر فتحعلی شاه واقع بود و شاهزاده مزبور طبق نظر مرحوم شیخ عبدالحسین و سایرین قسمتی از خمخانه خود را برای توسعه شبستان به مسجد واگذار نمود و این بیت را پیغام داد:

ببین سعادت میخانه مرا زاهد که چون خراب شود خانه خدا گردد^۱
 منزل شاهزاده اعتضاد السلطنه دری به شبستان مسجد آذربایجانیان داشت و بعداً
 هم به شاهزاده عبدالصمد میرزا عزالدوله برادر ناصرالدین شاه تعلق یافت و اخیراً آن را
 خراب کرده تیمچه‌های سه گانه رحیمیه را بجای آن ساخته‌اند که مرکز فروش فرش
 شده است و تصویر شاهزاده اعتضاد السلطنه در یکی از اطاقهای منزل مزبور که روی
 گچ بود بوسیله آقای حاج حسین آقا ملک خریداری و در کتابخانه ملک نگهداری
 گردیده است.^۲

در مغرب مسجد آذربایجانیان، مدرسه شیخ عبدالحسین که مربوط به همان شیخ
 عبدالحسین فوق‌الذکر است قرار دارد که در منبت کاری عالی آن از آثار ممتاز دوره
 قاجاریه بشمار میرود و درست روبروی در اصلی یعنی مدخل جنوبی سیدولی واقع
 می‌باشد.

مطابق کتیبه‌های نستعلیقی که بر آن بطور برجسته نوشته‌اند این در به سال
 ۱۲۷۹ هجری به فرمایش آقایوسف بوسیله استادنوروز تهرانی ساخته شده است و روی
 قسمت بالای چارچوب آن این دو بیت می‌شود:

الهی تا در رحمت گشوده زآسمان باشد گشاده این در عالی براین مکان باشد
 شده چون حجة الاسلام شیخ عبدالحسین بانی جزای این عمل وی را بهشت جاودان باشد
 کتبه العبد المذنب عبدالله الطهرانی».

غیر از در سایر قسمتهای مدرسه شیخ عبدالحسین که تا چندی پیش بصورت نیمه
 تمام بلکه نیمه ویرانه باقی بود و هنوز هم بنای کاملی نیست از نظر صنعت و تاریخ
 اهمیتی ندارد.

در سمت مغرب جلوخان سیدولی آب انباری است که بر بالای مدخل پلکان آن
 مشرف به جلوخان، کتیبه زیر به خط نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی رنگ مرقوم رفته

۱- بالای هر دو سردر مسجد سراج‌الملک در خیابان چراغ برق که مؤرخ به سال ۱۳۰۱ هجری است نیز
 بیتی در همین معنی بدین شرح نوشته‌اند:

حسن توفیق بین که مسجد کرد سطح میخانه را سراج‌الملک
 ۲- شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه شب عاشورای ۱۲۹۸ در گذشته

است: «حسب الفرمایش جناب اشرف امجد ارفع اجل اکرم صدر اعظم ایران اعتمادالدوله میرزا آقا خان به جهت طلب مغفرت از برای مرحوم محمد یوسف خان صورت اتمام پذیرفت در سنه هزار و دویست و هفتاد هجری».

گفتگوی بقعه سیدولی با وجود فقدان کتیبه و آثار قدیم به درازا کشید ولی برای این که معلوم گردد آثار دوره قاجاریه تهران برای پایتخت کشور ایران موضوع بسیار قابل توجهی جهت مطالعات اهل تاریخ است از ابنیه اطراف جلوخان سیدولی ذکر می‌شود که به میان آورد تا جوانان پر شور و علاقه‌مندان فراوان که چند نفرشان هم بیش از پیش این بنده را در این خدمت ناچیز تشویق می‌فرمایند با داشتن فرصت و مقتضیات کار در بررسی ابنیه متعدد و مهم دوره قاجاریه تهران اعم از مساجد و مدارس و تکایا و کاخهای سلطنتی و خانه‌های قدیمی قدمهای کامل‌تر و صحیح‌تر بردارند زیرا همان طور که فی‌المثل شهر اصفهان ارتباط ناگسستنی با دوران سلسله صفویه دارد تهران هم تاریخ گویائی از دوران قاجاریه را در بر دارد و تا فرصت باقی است و آثاری هنوز برای گویائی از دوران قاجاریه را در بر دارد و تا فرصت باقی است و آثاری هنوز برای مطالعه و تحقیق موجود می‌باشد بایستی با ضبط نوشته‌ها و مشخصات این آثار وضع گذشته شهر تهران و مساعی مردم خیر را مورد بررسی و استفاده علاقه‌مندان قرار داد.

منظور اصلی نگارنده از تقدیم این سلسله مقالات به حضور علاقه‌مندان و خوانندگان عزیز این مجله از یک طرف همان طور که در شماره گذشته عرض نمود معرفی آثار قدیمی تهران که تاکنون نسبتاً مجهول مانده است بود و از طرف دیگر متوجه ساختن عده بیشتر از هم‌وطنان گرامی به دامنه وسیعی که در کار باستان‌شناسی کشور کهن سال ما- ایران- وجود دارد.

نوشته‌های تاریخی و ابنیه قدیمی شهر تهران گوشه بسیار کوچکی از آثار باستانی ایران عزیز است. در هر ناحیه ایران که مسافرت کنید ابنیه مهم قدیم یا آثار مدفون در دل خاک که محتاج فرصت و وسائل کار است وجود دارد. تنها در شهر تهران با وجود تازه بودن آن می‌توان بقدر چند سال مطالعه و تحقیق نمود و مطالب بسیار کشف کرد چه رسد به تپه‌های بی‌شمار سراسر ایران که آثار چند هزار ساله تمدن‌های باستانی این سرزمین را در بردارد یا بقایای کاخها و نقوش برجسته شهریاران گذشته که در نقاط مختلف ایران شاهد عظمت جاودان میهن فرخنده ما است و بالاخره

آتشکده‌ها و بعد از آن مساجد عظیم کهن سال و ابنیه متبرک و مذهبی متعدد دیگر.
خواننده عزیز!

هر بنای متروک و آثار خیر اعم از مساجد و امامزاده‌ها و سه‌آخانه‌ها و حتی هر خشت کاشی و هر قطعه فرش کهنه آنها و همچنین حمامها و تکایا و هر درخت کهن سال حتی در کوچکترین دهکده لااقل ورقی از تاریخ آن محل است و باید بهرنحوه میسر باشد در حفظ آثار و کاشی کاریها و بقایای آن کوشید و بدون دلیل معقول آن را از بین نبرد و این کار وظیفه طبیعی هر فرد ایرانی و علاقمند به آثار مذهبی و تاریخی این کشور است و اگر توجه به این موضوع نداشته باشیم پیوسته باید شاهد از میان رفتن آثار گذشتگان باشیم و جنایاتی شبیه خرابی دروازه‌های تهران را بازهم بینیم. یکی از خوانندگان عزیز بنام شکوه خاوریان ضمن عنایت به مقالات گذشته این بنده نامه آمیخته به احساسات فراوان نگاشته عکسی از روز خراب کردن دروازه دولت فرستاده‌اند که به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد^۱ و نظیر این کار غلط در مورد بنای کهن سال دروازه قرآن سابق شیراز و بسیاری ابنیه سلطنتی تهران هم عمل گردیده است که امیدواریم بیش از این دچار چنین لغزشهایی نشویم.

در اینجا چون اشاره به آثار تاریخی و تمدن گذشته ایران شد نگارنده ذکر یک مطلب دیگر را هم به مورد می‌داند و آن این است که کار باستان شناسی مانند بسیاری از علوم تا حد زیادی به پیروی و تقلید از تحقیقات و مطالعات دانشمندان مغرب زمین در ایران آغاز گردیده است ولی نباید غافل باشیم که برای یک محقق غیر ایرانی مطالعه آثار و ابنیه قدیمی و آنچه از تمدن‌های باستانی ایران در دل خاک نهفته است هیچگاه توأم با حس ملیت و عرق ایرانی بودن نمیتواند باشد و اگر دانشمندان بیگانه و خاور شناسان محقق اشخاص منصف و بی غرض هم باشند تازه آثار تاریخی ما را همان طور می‌نگرند که ایرانیان آثار تاریخی چین و هند و یونان و مصر و روم قدیم را می‌بینند ولی ایرانی در بررسی آثار تاریخی و مفاخر گذشته خود خواه ناخواه دارای احساسات و تمایلاتی است که بیشتر به آنها دل بسته و علاقمند می‌شود و همین احساس، ما را وادار و امیدوار می‌کند در آینده بیش از این به آثار تاریخی خود علاقه‌مند باشیم و یادگارهای گذشته را مورد فراموشی و غفلت قرار ندهیم و از هر طریق و بهر اندازه میسر باشد در حفظ یادگارهای گذشته بقدر استعداد و همت و غیرت خود بکوشیم.

بیش از این اطباب مطلب را روا نداشته به ذکر بقعه دیگری که در تهران وجود دارد و نگارنده از وجود آن اطلاع نداشتم و دوست دانشمند آقای حسین کی استوان رئیس محترم دارائی اصفهان ضمن نامه‌ای که اخیراً مرقوم فرموده‌اند و نشانی آن را داده‌اند می‌پردازیم:

امامزاده سید اسحاق

این بقعه در کوچه خدابنده‌لو در خیابان ناصریه واقع شده و مردم آن را بنام «قدمگاه چهارده معصوم» هم می‌خوانند. بشرحی که در سطور فوق ذکر شد بر اثر اطلاع آقای کی استوان این بنده به سراغ بقعه مزبور رفتم.

در جبهه جنوبی کوچه خدابنده‌لو نزدیک انتهای کوچه قبل از آن که به «باغچه علی جان» برسند اطاقی نسبتاً نوساز به طول ۴ و عرض ۳ متر و نیم متصل به دالانی به عرض یک متر قرار دارد. در بالای اطاق یعنی سمت شمال آن ضریح بسیار کوچک و ساده به طول کمتر از یک متر و نیم و عرض ۷۵ سانتی متر و ارتفاع یک متر و ده سانتی متر واقع گردیده. متصل به ضریح سردابی بسیار کوچک به عمق یک متر که دخول به آن برای اشخاص تنومند تقریباً میسر نیست — واقع شده است و در داخل سرداب لوحه سنگی نسبتاً جدید که تاریخ آن بعد از سنه ۱۳۰۰ هجری است بر دیوار نصب و روی آن صلوات بر چهارده معصوم مرقوم می‌باشد. سنگ شکسته و فرسوده دیگری که بر روی آن کلمات «هذامرقد...» باقی مانده و در طرف دیگر سرداب موجود است و سبک خط ثلث و کلمات موجود می‌رساند که این سنگ از آثار قرن هشتم یا نهم هجری باید باشد.

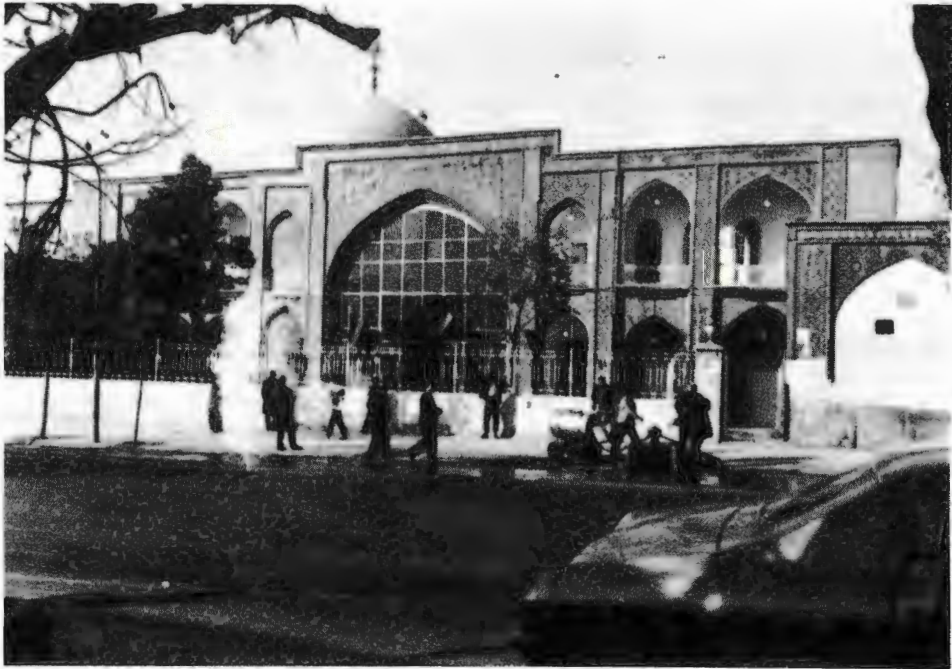
بر دیوارهای اطراف اطاق تصاویر ائمه و زیارت نامه‌هایی که برخی از آنها به خط خوب نوشته شده و ادعیه و سایر این گونه آثار آویخته و در متن زیارت نامه، صاحب مرقد چنین معرفی گردیده است: «السلام علیک یا سیدی و مولای یا شهید بملک ری یا حضرت اسحاق بن موسی بن جعفر». برخی علاقه‌مندان به تصور این که قبر موجود از قبرستان سابق روبروی پامنا که اکنون تبدیل به گاراها و مغازه و خانه‌های چند شده نیز از آثار قدیمی است اظهار نظر فرموده‌اند شرح آن هم در این مقالات داده شود در صورتی که قبر مزبور مورخ به سال ۱۲۹۲ بوده مدفن شیخ المشایخ العظام المولی علی اصغر بروجردی مؤلف کتاب مشکوة الانوار و عقائد الشیعه و غیره است و برای رعایت احترام آن اطاقی مستقل ترتیب داده‌اند و بنگاه امیری باید در گوشه حیاط گاراها وسیع

خود که پشت این اطاق است توجه و مراقبت لازم به عمل آورد. شاید غیر از آنچه طی این مقالات ذکر نمود بازهم زیارتگاهی در تهران باشد که براین بنده مجهول مانده است و در این صورت امیدوار است خوانندگان علاقه‌مند همان طور که تاکنون مساعدت فرموده‌اند از راهنمایی لازم دریغ نداشته، نگارنده را بیش از پیش سپاسگزار فرمایند.

در خاتمه این بخش برای تأمین نظر بسیاری از خوانندگان دانشمند که کتباً یا شفاهاً اصرار فرموده‌اند این مقالات با شرح ابنیه قدیمی دیگر تهران و آثار عهد قاجاریه از قبیل کاخهای گلستان و عمارت نظامیه و نظایر آن در این شهر تکمیل گردد خاطر عزیزشان را به آنچه در سطور فوق هم بطور اجمال اشاره شد معطوف می‌دارد و اضافه می‌نماید که تدوین تاریخ آثار دوره قاجاریه در تهران کاری بسیار مفید و دامنه آن بس وسیع بوده ولی اشتغال نگارنده اجازه انجام آن را نمیدهد و از موضوع این مقالات هم طبعاً خارج می‌شود و این بنده قسمتی از دانستیهای مربوط به تهران را که بر اثر وضع کنونی کشور عزیزمان امروزه نام آن در دنیا بر سر بازنها افتاده است مذکور داشته پیشنهاد می‌نماید کسانی که فرصت و مقتضیات کارشان اجازه دهد منظور مفید فوق را اجرا و عنداللزوم این خدمت ناچیز را هم مورد عنایت خود قرار داده آن را تکمیل بفرمایند.



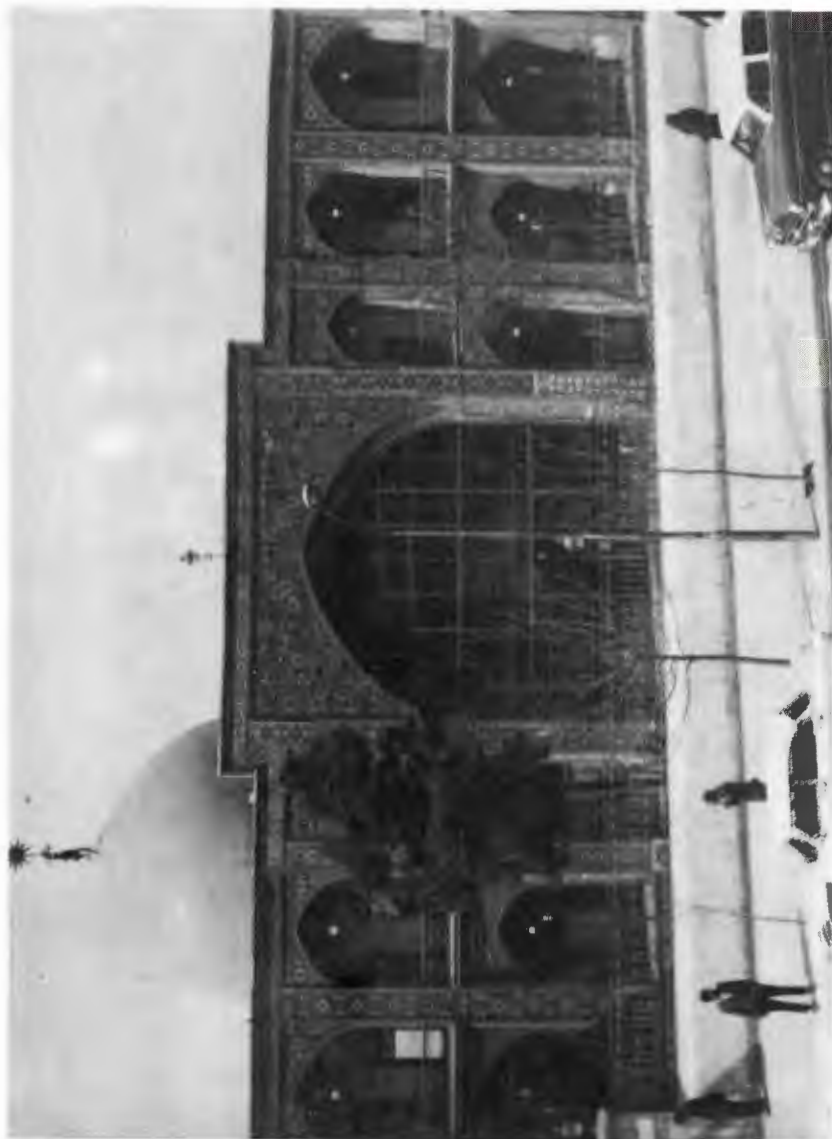
نمای جلودر و گنبد سید نصرالدین طهران



نمای عمومی سید نصرالدین از خیابان خیّام



قسمتی از رواق و در ورودی حرم سید نصرالدین



نمای عمومی سیدنصرالدین



قسمتی از کاشی کاری ایوان جلو امامزاده سید نصرالدین



قسمتی از ضریح و آینه کاری حرم سید نصیرالدین



در ورودی سید نصرالدین

ضريح و صندوق مقبره امامزاده سيدنصر الدين





قسمتی از سقف آینه کاری و چلچراغ سید نصرالدین



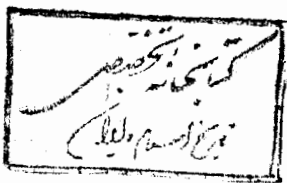
قسمت کئیہ صندوق مقبرہ سید نصیر الدین



در ورودی حرم واقع در رواق سید نصرالدین



در ورودی حرم واقع در ایوان سید نصرالدین



امامزاده ابراهیم (گود زنبور کخانه) ۱

از چهارسوق بزرگ تهران چون به سمت جنوب روند انتهای کوچه به سه راهی می‌رسد که «گذر لوطی صالح» نام دارد. در این سه راهی به سمت چپ یعنی رو به مشرق که بروند کوچه‌هائی در دست راست قرار دارد که گودال بودن خانه‌های جنوبی آن به خوبی مشهود می‌باشد و از همان کوچهٔ اول یا دوم که رو به جنوب سرازیر شوند وارد محلهٔ معروف به «گود زنبور کخانه» می‌شوند. همچنین در خیابان مولوی و ما بین میدان اعدام و باغ فردوس از بعضی کوچه‌هائی که به شمال می‌رود گود بودن آن محله مشهود است و می‌توان بدانجا رفت.

در کنار کوچهٔ موسوم به کوچهٔ تکیهٔ گود زنبور کخانه در ضلع جنوبی کوچه محوطهٔ نسبتاً متروک و مخروبه‌ای به طول شمالی و جنوبی قریب ۱۸ متر و عرض شرقی و غربی قریب ۱۲ متر واقع شده است که «تکیه گود زنبور کخانه» نام دارد و در گوشهٔ جنوب غربی این تکیه اطاق محقر و فقیری است که محوطهٔ داخلی آن ۳/۱۸ متر طول (شرقی و غربی) و ۱/۵۵ متر عرض دارد و در کنار این اطاق صورت قبری ساده با آجر و ساروج ساده بدون هیچ نوع آرایشی بطول ۱/۳۸ متر و عرض ۹۴٪ متر پدیدار می‌باشد که زیارتگاه مورد ذکر ما است.

در سمت مشرق این اطاق و متصل به آن آب انبار بزرگی است که راه شیر آن

از وجود این زیارتگاه در موقع نشر مقالات مربوط به بقاع داخل شهر تهران اطلاع نداشتم و به وسیلهٔ آقایان سید ابوالحسن مقدس زاده — همسایهٔ مطلق و با ذوق آنجا — و حاج سید محمود اسلامبولچی اطلاع یافتیم و وظیفهٔ خود می‌دانم از هر دو آقایان اظهار سپاسگزاری نمایم.

قسمتی از اطاق فعلی بقعه بوده بر اثر نبودن چاه و رطوبت و ریزش آب روی پلکان راه شیر را پوشانده به محوطه اطاق محقر افزوده اند.

نام این بقعه محقر به گفته مردم امامزاده ابراهیم از اولاد امام هفتم شیعیان است ولی هیچ زیارت نامه ای ندارد. چند شمایل مندرس و کهنه و بی اهمیت بر در و دیوار اطاق مزبور نصب بوده وضع بقعه و محوطه تکیه آن از عدم توجه و مراقبت و دلسوزی این زیارتگاه حکایت می کند و از محوطه مزبور برای مرکز لای آب و تکاندن فرش و غیره استفاده می کنند و اگر آقای مقدس زاده همسایه این بقعه تلاش نمی کرد وضع بقعه و این محل از آنچه هست نیز به مراتب بدتر بود و این امر البته برای همسایگان و اهل محل اسباب سرافکندگی را فراهم می سازد.

به مسافت کمی در جنوب این بقعه فقیر و محقر از طرف شهرداری و در کنار خیابان باریک قدیمی معروف به «حاج ابوالفتح» منبع چاه و آب و شیری ساخته شده است که تاکنون بلا ثمر باقی گذارده اند و البته تکمیل و رفع نواقص آن در چنین محلی از هر جهت اقدام بجا و پسندیده خواهد بود.

به مسافت کمی در مغرب بقعه در کوچه های حول و حوش باغ ایلچی هم درختان کهن چنار و نارونهای چتری شاهد روزگار آبادی و رونق بیشتر آنجا در هنگام حیات مرحوم حاجی میرزا ابوالحسن خان ایلچی است و حفظ این درختان در آن محل از هر بابت ضرورت دارد.

سقاخانه نوروزخان

به فاصله کمی در مشرق جلوخان شمالی مسجد شاه تهران در جبهه خیابان بوذرجمهری که از مستحدثات سالهای اخیر سلطنت رضا شاه پهلوی است (در جنب کوچه ای که چند پله پائین می رود و با پیچ و خم مختصری به مدرسه قدیمی بنام میرزا ابوالحسن خان ایلچی کبیر و وزیر امور خارجه می رسد و دنباله همان کوچه به مسجد جمعه تهران و چهار سوق بزرگ می رسد) یک دهانه دکان را برای ساختمان سقاخانه بزرگ و مفصلی تخصیص داده اند و پهلوی سقاخانه هم پلکانی به مسجد طبقه فوقانی بالا می رود.

این سقاخانه قائم مقام سقاخانه ای است که در زیر بازارچه معروف به

نوروزخان واقع شده و جای پای سنگی داشت و از زیارتگاههای پر جمعیت شهر تهران بود. بازارچه مزبور از محلّ کوچه که جنب سقاخانه فعلی هست بطرف جلوخان مسجد شاه امتداد داشت و ضمن احداث خیابان، تمام بازارچه و دکانها و خانههای کنار آن در مسیر خیابان قرار گرفت و سنگ هم ظاهراً به زیر زمین رفت و سقاخانه جدید به اعتبار سقاخانه سابق، فعلاً در کنار خیابان بوذرجمهری به صورت بسیار پر رونق و آباد قرار دارد و در مجاورت آن نیز مسجد و مأذنه بخوبی دائر و برقرار است.

بقاع مترک قدیمی دیگر هم در طهران هست که چون جنبه تاریخی و هنری زیاد ندارد ذکر آنها در این راهنمای اجمالی مورد پیدا نمی کند.

تخت مرمر

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۶ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

قدیم ترین بنای سلطنتی موجود تهران که آغا محمدخان قاجار (۱۱۹۳ ۱۲۱۲) با استفاده از هنرمندان شیرازی بطرح بناهای کریم خان زند بنیاد نهاد و فتحعلی شاه قاجار آن را تکمیل کرده تخت مرمر را در وسط ایوان بزرگ مرکزی آن احداث نمود و نقاشی ها و تزئینات مختلف آن را ترتیب داد و بعداً شاهان دیگر سلسله قاجاریه خصوصاً ناصرالدین شاه تصاویر سلاطین بعدی قاجار را در محلهای مناسب آن تعبیه نمودند. کاشی کاری جبهه شمالی عمارت که مشرف بحیاط قصر خورشید یعنی همان کاخ سلطنتی مقر کنونی شیروخورشید سرخ مرکزی است. از آثار منحصراً اوان قاجاریه بشمار میرود. بر حاشیه اطراف تخت مرمر اشعاری از فتحعلی خان صبا مرقوم رفته از ماده تاریخ آن معلوم می شود که در سال ۱۲۲۱ هـ ساخته شده است نام محمد ابراهیم سازنده آن نیز بر پایه تخت مذکور می باشد و تا سالهای اول سلطنت رضا شاه پهلوی محلّ جلوس سلاطین در اعیاد و مراسم رسمی بوده. در سال ۱۳۳۶ از طرف هنرهای زیبای کشور، ایوان اصلی عمارت تخت مرمر به بهترین وجه تعمیر گردید و آقای علی اکبر تقوی در این تعمیرات استادی کامل بخرج داده اند.

اطاقهای بزرگ طرفین ایوان مرکزی تخت مرمر که در تصرف شیروخورشید است دارای نقوش شاهان و پهلوانان داستانی شاهنامه و مقرنسها و تزئینات نقاشی

جالب توجه از آغاز دوران قاجاریه می باشد. در محل میدان ارک فعلی (که در جنوب تخت مرمر و بیرون از آن واقع است) سابقاً باغ گلشن قرار داشت که بسال ۱۲۸۱ هـ. بفرمان ناصرالدین شاه ترتیب داده بودند و سر در زیبائی بنام عالی قابو در شمال این میدان بود که از آن سر در وارد باغ تخت مرمر می شدند.

باغ و کاخ گلستان

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۶ ذیل شماره ۴۱۷ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

باغ بزرگ و پر شکوه با مجموعه کاخهای سلطنتی عهد قاجاریه در مشرق عمارت تخت مرمر که در طول مدت سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ هـ) در جوانب آن ساخته شده است و در دوران مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ هـ) نیز در جانب غربی آن کاخ ابیض را بنیاد نهاده اند.

به امر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ یعنی پنجمین سال سلطنت او باغ گلستان را از جانب مشرق بزرگ نمودند و آن را بصورت فعلی وسعت دادند کاخهای جانب شمالی آن قبل از کاخهای دیگر احداث گردید و در پشت این کاخها یعنی در شمال آنها عمارت خوابگاه (محل فعلی حوزه وزارت دارائی) و ابنیه اندرون و سر در باب همایون قرار داشت که همه آنها را هنگام ساختمان کاخ وزارت دارائی منهدم کردند و از میان رفته است. سر در بسیار عالی و زیبا موسوم به باب همایون که مدخل اصلی کاخهای سلطنتی بوده و در شمال آنها قرار داشت در انتهای جنوبی خیابانی که هم اکنون بدین نام باقی است واقع بود این خیابان و سردر مزبور از آثار مرحوم میرزاتقی خان امیر کبیر بود و در سالهای اول سلطنت ناصرالدین شاه احداث گردید تالار موزه و تالار آئینه و تالار سفره خانه و تالار برلیان و عمارت نوساز و ویژه پذیرائی رؤسای کشورهای خارجی به ترتیب از مغرب به مشرق در ضلع شمالی باغ گلستان واقع شده و مدخلی از سمت شمال دارد که با محوطه فعلی حوزه وزارت دارائی ارتباط پیدا می کند (تالار موزه سلطنتی را در سال ۱۲۹۶ هـ بصورت فعلی ایجاد کرده اند).

در جانب مشرق باغ گلستان کاخ شمس العماره قرار دارد که مشتمل بر عمارت

پنج اشکوبه بوده در سال ۱۲۸۴هـ بوسیله دوستعلی خان معیر الممالک ساخته شده است و گچ بریها و آئینه کاریهای ظریف در آن بکار برده اند و اینک محل ادارات بیوتات و کتابخانه سلطنتی می باشد. سر در مجاور شمس العماره از طرف خیابان ناصر خسرو باب عالی نام دارد و آن را در سال ۱۲۸۱هـ احداث نموده اند و مشتمل بر آئینه کاریهای ممتاز بوده تصاویر عالی محمد شاه و ناصرالدین شاه کار مرحوم محمد غفاری (کمال الملک) زینت بخش تالار فوقانی آن بود که بر اثر سوانح روزگار از بین رفت.

در جانب جنوب باغ گلستان عمارت با دیگر واقع گشته است که در دوران پهلوی محل هیئت وزیران بود و سالیان دراز هم حوزه وزارت دارائی وزارت راه بود و ضمن اصلاحات سالهای ۱۳۵۰ خورشیدی ببعد تعمیرات فراوان در آن صورت دادند و مورد استفاده کتابخانه کاخ گلستان که در عمارت شمس العماره مستقر شده بود قرار گرفت و در حال حاضر از بهترین آثار تاریخی مجموعه کاخ گلستان بشمار میرود و بواسطه بادگیرهای کاشی زیبا جلوه مخصوصی دارد و تالار بزرگ آن مزین به نقاشیها و گچ بری و آئینه کاری ممتاز دوران ناصرالدین شاه است. درهای منبت عالی هم در این کاخ بکار برده اند.

تالار عاج هم در جانب جنوب باغ گلستان واقع گشته است که آسیب زیادی بدان وارد آمده درصدد تعمیر آن هستند. بنای تکیه دولت و اطاقهای گچ بری و حیاط معروف به «غلام بچه گان» در جنوب عمارت بادگیر واقع بوده که تماماً از میان رفته است.

کاخ ابیض از ابنیه زیبای عهد مظفرالدین شاه در ضلع غربی باغ گلستان واقع گشته تابلوهای نقاشی مختلف ایرانی و اروپائی و تصاویر شهریاران قاجار و سلاطین معاصر مظفرالدین شاه درون آن را زینت میدهد و در سالهای آخر دوران پهلوی تعمیرات اصولی و اساسی صحیح در آن انجام گرفته موزه مردم شناسی در آنجا ترتیب داده شده است.

بشرحی که گذشت آثار زیادی از متعلقات ابنیه سلطنتی گلستان از میان رفته بدیهی است با موقع و اهمیت فعلی شهر تهران و خطرات زیادی که برای لطمه و خرابی به آثار قدیمی آن وجود دارد لزوم حفظ کاخهای موجود گلستان و مراقبت در تعمیر و رعایت جنبه تاریخی و هنری آنها احتیاج بتوضیح زیاد ندارد.

مدرسه مروی (یا مدرسه فخریه)

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۲ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

بنای مناسبی از زمان فتحعلی شاه قاجار که حاج محمد حسین خان ملقب به «فخرالدوله» والی مرو در آن زمان بنیاد نهاد و بدین جهت آن را مدرسه خان مروی نامیده‌اند و به مناسبت لقب بانی آن موسوم به مدرسه فخریه هم هست مشتمل بر مسجد و صحن بزرگ با حجرات و طاق‌نماهای اطراف صحن بوده بر جانب شمال صحن، ایوان بزرگ و مدرس قرار دارد. تزئینات کاشی کاری که کتیبه‌ها و اشعار عالمانه و نام فتحعلی شاه و فخرالدوله بر آنها مرقوم رفته است زینت بخش دیوارهای ایوان شمالی می‌باشد. ماده تاریخ بنای آن در این بیت ذکر گردیده است:

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت که سزد مدرس این مدرسه را ادریسی
از جمله مزبور رقم ۱۲۳۱ بدست می‌آید. در پایان کتیبه، نام محمد مهدی
نویسنده کتیبه‌ها و اشعار و سال ۱۲۳۰ مذکور می‌باشد.
مسجد سید عزیزالله

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۵ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

واقع در محله بازار نزدیک چار سوق کوچک از ابنیه زمان فتحعلی شاه قاجار که کاشی کاریهای زیبائی از دوران مزبور در آن وجود دارد. گنبد و شبستان اصلی آن در سمت جنوب بسبک شیوا و مستحکمی ساخته شده بود که بر اثر تعمیرات و الحاقات بعدی از جنبه تاریخی آن کاسته‌اند. نام فتحعلی شاه بر کاشی‌های جبهه شمالی صحن مکرر مرقوم رفته بود که با احداث شبستان نوساز آنها هم از میان رفت. تاریخ کتیبه‌های ایوانهای جنوبی و شرقی ۱۳۱۰ می‌باشد که البته مربوط به تکمیل کاشی کاری و تزئینات مسجد است.

مسجد شاه

از مساجد بزرگ زمان فتحعلی شاه قاجار که بدستور شهر یار مزبور ساخته شده است گنبد بزرگ کاشی مزین به گنبد طلای کوچک بر بالای آن از اختصاصات این

بنا بشمار میرود. نام فتحعلی شاه و تاریخ ۱۲۴۰ هـ بر ایوان جنوبی مرقوم رفته ایوانهای بزرگ طبق معمول مساجد عمده در چهار طرف صحن وسیع آن احداث کرده اند سر در اصلی از جانب شمال مورخ به ۱۲۴۱ هـ می باشد و در زمان ناصرالدین شاه بسال ۱۳۰۷ هـ آن را تعمیر نموده اند سردری از جانب مغرب ببازار بزرگ و سردری هم از سوی مشرق ببازار صحافان یا بازار بین الحرمین دارد. از لحاظ مدخل اصلی و اصول معماری کلی تحت تأثیر مسجد و کیل (شیراز) واقع گشته و مانند سایر ابنیه آن زمان هنرمندان و استادان شیرازی که شهریاران قاجار از آن دیار بتهران آورده اند در طراحی و ساختمان آن دست بکار برده اند.

کلیسای طاووس

در بازار معروف به «دروازه» که بین بقعه سید اسماعیل و خیابان مولوی قرار دارد کوچه عریضی است که روی کاشی آن بنام «جارچی باشی» معرفی گشته است و اسم عمومی تر و قدیم تر آن، کوچه آرامنه می باشد. در کنار این کوچه کلیسایی از عهد فتحعلی شاه قاجار - شاید هم قدیم تر - بنام کلیسای طاووس موجود است که قدیمی ترین کلیسای تهران می باشد و درون آن مقبره ها و سنگ مزارهای جالب توجه شخصیت های ارمنی و مسیحیان اروپائی قرار دارد از جمله لوحه سنگی ای بنام شارل اسکات عضو هیئت اعزامی انگلیس متوفی در ۲۸ اکتبر ۱۸۴۱ نوّه والتر اسکات نویسنده و شاعر معروف انگلیسی در قرن هیجدهم و لوحه دیگری مشتمل بر نوشته های فارسی و انگلیسی بنام کلن صاحب کشیش انگلیسی و معلّم علم الهی که تورات و زبور و کتب انبیا را از اصل زبان عبرانی بفارسی ترجمه نموده و در ۱۲۶۰ هجری وفات یافته است. لوحه بزرگ مجلّلی هم بنام شارل الیسون مأمور فوق العاده و وزیر مختار انگلستان دیده می شود که در ۱۸۷۲ در تهران فوت نموده است.^۱

هنگامی که غائله کشتار گریبایدوف و سایر اعضای سفارت روس که بدرفتاری شدیدشان باعث طغیان مردم گردید و بقتل رسیدند پیش آمد غیراز گریبایدوف که جسد او را بروسیه بردند سایر کشته شدگان را در وسط محوطه همین کلیسا بخاک سپرده اند (نقل از گفته عالی جناب قیدار رستمی کشیش فقید کلیسای نامبرده در بهار

۱- چارلز الیسون از ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۲ میلادی در تهران بسر می برده و در ۲۹ آوریل ۱۸۷۲ در تهران درگذشته

سال ۱۳۳۰ خورشیدی به نگارنده این کتاب).



ایوان جلومدخل نمازخانه کلیسای طاطاوس در گوشه صحن کلیسا



کلیسای طاطاوس



سنگ آرامگاه چارلز الیسون در دهلیز ورودی کلیسای طاطاوس



صفه داخلی نمازخانه کلیسای طاطاوس



نمای دیگری از کلیسای طاباوس



یکی از گوشه‌های صحن کلیسای طاعاوس. نفرات از راست به چپ: سیدمحمدتقی مصطفوی مؤلف کتاب، قیدار رستمی کشیش کلیسای مذکور و یکی از کارکنان کلیسا.



لوحة قبر گریگوریان خان پادشاه زاده اهل هندوستان در کلیسای طاطاوس طهران

مسجد حاج رجبعلی

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۴ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

واقع در گذر قدیمی معروف به «درخونگاه» - از گذرهای محله معروف سنگلیج - مسجدی است که شبستانی خوش طرح دارد و نکات معماری استادانه در طاق بندی دو جانب شبستان بکار برده اند و کاشی کاریهای بدیع دوران محمد شاه قاجار در نماسازی صحن دیده می شود. موزخ بسال ۱۲۶۰ هجری است.



مسجد حاج رجبعلی



مسجد شاه طهران



مسجد حاج رجبعلی

دروازه نو

در محله عباس آباد نزدیک میدان اعدام از آثار زمان محمد شاه قاجار تنها دروازه‌ای که از شهر قدیم تهران بصورت نیمه ویران باقی مانده است نقش پیکار رستم و دیو برکاشی بالای آن موجود و جمله «عمل استاد محمد قلی کاشی پز شیرازی سنه ۱۲۶۳» بر آن نوشته شده است (کاشیهای نامبرده در انبار موزه ایران باستان نگاهداری می شود). چهار مناره کوتاه مزین به کاشیهای فیروزه فام اعلی داشته که بخشی از آنها بجا مانده است.

مدرسه سپهسالار قدیم

در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۱ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در جانب شرقی مدرسه مروی مدخل آن در انتهای جنوبی کوچه حیاط شاهی از آثار دوران ناصرالدین شاه قاجار مشتمل بر صحن و شبستان خوش طرح عالی و سردر مزین بدو مناره برفراز سردر، و داخل شبستان کتیبه‌ها و اشعار بنام ناصرالدین شاه، محمدخان سپهسالار بانی مدرسه میباشد. ساختمان آن در حاشیه زیلوها تاریخ ۱۲۷۷ مرقوم رفته است.

منار پامناز

در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۰ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در محله‌ای بهمین اسم واقع بوده از آثار اوائل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بشمار میرود بدنه آن مشتمل بر طرح ساده مناسبی از کاشیهای فیروزه و سفید و سیاه می باشد. بر اثر احداث خیابان در پیاده‌رو واقع گردیده از طرف باستان شناسی در سالهای ۱۳۳۶-۷ کاملاً تعمیر یافته است.

مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین

در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۳ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در محله بازار کوی پاچنار نزدیک امامزاده زید از آثار اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که از محل ثلث مرحوم میرزاتقی خان امیرکبیر بتصدی مرحوم شیخ

عبدالحسین (شیخ العراقین) در محلّ باغ قدیمی پاچنار ساخته شده است. مسجد آن دارای شبستان عالی خوش طرح از آثار معماری هنرمندان دوران قاجاریّه بوده کاشی کاری صحن هم بسیار زیبا است و بمناسبت برگزاری عزاداری آذربایجانیان در ماه محرم به «مسجد آذربایجانیان» هم خوانده می شود. در کتیبه سر در علاوه بر آیه قرآن و نام اشخاص سابق الذکر رقم حسن قولر آقاسی و سنه ۱۲۷۰ مرقوم می باشد.

مدرسه آن دارای سر در کاشی کاری بسیار زیبایی بوده طبق نوشته های آن بتصدی آقا یوسف در کارخانه استاد محمد قلی شیرازی بسال ۱۲۸۱ انجام یافته است. در منبت عالی آن، عمل استاد نوروز طهرانی و موزخ بسال ۱۲۷۹ است.

سرقبر آقا

بقعه مجلّ در انتهای جنوبی خیابان سیروس دارای گنبد فیروزه فام و ایوان و حرم و طاق نماهای آئینه کاری و کاشی کاری و طاقهای مقرنس و تزیینات مختلف از آثار دوران ناصرالدین شاه قاجار، مدفن آقاسید ابوالقاسم امام جمعه تهران در عهد محمد شاه و اوائل ناصرالدین شاه و آرامگاه خانوادگی اخلاف و خاندان وی می باشد.

مدرسه عالی سپهسالار

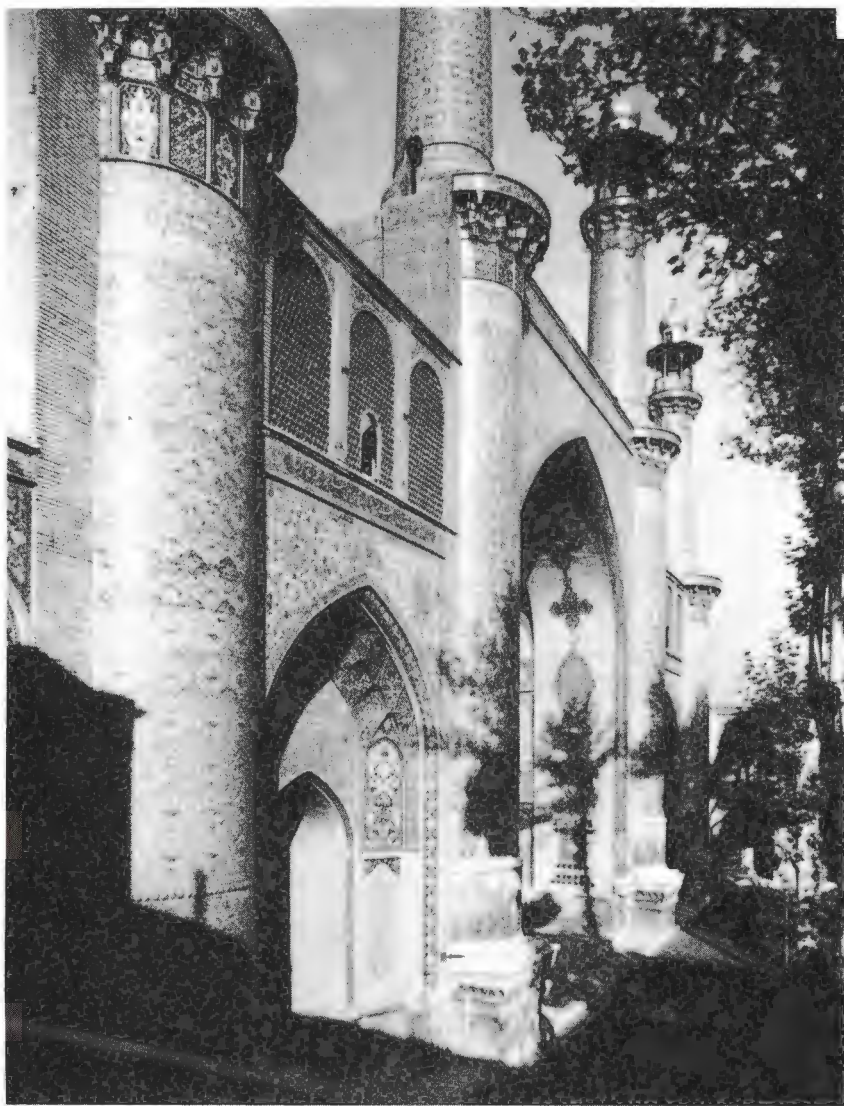
در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۱۵ ذیل شماره ۲۶۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

بنای بزرگ مجلّ مشتمل بر صحن وسیع و شبستان عظیم و گنبد یک پوش سترک و هشت مناره کاشی کاری و غرفه های دواشکوبه. از نظر معماری نکاتی از سبک معماری مسجد شاه اصفهان (در قسمت هشتی ورودی مسجد) را با سبک مسجد ایا صوفیه اسلامبول و نماسازی مدرسه چهار باغ اصفهان کمی آمیخته اند و در قسمتهائی از تزیینات کاشی کاری آن اقتباسات غیر مأنوس بکار رفته است. کتابخانه آن نسخه های خطی نفیس دارد. جلوخان مدرسه بسیار مناسب و مزین بکاشی کاریهای عالی است. برجانب شرقی بنا در دیگری بنام در زنانه موجود است که بر سقف دهلیز آن، طاق بندی زیبایی بصورت هفت کاسه مقرنس از کاشی ترتیب داده اند. مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار در قسمت جنوب باغ شخصی خود بسال ۱۲۹۶ ساختمان این مدرسه را آغاز نموده و پس از فوت او وسیله برادرش میرزا یحیی خان مشیرالدوله ادامه

یافت. تاریخ کاشی‌های هشتی مدرسه ۱۲۹۸ و تاریخ ازاره‌سنگی ایوان غربی ۱۳۰۱، تاریخ سر در ۱۳۰۲ نام استادان کاشی‌ساز مهدی و محمد صادق کاشانی است.



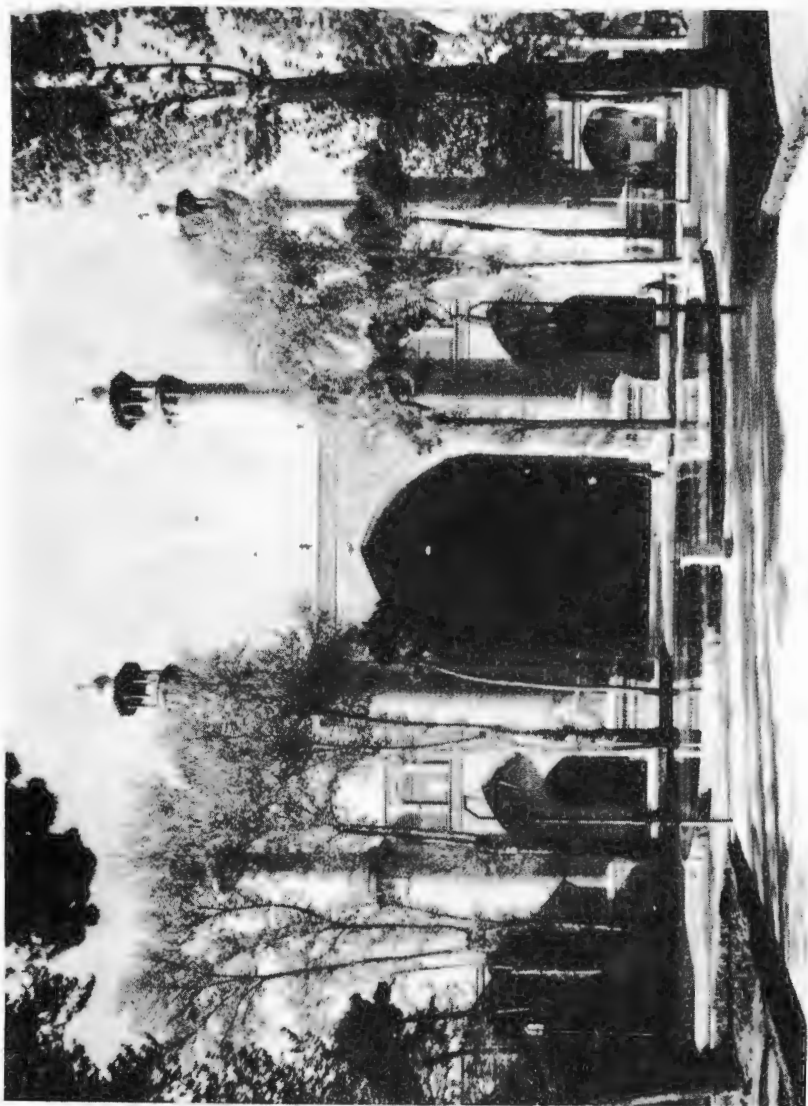
مسجد سپهسالار



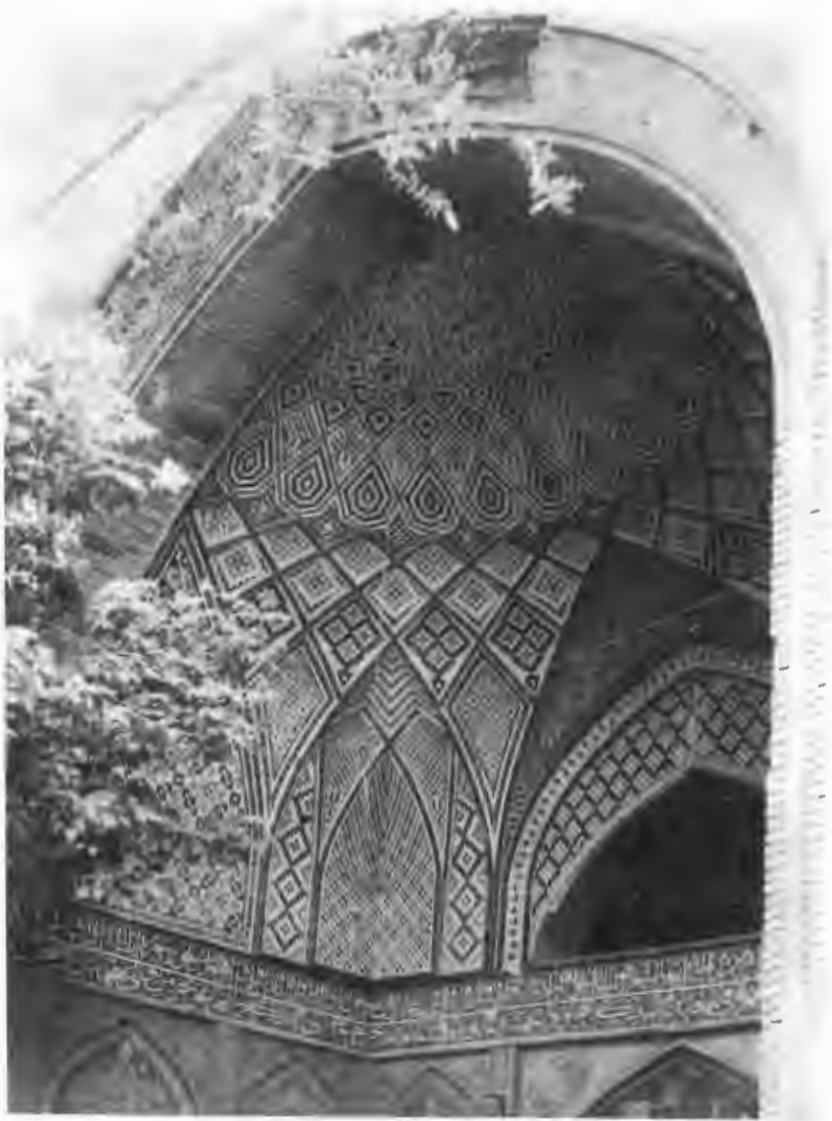
مسجد شهباز



بقعه امامزاده ابراهیم در گود زنبورکخانه طهران



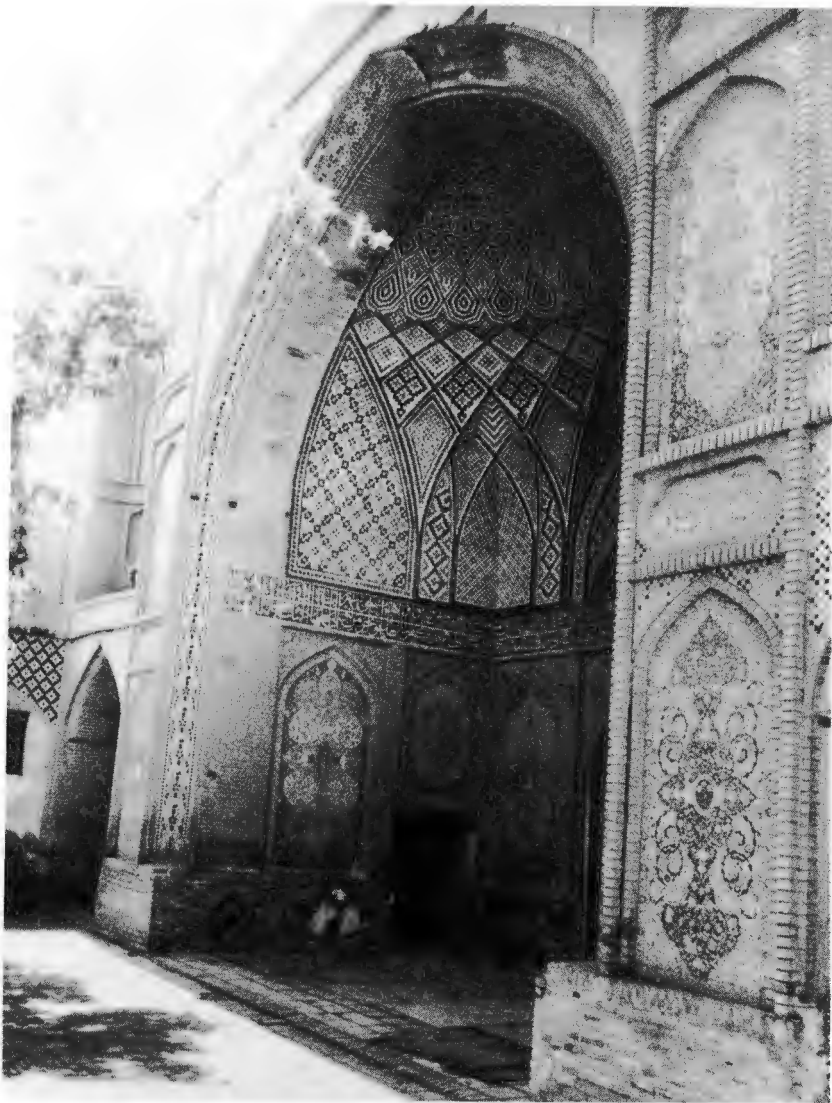
مسجد شهباز



گوشه ای از سقف مسجد شیخ عبدالحسین



مسجد شیخ عبدالحسین



شبستان مسجد شیخ عبدالحسین

کاخ بهارستان

کاخ بزرگ و مجلل در باغ وسیع پرشکوه مقرّ مجلس شورای ملی قسمت اصلی بنای قدیم که تالار معظم جلسات دارالشوری و قسمت حوض خانه و تالار جلسه خصوصی و مقرّ هیئت رئیسه در آن واقع شده است بوسیله مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار در سالهای پیش از ۱۳۰۰ هجری قمری بنیاد گشته. پس از صدور فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ قمری) محلّ مجلس شورای ملی گردید و بر اثر انقلابات مشروطه و توپ بستن آنجا، ابنیه قدیمی جانب غربی باغ، مورد خرابی واقع شد و بفراخور احتیاجات دارالشوری، ابنیه دیگر بر آن الحاق و خانه ها و عمارات جانب شرقی باغ هم خریداری و ضمیمه مجلس شورای ملی شده است و در سالهای آخر دوران پهلوی، حدّ فاصل باغ و عمارات مزبور تا خیابان ژاله - خیابان مجاهدین - از شمال و خیابان مجلس از مشرق را بمنظور طرح باغ بزرگتر و عمارت معظمی که قصد ساختمان آن در میان بود - و بخشی از آن را هم ساخته اند - تماماً خریداری و ضمیمه قسمت پیشین نموده اند.

* * *

در پایان این مبحث، بمورد میداند برای اطلاع علاقه مندان فهرست موزه ها و کتابخانه های تهران را نیز ذکر نماید.

موزه های عمومی تهران بدین قرار است:

۱- موزه کاخ گلستان

در کاخ گلستان. مشتمل بر تخته های سلطنتی و نفائس و آثار هنری متعلق به دستگاه معظم سلطنتی کشور مربوط به زمان نادرشاه افشار تا پایان دوران قاجاریه. ساعات بازدید باجلب موافقت قبلی در ساعات قبل از ظهر.

۲- خزانه بانک ملی

در طبقه زیرین بنای معظم بانک ملی. مشتمل بر جواهرات سلطنتی که قسمت اصلی آن ره آورد نادرشاه افشار از سفر هندوستان بوده، شاهان قاجار خصوصاً ناصرالدین شاه هم در افزایش و جمع آوری آنها بسیار کوشیده اند. بازدید آن بستگی به جلب موافقت و تعیین وقت قبلی دارد.

۳- موزه ایران باستان

در شمال قسمت مرکزی خیابان سپه. مشتمل بر آثار عتیقه و نمونه های هنری

ایران از حدود چهار هزار [سال] پیش از میلاد مسیح تا قرن ۱۳ هجری (= ۱۹ میلادی). ساعات بازدید غیر از دوشنبه و روزهای تعطیل، تمام روزهای هفته پیش از ظهر و بعد از ظهر. جمعه هالهم پیش از ظهر باز است.

۴- موزه مردم شناسی

در کاخ ایض (از مجموعه کاخهای گلستان در میدان ارک). مشتمل بر آثار مختلفی که با زندگی و آداب و طبقات مختلف مردم ایران - اعم از شهری و عشایری - ارتباط دارد و تاریخ آنها از عهد صفویه آغاز گشته. حصه اصلی آنها مربوط بدوران قاجاریه می باشد. ساعات بازدید پیش از ظهر روزهای هفته غیر از تعطیلات.

۵- موزه هنرهای ملی

در عمارت حوض خانه و سر سرای باغ قدیمی نگارستان (همانجا که میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بقتل رساندند) که از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار بوده نزدیک مجلس شورای ملی واقع است. مشتمل بر نمونه های برجسته هنرهای ملی از قبیل فرش وزری و خاتم و منبت و کاشی کاری و مینیاتور و غیره که با حفظ سنن و نکات فنی قدیم بوسیله استادان هنرمند اجرا می شود و برقرار می ماند. ساعات بازدید روزهای هفته پیش از ظهرها.

۶- موزه هنرهای تزئینی

در عمارتی نوساز واقع در جبهه شمالی خیابان کریم خان زند نزدیک محل تلاقی خیابان ویلا و خیابان کریم خان زند. شامل آثار هنری و بسیار ظریف گوناگون از زری بافی و گل دوزی و منبت و نقاشی و هنرهای لاک و فلز و فرش و نمونه های جالب دیگر. ساعات بازدید پیش از ظهرها غیر از روزهای تعطیلی.

۷- موزه فرش

واقع در ضلع جنوبی خیابان [دکتر سیدحسین فاطمی] به مسافت کمی در مشرق خیابان امیرآباد مشتمل بر نمونه های ممتاز فرشهای ایران در دو سه قرن اخیر. ساعات بازدید پیش از ظهرها غیر از روزهای تعطیل.

۸- موزه صنعتی

در گوشه میدان سپه و همچنین در عمارتی نزدیک چهار راه یوسف آباد (محل تلاقی شاهرضا [= انقلاب فعلی] و دنباله شاهپور [= حنیف تراد فعلی]) کمی از چهار

راه بجانب شمال بالاتر). این دو موزه مشتمل بر مجسمه‌های جدید شبیه رجال و صحنه‌های تاریخی و مظاهر هنری و آثاری از زندگانی جدید مردم ایران می‌باشد. ساعات بازدید همه روزه در مواقع مختلف.

۹- موزه رضا عباسی

در خیابان دکتر علی شریعتی (جاده قدیم شمیران) ضلع غربی نزدیک به مسافت کمی پیش از رسیدن به پل سیدخندان. حاوی آثار هنری بسیار قابل توجه از دورانهای مختلف تاریخ ایران. ساعات بازدید پیش از ظهرها غیر از روزهای تعطیل.

۱۰- موزه نگارستان

در خیابان سپه جانب شرقی محل تلاقی خیابان فلسطین (خیابان کاخ سابق) با خیابان سپه. شامل آثار هنری مختلف بویژه نقاشیهای دوران قاجاریه و نمونه‌های ممتاز هنر مینیاتور و نظایر آن. ساعات بازدید پیش از ظهرها غیر از روزهای تعطیل.

۱۱- موزه آبگینه

واقع در خانه اسبق احمد قوام (قوام السلطنه) در خیابانی بنام همین شخص که بعداً بنام خیابان استالین تغییر یافت و سالیان متمادی هم مقر سفارت کبرای مصر بود. شامل آثار هنری از شیشه و آئینه و این گونه نمونه‌ها مربوط به دورانهای مختلف. ساعات بازدید پیش از ظهرها غیر از روزهای تعطیل.

۱۰- موزه ملک

در بازار صحافان یا بازار بین الحرمین در خانه قدیمی موروثی بانی آن شادروان حاج حسین ملک. مشتمل بر نقاشیها و قلمدانها و مجموعه سکه و مبلهای تاریخی قدیم و نفائس دیگر که آقای ملک بفرخورذوق خود-علاوه بر کتابخانه ملک-جمع آوری و بر آستانه حضرت رضا (ع) وقف نموده‌اند. بازدید آن برای علاقه‌مندان آزاد و عملی است.

کتابخانه‌های عمومی و مهم تهران

نیز بشرح زیر می‌باشد

۱- کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان

در کاخ شمس‌العماره و کاخ بادگیر گلستان حاوی مهم‌ترین گنجینه نسخه‌های خطی کلام الله و کتب نفیس و مرقعها و مینیاتورها و اسناد سلطنتی و دولتی که

با کمال علاقه و ایمان جمع آوری شده است و بازدید و بررسی آن موکول بفرصت کافی و کسب اجازه و موافقت مقامات مربوط است.

۲- کتابخانه ملی

در مجاورت موزه ایران باستان حاوی همه نوع کتب و انتشارات مختلف کشور و دارای مجموعه مهمی از نسخه های خطی. غیر از فصل تابستان که پیش از ظهرها فقط باز است در سایر مواقع سال در ساعات پیش از ظهر و عصر - به استثنای ایام تعطیل - آماده مراجعه علاقه مندان می باشد.

۳- کتابخانه مجلس شورای ملی

دارای ابنیه و سازمان مخصوص و کتب فراوان مورد مراجعه و استفاده عموم طبقات در کنار باغ مجلس شورای ملی. در ساعات مختلف صبح و عصر - غیر از تعطیلات - برای علاقه مندان باز است.

۴- کتابخانه انجمن آثار ملی

واقع در عمارت قدیمی از مجموعه ساختمانهای حسین پاشا امیر بهادر در خیابانی بنام پل امیر بهادر در پائین خیابان امیریه که از چند سال پیش بوسیله انجمن آثار ملی خریداری شده و انجمن نامبرده و مؤسسات تابعه آن (از جمله تالار کتابخانه) در آنجا مستقر گردیده است. ساعات مراجعه پیش از ظهرها به استثنای روزهای تعطیل.

۵- کتابخانه ملک

در بازار بین الحرمین و تأسیس آقای حسین ملک دارای نسخه های مهم و نفیس خطی و کتابهای چاپی زیاد، وقف بر آستانه حضرت رضا (ع) ساعات مراجعه در روزهای هفته صبح و عصر.

علاوه بر کتابخانه های فوق مؤسسات علمی مختلف از قبیل وزارت فرهنگ و دانشگاه و دانش سرای عالی و موزه ایران باستان و هنرهای زیبای کشور و موزه مردم شناسی و همچنین مؤسسات فرهنگی مربوط بوزارتخانه و مقامات دولتی طبعاً کتابخانه های مربوط برشته خود دارد که طبعاً علاقه مندان هم در موقع می توانند از آنها استفاده نمایند.

دو گوشه از تهران در یکصد و ده سال پیش

در ماههای مارس و آوریل ۱۸۴۸ میلادی مطابق با اواخر ربیع الثانی و اوایل جمادی الاول ۱۲۶۴ قمری که مقارن با ماههای آخر سلطنت محمد شاه قاجار باشد نقاشی فرانسوی بنام ژول لورانس در تهران بوده و مناظری چند از گوشه و کنار پایتخت ایران را در آن هنگام ترسیم نموده است مشاهده و دقت در این مناظر و مقایسه آنها با تغییر و تبدلات و توسعه شگفت انگیز کنونی این شهر عجیب و پر آشوب خالی از لطف و فایده نیست و همان طور که در یکی از شماره های قبل این مجله مذکور داشت دانشمند محترم آقای علی هانیبال چند عکس از نقاشی های مزبور را که اصل آنها در کتابخانه مدرسه ملی هنرهای زیبای پاریس است به اختیار این جانب گذاردند آقای آصفی هنرمند گرامی هم بتقاضای نگارنده از روی عکسها مجدداً نقاشی کرده اند که اینک با استفاده از آنها در باره دو گوشه تهران در صدوده سال پیش توضیحاتی در این مختصر به استحضار خوانندگان گرامی و علاقه مند می رساند.

بازاری که در خیابان مولوی نزدیک چهار راه سیروس واقع گشته و بطرف بقعه سید اسماعیل و بازار نجارها و بازارهای دیگر آن حدود میرود، بنام بازار دروازه خوانده می شود. محل این بازار و حول و حوش آن از هنگامی که شهر تهران را پایتختی ایران برگزیده اند همیشه یکی از بارونق ترین و پر جمعیت ترین نقاط شهر بوده است و امروز هم نه تنها قسمتهای مجاور بازار مزبور در خیابان سیروس و خیابان مولوی با دکانها و قهوه خانه های بزرگ و پر جمعیت خود از رونق همیشگی این محل حکایت می کند بلکه به اقتضای افزایش جمعیت و داد و ستد روز افزون تمام قسمتهای شهر آبادی و رواج کار بازار مزبور هم ازدیاد پیدا کرده است و برای کسانی که طالب مشاهده مناظر

زندگی طبقه پر کار و فعال و در عین حال ساده دل و بی تکلف شهر تهران باشند و بخواهند احتیاجات پوشاکی و خوراکی و اغذیه متعدده پخت بازار و سایر نیازمندیهای مختلف روزمره توده واقعی مردم این شهر را از نزدیک درک نمایند و احیاناً تحت تأثیر مشهودات خود قرار گیرند عبور از بازار مزبور و حول و حوش آن از جمله محوطه معروف به میدان سوخت و میدان کاه فروشها که دهانه شمالی بازار نامبرده در آنجا باز میشود دارای فایده بسیار خواهد بود.

پیش از آن که شهر تهران در عهد ناصرالدین شاه قاجار (بسال ۱۲۸۴ قمری) بوضع اساسی توسعه یابد و دروازه های شهر به مسافتی دورتر از دروازه های سابق بنیان گردد بجای مدخل جنوبی بازار فوق الذکر یعنی همان محلی که اکنون از سمت خیابان مولوی داخل این بازار می گردند دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم (ع) قرار داشت و بهمین جهت هم بازار مزبور بنام بازار دروازه خوانده می شد و در اراضی بیرون دروازه هم باراندازها و سراها و ابنیه دیگری که از قدیم الایام در کنار شهرها و پشت دروازه ها بفراخور احتیاجات طبیعی و عمومی هر شهر لازم می آمده است احداث گشته بود و پس از آن که دروازه جدید حضرت عبدالعظیم (ع) در محل کنونی میدان شوش بنیاد گردید دروازه قدیمی، متروک و ویران گشت و اثری از آن برجا نماند (مانند دروازه جدید حضرت عبدالعظیم (ع) و ابنیه بیرون شهر قدیم هم درون شهر جدید واقع گشت و از جمله آنها مسجد کوچکی بنام مسجد بهشتی و قسمتهائی از کاروانسرای چند که ضمن ادامه خیابان سیروس تا میدان امین السلطان از میان نرفته هنوز باقی و مورد استفاده هست. از جمله مناظری که نقاش فرانسوی - ژول لورانس - ترسیم نموده است منظر شهر تهران از بیرون دروازه سابق الذکر یعنی دروازه قدیمی حضرت عبدالعظیم (ع) می باشد.

با مشاهده نقاشی مزبور معلوم می گردد که در کناریکی از برجهای ۱۱۴ گانه حصار شهر تهران، دیوار و برجی افزوده دروازه شهر را در وسط این دیوار قرار داده بودند و عقب دیوار احداثی مزبور هم دروازه اصلی بر باروی قدیمی قرار داشته است ضمناً قسمتی از جبهه جنوبی باروی تهران از آثار شاه طهماسب اول صفوی در همین نقاشی نموده شده است.

لازم به توضیح نیست که در موقع ترسیم این نقاشی هنوز بازار دروازه ساخته نشده بود و پس از عبور از دروازه و ورود بشهر از فضای باز و آزاد و از میان گرد و غبار

راههای کج و معوج داخل شهر را می پیمودند و به بازارهای محدود و غیر منظم آن موقع تهران می رسیده اند.

* * *

منظره جالب دیگری که نقاش فرانسوی از تهران قدیم تهیه نموده است محلّ فعلی انتهای جنوبی خیابان ناصر خسرو و دورنمایی از گنبد و مأذنه مسجد شاه تهران می باشد.

بسیاری از اهالی محترم تهران بخاطر دارند که از میدان مقابل شمس العماره تا مسجد شاه، بازاری بنام بازار کنار خندق وجود داشت که ضمن عریض کردن خیابان ناصریه (ناصر خسرو کنونی) از میان رفت و تیمچه صدر اعظم و دکانهای ضلع غربی بازار مزبور در کنار جبهه جدید الاحداث خیابان اخیر الذکر قرار گرفت.

نام بازار کنار خندق بمناسبت خندق اطراف ارک تهران بود که در یک گوشه آن هم این بازار را ساختند و موقعی که نقاش فرانسوی در تهران مناظری ترسیم می نمود بازار کنار خندق ساخته نشده بود و در ذیل نقاشی ثی که از این محلّ تهیه نموده آن را بنام «مدخل بازار تهران» معرفی کرده است.

خندق شرقی ارک تهران در سال ۱۲۸۱ قمری انباشته شد و بجای آن خیابان فعلی ناصر خسرو احداث گشت و با توجه به این که نقاشی مورد ذکر در ۱۲۶۴ قمری ترسیم شده است معلوم می گردد بازار کنار خندق بین سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۸۱ قمری و به احتمال قوی بفاصله کوتاهی بعد از بازار امیر (از مستحدثات امیر کبیر مربوط به اوایل سلطنت ناصرالدین شاه) ساخته شده و بشرح بالا پس از هشتاد و اندی سال از میان رفته است.

در نقاشی ژول لورانس، دومناره طرفین ایوان شمالی مسجد شاه دیده نمی شود و در عوض گلدسته بالای همان ایوان مانند گلدسته مسجد شاه قزوین بنظر می رسد. با توجه به این که نقاشی مزبور ۲۴ سال بعد از احداث مسجد شاه تهران ترسیم گشته است (تاریخ بنای مسجد شاه تهران ۱۲۴۰ قمری است) بخوبی معلوم می شود که مسجد شاه تهران هم مانند سایر مساجد شاه احداثی فتحعلی شاه در سمنان و قزوین و بروجرد مناره نداشته است و دومناره موجود در مسجد شاه تهران از آثار زمان ناصرالدین شاه قاجار می باشد که طبق سال تاریخ موجود در سر در شمالی مسجد مزبور در سال ۱۳۰۷ تعمیراتی در آن نموده ظاهراً ضمن همین تعمیرات، مناره های موجود را نیز بطرفین ایوان

شمالی افزوده‌اند. گنبد امامزاده زید (ع) و گنبد مسجد سید عزیرالله که هر دو از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار است در نقاشی مزبور مشهود می‌باشد و ضمناً علاوه بر آن که گوشه‌ای از خندق جنوب شرقی ارک تهران در این نقاشی نموده شده است برج ارک در همان گوشه و نگهبان برج نیز بنظر میرسد.

در باره بنای ارک تهران که طبق نوشته مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب آلمآثر والاآثار^۱ و آقای ع — جواهر کلام در رساله تاریخ تهران^۲ و نویسندگان دیگر، از آثار زمان کریم خان زند است. هنکار گرامی آقای جواد جعفری کارمند محترم وزارت فرهنگ چندی قبل اظهار می‌نمودند که غلامرضا معمار از مردم تبریز در زمان کریم خان زند با خاندان زند ازدواج نموده بفرمان وکیل معماری ارک تهران را عهده‌دار بوده است و پسر او حاجی جعفرخان، معمار مشهور زمان فتحعلی شاه تا اوایل ناصرالدین شاه بوده معماری بسیاری از ابنیه آن دوران از جمله ساختمانهای در ملایرو کاروانسراها و آب انبارهای راه تهران به عتبات را انجام داده و خود او نیز در کربلا بخاک سپرده شده است.^۱

تخت کیقباد

بر فراز صخره‌ای از کوهستان البرز متصل و مشرف به قریه «ایگل» در سه کیلومتری جنوب غربی اوشان در محلّ التقای درّه و رودخانه آهار با شعبه‌ای از جاجرود که از کوه توچال بسمت اوشان می‌رود سکوی طبیعی وجود دارد که مردم آن را تخت کیقباد می‌خوانند. بر بالای این تخت دو حفره بشکل چاه بعمق قریب پنج متر و بفاصله نزدیک ده متر در سنگ کوه کنده‌اند و راهرو و دهلیزهای متعدّد زیرزمینی هر کدام بطول چند متر از این دو چاه منشعب می‌گردد و یکی از همین دهلیزها هم دو چاه را بیکدیگر مربوط می‌سازد. عبور از این دهلیزها پس از خاک برداری و تخلیه کامل آنها بر اثر ریزش آب و تنگنایی برخی نقاط آن بسیار دشوار است و با وجود این جویندگان گنج! فارغ نشسته درون تمام این چاهها و دهلیزها را کاوش کرده‌اند و در نتیجه از نظر علم و اطلاع علاقه‌مندان به آثار باستانی وضع زیرزمین یکی از دخمه‌های آرامگاه ایرانیان پیش از اسلام را روشن نموده‌اند. با مشاهده خاکها و مهره‌های گلی کوچک که از حفره‌های تخت کیقباد بیرون آمده است معلوم می‌گردد که قریب هزار سال پیش

۱- المآثر و الاآثار ص ۶۰ از انتشارات کتابخانه ستانی

۲- تاریخ طهران ص ۸۸ جزء اول ۱۳۲۵.

هم در محلّ مزبور دست کاری و تجسس کامل نموده مجدداً آنها را پر کرده اند و آرامگاه زرتشتیان آن محلّ را بحال خود گذارده اند.

در باره تخت رستم دانشمند فقید پروفیسور هرتسفلد و برخی نویسندگان دیگر اروپائی قبلاً اطلاعاتی مذکور و منتشر نموده اند. تخت کیکاوس را هم آقای مهندس سیر و فرانسوی چند سال پیش ضمن مقاله مفیدی معرفی کرده طیّ این مقاله از مطالب آن نیز استفاده شده است. تخت کیقباد برای نخستین بار در این مقاله اجمالی به محضر علاقمندان به آثار گذشته معرفی گردید و بشرحی که در ابتدای این مقاله اشاره نمود یادگارهای تاریخی زیاد در کوهستانها و نقاط اطراف تهران هست که کم و بیش در خور بررسی و دقت بوده شایستگی کامل دارد که از آنها نگهداری و توجه شود و مردم هر محلّ، این آثار تاریخی مربوط بخودشان را با عقل و درایت حفظ و مراقبت نمایند.

چهار بنا به یک نام در چهار پایتخت ایران

۱- عالی قاپوی قزوین:

در شهر تاریخی قزوین، خیابان عریض شمالی جنوبی‌یی بنام خیابان سپه هست که وسیع‌ترین و با صفات‌ترین و در عین حال قدیمی‌ترین خیابان این شهر بوده از یادگارهای دوران پایتختی قزوین در عهد صفویه است. پیش از آنکه بدستور رضا شاه مسیر راه تهران به رشت و همدان در داخل شهر قزوین بعلت پیچ و خمهای مختلف و کم عرض بودن بعضی قسمت‌های آن تغییر داده شود مسافرینی که از تهران بقزوین می‌رفتند یا از آن شهر عبور می‌کردند عموماً طول خیابان عریض تاریخی مزبور را طی می‌نمودند لکن اکنون راه عبور اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها عموماً از خیابان مستقیم شرقی و غربی است که به مسافتی بالاتر از خیابان سپه می‌گذرد و فقط مسافرینی که بوسیلهٔ ترن بقزوین می‌روند چون از ایستگاه راه‌آهن بشهر عزیمت می‌نمایند از انتهای جنوبی خیابان سپه وارد شهر می‌گردند و این خیابان قدیمی و تاریخی را مشاهده می‌نمایند.

انتهای شمالی این خیابان به سر در با عظمتی منتهی می‌گردد که نام آن «عالی قاپو» است و سر در کاخ‌های شاهان صفویه بوده از سالیان متمادی پیش از این هم مقر شهربانی قزوین در حیاط وسیع پشت این سر در تاریخی قرار دارد و بدین قرار فعلاً مدخل ادارهٔ مزبور می‌باشد این سر در بعلت تعمیرات و تغییراتی که در دورهٔ قاجاریه و پس از آن پیدا کرده است کمتر از سابق درخندگی و جلوه‌گری دارد لکن

رو بهم رفته میتوان گفت که از بناهای تاریخی خوش اقبال ایران بشمار میرود و نسبت به کهنگی و قدمت خود خوب باقی مانده است.

کتیبه کاشی معرق و دو پنجره مشبک کاشی معرق از آثار صنعتی نفیس دوران صفوی در آن باقی و نمونه هنرمائی هائی است که هنرمندان عصر شاه عباس کبیر در این سر در معظم بکار برده بودند. کتیبه مزبور از نوشته های علیرضا عباسی است که بخط ثلث با کاشی سفید بر زمینه لاجوردی رنگ احداث گردیده در متن آن نام و القاب شاه عباس کبیر ذکر گشته و تصریح شده است که بنای سر در فرمان شاه عباس انجام یافته است، و ضمن عبارات تشریفاتی که بعد از اسم وی بزبان عربی نوشته اند سرهای بزرگترین پادشاهان زمان را بر درگاهش و گردنهای سروان معظم عصر را بر آستانه وی بحال اطاعت و افتادگی مسئلت کرده اند. سال تاریخ ندارد ولی یقیناً پیش از انتقال پایتخت باصفهان یعنی پیش از سال ۱۰۰۶ هجری بنیاد گردیده است بنابراین تاریخ بنیاد آن بین سالهای ۹۹۶ هجری که آغاز سلطنت شاه عباس کبیر باشد و سال ۱۰۰۶ هجری می شود.

در کتاب عالم آرای عباسی که در سال ۱۰۲۵ هجری یعنی سال سی ام سلطنت شاه عباس تحریر رفته است از این بنا و همچنین از بنای عالی قاپو در اصفهان بنام درگاه دولتخانه یاد شده است.

۲- عالی قاپوی اصفهان

شاه عباس از آغاز سلطنت خود هر وقت فرصت و فراغت پیدا می کرد به اصفهان میرفت و علاوه بر این که املاک موروثی جدش شاه طهماسب و از جمله باغ مورد علاقه وی بنام نقش جهان در اصفهان واقع بود اصولاً بگفته اسکندر منشی مؤلف تاریخ عالم آرا:

«خصوصیات آن بلدة جنت نشان از استعداد مکان و آب و رودخانه زاینده رود و جویهای کوثر مثال که از رودخانه مذکور منشعب گشته بهر طرف جاری است در ضمیر انور جای گیر گشته همیشه خاطر اشرف بدان متعلق بود که در آن بلدة شریفه زحل اقامت انداخته توجّه خاطر به تربیت و تعمیر آن مصرف دارند».

و در نتیجه همین علاقه در سال ۱۰۰۶ هجری (= ۱۵۹۸ میلادی) تصمیم به انتقال پایتخت خویش از قزوین به اصفهان گرفت و طرح عمارات و خیابانها و باغهای سلطنتی را در این شهر ریخت. باغ بزرگ نقش جهان که از سالهای پیش در ملکیت شاه طهماسب و بعد از شاه عباس بود محل احداث عمارات متعدد سلطنتی گردید و عمارت اصلی

وقدیمی آن که از آثار دوره تیموریان بود با اضافات و الحاقاتی سر در ورودی کاخهای مزبور شد و بنای فعلی عالی قاپوی اصفهان بدین ترتیب اهمیت و موقعیت تازه ای پیدا کرد.

تغییر عمده عمارت عالی قاپو نسبت بوضع سابق این بود که اولاً بر فراز آن تالارها و اطاقهای عالی با نقاشیها و گچ بریهای بدیع افزودند و پس از آن هنگامی که شاه عباس تصمیم به احداث میدان نقش جهان گرفت ایوان معظم عالی قاپو با ۲۸ ستون بلند و حوض مسی در وسط و سایر مستحدثات در جلوی بنای قدیم الحاق گردید و از این ایوان که گویا در کتاب عالم آرا بنام طبقه دولخانه معرفی گردیده است شاه عباس و شاهان دیگر صفوی مراسم پرشکوه رژه ارتش و آمدن سفرا و عرضه کردن هدایا و جشنها و شادمانیهای عمومی و بازی چوگان و نمایشهای سواری و بازی نیزه و پیکار حیوانات و شیرین کاریهای پهلوانان و غیره را تماشا می کردند و بنوشته جهانگردان اروپائی در آن زمان هیچ بنائی به زیبایی و جلوه این کاخ نبوده است.

بنای عالی قاپوی اصفهان علاوه بر جنبه سلطنتی نزد مردم مکان محترمی بوده آن را مانند آثار مذهبی محترم می داشته اند و بقراری که نقل می کنند شاه عباس دری از درهای بارگاه نجف را از محل خود برداشته و بجای آن دری از طلا گذارد و در بارگاه نجف را برای تیمن و تبرک به اصفهان آورده در مدخل کاخهای سلطنتی خود یعنی همین بنای عالی قاپو نهاد و مردم با کفش به آنجا نمی آمدند بلکه آستانه در را بوسیده دعا می کردند و شخص شاه هم هیچگاه سوار اسب از آن عبور نمی نمود.

گچ بریها و مینیاتورهای داخل عالی قاپو از لحاظ ظرافت و تنوع و ریزه کاری از شاهکارهای هنری ایران است. پلکانهای پیچاپیچ و اطاقهای تو در توی آن هم برای مردم با نشاط و کنجکاو بسیار عالی و مشغول کننده است و حقیقتاً اگر روزی سازمان مربوط به تشویق و توسعه جهانگردی در ایران دایر باشد یکی از ممتازترین محلّهای که سالیانه درآمد سرشاری از نظر سیاحت خواهد داشت این بنای منحصر بفرد تاریخی خواهد بود.

در سال ۱۲۷۲ قمری شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدالدوله تعمیراتی در این بنا

کرد و ظلّ السلطان هم مدتی در آن زندگی نموده است،

۳- عالی قاپوی تبریز

عمارت استانداری در تبریز صرف نظر از بنای جدید باشکوه که در سالهای اخیر

ساخته‌اند مشتمل بر عمارت‌های قدیمی ساز دیگر است و بقراری که آقای حاج محمد نخبجوانی از شخصیت‌های عالم و هنر دوست تبریز اظهار میدارند از هنگام زلزله حدود سال ۱۱۹۳ هجری تا زمان سلطنت مظفرالدین شاه بنائی بنام عالی قاپو در محوطه فعلی استانداری در تبریز وجود داشت و شاید پیش از زلزله مزبور هم بنائی بنام عالی قاپو در آنجا بوده است و هم اکنون نیز محوطه و ابنیه استانداری در تبریز بنام عالی قاپو خوانده میشود.

نگارنده فرصت نکردم در این باره تحقیق بیشتری بکنم و بهمین جهت بنقل آنچه دانشمند محترم فوق‌الذکر اظهار فرموده‌اند اکتفا می‌نماید.

۴ - عالی قاپوی تهران

در محلی که فعلاً در ورودی حیاط تخت مرمر در ضلع شمالی میدان تخت مرمر قرار دارد سابقاً سر در بسیار باشکوه زیبایی بود که روبرو به میدان قدیم نقاره‌خانه (میدان فعلی تخت مرمر که وزارت کشور و استانداری تهران و ادارات تبلیغات و مرزداري در کنار آن واقع است) مقرنس کاریهای عالی گچ بری داشت و از سمت حیاط تخت مرمر صحنه جنگ رستم و دیوروی کاشی بالای دیوار آن را زینت می‌بخشود و مشتمل بر هشتی مجلل و اطاق‌های دربان و غیره بود. سر در مزبور مانند آثار فراوان دیگر کاخ گلستان در دوره ناصرالدین شاه قاجار احداث گردیده بنام عالی قاپو خوانده می‌شد در سال ۱۳۰۹ شمسی آن را منهدم ساختند و اکنون در همان محل با چند متر اختلاف مکان مدخل حیاط تخت مرمر واقع است که دو ستون مرمری کوچک و ظریف در دو سمت آن قرار دارد.

تنها اثری که از بنای عالی قاپوی تهران باقی مانده کاشیهای صحنه جنگ دیو و رستم است که از روی همین صحنه در بالای در ارگ کریم‌خانی شیراز ساخته شده است و هنگام خرابی بنای نامبرده آن را در انبار اداره بیوتات نگهداری کردند و در سال ۱۳۱۴ شمسی ضمن ساختمان ورزشگاه امجدیه در محل فعلی بالای دیوار روبروی مدخل اصلی ورزشگاه مزبور نصب نمودند. لوحه کاشی مزبور به امضای محمد قلی شیرازی و مورخ بسال ۱۲۷۳ قمری است.

نام عالی قاپو بمعنی در عالی و بلند همان طور که از کلمه دوم آن بر می‌آید از اصطلاحات ترکی است که در عهد صفویه بکار می‌برده‌اند و بعداً در مملکت عثمانی بجای آن اصطلاح «باب عالی» موسوم گردیده است ولی در ایران پیش از دوره صفویه

به دروازه‌های شهرها و در بزرگ کاخها کلمهٔ درب را اطلاق می‌نموده‌اند مثلاً در اصفهان محلّ فعلی دروازه دولت پیش از دوران صفوی درب دولت نامیده می‌شد و در همان شهر بناهای تاریخی درب امام و درب کوشک از آثار قرن نهم هجری بهمان نامهای پیش از عهد صفوی خوانده می‌شود. در کاشان محلهٔ درب یلان (دروازهٔ پهلوانان) و در شهر ساوه محلهٔ درب ری (دروازهٔ ری) از نامهای پیش از دوران صفوی و حتی قدیم‌تر از عهد مغول است.

در پایان این مقاله بی‌مورد نیست اشاره شود که علاوه بر حدیث معروف انا مدینه العلم و... یا آیه انا فتحنا... یا جملهٔ سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین یا عبارات و جملات مناسب عربی دیگر در بسیاری موارد اشعار نغز و عالی هم بر بالای درهای بزرگ و درهای خانه یا روی درها می‌نوشته‌اند که بسیار رسم نیکوئی بوده است و چند بیت از این گونه اشعار که بر روی آثار قدیم باقی مانده است در اینجا بطور نمونه ذکر می‌گردد:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست

بر در دولت سرای او بزر بنوشته این

هذه جئات عدن فادخلوها خالدین

هیچ نگشاید ز درهای دگر درزان تست

ربنا افتح بیننا اذ انت خیر الفاتحین

بحقّ اشهدان لا اله الا الله
دماغ مجلس روحانیان معطر کن

گشاده باد بدولت همیشه این درگاه
ز در درآ و شبستان ما متور کن

دوش می رفتم بمژگان خاک این درگاه را

گر گناهی کرده باشم پاک سازم راه را

رفع الله قدر هم درجات

بر درت جا کنند اهل نجات

شهری پیش از ادوار اسلامی

ضمن کاوشهای علمی که در ۱۶ سال پیش بوسیله هیئت علمی آمریکایی بریاست دکتر اریک اشمیت در ری به علم آمد در دامنه جنوبی کوه چشمه علی و اراضی مشرف به باغ صفائی، ظروف سفالی منقوش متعلق به حدود شش هزار تا چهار هزار سال پیش کشف شد و معلوم گردید که در مجاورت چشمه سار با نزهت و پر صفای چشمه علی مانند اغلب نواحی مستعد ایران در زمانهای بسیار بسیار قدیم مردمانی دارای صنعت و تمدن ادوار باستانی می زیسته اند و مثل ساکنین سایر نقاط باستانی ایران یادگارهایی از تمدن و صنعت خود با تهیه ظروف سفالی و نقوش روی آنها از خود باقی گذارده اند.

بعد از این آثار تا دوره شهر یاران ساسانی یادگار و شاهد موجودی که از مردم قدیم در ری باقی مانده باشد کشف نگردیده است و از عصر ساسانیان تپه‌هایی چند که بقایای ساختمانهای مهم آن عصر را در دل خود نهفته دارد باقی مانده کم و بیش مورد کاوش و تفحص نیز قرار گرفته است و یک بنای آجری عظیمی هم در فاصله قریب هفت کیلومتری مشرق قصبه فعلی شهر ری (حضرت عبدالعظیم) بر فراز تپه واقع بوده که هنوز قسمتهایی از دیوارهای سنگی و آجری آن با دهلیزها و اطاقهای چند باقی است و تپه مزبور نیز بمناسبت دو پایه بزرگ موجود از بنای قدیم بنام «تپه میل» خوانده می شود تپه‌های دیگری بنام تپه مرتضی کرد و تپه چال ترخان در چند کیلومتری جنوب غربی قصبه فعلی شهر ری قرار دارد که بقایای کاخهای ساسانی است و ضمن حفاریهای سابق الذکر گچ بریها و نقوش برجسته و ستونهای سترک با تزئینات گچ بری بدست

آمده که نمونه‌های مهمتر آنها در موزه ایران باستان زینت بخش غرفه ساسانی می باشد و در میان آنها نقش بهرام و آزاده که بر شتر سوار هستند و در شکارگاه به صید آهوان مشغول بوده و بهرام سم و گوش آهوئی را با پیکان بهم دوخته و آزاده چنگ می نوازد دیده می شود.

بطوری که خوانندگان محترم میدانند شاهکار بهرام در شکارگاه به شرح بالا و خونسردی آزاده که مانند تقریباً همه بانوان در قبال توقع تحسین و تشویق و آفرین مردان قیافه عادی و طبیعی توأم با خونسردی و بی علاقه‌گی نشان داد و حس خودخواهی فطری شهریار را جریحه دار ساخت موضوع داستانهای منظوم فراوانی شد که بعدها شعرای متعدد مخصوصاً حکیم نظامی و امیر خسرو دهلوی آن را بطور تفصیل پروراندند و طبق این داستانها دنباله آن به طرد آزاده از دستگاه سلطنتی و بازگشت او به خانه پدر و تمرین روزانه بغل نمودن گوساله نوزاد تا وقتی که گاوی بزرگ شد و بالاخره برخورد تصادف بهرام در شکارگاه پس از چند سال به زنی که گاوی را از پلکان عمارت بالا می برد و شناختن آزاده و آشنائی مجددشان منتهی می گردد و اینک لوحه گچ بری عتیقه قسمت اول این داستان شیرین که ضمن حفاری در تپه چال ترخان ری بدست آمده و مربوط به زمان ساسانیان است و گواهی از قدمت و صحت داستان بشمار می رود بر دیوار غرفه ساسانی در موزه ایران باستان جلوه گری می کند.

اثر دیگر عهد ساسانی که این جانب از بعضی دانشمندان شنیده ام نقاشی برجسته ای از یکی از شهریاران آن سلسله در دامنه جنوبی کوه طبرک بوده است که در زمان فتحعلی شاه آن را محو کرده بجای آن تصویر فتحعلی شاه را در حین حمله به شیر حجاری نموده اند! و سرسره معروف را برای بازی و سرخوردن و تفریح خانواده سلطنتی و بهجت خاطر خاقان مذکور در مجاورت همین نقش احداث نموده اند و بهمین مناسبت کوه طبرک را از طرف جنوب کوه سرسره می خوانند.

کوه طبرک همان کوهی است که قلعه معروف طبرک ری بر بالا و در دامنه جنوبی آن قرار دارد و از سمت جنوب در جلگه به باروی وسیعی که اطراف محله مشهور محمدیه شهر ری را احاطه می کرده است منتهی می گردد (این محله محمدیه با محله محمدیه شهر تهران البته ارتباطی ندارد و نباید موجب اشتباه شود) و در شمال همین کوه، کارخانه سیمان قرار دارد که خشتها و خاک رس باروها و قلعه طبرک را با سنگ کوه در آمیخته سیمان برای احتیاجات فعلی کشور تهیه می کنند! و بدین ترتیب خواه

ناخواه از قلعه طبرک تا چند سال دیگر نامی بیش نخواهد ماند. علت این که در سطور بالا از شهرری در دوره ساسانی گفتگو کردیم این است که در دوره آل بویه و سلجوقی هنگامی که شهر تاریخی مزبور به حد اعلای عظمت خود رسید یکی از سنن دیرین ایرانیان پیش از اسلام یعنی دفن اموات در کوهستان باقی و معمول مانده بود بدین معنی که پیکر مردگان با رعایت دستورهای آئین اسلام بجای این که در جلگه به خاک سپرده شود در دل کوه میان حفره ای که در سنگ بصورت قبر می کنند قرار می گرفت و بدین جهت کوهسارهای کوچکی که بطور مجزا در جنوب طبرک قرار دارد - یعنی کوه مشرف به آبادی تقی آباد که اکنون محل کارخانه های آجرنسوز و مواد شیمیائی است و کوهسار مشرف به امین آباد و دنباله کوه طبرک که به کوه بی بی شهربانو معروف است و بقعه بی بی شهربانو در آن قرار دارد - تماماً محل قبرستانهای شهرری در عهد آل بویه و سلجوقی بوده است.

بنابراین تا پیش از حمله مغول و خرابی ری همانطور که شهرری شهری آباد و پر جمعیت بود دامنه های کوهستانهای شمال شرقی آن نیز برجهای سنگی و آجری متعدد و زیبایی در برداشت که بین آنها مقابر شهریاران آل بویه و بزرگان دیگر ایران هم بود و آثار معروف به نقاره خانه در شمال کارخانه های آجرنسوز و مواد شیمیائی در زمره همین مقابر بزرگان است که برجی دوازده ضلع در وسط تختگاه وسیعی بوده شالوده آن فعلاً توسط اداره کل باستان شناسی مرمت شده با همکاری اولیای کارخانه های نامبرده صیانت می شود.

همچنین بقایای ساختمانهای سنگی معظم کوهسار امین آباد که در ۲۵ سال قبل بر اثر کشف پارچه های ذی قیمت قرون اولیه اسلام معلوم شد مدفن سلاطین آل بویه است و پارچه های مزبور در نتیجه بی خبری و بی اطلاعی خودمان و چپاول عتیقه شناسان خارجی با کمال سهولت از ایران بیرون رفت و شهرت و سروصدای زیادی راه انداخت از همین مقابر است که آئین اسلام توأم با سنن ایرانیان قدیم در آنها نمودار می باشد.

بقعه متبرکه بی بی شهربانو از کامل ترین و دلچسب ترین مظاهر این روح مخصوص ایرانی یعنی آمیختن معتقدات دین مقدس اسلام با آداب و سنن مخصوص ایرانی است که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد.

آثار تاریخی ادوار اسلامی شهر ری

شهری از دوران هخامنشی یکی از نقاط آباد و مهم ایران بوده است و در قرون اولیه اسلام نیز از معظم ترین مراکز آبادانی و سیاسی ایران محسوب می شد و مدتها پایتخت سلسله آل بویه بوده و در عهد سلجوقیان نیز شهر معظم پر جمعیت و بسیار مهمی بشمار میرفته در مواقعی پایتخت آن سلسله نیز بوده است و بر اثر حمله مغول و سوانح دیگر بکلی ویران گردید^۱ بدین لحاظ ابنیه تاریخی آباد کنونی شهر ری عموماً مربوط بدوران مغول ببعد بوده یا بقایای ابنیه قدیم تر است که بصورت ویران نگهداری میشود و یا ابنیه بیرون از شهر باستانی ری است که از ویرانی و آسیب تا حدی برکنار مانده است و در این راهنمای مختصر بطور اجمال به نوع این ابنیه و آثار می پردازیم:

۱ - تپه میل (کنار جاده ورامین)

۲ - زندان هارون (یا زندان خان)

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۰۸ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

بنای منفرد و دور افتاده در سه کیلومتری شمال جاده خراسان و ۱۲ کیلومتری مشرق تهران در مجاورت دهکده ای بهمین نام (زندان) واقع شده است ساختمان آن تماماً از سنگ و گچ بوده فقط طاقهای ضربی طبقه دوم با آجر احداث شده است. وضع ساختمان و ابعاد آجرها بخوبی می رساند که بنای مزبور متعلق بدوران آل بویه و سلجوقی (قرن ۴ و ۵ هجری) است. در هریک از دو طبقه بنا، چهار اطاق در چهار گوشه آن قرار دارد و در فواصل آنها هم راهروهای عریض و محوطه مرکزی واقع می باشد. مدخل آن روزنه ای در انتهای جنوبی راهرو طبقه دوم بوده است که بوسیله

نردبان یا طناب بدان داخل می شده اند و همانطور که از نام آن برمی آید این ساختمان را برای زندان ساخته بودند. در سالهای اخیر تعمیرات اساسی بوسیله باستان شناسی در آن صورت گرفته است و دنباله آن هم در آینده انجام خواهد گردید.

به مسافت قریب یک کیلومتر در شمال بنای مزبور در دنباله دره کوچکی بنای منفرد دیگری وجود دارد که آن هم بنام زندان خوانده می شود و مانند بنای فوق تماماً از سنگ و گچ ساخته شده است مشتمل بر برج کوچک چهار گوش دو طبقه است که طبقه زیرین آن سلول تاریک انفرادی بوده از روزنه بالای طاق بدان داخل می شده اند و طبقه بالای آن هم احتمالاً محل مأمور و مراقب زندانی نگون بخت بنظر میرسد.

زندان هارون الرشید یا آشکده ساسانی *

شهر طهران که طرح کنونی آن در دوره قاجاریه زمان ناصرالدین شاه ریخته شده است با وجود اهمیت نسبی که امروزه دارا می باشد از لحاظ تاریخی یکی از بی مایه ترین شهرهای ایران است. بالعکس منطقه جنوب طهران که حومه شهر محسوب میشود از این بابت بسیار پرمایه و قابل توجه است. در آنجا شهر با عظمت ری معروف به «شیخ البلاد» مدفون می باشد که از زمان قبل از مدی ها وجود داشته و در قرن ششم هجری در اثر حمله مغول واکگون گردید.

در تمام حوزه اطراف قصبه حضرت عبدالعظیم و جلگه ورامین و خوار آثار زیادی از دوره های قدیم ایران و مخصوصاً ساسانی متفرق می باشد و مکرر میسیونها و محققین فرانسوی و آلمانی و اخیراً آمریکائی بسراغ آنها رفته خاکهای آوار و پرده های چهل را از چهره کهن سال بعضی از آنها برداشته اند.

بنای تاریخی که مورد بحث مقاله می باشد با آن که قبلاً معلوم و مکشوف بوده تصادفاً (تا آنجائی که کسب اطلاع کرده ایم) از نظر محققین خارجی و از قلم نویسندگان، دور افتاده و از نزدیک و بتفصیل آن را بررسی نکرده اند و حال آن که ممکن است یکی از آثار تاریخی ذی قیمت باشد. اتفاقاً در گردشهای زمین شناسی که به مصاحبت بعضی رفقای کانون و بدعوت آقای اصفیاد اطراف کوه بی بی شهربانو می شد گذر بر این ناحیه افتاد و اینک نتیجه مشاهدات و مطالعات را برای خوانندگان مجله تشریح می نماید.

(طهران. ۱۹ اسفند ماه ۱۳۲۳)

• • •

بفاصله ۹۷۰۰ متر در مشرق حضرت عبدالعظیم سمت چپ جاده قدیم خراسان در دامنه کوههای مسگرآباد در میان دره تنگنائی، یک آبادی کوچک و بی خانوار جا گرفته است که دارائی آن منحصر بچند مزرعه و چند صد درخت انار و انجیر به انضمام توتستان محقری می باشد. تنها نشانه این آبادی چنارهای کهن سالی است که اطراف استخر کاشته شده و از دور سروکله خود را به کسانی که از کنار کارخانه غنی آباد

* این مقاله بقلم آقای مهدی بازرگان و به نقل از مجله صنعت (نشریه کانون مهندسين) شماره ۲۰ خرداد ۱۳۲۳ است.

بسمت جاده خراسان می روند نشان می دهد. این دیه را زندان می گویند و نام زندان بمناسبت یک بنای سنگی می باشد که سالیان دراز است در پیشاپیش آبادی مانند یک پست مقدم نظامی پشت به آبادی و روبه جلگه پهناور فشافویه و ورامین سینه سپر کرده است و به اعتقاد مردم، سابقاً زندان هارون الرشید خلیفه بنی عباس بوده ولی فعلاً پناهگاه گوسفندان و طویله دراز گوشان می باشد.

این بنا که در اثر کهنگی و هم جنسی با محل، کاملاً رنگ محیط را بخود گرفته است از دور تمیز داده نمی شود و از نزدیک تپه ماهورهای مجاور آن را از چشم مسافرین و عابرین جاده خراسان می پوشاند. شاید بهمین سبب بوده است که تا بحال از نظر محققین و سیاحان خارجی که چون دایه مهربان تر از مادر بیشتر از خود ما عاشق آثار ایران و مدعی حفظ بقایای آن می باشند برکنار مانده و معرفی نشده است. ضمناً خوشبختانه از حسادت سلاطین و دستبرد حفران نیز محفوظ مانده و اگر آن را در هم ریخته می بینیم باید انصاف داد که تنها کبر سن و دست تپاول عمر به این روزش انداخته است. در هر حال تصادف روزگار چنین خواسته که در نزدیکی مرکز کشور شاهی از بناهای تاریخی هزارساله باقی بماند و حکایت از زمانی بنماید که در ایران کارها از روی نقشه دقیق و با اساس محکم اجرا می شده است.

خوانندگان محترم نقشه های ساختمانی بنا^۱ و مناظر واقعی^۲ آن را با توضیحاتی که بعنوان متمم مطلب در ذیل هریک داده است ملاحظه می فرمایند.

سازندگان اولیه با کمال سهولت قانون تناسب با محیط و استفاده از موقع را بکار بسته اند در آنجا به محاذات جاده خراسان یک حاشیه طویلی بعرض ۲ تا ۳ و بطول ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر ساختمان کوهستان از سنگهای خروجی (LOVE) تیره رنگ متراکم می باشند. از طرف دیگر چند کیلومتری آن مسگرآباد واقع است که حالیه گچ طهران را تأمین می نماید. قطعات سنگ آتش فشانی مصالح اصلی بنا را تشکیل داده و گچ معدن ملاط آن می باشد (این خود نیز شاید علت دیگری بر دوام بنا باشد).

تمام ساختمان از ۱۴ رگ یا ۱۴ چینه سنگی به ارتفاع ۵۵ الی ۶۰ سانتی متر تشکیل شده در خارج قطعات نسبتاً درشت مسطح تقریباً به ابعاد ۳۰ سانتی متر و در

۱ - که با کمک آقایان جفرودی و حبیبی اندازه گیری و بدست آقای پزشکیان قلمی شده.

۲ - که بهمت آقای اصفیا برداشته و تهیه شده است.

داخل قطعات کوچک نامنظم ریخته‌اند. نظیر این سبک ساختمان را موسیو سیرو در آتشگاههای تخت رستم و تخت کیکاوس که آن طرف جلگه جنوب طهران در بالای تپه‌های مغرب شهریار واقع است مشاهده نموده^۱. همچنین استعمال سنگ طبیعی و ملاط گچ در خرابه‌های برج دیده‌بانی و قصر مدور عظیمی که بالای کارخانه کربنات دوسود امین‌آباد واقع است و یادگار ساسانی می‌باشد دیده می‌شود.

عمارت، وسعت نسبتاً معظمی را به ابعاد $۱۶/۳۰$ متر $\times$ $۱۶/۳۰$ در روی گرده تپه و در امتداد خط بزرگترین شیب آن اشغال نموده مشتمل بر دو طبقه جمعاً به ارتفاع ۹ متر می‌باشد. تناسب ابعاد چه در سطح و چه در ارتفاع بسیار موزون است و قطر دیوارها با وجود سنگی و کوهستانی بودن خارج از اندازه نیست. اجرای کار نیز طوری است که باید گفت تنها در طرح بنا، مقیاس صحیح و حساب دقیق بکار رفته بلکه انجام امر نیز بدست استاد فن سپرده شده است.

پلان طبقات، شکل مخصوص و منظمی دارد. چهار دهلیز عمود بر یکدیگر که جمعاً تشکیل صلیبی را میدهد و مابین شاخه‌های صلیب، چهار اطاق مربع هریک دارای مدخل واحد. درها در جهت معین حول مرکز بنا دور می‌زنند و محور آنها چه در طبقه اول و چه در طبقه دوم، درست در وسط طول دهلیزها قرار گرفته است. یقیناً معمار نظر داشته است تقارن کامل و متساوی ابعاد، همه جا رعایت شود ولی با استعمال مصالح طبیعی نامنظم و زمینه کوهستانی نامعین توفیق کامل نصیب او نشده. دوره مربع وجود صلیب وسط پلان عمومی، آتشگاهها و آتشکده‌های هخامنشی و ساسانی را به یاد می‌آورد که نمونه‌های خرابه آنها در نقاط مختلف ایران پراکنده است^۱ و در واقع بنای زندان یک چارطاق تکامل یافته می‌باشد که چهار عدد پایه‌های آن بقدر کافی وسعت یافته و ممکن شده است در میان آنها چهار اطاق مربع خالی کنند.

سقف رومی روی دهلیزها و مخصوصاً طاقهای گنبدی اطاقهای اطراف که دارای قاعده مربع‌اند و بوسیله چهارطاقچه مثلث (Trompillon) تبدیل به هشت ضلعی شده بدون واسطه دیگری دایره گنبد را در آن محاط کرده، قدمت بنا و انتساب آن را بدوره ساسانی (یا منتها دوره ابتلای اسلام) ثابت می‌کند. از طرز آجرکاری و بندکشی و گچ بریهای دوره سلجوقی نیز کوچکترین نشانه‌ای دیده نمی‌شود.

۱ - آثار ایران جلد سوم ص ۹۷.

۱ - رجوع شود به جلد سوم کتاب آثار ایران (۱۹۳۸) نشریه اداره کل باستان شناسی.

آجرهائی که بکار رفته معمولاً به ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۳/۵$ می باشد ولی در دوره پساطاق (Naissance De youte) دو رگ افقی کار کرده اند که آجرها دارای قالبهای مختلف می باشند $۴/۵ \times ۱۷ \times ۱۷ - ۵/۵ \times ۳۰ \times ۳۰$ طرز آجرچینی گنبدها بکلی با سبک دوره صفوی و دوره جدید متفاوت است. در گنبدهای جدید هر رگی که چیده می شود آجرها را لب به لب بوضع خوابیده پهلوی یکدیگر قرار می دهند که مجموع آنها یک قسمت از سطح مخروطی را تشکیل می دهند و رأس آن در مرکز کره می باشد ولی در اینجا آجرها با زاویه ۴۵° درجه نسبت بخط قائم روی هم تکیه کرده اند. در طاق دهلیزها سطح آجر بطور قائم و عمود بر محور دهلیز می باشد. البته به این ترتیب سرعت ساختمان طاق بیشتر می شود ولی ضمناً سطح داخلی طاق از منحنی کاملی که منظور است دورتر می گردد.

در طبقه اول طاق سه طرف دهلیز و گنبدهای چهار طاق بوضع نسبتاً خوبی پا برجا مانده و تغییری بر آن عارض نشده است، حتی روی ملاط و بند سنگها، جای انگشت کارگران هنوز دیده می شود ولی طاق دهلیز ورودی بکلی ریخته است. علت امر اولاً بروز شکاف بزرگی می باشد که بزوايه ۴۵° درجه در طاق جنوب شرقی تا خارج بنا حادث شده و ثانیاً در اثر وجود نقطه ضعفی است که حفرة بالای پلکان در این قسمت از ابتدا ایجاد کرده است (وضع این پلکان محقر و همچنین ناقص کردن دیوار طاق طبقه بالا، می رساند که معماران وقت — مثل بعضی معماران و مهندسين امروز — عادت به بناهای مطبق نداشته در فن پله زدن ناشی بوده اند و اهمیت و محلی از ابتدا برای آن قائل نبوده اند). پیدایش شکاف نیز در اثر نشست کردن و خم شدن دیوار در گوشه جنوب شرقی می باشد چه، بطوری که مشهود است بنا را بدون گودبرداری مستقیماً بر روی زمین طبیعی برپا کرده اند و چون خوشبختانه زمینه آن سنگ محکمی می باشد که لغزش نکرده است تا بحال پا برجا مانده.

مربع وسط طبقه اول بطوری که از گوشه های آن پیداست بدون سقف بوده و این قسمت مانند سرسراهای بزرگ تشکیل خلای را می داده که تا سقف طبقه دوم امتداد داشته پنجهای قوسی شکل که در طبقه دوم داده شده برای تأمین معبر و امکان گردیدن در دور همین فضای خالی بوده است.

دور بنا از چهار طرف بسته است و دیوار بلند ضخیمی ($۱/۴۵$ متر) که جزو اسکلت می باشد آن را احاطه می کند و جزیک مدخل کوتاه که در سمت جنوب واقع

است راه ورود به احدى نمى داده. همچنين دخول روشنائى در اين بارگاه سنگى ممنوع يا محدود بوده است چه با فرض اين كه روزنه هاى در اطراف يا در بالای گنبد وسط وجود داشته باشد مسلماً باز در انتهای دهلیزها سایه سنگین سقف حکمفرما بوده و در اتاقهای مربع، تاریکی محض در شب و روز استمرار داشته است بطوری که حالیه نیز با وجود ریخته شدن سقف بالا در اتاقها وضع بهمان قرار می باشد و آنها را بصورت سیاه چالهای محبس در آورده. یقیناً همین تاریکی عمدی اتاقها و منظره دیوار ضخیم محکم بی منفذی که دور عمارت را احاطه کرده است مردم را واداشته تصور زندان درباره آن بکنند و مردم شیعه که در عمر خود حکایات غم انگیزی از محبوسیت امام هفتم (ع) و مظالم هارون الرشید شنیده بودند فوراً بنای کهن سال را که نه مقصد و فایده آن را درک می کردند و نه خبر از سال بنیاد آن داشتند بجای زندان خلیفه عباسی گرفته اند و الاً بنظر بعید می آید که در دوره بنی عباس، کسی در اقصی نقاط دارالخلافه و با چنین تفصیل و تجلیل زندان ساخته باشد^۱. بعلاوه در تاریخ کمتر اتفاق افتاده است که غیر از معابد دینی و قصور خاصه سلطنتی که با عشق قوی یا با ترس شدید ساخته می شوند کاخ دیگری در برابر گردش ایام تاب مقاومت آورده باشد.

در طبقه دوم باز همان چهاردهلیز صلیبی شکل و چهارطاق مربع را می بینیم. فرقی که وجود دارد در اینجا طاقها آجری است بعلاوه محل درهای ورودی اتاقها که باید در وسط دهلیز بماند تغییر یافته و جهت گردش آنها برای رعایت پلکان عوض شده است وضع طاق قسمت وسط بهیچوجه معلوم نیست و اثری از آن باقی نمانده (پیش آمدگی های بالای پخ های قوسی را نباید ابتدای طاق دانست چون با شیب تقریباً ۴۵° جلو آمده و معلوم است که برای پوشانیدن بالای پخ ها و تشکیل مجدد قسمت مربع زده شده اند) ولی بطوری که حدس زده میشود و در مقطع ب ب نمایش داده است علت ندارد همان عملی را که در مورد اتاقهای پائین و بالا و بطور کلی در تمام چارطاقهای آن عصر انجام می داده اند در اینجا نیز بکار نبوده روی مربع وسط یک سقف گنبدی نیمکره مرتفع تری زده باشند و برای انتقال از قاعده مربع بقاعده مدور، باز مربع را بوسیله چهار طاقچه مثلث (Trompillon) تبدیل به هشت ضلعی

۱ - البته ممکن است مدتی هم بعنوان زندان مورد استفاده قرار گرفته باشد و اتفاقاً یکی از حکمرانان بزرگ ری، مهدی پدر هارون الرشید بود که بعدها خلیفه شد.

نکرده باشند. حال آیا سقف روزنه‌ای داشته و این روزنه در بالا قرار داشته؟ یا مانند آتشکده دره جره فارس در اطراف پراکنده بوده است؟ امر بر نگارنده مجهول می باشد. مطالعه محلّ و وضع اطراف نیز نشان می دهد که این بنا کاملاً مجزاً و منفرد ساخته شده محلّی برای فروعات و آثاری از منضمات در آن باقی نیست و در پیرامون وضع کوهستان طوری طبیعی و دست نخورده است که نمیتوان وجود شهر یا آبادی قابلی را حدس زد.

وقتی بنا را با چنین اوصاف در نظر مجسم می نمائیم البته با وضع زندگانی و عادات امروز نمی توانیم مورد استعمال برای آن ذکر کنیم بلکه باید بیشتر از هزار سال بعقب رفته خود را در شرایط وقت قرار بدهیم تا شاید ماهیت آن را حدس بزنیم. چون تاریک و خفه است و دور از آب و آبادی بنا شده بطور قطع بمنظور سکونت و بعنوان قصر ساخته نشده است. کوچکترین شباهتی به مساجد و معابد اسلامی که در ابتدای امر یک چار دیوار بدون سقف بوده و بعداً صاحب صحن و صفّه و گنبد و مناره شده است ندارد. اگر سربازخانه و پست بوده پس برج و بارو و محلّ تیراندازی آن کجا است؟ بعلاوه بر سر گردنه مهمّ یا در مدخل شهری قرار نگرفته است که چنین استحکامی را ایجاد نموده باشد و از نظر دیده بانی نیز موقعیت استثنائی ممتازی نسبت به نقاط مجاور ندارد. ۰۰۰۰ احتمال کاروانسرا نیز غیر مقبول است چون دلیل ندارد کسی دشت وسیع پای کوه را رها کرده جاده را از آنجا عبور داده باشد یا بفرض هم که جاده از آنجا عبور کرده باشد داعی نداشته اند در فاصله یک کیلومتری جلگه پر نعمت ری کاروانسرائی در آن مکان تنگ و بی حاصل پیا کرده باشند.

حدس اهالی و انتصاب به زندان که بعقل نزدیک تر از فرضیات بالا می آید دیدیم محلّ ایراد و بدون مدرک است. بالاخره فرض معبد بودن و آتشگاه یا آتشکده از هر چیزی صحیح تر می باشد چه، اصراری که در پوشاندن اطاقتها و در بسته کردن بنا بکار رفته است با عقیده مؤبدان که می بایستی آتش مقدّس در زیر خاکستر مخصوص حفاظت شده از گزند آفتاب و باران و مخصوصاً از چشم ناپاکان و قرب جوار آنها محفوظ باشد جور می آید و شبیه این وضعیّت را در آتشکده شریف آباد یزد که حالیه نیز دایر می باشد می بینیم. در ایام متبرک که لازم بوده است آتش عمومی با تشریفات خاص در ملاء عام روشن شود و در شبها که آتش از دور نمایان باشد موقعیّت مخصوص بنا و مشرف بودن آن به جلگه وسیع اجازه چنین کاری را می داده است و می توانسته اند بر

سیل سایر آتشگاهها که مرتفع یا در بلندی دامنه کوهها واقع است در روی سقف آتش برافروزند، بعلاوه ظرافت کاری و علاقه مندیهای خاصی که در ساختمان بنا بکار رفته است و شکل متقارن خشک غیرعادی که به آن داده اند می نماید که بنیان این عمارت با علائق مذهبی و مقررات روحانی توأم بوده است و بقول خاقانی که بزبان حال خرابه های مدائن می گوید:

ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران تا خود چه رسد خذلان
بعید است که شالوده ظلم و دستگاه عیش و عشرت بدین پایه دوام بیاورد.
حال این نظریه ممکن است با حقیقت امر تطبیق داشته باشد یا نگارنده راه خطا پیموده باشد. بعلاوه باید دید که بنای مورد بحث دقیقاً در چه عصری ساخته شده و یادگار کدام پادشاه است و سرگذشت روزگار جوانی و آبادی آن چه بوده است
در هر حال چیزی که لازم به تذکر و در خور تقاضا است اینکه خواه از لحاظ تاریخی و خواه از لحاظ صنعتی جا دارد چنین بنائی باستانی که بر سیل اتفاق از دست چنگیزها و ظلّ السلطانها نیمه جانی سلامت برده است مورد عنایت و حفاظت مخصوص قرار گیرد، پایه های ریخته آن را از زیر بچینند شکافها را ببندند و سقفها را بوضع روز اول بسازند و با این عملیات که منتها صد هزار تومان (قیمت یکی از خانه های طهران) خرج داشته باشد یکی از میراثهای صنعتی ملی را احیا نموده تحویل قرون مابعد بدهند.

برای رفتن به محلّ پس از آن که از جاده غنی آباد وارد جاده خراسان شدند اندکی بسمت جنوب میروند طرف چپ قهوه خانه کوچکی دیده می شود و از پهلوی آن کوره راهی مستقیماً تا پای زندان میرود.

بقعه بی بی شهربانو

در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۱۵ ذیل شماره ۲۵۶ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در دامنه جنوبی کوهسار امین آباد در شمال شرقی شهر ری بقعه متبرکه بسیار قدیمی وجود دارد که از سنگ و گچ ساخته شده طاقهای مهمتر آن را با آجر زده اند آنچه از وضع ساختمان آن بر می آید هسته اصلی بنای مزبور در دوران ساسانی ساخته شده در قرن چهارم هجری برای آرامگاه مورد استفاده واقع و قسمتی به آن افزوده شده در ردیف

مقابر کوهستانی دیگری که در خارج شهر باستانی ری می ساخته اند بوده است. از لحاظ معماری قسمت گوشه جنوب شرقی آن که مشتمل بر بنای چهار گوش منظم و استوار سنگی با پوشش ضربی سنگ و آجر می باشد از عهد آل بویه و قسمت حرم و اطاق طویل جنوبی آن از دوران ساسانی و دیوارهای خارجی صحن هم زمان با بنای سنگی عهد آل بویه و عصر سلجوقیان می باشد و در قرون بعدی بوسیله حوادث رواق و دیوارها و اطاقهای مختلف، بقعه را بصورت کنونی در آورده اند.

صندوق منبت روی قبر مطهر، احادیث نبوی و نام و القاب شهربانو را در برداشته و تاریخ سال ۸۸۸ هجری و نام بانی آن استاد محمد بن صفر شاه حداد قمی ذکر گشته است و سازندگان آن حسین و محمد فرزندان استاد حسن نجار لواسانی معرفی شده اند.

در منبت زیبایی از دوران شاه طهماسب صفوی در جانب شرقی حرم که مدخل اصلی و قدیمی آن است قرار دارد و علاوه بر نام شهریار مزبور نام بانی در، محمد فرزند احمد ارغ بیکا (؟) و سازنده آن هدایت الله فرزند فضل نجار و تاریخ ۹۶۲ بر آن ذکر گردیده است.

گچ بریها و تزئینات دوره قاجاریه هم در این بقعه وجود دارد و از لحاظ پیوستگی های مختلف ظاهری و معنوی این بقعه و معتقدات مردم درباره آن با سنن و آداب پیش از اسلام مردم ایران اهمیت خاصی در میان است.

در دامنه کوهستان شمال امین آباد بر فراز صخره ای که از دامنه کوه پیش آمده است یکی از کهنسال ترین ابنیه اسلامی ایران بنام بقعه بی بی شهربانو قرار دارد و اگر بگوئیم تنها بنائی که از روزگار آبادانی شهر ری هنوز برجای مانده همین بقعه است سخنی به گزاف نگفته ایم.

بقعه بی بی شهربانو مشتمل بر حرم کوچک چهارگوشی است که هر ضلع آن در حدود سه متر و چارک طول دارد. مدخل اصلی حرم از جانب مشرق سردری است که در عهد صفویه بصورت فعلی در آورده اند جلوسر در دهلیزی قرار دارد که تا سی سال پیش بصورت ایوانی بود و قسمتی از حیاط اندرون بقعه محسوب می شد و از سی سال پیش با نصب در و احداث دیوار آن را از صورت ایوان در آورده تبدیل به دهلیز یا رواق جلو مدخل اصلی بقعه نموده اند.

در جنوب همین دهلیز بنای مربع سنگی استواری از آثار قرن چهارم هجری وجود

دارد که طول هر ضلع داخلی آن پنج متر و هشتاد سانتی متر بوده پوشش ضربی آن نیز همان طاق قدیمی و اصلی بنا است که به حال خود باقی می باشد چون سالیان متمادی است که این بنا مورد استفاده انبار واقع گردیده است داخل آن بکلی دود زده و سیاه می باشد و ضمن تعمیرات بقعه دوده ها و سیاهی را باید زدود.

بنابر آنچه ذکر شد بنای مربع سنگی مزبور در جنوب شرقی حرم بی بی شهربانو واقع گردیده است و وضع کلی ساختمان می رساند که اطاق یا حرم بی بی شهربانو اگر با این بنای سنگی در یک زمان ساخته نشده باشد دیرتر از آن، بنا نگردیده است بلکه به جرأت میتوان گفت که بنیاد آن را پیش از بنای سنگی نامبرده گذارده اند و دلائل این قدمت وضع جزئیات بقعه بی بی شهربانو از لحاظ دیوار و دو درگاه شمالی و جنوبی آن و قرائن ساختمانی دیگر می باشد که ذکر آن در این مقاله ممکن است موجب ملال و تصدیع خوانندگان عزیز باشد.

در جنوب حرم اطاق طویل مسدودی است که طول آن در جهت شرقی و غربی بوده از مشرق به بنای مربع سنگی سابق الذکر منتهی می گردد و معلوم می دارد راه ورود به بنای سنگی مزبور در ابتدا از همین اطاق طویل که دهلیز آن محسوب می شد بوده است. در شمال حرم مسجد یا رواقی از عهد قاجاریه قرار دارد که کتیبه و تاریخی ندارد ولی به نظر می رسد متعلق به حدود صدوسی سال پیش باشد. این مسجد یا رواق بوسیله یک در به حرم مربوط می شود ولی در مزبور عموماً بسته است و مردانی که در زمره سادات نیستند به زیارت بقعه بی بی شهربانو می روند و به پیروی از معتقدات مردم داخل حرم بقعه نمی شوند. عموماً در این مسجد یا رواق مراسم زیارت را بجا می آورند و صحن بزرگتر بقعه که حیاط بیرونی آن حساب می شود در شمال همین مسجد قرار دارد و در شمال صحن اطاقی است که میهمانان متولی یا زوار دیگر در آن سکونت می نمایند و پشت اطاق از سمت شمال به صخره کوهستان متصل می شود.

اکنون کسانی که به زیارت بقعه بی بی شهربانو می روند پس از این که از خیابان مشجر و باصفای آبادی امین آباد خارج شوند و رو به شمال حرکت نمایند تا مسافت بیش از یک کیلومتر سربالائی دامنه کوهستان را طی نموده به نزدیک بقعه بی بی شهربانو می رسند و از پهلوی درخت توت که کهنسال کم شاخ و برگی که در دهانه پلکان چشمه کوچک زیر کوه قرار گرفته عبور می کنند و پس از بالا رفتن چند پله به دالانی داخل می شوند که از دست چپ یعنی رو به سمت جنوب به حیاط اندرون یا

صحن کوچک بقعه می رود و از روبرو به وسط ضلع شرقی صحن بزرگ یا حیاط بیرونی داخل می گردد.

آب مشروب ساکنین بقعه از همان چشمه کوچک زیر کوه است که بفاصله چند قدمی بقعه قرار دارد و بوسیله پلکانی باید پائین بروند تا در عمق چند متر به آبی که از بالای طاق این حفره فرو چکیده در چاله جمع گردیده و بسیار زلال و گواراست برسند و آب بردارند. البته مردم پاک طینت و زوار ساده دل مسلمان این چشمه کوچک زیر کوه و درخت توت بی شاخ و برگ دهانه پلکان را از تبرک و تیمن دور ندانسته به در یک لثی و یک پارچه پلکان و درخت توت مزبور دخیلهائی از کهنه های رنگارنگ بسته نیاز خود را بدین وسیله عرضه داشته انجام حوائج خویش را خواستار شده اند.

با کمی دقت و تجسس در دیوارهای خارجی بنا معلوم می شود صحن شمالی بقعه که حیاط بیرونی فعلی باشد در قدیم یعنی موقع آبادی شهری مدخلی مناسب از سمت مغرب داشته که هنوز آثار سر در آن باقی و مشهود است و آنچه این جانب استنباط نمودم آثار سر در مزبور مربوط به دوره سلجوقی به نظر می رسد و اگر این استنباط درست باشد صحن و بقعه بی بی شهربانو در قرون چهارم و پنجم هجری وجود داشته با وضع آن زمان شهری هم زیارتگاهی جهت مردم علاقمند بوده است.

قدیمی ترین کتیبه موجود در بقعه عجلاله نوشته های روی صندوق مرقد است صندوق مزبور به طول یک متر و هفتاد و هشت سانتی متر و به عرض ۹۷ و ارتفاع ۹۸ سانتی متر در گوشه جنوب غربی حرم متصل به دیوار روی قبر قرار دارد و دیوار جنوبی حرم را از پائین تقریباً سی سانتی متر تراشیده اند که صندوق را در گوشه حرم بگذارند. بر روی اضلاع شمالی و شرقی صندوق، تزئینات مثبت کاری و کتیبه های مختلف وجود دارد و کتیبه های مزبور عموماً به خط ثلث و برجسته بوده علاوه بر آیات قرآن کریم و احادیث مانند صندوقها و آثار نظیر آن مشتمل بر اطلاعات مفیدی است که مورد توجه و استفاده علاقه مندان قرار می گیرد.

بر روی حاشیه بالای اضلاع شمالی و شرقی صندوق آیه شریفه کرسی از بسم الله الرحمن الرحیم تا وهو العلی العظیم نوشته شده است.

بر ضلع شمالی صندوق دو کتیبه هم بطور قائم قرار دارد کتیبه طرف راست حاوی این جمله می باشد: «قال النبی علیه السلام ان کنت صاعاً لکنت نجاراً فی سنة ثمان و ثمانین و ثمان مائه».

بطوری که ملاحظه می شود صندوق مزبور به سال ۸۸۸ هجری یعنی دو سال بعد از در عتیقه ای که در بقعه سید اسماعیل تهران وجود دارد و هفت سال پیش از تاریخ ساختمان صندوق متبرک امامزاده یحیی (ع) تهران ساخته شده است.

کتیبه قائم سمت چپ ضلع شمالی صندوق شامل عبارت ذیل می باشد: «هذه المقبرة لام المؤمنین و خیرالخوانین سنی شهر بانویہ قدس اللہ سرہ» هر ضلع شرقی صندوق (طرف پائین پا) نیز دو حاشیه قائم مشتمل بر دو کتیبه دارد که روی آن دو این عبارات مسطور است:
بر حاشیه سمت راست:

«هذه... المقبرة المتبرکة استاد محمد بن صفر شاه حداد قمی». کلمه دوم این کتیبه شبیه «العام» است که این جانب نتوانستم درست تشخیص بدهم و محل ذکر آن قاعده باید قبل از کلمه هذه باشد و ممکن است صحیح این کتیبه «العامر هذه المقبرة...» باشد و بهر حال معلوم می شود بانی صندوق استاد محمد پسر صفر شاه آهنگر قمی بوده است و به شرحی که سابقاً ذکر نمودیم بنای بقعه بسیار قدیمی تر از تاریخ احداث صندوق می باشد.

بر حاشیه سمت چپ همان ضلع استادان سازنده صندوق بدین قرار معرفی گردیده اند: «عمل حسین و اخوه محمد اباهما استاد المرحوم حسن نجار الواسانی». اضلاع جنوبی و غربی صندوق به دیوار متصل بوده چیزی از آن پیدا و مشهود نیست و یقیناً کتیبه هم ندارد و آنچه نگارنده با دست توانستم لمس نموده و تشخیص دهم این دو طرف صندوق با تخته های صاف و محکم و آلت بندی نظیر اضلاع شمالی و شرقی پوشیده شده منتها تزئینات مثبت کاری و کتیبه در آنها بکار نرفته است.

غیر از نوشته های روی صندوق کتیبه هائی هم روی در ورود اصلی بقعه که در مشرق حرم قرار دارد مسطور می باشد که آنها نیز عموماً به خط ثلث و بطور برجسته مرقوم رفته است و ذیلاً ذکر می گردد:

بر روی دو لوحه بالائی دو لنگه در هر لوحه در دو سطر کوچک روی لنگه راست: «فی عصر سلطان الاعظم خاقان المعظم ابوالمظفر شاه طهماسب». روی لنگه چپ: «بهادرخان الصفوی خلد الله تعالی ملکه و سلطان» بر روی دو لوحه پائینی به همان ترتیب، روی لنگه راست: «قد وقف هذه الباب محمد بن المرحوم محمد...» که پس از نام محمد دو کلمه شبیه راع الکابه (؟) مرقوم است که نگارنده نتوانستم بخوانم. روی لنگه چپ:

«فی تاریخ سنة اثنی و ستین و تسع مائه عمل هدايت الله بن فضل نجار».

بر لوحه زیارت نامه بی بی شهربانو نامهای متعدد جهت مشارالیه ذکر شده است و نگارنده مناسب می داند جملاتی چند از زیارت نامه مزبور را که حاوی نامهای مختلف می باشد به شرح زیر عیناً نقل نماید تا خوانندگان عزیز بهتر از نامهای شیوای مسطور در زیارت نامه اطلاع یابند جملات مورد نظر بدین قرار است:

«السلام على التقية التقية شهربانوبنت الملك الكسرى السلام على الرضیة المرضیة شاه جهان بنت یزجرد شهریارام الأئمة الاطهار السلام على الزکیة المتحيرة شاه جهان زوجة شباب اهل الجنة سيد الشهداء السلام على الكريمة الاصلية المدهوشة فی عاشوراء شاه زمان المحبوبة عينا اله السلام على الصالحة المقدسة جهان بانو المرغوبة عند رسول الله...».

بنابراین نام بی بی شهربانو منحصر به یکی نبوده بنام شاه جهان و شاه زنان و جهان بانو هم خوانده شده است.

روى الواح دیگری که در رواق یا مسجد شمالی حرم بر دیوار نصب گردیده روایاتی از مرحوم سید نعمت الله جزایری و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم قمی نقل و ضمن آنها چنین ذکر شده است که پس از واقعه روز عاشورا چون بی بی شهربانو نسبت به اعراب بیگانه بود بدستور امام از همراه شدن با سایر اعضا و خانواده یعنی اهل بیت اطهار و عزیمت به شام خودداری نموده و عازم سرزمین ایران که موطن اصلی مشارالیها بود گردید و در ری فوت نموده در کوهستان مجاور ری دفن گشت که همین محل بقعه باشد.

در سردر اصلی بقعه مانند سایر زیارتگاههای مورد علاقه توده ملت تصاویر آئینه و نقوش مذهبی متعدد به دیوار نصب است و در میان آنها پرده نقاشی کوچکی دیده می شود که بانوان زوار با چادر سیاه و نقاب معمولی ایستاده و زیارت نامه بدست گرفته مشغول خواندن آن هستند و این پرده یکی از تصاویری است که نظر بیننده را جلب می نماید و نمونه ساده ای از مظاهر روح بی آرایش و ذوق فطری و ذاتی ملت ایران را جلوه گر می سازد.

یکی از دوستان در سال ۱۳۲۸ نقل می نمود که دانشمند ایران دوستی از کشور ترکیه که ریاست دانشگاه اسلامبول یا آنکارا را بر عهده داشت (این جانب درست به خاطر نمی مانده است) در آن سال به ایران آمده تا تخت جمشید و شیراز رفته آثار تاریخی اصفهان و حرکت ایلات فارس و مناظر دیگری که در چنین مسافرتی مشهود می شود با

دیده دقت و علاقه نگر بسته بود و ضمن ابراز احساسات دوستانه نسبت به ایران و ارج گذاری به روحیه آزاد و تجلیات مختلفی که مظهر این آزادگی و ذوق سرشار مردم ایران است از نقاشیهای رنگارنگ صحنه های مذهبی که در ایران رواج دارد صحبت داشته مقداری از این گونه نقاشیهای چاپی را خریداری نموده بود و می گفت در ترکیه دامنه تجدد خواهی آن قدر وسعت یافته است که قید داشتن مذهب رسمی را برای دولت امر غیر لازمی دانسته اند! ولی هیچ وقت چنین نمونه هایی که در تصاویر چاپی رنگین حاوی صحنه های مذهبی در ایران بطور وفور دیده می شود در آنجا مشاهده نمی گردد و این روح آزاد و فطرت جبلی ملت ایران است که صحنه های مذهبی را با چنین خوبی و شیوایی به فراخور افق معلومات خود با فکری روشن و روانی باز و گشاده ترسیم می نماید. (و نگارنده خارجیانی را دیده ام که به این تصاویر و گراورهای رنگی که موضوعهای مذهبی را در بر دارد اظهار نهایت علاقه نموده آنها را با اشتیاق هر چه تمامتر خریداری می کنند که آزادگی روح و بلندی نظر طبقه بسیار معمولی ملت ایران را بهتر بررسی و درک نمایند و به هم وطنان خود نیز چون مدعائی از ذوق و فرهنگ ذاتی ایرانیان ارائه دهند) و دانشمند نامبرده در بالا هم با خریداری نمونه هایی از همین تصاویر رنگی اظهار می نموده است که میخواهد در مراجعت به ترکیه این معنی را عملاً به استادان و دانشمندان کشور همسایه معلوم نماید.

صحبت که به اینجا کشید مناسب می بیند آنچه را هم در موقع راهنمایی یکی از دانشمندان برجسته اروپائی در اتلال ری پیش آمده است بعرض خوانندگان عزیز برساند.

گویا دو سال و نیم پیش بود (یعنی در سال ۱۳۲۷) که پزشک مخصوص یکی از پادشاهان کشور بسیار مشهور اروپائی مسافرتی به ایران نمود و به افتخار ایشان پذیرائی شایانی در بیمارستان فیروزآبادی به نهار بعمل آمد و جناب آقای مدیر کل بیمارستان فیروزآبادی به سابقه لطف و محبت نسبت به نگارنده و به تصور این که مهمان محترم پس از بازدید بیمارستان و اتمام پذیرائی شاید مایل به مشاهده آثار تاریخی اتلال ری باشد این جانب را هم به صرف نهار و حضور در مجلس پذیرائی دعوت فرمودند تا در صورت لزوم برای ارائه نقاط قابل توجه ری اگر خدمتی از عهده ام برآید انجام دهم. پس از پایان مجلس پذیرائی در بیمارستان طبق مذاکره میهمانان و میزبانان قرار شد بازدیدی از بعضی نقاط دیدنی شهر ری که محتاج وقت زیاد و طی مسافت چندانی نباشد بعمل

آید و ضمناً چند نفر از پزشکان محترم ایران نیز همراه میهمانان می آمدند. در موقع حرکت بطرف آثار معروف به نقاره خانه در امین آباد که طبق پیشنهاد نگارنده برای مشاهده میهمانان در نظر گرفته شده بود برخی پزشکان محترم ایرانی اظهار عقیده نمودند خوب است از این گردش صرف نظر شود زیرا تصور نمی رود آثاری مثل نقاره خانه یا اتلال دیگر برای چنین میهمانی جالب توجه باشد و نگارنده به پیروی از اقتضای موقعیت و عقیده اکثریت حاضرین که موافق بازدید آثار مزبور بودند میهمانان و پزشکان محترم عازم گردش را به نقاره خانه راهنمایی نمودم. در پای آثار نقاره خانه بعثت کمی وقت از بالا رفتن به محل مزبور خودداری شد و ضمن توضیحاتی که اظهار می کردند به میهمان اصلی عرض کردم اگر فرصت بیشتر بود و می توانستید تا برج بزرگ محل آرامگاههای بزرگان ایران را که همان محل معروف نقاره خانه است بالا بروید بقایای بنای ساسانی را که شامل جرزهای بلند و آجری و سنگی در بالای تپه بفاصله چند کیلومتری جنوب شرقی همین محل واقع می باشد ملاحظه مینمودید.

میهمان محترم فرصت این که جمله فوق را ادا کنم نداده فوراً با دست اشاره بطرف جنوب غربی نموده اظهار داشت آثار ساسانی شهر ری که در آن سمت است پس این طرف که شما صحبت می دارید چه بوده؟ از آن ذکری نکرده اند. در جواب توضیح عرض کردم آثار ساسانی که در جنوب غربی ری به اطلاعات رسانیده اند صحیح است و مشتمل بر ابنیه عهد ساسانی است که حفاری نموده اند و آثار آن از قبیل قطعات گچ بری و تزئینات دیوارها و قسمتهائی از ستونهای سترک آنها نیز در غرفه ساسانی موزه ایران باستان به معرض نمایش گذارده شده است ولی آثار موجود در طرف جنوب شرقی غیر از آنها بوده تنها آثار موجود ساسانی است که بیرون از زمین در شهر ری باقی مانده و زیر خاک نرفته است و شامل جرزها و طاقهای آجری و سنگی و راهروهای سنگی طولانی در میان تپه بوده می رساند که ساختمان عظیمی متعلق به یکی از فرمانروایان یا بزرگان عهد ساسانی در این طرف ری وجود داشته است.

باری از اطناب مطلب و حاشیه رفتن بیشتر خودداری کرده و به منظور اصلی خود برمی گردیم.

به شرحی که گذشت بقعه بی بی شهربانو علاوه بر جنبه ای که از نظر تبرک و تیمن دارد و علاوه بر این که منسوب به دختر آخرین شهریار ساسانی است یعنی بطور خلاصه تنها بقعه ای است که هم از نظر زوجه بسیار عزیز حضرت سیدالشهداء

علیه السلام نزد تمام شیعیان مخصوصاً ایرانیان عزیز بوده و هم از نظر ارتباطی که با خانواده شهریاران بزرگ ساسانی به آن نسبت داده می شود از لحاظ ایرانیت محل بسیار عزیزی بشمار می رود از این حیث هم که با مطالعه آن تجلی مخصوص روح ایرانیان در حفظ سنن قدیمی خود ضمن رعایت آداب و قواعد اسلامی بخوبی مشهود است نمونه ممتاز و تقریباً منحصر بفردی بشمار میرود و همان طور که در سطور بالا ذکر شد جنبه قدمت و تاریخی آن نیز در نهایت اهمیت باقی و محفوظ مانده است و نگارنده همیشه آرزو کرده ام با فراهم شدن موجبات کار دو اثر تاریخی مهم و بسیار قدیمی شهری مورد تعمیر و مراقبت کامل و اقدام اساسی قرار گیرد یکی آثار بنای عظیم ساسانی که در محل مشهور به تپه میل واقع بوده و همان است که ضمن اشاره به توضیحاتی که جهت میهمان سابق الذکر فوقاً ذکر نمود و محتاج کاوش و خاکبرداری اساسی و تجدید ساختمان در برخی قسمتها است و دیگری مراقبت کامل و مرمت بقعه بی بی شهربانوبا رعایت اصول فنی که در تعمیرات ابنیه تاریخی باید معمول داشت و مخصوصاً با موقعیت فعلی شهر تهران که بسیاری شخصیت های علاقه مند و دانشمندان خارجی به آنجا می آیند و خارجیانی که در تهران اقامت داشته اشتیاق دیدار آثار قدیم ایران را دارند بسیار بمورد است که آثار کاخ ساسانی در تپه میل با مسافت کمی که با تهران دارد مورد خاکبرداری و تعمیر و تجدید ساختمان در برخی از قسمتهای ضروری قرار گیرد و ضمناً به علاقمندان آثار باستانی ایران ارائه گردد.

چند سال پیش سرلشکر بهارمست برادر ارشد تیمسار احمد بهارمست که هر دو برادر به آثار باستانی علاقه زیادی دارند گچ بریهای زیبایی را که یک طرف سردری را تشکیل میداد در تپه میل جمع آوری و به موزه ایران باستان تسلیم نمود و مایل به ادامه جمع آوری این گچ بریها بود که بواسطه اشکالات محل از نظر بعضی مالکین میسر نگردید و نگارنده به شرح فوق امیدوارم روزی برسد که بتوانیم حق این آثار من جمله آثار کاخ ساسانی نزدیک شهر ری مشهور به تپه میل و بقعه متبرک و مهم بی بی شهربانورا بهتر از حالا ادا کنیم و گرفتاریها و دشواریهای موجود به لطف خداوند و همت این ملت باستانی مرتفع گردیده از ادای تکلیف درباره آثار فرهنگی گذشته و شواهد تاریخی و مظاهر جلوه گری روح ایرانی باز نماییم و توفیق انجام خدمات فراوان و دامنه داری را که در این قسمت بعهد داریم باز یابیم و در صفحات آینده نیز امیدوار است بتواند شرح امامزاده قاسم شمیران را با نوشته تاریخی قابل استفاده آن و نوشته های

امامزاده صالح در تجریش به عرض خوانندگان گرامی برساند.^۱

نقاره خانه

در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۱۳ ذیل شماره ۲۰۳ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در دامنه کوهسار مجاور کارخانه های مواد نسوز و مواد شیمیائی واقع در تقی آباد در جانب شمال شرقی شهر ری بقایای برج بسیار زیبای دوازده ترک آجری در وسط صفاً بزرگ دایره شکل سنگی (بقطر ۳۶ متر) و اطاق دو طبقه سنگ و گچی مستحکم و شیوا قرار دارد و برج هشت ضلعی آجر و سنگی هم بالای همان قسمت کوهستان خودنمایی می کند. کلیه این آثار مقابر بزرگان عهد دیلمی و سلجوقی بوده است که در اثر کشف تصادفی قطعات پارچه های نفیس عتیقه در آنجا در زمستان سال ۱۳۰۳ خورشیدی مورد حفاری های بی رویه واقع گردید و در سال ۱۳۱۵ شمسی دکتر اشمیت باستان شناس آمریکائی ضمن کاوش در خرابه های ری خاک برداری های در آنجا نمود و از سال ۱۳۲۷ ببعدهم باستان شناسی تا حد مناسب تعمیر و استحکام آثار موجود را انجام داده است.

به مسافت قریب یک کیلومتری مشرق این محل، بیرون آبادی امین آباد، شالوده های برج دیگری در تپه کوتاهی بنام «تپه گبری» وجود دارد که آن هم در زمره همین گونه مقابر بوده قطعات پارچه های نفیس عهد دیلمی و سلجوقی در آنجا نیز بدست آمده است.

کوه طبرک و باروی شهر ری و سرسره فتحعلی شاه قاجار

در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۱۳ ذیل شماره ۲۰۲ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در جانب جنوبی کارخانه سیمان شهر ری کوهستانی است که خاک و سنگ مورد نیاز جهت تهیه سیمان کارخانه را از آن استخراج می کنند. بر فراز این کوه، قلعه طبرک معروف شهر ری ساخته شده بود که بر دامنه جنوبی کوه قرار داشت و ضمن خاک برداری های کارخانه سیمان، بقایای دیوارها و برجها و ساختمانهای مختلف عهد

۱- در این قسمت - یعنی آخر مقاله - تاریخ «شوش سوم بهمن ماه ۱۳۳۰» و امضای مؤلف دیده میشود.

دیلیمان و سلجوقیان از زیر خاک بیرون آمده است. دکتر اشمیت آمریکائی هم در سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶ کاوشهای علمی در همان محل انجام داد.

با روی خشتی شهر ری در دنباله قلعه طبرک بسمت مغرب بر فراز تپه سنگی چشمه علی امتداد یافته. بقایای آن موجود و مشهود است. بر دامنه جنوبی تپه چشمه علی در محل مشرف به باغ صفائیّه ضمن کاوشهای دکتر اشمیت ظروف و آثار دوران ماقبل تاریخ مربوط بحدود هزاره چهارم پیش از میلاد کشف گردید که در موزه ایران باستان دیده میشود.

نقش سرسره فتحعلی شاه قاجار که نقش برجسته این شهریار را در حال شکار شیر نشان می دهد طرح عهدالله خان معمار و نقاش باشی و حجاری آقامحمد قاسم حجاری باشی با حاشیه ای از اشعار مدیحه و موزن به ۱۲۴۶ هجری در میان دامنه جنوبی همین کوه وجود داشت و محل سر خوردن که شبیه سرسره های عهد زندیه در شیراز در مجاورت این نقش درست کرده بودند نیز برسمت چپ (جانب غربی نقش) تعبیه کرده بودند که تمامی این آثار بر اثر انفجارهای کوه جهت کارخانه سیمان از میان رفته است. بالای نقش فتحعلی شاه محل حجاری قدیم تر نمایان بود که طرح ساده ای از پیکر انسان از آجر عهد ساسانی یا به احتمال بیشتر از آغاز دوران اسلام در آن حجاری کرده بودند و مقارن احداث نقش فتحعلی شاه تا اندازه ای آن را محو نموده بودند و با از بین رفتن نقش فتحعلی شاه و سرسره، بقایای نقش قدیم تر نیز معدوم گشت.

سرسره فتحعلی شاه [و قلعه طبرک] و آثار تاریخی دیگر مجاور کارخانه سیمان شهر ری

از طغرل سوم پادشاه سلجوقی نقل می کنند که گفته است: «قلعه طبرک به مار دوسری می ماند که یک سر آن در عراق است و سر دیگر به جانب خراسان». از چندین سال پیش باقیمانده این مار دوسر با کلیه سنگهای کوهسار طبرک در کام کارخانه سیمان فرو می ریزد و این ویرانه تاریخی فدای تأمین احتیاجات سیمانی کشور می گردد.

کوه سرسره یا کوه طبرک شهر ری همان کوهی است که کارخانه سیمان در درّه شمالی آن با برجها و دودکشهای عظیم و تأسیسات سترک خود قرار دارد و شبانه روز کوره های آن همچون اژدهای دمان شعله و دود از تنوره ها بیرون می دمد و فضای حول و حوش کارخانه را تیره و کدر می سازد و کارخانه سیمان با بریدن وسط کوه آن را بدو قسمت نموده و شکاف و دهانه عریضی در میان کوه بوجود آورده است که برای حمل خاک و سنگ از جبهه جنوبی کوه بداخل کارخانه احتیاج به پیمودن راه دراز و دور زدن اطراف کوهستان نباشد.

در جبهه جنوبی کوه چون کمی از شکاف مزبور به سمت مشرق بروند نقش برجسته فتحعلی شاه قاجار در حالی که نیزه بلندی به گرده شیر فرومی نماید بر سینه کوه حجاری گردیده است و در کنار مهتابی جلو نقش هم محلی برای سرخوردن تعبیه نموده اند و به همین جهت کوه طبرک را بنام کوه سرسره نیز خوانده اند.

تفتن سر خوردن و سرسره درست کردن فتحعلی شاه قاجار مانند بسیاری از

ظرائف و کارهای هنری زمان این شهر یار، از آثار زندیه در شیراز اقتباس شده است و در کوهستان شمال شهر شیراز بالای بنای تاریخی هفت تن سرسره عهد زندیه و هم اکنون مورد استفاده نوجوانان است. خاقان مذکور نیز برای احداث سرسره تصویر قطعی می رود از هنرمندان شیرازی استفاده کرده باشد و بطوری که میدانیم در محل آخرین خانه های انتهای شمالی خیابان دانشکده در مغرب دانش سرای عالی بنائی شبیه حمام با دو سرسره مرمری از عهد خاقان مغفور وجود داشت که برای سر خوردن ساخته شده بود و وسیله تفریح شاه و نزدیکانش محسوب می گشت و بنای مزبور به وسیله راهروی زیرزمینی به عمارت نگارستان مربوط می گردید.

برای رسیدن به نقش برجسته فتحعلی شاه در کوه طبرک می توان از پشت کارخانه سیمان کوه را دور زد و از طرف مشرق به محل نقش رسید یا این که از جلو کارخانه سیمان بطرف کارخانه گلیسیرین بروند و از جلو درب کارخانه گلیسیرین گذشته امتداد دیوار شمالی کارخانه مزبور را پیمایند و در سمت چپ کوه و بقایای قلعه طبرک را مشاهده نمایند و راه را ادامه دهند تا وقتی نقش مزبور به فاصله مختصری بعد از شکاف مصنوعی که سابقاً ذکر شد پدیدار گردد.

بر بالای نقش برجسته فتحعلی شاه لوحه صاف و بدون نقش دیده می شود که با توجه به نوشته های سیاحان و دانشمندان اروپائی (موریه - فلاندن - جکسن - گدار) بطور یقین می توان آن را محل نقش برجسته ناتمام و غیر مهمی از عهد ساسانیان دانست و از قرار معلوم هنگام احداث تصویر فتحعلی شاه نقش ساسانی را که به نظر چیز زیننده و مهمی نمی آمده است صاف کرده اند.

نخستین کسی که از نقش عهد ساسانی مزبور اطلاعی ذکر نموده است جیمس موریه می باشد که در سال ۱۸۱۰ میلادی آن را مشاهده و از روی حجاری ناتمام مزبور نقاشی کرده است و در کتاب جکسن هم از روی کتاب موریه نقل گشته است و نگارنده توانستم به لطف شیخ دانشمند آقای پورداد از نسخه کتاب اخیر الذکر استفاده کنم و عکسی که بنظر خوانندگان گرامی می رسد^۱ و از روی نسخه متعلق به ایشان تهیه گردیده است و با دقت در آن بخوبی معلوم می شود که نقش برجسته ساسانی مورد بحث طرحی بوده که از یکی از پادشاهان یا بزرگان عهد ساسانی کشیده اند

و موضوع آن هم مانند حجاری نقش ناتمام و ناقص مانده است همین قدر سواری در حال تاخت نیزه به دست دارد و هر قدر دقت شد تشخیص این که با کدام پادشاه ساسانی تطبیق می نماید ممکن نگردید. خانم بیانی موزه دار موزه ایران باستان کلاه این نقش را با سگه ها و شکل تاجهای شاهنشاهان ساسانی مقایسه نمودند و با توجه به ناتمام بودن حجاری اظهار عقیده کردند که احتمال می رود نقش مزبور مربوط به یکی از سه شهریار ساسانی (اردشیر اول، شاپور اول، بهرام گور یا بهرام پنجم) باشد و چون گچ بر یهائی مشتمل بر تصویر بهرام گور در حفاریهای چند سال پیش شهر ری بدست آمد احتمال بیشتر آن است که نقش برجسته ناتمام کوه طبرک نیز تصویر بهرام گور بوده است که آن را ناتمام و ناقص گذارده بودند و توجه نکردن حجار و استاد زمان فتحعلی شاه به کیفیت تاریخی این نقش باعث از میان رفتن آن شده است.

نقش برجسته فتحعلی شاه آن طور که از اشعار کنار لوحه و نوشته های آن برمی آید در سال ۱۲۴۶ قمری یعنی یک سال پیش از فوت فتحعلی شاه «به طراحی عالی جاه عبدالله خان معمار باشی و نقاش باشی و به حجاری آقا محمد قاسم حجار باشی اتمام یافت». خوشبختانه از طرف کارخانه سیمان در سال ۱۳۲۸ شمسی تعمیر و مرمت صحیحی در این نقش تاریخی انجام گرفته است و اکنون نیز در نظر دارند با ایجاد حائلی از سیم خاردار حد موجود آن را از آسیب بیشتر کوهبری حفظ نمایند و لوحه ای برای توجه به حفظ آن در پهلوی نقش بر سنگ مرقوم دارند.

قلعه طبرک بر بالای کوه طبرک ساخته شده قسمتهائی هم در جلگه جنوب کوه ضمیمه قلعه شده است و باروهای خشتی عظیم در بالای کوه و در کف جلگه هنوز باقی است و همچنین دیوارهای سنگی روی کوه شالوده ابنیه درون باروی قلعه بوده است که ضمن خاک برداری و کوهبری جهت کارخانه سیمان مدتی نمودار می شود و متدرجاً ضمن سایر عملیات از میان می رود.

این قلعه در دوران آل بویه و غزنویان و سلجوقیان اهمیت فوق العاده داشته کشمکشها و سوانح زیاد در آن رخ داده است و در مقاله ای که جناب آقای ناصرالدین شاه حسینی تحت عنوان «بخت برگشتگان تاریخ» در شماره گذشته اطلاعات ماهیانه مرقوم داشته بودند شمه ای از آنچه بر سیده ملکه خاتون در قلعه طبرک گذشته است شرح داده اند.

در جلد سوم کتاب معجم البلدان تألیف یاقوت اضمن شرح چگونگی و علت خرابی قلعه طبرک چنین نقل می نماید که چون طغرل سوم پس از جنگهای چند با سلطان تکش خوارزمشاه غالب گردید و بر ری دست یافت قلعه طبرک را هم با کشمکش زیاد متصرف شد و امرای خود را خواست و از ایشان پرسید قلعه طبرک به چه چیز شبیه است؟ هر کدام نظر خود را گفتند طغرل گفت هیچکدام درست تشبیه نکردید این قلعه به ماری می ماند که یک سر آن در عراق است و سر دیگر آن بطرف خراسان که یک دهان بدین سوی و یک دهان بسوی دیگر باز می کند و آن دورا می خورد و با وجود اصرار امرای خود در خراب نکردن قلعه، در سال ۵۸۸ امر به انهدام آن داد و تا مدت یک سال هر وقت از نزدیک قلعه می گذشت دستور خرابی آثار باقی مانده قلعه را می داد. اکنون این مار دو سر با تمام سنگهای کوه طبرک متدرجاً درون لوله ها و دیگهای کارخانه سیمان می رود و تبدیل به سیمان می گردد و ویرانه تاریخی مزبور فدای احتیاجات سیمانی کشور می شود.

در کتاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی که در سال ۷۴۰ هجری تألیف شده است درباره طبرک چنین می نگارد که: «قلعه طبرک به جانب شمال در پای کوه افتاده است ولایت قصران در پس آن کوه افتاده است»^۱ و در جای دیگر درباره معدن نقره آن چنین می نویسد: «معدن طبرک ری هر چند در آنجا خرج کنند همان قدر پس باز ندهد و بدین سبب اکثر اوقات معطل است اما در عهد سلاجقه پیوسته در آنجا بکار بودندی گفتندی اگرچه توفیر ظاهری ندارد اما نقره در جهان خراج بسیار می شود و این توفیری نیکو باشد»^۲.

از این نوشته می توان احتمال داد که پس از ویرانی ری و قلعه طبرک مجدداً برای آبادانی قلعه هم اهتمام شده باشد چنان که مورخین نیز می نویسند که شاهرخ تیموری خواست مجدداً ری را آباد کند ولی بواسطه آبادی و رونق ورامین در نزدیکی آن محل این نیت جامه عمل نپوشید و همین امر خود یکی از علل شروع آبادی و توسعه تهران در آخر قرن نهم هجری است که جای بحث آن طبعاً در این مقاله نیست.^۳

* * *

۱- نزهة القلوب، بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، چاپ تهران، ۱۳۳۶، ص ۵۷.

۲- نزهة القلوب، چاپ لندن، ۱۳۳۱ هـ. ص ۵۳ و ۲۰۲.

۳- از آقای دکتر مهدی بیانی رئیس دانشمند کتابخانه ملی سپاسگزاری فراوان دارد که شرح طبرک را طبق تقاضای این جانب در کتابهای معجم البلدان و نزهة القلوب تجسس نموده با راهنمایی مفید خود موجبات تحصیل اطلاعات فوق را فراهم نموده اند.

اثر تاریخی مهم و بسیار قابل توجه دیگر در مجاورت کارخانه سیمان، چهار بنای مکعب شکل سنگی ساده‌ای است که در پشت کارخانه سیمان به مسافت چند صدمتری مشرق آن قرار دارد. طول و عرض و ارتفاع هر یک از این چهار بنای مکعب شکل هر کدام در حدود چهار متر بوده وسط آنها مانند تنور یا چاه حفرة خالی وجود دارد و به نظر نگارنده این ساختمانهای مرموز آرامگاههای ایرانیان صدر اسلام است که دفن امواتشان مرحله تحولی را بین طرز دفن زرتشتیان با مراسم تدفین آئین اسلام نشان می‌دهد و از نظر مطالعه در این قسمت بسیار قابل توجه می‌باشد و غیر از یکی از آنها که از وسط منهدم شده سه دیگر کم و بیش صورت محفوطی دارد و بسیار بجا است با نصب سیم خاردار، حریمی برای آنها معلوم گردد که صاحبان اجازه ضمن کندن سنگهای کوه آسیمی به این آثار تاریخی مهم شهری وارد نیاورند.

برج طغرل

در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۴۷ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در مشرق ابن بابویه در میان باغی که از باغ بزرگ طغرلیه سابق باقی مانده است برج مذکور آجری قرار دارد که جبهه خارجی آن را بصورت مضرس دارای ۲۴ ترک ساخته‌اند و منسوب به آرامگاه طغرل بیک آخرین شهریار سلجوقی (۵۷۳ تا ۵۹۰ هـ) می‌باشد و هر چند منسوب به طغرل است لکن ساختمان اصلی آن به آثار قرن هفتم هجری شباهت دارد. از گنبد مخروطی شکل و کتیبه و تزئینات بالای برج اثری نمانده قسمت زیادی از بالای آن را هم بتدریج برای استفاده از آجرهای آن! منهدم ساخته بودند خوشبختانه در سال ۱۳۰۱ قمری بفرمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیر و تجدید آن عملی گردید و چون آشنا به چگونگی حفظ آثار قدیم نبوده‌اند بر اثر بندکشی جدید، تزئینات گچ‌بری میان آجرها را پوشانیده‌اند و آن را بصورت نسبتاً ساده فعلی درآورده‌اند و در سالهای اخیر نیز مرتباً از طرف اداره باستان‌شناسی حفظ و مرمت شده باغ موجود آن آباد و دایر گردیده است.

آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و بقاع متصل و مجاور آن

در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۰۶ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

(مدفن حضرت عبدالعظیم که به پنج واسطه به حضرت مجتبی (ع) می رسد) بقعه بسیار مجلل و معظم دارای گنبد زرین و مناره های بلند و حرم و ایوان آئینه کاری و صحن وسیع [می باشد]. قدیم ترین اثری که در بنای فعلی آن سراغ میرود سردر آجری دوران سلجوقی از آثار مجدالملک قمی مربوط به حدود ۴۹۵ تا ۴۹۸ هجری است که.....^۱. پس از این سردر تاریخی اثر مهم هنری قدیم آن صندوق منبت بزرگ و عالی مورخ بسال ۷۲۵ هجری را باید نام برد وضع سردر دوران سلجوقی می رساند که بنای بقعه حتی قدیم تر از قرن پنجم هجری است و به احتمال میتوان بنای فعلی را مربوط به قرن چهارم تا قرن هفتم هجری دانست.

مدخل اصلی و قدیمی محوطه این بقعه که اکنون از جانب شمال است در قدیم هم از همین سمت بوده است. ضمناً سردر قدیمی مورخ به ۹۴۵ هجری با در آهنی قدیم تر— که شاید از قرن پنجم هجری باشد— اثر تاریخی قابل توجه دیگری است که هنوز موجود و باقی مانده و در گوشه جنوب غربی صحن امامزاده قرار دارد.

از قرن هشتم هجری تا قرن دهم هجری درهای منبت مختلف و آثار هنری دیگر از جمله قرآن خطی نفیس مورخ به ۹۴۰ هجری در آستانه مزبور باقی مانده است. ضریح نقره قدیمی آن از دوران فتحعلی شاه قاجار بوده طلاکاری گنبد در سال ۱۲۷۰ هجری از طرف ناصرالدین شاه صورت گرفته است و بقیه تزئینات و تعمیرات فراوان آستانه های حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه و امامزاده طاهر از ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰ هجری بوسیله شخصیت های دوران قاجار و صاحبان خیر دیگر انجام پذیرفته است که طبعاً ذکر آنها در این مختصر نمی گنجد.

مقبره ناصرالدین شاه با سنگ مرمر نفیس آن در مجاورت حرم مظهر قرار دارد در سال ۱۳۳۰ خورشیدی تجدید ضریح نقره با استادی حاج محمد صنیع خاتم و کمک مؤثر آقای حاج قاسم همدانی و مجاهدت تولیت آستانه مزبور انجام گرفته اصلاحات و تعمیرات لازم مرتباً از طرف تولیت های بعدی هم در این بقعه مهم و معظم تاریخی (آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم (ع)) ادامه دارد.

آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)^۱

صندوق مطهر آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

صندوق مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) علاوه بر جنبهٔ تیمن آن یکی از آثار صنعتی و تاریخی بسیار نفیس ایران بوده از لحاظ بزرگی و عظمت ظاهری هم کم نظیر است. طول این صندوق ۲/۵۸ متر و عرض آن یک متر و نیم و ارتفاع آن ۱/۲۰ متر بوده و پایه‌ها و قیده‌های ضخیم و محکم صندوق آن از چوب عود است و آلت و لقط و شمشه‌ها و نیم شمشه‌های چهار جانب آن را نیز از چوب عود و فوفل و گردو ساخته‌اند. مانند عموم صندوقهای اماکن متبرک دارای کتیبه‌هایی است مشتمل بر آیات قرآن مجید و احادیث و جملاتی که اطلاعات مفید و مدارک تاریخی دربر دارد. سطح فوقانی صندوق مشتمل بر صورت محرابی در وسط بوده کتیبه‌هایی به خط نسخ و ثلث برجسته در حواشی متن محراب دارد که تمام آنها مربوط به سال ساختمان صندوق یعنی ۷۲۵ هجری است و ذیلاً متن آنها را نقل می‌نماید.

بر روی حاشیهٔ پهن چهار طرف سطح فوقانی صندوق زیارت‌نامهٔ شیوا و مختصر و مؤثر ذیل به خط ثلث برجسته خوانده می‌شود:

السَّلامَ علیک یا نبیَّ اللّٰه • السَّلامَ علیک یا
ولِیَّ اللّٰه • السَّلامَ علیک یا خلیفه رسول اللّٰه •
السَّلامَ علیک یا فلذة کبد رسول اللّٰه • السَّلام

۱- این قسمت در شهریورماه ۱۳۳۰ بصورت جزوه‌ای مستقل در ۲۶ صفحه به قطع رقعی چاپ شده اما با توجه به اهمیت موضوع آن و نیز بخاطر این که اکنون جزوهٔ مربوطه بسیار کمیاب است صلاح دانسته شده که برای استفادهٔ بیشتر خوانندگان مندرجات آن عیناً در اینجا هم درج گردد.

علیک یا حجة الله علی خیر خلقه السلام علیک یا
امام المتقین السلام علیک یا امام المسلمین
السلام علیک ایها الغایب الحاضر السلام علیک
ایها الشاب المعمر ادرکنی وخذو بیدولای.

بر حاشیه باریکتر که در حاشیه فوق محاط گردیده است پس از ذکر
بسم الله الرحمن الرحیم آیات شریف قل اللهم مالک الملك تا والی الله المصیر (آیات
۲۶ و ۲۷ و ۲۸ سورة آل عمران) بخط ثلث برجسته ولی کوچکتر از کتیبه قبلی مرقوم رفته
و در قسمت آخر آن هم این دو قسمت از دو آیه مجزای قرآن مجید نوشته شده است: و ما
محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل وانه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم.

در وسط سطح فوقانی مرقد روی لوحه پائین قسمتی شبیه به محراب صلوات
کبیر یعنی صلوات بر چهارده معصوم بوجهی مختصر مرقوم گردیده است.
روی لوحه مستطیل شکل که در موقع تعمیر جمله غیر موزونی از صندوق بر آن نصب
شده است این جملات را به خط نسخ نامرغوب حک نموده اند: «سلام علی آل یاسین
انا کذلک نجزی المحسنین تمت».

بر بدنه های چهار جانب صندوق روی حاشیه هائی که در چهار طرف هر چهار
بدنه تعبیه شده است دو کتیبه به خط نسخ زیبای مخصوص عهد مغول نوشته اند یکی
کتیبه ای است که از گوشه بالای طرف راست سمت بالا تر (یعنی گوشه بالائی جنوب
غربی) شروع می شود و بر حاشیه بالائی چهار ضلع صندوق دور می زند و دنباله آن در
تمام اطراف بدنه جنوبی صندوق ادامه پیدا می کند و در گوشه بالای ضلع چپ همان
بدنه ختم می شود. این کتیبه حاوی اطلاعات مفید و شامل عبارات زیر می باشد:

«بسم الله الرحمن الرحیم امر بترتیب هذه البرة
الشريفة والروضة المنيفة والمشهد المقدس والمرقد
المنور للسيد الاعظم الاجل المعظم جلال آل طه و
ياسين حبل الله في الارضين سراج الملة والدين
عبد العظيم بن عبد الله بن علي بن الحسين بن زيد بن
الحسن بن علي بن ابي طالب عليهم الصلوة والسلام
باشارة المولى صاحب الاعظم ومفخر الحاج الحرمین
دستور العهد خواجه نجم الحق والدين محمد بن المولى

الصحاب الاعظم سلطان الوزرا كهف الحرمين
دستور الخافقين خواجه عز الحق والدنيا والدين
محمد بن محمد بن منصور القوهدي اعز الله انصاره و
طاب مشوى آبائه العظام واجداده الكرام ورزقه
اياماً شفاعة امير المؤمنين واولاده المعصومين
الطيبين».

كتيبه ديگر بر روی چهار بدنه صندوق مزبور در حاشیه هائی که بترتیب بر
جنین و پائین اضلاع غربی و شمالی و شرقی صندوق دور می زند بهمان ترتیب به خط
نسخ بطور برجسته نوشته شده شامل آیه الكرسي بتمامه یعنی آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷
سوره بقره می باشد و پس از کلمات «هم فيها خالدون» که انتهای آیه شریف مزبور
می باشد این کلمات مرقوم رفته است: «تحريراً فی شهر سنة خمس و عشرين و سبع
مائه عمل يحيى بن محمد الاصفهانی».

مطابق این کتیبه ها معلوم می شود خواجه نجم الدین محمد که از وزرای عهد
خود به شمار می رفته است در سال ۷۲۵ هجری که مصادف با هنگام پادشاهی سلطان
ابوسعیدخان (۷۱۶ تا ۷۳۶) شهریار معروف سلسله ایلخانیان یعنی سلاطین مغول بوده
بانی بقعه و صندوق مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام و الصلوة شده است و احتمال
قطعی می رود که بنیاد اصلی حرم فعلی حضرت عبدالعظیم و قسمت پائین بنای حرم
باقی مانده همان بنا باشد که بر بالای آن برای احداث گنبد زرین و بارگاه فعلی
قسمتهای لازم را افزوده استادان آئینه کار و گچ بر و مقرنس ساز درون آن را زینت
بخشوده اند.

صندوق فوق که فعلاً قدیم ترین و مهم ترین نفائس آستانه حضرت عبدالعظیم
است از سال ۷۲۵ ببعد مرمت نیافته تنها در قرن اخیر تعمیر مختصر و غیر ماهرانه در آن
نموده بودند که لوحه مستطیل کوچک در طرف پائین محراب سطح فوقانی صندوق بشرح
سابق نمونه مهم آن است و بر روی یکی از ربع شمسها در یک گوشه ضلع شمالی
صندوق هم این عبارت را بوجهی ناقص با خط کاملاً عامیانه نوشته اند: «...بندگان
شکسته بود درست کرد عمل استاد علی بن محمد (گل) پایگانی».

صرف نظر از این تعمیر ناقص و بد در طول مدت ششصد و چهل و اند سال صندوق

مزبور مرمت نشده بود و در نتیجه قسمتهائی از منبت کاری عالی آن ریخته و از میان رفته قسمتهائی که چوب گردو بود طعمه مور یانه شده بود تا این که دو سال ونیم قبل استاد هنرمند حاج محمد صنیع خاتم که اطاق خاتم کاخ مرمر نمونه ای از هنرمندی اوست و مدت هفت سال هم در عتبات عالیات مشغول مرمت اساسی صندوقهای مشاهد متبرکه بود و حقیقتاً به بهترین وجهی آثار شهر یاران ایرانی و هنرمندان این مرز و بوم را در عتبات مقدسه شیعیان احیا نمود به تعمیر این صندوق مهم و تاریخی همت گماشت و موجبات این امر مهم را بوجهی که اداره آستانه حضرت عبدالعظیم بتواند پیشنهاد و نظریات او را عملی نماید فراهم ساخت و بوسیله استادان فن قسمتهای ریخته و از میان رفته صندوق را تعمیر کرد و گردوغبار چندین قرن را از درون منبت کاریهای عالی و ظریف آن زدود و بوسیله آب و چوبک مختصری محلول اسید سولفوریک (جوهر گوگرد) صندوق مطهر را شست و شوداد و با آغشتن آن به روغن سند روس (بروزن اندرون) که مخصوص کارهای هنری قدیمی بوده تنها معدودی هنرمندان استاد کار سابق به طرز تهیه و چگونگی مصرف صحیح آن وقوف دارند جلا و روشنائی مخصوص به نوشته ها و تزئینات صندوق داد و حاشیه های خاتم کاری اعلا بر لبه صندوق و در کنار کتیبه های تاریخی آن و دورشمسه ها یعنی گلهای ستاره شکل وسط بدنه های صندوق نصب نمود و این اثر مذهبی و تاریخی یکی از مهمترین بقاع متبرک ایران را به نحو احسن تعمیر و احیاء کرد و روح جدیدی بدان بخشید که اکنون درون جعبه آئینه فلزی با شیشه های ضخیم در وسط ضریح مطهر قرار می گیرد و چشم و دل زائرین با ایمان و طواف کنندگان مرقد پاک حضرت عبدالعظیم (ع) را بیش از پیش روشن می سازد.

توأم با تعمیر و تزئین صندوق مطهر که شرح آن گذشت تجدید ضریح آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم هم که نقره های روی پایه های آن سائیده و به مرور ایام قسمتهائی از قفلهای مدور شبکه ضریح بر اثر فشار دست نیازمندان و زیارت کنندگان در محل خود محکم نمانده بود و دیر یا زود باید تعویض می شد مورد توجه و علاقه تولیت آستانه قرار گرفت و تحت سرپرستی استاد هنرمند مزبور تجدید و تعویض ضریح نیز شروع گردید و تمام نقره های روی بدنه های مشبک هم عموماً از جای خود خارج گردید و بصورتی که فعلاً از نظر زیارت کنندگان این آستانه مبارک می گذرد تجدید و نصب شد و قسمت بالای ضریح که شامل کتیبه ها و کیلوئی مینا کاری سابق است

چون بخوبی محفوظ مانده بود به حال خود نگهداری شد. در این قسمت حاشیه بالائی مشتمل بر کتیبه ای به خط ثلث شیوائی است که سورة الرحمن را در بردارد و حاشیه ذیل آن اشعار فارسی به خط خوش نستعلیق است که می رساند بانی ضریح سابق فتحعلی شاه قاجار بوده در عهد ناصرالدین شاه میرزا ابراهیم خان امین السلطان پس از اتمام ایوان آستانه حضرت عبدالعظیم به تعمیر ضریح پرداخته است.

نام فتحعلی شاه در وسط کتیبه مزبور در ضلع غربی ضریح و نام ناصرالدین شاه در وسط ضلع شمالی به خط ثلث نوشته شده است همچنین نام صنعتگران و کسانی که ضریح مطهر را به شرح بالا در عهد ناصرالدین شاه ساخته و پرداخته اند در چهار گوشه حاشیه پائینی فوق الذکر بدین قرار ذکر گردیده است: «عمل استاد محمد زرگر باشی بتعمیر حاجی محمد مهدی زرگر و ولدان خیرالحاج حاجی آقا بزرگ زرگر نبیره استاد ملک محمد رشتی کتبه رضاقلی بسر کاری میرزا رضا قلیخان تفرشی».

ماده تاریخ ضریح فوق الذکر در بیت آخر اشعار بدین قرار ذکر شده است:

«پس از اتمام او مشرق رقم زد بهر تاریخش

کز ابراهیم ثانی بین دویم کعبه سمی بنیان»

باتوجه به این که تاریخ ایوان بزرگ آستانه حضرت عبدالعظیم که کتیبه کاشی

آن حکایت از اتمام آن بدستور میرزا ابراهیم امین السلطان می کند شهر رجب سال ۱۳۰۹ شمسی و چهار سال مانده به آخر سلطنت این پادشاه می باشد.

داخل ضریح سابقاً بکلی ساده و حتی فاقد پوشش بود و در ضمن تجدید و

تعویض آن بر روی ضریح سقفی از چوب و تخته با کمال سلیقه احداث نمودند و با نصب میله ها و کلافهای آهن سقف مزبور را کاملاً محکم ساختند. زیر سقف و بالای چهار ضلع داخلی ضریح کیلویی زیبایی تعبیه کرده کتیبه مشتمل بر نام چهارده معصوم علیهم السلام بر بالای اضلاع داخلی ضریح و کتیبه دیگری مشتمل بر آیه نور در اطراف سقف مرقوم داشته اند. نقوش گل و بوته و اسلیمی که با حسن سلیقه و دقت کافی انتخاب و طرح و ترسیم شده به رنگ سفید بر زمینه رنگ گردوئی روشن چوب و تخته های مزبور جلوه گر می باشد و بدین ترتیب هم داخل ضریح بخوبی پوشیده شده از گرد و غبار که سابقاً درون آنجا می نشست محفوظ گردیده است و هم با روشنائی مناسب محوطه اطراف مرقده مطهر سقف ضریح هم با تزئینات و کتیبه های سفید ساده بر متن روشن آن

انعکاس مطلوب تری بر این محوطه مقدّس خواهد افکند.

پشت شبکه های ضریح شیشه های یک پارچه ضخیم قرار داده اند که مانند سابق فشار دست زائران و نیازمندان و معتقدین آستانه متبرک باعث سستی و بهم خوردگی شبکه ها نشود و تنها مقابل در ورودی ضریح که در همان محلّ در سابق یعنی دهانه وسطی جبهه شرقی بوضع بسیار استادانه و ماهرانه قرار داده اند پشت قسمت بالای شبکه باز و بدون شیشه است که زائرین از روزنه های شبکه بدون وجود مانع و رادعی بتوانند بهتر عرض نیاز کنند و از فضای معطر داخل ضریح هم مستفیض گردند.

اینک که شرح تعمیر و تزئین صندوق عتیقه و تجدید ضریح مظهر را به عرض علاقه مندان رسانید نام استادان و هنرمندانی را که در این امر میمون اهتمام ورزیده اند برای تکمیل اطلاع بشرح زیر مذکور می دارد.

آقای حاج محمد صنیع خاتم استاد خاتم کار و سرپرست تعمیر و خاتم کاری صندوق و تجدید ضریح که دو سال و نیم اوقات روز و شب خود را وقف این خدمت متبرک نموده است و آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) هم بوضعی مناسب آن طور که شأن استاد اقتضا دارد از زحمات و خدماتش تشویق و قدردانی می نمایند.

آقای نصره الله یوسفی تذهیب کار و هنرمند معروف که نقاشیهای داخل ضریح را انجام داده است.

آقای حسین شفقت استاد خاتم کار درجه اول که در خاتم کاری صندوق و طراحی نقوش داخل ضریح با آقای صنیع خاتم همکاری نموده است.

آقای محمد منبت کار استاد منبت کار و نجار هنرمند که کسری صندوق را تهیه نموده و نجاری داخل و سقف ضریح را انجام داده است.

آقای غلامحسین اقلیما استاد نقره ساز و صاحب کارخانه شمس که تجدید شبکه ها و نقره کاریهای ضریح را انجام داده است.

آقای علماء الله اعظمی سراسر استاد نقره ساز کارخانه شمس که با آقای اقلیما در کار ضریح از هر جهت همکاری و شرکت نموده است.

آقای احمد نجفی خطوط ثلث شیوای داخل ضریح را نوشته است.

آقای مهدی حکمی استاد و حجّار هنرمند که پا سنگ مرمری زیر ضریح مظهر را به ارتفاع ۲۵ سانتی متر بطول و عرض ضریح تهیه نموده است.

کلیه کارکنان آستانه حضرت عبدالعظیم در طول مدت دو سال و نیم همه گونه مساعدت و تشریک مساعی برای پیشرفت منظور مقدس فوق با استادان و کارگران نموده اند و در این مورد بخصوص همکاری صمیمانه آقای عباس اعتمادی و مساعدتهای آقایان تولینی و معینی از هر جهت شایسته قدرشناسی است.

در خاتمه این مبحث لازم بذکر می داند که آقایان نامبردگان زیر بانی قسمتهائی از این امر خیر بوده کمکهای بشرح ذیل نموده اند:

۱ - آقای حاج قاسم همدانی در امر خاتم و تعمیر صندوق نفیس حضرت عبدالعظیم (ع) پیش قدم بوده بیش از دو یست هزار ریال جهت این منظور پرداخته است.

۲ - آقای سید محمد میرطاهری جامهای شیشه ضخیم جعبه آئینه را که برای پوشش و حفظ صندوق عتیقه تهیه شده است و ارزش آنها بیش از پنجاه هزار ریال می شود اهدا نموده اند.

۳ - آقای حاج مرتضی آقائی مبلغ ۴۵۶۰۰ ریال برای کارهای داخل ضریح کمک نموده اند و چهار چراغ برنزی دیوارکوب داخل ضریح نیز از محل همین کمک تهیه و نصب شده است.

۴ - در ضمن انجام تعمیرات صندوق و تجدید ضریح مطهر، آقای حاج محمدحسین بلورفروشان هم چهل چراغ برنزی از مصنوعات کارخانه خودشان برای حرم مطهر حضرت عبدالعظیم منظور نمودند که اینک در بالای ضریح جلوه گر است. طول ضریح مطهر ۳/۸۷ متر و عرض آن ۲/۹۵ متر و ارتفاع کلیه آن ۲/۴۰ متر است. کتیبه و کیلویی آن به پهنای ۵۴ سانتی متر در بالای ضریح بحال اصلی و قدیمی محفوظ مانده و پاکیزه شده است و دهانه های شبکه و پایه های آن به ارتفاع ۸۶/۱ متر که بقیه ضریح را تشکیل می دهد همان است که تجدید و تعویض نموده اند براین ارتفاع پاسنگ مرمری را که به بلندی ۳۵ سانتی متر طبق نظر آقای حاج محمد صنیع خاتم به حجاری آقا مهدی حکمی در زیر آن نصب نموده اند باید افزود. همچنین از راه داخل حرم مطهر از سنگهای مرمر سابق با افزودن حاشیه ای از سنگ سیاه که بعرض ۲۰ سانتی متر در بالا و ۳۶ سانتی متر در پائین مرمر سابق قرار داده شده و ارتفاع آن فعلاً به ۱/۵۶ متر بالغ گردید بوضعی مناسب درآمده است که بهتر با وضع کنونی ضریح و داخل حرم هماهنگی دارد.

مقدار نقره ای که در تجدید ضریح بکار رفته بالغ بر ۴۷۲ کیلومی باشد که ۲۱

کیلو و کسری آن توسط آستانه از بانک ملی خریدار و بقیه از نقره‌های ضریح سابق و نقره‌های متفرقه دیگر که در خزانه آستانه موجود بوده استفاده شده است. میزان دستمزدی که برای کلیه کارهای ضریح از طرف آستانه حضرت عبدالعظیم پرداخت گردیده مختصری بیشتر از یک میلیون و چهارصد و شصت هزار ریال است.

بیش از این درباره صندوق و ضریح مطهر توضیحی را لازم نمی‌بیند و اینک همان‌طور که در ابتدای این مقال اشاره نمود بذکر آثار تاریخی کم و بیش مهمی که متعلق به آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) می‌باشد و اشاره بدانها را به مناسبت این موقع مفید و بمورد می‌داند می‌پردازیم و در شرح و توصیف این آثار ترتیب تاریخی را رعایت نموده ابتدا آثار قدیم‌تر و پس از آن آثاری که قدمشان کمتر است به ترتیب الاقدم فالاقدم به عرض خوانندگان محترم می‌رسد.

درب عتیقه آهنی و کتیبه کوفی آن

قدیمی‌ترین اثر موجود در آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) دو قطعه کتیبه کوفی آهنی است که طول هر کدام آنها هفتاد سانتی‌متر و عرض هریک ۱۲ سانتی‌متر می‌باشد و چند سال قبل آنها را از بالای یک جفت در قدیمی آهن کوب که اکنون در سر در کهنه واقع در انتهای معبر گوشه جنوب غربی صحن امامزاده حمزه (ع) نصب است برداشته در خزانه آستانه نگهداری نموده‌اند.

این دو لوحه آهنی یکی بر بالای لنگه راست و دیگری بر بالای لنگه چپ در مزبور نصب بوده محل آنها در قسمت بالای آن بخوبی موجود و نمودار است. متن کتیبه کوفی روی آنها چنین خوانده می‌شود:

روی لوحه متعلق به لنگه راست امرالعبد الضعیف المذنب المرجی الی
روی لوحه متعلق به لنگه چپ رحمة الله تعالى عبدالصمد بن فخرآور (?)

در آهنی فوق‌الذکر به نظر می‌رسد که متعلق به قرن دهم و احیاناً نهم هجری باشد و قسمت نهائی کتیبه کاشی معرقی هم که به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی با حاشیه فیروزه‌فام و گل و بوته و اسلیمی رنگهای مختلف به خط ثلث مرقوم رفته سال تاریخ بنای سردر قدیمی مزبور را ۹۴۵ معرفی می‌نماید. متن کتیبه مزبور بدین قرار است:

«... خلافته معمورة مابق الضواء والعمام وخلد

زمان اقباله ببقاء الانام و ابد میامن جلالته علی
صفحات الایتام فی شعبان ۹۴۵ سعی فی اتمامها
القاضی مسعود الحسنی کتبه نظام الدین بن ابراهیم
عبدالعظیمی».

نکته قابل توجه این است که از طرفی دو لوحه کتیبه آهنی به خط کوفی خالص عهد سلجوقی که در قرن پنجم و ششم هجری در ابنیه تاریخی معمول به بوده نوشته شده است و نگارنده حتی تصوّر هم نمی توانم کرد که این دو لوحه در قرن هفتم هجری مرقوم گردیده باشد چه رسد به سال ۹۴۵ که اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی بوده اصلاً به این نوع خط کوفی در ابنیه آشنائی نداشته اند. بنابراین یا باید تصوّر نمود که در آهن کوب، مورد بحث بهمین حال با همین دو لوحه کتیبه کوفی از آثار قرن پنجم یا ششم سلجوقی است که در عهد صفویه زمان سلطنت شاه طهماسب سردر قدیمی فعلی را از نو بنیاد کرده در قدیم تر مزبور را - آخر آن - بکار برده اند و البته در چنین صورتی این در تنها در آهن کوب عهد سلجوقی خواهد بود که فعلاً شناخته شده است یا این که دو لوحه خط کوفی متعلق به در قدیم تر یا احیاناً اثر دیگری از عهد سلجوقی بوده که ضمن تهیّه در آهن کوب فعلی (طول هر لنگه این در ۲/۸۲ متر و عرض هر لنگه ۹۵ سانتی متر است) محلّ دو لوحه را روی در جاسازی کرده آنها را بالای دو لنگه در قرار داده اند و چون عبارت خط کوفی هم جمله کامل و تمام نیست این نظر دوّم بیشتر مقرون بحقیقت باید باشد خصوصاً که وضع نسبّه سالم در چوبی با روپوش مهرها و میخهای آهنی طوری نیست که آن را متعلق به هشتصد یا نهصد سال قبل بنمایاند ولی وضع در قسمی هست که بقرن نهم یا دهم هجری یعنی حدود چهارصد و منتهی پانصد سال پیش منتسب گردد البته تحقیق بیشتر که محتاج فرصت کافی هست بهتر این موضوع را قطعی و مسلم تواند ساخت.

این سردر اکنون در انتهای دالان گشاده گوشه جنوب غربی صحن امامزاده حمزه بصورت کهنه و متروک خود باقی است و به عقیده نگارنده قدیم ترین اثر ساختمانی موجود ابنیه آستانه می باشد.

دو لوحه کتیبه چوبی بریک در منبت (مورخ به سال ۸۴۸):

در شمال ایوان امامزاده حمزه در منبتی است که چند سال قبل آن را از گوشه

جنوب شرقی مسجد بالاسر حرم حضرت عبدالعظیم برداشته در محلّ فوق نصب نموده اند. این در را کارکنان آستانه در مسجد هلاکومی نامند و این طور نقل می کنند که در محلّ مقبره فعلی ناصرالدین شاه سابقاً مسجدی بنام مسجد هلاکو وجود داشته و این در مربوط به آن مسجد بوده است.

بهر صورت این در همان طور که فعلاً در جای اصلی خود نیست خود آن هم چندان قدیمی نبوده و کمتر از صد سال قدمت دارد لکن مانند دو لوحه کوفی آهنی سابق الذکر بر روی این در منبت هم دو لوحه کتیبه خط ثلث برجسته وجود دارد که معلوم است بر روی در قدیمی بوده بر اثر از میان رفتن در اصلی این دو لوحه را در روی دو لنگه دری که بعداً به سبک در قدیمی ساخته اند نصب نموده اند. کتیبه روی دو لوحه چوبی مزبور بدین قرار است:

روی لنگه راست در دو سطر: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين».

روی لنگه چپ در دو سطر: «تمت هذا الباب المشهد الامام المقدس سيد عبدالعظيم عليه السلام سنة ثمانه و اربعين وثمانمائه».

سال ۸۴۸ هجری که در اصلی مربوط به کتیبه فوق ساخته شده مقارن با سالهای آخر سلطنت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ هجری) پسر امیر تیمور بوده است و دو لوحه فوق اثری از ساختمان بقعه مقدس حضرت عبدالعظیم در دوران این شهریار می باشد و بنابراین نام هلاکو و مسجد هلاکو که شاید مقصود یکی از فرزندان فتحعلی شاه باشد ارتباطی با سال تاریخ مزبور پیدا نمی کند.

دو جفت در عتیقه منبت عصر صفوی:

از آثار نفیس آستانه حضرت عبدالعظیم دو جفت در عتیقه منبت بسیار عالی است که اکنون در غرفه فوقانی خزانه آستانه بر دیوار نصب می باشد و نگارنده تصوّر قریب به یقین دارد که این دو جفت دراز آثار صنعتی سرزمین گیلان است که به آستانه مزبور اهدا نموده اند.

طول و عرض این دو جفت در هر کدام ۱/۷۷ متر × ۰/۹۴ متر می باشد و بر روی آنها کتیبه های درشت یا ریز عموماً به خط ثلث برجسته مرقوم رفته است که ذیلاً به نقل آنها مبادرت می شود:

بر روی یک جفت آنها این کتیبه ها حک گردیده است:

گرنه باب الجَنَّة است این در چرا
گشت تاریخش در جَنَّت سرا
ز در در آو شبستان ما منور کن
دماغ مجلس روحانیان معطر کن
سال تاریخ که از مصراع دوم بیت اول بدست می آید سال ۹۱۸ تا ۹۶۸ می شود
بدین قرار که اگر در کلمه جَنَّت حرف «ن» یک بار به حساب آید ۹۱۸ و اگر دو مرتبه
محسوب گردد ۹۶۸ حاصل می شود و نگارنده تصوّر قریب به یقین دارد که هر دو جفت
درهای مزبور در سال ۹۱۸ یعنی هنگام شهر یاری شاه اسماعیل اول ساخته شده است.

بر روی یک جفت در دیگر این اشعار که به ترتیب از بالا به پائین (حرف ی
طبق رسم الخط قدیم محذوف است) مرقوم رفته است خوانده می شود:

بر در دولت سرای توبه زر بنوشته این
هذه جنات عدن فادخلوها خالدين
هیچ نگشاید ز درهای دگر درزان تست

ربنا افتح بیننا اذانت خیر الحافظین
این دو بیت به خط ثلث ریز در وسط در مرقوم گردیده است:
دوش می رفتم به مژگان خاک این درگاه را
گر گناهی کرده باشم پاک سازم راه را
بسر درت جا کنند اهل نجات

رفع الله قدرهم درجات
مرحوم آقا سید ابراهیم که از خدام قدیم آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) بود در
جواب استفسار نگارنده در چند سال پیش اظهار می کرد این درها در حول و حوش رواق
فعلی قرار داشته است و ضمن مرمتها و اصلاحات ابنیه آستانه آنها را برداشته در خزانه
گذاشته اند.

نگارنده از روی قرائن موجود تصوّر می کند قبل از احداث صحن بزرگ و ایوان
شمالی و گلدسته های بلند آن و رواق که در حال حاضر مدخل اصلی آستانه حضرت
عبدالعظیم است مدخل اصلی حرم مطهر از طرف مشرق بوده مسجد زنانه فعلی، دهلیز یا
رواق سابق حرم می باشد و یک در هم از جنوب حرم را به امامزاده حمزه مربوط

می ساخته است و اکنون هم قدیم ترین و کهنه ترین درهای نقاشی و خاتم اطراف حرم همان درهای جنوبی است. بجای رواق و ایوان شمالی ظاهراً مسجدی وجود داشته که قسمت عقب آستانه محسوب می گشته است. کتیبه های دو جفت در فوق که نام جنت سرا را می برد از یک طرف وجود مسجدی بنام جنت سرا در شمال آستانه اردبیل این احتمال را ایجاد می نماید که در قسمت شمالی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم نیز مسجدی بنام مسجد جنت سرا وجود داشته در عهد قاجاریه که راه شمالی و بازار و صحن جدید و ایوان و گلدسته و رواق ترتیب داده شده است مدخل شرقی حرم مسدود و دهلیز آنجا به مسجد زنانه تبدیل گردیده بجای مسجد شمال حرم مستحذات فوق را ایجاد نموده اند و در عوض مسجد قدیم شمال حرم مسجد با شکوه فعلی در شمال صحن حضرت عبدالعظیم بنا گردیده است. این احتمال با اطلاع از این که کفش کن شرقی ایوان بزرگ فعلی بجای قسمتی از بنای کتابخانه معتبر و مفصل قدیم آستانه حضرت عبدالعظیم احداث گردیده است بیشتر تأیید می شود زیرا وجود کتابخانه در مجاورت مدخل آستانه در زمان سابق چندان امر مناسبی نبوده و طبعاً کتابخانه را در زاویه و محل های نسبتاً کنارتتر آستانه قرار می داده اند.

البته این احتمال در این نشریه مختصر بطور اجمال به عرض خوانندگان محترم رسید و با فرصت کافی در موقع دیگر جای بحث و تحقیق بیشتر دارد و به همین مناسبت درباره دو جفت در مزبور بیش از این موجبات تصدیق خوانندگان گرامی را فراهم نساخته به شرح نفائس دیگر آستانه می پردازد.

قرآن خطی نفیس

از آثار نفیس و متبرک آستانه حضرت عبدالعظیم قرآن خطی بسیار عالی است که در موقع ترتیب گنجینه قرآن در موزه ایران باستان به شماره ۸۲ در فهرست راهنمای گنجینه مزبور ثبت گردید و چون بهترین معرفی این قرآن به وسیله همکار دانشمند و دوست محترم آقای دکتر مهدی بیانی رئیس محترم کتابخانه ملی که تهیه فهرست راهنمای فوق را عهده دار بودند به عمل آمده است این جانب هم در اینجا عین توصیفی را که معزی الیه در صفحه ۴۱ راهنمای گنجینه قرآن درباره قرآن نامبرده ذیل شماره ۸۲ مرقوم فرموده اند نقل می نماید.

((۸۲))

قرآن

مجموعه آستانه حضرت عبدالعظیم)

خط متن نسخ کتابت و سه سطر اول و وسط و آخر هر صفحه ثلث جلی عالی بدون رقم. تاریخ تحریر ۹۴۰. کاغذ سمرقندی جدول زرین دار جلد سوخت معرق طلاپوش لولادار عالی (قرن یازدهم) شماره صفحه ها ۱۰۴ هر صفحه ۱۱ سطر. قطع وزیری بزرگ به اندازه ۳۱۰×۲۰۰ میلی متر.

دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی و در میانه ترنجی روی متن لاجورد به قلم زر و خط ثلث سورة فاتحه نوشته شده. آغاز سورة بقره یک سر لوح مذهب مرصع دارد. علائم و سر سوره ها مذهب و مرصع و اسامی سوره ها بقلم سفیداب تحریردار روی متن زر بخط رقاع خوش نوشته شده سطر اول و وسط و آخر هر صفحه بقلم زر تحریردار و لاجورد نگاشته شده است».

این توصیفی بود که دوست دانشمند آقای دکتر مهدی بیانی از این قرآن فرموده اند و چون ایشان برای ذکر مشخصات نسخه های خطی عالی ترین درجه شناسائی و تخصص را دارند اضافه کردن اطلاع یا مطلبی درباره این قرآن در این نشریه از طرف نگارنده مطلقاً مورد پیدا نمی کند فقط برای توجه و اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز تصدیق می دهد که سال تاریخ تحریر که در آخر صفحه آخر این نسخه ذکر گردیده است بدین قرار می باشد: «فی سنة اربعین و تسع مائه من الهجرة».

سال ۹۴۰ هجری یعنی سال تحریر این قرآن نفیس یازدهمین سال سلطنت شاه طهماسب اول صفوی است.

روپوش زری عهد صفوی جهت صندوق:

در خزانه حضرت عبدالعظیم روپوشی از زریهای کهنه عهد صفوی برای پوشاندن صندوق نفیس مرقد مطهر وجود دارد که سطح فوقانی صندوق و سه جانب شرقی و جنوبی و غربی آن را می پوشانیده است. سمت شمال صندوق چون در سابق نزدیک و چسبیده به ضریح مطهر بوده پارچه برای پوشش آن منظور نکرده بودند.

وضع این روپوش می رساند که از زریهای کهنه و فرسوده عهد صفویه خواسته اند برای تهیه روپوشی جهت صندوق استفاده نمایند و بدین قرار قطعات مختلف

زریهای صفوی را به یکدیگر دوخته این روپوش را ترتیب داده‌اند.
 با توجه به این که صندوق مطهر بطول ۲/۵۸ متر و عرض ۱/۵۰ متر و ارتفاع ۱/۲۰ متر می باشد اندازه سطح تقریبی روپوش مزبور معلوم خوانندگان محترم می گردد و در آینده دور یا نزدیک که آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) دارای موزه ای بشود قطعاتی از این روپوش باید انتخاب و به نحو شایسته قاب و شیشه شده در معرض نمایش قرار گیرد.

یک جفت پرده ماهوت عهد قاجاریه:

از آثار نسبه قابل توجه خزانه حضرت عبدالعظیم (ع) یک جفت پرده ماهوت مشکی با گل و بوته گلابتون دوزی و اشعاری که در حاشیه آنها مروارید دوزی شده است می باشد.

این یک جفت پرده بطوری که از اشعار اطراف آن برمی آید از طرف یگانه گوهر «تابنده عزه اللوله که با شه آمده از یک صدف چو دریتیم» بر آستانه متبرک حضرت عبدالعظیم (ع) وقف گردیده و کارهای مروارید دوزی و گلابتون دوزی آن عمل «فاطمه خاتون» است و سال تاریخ هم ندارد.

پنجره کاشی مشبک با تصویر ناصرالدین شاه:

اثر جالب توجه دیگر در خزانه حضرت عبدالعظیم پنجره ای کاشی بطول ۱/۵۸ متر و عرض ۱/۵۶ متر مرگب از دوازده خشت کاشی است که بر دو خشت وسط آن تصویر ناصرالدین شاه را کشیده‌اند و ده خشت دیگر مشبک بوده از نظر صنعت کاشی سازی اثر قابل توجهی به شمار می رود.

این پنجره بر بالای در وسطی ایوان بزرگ شمالی قرار داشته و به حکایت کتیبه که مربوط به آخرین آئینه کاری عهد قاجاریه در ایوان مزبور است در عهد سلطنت «ابوالمظفر ناصرالدین شاه» بدستور امین السلطان که به مختارخان حکمران زاویه مقدسه امر کرده بود در سال ۱۳۰۹ ساخته شده است.

غیر از آثاری که در بالا ذکر شد البته نسخه کلام الله خطی و فرشهای متعدد و شمعدانهای قدیمی و اشیاء دیگر هم در خزانه آستانه موجود می باشد لکن اهمیت و نفاست آنها طوری نیست که در این نشریه ذکر نماید خصوصاً که در تدوین و چاپ این مختصر باید شتاب نمود اما ذکر این مطلب را لازم می داند که آستانه مورد بحث دارای پرده های نقاشی متعددی است که از نظر مردم شناسی مخصوصاً قابل توجه بوده هنگام

تأسیس موزه آستانه از قسمتهای جالب آن خواهد بود. بنابراین شرح آثار متعلق به آستانه حضرت عبدالعظیم را در اینجا پایان داده ضمناً از نظر تکمیل نسبی اطلاعات مربوط به ساختمان قسمتهای مختلف ابنیه متعدد آستانه اجمالاً فهرست سال بنای هر قسمت و بانی هر یک از ابنیه و متعلقات و تزئینات آن را که از آنچه تا کنون ذکر نمودیم تحصیل نمی شود ذیلاً به عرض خوانندگان محترم و علاقه مند می رساند:

نام هر قسمت بنا	بانی	سال تاریخ
گنبد طلا و دو گلدسته بلند جلوان	ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۷۰ هجری
آئینه کاری حرم حضرت عبدالعظیم	ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۷۳ هجری
گنبد امامزاده حمزه (ع)	بدستور ناصرالدین شاه	
امامزاده حمزه (ع)	توسط فرخ خان	۱۲۷۲ هجری
آئینه کاری حرم و ایوان	دوست محمد خان معیر الممالک	۱۲۹۱ هجری
	فرزند دوست علی خان	
ضریح نقره امامزاده حمزه (ع)	میرزا داود خان وزیر لشکر	۱۲۷۳ هجری
تعمیر ضریح امامزاده حمزه (ع)	به امر ناصرالدین شاه توسط یحیی خان معتمد الملک	۱۲۸۳ هجری
بنای امامزاده طاهر	در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به فرمایش ظل السلطان به سعی رضا قلی خان سراج الملک	۱۳۰۴ هجری ۱۳۲۰ هجری

امامزاده حمزه

صحن بزرگ قسمت اعظم و هیئت کلی آن مربوط به اتابک در زمان ناصرالدین شاه است ولی آثار مختصری هم از عهد سلطنت محمدشاه در آن مشهود و قسمتهائی هم متعلق به زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار می باشد. این بود اجمالاً آثار موجود و قابل توجه بیشتر آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و بیوتات تابعه آن و بطوری که مشاهده می شود از پرتو عقیده و ایمان طبقات مختلف بوده است که هر کس به فراخور همت خود اثری بجا برای درک ثواب و نیل سعادت عقبی باقی گذاشته است.

امامزاده عبدالله (شهری)

(مدفن عبدالله ایضاً از اخلاف امام چهارم ع). در جانب شمالی شهرری بقعه شیوای متناسبی که به احتمال قوی تصور میرود در قرن یازدهم هجری احداث شده باشد تزئینات و ایوان اصلی آن (در جانب شرقی حرم) توأم با بعضی تغییرات و تصرفات احتمالی توسط میرزا کاظم خان نظام الملک در سال ۱۲۷۴ قمری صورت گرفته است. در سالهای اخیر از طرف تولیت بقعه مزبور تعمیرات بسیار عالی و دقیق مخصوصاً داخل حرم انجام گردیده است که میتوان آن را از بهترین نمونه های تعمیرات صحیح ابنیه تاریخی بشمار آورد.

بقعه آبادی است که در ابتدای قصبه شهرری از طرف شمال واقع گردیده و از جاده آسفالت بوسیله خیابانی مشجر و با صفا به محوطه وسیع و با نزهت آن می رسند. در داخل محوطه آن هم خیابان مشجر از مدخل محوطه تا جلو ایوان امتداد دارد و برخلاف بقعه بی بی زبیده زوار و توده مردم در سایه درختان نارون چتری و کنار نهر آب جاری می توانند ساعتی بیاسایند چون از چندین سال پیش هم طبقات متوسط و خواص تهران خوابگاه ابدی کسان خود را بیشتر در اراضی دلباز محوطه این بقعه انتخاب می کنند موجبات آبادانی و رونق آنجا بیش از پیش فراهم است و خوشبختانه تعمیرات فوق العاده عالی و دلپسندی در سال ۱۳۲۹ در داخل حرم آن بعمل آمده که درخور تحسین کامل می باشد. از اره کاشی آن با نقاشی دیوار و مقرنس کاریها و رنگ آمیزی تمام داخل حرم بحد اعتلا شیوا و صحیح و باسلیقه انجام گرفته جامهای شیشه ای ضخیم روی قسمت دسترس دیوار نصب نموده اند که از عبور و دست زدن زوار لطمه نبیند و برخلاف تعمیراتی که مثلاً در مسجد شاه تهران توأم با سلیقه و تفتن های ناروا اجرا می گردد در حرم امامزاده عبدالله استادان نقاش نهایت سلیقه و دقت را در انجام تعمیرات با پیروی از سبک اصلی و قدیمی بنا رعایت کرده اند که تماشای آن حقیقه بیننده را خرسند می سازد و فقط دو نکته جزئی را باید تصحیح کنند که بهمت متولی جدی و علاقه مند آن انجام خواهد گردید.

بنای قدیمی بقعه تا حدی که نگارنده توانستم تشخیص بدهم از آثار دوره صفوی بوده که رواق بزرگی در مشرق حرم داشته دری از رواق و در دیگری از حرم هر دو روبرو جنوب مشرف به جاده که در ازمئه قدیم از ری به قزوین می رفته باز می شده است. آثار جاده مزبور همان خط سیر گودال ماندنی است که اکنون از کوچه جنوبی

محوطه امامزاده عبدالله به محوطه مزبور می‌رسد و از کناره جنوبی بنای بقعه روبه شمال غربی امتداد دارد و بقعه امامزاده عبدالله در پشت شهر قدیم ری مشرف و متصل به این جاده در سمت شمال آن واقع بوده است و در سال ۱۲۷۴ میرزا کاظم خان نظام‌الملک - بانی عمارت نظامیه که نقاشیهای صف‌سلام ناصرالدین شاه آن مشهور می‌باشد - فرزند میرزا آقاخان صدراعظم نوری، ایوان شرقی و رواق فعلی را به جای رواق قدیم ساخته مدخل اصلی بقعه را روبه مشرق نموده گنبدی بر فراز آن و ایوانی هم در جانب شمال حرم ترتیب داده است.

در کتیبه کاشی خشتی ایوان بقعه ۲۱ بیت شعر به خط نستعلیق و به خط محمد حسین شیرازی خوانده می‌شود که شامل مدح ناصرالدین شاه و بانی عمارت بوده تاریخ آن ۱۲۷۴ قمری و سراینده اشعار «نثار» ذکر شده است.

در خاتم بنا هم بنام بانی فوق‌الذکر و دارای همان سال تاریخ بوده مانند در خاتم بقعه بی‌بی زبیده اطراف آن ابیاتی از مرثیه‌های معروف محتشم کاشانی - باعاج به خط نستعلیق نوشته شده است و فعلاً به علت تعمیرات فراوان و اساسی که دارد آن را از محل خود برداشته در کناری نهاده‌اند.

صاحب مرقده در زیارت‌نامه‌های بقعه عبدالله الایض و عبدالله بن عباس بن محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن علی بن الحسین ذکر شده است. پشت بغل کاشی و چهار اسپر بلند جبهه خارجی ایوان با خشتهای کاشی زمینه لاجوردی و نقش کامل گل و بوته اسلیمی رنگارنگ بوسیله آقای خاک‌نگار مقدم تهیه و در سال ۱۳۲۷ تقدیم گردیده است. محوطه این بقعه بطور روزافزون بزرگ می‌شود و قطعات اراضی مجاور برای استفاده جهت مدفن مردم تهران به آن افزوده می‌گردد.

امامزاده هادی (شهری)

کنار جاده قدیم شهرری به تهران بالاتر از بقعه ابن بابویه، بنای آجری متناسبی از دوران صفوی در داخل محوطه مصفااتی وجود دارد که دارای نوشته قدیمی با کاشی معرق روی مقبره درون حرم می‌باشد و حکایت از بنای بقعه مزبور بفرمان شاه طهماسب صفوی می‌نماید و نوشته‌های دیگری مورخ به ۱۲۸۶ در پائین مشتمل بر نام امامزاده هادی و خواهرش حضرت زینب - نوادگان امام هفتم (ع) - مرقوم رفته است. این بقعه را

بنام مسجد ماشاءالله هم می خوانند و در محوطه آن بسیاری از اهل ذوق و قریحه تهران مدفون هستند.

بقعه معروف به امامزاده هادی یا مسجد ماشاءالله در کنار جاده قدیم شهرری به تهران کمی شمال تر از ابن بابویه و پائین تر از باغ صفائیه در محوطه بانزهرت و نسبه مشجر واقع گردیده آرامگاه اشخاص زبده ای که جنبه شاعرانه بیشتر به این مکان میدهد در زیر درختان آن قرار دارد. بقعه اصلی بصورت چهارضلعی با آجر و بطرزی کاملاً ساده ساخته شده ابعاد داخلی حرم تقریباً ۶ متر در ۶ متر است و برای اطلاع از نوشته های تاریخی آن فقط میتوان در داخل ضریح چوبی از کاشیهای مرقد استفاده نمود زیرا کتیبه های قدیمی در جای دیگر بقعه وجود ندارد.

اطراف مرقد با خشتهای کاشی زمینه زرد دارای گلهای بوته جقه ظریف عهد قاجاریه مزین گردیده سطح فوقانی مرقد کاشی معرق قدیمی است که به خط ثلث سفیدرنگ بر زمینه لاجوردی مشتمل بر این عبارت می باشد:

«قد امر باحداث هذه العمارة الرفیعة السلطان
ابن السلطان المؤبد من عندالله ساعة (؟) الخیر
والاحسان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان
خلدالله تعالی ملکه».

کتیبه دیگری هم به خط نستعلیق ریز در بالای ضلع شرقی مرقد (طرف پائین پا) روی خشتهای کوچک کاشی مرقوم رفته است که حاوی این عبارات می باشد:

«این مرقد شریف حضرت امامزاده هادی
ابن سراوین ابن حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام با یک خواهرش حضرت زینب
خواتون (کلمه خاتون را با واو معدوله اضافی نوشته
است)^۱ در اینجا مدفون و شهید می باشند و قاتل
ایشان منصور دمشقی. ۱۲۸۶».

با مطالعه این دو کتیبه معلوم میشود بنای موجود امامزاده طاهر از آثار زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری) است ولی سال تاریخ ندارد و در سال ۱۲۸۶ که سال بیست و سوم پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار بوده است مرقد را تعمیر

نموده بدنه‌های اطراف آن را با کاشیهای خشت هفت رنگ پوشانیده‌اند و تصور می‌رود مسجد بزرگ طرف مغرب بقعه که به نام مسجد ماشاءالله خوانده می‌شود نیز در همان سال متصل به حرم بقعه مزبور ساخته شده بنای کوچک قدیمی را از خارج وسیع و بزرگ نموده‌اند.

ضمناً معلوم می‌گردد که این بقعه مدفن یک خواهر و برادر که نواده امام هفتم شیعیان بوده‌اند شناخته شده و تنها به نام برادر شهرت یافته است.

امامزاده ابوالحسن

در قریه آب اندرمان (شهری)

در سه کیلومتری مغرب قصبه کنونی شهر ری قریه آبادی بنام «آب اندرمان» وجود دارد و توده مردم تهران خصوصاً بانوان معتقدند گل و لای آبی که در دو گودال کوچک این محل وجود دارد درمان بسیار نافع و مؤثری جهت بیماریهای جلدی مانند کهیر و سودا و غیره است. اسم قریه هم ترکیبی از همین معنی بوده می‌رساند که چنین خاصیتی از روزگاران دراز در آب دو گودال قریه مزبور سراغ داشته‌اند و همین امر موجب شده است که قریه را بنام آب اندرمان بخوانند و بدین ترتیب سفارش ماندن، اندر آب این قریه را بنمایند.

برای رفتن به قریه آب اندرمان، راه اتوبیل روئی از جاده آسفالت تهران به قم وجود دارد بدین قرار که پس از عبور از ایستگاه اتوبوسها در قصبه شهر ری که جاده تهران به قم روبه مغرب می‌رود مسافتی که جاده مزبور از وسط باغستانهای شهر ری می‌گذرد طی می‌کنند و در محلی که جاده آسفالت مزبور به طرف جنوب می‌پیچد جاده خاکی از جاده آسفالت منشعب گشته روبه مغرب امتداد پیدا می‌کند. این جاده خاکی از وسط مزارع گذشته راه پهن جدید الاحداث و ناتمامی را که از شهر تهران در امتداد خیابان خانی آباد و خیابان شرقی سیلو برای رفتن به آرامگاه رضاخان کشیده‌اند قطع می‌نماید و در مسافت قریب سه کیلومتری مغرب شهر ری به قریه آب اندرمان می‌رسد. از قریه آب اندرمان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) با گنبد زرین آن مخصوصاً در ساعات بعد از ظهر و عصر منظره بسیار دلپسندی دارد یکی از مصفااترین و با روح‌ترین زیارتگاههای اهالی تهران که بقعه بسیار شیوا و زیبائی بنام امامزاده ابوالحسن باشد در این قریه واقع شده است.

هیئت خارجی بقعه و گنبد آن خیلی شباهت به بقعه امامزاده عبدالله (ع) دارد و در این مورد نیز تصور می رود معمار تعمیر و تغییر هر دو بنا یک نفر بوده است با این اختلاف که بقعه امامزاده عبدالله آباد و دوائر تعمیرات زیاد در آن بعمل آمده است ولی بقعه امامزاده ابوالحسن (ع) ساده تر ساخته شده است و غیر از تعمیراتی که اخیراً در داخل حرم آن انجام گرفته مدت مدیدی است تعمیر اساسی در آن نکرده اند و کاشیهای گنبد آن احتیاج کامل به تعمیر دارد و لانه لک لکی که از سالیان دراز تا کنون در نوک گنبد آن قرار گرفته است گواه متروک ماندن گنبد فیروزه فام این بقعه شیوا می باشد اما در عوض باغ و بستان این بقعه مانند زمانهای پیشین در کمال صفا و نزهد نگهداری شده درختان نارون چتری و ارغوان و زبان گنجشک و غیره محوطه این زیارتگاه را بسیار فرحناک ساخته است.

مدخل بقعه از طرف شمال است و ایوانی شبیه ایوان امامزاده عبدالله (ع) دارد که دو جرز آجری ساده در طرفین آن واقع می باشد. بر بالای دیوار ایوان کتیبه ای مشتمل بر هشت بیت اشعار مرثیه بخط نستعلیق گچ بری نموده اند که بیت اول آن بدین قرار است:

گردون بسوخت ز آتش غم جان فاطمه (یا اباعبدالله)

شرمی نکرد از دل سوزان فاطمه (یا اباعبدالله)

ابیات دیگر دنباله همین شعر بوده بیت هشتم که آخرین شعر کتیبه باشد بکلی ریخته و محو گشته است.

از ایوان به رواقی می روند و از رواق داخل حرم بسیار نظیف و دلبازی می شوند که وسعت زیادی دارد (قریب ۸ متر طول و ۸ متر عرض) بر روی دری که رواق را به حرم مربوط می سازد این کتیبه به خط ثلث بسیار شیوا بطور برجسته مرقوم گردیده است:

«وقف هذا الباب علی بقعة الشریفة امامزاده

ابوالحسن بن امام جعفر صادق علیه السلام خواجه

گودرز بن خواجه جمشید در زمان دولت سلطان

عادل محمد شاه غازی».

ضریح چوبی بسیار قشنگی که حقیقه در ساختن آن کمال استادی و ظرافت را بخرج داده اند به سبک معروف به خانه مربع خراطی دارد و خانه بندیهای مربع جبهه شمالی آن درشت تر از سه طرف دیگر است. طول ضریح، مختصری کمتر از سه متر و

عرض آن کمی بیش از دو متر و نیم می باشد و تا آنجا که نگارنده دیده ام و اطلاع دارم بهترین ضریح چوبی دوره قاجاریه در امامزاده های اطراف تهران همین ضریح است و می توان گفت که بعد از ضریح امامزاده اباذر - در خارج شهر قزوین - بهترین ضریح چوبی دوره قاجاریه، همین ضریح امامزاده ابوالحسن (ع) است. مرقد کاشی فیروزه رنگ جدید در وسط ضریح پدیدار می باشد.

بر روی یکی از زیارت نامه ها نسب صاحب مرقد چنین ذکر شده است: «.... السلام علیک یا ابالحسن یا علی بن حسین بن عیسی بن محمد بن علی المدفون بالقریض بن جعفر الصادق».

از روی یادگار یهائی که بر ضریح نوشته اند و بسته های آن معلوم می شود ضریح مزبور در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است و پلاکی در بالای در ورودی ضریح دیده می شود که مهدی نام در ۱۳۱۶ شمسی آن را مانند اثری از نیاز و حاجت مندی خود در آنجا نصب کرده است.

در نزدیک ایوان بقعه، مانند امامزاده عبدالله (ع) آب انباری است که زوآر از آن استفاده می کنند. بر روی بست آهنی زنجیر در ورود به باغ بقعه از طرف خارج این نوشته بخط ساده با اغلاطی که عیناً نقل می نماید خوانده می شود: «وقف امامزاده ابوالحسن نمود حاجی حسن زنجیر ساز. هر کس تمع کند به لعنت خدا و رسول گرفتار شود ۷۵۲۱». کلمه طمع با «ت» نوشته شده و سال تاریخ ۱۲۵۷ را نیز از راست به چپ نگاشته اند که خالی از لطف نیست و این سال تاریخ وارونه تنها تاریخی است که در بقعه مزبور دیده می شود. روزهای جمعه و ایام متبرک عده زیادی زوآر و مردم معتقد با زن و فرزند و کسان خود از صفا و سایه باغ و درختان این بقعه استفاده می کنند. هنگام عبور از جاده شهر ری در مرتفع ترین محل جاده مزبور که از روی پل نزدیک خیابان کارخانه سیمان می گذرد گنبد و درختان بقعه امامزاده ابوالحسن در سمت جنوب غربی هویدا است و کسانی که همت و اشتیاق پیاده روی داشته باشند می توانند از همانجا بطرف این زیارتگاه بروند و از میان کشتزارهای منصورآباد و اراضی جنوبی جوانمرد قصاب و زمینهای اطراف قلعه کبرای کهنه موسوم به قلعه جعفرخان که اکنون ملک آقای قوام شیرازی است گذشته به آب اندرمان و امامزاده ابوالحسن برسند.

جوانمرد قصاب (منصورآباد شهری)

در اراضی منصورآباد بفاصله تقریبی یک کیلومتری مغرب جاده تهران به شهر ری و به مسافت کمی در شمال خط آهن فرعی که کارخانه های سیمان و گلیسیرین را به خط آهن شمال متصل می سازد بقعه و زیارتگاهی بنام جوانمرد قصاب وجود دارد. در زمان سابق که پیاده روی و طی مسافت با چارپایان می کردند برای زیارت جوانمرد قصاب از دروازه غار تهران به علی آباد رفته جاده خاکی را که به جنوب می رفت می پیمودند و پس از طی چند کیلومتر پیش از آن که به اراضی بی بی زبیده برسند در کنار نهر آبی بزرگ از پلی گذشته به بقعه جوانمرد قصاب داخل می شدند اکنون هم این جاده بصورت فرعی موجود و برقرار است ولی راه عمومی و عملی برای رسیدن به جوانمرد قصاب - خواه با اتومبیل و خواه پیاده - بشرح بالا از جاده اسفالتی تهران به شهر ری است که از ایستگاه منصورآباد یا ایستگاه مقابل خیابان کارخانه سیمان از جاده اسفالتی خارج گشته بطرف مغرب بروند و پس از طی قریب یک کیلومتر در امتداد خط آهن مذکور در فوق کمی روبه شمال برگردند و در کنار نهر آب روان داخل بقعه جوانمرد قصاب شوند.

نهر آب مزبور دنباله نهری است که آب رودخانه فیروزآباد از مغرب شهر تهران در آن جاری می باشد و در نزدیک بقعه جوانمرد از اراضی علی آباد به اراضی منصورآباد می رسد. باغچه باصفا و دلنشینی که بقعه جوانمرد در آن واقع است جزء اراضی منصورآباد حساب می شود.

بنای بقعه بصورت چهارضلعی بوده طول و عرض داخل آن هر طرف قریب ۶ متر است و در وسط آن سگویی مستطیلی به ارتفاع یک متر و طول دو متر و عرض یک متر قرار دارد که نرده آهنی بر چهار طرف بالای سگو و لوحه سنگی در وسط آن نصب نموده اند.

بر روی لوحه سنگی مزبور دو بیت بخط نستعلیق برجسته نگاشته شده است که تنها مصرع اول آن و برخی کلمات سه مصرع دیگر به زحمت تشخیص داده می شود و نگارنده نیز بیش از این نتوانسته بودم بخوانم لکن خوشبختانه در ضمن یادداشت های بسیار مفید پراکنده فراوانی که آقای دکتر حسین مفتاح در اختیار دارند و لطفاً آنها را به این

بنده ارائه میدادند بر سبیل تصادف دو بیت مزبور را دیدم که به خط نستعلیق درشت بوسیله یکی از علاقه‌مندان در حدود پنجاه شصت سال پیش استنساخ گردیده بود و بدین وسیله نگارنده موفق به تصحیح و تکمیل آنچه خود خوانده بودم گردیدم. دو بیت مزبور بدین شرح است:

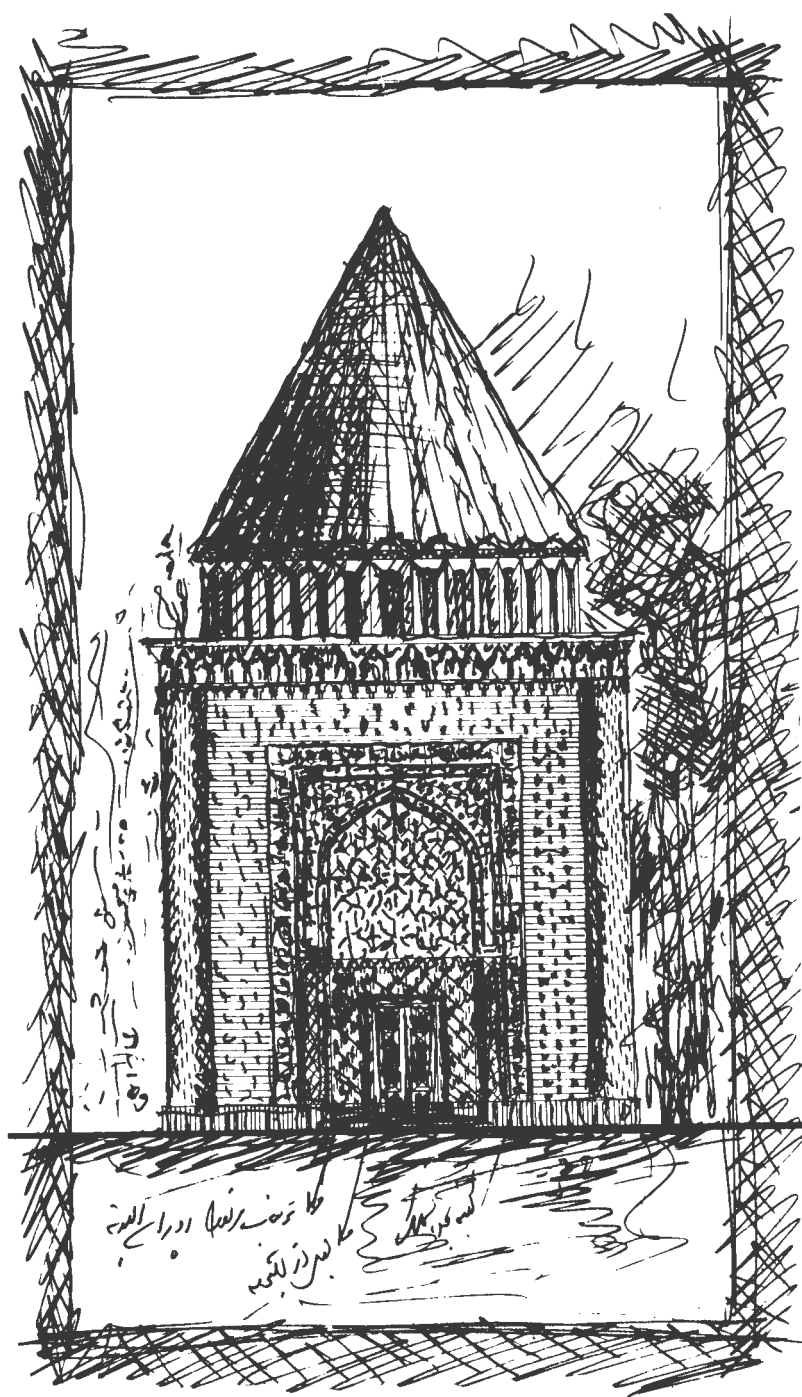
جوانمرد قصاب این شیردل کمر بسته شیریزدان بود
مزارش که باشد بهشت نوین زیارت‌گه اهل ایمان بود
کلمه بهشت با «ط» استنساخ گشته و هنوز هم روی سنگ همین گونه دیده می‌شود. علاوه بر دو بیت مزبور نقوش شیرهای برجسته و تزئینات ساده هم در حاشیه سنگ تعبیه نموده‌اند. هم بقعه و هم سنگ مزبور از آثار زمان فتحعلی شاه بنظر می‌رسد و چیزی قدیم‌تر از آن زمان عجالة پدیدار نیست. نمای بیرونی بنا آجری ساده بوده در مدخل بقعه که سمت مغرب است اخیراً ایوان کوچکی با دو ستون افزوده نمای آجری ساده آن طرف را برخلاف قاعده تغییر داده‌اند و آن را با آجرهای قرمز و سفید درست کرده‌اند.

به شرحی که در سابق اشاره شد بقعه‌های متعددی بنام جوانمرد قصاب در نقاط مختلف ایران موجود است و مانند چهل تن، هفت تن، چهل دختران، هفت دختران، هفتاد دوتن، دوازده امام و امثال آن‌جا دارد مورد بررسی و تحقیق جداگانه واقع شود. به مساحت کمی در شمال بقعه جوانمرد چشمه آب بزرگی است که از زیر تپه‌های انتهای جنوبی خاک علی‌آباد بیرون می‌آید و مانند چشمه علی محلّ و مرکز شستن فرش است که چند نفر در آنجا مشترکاً با چالاکی و مهارت کافی به این کار اشتغال دارند. چشمه مزبور نیز مانند چشمه علی از موقوفات آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) می‌باشد. آب این چشمه هم از جلو باغچه جوانمرد قصاب می‌گذرد و در روزهای تعطیل خصوصاً در موسم بهار که آب فراوانی در نهر فیروزآباد جاری است عده‌ای از مردم تهران کنار این نهرهای آب زیر سایه درختان بید در مجاورت بقعه جوانمرد به آسایش به سر می‌برند.

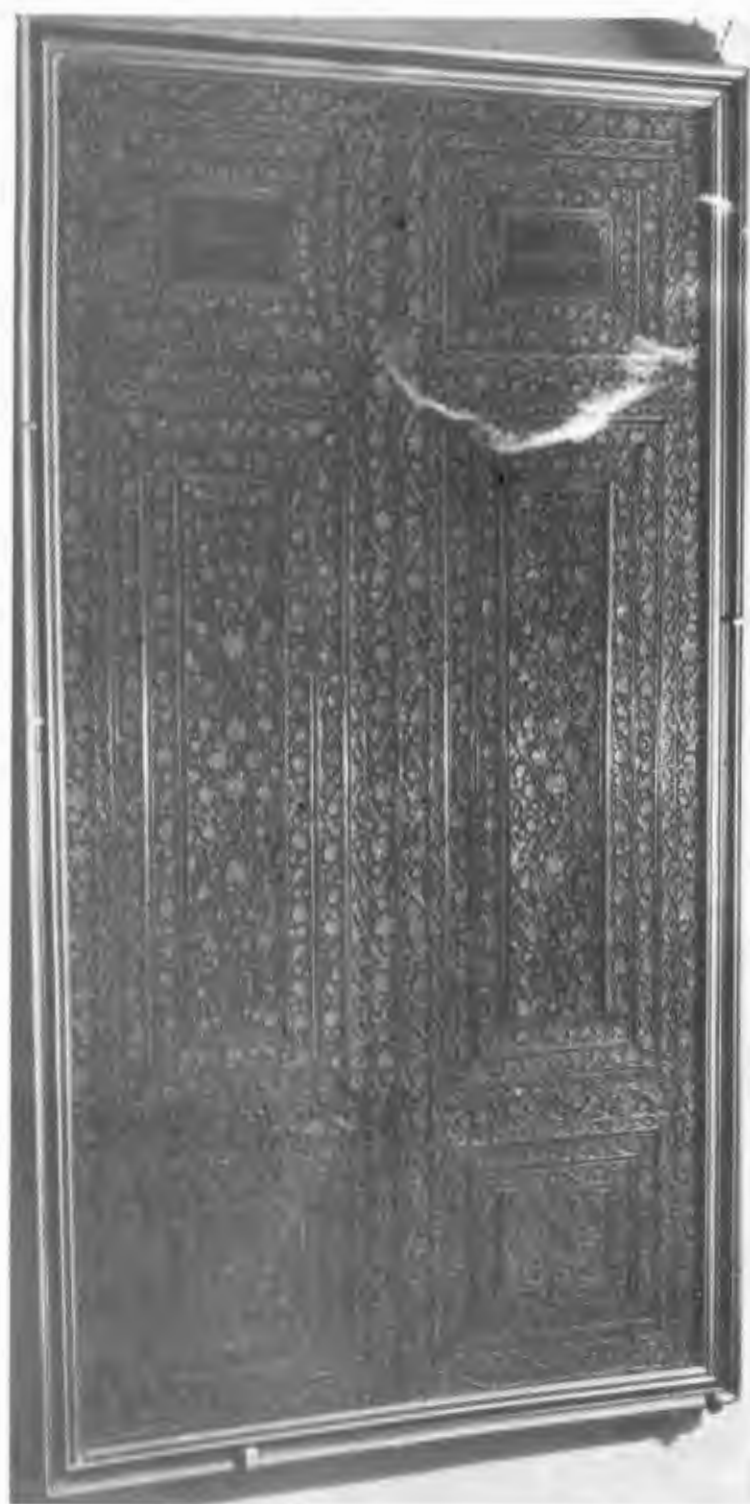
بقاع دیگر شهر ری، یعنی ابن بابویه، بی بی زبیده، امامزاده ابوالحسن (آب اندرمان)، سه دختران، دو برادران و جوانمرد قصاب و... دارای اهمیت تاریخی و هنری زیادی نیست که ذکر آنها در این گفتار مختصر مناسب داشته باشد.



منظره حضرت عبدالملکیم که بطرف شمال عکس گرفته شده از بالای گلسته حرم حدود سال ۱۳۳۲



طرح بنای اولیة آستانه متبرک حضرت عبدالعظیم (ع) ترسیم آقای مهندس کریم پیرنیا.



در منبت عهد صفویه در خزانه حضرت عبدالعظیم (ع)



پدیدار شدن کتیبه کوفی و تزیینات آجری سده های نخستین اسلامی در سردر شمالی حرم مطهر آستانه حضرت
عبدالعظیم (ع)



منظره آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده حمزه (ع) از طرف جنوب غربی



نمای حضرت عبدالعظیم (ع)



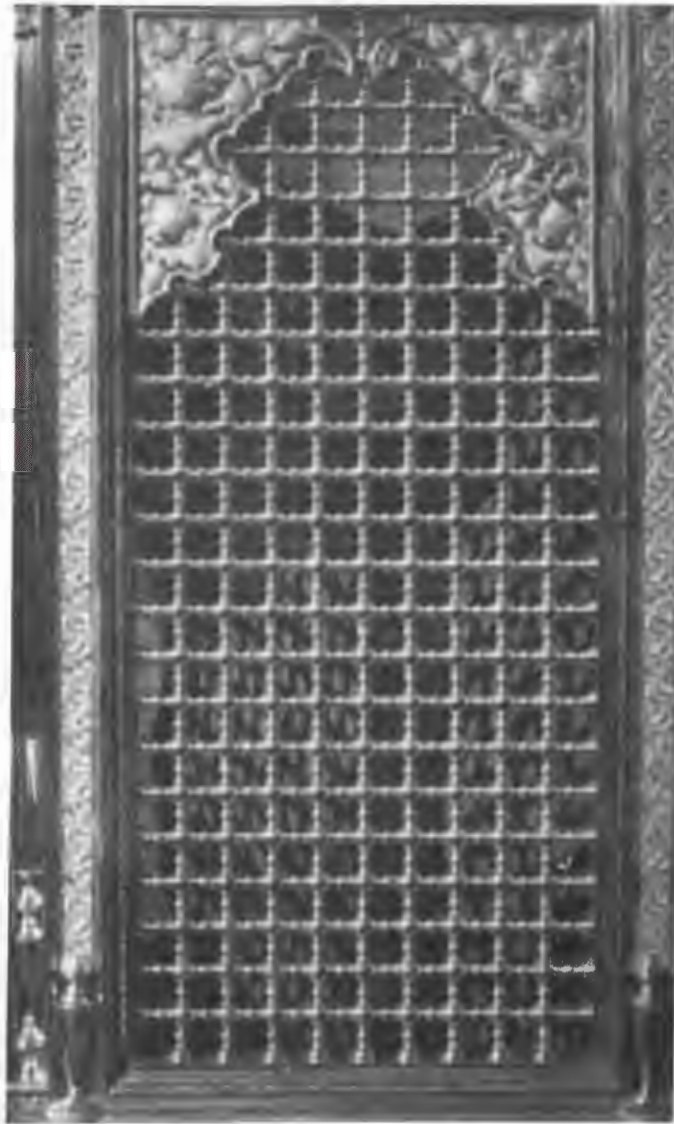
هنگام برداشتن روکش نقره ضریح حضرت عبدالعظیم (ع) برای تعمیر



صحن و مناره و گلدسته های حضرت عبدالعظیم (ع)



گوشه ضریح حضرت عبدالعظیم (ع)



یک دهانه از بدنه ضریح حضرت عبدالعظیم (ع)



منظره بقعه بی بی شهر بانو از جانب مشرق



گنبد بقعه بی بی شهر بانو



مدخل اصلی بقعه بی بی شهر بانواز طرف مشرق که در آن متعلق به زمان شاه طهماسب اول است.



گوشه جنوب غربی بقعه بی بی شهر بانو



منظره بقعه بی بی شهر بانو بر فراز صخره کوهسار



طاق ضربی عهد دیلمی در گوشه جنوب شرقی بقعه بی بی شهر بانو (ع)



زیرگنبد عهد دیلمی در گوشه جنوب شرقی بقعه بی بی



در ورود بقعه بی بی شهر بانواز آثار زمان شاه طهماسب اول



یکی از پرده های نقاشی موجود در بقعه بی بی شهر بانو که بانوان را در حال زیارت نشان میدهد



منظره بقعه بی بی زبیده از سمت شمال



منظره بقعه ابن بابویه از جنوب. تیرماه ۱۳۳۱



منظره برج طغرل



محراب و تزئینات داخل حرم امامزاده عبدالله



بقعه محدّین بابویه (شیخ صدوق) علیه الرّحمة در شهرری



دروود به حرم امامزاده عبدالله



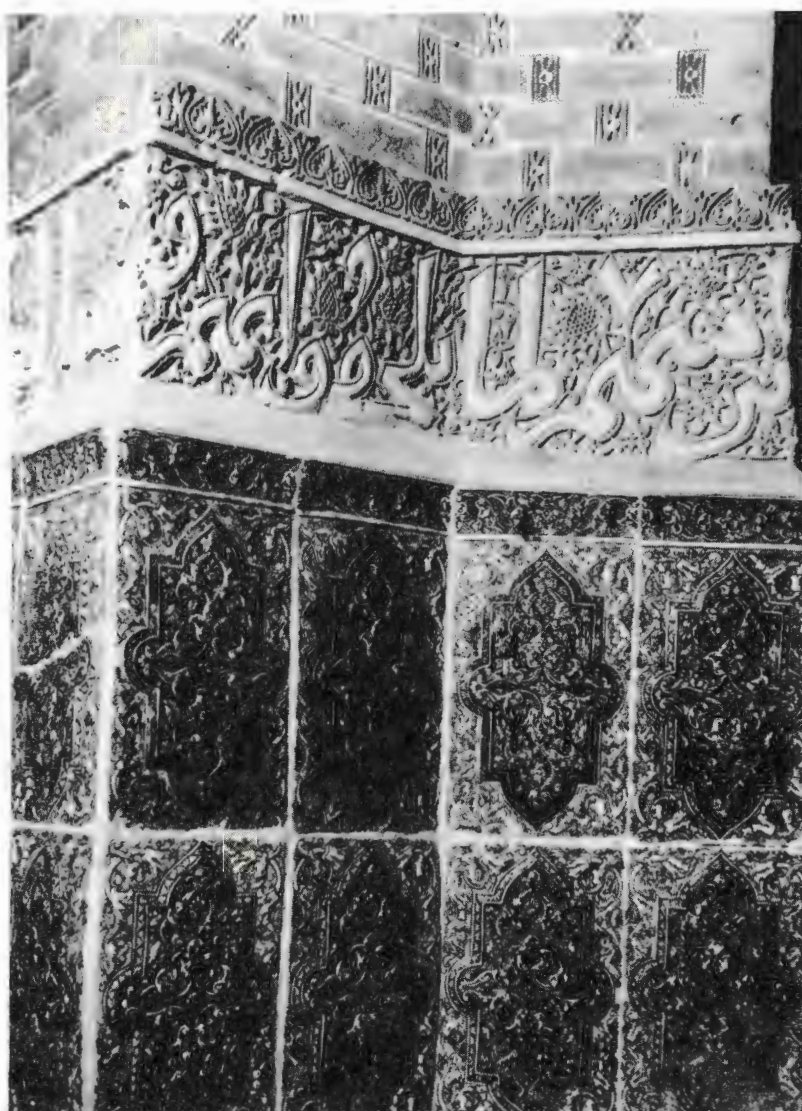
ہیبت خارجی امامزادہ عبداللہ



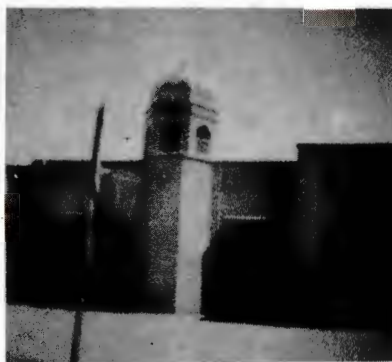
ایران شرقی و مدخل اصلی امامزاده عبدالله



ضریح و تزئینات داخل امامزاده عبداللّه



امامزاده یحیی ورامین



گلدسته مسجد کارخانه سیمان

هفت چنار (بریانک)

زیارتگاه دیگری که در قریه بریانک وجود دارد بقعه و مرقد نیست بلکه هفت درخت چنار است که بجای تنه اصلی چنار کهن سالی از یک ریشه و پائین همان تنه درخت روئیده بوضعی شیوا و دلپسند مستقیماً بالا رفته است و حقیقه شایستگی توجه و حرمت کامل دارد.

این هفت چنار در کنار باغی که در سمت جنوب کارخانه جوراب بافی واقع شده است نزدیک دیوار و مشرف به خیابان غربی باغ کارخانه مزبور قرار دارد و مردم ساده دل و خوش عقیده بر دیوار گلی مجاور درخت، طاقچه کوچکی کنده اند و به افروختن شمع و عرض نیاز می پردازند.

ای کاش یک هزارم از علاقه مردم به این درخت، در دل بعضی اسفالت کاران سنگدل بود که با نهایت بی باکی کمر قتل درختان شاداب کهن سال خیابانها و کوچه ها و گذرهای قدیمی تهران را بسته اند و بدبختانه بعضی شهرستانها هم از این عمل ناپسند بازمانده اند و امیدوار است بخشنامه ها و تأکیدات قبلی وزارت کشور و توجه شهرداری تهران از ادامه این عمل خلاف و ناپسند جلوگیری نماید.

امامزاده حسن (جی علیا)

از میدان فلکه معروف به دروازه قزوین چون به خیابان اسفالته رو به مغرب روند در مسافت کمتر از یک کیلومتر اراضی جی و بریانک شروع می شود و پلی که بر روی نهر فیروزآباد زده شده است در مسیر همین خیابان واقع می باشد و در فاصله بیش از یک کیلومتری فلکه مزبور جاده اسفالته تهران به قزوین کمی بطرف راست پیچیده دست چپ راهی خاکی منشعب می گردد که به بقعه امامزاده حسن می رسد. گنبد بقعه مزبور از جاده اسفالته پدیدار بوده مسافت قابل ذکری با آن ندارد و خانه های شهر تهران در حال حاضر به اراضی اطراف صحن امامزاده حسن رسیده قریه جی و قریه بریانک نیز که از قرای بسیار قدیمی شهر ری است مانند قریه تاریخی دولاب تقریباً ضمیمه شهر تهران گردیده فعلاً محله کنار شهر محسوب می گردد.

بنای بقعه امامزاده حسن یکی از ابنیه قابل توجه در میان زیارتگاههای خارج شهر تهران است. مدخل آن طرف شمال بوده ابتدا از ایوانی که یک ردیف ستونهای بلند و باریک چوبی دارد به ایوانی که پوشش آن ضربی است میرسند و از این ایوان داخل رواق چهارگوش بزرگی می شوند (طول رواق کمی بیش از هفت متر و عرض آن ۶ متر است). از رواق داخل حرم وسیع امامزاده می شوند که طول و عرض آن هر کدام بالغ بر ۸ متر می گردد. هم رواق و هم حرم مزین به نقاشیها و مقرنس کاریهای زیبایی است که به نظر می رسد عموماً از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار باشد. بالای دیوار رواق ۱۴ بیت و یک مصراع اشعار مرثیه مربوط به فاجعه کربلا به خط نستعلیق درشت طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی گچ بری شده است که برای نمونه ابیات او ۶ و ۱۰ و ۱۳ آن را به ترتیب نقل می کنیم:

شور و نشور و همه را در گمان فتاد	بر حر بگاه چون ره آن کاروان فتاد
چون چشم اهل بیت بر آن تشنگان فتاد	... شد وحشتی که شور قیامت به گرد رفت
بیداد کرده خصم و تو امداد کرده ای	... در طعنت این بس است که با عترت رسول
نمرو داین چنین که توشد آد کرده ای	... ای زاده ز یاد نکرده است هیچ گاه

این نوشته ها هیچ سال تاریخی ندارد. در یک گوشه رواق لوحه کاغذی مشتمل بر ۵۲ بیت شعر آویزان است که شرح ماجرای آمدن امامزاده حسن و فرزندش شاهزاده احمد به شهر ری و از آنجا به ملک جی و کشته شدنش را در بردارد. این اشعار بوسیله مرحوم آقا میرزا یحیی ناظم التولیه آستانه امامزاده حسن سروده شده و خلاصه آن این است که وقتی عبدالملک فرمان داد آل حیدر را بی دریغ از تیغ بگذرانند عرصه بر آل رسول (ص) تنگ شد و امامزاده حسن که پسر امام حسن مجتبی (ع) است به اتفاق فرزند خود شاهزاده احمد گزارش به جی در شهری می افتد و به نزدیک کشتزار شخصی موسوم به سرافراز می رسد از سرافراز برای فرزند خسته و کوفته خویش نان می طلبد و بیل سرافراز را برای آبیاری می گیرد. سرافراز به منزل می رود و به پدرش مطلب را اظهار می کند چون نان حاضر نبود پدرش می گوید برو من نان حاضر کرده می آورم. سرافراز چون برمی گردد می بیند حاصل کشتزارش بسیار خرم شده رشد نموده و محصول آن رسیده است با اظهار تعجب از تازه وارد می پرسد که کی هستید؟ چون می فهمد که از اولاد علی (ع) هستند بیل را از دست امامزاده گرفته او و فرزندش را شهید می کند. پدر نان می آورد و مردم جی می فهمند و می رسند و پدر سرافراز فرزند آدم کش خود را با بیل

به قتل می رساند. پرده های نقاشی چند که همین صفحه را نشان می دهد بر دیوار رواق و ایوان نصب است و وجود همین پرده های نقاشی که بی پروا درز یارنگاههای فراوان کشور می گذارند نشانه از آزادگی روح و ذوق فطری ملت ایران بوده نمونه طرز تفکر طبقات بسیار عادی و توده حقیقی مردم را نشان می دهد.

بین رواق و حرم در خاتم فوق العاده عالی وجود دارد که بر روی آن به خط نستعلیق این عبارات را نوشته اند:

«برحسب امر قدر قدرت قضا فرمان کیوان آستان
شاهنشاه جم دربان ملائک پاسبان السلطان ابن
السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان
ناصرالدین شاه قاجار به سعی و اهتمام عالی شان
صناعت دستگاه مشهدی ابوالقاسم شیرازی به
اتمام رسید را قمه حقیرالفقیر محمد حسین شیرازی
فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۶».

در اطراف این در بر روی هر لنگه ده بیت جمعاً بیست بیت اشعار مرثیه دارای قافیه های مختلف مرقوم رفته است که از ذکر آنها بواسطه احتراز از تفصیل مقال خودداری می شود.

بر بالای دیوار حرم حاشیه ای پهن مشتمل بر کتیبه قرآنی است که به خط ثلث و بطور برجسته گچ بری نموده اند. ضریح آن به طول ۳/۱۲ متر و عرض ۲/۱۳ متر و ارتفاع ۲/۳۲ متر مشتمل بر دهانه های مشبک نقره در میان ستونهای چوبی بر روی پایه سنگی می باشد و در اطراف ضریح صفحات نازک برنجی مشتمل بر اشعار محتشم نصب گردیده است و وضع آن بخوبی می رساند که صفحات نازک را جداگانه تهیه کرده روی ستونها و قیدهای چوبی ضریح کوبیده اند.

در میان ضریح صندوقی است که در حاشیه بالای آن کتیبه ای به خط نستعلیق حاوی اشعاری مشتمل بر صلوات چهارده معصوم (ع) بطور برجسته نوشته اند. سال تاریخی بر روی صندوق دیده نشد و به نظر میرسد آن هم از آثار خوب صنعتی زمان فتحعلی شاه باشد.

در اطراف بنای اصلی بقعه که شامل حرم و رواق و ایوان بوده است طاق نماهایی به قطریا عمق تقریبی دو متر افزوده اند و آقای علی خدامزاده متصدی

فعلی بقعه اخیراً مسجدی به عرض ۴ متر در ضلع شرقی بقعه افزوده که تا محاذات وسط رواق می رسد و تعمیرات بجا و مفید دیگری هم در بقعه انجام داده است و اینک که به تشخیص مقامات شهری دفن اموات در اراضی متعلق به بقعه امامزاده حسن بر اثر توسعه شهر منع گردیده است طبعاً بر درآمد بقعه و ادامه تعمیرات آن لطمه و اختلال وارد می آید که به امید رونق بیشتر زیارت آن مکان انتظار جبران آن می رود.

گنبد بقعه از کاشی کاریهای عهد قاجاریه پوشیده شده هیئت متناسب و موزونی دارد و کتیبه آن نشان میدهد که مربوط به زمان ناصرالدین شاه قاجار است.

بواسطه نام امامزاده حسن و انتصاب صاحب مرقد که پسر امام حسن مجتبی (ع) است در روز قتل امام حسن مجتبی (ع) عده بی شماری مردم شهر و اطراف به زیارت این بقعه متبرک رومی آورند و ازدحام زوار در روز ۲۸ صفر هر سال در این زیارتگاه مشهور و معروف است.

در کتاب نزهة القلوب تألیف حمدالله مستوفی که در تاریخ ۷۴۰ هجری نوشته شده است ضمن شرح نواحی و دهات غار نام امامزاده حسن و تهران بدین قرار ذکر گردیده است: «... و در او چهل پاره دیه است تهران و مشهد امامزاده حسن بن الحسن علیه السلام که به جیان مشهور است...»^۱ امروز هم ناحیه جی شامل دو قسمت است جی علیا و جی سفلی که تا اراضی غربی و جنوب ایستگاه راه آهن تهران امتداد دارد و نام جیان مذکور در کتاب نزهة القلوب می رساند که از قدیم جی شامل دو ناحیه بوده است.

یادداشت‌های مربوط به بقعه امامزاده حسن (ع) که پس از چند سال امروز (پیش از ظهر پنجشنبه ۱۳۵۷/۸/۱۱ - غرة ذیحجه ۱۳۹۸) ضمن زیارت آن نوشتم:

ضریح نقره: طولی، شرقی غربی، سه دهانه، پهنا شمالی جنوبی، دو دهانه مرکب از قفل‌های کروی متداول در ضریح‌های مختلف.

بالای دهانه‌های ضریح بر کیلوئی مطالای آن چهارده ترنج بزرگ و چهارده ترنج کوچک فلزی بطوریک در میان بصورت پلاک‌های جداگانه تهیه روی آنها صلوات بر چهارده معصوم به خط ثلث برجسته مرقوم و زمینه رنگ ترنجهای آبی فیروزه‌ای و خط مطالاست.

بر حاشیه نهائی بالای ضریح که بالای کیلوئیهاست آیه‌سی و پنج

۱- نزهة القلوب، چاپ لیدن، ۱۳۳۱ هـ، ص ۵۴ و چاپ طهران به تصحیح دکتر سید محمد دبیر سیاقی

سوره نور: «اللّٰهُ نور السموات والارض» تا «والله بكلّ شیء علیم» و پس از آن بسم الله الرحمن الرحیم و الشمس و ضحیها تا آخر و لایخاف عقیبها به خط ثلث برجسته مرقوم است (ابتدای کتبیهای و ترنجها از آغاز ضلع شمالی یعنی از گوشه شمال غربی و انتهای آنها هم در همان گوشه است).

کتیبه بالای دیوار حرم از بالای محراب یعنی نزدیک وسط ضلع جنوبی شروع می شود حاوی سوره تبارک الّٰذی بیده الملک و هو علی کل شیء قدير (پس از بسم الله الرحمن الرحیم) تا فسحقا لاصحاب السعیر و در دنباله آن فی شهر صفر (بدون ذکر سال) به خط ثلث درشت و برجسته کرم رنگ بر حاشیه زمینه لاجوردی است و ظاهراً مربوط به دوران نقاشی قدیم زیر گنبد است.

نقاشیهای دیوار تجدید شده نقاشی قدیم دوران فتحعلی شاهی است بصورتی نسبتاً مناسب. هنگامی که من یادداشتها را می نویسم از کتیبه ثلث به بالا همان نقاشی کهنه فتحعلی شاهی باقی است. زیر گنبد هم از همان نقاشی هست و مشغول آئینه کاری روی آن هستند که طبعاً نقاشیها بزودی زیر آینه کاریها خواهد رفت. بر دو طرف محراب بالای بدنه های نقاشی تجدید شده این طور به خط نستعلیق نوشته اند:

سمت راست یعنی جانب غربی مجاور محراب: بانی نقاشی امامزاده حسن. سمت چپ یعنی جانب شرقی مجاور محراب: بانی باب الله ربیعی ۱۳۴۰. بالای در شرقی حرم که به مسجد پائین پا راه دارد در گوشه بدنه مستطیل بالای در، گوشه سمت راست: بانی نقاشی حرم مطهر امامزاده حسن علیه السلام.

گوشه بالائی سمت چپ: باب الله فرزند عزیز الله شهرت ربیعی ۱۳۴۰.

گوشه سمت چپ پائین همان بدنه: قلم محمد نقاش فراهانی.

در بدنه بالای در غربی حرم که به مسجد بالاسر راه دارد عین همین نوشته ها با قلم سیاه بر زمینه سفید (همانند بدنه قبلی) نوشته شده است.

مسجد بالاسر به طول تمام حرم و سقف و رواق در ضلع غربی به صورتی شیوا شامل چهار چشمه طاق با روی کاری گچ و ازار گچی پاکیزه و باسلیقه موجود است. لوحه زیارت نامه در کنار دیوار مسجد هست روی آن به خط نستعلیق بر کاغذ سفید نوشته است: «زیارت نامه سید جلیل امامزاده حسن امیر بن عبدالله علیه السلام». پس از آن در چهارده سطر هر سطر سلام بر یکی از چهارده معصوم

بدین شرح: «السلام علی رسول الله خاتم النبیین محمد بن عبدالله، السلام علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام وصی رسول الله، السلام علی فاطمة البتول الزهرا بنت رسول الله، السلام علی الحسن المجتبی ریحانة رسول الله، السلام علی الحسین الشہید المظلوم المجاهد فی سبیل الله، السلام علی زین العابدین علی بن الحسین البکامن مخافة الله، السلام علی محمد بن علی باقرالعلوم و وارث علم رسول الله، السلام علی جعفر بن محمد الصادق التاطق بحق الله، السلام علی موسی بن جعفر الکاظم نورالله، السلام علی علی بن موسی الرضا المرتضی حجة الله، السلام علی محمد بن علی التقی الجواد بماله ونفسه فی سبیل الله، السلام علی علی بن محمد التقی البار التقی ولی الله، السلام علی الحسن بن علی العسکری والدالقائم بامرالله، السلام علی الامام الموعود حجة بن الحسن ولی الله».

پس از این چهارده سطر در یک سطر و نیم بهمان خط نستعلیق چنین نوشته است:

«السلام علیک ایها السید الجلیل یا حسن بن عبد الله بن الحسن بن جعفر بن هرون بن اسحق بن الحسن بن زید بن الحسن المجتبی السلام علیک و علی ابائک و رحمة الله و بركاته».

مسجد زنانه مانند سابق تا محاذی وسط رواق است و بهمان شیوه چهار بخشی با کمی اختلاف از نظر روی کاری ابزار گچی. محوطه خالی شمال مسجد زنانه که نیمی از مشرق رواق و تمام محاذی قسمت شرق ایوان قدیمی به اطاق ضربی را شامل است در سالهای اخیر دفتر و اطاق مجاور و راهرو آنها را به وضعی خوب و آبرومند ساخته اند.

درهای شرقی و غربی حرم بصورت لنگه ای نه چندان قدیم است. اشعار روی لنگه راست در خاتم که اطراف آن به خط نستعلیق با عاج بر خاتم مرقوم رفته است:

این ماهی فتاده به دریای خون که هست	از موج خون او شده جیحون حسین تست
این خشک لب فتاده ممنوع از فرات	کز خون او زمین شده گلگون حسین تست
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه	خرگاه از این جهان زده بیرون حسین تست
این قالب طپان که چنین مانده بر زمین	شاه شهید ما شده مدفون حسین تست
این غرقه محیط شهادت که روی دشت	از موج خون او شده گلگون حسین تست

پس روی در بقیع و به زهر اخطاب کرد
 کای مونس شکسته دلان حال ما بین
 در خلد بر حجاب دو کون آستین فشان
 اولاد خویش را که شفیعان محشرند
 تنهای کشتگان همه در خاک و خون نگر
 (از گوشه راست بالا آغاز و ابتدا سطر بالای در را نوشته دنباله آن در ضلع
 طولانی تر طرف چپ از بالا به پائین و همین طور ادامه داده در ضلع زیر و ضلع سمت
 راست از پائین به بالا نوشته است).

اشعار روی لنگه چپ در خاتم به همان شیوه و همان خط:

بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد
 هم بانک نوحه غلغله درشش جهت فکند
 هرجا که بود آهوئی ازدشت پا کشید
 شد وحشتی که شور قیامت قیام کرد
 هر چند بر تن شهدا چشم کار کرد
 ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان
 بی اختیار نعره هذا حسین از او
 پس با زنان بر کله آن بضعة البتول
 این کشته به هامون فتاده حسین تست
 این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی
 چهار زیلوی بزرگ و سه زیلوی کناره در مسجد بالاسر جدید الاحداث که در
 کتیبه آنها سال ۲۵۳۶ مطابق ۱۳۹۸ و عمل زیلوچیان کاشان مخصوص امامزاده حسن
 علیه السلام و اشاره به این که این فرد زیلوا شش فرد دیگر است بر حاشیه آنها به خط
 معمول روی زیلو نوشته شده است.

امامزاده عبدالله (جی علیا)

به مسافت مختصری دورتر از بقعه امامزاده حسن (ع) در میان درختان و

کشتزارهای باصفای جنوب غربی جی و بفاصله کوتاهی از سمت جنوب شرقی پادگان توپخانه ۱۰۵ بلند جی، بقعه بسیار آباد و دائری است که یکی از مصفا‌ترین و دلچسب‌ترین زیارتگاههای مردم تهران خصوصاً اهالی محلات جدید الاحداث غربی و جنوب غربی شهر می باشد.

این بقعه بنام امامزاده عبدالله خوانده می شود و از خارج و از داخل صورت هشت ضلعی دارد. بر فراز سگویی هشت ضلعی کوتاهی که در اطراف بقعه محوطه آزادی را تشکیل می دهد بنای هشت ضلعی قرار دارد و از طرف بیرون با افزودن هشت طاق نما آن را بزرگ نموده اند.

محوطه هشت ضلعی داخل بنا که هر ضلع آن بالغ بر دو متر است حرم بقعه را تشکیل می دهد و طاق نماهای اضلاع شرقی و شمالی و غربی به ترتیب راهرو مدخل بقعه و مسجد زنانه و اطاق کوچکی متصل به حرم است و طاق نمای جنوبی را برای قهوه خانه و آبدارخانه بقعه تخصیص داده اند که بوسیله دریچه ای بداخل حرم مربوط می شود.

اصل بنا تصور میرود مربوط به قرن هفتم یا هشتم هجری بوده طاق نماهای اطراف حرم و روکاری درون آن را در عهد قاجاریه افزوده و تغییر صورت داده اند. در وسط حرم، ضریح چوبی سبزرنگ جعفری استوار است و در میان آن مرقد را با کاشیهای جدید سفید و ظریف فشاری پوشانیده اند. از اړه حرم نیز با کاشیهای ظریف سفید فشاری نوساز پوشیده شده کف حرم آجر سیمانی موزائیک است و بر روی آنها قالی وقالیچه گسترده اند.

زیارت نامه بقعه، صاحب مرقد را شاهزاده عبدالله بن ابوالفضل العباس معرفی می نماید و شاید بهمین جهت توجه فراوانی از طرف توده زائرین به آنجا شده و رونق و آبادانی مخصوص به این زیارتگاه بخشیده است و درختان کهن سال و فراوان توت و نهر آب و باغچه اطراف بقعه می رساند که این محل از سالیان دراز مورد علاقه و استفاده قاطبه مردم بوده است و اکنون نیز بر اثر موقوف شدن دفن اموات در امامزاده حسن (ع) و متروک ماندن گورستان مجاور امامزاده معصوم (ع) موجبات رونق و آبادی بیشتر بقعه امامزاده عبدالله فراهم گردیده است و با توسعه روز افزون شهر تهران تصور می رود طولی نکشد که این بقعه مصفا هم در میان خانه ها و کوچه های نوساز کنار شهر واقع گردد و مردم برای آسایش روزهای تعطیل و تهیه خوابگاه ابدی کسان خود سراغ محلهای بازهم

دورتری بروند.

لازم به یادآوری است که بقعه مزبور از جاده اسفalte نمودار نیست و باید جاده خاکی کوتاهی را که رو به شمال از جاده اسفalte منشعب می گردد پیمایند و بقعه را در میان درختان زیارت نمایند.

بقعه شیخ عبدالله (طرشت)

قریه بسیار قدیمی طرشت که راه سابق آن از دروازه باغ شاه رو به شمال غربی بود و خیابان مورب شمالی باغ شاه تا برسد به محل معروف سه راه طرشت و دنباله این خیابان مورب در محلات جدید آن ناحیه اثر و خط سیر همان جاده را نشان میدهد اکنون در مغرب محلات شمالی تهران قرار گرفته تا بیمارستان پانصد تختخوابی کمتر از چهار کیلومتر و تا میدان مجسمه^۱ قریب پنج کیلومتر مسافت دارد.

در جاده اسفالتی که از میدان مجسمه بطرف فرودگاه مهرآباد و کرج میرود یک کیلومتر پیش از آن که بطرف فرودگاه مهرآباد (که خود از اراضی طرشت محسوب می شود) پیچ بخورند در سمت راست جاده قریه طرشت دیده می شود و جاده خاکی رو به شمال منشعب گشته به آنجا می رسد.

به فاصله کمی از جاده اسفالت و پیش از آن که به قریه طرشت داخل شوند بقعه آجری ساده و مناسبی بر فرار زمین مختصر مرتفعی جلب نظر می نماید و این بقعه از جاده اسفالت هم به خوبی هویدا و شاخص است.

بقعه مزبور در کمال سادگی با آجرهای بزرگ محکم ساخته شده طاق گنبدی استواری آن را پوشانیده است وضع ساختمانی بقعه نشان می دهد که از آثار ابتدای عصر صفویه و به احتمال قوی مربوط به زمان شاه طهماسب اول می باشد. هیچ کتیبه و سال تاریخی ندارد ولی سنگهای قبر متعدد که ذکر کتیبه های آنها از حوصله این کتاب خارج می شود و مورخ به سالهای ۹۵۴ و ۹۷۱ و ۱۱۲۷ می باشد می رساند که بنای مزبور در عهد شاه طهماسب صفوی وجود داشته است و نظریه فوق را کاملاً تأیید می نماید.

داخل بقعه چهارضلعی در حدود ۶ متر طول و همین اندازه عرض دارد و در وسط آن صورت قبر ساده بلندی بدون هیچ پیرایه که با گچ سفید شده است واقع می باشد و به

قراری که در طرشت اظهار می داشتند شیخ عبدالله مانند مرحوم ابن بابویه از علمای مرجع معروف قرون اولیه اسلام بوده مرقدش در این محل قرار گرفته است.

در مجاورت بقعه مزبور آب انبار بزرگی واقع شده است که از آثار خیر گذشتگان بوده روزهای جمعه و زیارتی که مردم شهر و اطراف به آنجا می روند از آن استفاده می نمایند. آب انبار قدیمی دیگری هم بفاصله کمی بالاتر از بقعه در کنار جاده خاکی که از جاده اسفاله به قریه میرود واقع می باشد و نزدیک آب انبار ذکر شده مسجد بسیار قدیمی و تاریخی وجود دارد و مردم قریه این مسجد را منسوب به زمان حضرت امام حسن مجتبی (ع) می شمارند و لکن بنای فعلی به نظر می رسد مربوط به قرن نهم هجری بوده یا اینکه بجای بنای قدیم تری در حدود نهم ساخته در دوره صفویه نیز آن را مرمت نموده باشند و متأسفانه وضع این بنای تاریخی که برای قریه طرشت کمال اهمیت را دارد — برعکس مسجد هم دوره آن در قریه باستانی دولاب — بصورت بسیار تأسف آوری است و حقاً مردم طرشت اعتم از مالکین اراضی وسیع و پر قیمت آنجا و توده معتقد اهالی آن قریه منتهای غفلت و بی اعتنائی را به این یگانه بنای تاریخی مهم موطن خود کرده اند.

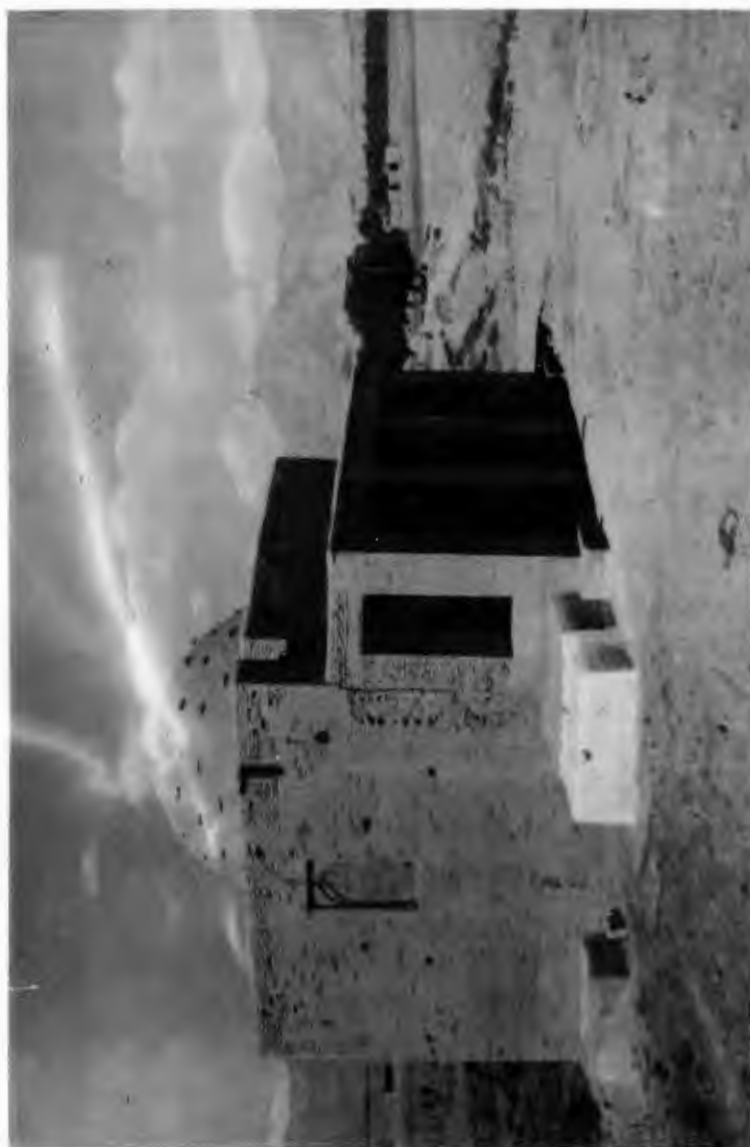
نزدیک مسجد تاریخی مزبور قسمتهائی از دیوارهای بقعه فرو ریخته موسوم به شاهزاده قاسم هست که آن هم از مسجد تاریخی صورت ویرانه تری را دارد و همتی می خواهد تا با اصول صحیح یعنی حفظ بقایای موجود تاریخی به تعمیر و احیاء این هر دو بنا اقدام گردد.

شرح زیارتگاههای قسمت غربی خارج تهران در اینجا به اتمام می رسد و اینک به ذکر بقاع واقع در قراء شمال غربی تهران یعنی ونک، پونک، اوین، درکه، فره زاد می پردازیم.

اینک برای ادامه شرح زیارتگاههای خارج شهر تهران پیش از ذکر آنچه باید از فره زاد نوشته شود اطلاعات مربوط به بقعه و زیارتگاهی را که در قریه پونک واقع است به عرض خوانندگان عزیز می رساند:



نمای امامزاده عبدالله (ع) در جی علیا



بقعه شیخ عبداللہ (طریقت)



ضریح امامزاده عبدالله (ع) در جی علیا



بقعه امامزاده عبدالله (ع) در جی علیا

امامزاده عین علی وزین علی درپونک

به مساحت تقریبی سه کیلومتری مغرب قریه ونک در امتداد رودخانه فره زاد و قریب ۲ کیلومتری جنوب آبادی بسیار قدیمی مزبور قریه پونک واقع شده است که در ملکیت خانواده عبدالحسین میرزای فرمانفرما باقی می باشد.

در این قریه هم مانند قریه ونک باغ وقفی با درختان چنار و آب جاری برای آسایش و توقف زائرین و واردین وجود دارد منتها وسعت باغ و تعداد درختان آن البته کمتر بوده بخلاف باغ ونک چندان توجه و مراقبتی هم از آن نمی شود و در روزهای تعطیل مخصوصاً فصل تابستان خانواده های متعدد و متنوع از شهر تهران به سایه درختان و هوای خنک و کنار جویبار این باغ رومی آورند و ساعاتی را به خوشی می گذرانند و زائرین زیادی هم از قراء مجاور به آنجا می روند.

در جنوب شرقی این باغ وقفی مشرف به رودخانه ای که از فره زاد به پونک می آید بقعه ای بنام امامزاده عین علی وزین علی وجود دارد بقعه مزبور از خارج ۸ ضلعی و از داخل مربع است و از سمت مشرق ایوانی رو به طرف رودخانه جلو بقعه افزوده اند و قرینه آن هم از طرف مغرب مسجدی کوچک تعبیه نموده اند. اصل بقعه هشت ضلعی به نظر می رسد از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار باشد که ایوان و مسجد مذکور بعداً (شاید در عهد ناصرالدین شاه) بر طرفین آن الحاق گردیده است. داخل بقعه که مشتمل بر حرم چهار ضلعی است به طول و عرض تقریبی هر کدام چهار متر بوده ضریح چهار ضلعی چوبی مشبک خوبی به طرز موسوم به جعفری دارد و بالای ضریح را نیز به صورت هرم مربع القاعده بطرز چهار دیوار ضریح آلت سازی نموده اند. در میان ضریح دو صورت قبر ساده کمی مرتفع قرار گرفته است.

زیارتنامه بقعه دو صاحب مرقد را ابنی. علی بن الحسین معرفی می نماید. تا دو سال ونیم پیش وضع بقعه خوب نبود دو سال ونیم قبل داخل آن را تعمیر کرده درون حرم را به رنگ و روغن مناسب نقاشی نموده ضریح را روغن کرچک زده اند و کف حرم را

با موزائیکهای سیمانی پوشانده‌اند و بجای زیارتنامه‌های مندرس سابق و نقوش چاپی پاره اوراق اشکال مذهبی تمیز و نظیف با زیارتنامه‌های خوبی در آن گذارده‌اند. در کتاب المآثر و الآثار تألیف اعتماد السلطنه در صفحه ۶۹ ذکر بقعه دیگری بنام عین علی وزین علی هست که در آذربایگان واقع گشته و در سال ۱۲۸۱ هجری بدست عزیزخان سردار کل بنا گردیده است.

بقعه علی بن محمد ملقب به قاضی صابر (ونک)

قریه ونک در فاصله یک فرسنگی شمال غربی تهران از قدیم‌ترین قراء شهر ری بوده نام آن در کتب قدیم دیده می‌شود.^۱ جاده آن سابقاً از طریق یوسف‌آباد بود و اکنون از جاده شمیران پس از آن که از تپه و ساختمانهای یوسف‌آباد و کافه معروف به آبشار بگذرند و چند کیلومتر بالاتر روند جاده خاکی فرعی از دست چپ جدا شده بسمت مغرب می‌رود و به مسافتی نسبتاً کوتاه به ونک می‌رسد.

باغ وقفی میرزا یوسف مستوفی الممالک صدر اعظم معروف ناصرالدین شاه در ونک مشهور است این باغ وسیع و مشجر درختان چنار فراوان که اغلب مانند هفت چنار — که در صفحات گذشته ذکر شد — هر چند عدد آنها از تنه و ریشه درخت چناری کهن سر بر آورده است و درختان توت متعدد و سایر اشجار متعدد میوه‌دار و سایه‌دار خود همیشه یکی از بهترین محلّهای آسایش مردم تهران بوده و هست و تا هنگامی که راه احدائی میرزا یوسف مستوفی الممالک از شهر به ونک مورد استفاده زائرین امامزاده داود (ع) و مسافرین فره‌زاد بود طبقه متدین و کاسب کار تهران در باغ مزبور شبها و روزها توقف و از نیت خیر واقف بنحوا حسن استفاده می نمودند و اکنون که اتوبوسهای فره‌زاد و راه زوار امامزاده داود از ونک نیست باغ مزبور بیشتر مورد استفاده زنان و فرزندان و کسان افسران کارخانه شماره ۵ که در ونک قرار دارد بوده خانواده‌های متجدد در کنار خانواده‌های مقید و محدود در روزهای گرم تابستان و مخصوصاً ایام تعطیل از فضا و صفای این باغ استفاده می نمایند.

در داخل باغ وقفی مزبور حیاط محصور با کتیبه‌های بسیار مفصل و عالی از سنگ مرمر و آثار هنری شیوا وجود دارد که مدفن میرزا یوسف مستوفی الممالک و فرزندش حسن مستوفی و دیگر اعضای خاندان مستوفی در اطاقهای جنوبی این حیاط

واقع می باشد و شرح آثار و نوشته های این بنا از موضوع مقالات ما خارج بوده در چاپ رساله جداگانه که انجمن محترم آثار ملی از مجموع این مقالات با اطلاعات و تحقیقات و توضیحات بیشتر خواسته اند نگارنده امیدوار است توفیق حاصل نماید شرح این قسمت را آن طور که مناسب باشد به عرض خوانندگان علاقه مند عزیز برساند.

در وسط ضلع جنوبی باغ کنار خیابان باریک قدیمی شرقی و غربی قریه ونک بقعه آباد و زیبایی وجود دارد که هنگام آباد نمودن باغ و احداث ساختمانهای آنجا بوسیله میرزا یوسف مستوفی ساخته شده است و چون وی شخص هنر دوست و دانش پروری بوده نوشته های بسیار مفید و قابل توجهی بر روی سنگ مرمر مرقد امامزاده مرقوم رفته است که در سطور آینده مذکور می گردد.

وضع بقعه از خارج بنائی است هشت ضلعی که مدخل آن در ضلع جنوبی بقعه بوسیله دهلیزی کوچک و چهارگوش به خیابان خارج باغ وقفی ونک مربوط می گردد و از دهلیز مزبور دری هم بداخل باغ باز می شود. داخل بقعه بصورت حرم هشت ضلعی شیوائی است که به استثناء دو ضلع طرفین مدخل حرم، شش ضلع دیگر آن شاه نشین های متناسبی دارد. حرم و شاه نشین ها مفروش و بصورت آبرومندی نگهداری میشود ضریح چوبی به سبک معروف به جعفری به طول $2/20$ متر و عرض $1/78$ متر و ارتفاع $1/83$ متر در وسط حرم قرار دارد. داخل ضریح سنگ مرقدی از مرمر به طول $1/48$ متر و عرض $1/06$ متر و ارتفاع $0/67$ متر ترتیب داده اند که یکی از نمونه های خوب هنر و صنعت حجاری زمان ناصرالدین شاه به شمار میرود و بر سطح فوقانی آن اشعار و کتیبه هائی به شرح ذیل مرقوم رفته است:

«طوبی من اصبر بقضاء الله. این مرقد منور و تربت مطهر امامزاده ذوالمفاخر حضرت ابوالقاسم علی بن محمد معروف بقاضی صابر است که ده واسطه نسبت وی منتهی به حضرت علی بن الحسین علیه السلام می شود و سال هشتصد و کسری است این در مکنون در زاویه قریه ونک مدفون است الآن که جناب جلالت مآب اجل افخم اکرم آقا دام اقباله (یعنی میرزا یوسف مستوفی) متصرف این حدود می باشند بعد از بنای این بقعه رفیعه مقرر فرمودند این بر سطور (بر در اینجا زائد بنظر می رسد) بر لوح صفحه این مزار فیض منظور مرقوم گردد».

پس از شرح فوق دو بیت زیر و نام حجار به خط نستعلیق برجسته چنین مرقوم رفته است:

«پرسید کسی چه می رسد در خاطر تاریخ و بنا و نصب لوح زاهر
این بنده شرمنده محمد باقر گفتم که امامزاده قاضی صابر
عمل استاد عبدالرسول حجار یزدی اصل طهرانی المسکن».

از کلمات امامزاده قاضی صابر که ماده تاریخ بنا است رقم ۱۳۰۳ بدست می آید. نسب امامزاده که روی سنگ مرقد به شرح سابق الذکر مرقوم گشته است در زیارت نامه یک جا علی بن محمد المکنی بابی القاسم و الملقب بالقاضی صابر والمعروف بالسید السند التسابه معرفی شده در جای دیگر یا علی بن الحسین الاصغر ابن الامام علی بن الحسین زین العابدین ذکر گردیده است. ده بیت زیر هم به خط نستعلیق برجسته بر حاشیه سطح فوقانی سنگ نوشته شده است:

خورشید سپهر از زمین پیدا شد	در باغ ونک خلدبرین پیدا شد
یک نافه مشک عنبرین پیدا شد	گوئی که زناف آهوی خطه خاک
تابنده یکی در ثمین پیدا شد	بنگر که زدریای درخشنده نور
از باطن اولیای دین پیدا شد	این قبه و این روضه و این صحن شریف
زین جنت موجوده یقین پیدا شد	آن را که بد از جنت موعود گمان
صد شکر که یک خدای بین پیدا شد	در عهد خداوند عجم ناصر دین
این قرن برای وی قرین پیدا شد	صد قرن گذشته از او یس قرنی
در خلدبرین ماء معین پیدا شد	از همت عالی جناب آقا
با تعمیه نظر چنین پیدا شد	تاریخ بنای این مزار عالی
فرزند امام چارمین پیدا شد ^۱	یعنی که امامزاده قاضی صابر

امامزاده ابوطالب (فره زاد)

به مسافت چند صد متری مشرق امامزاده معصوم صالح در پای کوهستان شمال شرقی قریه فره زاد درخت چنار کهن سالی دور از باغ و آبادی واقع شده است که قنات کوچکی در پائین آن ظاهر می شود و به استخر آب بسیار زیبائی می ریزد و بسیاری

۱- قسمتی از مقاله ای است که در اطلاعات ماهانه شماره ۵۷ آذرماه ۱۳۳۱ چاپ شده است.

مردم به این درخت چنار حرمت فراوان می گذارند.

امامزاده و زیارتگاه دیگری هم در منتهی الیه شمالی فره زاد آنجا که جاده فره زاد بطرف یمنه زار و امامزاده داود می رود بر فراز تپه طرف دست راست جاده در میان انبوه درختان و باغ با نزهتی جلب نظر می نماید. این زیارتگاه بنام امامزاده ابوطالب خوانده می شود و ساختمان آن شباهت زیادی به امامزاده عزیز اوین دارد. بنای اصلی آن شامل حرم مستطیلی به طول شرقی و غربی کمی بیش از چهار متر و عرض قریب سه متر و نیم است که از سنگ ساخته اند و دو اطاق کوچک باریک در طرفین مشرق و مغرب آن بانمای آجری ساده افزوده ایوان عریضی هم در سمت جنوب یا مدخل بقعه اضافه نموده اند. اصل بقعه به نظر می رسد قدیم تر از زمان صفویه باشد. اطاقهای کوچک و نمای آجری ساده بقعه تصور می رود در زمان فتحعلی شاه یا محمد شاه قاجار الحاق گردیده ایوان هم به نظر می رسد از آثار زمان ناصرالدین شاه باشد.

ضریح زیبایی به سبک خانه مربع خراطی به طول ۲/۱۹ متر و عرض ۱/۵۸ متر و ارتفاع ۱/۶۲ متر در وسط حرم کوچک بقعه هست که اگر بی سلیقه بخرج نداده و رنگ سبز نکرده بودند مانند ضریح امامزاده ابوالحسن (شهری) بسیار جالب توجه تر بود. در میان ضریح صندوق ساده با تخته های محکم ساخته اند که نوشته و اثری ندارد. نام صاحب مرقد در زیارتنامه ابوطالب بن فضل بن زید بن علی بن الحسین ذکر گردیده است.

آبادانی این بقعه و اشجار فراوان و آب جاری آن نتیجه همت متولی سابق آن که پیر مردی بنام کربلائی تقی بود می باشد و اکنون برادر زاده آن مرحوم بنام زینب خانم مراقبت و خدمت بقعه را می کند. مردم عوام این بقعه را امامزاده دنبه! هم می خوانند و علت آن را چربی درخت کهن سالی که نزدیک امامزاده مزبور واقع بوده است می شناسند.

* * *

شرح زیارتگاههای خارج شهر تهران که از پس قلعه شروع و به ترتیب حرکت عقربه ساعت در اطراف تهران ادامه داده شد و به فره زاد رسید در اینجا خاتمه می یابد و چون زیارتگاه بسیار مشهور و مورد توجه قاطبه اهالی تهران یعنی امامزاده داود بیش از تمام امامزاده های داخل و خارج شهر تهران — به استثنای آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام — طرف علاقه و محل عرض نیاز ساکنین پایتخت و مردم نقاط دور و نزدیک

دیگر می باشد لذا اینک از فرزند — مانند عموم زائرین بقعه متبرک امامزاده داود — رهسپار آن مکان متبرک شده به شرح این زیارتگاه کوهستانی مهم تهران می پردازیم.

امامزاده داود (از توابع قصبه کن)

از فرزند تا امامزاده داود قریب ۱۵ کیلومتر مسافت است که زوار آن را پیاده یا بوسیله چارپایان طی می کنند و در فصل تابستان بخصوص شبها و روزهای جمعه و ایام متبرک قافله های سواره و پیاده زوار در طول این راه نمودار بسیار جالب توجهی از وضع اجتماعی توده مردم پایتخت و مردم دور و نزدیک می باشد و قهوه خانه و استراحت گاه معروف ینجه زار در بین راه محل توقف و تجدید قوای گروه زوار و سواره و پیاده امامزاده داود (ع) است.

جاده بین فرزند و ینجه زار بطور کلی شامل سه قسمت است: اول سر بالائی تندی که به محض خروج از انتهای شمالی فرزند قرار دارد و زوار تازه نفس پیاده در وهله اول با طی این قسمت راه خسته کننده آماده درک چگونگی اشکالات راه پیمائی تا بقعه نامبرده می شوند. پس از اتمام سر بالائی به دره عریض بی آب و درختی می رسند که در حدود سه کیلومتر طول آن است و تخته سنگ عظیمی به حجم قریب ۳۰ متر مکعب در کنار جاده در اواسط راه دیده می شود و توده مردم بر سبیل مزاح و طعنه آن را سنگ نیم مثقالی می خوانند.

قسمت سوم از محلی است که دره عریض مزبور متدرجاً تنگ می شود و به دره با آب و درختی می رسد که طول آن هم چند کیلومتر است و جاده چندین بار از دامنه طرف راست دره به سمت چپ و بالعکس تغییر محل می دهد تا این که در دره فرعی سمت راست جاده به قهوه خانه ینجه زار می رسد و تقریباً عموم زوار بدون استثناء در این قهوه خانه با صرف چای و غیره نفسی تازه نموده خود را آماده طی جاده کوهستانی از ینجه زار به امامزاده داود (ع) می نمایند.^۱

پس از خروج از ینجه زار هم تا مسافتی قریب یک کیلومتر جاده صاف نزدیک درختان در دامنه کوهستان کنار رودخانه قرار دارد و پس از آن قسمت معروف به «گُتل خاکی» شروع می شود که صعب ترین و خسته کننده ترین قسمت راه به شمار می رود.

۱- در انتهای دره ینجه زار از گردنه بلند و صعب العبوری می گذرد و طرف دیگر آن دره فرعی است که آبشار مرورید بالای دره در آن واقع می باشد و چوپانان و کوه پیمایان و همچنین نظامیانی که در اوین به اردو می آیند از این گردنه می گذرند.

جوانان و مردمی که هوی و هوس و نیروی جوانی در خود سراغ دارند در حین بالا رفتن یا پائین آمدن این قسمت کوهستانی راههای میان‌بُر را انتخاب می‌نمایند و با این هنرنمایی جاهلانه اگر هم کم و بیش عرض خود نبرند با گرد و غبار و ناراحت ساختن زوَار دیگر زحمت ایشان را روا می‌دارند. در وسط درّهٔ باریک میان راه کتل خاکی چند درخت بید کهن سال و چشمه‌سار کوچکی است که محلّ بسیار مناسب جهت رفع خستگی و استراحت زوَار می‌باشد و به همین جهت هم قهوه‌خانه‌ای در پناه درختان ترتیب داده‌اند. پس از صعود به گردنه بالای کتل خاکی در آن طرف کوهستان یعنی در جانب جنوب غربی در پائین درّه درختان قریهٔ «کیگاه» دیده می‌شود و با ادامهٔ جاده در دامنهٔ کوهستان پس از آن که چند کیلومتر دیگر به سمت مغرب و شمال پیچ و خمهای متعدّد و متنوّع و در چندین محلّ قسمتهای دشوار موسوم به نعل شکن را بپیمایند کمی بالاتر از آبشاری که در پائین درّه دیده می‌شود به محوطهٔ امامزاده داود (ع) می‌رسند.

در سالهای پیش بقعهٔ امامزاده داود (ع) عبارت از ساختمانهای سنگی مشتمل بر صحن و طاق‌نماهایی کم عمق در اطراف بود که حرم و ایوانهای کوچک هم در سمت جنوب صحن قرار داشت و تنها گنبد بقعهٔ آن از شیروانی سبز رنگ بود و بقیهٔ بامها را با کاه گل پوشانیده بودند و تا ابتدای سلطنت رضا شاه وضع سابق چندان تغییری نیافته بود و در اوائل پادشاهی وی متدرجاً طاق‌نماهای سنگی اطراف صحن تبدیل به اطاقهای یک طبقه یا دو طبقه شد که با نمای آجر و پوشش شیروانی ساخته‌اند و کلیهٔ بامهای اطراف حرم را از شیروانی پوشانیدند و در طرفین درّه قسمت شمالی بقعه نیز حیاطها و اطاقهای فراوان با ساختمانهای مورد احتیاج زوَار احداث نموده‌اند و اکنون در فصل تابستان هنگام شب محلّ مزبور در اثر موتور برق و چراغهای توری زنبوری و غیره از دور منظرهٔ دلکشی دارد و اشخاص خیر موجبات آبادانی زیاد این زیارتگاه موسمی بسیار مهمّ تهران را فراهم ساخته‌اند. چیزی که هست وضع عمومی و اجتماعی جاده و زائرین بقعه نمودار کامل اوضاع اجتماعی پیش از سلطنت رضا شاه را نشان می‌دهد.

صحبت در این باره به درازا کشید ولی نگارنده وظیفهٔ خود دانست در این مورد به فرض این که از موضوع اصلی کتاب هم خارج باشد نکات فوق را معروض دارد زیرا علاوه بر جنبهٔ مذهبی و لزوم احترام اماکن متبرک اساساً آیا انجام فرائض دینی و عمل به مسائل مذهبی در درجهٔ اول غیر از خدمت خلق چیز دیگری هم می‌تواند باشد؟ و آیا رضای خالق در این است که یکی از امکانهٔ مذهبی مهمّ مردم تهران موجب تهدید

بهداشت زوّار و تباهی مردم باشد؟ یقیناً نه. بنابراین از آنچه گذشت تصوّر می‌رود خوانندگان عزیز به این بنده حق دهند که تا حد مناسبی از این وظیفهٔ اولیهٔ خویش غافل نمانم. اینک به شرح نوشته‌های موجود و اطلاعات مربوط به بقعهٔ امامزاده داود (ع) می‌پردازیم:

در محلی که طرفین شرقی و غربی درّه به یکدیگر نزدیک می‌شود بالاتر از آبشار کوچکی از درّهٔ کیگا، از زمان قدیم بقعهٔ امامزاده داود (ع) ساخته شده است. درختان بید بسیار کهن چندی که در صحن امامزاده داود (ع) وجود دارد و از بعضی آنها قسمت بیشتر و از برخی دیگر آثار کمتری باقی مانده است می‌رساند که بقعهٔ قدیمی این زیارتگاه پیشتر از زمان صفویه بنا گردیده است و آنچه در بنای فعلی می‌توان تشخیص داد و اظهار نظر نمود این است که حرم هشت ضلعی کنونی را به طول شرقی و غربی ۶ متر و عرض تقریبی ۵ متر با سرداب زیر آن در زمان فتحعلی شاه قاجار بجای بنای قدیم که یقیناً برج سادهٔ سنگی بی‌پیرایه بیش نبوده است ساخته‌اند یا این که بنای قدیم را با بعضی حگ و اصلاحات و تغییرات به وضع فعلی در آورده و در طرفین شرق و غرب حرم نیز اتاقهای کوچک را که مسجد زنانه و مردانهٔ کنونی باشد باطاق نماهای سنگی ساده رو به صحن و ایوانی در سمت جنوب ترتیب داده‌اند. نوشته‌های روی در اصلی ورود به حرم که سمت شمال آن قرار دارد مشتمل بر هشت بیت شعر می‌باشد که به خط نستعلیق به طور برجسته مرقوم گردیده و مطلع آن این است:

حبّذا زین در که براین منظر است جبرئیلش خاک روب اشهر است
نام فتحعلی شاه و ماده تاریخی هم در این ابیات هست که نگارنده بر اثر عبور
دائم زوّار و ریختگی قسمتهائی از خطوط موفق به خواندن اشعار مزبور نشد و امیدوار
است در فرصت مناسب دیگر به رفع این نقیصه توفیق حاصل نماید.

در دیگری هم از حرم به طرف مشرق به مسجد زنانه باز می‌شود که دارای
کتیبه‌هائی به خط نستعلیق بوده است که به رنگ اکلیل طلائی بر زمینهٔ قهوه‌رنگ که
در آن نقاشی نموده‌اند و شامل نام الله با پنج تن است و تاریخ ۱۲۴۰ (رقم صفر در آن
حذف شده است) نیز در طرف بالای لنگهٔ راست در دیده می‌شود.

بنابر اظهار متولی بقعه در دو سال اخیر طومارها و وقف‌نامه‌هائی بدست آمده
است که مربوط به زمان شاه طهماسب اول صفوی و فرزند او حیدر میرزا می‌باشد و

می‌رساند که این شهریار و فرزند مقتولش املاک و دهاتی را از الله قلی خان قزوینی خریداری و وقف امامزاده داود (ع) کرده‌اند بنابراین بطوری که قبلاً ذکر شد بنای قدیمی بقعه پیش از صفویه وجود داشته است ولی در حال حاضر قدیم‌تر از زمان فتحعلی شاه اثری در این بنا بنظر نمی‌رسد.

در بالای دریا طاق نمایا دهلیزی که از سمت شمال به در اصلی حرم می‌رسد لوحه سنگی‌ئی نصب نموده‌اند که نوشته زیر در پنج سطر به خط نستعلیق برجسته روی آن مرقوم رفته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم در عهد پادشاه
جم جاه اسلام پناه السلطان ابن السلطان
ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه بانی بقعه
متبرکه معظمه نواب علیه شاهزاده حاجیه متعلقه
نواب نصرة الدوله صبیئه مرحوم بهاء الدوله و الدة
نواب عمیدالدوله التماس دعا از زائرین و
مجاورین دارد فی شهر جمادی الاولی سنه
۱۲۸۳».

به شرحی که سابقاً ذکر شد درهای شمالی و شرقی حرم هر دو مربوط به زمان فتحعلی شاه است بنابراین آنچه شاهزاده حاجیه خانم بانی شده‌اند تصور نزدیک به یقین است صحن با طاق نماهای سنگی سابق بقعه متبرک امامزاده داود (ع) باشد که در سالهای اخیر تغییر صورت یافته و بصورتی که در ابتدای شرح بقعه گذشت در آمده است.

با مختصر دقتی در طاق نماها یا دهلیزهای جنوبی صحن که مدخل حرم بوده در پشت ایوان کفش کن قرار دارد به خوبی معلوم است که ردیف طاق نمای سنگی اطراف صحن سابق امامزاده داود در سمت حرم نیز ایجاد گشته در جلوی مدخل و طاق نمای ورودی بقعه افزوده شده بوده است و ارتفاع طاق ضربی طاق نماها و دهلیزهای متصل به بقعه کوتاهتر از ارتفاع ردیف طاق نمائاتی است که بعداً جلو آن افزوده‌اند و همین ردیف طاق نمای اخیر الذکر که در تمام اطراف صحن قرار داشته مربوط به سال ۱۲۸۳ می‌شود که بانی آنها شاهزاده حاجیه خانم بوده . در لوحه سنگی سابق الذکر نام پدر و شوهر و پسر شاهزاده خانم ذکر گردیده است.

و اینک اطلاعاتی مزید بر اطلاعات مزبور در باره این بانوی خیره و اولاد و احفاد او که به نظر مفید می آید به عرض خوانندگان گرامی می رسد:

نام بانوی مزبور «هما» و علاوه بر صحن و غرفه های سابق امامزاده داود ابنیه خیره دیگری هم بجا گذاشته است چنانکه مدرسه و مسجد شاهزاده خانم در محله سنگلج تهران (کوچه وزیر دفتر) نیز از آثار مشارالیه می باشد که وقف نامه آن در سال ۱۲۹۷ مرقوم رفته است. شاهزاده بهاء الدوله پدر این خانم یکی از دویسر فتحعلی شاه از بطن خانم خازن الدوله بوده است (پسر دیگر ثمره این ازدواج شاهزاده سیف الله میرزا جد اعلای خاندان جهانبانی می باشد). شاهزاده فیروز میرزای نصرت الدوله شوهر بانوی نامبرده فرزند عباس میرزای ولیعهد یعنی نوه فتحعلی شاه قاجار بوده و قبلاً سالار لشکر لقب داشته بعداً لقب فرمانفرما یافته است. عبدالحسین میرزای فرمانفرما هم که ابتدا لقب نصرة الدوله به او داده بودند پسر همین خانم بوده القاب نصرة الدوله و سالار لشکر را به دو نفر از پسران او داده اند.

حاجیه هما خانم دو دختر از این شوهر داشته است که یکی از ایشان حضرت علیا همسر مظفرالدین شاه و مادر خانم فخرالدوله و شاهزاده ناصرالدین میرزا و دوی بانوی دیگر بوده دیگری خانم نجم السلطنه بانیه بیمارستان نجمیه و مادر جناب آقای دکتر محمد مصدق است که منشأ خیرات شدن را از مادر خود به ارث برده بود^۱ و دختر سوم ماه سما خانم نام داشت که وی نیز از بانوان محترمه و مجلله همین خاندان به شمار می رفت.

از این که کمی از موضوع امامزاده داود خارج شده به شرح اولاد و انساب بازماندگان بانیه صحن بقعه مزبور پرداخت معذرت می طلبد ولی ذکر نام نیک و کار

۱- بیمارستان نجمیه در سال ۱۳۰۶ از موقوفات خانم نجم السلطنه ساخته شده و مستغلات متعددی در شهر تهران ایجاد گردید که روی لوحه های کاشی موقوفه بیمارستان نجمیه نوشته بر آنها نصب نمودند و در نقاط مختلف شهر موجود است و تولیت این بیمارستان بمعهده فرزند برومند آن مرحومه یعنی جناب آقای دکتر محمد مصدق گذارده شد و آقای دکتر غلامحسین مصدق فرزند جناب معظم الیه ریاست این بیمارستان را بر عهده دارند و اعضای دیگری از این خاندان هم به سمتهای دیگر به خدمت نوع در این مؤسسه مفید مشغول می باشند. خانم جباره پرخیده از صباای فرمانفرما عکس شاهزاده حاجیه هما خانم را به اختیار این بنده گذاردند که موجب نهایت سپاسگزاری است. سر کار سروان رضاقلی میرزا جهانسوز از نوادگان شاهزاده بهاء الدوله یادداشت های مربوط به نسب خانوادگی خود را که با کمال دقت تهیه کرده اند به این بنده نیز مرحمت داشتند که برخی اطلاعات بالا از آن اقتباس گردیده و موجب کمال تشکر و امتنان نگارنده را فراهم ساخته است.

نیکوی مردم خیر در هر حال و بهر مناسبتی که بتوان عنوان نمود بجا و جایز می باشد و اینک به موضوع اصلی مورد بحث باز می گردیم.

بنابر آنچه گذشت در زمان فتحعلی شاه قاجار بقعه امامزاده داود را با طاق نماها و دو اطاق مسجد کوچک متصل به آن ساخته اند و صحن بقعه یا اصلاً وجود نداشته و یا دیوار سنگی ساده ای بیش نبوده است و نگارنده نتوانستم مدرکی برای چگونگی صحن بیش از آنچه شاهزاده حاجیه هما خانم ایجاد نموده است تحصیل نمایم.

نسب حضرت امامزاده داود (ع) از روی لوحه اذن دخول و زیارت نامه بقعه داود بن عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن امام زین العابدین (ع) ذکر شده است.

در وسط حرم ضریح آلت سازی به سبک معروف جعفری به رنگ ساده چوب قرار دارد که طول آن تقریباً ۲/۵ و عرض آن قریب ۱/۳۰ متر می باشد. در گوشه شمال شرقی حرم از کف زمین در یچه پنجره آهنی به طرف سرداب باز می شود که بوسیله چند پله باریک از آن پائین می روند و مرقد امامزاده را در وسط سرداب زیارت می نمایند و این قسمت در تمام زیارتگاههای داخل و خارج شهر تهران منحصر به بقعه امامزاده داود (ع) است که از درون حرم داخل سرداب بشوند.

عده زوار امامزاده داود (ع) به شرحی که قبلاً نیز اشاره نمود بسیار فراوان است و روی هم رفته باید گفت که بقعه امامزاده داود (ع) بیش از جنبه تاریخی از نظر اجتماعی و معتقدات مردم متدین ایران قابل توجه و شایسته بررسی می باشد و هیچ زیارتگاهی به اندازه این بقعه برای مطالعه عادات و سنن خوب ملی و مذهبی مناسب و مستعد نیست. قربانیهای زیاد، نذورات فرش و سماور و چراغ و ظروف مس فراوان که انبارهای متعدد از این ظروف انباشته شده است عقیده این که هر کس این نذورات را که به رایگان در محوطه امامزاده داود و تمام خانه های زواری در اختیار زنان و مردان صاحب خانه و عموم زوار قرار می گیرد بخواهد از محوطه امامزاده داود خارج نماید مبتلا به بیماریهای مختلف شده ناچار به استرداد امانتی خواهد بود. مراسم تعزیه و شبیه خوانی در ساعات مختلف در خارج بقعه دسته های زوار و سینه زن که روزها و شبهای تابستان مخصوصاً ایام و لیالی متبرک بصورت اجتماع با بیرق و کتل و چراغهای زنبوری به آنجا می آیند و از مسافت زیاد که گنبد را در جاده کوهستانی می بینند نیایش نموده مراسم مذهبی را بجای می آورند. قطعه نخ یا کناره پارچه سبزرنگ که برای بستن دخیل در مقابل پرداخت مبلغی از شخصی که روی صندوق در داخل ضریح به فروختن و

افروختن شمع مشغول است می گیرند، شمایل رنگی ائمه در نقاط مختلف جاده که به زوار ارائه و تقاضای نیاز می شود عقیده به این که علت پیچیدگی چشم مردم کیگا اشاره دزدکی است که با چشم، محلّ امامزاده داود (ع) را به دشمنان نشان داده اند و بسیاری نکات دیگر را در ضمن زیارت رفتن به امامزاده داود (ع) می توان مشاهده و درک نمود و بدیهی است که بسیاری نقاط ضعف توده زائرین و اجتماعی که به آنجا می آیند نیز در خلال این اوضاع مشهود می باشد.

در خاتمه شرح این بقعه بی مورد نمیداند یادآورد شود که چه قدر خوب بود از کسانی که می خواهند سماور یا ظروف مسی و غیره نذر این بقعه متبرک نمایند بانیان خیری پیدا شوند که مخارج سفیدگری هر میزان از این ظروف را که بتوانند پردازند بر عهده بگیرند یا یک نفر سفیدگر را اجیر نموده به امامزاده داود ببرند و ظروف مورد استفاده عموم را سفید کنند و همچنین انبارهای مس زائد بر مصرف بقعه با رعایت موازین شرعی فروخته شده عایدی آن صرف ساختمان قربانگاهی با اصول بهداشتی و لوله کشی کامل تر از آنچه فعلاً هست برای زوار بشود و یقیناً قیمت موجودی ظروف و اثاثیه زائد بقعه از مخارج این اصلاحات بیشتر است تا همت متصدیان و بانیان خیر چه کند.

شرح این بقعه بدرازا کشید ولی با اهمیت زیاد این زیارتگاه در نظر قاطبه مردم تهران و بسیاری از مردم خارج تهران تطویل کلام را روا دانسته تصدیع خاطر خوانندگان عزیز را فراهم داشت.

درّه امامزاده داود را چون بطرف بالا دنبال نمایند پس از طی سربالائی تند به قسمت معروف به هزارچم یا هزار دره می رسند که یکی از جاده های شهرستانک است و پس از خاتمه هزارچم به سرازیری تند و طولانی معروف به لست رسیده از آنجا وارد قریه ییلاقی شهرستانک در دل کوهستان البرز می شوند و نیز از همان درّه امامزاده داود به قلّه توچال و محوطه معروف به چمن مخملی صعود می نمایند و می توان بالای توچال درختان سبز درّه های مختلف اطراف توچال (شهرستانک، شکرآب و آهار، پس قلعه شمیران، درکه، امامزاده داود) را در جهات مختلف مشاهده نمود و بهر کدام بخواهند پائین می روند وجاده هایی که در زمان ناصرالدین شاه از شهر تهران به شهرستانک و از آنجا به مازندران کشیده شده است در همان حدود مشاهده و مورد استفاده واقع می شود.

در درّه های مجاور امامزاده داود در سمت مغرب و جنوب غربی آن یعنی در

آبادیهای «رندان» و «سنگان» بقعه‌هایی بنام امامزاده عمادالدین — پدر امامزاده داود — و امامزاده علاءالدین و امامزاده قاسم و امامزاده عقیل — برادران امامزاده داود — وجود دارد که البته زیارتگاه مردم دهات مجاور است و زوآر شهری به ندرت از آنها اطلاع دارند.

در صورتی که از دره امامزاده داود بطرف پائین در دنبال رودخانه سرازیر شوند پس از مسافت بیش از یک کیلومتر به قریه کیگا می‌رسند. از کیگا که پائین‌تر روند در حدود سه کیلومتر مسافت به سولقان و قریب همین مسافت بعد از سولقان به قصبه معروف و مهم کن می‌رسند که در دهانه دره واقع گشته است و مشرف به قسمتهای غربی جلگه تهران می‌باشد و تا شهر در حدود سه فرسنگ مسافت دارد. ناگفته نماند که مسافت تهران به امامزاده داود از جاده فرحزاد و ینبه‌زار و کتل خاکی جمعاً در حدود چهار فرسنگ می‌باشد. محوطه امامزاده داود (ع) و آبادی فره‌زاد و نواحی بین این دو محل و حول و حوش آنها تابع بخشداری کن است.



نمای خارجی امامزاده داود



نمای خارجی امامزاده داود



امامزاده داود



حسینیة امامزاده داود

امامزاده مطیب (اوین)

بفاصله قریب سه کیلومتری شمال ونک، قریه اوین در پای کوهستان و در دهانه دره بسیار با طراوت درکه واقع می باشد. در قریه مزبور دوز یارتگاه وجود دارد یکی در ابتدای قریه هنگامی که از تجریش به آنجا می رسند و به قهوه خانه و دکانهای واقع در سرآسیاب که حاده سرازیر رو به ونک و فره زاد نیز از همانجا رو به جنوب منشعب می گردد در دامن تپه به مسافت بسیار کم پشت تکیه اوین واقع گشته است. این امامزاده به نام امزاده مطیب (بر وزن موحد) بوده بقعه بسیار ساده و فقیری دارد و به ندرت اشخاص به زیارت آن می روند.

بقعه مزبور اطاق سنگی ساده مستطیلی است بطول شرقی و غربی قریب ۸ متر و عرض ۴ متر با ایوانی در مدخل آن که رو به مشرق باز می شود. ضریح ساده بدون رنگ به سبک جعفری بطول قریب ۲ متر و عرض $1/20$ متر و ارتفاع $1/75$ متر در وسط بقعه قرار گرفته مرقدی از گچ بدون هیچ نوع تزئین به ارتفاع ۸۶ سانتی متر در داخل ضریح است.

نسب صاحب مرقد در زیارت نامه مطیب بن زید بن محسن بن موسی الکاظم (ع) ذکر گشته است سقف بقعه نیز بصورت اطاقی روستائی با تیر پوشیده شده کف آن هم از پاره ای حصیر فرش است دری به عرض $1/30$ متر و ارتفاع $1/96$ متر رو به قبله دارد که اکنون اسکلت آن بر جا مانده است ولی در روزگار آبادانی شاهکار به تمام معنی خاتم سازی توأم با آئینه کاری بوده قسمتهای موسوم به ننکه یعنی فضای واقع در وسط با گوه های این در را مشبک کاری بسیار ظریف بر روی آئینه ساخته بودند که بقایای آن اکنون مشهود است و بسیار مورد دارد استادان هنرمند خاتم سازی آثار موجود

۱- از وجود این امامزاده اطلاعی در دست نبود هنگامی که نگارنده در حرم امامزاده قاضی صابر در ونک مشغول استنساخ نوشته های روی مرقد و یادداشتهای لازم بود بانوی مجلله و با سوادى از اهالی اوین که مشغول زیارت بود وجود بقعه فوق را با ذکر اصل و نسب آن به این بنده تذکر داد.

در مزبور را از نزدیک ملاحظه و این شاهکار خاتم سازی سابق را مشاهده فرمایند خصوصاً که دیری نخواهد پائید بقایای موجود آن هم از میان می رود مگر این که بانی خیری همت به تعمیر دقیق آن بگمارد.

غیر از در مندرس مزبور هیچ چیز قابل ذکری از لحاظ تاریخ و صنعت در بقعه امامزاده مطیب دیده نمی شود و چه خوب بود حقیقه صاحبان باغ و متمکنین اوین فکری به حال این زیارتگاه پشت گوش خود می فرمودند یا لاقلاً کسبه و مردم خرده پای قریه که مانند سایر نقاط قطعاً بیش از متمکنین به این امور اعتقاد و دلبستگی نشان می دهند سرو صورتی به این بقعه بدهند.^۱

امامزاده عزیز (اوین)

در دامنه کوهستان شمال شرقی اوین آنجا که باغها و خانه های انتهای شمالی قریه مزبور به باغها و خانه های انتهای جنوبی قریه در که می رسد بر فراز تپه مشرف به باغستانهای هر دو قریه بقعه و زیارتگاه خوش منظر و زیبایی به نام امامزاده عزیز وجود دارد.

بنای اصلی آن قبه کوچک متناسبی با سقف گنبدی بیضی شکل است که داخل آن بطور تقریب کمی بیش از ۴ متر طول و مختصری بیش از سه متر عرض دارد بنای آن به نظر می رسد مربوط به قبل از دوره قاجاریه باشد بعداً در طرفین شرق و غرب این قبه دو اطاق ساده که اندود درونی آنها کاه گلی است افزوده اند و ایوان پهن و وسیعی هم باجرزهای سنگی و نرده چوبی ساده در جلو بقعه یعنی سمت جنوب آن که مشرف به قریه اوین می باشد احداث نموده اند و این مستحذات هم کمتر از صد سال قدمت ندارد.

در داخل حرم کوچک بقعه محجر چوبی ساده به طول ۱/۹۱ متر و عرض ۱/۱۳ متر و ارتفاع ۱/۴۳ متر با خانه بندیهای مربع درشت اطراف مرقد را احاطه نموده است زیارت نامه آنجا صاحب مرقد را حضرت امامزاده عزیز بن محسن بن موسی الکاظم الامام بحق نجل امیرالمؤمنین معرفی می نماید بنابراین امامزاده مزبور عم امامزاده مطیب می شود و دو زیارتگاه قریه اوین یکی متعلق به عمو و دیگری مربوط به برادرزاده است. به مناسبت شکل و رنگ گنبد شیروانی این امامزاده مردم خوش مشرب آن را به

۱- سطور فوق قسمتی از مقاله ای است که در اطلاعات ماهانه شماره ۵۸ دی ماه ۱۳۳۱ چاپ گردیده

نام «امامزاده اناری» خوانده اند.

بالا تر از زیارتگاه مزبور بر فراز همان تپه دو مقبره خوش منظر هر کدام به صورت شش ضلعی دارای ۶ پایه ظریف آجری با دهانه های باز و سقف شیروانی احداث گشته است که اولی مدفن شاهزاده حسین قلی میرزا سالور عماد السلطنه متوفی در ۱۳۱۱ شمسی و دومی آرامگاه شاهزاده قهرمان میرزا سالور عین السلطنه متوفی در ۱۳۲۴ شمسی. هر دو نفر فرزندان مرحوم عبدالصمد میرزای عزالدوله فرزند محمدشاه قاجار می باشند و احداث مقبره های مزبور در آن محل حکایت از ذوق و دانش فطری خاندان سالور می نماید و اشعار بسیار شیوایی هم بر روی سنگ مقبره شاهدگان نامبرده نوشته است که بیشتر این معنی را تأیید می کند و از نقل اشعار به مناسبت لزوم اختصار خودداری می شود.

امامزاده محمدولی (درکه)^۱

قریه درکه همان طور که از نام آن پیداست تمام طول دره بسیار مصفائی را اشغال می نماید و بطوری که سابقاً گذشت قریه اوین نیز در دهانه مدخل همین دره واقع می باشد بنابراین اوین و درکه هیچ فاصله و وجه تفکیکی از هم ندارند و بلافاصله پس از خاتمه یافتن باغها و خانه های انتهای شمالی اوین به باغها و خانه های جنوبی درکه می رسند. پس از آن که مسافتی را در دهکده مزبور رو به شمال طی نمایند در وسط قریه بر دامنه های غربی درکه بقعه و زیارتگاهی به نام امامزاده سید محمدولی وجود دارد که بنای فعلی آن چندان قدیم نیست و اگر اثری از قدیم در آن باشد شالوده و قسمتهای پائین دیوارهای حرم آن است.

این بقعه مشتمل بر حرم مستطیل شکلی است که گوشه های آن را مختصری مورب و پنج ساخته اند و بدین طریق حرم را به صورت هشت ضلعی در آورده اند که چهار ضلع گوشه های آن بسیار کوتاه و حد اکثر یک متر است. طول حرم (شرقی - غربی) ۴/۰۸ متر و عرض آن (شمالی - جنوبی) ۳/۵۴ متر بوده پوشش آن با تیر و تخته و مسطح است و یقیناً در قدیم پوشش گنبدی داشته است.

در وسط حرم ضریحی متناسب از آلت های چوبی به رنگ سبز جعفری ساخته اند

۱- بدین وسیله از همکار دانشمند خود سرکار خانم ملکزاده بیانی که نخستین بار از وجود این زیارتگاه مستحضر فرموده اند اظهار سپاسگزاری می نماید.

ضریح مزبور به طول ۱/۸۰ متر و عرض ۱/۰۴۵ متر و ارتفاع ۱/۵۵ متر بر پایه سنگی کوتاهی از سنگهای سبز مخصوص قریه درکه استوار گشته است (ارتفاع پایه سنگی دوازده سانتی متر است). مرقد گچی ساده بدون هیچ پیرایه در میان ضریح چوبین قرار دارد و روی آن پارچه سبز و مقداری چراغ و لاله و شمعدان نهاده اند. دو عدد شمعدان کوتاه از سنگهای سبز درکه در آستانه پنجره شرقی حرم قرار دارد که در چهار گوشه پایه یکی از آن دو به خط نستعلیق برجسته چنین نوشته اند: «وقف نمود نجابت پناه استاد سید قاسم این شمعدان را به سرکار سید محمدولی به تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۸. دعا از مؤمنین طلب دارم».

سال ۱۲۴۸ که نقل شد قدیم ترین سال تاریخی است که در محل مزبور دیده می شود. سال تعمیر آن که بقعه را به صورت فعلی در آورده اند ۱۳۲۷ قمری است و متولی کنونی بقعه هم نواده استاد سید قاسم نامبرده در سطور بالا می باشد.

در زیارت نامه های این مرقد نام شاهزاده سید محمدولی مشهود است و بیش از آن چیزی به نظر نمی رسد. مردم درکه اظهار می دارند که از چهارپشت به حضرت سجاد (ع) می رسد و شجره نامه این امامزاده در شکر آب لواسان بدست آمده است.

در ورودی حرم از طرف شمال است و ایوان خوش منظری در جلو این مدخل قرار دارد که با ستون چوبی کلفت و تیرهای چوبی پوشیده می شود. طول ایوان (شرقی و غربی) کمی بیش از چهارمتر و عرض آن (شمالی و جنوبی) مختصری بیش از سه متر است.

دامنه کوهسار و بروی ایوان بقعه محل دفن اهالی قریه است و مسجد نظیف و دلبازی مشرف به رودخانه در مجاورت این بقعه قرار دارد که حکایت از مراتب دیانت و علاقه مندی سادات درکه به امور دینی می نماید چنان که مسجد دیگری نوساز در قسمت جنوبی قریه ساخته اند که آن هم سفید و روشن و نظیف است. ضمناً ساکنین درکه بیش از آنچه به امامزاده سید محمدولی عرض نیاز کنند برای توسل و برآمدن حاجات خویش به سراغ امامزاده عزیز که مشرف به اوین و درکه است و ذکر آن گذشت می روند گوئی ضرب المثل معروف «مرغ همسایه غاز است» را در این مورد به نظر آورده اند یا این که منظره و موقعیت دلکش امامزاده عزیز محرک این مردم روستا نشین متدین هم شده است مگر احياناً به منظور حفظ حریم قریه خویش و اثبات حق آب و خاک درکه نسبت به بقعه اخیر الذکر آن را بیشتر عزیز می دارند.

آثار تاریخی شمیران

نام برخی از آبادیهای شمیران مانند طحبرشت (تجریش)، فرحزاد، ونک در کتب بسیار قدیم ذکر شده است. و سابقه تاریخی آنها ایجاب می نماید که بناهای تاریخی قابل ذکری هم در شمیران موجود باشد و آنچه مناسب ببیند در اینجا معرفی می نماید.

بقعه امامزاده قاسم (ع) (در شمیران)

از چندی قبل اداره کل باستان شناسی دست به کار تعمیر و تجدید کاشیکاری گنبد بقعه امامزاده قاسم شمیران که در زمره آثار تاریخی متبرک ایران به شمار می رود شده اند اداره کل اوقاف اعتبار این عمل را فراهم ساخته و به اختیار اداره کل باستان شناسی گذارده اند و جناب آقای علی اصغر حکمت برای انجام این خدمت مقدس نهایت کوشش و مجاهدت را مبذول فرموده و می فرمایند و در نتیجه مساعی مستمر معظم له موجبات اجرای این منظور مفید مذهبی و ملی بصورت حاضر فراهم آمده است و به همین مناسبت طبق نظر و توصیه معزی الیه شمه ای در باره وضع بقعه تاریخی مزبور می نگارد و توفیق اتمام کاشی کاری گنبد و اصلاحات دیگر مورد

نظر دوستداران آثار مذهبی و ملی را جهت همکاران و همگامان ارجمند در اداره کل باستان شناسی مسئلت دارد.

سید محمد تقی مصطفوی

بقعه امامزاده قاسم بر فراز بلندی مشرف به قریه ییلاقی که به مناسبت بقعه مزبور به همین نام خوانده می شود در کنار دره نزهت انگیز و لطیفی بنام «گلاب دره» در دامن کوهستان شمیران واقع شده است.

قسمت قدیمی اصلی بقعه برج هشت ضلعی آجری است که حرم امامزاده را تشکیل می دهد و ضریح و صندوق تاریخی عتیقه در آن قرار دارد و گنبد کاشی بر فراز آن بنیاد گردیده است. برج مزبور به احتمال بسیار قوی از آثار قرن هفتم هجری بوده هر ضلع داخل آن بالغ بر ۲/۲۵ متر می باشد و طول تمام حرم از مشرق به مغرب یا از شمال به جنوب ۵/۳۲ متر است.

در زمان شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ هـ) شهر یار اول صفوی صندوقی بر روی مرقد نهاده و ظاهراً ایوان کوچکی از جانب مشرق بر بقعه هشت ضلعی قبلی افزوده اند و با توجه به علاقه و توجهی که شاه طهماسب اول به تکریم و عمران بقاع متبرکه در تمام خاک ایران به خرج می داده و مخصوصاً به آبادی شهر نو بنیاد تهران و اماکن و قراء اطراف آن علاقه بسیار داشته است بسیاری امامزاده ها و بقاع دیگر نیز در کشور ما که مرکز و کانون تشیع به شمار می رود مورد این گونه اقدامات قرار گرفته اند و به همین جهت در بقاع و امامزاده های متعدد دیگر نیز مشاهده می شود که ایوان و در و صندوق و ملحقات و متعلقات دیگری مشتمل بر کتیبه هائی بنام شاه طهماسب اول و مورخ به زمان این شهر یار نیکو نهاد و پاک عقیدت وجود دارد.

صندوق امامزاده قاسم به درازای ۱/۹۳ متر و پهنای ۱/۲۴ متر و بلندی ۱/۱۷ متر در وسط ضریح چوبی عالی عهد قاجاریه قرار دارد.

بر حاشیه بالای اضلاع چهار سمت صندوق قسمتی از ابتدای سوره مبارکه یس از آغاز سوره تا انتهای آیه هفدهم - الالباع المبین - به خط ثلث برجسته نوشته شده است و بر روی هر یک از اضلاع غربی و شرقی صندوق که سمت بالا سر و پائین پا باشد نیز کتیبه هائی به خط نستعلیق بطور برجسته مرقوم می باشد که ذیلاً نقل می گردد:

روی ضلع غربی (طرف بالای سر) در هفت سطر:

هذا المرقد الشريف والمقبر المنيف صلوة الله على مشرفها وهو سلطان

المقرّیین وبرهان المتّقین' سلالۃ الائمّة المعصومین صلوة الله علیهم اجمعین
قاسم بن الحسن بن امیر المؤمنین و یعسوب الدّین و ابن عمّ رسول ربّ العالمین اسد الله
الغالب علیّ بن ابی طالب علیه السّلام».

کلمات «الغالب» به بعد بر روی بدنه صندوق در بالای لوحه کتیبه نوشته شده

است

روی ضلع شرقی (سمت پائین پا) نام بانی و کاتب و سازنده صندوق و تاریخ
آن در کتیبه هشت سطری بدین قرار نوشته شده است:

«هو الله العلیّ الکبیر تمام شد این مرقد
منور معطر بسعی مشکور و اهتمام موفور حضرت
عالی جاه حکومت و رفعت دستگاه کمال الدّین
شادی بیک بن جناب مغفرت پناه شاه قلی بیک
روشیخ لوداوالقدر تحریراً فی شهر جمادی الاخر
سنه ثلث ستین و تسع مائه کتبه الله وردی. تمام
شد این مرقد بعمل قطب الدّین بن و سیف نجار بن
اسکندر معصوم لباسانی».

با ملاحظه کتیبه های فوق معلوم می گردد که در سال ۹۶۳ هجری یعنی مقارن
سی و سومین سال شهر یاری شاه طهماسب اول صفوی صندوق مطهر امامزاده قاسم
شمیران در وسط حرم قدیمی آن نصب شده است و بانی صندوق کمال الدّین شادی
بیک و استادان سازنده آن قطب الدّین و سیف نجار پسران اسکندر معصوم لواسانی
بوده اند.

اخیراً که اداره کلّ باستان شناسی دست بکار تعمیر گنبد امامزاده قاسم و تجدید
کاشیکاری آن شده اند ضمن بررسی صندوق عتیقه فوق متوجه گردیده اند که صندوق
کوچکتری هم روی مرقد قرار دارد که زیر صندوق مورد ذکر واقع است و به قراری که
آقای محمود علمی مدیر ابنیه تاریخی اظهار نمودند صندوق کوچک هم دارای نقوش و
احیاناً نوشته هائی است که بر آن منبت کرده اند و امید می رود به وسائل مقتضی وضع
صندوق کوچک مزبور هم که یقیناً قدیم تر از صندوق سابق الذّکر است معلوم گردد و از
نوشته ها و تاریخ و بانی و سایر اطلاعات مورد انتظار از آن آگاهی بیشتر حاصل آید.

ضریح چوبی با آلت‌بندی به سبک موسوم به جعفری به درازای ۲/۷۶ متر و پهنای ۱/۸۳ متر و بلندی ۱/۸۰ متر در عهد قاجاریه و به احتمال نزدیک به یقین در دوران فتحعلی شاه تهیه شده در وسط حرم نصب گردیده است و دو صندوق عتیقه درون آن محفوظ می‌باشد.

ساختمان اصلی بقعه را نیز در عهد فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۱ - ۱۲۵۰ هجری) توسعه داده ایوان بزرگ فعلی را در طرف قبله رو به جنوب بنا کرده‌اند و ایوان کوچک عهد شاه طهماسب اول را تبدیل به رواق ساخته‌اند و گنبد کاشی را بر فراز برج هشت ضلع قدیمی استوار نموده بقعه را بصورت کنونی در آورده‌اند.

بیرون بقعه در گوشه جنوب غربی بنای قدیم طاق نماها و رومیهای عهد شاه طهماسب اول صفوی هنوز موجود و مشهود است و می‌رساند که بقعه هشت ضلعی قدیمی را در همان چهار صد و چند سال پیش از بیرون هم تعمیر و مرمت نموده با احداث جرزها و طاقها آن را مستحکم ساخته و بصورت چهار ضلعی در آورده‌اند و به شرحی که قبلاً ذکر گردید ایوانی از جانب مشرق برای آن افزوده شده ایوان عهد شاه طهماسب را تبدیل به رواق نموده‌اند و قصیده‌ای را که سیدالشعرا مجمر اصفهانی شاعر مشهور عهد خاقان مغفور در باره این تعمیر و ماده تاریخ آن سروده است به خط نستعلیق برجسته در حاشیه اطراف ایوان نگاشته‌اند که نمونه‌های اغراق شاعرانه توأم با اطلاعات تاریخی مفید را دربر دارد و ذیلاً به نقل آن مبادرت می‌شود:

قصیده مجمر اصفهانی در ایوان امامزاده قاسم

کنون این شاه‌وآن کسری کنون این خسرو و آن جم	کجا این عدل در گیتی کجا این نام در عالم
چه زخمی ملک و ملت را به چشم از تیغ او مرهم	چه دردی دین و دولت را به جسم از تیغ او دارو
فرغ از رزم او خیزد همی چون خنده از شادی	فرح از بزم او خیزد همی چون خنده از شادی
به عهد او ست ناخن چون پی اندر پنجه ضعیفم	بدور او ست پر چون ناوک اندر سینه شاهین
برافروزد رخ ملت چو برابروی جامش چین	برافروزد رخ ملت چو برابروی جامش چین
چو خندد تیغ قهرش زال و وانگه گریه بر رستم	چو گرید بر جودش برق وانگه خندان بر بالان
بهشت آن سوره کاندروی سحاب لطف او را فم	حمیم آن چشمه کاندروی سنان قهراورایی
کمندش را قضا شد حلقه رمحش را قدر پرچم	حمالش را اجل شد قبضه تیغش را فنا جوهر
زبان در خلقت حوا و دل در خلقت آدم	ز بهر فکر و ذکر او ست کی به زو فزودیدی
که گاه شرح دوران افتد اجرای کلام از هم	اگر تیغش سپارد قطع نسل دشمنان بینی

به خوزستان اگر از افعی رمحش سخن رانی
خرد را دوش گفتم^{۱۰۰} ترا گفت از کجا گفتم
شه جمشید فر فتحملی شه آن که بزمش را
زیکتائیش گریه بر خاطر خلقی گذریابد
پریشان دل ز گیسوی پریشان خلق و نصرت را
به عهدش رام اسیران آهوان گشتند و می جوید
از آن پس کاین بنا از عهد خوبان سست تر آمد
چنان افراشت بنیانش که براوج فلک ماند
شمیم روضه اش عطر دماغ جان کناد آری
نسیمش در فضا چون روح در اجزای تن آسای
به خاک آن مگر سودند حبیب؟ موسی عمران
که اندر جیب زان مهر منور شد یکی را کف
غرض چون یافت تعمیر از پی تاریخ آن مجمر

به جای شکر ازنی چون دم جراره خیزد سم
زرایش گفت لا ادری ز علمش گفت لا اعلم
بزرگی گوهر جام است و رادی حلقه خاتم
به زهدان باز ابدان پس نگردد نطفه ای توأم
دلی مجموع چون سازد پریشان گیسوی پر خم
هنوز آن آهوی خود کام از این ایوان و این طارم
به فرمانش چو عهد عاشقان شد سخت مستحکم
یکی فیروزه گون گنبد فراز نیلگون طارم
به خاکش خفته آن کزوی مقام خلد جوید شم
بساطش از صبا چون ملک از عدل ملک خرم
از آب آن مگر شستند کام عیسی مریم
که اندر کام از این روح مقدس شد یکی رادم
رقم زد «شدا ساس بقعه قاسم زشه محکم»

۱۲۲۴=

به قصر عدل تا پیوسته در دورش بود شادی
بهر جابد سگالش باد کاخ ماتم گیتی
به کاخ ظلم تا همواره در عهدش بود ماتم
بهر جا نیکخواهش باد قصر شادی عالم

* * *

در چندین سال پیش نصف کاشی کاری بالای گنبد آسیب دیده بود و روکشی
نامطلوب و نازیبا از شیروانی آهنی بر آن قسمت گنبد نهاده بودند که البته برای حفظ
گنبد مفید بود لکن به منظر آن کاملاً آسیب وارد می ساخت و اکنون خوشبختانه بر اثر
استدعای خیرخواهان و توجهات وزیر فرهنگ از محلّ وجوه اوقافی با مساعی و جدّیت
قابل تقدیس اداره کلّ باستان شناسی کاشی کاری و اصلاح اساسی و تعمیر گنبد
بصورت صحیح طبق وضع اصلی آن انجام می گیرد و از این پس نگرانی چندین ساله
مزبور در میان نخواهد بود و منظره نیلگون آن در دامنه کوه سر سبز شمیران چون جوهر
رنگینی از زمرد در مدنظر ارباب ذوق قرار خواهد گرفت ان شاء الله.
یادآوری:

در صفحه ۱۰۷ کتاب «روح و ریحان» سطر آخر نام قاسم بن حسن بن زید

بن حسن (ع) که از اولاد حسن امیر (؟) بوده است مذکور می باشد ولی اشاره ای نشده است که قاسم بن حسن مزبور همین امامزاده قاسم مدفون در بقعه مورد ذکر است یا نه؟ در صفحه ۱۲۴ همان کتاب در باره امامزاده قاسم شمیران بحث شده و انتساب آن را که محلّ سر حضرت قاسم (ع) یا مدفن قاسم ثانی باشد رد کرده است. و اجمالاً در دنباله بحث راجع به نسب امامزاده قاسم در صفحه ۱۲۵ کتاب مذکور نتیجه گرفته شده است که مدفن امامزاده واجب التعظیم هست ولی نسب او را به طور اطمینان نمی توان تصریح نمود.

۲- امامزاده صالح (تجریش)

این بقعه بنای چهار گوش بزرگ و محکمی است که تصوّر می رود مربوط بقرن هفتم یا هشتم هجری باشد و در کنار درخت چنار بسیار کهن سالی در آبادی بزرگ تجریش واقع می باشد. هلاکو میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۰ بانی تعمیرات و تزئینات آن شده نقاشیها و اصلاحات داخل حرم و احداث گنبد و کاشی کاری آن را انجام داده است طبق کتیبه های موجود در بنا مدفن صالح برادر امام هشتم (ع) می باشد در سال ۱۳۲۳ خورشیدی مرحوم حسن فداکار بانی تعمیر و کاشی کاری مجدد گنبد گردید.

۳- امامزاده معصوم صالح (فرح زاد)

نام قریه فرح زاد در کتب بسیار قدیم باهاء هوز و تشدید راء ذکر شده است.^۱ این قریه دارای دو امامزاده است که یکی لوحه تاریخی دارد و در این مورد ذکر می گردد و دیگری را در ضمن شرح سایر امامزاده ها به موقع خود معرفی خواهد نمود. در شمال شرقی قریه در دامنه کوهستان، گنبد یک پوش آجری پدیدار است که تاریخ ساختمان بنای آن بر لوحه سنگی مرقوم و طرف بالای مرقد در داخل ضریح بر روی زمین نصب می باشد. کتیبه روی این لوحه در پنج سطر به خط نستعلیق برجسته شامل این عبارات است:

«نام امامزاده معصوم صالح است»

شاد باد آن کس که این بنیاد ساخت شادی دیگر که چون فولاد ساخت

۱- ضمن مقاله دانشمند فقید استاد عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار شماره مهر ماه ۱۳۲۳ در این باره اطلاعات بسیار مفیدی ذکر شده است.

نهصد و هشتاد و شش این روضه را بهر اولاد علی آباد ساخت

بنائی که به شرح بالا در سال ۹۸۶ یعنی سال دوم سلطنت سلطان محمد پدر شاه عباس ساخته شده است عبارت از گنبد یک پوش آجری ساده می باشد که محوطه مربع داخل آن مختصری کمتر از چهار متر و نیم طول و همین اندازه عرض دارد و در وسط آن ضریح چوبی مشبک موسوم به خانه بندی مربع خراطی قرار گرفته است. این گونه ضریح چوبی مانند ضریحهای نقره دارای خانه های مربع است که محل التقای چوبهای قائم و افقی را کروی شکل می سازند و نمونه های شیوای آن در عهد قاجاریه ساخته شده است.

نسب صاحب مرقد که در زیارت نامه ذکر گردیده است او را پسر امام زین العابدین (ع) معرفی می نماید. مدخل بقعه از طرف جنوب ایوانی بلند با دو ستون چوبی است و مشرف به فضای مشجر و با نزهت جنوب بقعه و کشتزار و باغستانهای فره زاد است و طبعاً منظر دل پسندی دارد. دوازده سال پیش شخص خیری از اهالی طهران بنام ابوطالب در بان بقعه را تعمیر کرده مرقد و اطراف آن را با کاشیهای جدید خوب پوشانیده دو لوحه کاشی حاکی از این تعمیر بر دیوار ایوان نصب نموده است و همین شخص در سال گذشته هم آب انباری جهت زوآر در حیاط بقعه ساخته است.

امامزاده معصوم (بریانک)

بقعه امامزاده معصوم در بریانک آخرین بقعه است که نگارنده نوشته های مربوط به قبل از عهد قاجاریه را در بنای آن مشاهده نموده است.

بنای فعلی بقعه مشتمل بر حرم چهار ضلع مستطیلی بطول ۶/۵ متر و عرض ۴ متر است که چهار جرز در چهار گوشه آن پیش آمده و ضریح چوبی ساده در وسط آن قرار دارد.

ایوان کوچکی در طرف جنوب و اطاقهای وسیعی در طرفین حرم ساخته شده است و گنبدی به سبک گنبدهای عهد صفوی بر فراز بقعه استوار نموده اند که قسمت اعظم کاشیهای آن فرو ریخته منظره متروک و ویران بدان داده است.

در ایوان جنوبی دو لوحه کوچک مرمر طرفین در حرم نصب است روی لوحه سمت چپ این عبارت در شش سطر به خط نستعلیق برجسته مرقوم می باشد:

«هو الله سبحانه و تعالی تعمیر کرد این عمارت آستانه متبرکه واجب التعظیم

امامزاده معصوم را جناب توفیق آثاری خواجه محب علی ولد حاجی رمضان بریانکی فی شهر ربیع الآخر سنه اربعین و الف من الهجرة النبویه ۱۰۴۰» (که صفر چهل را نگذارد است).

سال ۱۰۴۰ مقارن با سالهای اول سلطنت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) است ولی معلوم می شود تعمیر مزبور هم مانع انهدام بقعه قدیمی نگشته بقعه کنونی دو یست سال پس از تعمیر فوق بجای بقعه ویران شده قبلی بنا گردیده است و تاریخ و بانی آن روی لوحه مرمری سمت راست بدین قرار خوانده می شود (در پنج سطر بخط نستعلیق برجسته):

«حجر المزار فایض الانوار جناب مظلوم امامزاده معصوم فرزند تابنده گوهر دریای امامت و رخشنده اختر سپهر کرامت امام همام با احترام مطهر محمد باقر علیه الصلوٰه والسلام و علی آبائه و امهاته و شیعتہ و موالیه هذا بنای روضه مطهر را بدستاری عالیجاه مقرب الخاقان آغا مرتضی قلی خواجه سمت اتمام یافت ۱۲۴۰» (عین عبارت نقل گردید).

بقعه نامبرده در کنار شرقی نهز بزرگی قرار دارد که آب رودخانه فیروزآباد طی قرون متمادی در آن جاری است و از مغرب اراضی تهران به طرف جنوب می رود. محوطه وسیعی در اطراف بقعه واقع گشته است و اطاقهای مدفن یک عده رجال و افسران عهد مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار نیز در همین محوطه قرار دارد.

بقعه قاضی صابر (ونک)

در سال ۱۳۰۳ قمری هنگامی که مرحوم میرزا یوسف مستوفی الممالک صدراعظم ناصرالدین شاه، باغ وقفی بزرگ خود را در ونک آباد می نمود بقعه هشت ضلع زیبایی هم بر مرقد ابوالقاسم علی بن محمد معروف به قاضی صابر ساخت که سنگ مرمر با خطوط و اشعار شیوا و ضریح چوبی و تزیینات کاشی کاری و حسن سلیقه فراوان در آن بکار برد و اینک بقعه مزبور در ضلع جنوبی باغ وقفی که خود از محلهای بانزहत و دیدنی شمیران است بصورت آباد و معمور دایر و زیارتگاه عموم می باشد.

علاوه بر چهار بقعه مزبور ده بقعه دیگر در آبادیهای مختلف شمیران — که نزدیک تهران واقع است — موجود می باشد که اهمیت تاریخی و هنری زیاد ندارد و لذا

ذکر آنها با لزوم رعایت اختصار این کتاب مورد پیدا نمی کند. ضمناً زیارتگاه معروف امامزاده داود(ع) نیز بعلمت دوری از شهر و باقی نماندن اثر تاریخی در آن از موضوع این فصل بیرون می باشد و اینکه بذکر آثار تاریخی دیگر شمیران می پردازیم:

کاخهای سلطنت آباد

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ ذیل شماره ۴۱۸ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

از آنچه ناصرالدین شاه قاجار ضمن احداث باغ وسیع سلطنت آباد بنیاد نهاده است دو بنای قدیمی باقی می باشد یکی عمارت حوض خانه مزین به گچ بریهای عالی که بر مظهر قنات ساخته اند و دیگری بنای مشتمل بر برج چند اشکوبه که در طبقات مختلف آن نمونه های مختلف هنرهای ظریفه معماری ایران از مقرنس کاری و گچ بری و آئینه کاری و غیره بکار رفته است و چون سلطنت آباد از اماکن نظامی مهم بشمار می رود طبعاً بازدید این دو بنای سلطنتی نیازمند کسب اجازه مقامات مربوط ارتش می باشد.

کاخ صاحبقرانیّه (نیاوران)

محمد شاه قاجار در نیاوران باغی داشت و عمارتی در آن بنیاد نهاد و ناصرالدین شاه آن را توسعه داد و عمارات مختلف در آن ساخت از جمله تالار بزرگ جهان نما و اطاقها و حوض خانه و متعلقات دیگر آن، که هم اکنون نیز از مهم ترین کاخهای سلطنتی بشمار می رود و بنام کاخ صاحبقرانیّه موسوم است. معماری شیوای مشترکی از اصول ساختمان ایرانی و اروپائی در آن بکار رفته آئینه کاریهای عالی و تابلوهای نقاشی و سرسراها و پلکانهای زیبا و منظر عالی که به نقاط مختلف و جلگه تهران مسلط می باشد را این بنای مهم تاریخی جلب نظر می کند. عمارت خوابگاه احمدشاه قاجار در قسمت دیگر باغ مزبور قرار دارد که آن هم بنای جالب توجه و زیبایی است. درسالهای آخر دوران پهلوی نیز کاخ نوینادی در محوطه شمالی صاحبقرانیّه ساخته شد که تلفیق قابل توجهی از معماری اصیل ایران و معماری تازه را در بر دارد.

سایر بقاع خارج شهر تهران که عده ای از آنها یقیناً قدیم تر از عهد صفوی است یا نوشته ندارد یا اگر نوشته دارد مربوط بعهد قاجاریه می باشد و برخی از آنها حقیقه

دارای اهمیت و شکوه خاصی بوده نوشته‌های مهم و معتبر نیز در آنها پیدا می‌شود و نگارنده برای احتراز از طولانی شدن مقالات به ذکر اجمالی بقاع مزبور و اشاره به مطالبی که از کتیبه‌های موجود در این آثار بدست می‌آید اکتفا می‌نماید و برای تسهیل کار خط سیر بررسی بقاع را از جهت شمال به جنوب و از آنجا رو به مغرب در نظر می‌گیرد یا به عبارت دیگر از پس قلعه شمیران شروع نموده پس از طی دایره خارج شهر به فرزند اوین و از آنجا به امامزاده داود (ع) مقالات خود را پایان می‌دهیم.

امامزاده ابراهیم (پس قلعه)

بقعه سنگی چهار گوش کوچک و غیر منظم بطول ۴ متر و عرض کمتر از آن در پناه درختان بر بالای دامنه غربی دره پس قلعه است که ایوانی در مشرق مدخل آن را تشکیل می‌دهد و ضریح کوچک مشبک چوبی بطور مورب درون آن قرار دارد. هیچ اثر قدیمی و صنعتی در آن دیده نمی‌شود. از طرف مشرق به آبادی پس قلعه مشرف است و در جنوب آن دره فرعی و نهر آبی است که به رودخانه پس قلعه می‌ریزد. چشمه ساری هم در جلو ایوان بقعه جاری است که حوض کوچک کاشی و آب نما با پنجره آهنی در اطراف آن ساخته اند و زواری از لوله بیرون حوضچه آب بر میدارند.

امامزاده صالح (تجریش)

بقعه مجللی در مجاورت چنار کهن سالی که شاید قدیمی ترین درخت چنار در کشور ایران باشد و این درخت خود از آثار تاریخی مهم تهران محسوب می‌گردد. بنای اصلی بقعه شامل ساختمان چهار گوش بزرگ و مستحکم با دیوارهایی قطور است که فضای درونی آن قریب شش متر و نیم در شش متر و نیم وسعت دارد و وضع طاق نماها و شیوه ساختمان و پوشش آن می‌رساند که از اثنیه قرن هفتم یا هشتم هجری باشد و قطعات سنگهای مزار که کف حرم بوده چندی قبل ضمن تجدید فرش حرم آنها را بیرون آورده در صحن بکار برده اند مؤید این نظر است. در وسط حرم وسیع مزبور ضریحی از نقره و چوب که بنا به گفته آقای ابوالقاسم امامی متولی فعلی بقعه بوسیله میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه تهیه گردیده است نصب می‌باشد.

داخل ضریح مزبور ضریح دیگری از چوب به سبک خانه بندی مرتع خراطی قرار دارد و در میان ضریح دوم صندوقی که اهمیت تاریخی ندارد کمی مورب قرار

گرفته است.

ایوان ورودی و رواق در سمت شمال حرم واقع گشته بالای در حرم در رواق لوحه مستطیل خشت کاشی شامل بسم الله الرحمن الرحيم و سنه ۱۲۱۰ بر دیوار نصب است و کمی پائین این کتیبه را به خط نستعلیق گچ بری نموده اند: «ادخلوها بسلام آمنین. ایران که نظیر روضه رضوان شد. از فتحعلی شاه شه دوران شد. هر جا ز ملک زاده ای آمد آباد. این روضه چو جنت از هلا کوخان شد».

آبادی ثی که هلا کو میرزا فرزند فتحعلی شاه بنا بر کتیبه بالا در سال ۱۲۱۰ به عمل آورده است نقاشی طریف و مختصر مقرنس کاریهای استادانه داخل حرم و استحکام بنا از طرف خارج و احداث گنبد کاشی بقیه است.

صاحب مرقد مطابق کتیبه بالای سردر صحن و زیارت نامه آن، از پسران حضرت موسی بن جعفر و برادر امام هشتم می باشد.

گنبد کاشی بقیه هشت سال پیش در آخرین سال عمر مرحوم حسن فداکار به خرج مشارالیه تعمیر و کاشی کاری آن تجدید شد.

امامزاده علی اکبر (چیزر)

بقعه ساده و بی پیرایه است. در قسمت غربی تپه که متصل و مشرف به قریه قدیمی چیزر می باشد نه بنا و نه ضریح جعفری و نه صندوق آلت و لقط ساده آن هیچکدام اثر صنعتی و تاریخی محسوب نمی شود. از سنگهای مزار قدیمی و اوضاع بقعه معلوم می شود که بنای قدیم تر داشته محل اعتکاف و مأوای درویشان بوده است. صاحب مرقد پسر حضرت امام زین العابدین (ع) معرفی شده است.

امامزاده اسماعیل بن زکریا (چیزر)

در پائین تپه چیزر اطاقی ساده با پوشش گنبدی و ایوان کوچکی در مشرق قرار دارد. مختصری کاشیکاری از عهد ناصرالدین شاه زینت آن را تشکیل می دهد و درخت چنار کهنی داشته که اکنون شاخه های متعدد آن هر کدام درختی شده است.

هر دو امامزاده بالا مشرف به باغستانهای چیزر و رستم آباد می باشد و مطلب قابل توجه این که در روی سنگهای مزارهای کهنه متعدد نام چیزر را «شیزر» نوشته اند و این امر مؤید این مطلب می باشد که بالای تپه کهنه و باستانی چیزر در ادوار پیش از

اسلام آتشکده وجود داشته باشد (توضیح این موضوع از حوصله این سلسله مقالات بیرون است) و مردم خوش باور کم عقل هم این تپه را بقصد پیدا کردن گنج بسیار زیرو کرده اند.

امامزاده..... (لویزان)

بر فراز تپه ای که در مشرق جاده بین تهران و کوهپایه های شمال شرقی شهر قرار دارد آنجا که آبادی شمس آباد تمام می شود و خانه ها و باغهای لویزان آغاز می گردد بقعه ای بنظر می رسد که ساختمان اصلی آن بنای چهارگوشی با پوشش گنبدی است بطول و عرض خارجی قریب ده متر و محوطه داخلی آن از هر طرف بیش از هفت متر است. اصل بقعه یقیناً بنای قدیمی ساده بوده که تقریباً بهمان حال نگهداری شده است و در عهد قاجاریه بر چهار طرف آن ایوان ساده افزوده روی تمام بنا را شیروانی زده اند.

مطابق آنچه از زیارت نامه این بقعه بزرگوار بر می آید اینجا مرقد چهار برادر بنامهای سالم، ابوطالب، رضا و رحیم پسران شیت فرزند کاظم فرزند علی بن الحسین زین العابدین (ع) می باشد و بهمین جهت آن را جز بنام «امامزاده لویزان» طور دیگری نمی توان معرفی نمود.

ضریح مشبکی به طرز موسوم به جعفری و سبزرنگ بطول کمتر از سه و عرض بیشتر از دو متر دارد و اهمیت صنعتی و تاریخی در این بقعه مشاهده نمی شود ولی موقعیت زیبا و منظره دل پسند آن که مشرف به آبادیهای مختلف شمیران است جلب توجه می نماید.

بقعه چهل تن (دولاب)

در شمال شرقی قریه بسیار قدیمی دولاب بقعه خشتی چهار گوش ساده و کوچکی است که طول هر ضلع داخلی آن مختصری از سه متر تجاوز می کند. اخیراً ایوانی با پوشش صریبی بر مدخل بقعه از طرف شمال افزوده اند. با ملاحظه و دقت در بنا تصور می رود اصل بنای بقعه قدیم تر از عهد صفویه باشد که طاق آن را در اوایل عهد

قاجاریه تجدید نموده‌اند. هیچگونه نوشته و حتی زیارت نامه که معرف صاحب مرقد باشد ندارد و مرقد معمولی در وسط بقعه کمی مرتب با گچ ساخته شده است. اماکن زیارتی بنام چهل تن، هفت تن، چهل دختران، هفت دختران، دوازده امام، هفتاد و دوتن، جوانمرد و امثال این عناوین در بسیاری نقاط ایران وجود دارد و قابل این است که مورد بررسی و تحقیق مخصوص قرار گیرد.

سیده ملکه خاتون (دولاب)

در جنوب قریه دولاب کنار جاده تهران به خراسان بقعه ساده خشتی با پوشش ضربی آجری بدین نام وجود دارد. طاق آجری این بقعه بطرح گنبد‌های یک پوش بسیار قدیم با آجرهای خفته و راسته از طرف بام نمایان است وضع بنا می‌رساند که بقعه خشتی قدیمی وجود داشته در مواقع مختلف آن را تعمیر نموده ایوان آجری با طاقهای رومی و پوشش ضربی هم در مدخل آن - سمت شمال - افزوده‌اند.

بنای کنونی حرم شامل محوطه مستطیل با چهار شاه نشین عمیق و تودار در چهار طرف می‌باشد و خیلی به داخل بقعه سید ولی شباهت دارد گوئی معمار هر دو بنا یک نفر باشد. محجر چوبین مشبک بر روی مرقد دارد که محاط در ضریح چوبی مشبکی از عهد قاجاریه است. با اطمینان کافی می‌توان گفت وضع فعلی داخل حرم از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار است که بعداً آن را تعمیر و کاشی کاری نموده‌اند.

از کتیبه‌های سنگ مرمر و کاشی آن بر می‌آید که نواب علیّه سلطنت خانم ملقبه به محترم السلطنه بنت بدیع الملک میرزای عمادالدوله ابن عمادالدوله ابن محمد علی میرزا ابن فتحعلی شاه قاجار در خواب دیده است که باید او را در جوار حضرت سیده ملکه خاتون بخاک سپارند لذا تعمیر بقعه را در شهر صفر المظفر ۱۳۰۹ قمری به نحو شایسته انجام داده محلی هم برای مدفن خویش منظور داشته است. مدخل فعلی بقعه از طرف شمال مشتمل بر رواق و ایوانی می‌باشد ولی قبل از آن از طرف مشرق بوده است.

بسیاری مردم دانشمند که بیشتر با تاریخ سروکار دارند به احتمال بسیار قوی این بقعه را مربوط به سیده ملکه خاتون مادر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی می‌دانند که پاسخ مرد افکنش در مقابل دعوت تهدید آمیز سلطان محمود غزنوی از وقایع دلچسب تاریخ ایران است و زیارت نامه محل مزبور نیز به این ترتیب آغاز می‌شود: «السلام

علیک یا ملکه الجلیلة العلیة. السلام علیک یا خاتونة الرضیة المرضیة» و پس از چند سطر خطاب «یا بنت موسی بن جعفر و یا دخت الرضا» ذکر گردیده در آخر زیارت نامه هم جمله « المدفونة بالرّی» خوانده می شود و بدین قرار جمله اول زیارت نامه و انتهای آن با سرگذشت سیده ملکه خاتون تطبیق می کند لکن البته اظهار نظر قطعی در این باره محتاج مدارک تاریخی معتبر بوده در این مقام بیش از آنچه نقل نمود مورد پیدا نمی کند وضع فعلی بقعه نیز اقتضا می کند بانوی خیره دیگری بر اثر روقای صادقه یا طیب خاطر به تعمیر آن همت نماید.

امامزاده اهل بن علی (ع) (دولاب)

این بقعه هم در جنوب دولاب و از بقعه سیده ملکه خاتون به شهر تهران نزدیک تر است. گنبد دوپوشی دارد که از مهارت سازنده آن حکایت می کند. قسمت کمی از بالای گنبد با کاشی فیروزه رنگ پوشیده شده بقیه آن آجری است. از نظر بنا مطلب قابل اهمیتی در آن دیده نمی شود و تعمیر زیاد لازم دارد تصویر مرد روستائی که با بیل امامزاده را مقتول می کند در داخل حرم - به نحو غیر استادانه - روی گچ نقاشی کرده اند و این صحنه در ۱ امامزاده های چند دیگر نیز نموده شده است. بردیوار طرفین ایوان ۱۲ بیت شعر به خط نستعلیق بر خشت بزرگ کاشی نوشته شده و نصب گردیده است که مورخ به سال ۱۳۰۸ قمری بوده. برخی از ابیات آن در اینجا نقل می گردد:

تبارک الله از این شرکت و جلالت و جاه

کدام نور خدا خفته اندر این خرگاه؟

امامزاده آزاده اهل ابن علی است

شهید گشته ز جور منافق گمراه

پدر چه شیر خدا شد زاین چنین پسری

سزد که کار خدا را کند گه و بیگاه

گناه اگر به تولای او بود طاعت

ثواب اگر نه به وفق رضای اوست گناه

.....همین اشعار را در سال ۱۳۲۴ شمسی با مختصر تغییرات در برخی

کلمات و تعویض نام متولی به خط نسخ بر کاشی نوشته بالای سر در ورودی محوطه بقیعه نصب نموده اند.

صاحب مرقد همان طور که از اشعار فوق بر می آید و در زیارت نامه هم تصریح شده از پسران امیر المؤمنین و برادر حسنین معرفی گردیده است. بر اثر احداث گورستان جدید تهران که محاذی این بقیعه است بسیاری مردم اموات خود را در اراضی متصل به این زیارتگاه دفن می نمایند و به مورد است از درآمد این کار به تعمیر آن پردازند. ناگفته نماند که توده مردم این امامزاده را بیشتر بنام امامزاده گل زرد خوانده و می شناسند.

پیش از آن که صحبت خود را در باره بقاع دولاب ختم نمائیم بی مورد نمیداند یک جمله از کتاب تاریخ بیهقی را که نام دولاب و علی آباد ری در آن ذکر گردیده است نقل نماید. در ص ۱۲۸ تاریخ بیهقی (چاپ ۱۳۰۷ قمری تهران) چنین می نویسد: «... و چون به ری رسیدند امیر محمود به دولاب فرود آمده براه طبرستان نزدیک شهر و امیر مسعود به علی آباد لشکرگاه ساخت، براه قزوین. و میان هردو لشکر مسافت نیم فرسنگ بود».

هم دولاب و هم علی آباد که طبق شرح بالا در قرن چهارم هجری وجود داشته است امروز نیز آباد و دائر است. نیم فرسخ مسافت بین دو لشکرگاه سلطان محمود و سلطان مسعود در آن زمان اکنون شامل محله دروازه خراسان تهران و خیابانهای حول و حوش چهار راه لرزاده و خیابان صدرالاشراف و ساختمانها و تأسیسات بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم و گورستان معروف به چهارده معصوم و دهکده فرح آباد است. دهکده دولاب هم پس از هزار و کسری سال اینک به شهری بند و بار تهران متصل گردیده فعلاً در حکم یکی از محلات کنار شهر به شمار می رود. علی آباد نیز در جنوب غربی فرح آباد کنار کیلومتر ۴ خط راه آهن شمال واقع گشته آبادی معظم و پررونقی است که قسمت اعظم آن به ورثه مجدالدوله تعلق دارد و بنام علی آباد مجدالدوله خوانده می شود و در سطح پست و بلند جنوبی آن قطعات سفالهای قرون اول هجری و آثار قدیم نمودار و گوئی آبادی مزبور در زمان قدیم کمی رو به طرف جنوب واقع بوده است.

ابن بابویه (شهری)

بر روی سگویی هشت ضلعی بلندی در میان محوطه مشجر و بانزهی که تفرجگاه مردم عادی تهران و یکی از گورستانهای آبرومند این شهر است بقعه ابن بابویه بصورت هشت ضلعی از خارج جلب نظر می کند. مدخل اصلی آن از طرف مشرق است که از ایوان به رواق و از آنجا داخل حرم مربع وسیعی می گردد.

تمام بنا از آثار عهد فتحعلی شاه قاجار به نظر می رسد و هیچ اثر و نوشته قدیمی در آن دیده نمی شود. کتیبه ای به خط نستعلیق شیوا مشتمل بر سوره کوثر و آیه نور و سوره عصر به خط میرزا عمو از خوش نویسان عصر ناصرالدین شاه قاجار در ایوان نصب است که سال تاریخ ندارد.

در داخل حرم لوحه ای بر دیوار قرار دارد که توسط مرحوم حاج میر سیدهادی افجه ای در ربیع الاول ۱۳۵۴ نوشته و نصب گردیده است و در آن با عبارات بسیار عالمانه و مفصل شرح جامعی در باره صاحب مرقد یعنی «محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه که کنیه مبارکش ابوجعفر است» نوشته اند و مطابق همان شرح ولادت با سعادتش در شهر قم بوده..... در شهری در سنه سیصد و هشتاد از هجرت وفات نمود و لقب مبارکش صدوق و ثقة المحدثین است.

بفاصله کمی در مشرق ابن بابویه بنای تاریخی معروف به برج طغرل واقع شده است که برج مدوری با بیست و چهار ترک خارجی از ابنیه آخر عهد سلجوقی است و قطر دیوار آن بالغ بر چهار متر می باشد. لوحه مرمری بزرگی به عرض یک متر و ارتفاع ۱/۱۰ متر بر بالای در جنوبی برج قرار دارد که بر آن به خط نستعلیق شرح تعمیر این بنای تاریخی را در انقضای سی و ششمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه یعنی سنه ۱۳۰۱ هجری قمری نوشته اند و البته نقل کتیبه مفصل لوحه مزبور در خور این مقاله نیست.

بی بی زبیده (شهری)

به فاصله ۶ کیلومتری تهران کنار جاده شهر ری در اراضی حاجی آباد و حسین آباد (به مناسبت نام میرزا محمد حسین فراهانی دبیرالملک که در سال ۱۲۷۶

قمری اراضی آنجا با سه رشته قنات به اوسپرده شده است) بقعه بی بی زبیده بر فراز تپه یاصفه کوچکی از خاک بنا گردیده است. آنچه ضمن بررسی بنا و دقت در وضع داخل و خارج و بام آن می توان اظهار نظر نمود این است. که بنای اصلی شامل حرم کنونی در حدود قرن نهم هجری ساخته شده در اوایل عهد قاجاریه سرداب شرقی غربی فعلی بادهلیز و رودی و اطاق مجاور آن در شمال تپه تعبیه گشته بالای آن رواق و ایوان را ساخته اند و بعداً در سه طرف دیگر حرم ایوانهایی ساده الحاق نموده بقعه را بصورت کنونی در آورده اند.

داخل دهلیز و رودی سرداب نقاشی و آئینه کاری مختصری بوده راهرو بار یک کوتاهی آن را به سرداب متصل می نماید. بر دیوار جنوبی سرداب محلی جهت زیارت و افروختن شمع با نصب پنجره چوبی تعبیه نموده اند و زواری که می خواهند از نزدیکتر عرض دعا و نیاز کنند بدانجا می روند. داخل حرم نیز به نقاشی و مقرنس کاری عهد قاجار مزین گردیده ضریح چوبی به سبک جعفری دارد و صندوق آلت و لقطی که به نظر می رسد مربوط به زمان فتحعلی شاه قاجار باشد در میان آن قرار گرفته است. از رواق به حرم بوسیله در خاتم بزرگی به عرض ۱/۵۰ متر و ارتفاع ۲/۵۰ متر داخل می شود که طبق نوشته های نستعلیق روی آن «بفرمایش جناب جلالت انتساب میزاحمد صادق قائم مقام باهتمام استادان کربلائی محمد رفیع و مشهدی ابوالقاسم و کربلائی حسن و آقا محمد کریم در ماه شعبان ۱۲۷۱ قمری» (پنج سال پیش از آباد شدن حسین آباد) اتمام یافته. کتیبه های روی در را میرزا محمد حسین شیرازی نوشته و اطراف در ابیاتی از مرثیه های محتشم کاشانی مرقوم رفته است.

بر دیوار رواق، لوحه مفصلی به خط نستعلیق خوش توسط عبدالحسین زرّین قلم بتاریخ ربیع الاول ۱۲۸۶ قمری بدستور میرزا نصرالله گرکانی سر رشته دارمستوفی الممالک نوشته و نصب شده است که شرح مسافرت بی بی شهر بانو و دخترش زبیده خاتون را از کربلا و آنچه بر سر این مادر و دختر آمده است تا آنجا که قاسم ثانی فرزند حضرت قاسم بن الحسن از زبیده خاتون دنیا می آید و پس از چند سال بدست کسان حجاج بن یوسف در قلعه شمیران مقتول گشته جسدش را در درج علیا، پهلوی سر مبارک پدرش دفن نمودند.

لوحه مزبور بسیار مفصل بوده نتیجه تحقیقات مرحوم ملا آقای فاضل دربندی از موثقین و معتبرین روایات و احادیث معتبره است و نقل تمام آن که صورت مقاله جداگانه ای را پیدا

خواهد کرد در اینجا مورد ندارد. تنها یک مطلب قابل اهمیت را نمی توان ناگفته گذاشت و آن نام «ملکشاه غازی» است که در این لوحه پسر یزدگرد شهریار برادر شهر بانو (بی بی شهر بانو) معرفی گردیده است و به نظر نگارنده شاید از این اسم برای اهل تحقیق و صاحبان فرصت مفتاح خوبی جهت کشف مطالب و قضایای مذهبی و تاریخی بدست بیاید.



امامزاده معصوم صالح فره زاد



امامزاده معصوم صالح فرهزاد. تصویر مؤلف در عکس دیده میشود.



امامزاده معصوم صالح فرهزاد



امامزاده معصوم صالح فراهزاد



امامزاده معصوم صالح فراهزاد



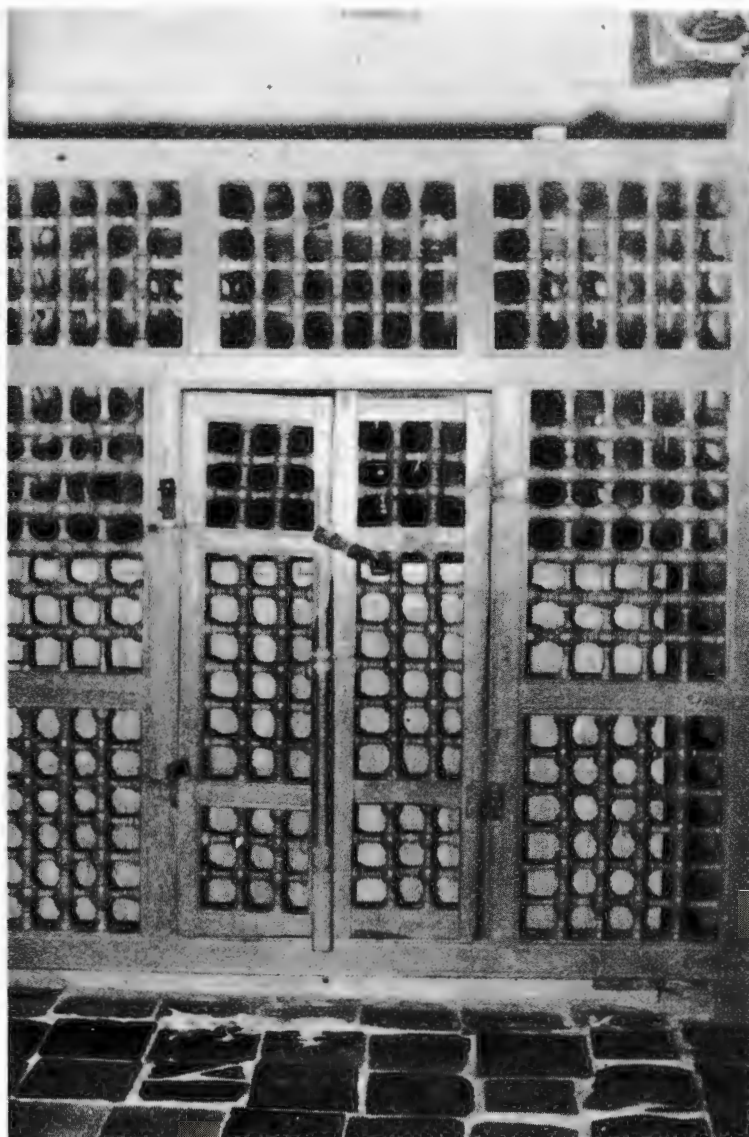
امامزاده معصوم صالح فره‌زاد



امامزاده معصوم صالح فره‌زاد



قسمتی از ضریح امامزاده معصوم صالح فرهزاد



قسمتی از ضریح امامزاده معصوم صالح فراهزاد



امامزاده لویزان



امامزاده صالح تجریش



امامزاده اسماعیل چیز



امامزاده اسماعیل چیز



امامزاده صالح تجریش



امامزاده صالح فرهاد



امامزاده صالح تجریش



امامزاده صالح فرهاد



امامزاده صالح فرهاد

آثار تاریخی کرج

شهر کوچک کرج در شش فرسنگی مغرب تهران دارای بناهای تاریخی زیبایی از آغاز دوران قاجاریه است که در نوع خود منحصر بفرد می باشد. در شهر یارنیز بقایای آبادیهای تاریخی عهد ساسانی وجود دارد که در اینجا اجمالاً معرفی می گردد.

۱- بنای تاریخی کرج

این بنا ساختمان اصلی و اولیه آغاز دوران قاجاریه است که در باغ سلطنتی کرج ساخته شده و باغ آن محل دانشکده کشاورزی گردیده است خوشبختانه عمارت قدیمی مزبور که زمانی در معرض خرابی قطعی قرار گرفته بود بر اثر تصمیم و ابتکار شهامت آمیز مصطفی قلی بیات (صمصام الملک) که ریاست دانشکده کشاورزی را در آن وقت برعهده داشت از خرابی مصون ماند و از آن پس مدتی محل کتابخانه دانشکده بود و اینک کارگاه موزه دانشکده می باشد.

عمارت تاریخی مورد بحث در تاریخ دوم اسفند ماه ۱۳۲۷ ذیل شماره ۳۷۰ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده مشتمل بر تالار بزرگ مرکزی و دهلیزها و اطاقهایی در جانبین آن و همچنین طبقه تحتانی می باشد. تالار بزرگ مرکزی از دو جانب شمال و جنوب بوسیله پنجره های معروف به ارسی مشرف به باغ بوده در قسمت بالای دیوارهای شرقی و غربی آن تصاویر بزرگان قاجاریه را در دوردیف نقاشی کرده و نام هر کدام را نیز نوشته اند بدین قرار: در دیوار شرقی ردیف بالا از راست بچپ: رضاقلی خان قاجار، عباسقلی خان قاجار، علی قلی خان قاجار، جعفرقلی خان قاجار، مرتضی قلی خان قاجار، مهدی قلی خان قاجار، مصطفی قلی خان قاجار

ردیف پائین در وسط آقا محمد خان قاجار بر تخت نادری نشسته بر جانب راست فتحعلی خان قاجار، مهدی خان قاجار، جهانسوز شاه قاجار و بر جانب چپ محمد حسن خان

قاجار، شاه قلی خان قاجار و محمد ولی خان قاجار ترسیم گردیده است. عنوان آقا محمد خان قاجار بر روی تصویر، محمد شاه قاجار ذکر شده و تمام این نقوش با لباسهای رزمی باستانی مانند نقوش شاهنامه های قدیم کشیده شده است.

در دیوار غربی تصویر فتحعلی شاه در وسط دیده می شود و بر دو جانب صورت دوازده نفر از پسرانش رسم گردیده است.

۳۰۲- تخت رستم و تخت کیکاوس شهریار

در حول و حوش شهر تهران بر فراز کوهسارها و تپه ها آثار متعدّد تاریخی وجود دارد که احیاناً برخی از آنها هم تا کنون در هیچ مورد معرفی نشده و نامی از آن نبرده اند. در این گفتار از سه اثر تاریخی عهد ساسانی صحبت می داریم که مردم آنها را بنام دو نفر از شاهان بسیار مشهور سلسله کیان و پهلوان داستانی ایران معاصر این دو شهر یار می خوانند. دو بنای اولی بر فراز کوهستانهای مغرب شهر یار و اثر سومی بر فراز صخره ای در میان کوه البرز نزدیک اوشان واقع گردیده است.

ذکر این نکته مناسب است که جلگه وسیع و آباد شهر یار از قدیم ترین ادوار تاریخی ایران مسکون بوده است چنان که نمونه هایی از ظرف ترین و زیباترین ظروف سفالی منقوش مربوط به حدود شش هزار سال پیش در تپه کوتاهی در شمال قریه اور بن مابین آدران و قاسم آباد شهر یار کشف گردیده قطعات این گونه سفالها بر سطح زمین و داخل خاک تپه مزبور زیاد دیده می شود و حکایت از وجود مرکز تمدن و سکونت هزاران سال پیش در آن نقطه می نماید و همچنین پیدایش ظروف و آثار چند هزار ساله در تپه های متعدّد کوه البرز در نواحی مختلف بین کرج و قزوین از قبیل تپه های خور و بن و آجین دوجین و پشند دلیل دیگر مسکون بودن تمام جلگه پهناور بین تهران و قزوین است و ادامه همین مسکون بودن و آبادی قدیم جلگه مزبور موجب گشته است که در عهد ساسانیان هم تپه های برجهای استحکاماتی و آتشکده های فروزان متعدّد در نقاط مختلف این ناحیه بنیاد گردد.

با ذکر این مقدمه کوتاه اینک بشرح اجمالی دو بنای تاریخی عهد ساسانی در کوهستان انتهای غربی جلگه شهر یار می پوداریم:

در اواسط ضلع غربی خیابانی که از میدان اصلی کرج بطرف دانشکده کشاورزی می رود جاده و خیابان فرعی با مختصر انحرافی بسمت مغرب مجزا می گردد که بکارخانه ذوب آهن و محله مخصوص ابنیه تابعه آن می رود و از میان ابنیه فوق خیابانی رو بجنوب رفته بجاده مشگین آباد منتهی می گردد و جاده مزبور از کنار آبادی بزرگ

مشگین آباد می‌گذرد و پس از آن که یکی دو کیلومتر از اراضی مشگین آباد خارج شدند بجای آن که دنباله راه را که بخط مستقیم و طولانی بسمت آبادی شهنام می‌رود و خوشبختانه طرفین آن را هم درخت کاری نموده‌اند پیمایند باز هم جاده دیگری با انحراف قابل توجهی بسمت مغرب مجزا می‌گردد و این جاده اخیر الذکر شاهراهی است که چند فرسخ امتداد یافته به آبادیهای مهم و متعدد در جلگه شهر یار می‌رسد و برای رسیدن به دوبری عهده ساسانی مورد ذکر نیز از همین راه باید رفت بدین قرار که شاهراه مزبور به آبادی کوشک میرسد و پس از گذشتن از کوشک به بیدکنه میرسند.

تخت کیکاوس

بر فراز تپه سنگی مشرف به آبادی بیدکنه است و بعضی از مردم آنجا با توجه به آثار آتشکده مورد بحث اظهار میدارند که نام اصلی آبادی مزبور بتکده بوده کم کم به بیدکنه تغییر شکل یافته است ولی این حرف صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا صرفنظر از قرائن دیگر هیچوقت نام آتشکده و بتکده بهم مربوط نبوده است.

بهر حال آنچه از تخت کیکاوس باقی مانده آثار سگویی مصنوعی چهار ضلعی غیر منظمی است که هر ضلع آن در حدود ده متر با سنگ لاشه و ملاط گچ ساخته شده، در قلعه تپه مزبور از بلندی قریب هشتاد متر به اراضی وسیعی از جلگه مشرف و مسلط است. در سمت جنوب پائین تپه در کنار درخت انجیر کوهی کهن سالی که بیش از سیصد سال عمر دارد دیوار کوتاهی از سنگ و گچ دیده می‌شود که سابقاً اطاق چهار گوش بوده و مدخلی از سمت شمال شرقی داشته آفتاب بدرون آن نمی‌تابیده است. طول و عرض خارجی این اطاق هر کدام مختصری کمتر از ۵ متر می‌باشد. این اطاق چهار گوش را مردم محل «چارطاق» می‌خوانند و همچنین خود دلیل دیگری بر آتشکده بودن تخت کیکاوس در زمان قدیم می‌باشد. آتش مقدس را در درون این اطاق محفوظ نگهداشته هنگام ادای مراسم مذهبی آن را بر فراز سگویی بالای کوه می‌بردند و پس از انجام آئین مذهبی آن را مجدداً به اطاق مزبور آورده نگهداری می‌نمودند و ظاهراً بعد ها هم در ادوار اسلامی این اطاق مورد استفاده‌های دیگر مذهبی قرار گرفته است متأسفانه از این چهارطاق تاریخی عهده ساسانی جز قسمت کمی از یک دیوار چیز دیگری باقی

نمانده است و توجه بحفظ همین دیوار امر لازم و ضروری است.

[امامزاده قاسم]

در قسمت دیگر دامنه همین تپه بنای نسبتاً معظمی از عهد مغول وجود دارد که زیارتگاه مردم بودن امامزاده قاسم نام دارد و مشتمل بر یک کتیبه و یک رواق و یک دالان و یک ایوان می باشد و با وجودی که طاق ایوان آن فرو ریخته است و گنبد آن را هم ظاهراً در دوره قاجاریه تعمیر و تجدید نموده اند آثار باقیه آن گواه صادق شیوائی بنا و سلیقه معمار سازنده آن است.

تخت رستم

به مسافت قریب یک فرسخ در جنوب تخت کیکاوس قرار دارد و دنباله جاده سابق الذکر به این اثر تاریخی هم میرسد.

برخلاف تخت کیکاوس که چیز مهمی از آن باقی نیست و بشرحی که گذشت اهمیت تاریخی و عظمت بنای امامزاده نزدیک آن بمراتب بیشتر و مهم تر از بقایای تخت کیکاوس می باشد، در تخت رستم آثار بیشتر و مهم تری از آتشکده عهد ساسانی باقی و پدیدار مانده است و بطور کلی مشتمل بر دو قسمت می باشد: یک قسمت صفه بزرگی در دامنه تپه سنگی در ارتفاع قریب چهل متری کف جلگه دیوار سنگی مفصل با ملاط و اندود گچ اطراف آن ساخته اند و در نتیجه محوطه وسیعی از تپه را بشکل متوازی الاضلاع بطول تقریبی ۲۳ متر و به پهنای قریب به همین اندازه بصورت سکونی در آورده اند که محل اجتماع نیایش کنندگان در هنگام ادای مراسم مذهبی بوده است. نزدیک همین صفه بر روی تپه بنای سنگی با پوشش گنبدی شکل ساخته اند که هنوز باقی و مشتمل بر یک طاق و یک ایوان می باشد. طول مجموع این بنا از خارج کمی بیش از ۸ متر و عرض آن بالغ بر چهار متر و نیم است. قسمت دیگر، سکوی دو طبقه نزدیک به نیم دایره شکل بر فراز تپه در ارتفاع قریب ۱۴۰ متری کف جلگه است که با احداث دیوارهای سنگ و گچ و استفاده از تیزی های نوک تپه سکونی بوجود آورده اند و این سکوی دو طبقه هم مانند طبقه بالای تخت کیکاوس محل

افروختن آتش بوده از نزدیک و دور مردم اطراف ناظر و شریک در مراسم عبادت می گشته اند.

اگر کسی روز عاشورا یا ایام دیگر نظیر آن به زیارتگاه هائی مانند امامزاده عزیز در اور بن که بر بالای تپه مشرف به آبادی است برود بخوبی می تواند منظر و چگونگی نیایش ایرانیان را در ادوار پیش از اسلام بنظر آورد و درک نماید.

در تخت رستم هم مانند عموم آثار نظیر آن مردم خام طمع خوش باور و بی اطلاع خرابیهای زیاد به آثار تاریخی وارد ساخته در سنگ خارا در پی گنج رفته اند! و واقعاً بیماری یافتن گنج، آفت بزرگی برای بسیاری از یادگارهای باستانی ایران شده است و برای جبران این گونه خرابکاریها تا حد زیادی... (۱) بمصرف تعمیر و پی بندی و پر کردن سوراخها و حفره هائی که این گونه عناصر خرابکار بوجود آورده اند رسیده است و امید می رود این سنخ فکر کم کم جای خود را به عقل و منطق بدهد و بدست خودمان آثار تاریخی را بیش از این خراب نکنیم.

آثار تاریخی ورامین

بطوری که در آغاز فصل اشاره شد پس از حمله مغول و ویرانی ری مدّتی ورامین رونق و آبادی فراوان یافت و آثار تاریخی چندی هم از همان دوران در ورامین باقی مانده است که اینک اجمالاً به ذکر آنها می پردازد:

۱- برج علاءالدین

در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۷۷ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در کنار میدان مرکزی شهر ورامین برج مدور آجری خارجی مضرّس دارای ۳۴ ترک و گنبد مخروطی شکل کتیبه کوفی تزئینی از کاشی فیروزه فام بر بالای بدنه مضرّس آن نصب شده زیبایی مخصوص بدان می بخشد. این کتیبه حاوی القاب علاء الدّین - نام امیر محلی - است که در سال ۶۸۸ هجری برج مزبور را برای مقبره خود بنیاد نهاده است. فواصل آجرها مانند بسیاری ابنیه عهد سلجوقی و مغول بوسیله گچ بری منقور تزئین یافته است.

۲- مسجد جامع

در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۷۶ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

مهمترین بنای تاریخی شهر ورامین که در جنوب شهر کنونی واقع گردیده است دارای گچ بریهای عالی و کاشی کاریهای زیبای دوران مغول در زمان سلطان محمد اولجایتو خدابنده آغاز گردیده و در زمان فرزندش ابوسعید ادامه یافته است تاریخهای ۷۲۲ و ۷۲۶ در شبستان و گنبد اصلی دیده می شود ایوان جنوبی در زمان

شاهرخ تیموری احداث گشته کتیبه‌های تاریخی در آن نصب است که نام شاهرخ و یوسف خواجه وزیر آن شهر یار و سال ۸۱۵ هجری را در بر دارد. نقشه این مسجد بسیار بدیع و از نمونه‌های ممتاز معماری قرن هشتم ایران بشمار می‌رود و قسمت غربی مسجد بر اثر جهل مردم و سوانح روزگار بکلی از میان رفته قسمتهای دیگر نیز در دست انهدام بود و در سالهای اخیر تدریجاً بوسیله باستان‌شناسی مرمت و تجدید می‌گردد.

۳- امامزاده یحیی

در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۱۱ ذیل شماره ۱۹۹ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

در قسمت جنوب شرقی شهر ورامین در محل معروف به «کهنه گل» بقعه‌ای آجری در میان صحن و سیمی قرار دارد. داخل بقعه بر خلاف منظر ساده و بی پیرایه بیرون آن تزئینات عالی گچ بری دارد و نام ابو محمد الحسن بن المرتضی بن حسین محمد بن الحسن بن ابی زید و تاریخ محرم سال ۷۰۷ هجری بر کتیبه گچ بری از اره آن موجود است. علاوه بر تزئینات گچ بری مزبور محراب کاشی بسیار نفیس و از اره کاشیهای ستاره و چلیپا شکل زینت بخش حرم این امامزاده بوده که در حدود پنجاه سال پیش بر اثر جهل و طمع متصدیان از محل خود بر داشته شد و از ایران بیرون رفت استاد سازنده آن علی بن محمد بن ابی طاهر و تاریخ آن ۶۶۳ هجری بود و اینک در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری میشود. قسمتی از کاشیهای آن هم در موزه ارمیتاژ لنین گراد و برخی موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی خارج ایران است.

۴- شاهزاده حسین

در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۸ ذیل شماره ۳۳۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

در داخل شهر ورامین (قسمت شمالی) بنای دیگری از دوران مغول وجود دارد که اینک قسمتی از محراب کاشی کاری معرق آن باقی است و از بقایای اثر هنری عالی بشمار می‌رود.

۵- امامزاده جعفر (پیشوا)

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۱۷ ذیل شماره ۳۱۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

در شش کیلومتری مشرق شهر ورامین در وسط قصبه‌ای بهمین نام که اخیراً آن را پیشوا نامیده‌اند بنای مرتفع مجلل از عهد صفویه با گنبد کاشی کاری و صحن وسیع و دلباز که دو درخت سروکهن هم جلوی ایوان بقعه قرار دارد. کتیبه ایوان حکایت از تعمیر بقعه والحاق ایوان به امر فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۲۷ هـ می‌نماید. بر در منبت کاری ضریح چوبی نام امامزاده جعفر حواری فرزند امام هفتم (ع) و سال تاریخ ۹۹۴ مرقوم رفته بانی آن شرف الدین علی و سازنده آن استاد محمد فرزند استاد علاءالدین رازی ذکر گشته است. در منبت حرم بنام شاه طهماسب و مورخ به سال ۹۵۰ بوده اثر تاریخی و هنری مهمی بشمار میرود.

آثار تاریخی دماوند و بومهن

مهمترین آثار تاریخی ادوار اسلامی در قصبه ییلاقی و آباد دماوند بدین قرار است:

۱- مسجد جمعه:

در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۴ ذیل شماره ۲۳۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

بنای جالب توجهی که بر فراز ستونها و رومیهای آجرو سنگ پوشش تیری مسطح ترتیب داده بودند و این وضع ساختمان کاملاً به معماری عهد ساسانی پیوستگی و شباهت داشت. بر چوبهای بالای ستونهای شبستان مسجد، نام شاه اسماعیل اول صفوی و تاریخ ۹۲۷ و مصطفی بن جمال الدین (بانی) و محمد شجاعی (کاتب) مرقوم رفته بود. در سال ۸۱۲ نیز خواجه یاقوت نام، بانی تجدید ساختمان مسجد شده و محمد رئیس بن نعمت الله بانی چوبهای مربع بالای ستونها گردیده بود. در این مرحله تعمیر، نام نجار جمال الدین فرزند محمد و نویسنده کتیبه ها علی فرزند فتح الله بوده است. در مسجد از آثار اواخر صفویه بود. بر اثر نوسازی مسجد، همگی این آثار را از بین بردند (!) و تنها دو ستون آن بر اثر اقدامات باستان شناسی بصورتی نامأنوس و غیر عادی همچون زائده ای در وسط فضای شبستان تازه، بر پا مانده است که کمترین نقشی از لحاظ ساختمان و هیچگونه فایده دیگری بر آنها مترتب نیست. مناره مجاور هم از دوره مغول بوده چند سال پیش از نوسازی مسجد، از طرف شهرداری دماوند تعمیر و مرمت یافته است.

۲- برج شبلی

برج هشت گوش آخری زیبا و متناسبی که تصور میرود مربوط به قرن ششم هجری باشد همانند دو برج آجری مهم سده پنجم هجری در خرقان (آب گرم) نماسازی آجری آن یک بار در زمان قدیم، مدت کمی پس از ساختمان برج تجدید و تغییر یافته است و چند سال پیش وسیله اداره فرهنگ تعمیر و پی بندی آن صورت گرفت.

۳- امامزاده عبدالله

در مجاورت تکیه دماوند قرار گرفته، موقعیت و منظر زیبایی با گنبد کاشی در کنار درختان کهن دارد، صندوق منبت آن مورخ به ۸۸۵ هجری بوده محجر روی صندوق بوسیله خواجه محمد فرزند خواجه جلال الدین در سال ۱۰۰۷ هجری ساخته شده است، بر بالای در ورودی امامزاده ۴ بیت شعر فارسی حکیمانه نوشته شده و نام بانی دین غیاث الدین فرزند یوسف ذکر گردیده است.

۴- امامزاده محمد یا فرامه

بنای ساده سنگ و گچ که صندوق آن ظاهراً مربوط بقرن نهم هجری است.

۵- امامزاده عبدالله یا چهل تن

نمای بی پیرایه که گنبد آن مخروطی و بدنه خارجی آن مصرس (خیاری) است. در زیارت نامه، نام آن امامزاده عبدالله و خلیل الله آمده لکن مردم آن را چهل تن می خوانند، صندوق منبت آن ظاهراً از قرن نهم هجری است که صلوات چهارده مهصوم و نام بانی و کاتب و نجار و تاریخ ۱۰۰۳ را بر آن نرشته اند.

امامزاده مطهر (بومهن)

درقریه بومهن واقع در کنار راه دماوند، بقعه زیبای هشت گوش آجری با گنبد هرمی شکل ۱۲ ضلع وجود دارد که تصور نزدیک به یقین میرود مربوط بقرن هفتم

هجری باشد. صندوق بزرگ منبتی بر روی مرقد آن است که از نوشته آن معلوم می شود بدستور ملک کیومرث در سال ۸۴۷ بوسیله استاد حسین نجار ساخته شده است. در بقعه مورخ به سال ۹۶۳ می باشد.



امامزاده عبدالله وعیبدالله دماوند. ۴۹/۹/۲۰



امامزاده عبدالله دماوند

ضمائم

- ۱- آستان قدس رضوی
- ۲- آستانه حضرت عبدالعظیم
- ۳- چهاربنا در چهارشهر بنام قلعه دختر
- ۴- غنی ترین بقاع متبرک
- ۵- بادگیر پدیده‌ای زیبا و سهل و ممتنع در معماری اصیل ایرانی
- ۶- مسجد جمعه نائین
- ۷- فهرست آثار باستانی و ابنیه تاریخی ایران بطور تفکیک
- ۸- هنرهای تزئینی و بناهای تاریخی ایران با شرح نام و محل و تاریخ و طرح بنا
- ۹- آثار و ابنیه اسلامی قسمتهایی از استان مرکزی
- ۱۰- سیری در آثار پیش از عهد صفویه شهر تهران
- ۱۱- یادداشت درباره خانه بزرگ قدیمی محل انجمن آثار ملی در تهران

آستان قدس رضوی (توصیف و تاریخ بنا) *

حضرت علی بن موسی الرضا، امام هشتم شیعیان روز یازدهم ذیقعد سال ۱۴۸ هجری (۷۶۵ میلادی) در مدینه متولد شد^۱ و همانطور که در مقاله آستان قدس رضوی مندرج در شماره اول دانشنامه ایران و اسلام ذکر شده است در سال ۲۰۲ هجری (۸۱۷ میلادی) روز ۲۱ ماه رمضان مسموم و شهید گردید (هرچند بیشتر مورخان رحلت آن حضرت را ۳۰ ماه صفر سال ۲۰۳ ذکر کرده‌اند آنچه در مقاله نامبرده اشاره گشته به دلیلهای قوی معتبرتر است) و در بقعه هارونی نزدیک به ضلع غربی بقعه بالای سرقبر هارون مدفون گشت. بقعه هارونی در خانه و باغ حمیدالدین قحطبه طائی حاکم طوس به دستور مأمون عباسی (۱۹۸ تا ۲۱۸ هجری = ۸۱۴ تا ۸۳۳ میلادی) برای آرامگاه پدرش هارون ساخته شده و در قریه سناباد به مسافت چهارفرسخی (۲۴ کیلومتری) تابران طوس واقع بود و پس از آنکه حضرت رضا گشت به «مشهد» شهرت یافت.^۲

بدین قرار آستانه حضرت رضا (ع) در مرحله اول همان بقعه هارونی بود که در نخستین سالهای خلافت مأمون بر فراز گور هارون ساخته شد و چنین نقل کرده‌اند که در زمان دیلمیان در تزئین آن کوششهایی بعمل آمده است.^۳ پس از آن ناصرالدین سبکتکین پادشاه غزنوی (۳۶۶ تا ۳۸۷ هجری = ۹۷۶ تا ۹۹۷ میلادی) بقعه را از راه تعصب خراب کرد.^۴ چنانکه از بنای عهد مأمون فقط اندکی بیش از دومتر دیوارهای آن برجای ماند.^۵ تا اینکه سلطان محمود غزنوی (۳۸۷ تا ۴۲۱ هجری = ۹۹۷ تا ۱۰۳۰ میلادی) در عالم رؤیا مورد خطاب حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) قرار گرفت که بوی

۱. در نخستین شماره دانشنامه ایران و اسلام (چاپ تهران ۱۳۵۴) صفحه ۸۹ بعد مقاله ای درباره آستان قدس رضوی نوشته پژوهنده گرامی آقای عبدالحمید مولوی درج شده است — مقاله حاضر هم بمنظور ذکر اطلاعات بیشتر درباره چگونگی بنای نامبرده تدوین و منتشر میگردد و طبعاً در مواردی چند به مقاله آقای مولوی اشاره میرود و همچنین به دفعات از اطلاعات ایشان ضمن مذاکره حضوری بهره گرفته شده است.

فرمودند «تا چند اینچنین خواهد ماند» (إِلَى مَتَى هَذَا) و سلطان دانست مقصود حضرت چگونگی بقعه حضرت رضا است و در نتیجه باردیگر بقعه متبرک نامبرده ساخته شد و این کار در سال ۴۰۰ هجری (= ۱۰۰۹ میلادی) به کوشش بوبکر شهرد کدخدای فائق الخادم خاصه انجام گرفت و سوری بن معتز حاکم وقت نیشابور «در آن زیادتهای بسیار فرموده بود و مناره ای کرد (همین مناره است که اکنون بر فراز ایوان طلای صحن کهنه نزدیک گنبد مطهر قرار دارد و بشرحی که خواهد آمد بعداً آنرا با خشتهای زرین و تزئینات دیگر آراسته اند) و دیهی فاخر بر آن وقف نمود».^۶

بامشاهده و بررسی چگونگی معماری حرم مطهر آستانه حضرت رضا(ع) از نزدیک و مقایسه آن با بنای تایخی گور ارسلان جاذب (فرمانروای طوس در زمان سلطان محمود غزنوی) در نزدیکی روستای سنگ بست به مسافت حدود چهل کیلومتری خاوری مشهد نزدیک راه مشهد به فریمان که آنهم مقارن با ساختمان آستانه رضوی در مرحله مورد بحث احداث گشته است بخوبی میتوان همانندی دو بنای نامبرده را از نظر طرح کلی ساختمان و ترتیب گوشوارهای بالای گوشه بنا و پوشش آن و طرز چهاردهانه طاقهای وسط چهارضلع اصلی آنها در یافت تا آنجا که هرکس بخواهد از هیئت اصلی بنای کنونی حرم مطهر حضرت رضا(ع) آگاه شود کافی است بنای گور ارسلان جاذب را (که در محل بنام ایاز خوانده میشود) بازدید و بررسی نماید (و چه بسا اگر تزئینات درونی طاق زیرین بنای حرم را بردارند سفت کاری این قسمت نیز همچون آجرکاری زیر طاق بنای نامبرده باشد).

اندازه های بنای اصلی و مرکزی آستانه حضرت رضا(ع) طبق آنچه از مقاله آقای عبدالحمید مولوی در شماره اول دانشنامه و صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ راهنمایا تاریخ آستان قدس رضوی تالیف آقای علی مؤتمن (چاپ تهران - شهریور ۱۳۴۸) برمی آید بدین قرار بوده است: درازای حریم شمالی جنوبی ۱۰/۹۰ متر^۷ - پهنای حرم شرقی غربی ۱۰/۴۰ متر - بلندی تا زیر عرقچین ۱۸/۸۰ متر - بلندی نوک گنبد از کف حرم ۳۱/۲۰ متر - محیط خارجی گنبد ۴۲/۱ متر - بلندی قسمت طلاکاری گنبد ۱۶/۴۰ متر - بلندی سرطوق زرین گنبد ۳/۵ متر (در سالهای اخیر کف حرم را چهل سانتیمتر بالا آورده اند و طبعاً از بلندی طاق و نوک گنبد به همین اندازه کاسته شده است).

بر اثر حمله غزان در سال ۵۴۸ هجری (= ۱۱۵۳ میلادی)^۸ به بنای آستانه

متبرک و یرانی و صدمه فراوان وارد آمد و چند سال بعد شرف الدین ابوطاهر بن سعد بن علی قمی بهزینه شخصی خود یا بوکالت از سوی سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱ تا ۵۵۷ هجری) آنرا تعمیر و احیا نمود^۹ و نیز در اواخر عهد سلجوقیان زمرّد ملک فرزند خواهرزاده سلطان سنجر یعنی دختر سلطان محمود بن محمد ایلک خانی^{۱۰} ازاره حرم را با کاشیهای نفیس رنگی ستاره ای و هشت ضلعی و شش ضلعی مزین ساخت و تاریخ این تزئین چنانکه از نوشته روی بقایای آن کاشیها برمی آید پس از سال ۵۵۷ هجری است^{۱۱} نام این بانوی نیکوکار بر روی یکی از کاشیها چنین آمده است: «ترکان زمرّد ملکه بنت سلطان شهید محمود»^{۱۲}.

درموزه آستانقدس رضوی سنگاب بزرگ سنگی گردی وجود دارد که از جمله آثار تاریخی و هنری ممتاز بشمار میرود و از نوشته های آن برمی آید که بنام سلطان محمد خوارزمشاه و وزیرش نظام الملک در سال ۵۹۹ هجری (= ۱۲۰۰ میلادی) یعنی نخستین سال سلطنت پادشاه نامبرده ساخته شده سازندگان آن بنامهای محمد بن احمد... محمد... محمد... مسعود نقاش در نوشته های سنگاب ذکر گشته است.^{۱۳}

بر حاشیه بیرونی اطراف در ورودی حرم مطهر از سمت پیش رو (از جانب رواق موسوم به دارالحفاظ) کتیبه کاشی خشتی بسیار نفیس با خطوط ثلث برجسته بر دیوار نصب است که در آن اشاره به تعلق داشتن روضه مقدسه به حضرت رضا (ع) و نام و نسب آن حضرت تا حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) مینماید و این جمله ها در پایان آن بخط ریز مرقوم رفته است:

«من عمل العبد المذنب الرّاجی الی رحمة ربّه مولی الامام علیه الصلوة والسلام علی بن محمد المقری غفرالله له» و «اضعف عبادالله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسن بعد ماعمله و صنعه فی تاریخ غرة جمادی الاولى سنة اثنی عشر و ستمائه غفرالله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات بمحمد وعترته الطّاهرين».

از این دو عبارت معلوم میگردد نویسنده کتیبه کاشی نفیس مورد ذکر و به احتمال کمتر بانی آن علی بن محمد مقری و سازنده کاشیها محمد بن ابی طاهر بوده است.^{۱۴}

کتیبه ای هم بخط ریز در جای دیگری از حاشیه نامبرده پیرامون کلمه های «ورحمة الله و برکاته» (که بخشی از متن اصلی است) نوشته شده دوبیت در مدح

حضرت رضا(ع) از سروده‌های ابونواس شاعر عرب و این عبارت را در بردارد: «تَقَرَّبَ بِهَذِهِ الْعِمَارَةِ الْعَبْدَ الضَّعِيفَ الذَّلِيلَ الْمَحْتَاجَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مَوْلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ آدَمَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْقَمِي حَشْرَهُ اللَّهُ مَعَهُ وَمَعَ آلِهِ».

از این جمله معلوم می‌گردد عبدالعزیز پسر آدم و نوادهٔ ابی نصر قمی سازندهٔ بنای سردر مورد بحث بوده است ضمناً نام همین شخص بخط ریز در محراب واقع در جنوب غربی حرم مطهر مرقوم رفته^{۱۵} و در انتهای کتیبهٔ همان محراب هم چنین نوشته شده است: «فی ربيع الآخر سنة اثنی عشر و ستمائه» و از طرف دیگر در صفةٔ شمالی حرم مطهر که صفةٔ شاه طهماسبی نامیده میشود ضمن نقل حدیث نبوی جملهٔ «من شهوَر سنة اثنی عشر و ستمائه» و همچنین دو بیت فارسی: «باد ا هزار بار فزون تر سلام حق، بر توایا غریب خراسان امام حق، مشتاق حضرت توام ای سید شهید، حقاً که هستم از دل و ازجان غلام حق» و در دنبالهٔ آن عبارت «قائلهٔ عبدالله بن محمود بن عبدالله فی شهوَر سنة اثنی عشر و ستمائه» مرقوم رفته است.

با توجه به آنچه گذشت میتوان بجرئت اظهار نمود که در سال ۶۱۲ هجری (= ۱۲۱۵ میلادی) یعنی اواخر دوران خوارزمشاهیان و ۶ سال پیش از حملهٔ مغول* ترتیب کار سردر و ورودی سمت پیش روی مبارک و تهیه و نصب کاشیهای نفیس کتیبهٔ آنجا و ازاره و محرابهای متعدد داخل حرم مطهر صورت گرفته است.

صدمه‌ها و ویرانیهای حاصل از فاجعهٔ مغول دامن گیر آستان قدس رضوی هم شد و بر اثر یورش تولی خان شهر مشهد و بارگاه امام هشتم(ع) آسیب فراوان دید و قرائن امر میرساند این بار در مرحلهٔ اول غازان خان گنبد را بنیاد نهاد و پس از او سلطان محمد خداپسند ملقب به الجایتوبهادر شهر یار شیعی مذهب مغول (۷۰۳ تا ۷۱۶ هجری = ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۶ میلادی) به تعمیر آن همت گمارد.^{۱۶}

تا این زمان بنای آستان قدس رضوی مشتمل بر حرم مطهر و چند بنای کوچک متصل به ضلع شمالی حرم و مسجد بالاسر متصل به ضلع غربی حرم بود، بانی مسجد اخیرالذکر ابوالحسن عراقی از دبیران عهد غزنوی بوده^{۱۷} درازای آن ۸ متر، پهنای آن ۵/۴ متر، ارتفاع آن ۱۰ متر و هنوز هم باقی است.

مسجد بالاسر مستقیماً به حرم مطهر راه نداشت بلکه قبلاً از سمت مغرب یعنی رواق دارالسیاده و پس از آن هم از راهرو پشت دیوار شمالی حرم که آنرا پس و پشت

می‌نامیدند به مسجد نامبرده رفت و آمد مینمودند و طبق اظهار دانشمندگرامی آقای عبدالحمید مولوی بر بالای ازاره سنگی مسجد بالاسر چند بیت شعر نوشته شده و حاکی از این بود که محمدولی میرزا فرزند فتحعلیشاه قاجار در دوران ایالت خراسان خود حرم و مسجد بالاسر را بهم راه داده و متصل کرده است.

در نقشه مندرج در کتاب سرپرسی سایکس هم بسته بودن دهانه طاق بین حرم مطهر و مسجد بالاسر پدیدار است^{۱۸} ضمناً در موزه آستان قدس روی یک پنجره فولادی زرکوب با نوشته‌های زرین به پهنای یک متر و بلندی ۱/۲۷ متر وجود دارد که بخشی از کتیبه‌های آن بدین قرار است: «امر بعمارة هذا البنجره من خاص ماله السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم معزالدنیاوالدین شاهرخ بهادر خلدالله ملکه ... فی شهر (شهر) محرم من سنه سبع عشر و ثمانمائه عمل استاد شیخ علی خودگر بخارائی عمل استادان کوفتکر مولانا شمس طبسی و استاد محمود کوفتگر و استاد (با) سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد... عمل حاجی محمد بن علی حافظ اسفراینی فی شهر (شهر) محرم سنة سبع عشر و ثمانمائه»^{۱۹} در این کتیبه اشاره به ساختن (عمارت) پنجره شده است و طبعاً این کار که چند سال پیش از ساختمان مسجد گوهرشاد و رواقهای دارالحفاظ و دارالسیاده صورت گرفته بود در یکی از بناهای مجاور حرم انجام پذیرفته است و از مضمون نوشته بخوبی میتوان دریافت که به ضریح مطهر هم تعلق پیدا نمی‌کند. هنگامی که نگارنده به بررسی این موضوع پرداختم چگونگی را با آقای عبدالحمید مولوی نیز در میان گذاشتم و هردونفر چنین پنداشتیم که به احتمال بیشتر پنجره نامبرده بر قسمت بالای آستانه بین حرم و مسجد بالاسر (پیش از آنکه تمام این آستانه را بگشایند و حرم و مسجد را یکسره راه بدهند) نصب گشته بوده است.

در سمت قرینه راهرو سابق الذکر (موسوم به پس و پشت) در جانب دیگر صقه شاه طهماسبی (دهانه ورودی شمال حرم) مسجد ریاض یا مسجد زنانه به اندازه تقریبی ۴۰/۳۰ x ۷/۲۰ متر وجود داشت و اطاق کوچکی هم بنام قرآن خانه در زاویه جنوب شرقی ایوان طلای صحن کهنه موجود بود و ضمن تعمیرات و نوسازی‌های سالهای ۴۲-۴۴ خورشیدی هرسه قسمت بالا (پس و پشت-مسجد زنانه - قرآن خانه) به دورواق متصل بیکدیگر بنام دارالفیض و دارالشکر تبدیل شده و تغییر شکل یافت.^{۲۰}

این بطوطه (قاضی شمس الدین محمد) جهانگرد معروف مراکشی از مردم طنجه که در سال ۷۳۴ هجری (۱۳۳۳ میلادی) از راه جام به طوس آمده است می‌نویسد

که «در مشهد مکرم قبه عظیمی است در داخل زاویه و در جنب آن مدرسه و مسجدیست که همه از ابنیه عالیّه مطبوعه است. دیوارهای این ابنیه را با خشت کاشانی مزین کرده و بر روی مرقد حضرت رضا علیه السلام صندوقی چوبی نصب شده و بر روی صندوق صفحات نقره کوبیده اند و قندیلهای نقره بالای مرقد آویخته و آستانه در قبه نیز نقره است و بر در مزبور پرده ای از پارچه حریر مذهب مشاهده میشود و انواع فرشها در قبه گسترده اند و در برابر مرقد حضرت رضا (ع) قبر هارون الرشید است که بر روی آن نیز صندوقی نصب شده و شمعدانها روی آن گذاشته اند»^{۲۱}.

پس از گذشتن دوران مغول چون نوبت به عهد جانشینان امیر تیمور رسید بناهای مهم و قابل توجه در جوانب حرم مطهر و متصل بآن افزوده گشت و غیر از مسجد بالاسر و راهروهای آن نشانه ای از بناهای مورد ذکر این بطوطه باقی نماند.^{۲۲}

مسجد جامع گوهرشاد که در حقیقت صحن جنوبی حرم باشد مورخ به سال ۸۲۱ هجری (۱۴۱۸ میلادی) بوده به فاصله ۱۸ متری در سمت قبله حرم مطهر به همت گوهرشاد آغا همسر شاهرخ تیموری ساخته و پرداخته شده است و مقارن با ساختمان آن چند بنای مهم دیگر هم متصل به حرم یا در نزدیکی آن احداث گردید چنانکه رواق بزرگ دارالحفاظ یعنی راه ورود اصلی از سمت پیش روی مبارک و رواق بزرگتر دارالستیاده در مغرب آن (از ایوان شمالی مسجد گوهرشاد تا محاذی انتهای شمالی مسجد بالاسر) متصل به حرم ساخته شد و در محوطه نیمه جنوبی رواق کنونی دارالسلام که سمت مشرق دارالحفاظ قرار دارد بنای ساده انبارمانندی از تعلقات مسجد گوهرشاد احداث گشت که ضمن اصلاح و توسعه رواق نامبرده تغییر صورت یافت.

بناهای مدرسه پریزاد و مدرسه بالاسر متصل به جانب غربی دارالستیاده و مدرسه دیگری بنام مدرسه دودر (مورخ به سال ۸۴۳ هجری نیز از آثار دوران شاهرخ تیموری همسر گوهرشاد آغا) به فاصله بسیار کم در جانب غربی و روبروی مدرسه پریزاد ساخته شد.^{۲۳}

نقشه های قدیمی مجموعه آستان قدس رضوی می نماید که در محل نیمه شمالی رواق دارالسلام هم قبلاً بنای کوچک و ساده ای بنام گنبد اوپک میرزا وجود داشت و طرح آن به ابعاد کوچکتر همانند قسمت مرکزی دارالستیاده و گنبد الله وردیخان بود. اپک میرزا (یا به تلفظ اصلی دوران تیموری کوپک میرزا) پسر سلطان حسین بایقرا واپسین شهریار تیموری بود^{۲۴} و از همین نام برمی آید که گنبد نامبرده را در اواخر دوران

تیموری ساخته بودند.

بنای اصلی و نخستین ایوان طلای صحن کهنه هم از آثار اواخر دوران تیموری بوده بانی آن امیرعلیشیرنوائی وزیرسلطان حسین بایقرا (۸۷۸ تا ۹۱۲ هجری = ۱۴۷۳ تا ۱۵۰۶ میلادی) است و صحن کهنه در آن هنگام به وسعت کنونی نبوده ایوان نامبرده در وسط صحن قرار نمی گرفته است^{۲۵} و در زمان شاه عباس بزرگ با بزرگ کردن صحن در وسط واقع گشته است^{۲۶}.

ضلع جنوبی ایوان شامل دو آستانه بزرگ است آستانه جانب شرقی به رواق تازه ساز دارالشکر و از آنجا به مسجد بالاسر ارتباط می یابد و آستانه جانب غربی به رواق تازه ساز دارالخلاص و از آنجا به دارالسیاده مربوط می گردد.

نگارنده در سالهای پیش هنگام رفتن از این ایوان به دارالسیاده آثار کاشیکاری و چارچوبهای دوران تیموری را در آستانه های چند دیده بودم و از طرف دیگر مقبره ابوالقاسم بابر پسر بایسنغر (نوه شاهرخ که پس از عموی خود الغ بیک مدت ۲ سال از ۸۶۱ تا ۸۶۳ هجری = ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹ میلادی سلطنت نمود) در اطاق گوشه شمال شرقی مدرسه بالاسر واقع بود و گنبد کاشی هم داشت. شادروان محمد ولی اسدی هنگام نیابت تولیت خود به عنوان اینکه در مجاورت گنبد طلای حضرت ثامن الائمه بودن گنبد برفراز گور دیگری مناسب نیست دستور برداشتن گنبد کاشی را داد و پس از تعمیر، آثار ساقه گنبد را نیز برداشتند و فضای مقبره را ضمیمه بناهای آستان قدس نمودند و هم اکنون از کفش داری بزرگ واقع در مغرب ایوان طلای صحن کهنه که به رواق دارالخلاص بروند از محل این مقبره می گذرند که بکلی تغییر صورت پیدا کرده است.^{۲۷}

از بررسی آثار دوران تیموری در بناهای آستان قدس رضوی معلوم میشود تا پایان آن دوره که سالهای چندی نیز هم عصر با آغاز دوران صفوی بوده^{۲۸} فعالیت های آبادانی عهد تیموری در مجموعه نامبرده ادامه داشته است و از شاه اسمعیل اول اثر ساختمانی در آنجا به چشم نمی خورد.

شاه طهماسب اول مناره نزدیک گنبد مطهر را مرمت و طلاکاری نمود^{۲۹} و در سال ۹۳۲ هجری (۱۵۲۶ میلادی) گنبد رضوی را که به کاشیهای نفیس مزین بود بدون اینکه در اصل بنا تغییری بدهد با خشتهای طلا (بجای پوشش کاشی) بیاراست اما طولی نکشید

در فتنه اوزبک عبدالؤمن خان ضمن تاراج نفایس آستانه، خشتهای طلای گنبد و گلدسته (مناره) را فروریخته طلای آنها را بمصرف رسانید تا در سال ۱۰۱۰ هجری (۱۶۰۱ میلادی) که شاه عباس کبیر پیاده از اصفهان به مشهد آمد طلاکاری گنبد را تجدید نمود.^{۳۰}

شاه طهماسب اول اثر بس مهم و نفیسی در آستانه رضوی بجا گذارد و آن صفحات کتیبه مشبک طلا حاوی سوره هَلْ أَتَى (الانسان - سوره ۷۶) به خط ثلث شیوا و مجموعاً مشتمل بر ۱۶۶ قطعه کوچک و بزرگ است که بر صندوق مرقد امام (ع) نصب بود و بر روی صفحه بزرگتر چنین نگاشته آمده است: «بتوفیق الهی و تایید حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین طهماسب بن اسمعیل الصفوی بوضع این محجّر طلا در این موضع عرض اعتلا موقّق و مؤید گردید سنه ۹۵۷»^{۳۱} این صفحات کتیبه (و نوشته های زر دیگر از آثار شاه عباس بزرگ که بعداً ذکر آنها خواهد آمد) پس از پوسیده شدن صندوق و جداماندن از آن وضعی نگران آور پیدا کرد و خوشبختانه بعداً بصورتی نیکو به ملکیت مجدد آستان قدس درآمد و اینک در موزه آنجا موجود و محفوظ است.

در دوران سلطنت شاه عباس بزرگ همچون زمان شاهرخ تیموری بناها و آثار زیاد دیگری در مجموعه آستان قدس رضوی بوجود آمد که شمه ای از آن قبلاً مذکور افتاد (ذیل شماره ۲۶ همین مقاله) وسعت دادن صحن کهنه، احداث ایوان شمالی و اطاقها و غرفه های همان سمت و سردرها و ایوانهای شرقی و غربی آن، ایجاد تمام خیابان بزرگ شرقی و غربی که صحن کهنه و بستهای دو سمت مشرق و مغرب آن هم در مسیر این خیابان قرار دارد از جمله این اقدامات بشمار میرود.

در کتیبه میناکاری گنبد طلای آستان قدس رضوی اشاره شده است که شاه عباس بزرگ به سال ۱۰۱۰ هجری (۱۶۰۱ میلادی) پیاده از اصفهان به مشهد آمده و در همان سال به تزئین قبه (که طبعاً منظور طلاکاری گنبد است) موفق گردیده و این کار در سال ۱۰۱۶ هجری پایان پذیرفته است. نام علیرضا عباسی نویسنده کتیبه و کمال الدین محمود نازل یزدی و محمد باقر پسر حاجی زمان جیلانی (گیلانی) استادان زرگرو سال تاریخ ۱۰۱۵ نیز در کتیبه نامبرده مرقوم رفته است.

در نخستین سالهایی که گنبد را به خشتهای زرین می آراستند نوشته هایی هم

برصفحات بزرگ و کوچک زر بفرمان شاه عباس بزرگ بوسله علیرضا عباسی خوشنویس معروف عهد صفویه بخط ثلث یا نستعلیق مشتمل بر آیه الكرسی و صلوات بر چهارده معصوم و اشعار فارسی نگاشته و بر صندوق روی مرقد نصب گردید. جمله های حاوی مطالب تاریخی آن بدینقرار است:

«امر بصناعة المرقدا لاشرف الاقدس تراب اقدام زوار هذا الحرم عباس الحسینی، کتبه عبدالمذنب علیرضا عباسی سنه ۱۰۱۱ عمل کلب رضا هست علی سنه ۱۰۱۲» - مجموع صفحات موجود آن به اندازه های مختلف بالغ بر هیجده قطعه است^{۳۲} سرنوشت این صفحات زر و نوشته های نفیس با آنچه درباره کتیبه مشبک و لوحه های طلا مربوط به دوران شاه طهماسب توضیح داده شد یکسان بوده خوشبختانه بهمان گونه به موزه آستان قدس بازگردانده شد و محفوظ ماند.

مقارن با همان زمان در جوار حرم مطهر نیز بناهایی احداث گردید که جوانب شمال و شمال شرقی و مشرق آنرا در بر میگرفت. رواق معروف به توحیدخانه (که آنرا از آثار ملا محسن فیض روحانی معروف زمان شاه عباس میدانند) در شمال حرم که از راه رواق دارالفیض با آنجا ارتباط دارد و از جانب شمال بوسیله پنجره فولاد معروف به صحن کهنه مشرف میگردد. رواق موسوم به گنبد اللهوردیخان شامل بنای هشت ضلعی بسیار زیبا و آراسته که مشتمل بر کاشیکاری معرق بسیار نفیس بوده بانی آن اللهوردیخان سپهسالار معروف شاه عباس است در مشرق توحیدخانه و دارالفیض و در شمال شرقی حرم مطهر واقع گشته و گور اللهوردیخان نیز در همان جا قرار دارد و سردر بس معظم و مجلل آن با کتیبه ها و تزئینات گوناگون کاشی معرق بسیار عالی روبه مشرق واقع است و در پایان کتیبه آن چنین آمده است: «..... والبنی لهذا البناء الرفیع اقل عبیده الامیر الامراء الزمان اللهوردیخان وفقه الله لما یحب و یرضی. عمل امیر بن حاج محمود نظرانی ۱۰۲۲» از نوشته تاریخ عالم آرای عباسی (چاپ تهران جلد ۳ ص ۶۱۵) چنین برمی آید که ساختمان گنبد اللهوردیخان از ۱۰۱۳ تا ۱۰۲۱ هجری بطول انجامید و سردار نامبرده در ۴ ربیع الثانی سال ۱۰۲۲ بدرود زندگی گفت و کالبدش را به مشهد بردند و در گنبدی که بدستور وی بشرح بالا ساخته شده بود بخاک سپردند. بدین قرار تاریخ مرقوم در پایان کتیبه سردر آن مربوط به آغاز سال ۱۰۲۲ هجری (۱۶۱۳ میلادی) میگردد.

در دوران قاجاریه به سال ۱۳۰۱ هجری سردر پرشکوه گنبد اللهوردیخان و فضای باز و محدود جلو آنرا که از زمینهای وقفی شاه عباس بود بصورت رواقی جداگانه ترتیب دادند و دارالضیافه نامیده شد (چون پذیرائیهای آستان قدس رضوی مدتی در آنجا صورت میگرفت).

بنای مهم دیگر دوران صفوی رواق بزرگ جانب شرقی حرم مطهر (سمت پائین پا) بنام گنبد حاتم خانی است که به همت حاتم خان (حاتم بیک اردوبادی تبریزی اعثمادالدوله) وزیر شاه عباس بزرگ ساخته شده است. گنبد یار واق نامبرده از نظر چگونگی مقرنس کاری معرق کاشی در سقف مستطیل شکل آن و به اصطلاح استادان معمار طاق خوانچه ای، جنبه هنری ویژه بخود دارد و از جمله آثار درخور توجه مجموعه بناهای آستان قدس رضوی بشمار میرود. ضمناً موقع و وضع بنا میرساند که ساختمان آن کمی پیش از گنبد اللهوردیخان انجام گرفته مرگ بانی آن در ربیع الاول ۱۰۱۹ هجری (سه سال پیش از درگذشت الله وردیخان) و دفن وی در آنجا تأیید دیگری بر این نظریه است. ناگفته نماند که درگاه پائین پا هم پیش از شاه عباس بزرگ بسته بود و شهریار نامبرده آنجا را گشود و در طلای جواهر نشان بر آن نصب نمود و پس از کشته شدن نادر شاه هنگام کشمکش مدعیان سلطنت بوسیله نادر میرزا نوّه او جواهرهای آن به یغما رفت و در دوران قاجاریه بار دیگر به صفحات زر و نوشته ها تزئین یافت و در سالهای اخیر بر اثر نصب درهای تازه به موزه آستان قدس منتقل گردید.^{۳۳}

شرح بالا در دوران شاه عباس بزرگ آثار مهم فراوان و گوناگون در مجموعه آستان قدس رضوی بوجود آمد و تحول و تغییر شگرفی در این پدیده مهم دینی و ملی ایران رخ داد.

بعد از شهریار نامبرده آثاری از شاهان بعدی سلسله صفویه در مجموعه بناهای آستان قدس رضوی بدین شرح مورد اطلاع است:

در کتیبه پیشانی ایوان شمالی صحن کهنه اشاره به تعمیر ایوان نامبرده بدستور شاه عباس دوم در سال ۱۱۵۹ هجری (۱۶۴۹ میلادی) شده است.

بر چهارترنج بزرگ مینا کاری ساقه بلند گنبد طلا کتیبه مفصلی نگاشته شده ضمن آن اشاره به زلزله سال ۱۰۸۴ هجری مشهد و شکست گنبد و تعمیر آن و تجدید طلا کاری بدستور شاه سلیمان صفوی در ۱۰۸۶ هجری (۱۶۱۳ میلادی) رفته نویسنده آن محمدرضا امامی اصفهانی معرفی گردیده است.

پس از انقراض سلسله صفویه نوبت به آثاری میرسد که بوسیله نادرشاه افشار در مجموعه ابنیه آستان قدس رضوی انجام پذیرفته است.

بردیوار جنوبی ایوان طلای صحن کهنه قصیده مفصلی برخشتهای مطلقاً نوشته شده است که میرساند تعمیر و طلاکاری ایوان نامبرده به وسیله نادرشاه انجام گرفته، نام سراینده اشعار ندیم، نام نویسنده محمدعلی بن سلیمان رضوی، نام زرگر محمدطاهر ولد استاد مسیح شیرازی و تاریخ آن ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ هجری (= ۱۷۳۳ و ۱۷۳۴ میلادی) مرقوم گردیده است مناره بالای همان ایوان هم در زمان نادرشاه افشار مجدداً طلاکاری شده تاریخ ۱۱۴۲ هجری و نام نویسنده کتیبه در این مرحله بهاءالدین محمد خادم ذکر گشته است.

ساختمان مناره ایوان شمالی و تذهیب آن نیز از آثار نادرشاه افشار است که تاریخ ذیقعدة الحرام سنه ۱۱۴۵ و رمضان ۱۱۴۶ و نام مبشران این عمل امیرسید احمد حسینی سرکشیک و محمد جعفر خادم در پایان نوشته آن مرقوم رفته است (سنگاب مرمریک پارچه سقاخانه معروف به اسمعیل طلائی در وسط صحن کهنه هم اثر دیگری از همین شهریار است).

در دوران قاجاریه آثار دیگری در مجموعه آستان قدس رضوی ساخته و پرداخته شد. مهمترین آنها صحن نو در جانب شرقی حرم مطهر است که در زمان سلطنت فتحعلیشاه (بسال ۱۲۳۳ هجری = ۱۸۵۸ میلادی) احداث گردید و کاشیکاری آن ۲۷ تا ۳۰ سال پس از آن هنگام پادشاهی محمدشاه به کوشش حاجی میرزاموسی خان فراهانی (برادر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی) تولیت وقت آستان قدس صورت گرفت و طلاکاری ایوان آنجا در سال ۱۲۸۲ هجری (۱۸۶۵ میلادی) بدستور ناصرالدین شاه بوسیله میرسید محمدحسین عضدالملک قزوینی متولی باشی آستان قدس از محل درآمد موقوفات آستانه انجام پذیرفت.^{۳۴}

بر اثر ساختمان صحن نو محوطه آزادی از زمینهای وقفی شاه عباس بین صحن نامبرده و رواق پائین پا (گنبد حاتم خانی) باقی مانده بود. به سال ۱۲۵۱ هجری (۱۸۳۶ میلادی) اللهیارخان آصف الدوله دانی محمد شاه قاجار به ایالت خراسان برگزیده شد و اقدام به ساختن رواقی تازه در محوطه مورد ذکر نمود و آنرا دارالسعادة نامید و پنجره آهنی دهانه شرقی گنبد حاتم خانی را برداشتند و دو رواق بیکدیگر اتصال یافت^{۳۵} چون شادروان محمدابراهیم امین السلطان اول در سمت شمال دارالسعادة

بخاک سپرده شده بود و پسرش میرزا علی اصغر خان صدراعظم بانی آینه کاری آنجا گشت، رواق دارالسعادة از نظر وسعت و پوشش بزرگ گنبدی و یزدی بندی و آینه کاری از آثار پرشکوه آستان قدس رضوی شمرده میشود.

غیر از صحن نو و رواق دارالسعادة اثر قابل توجه دیگر دوران قاجاریه در مجموعه آستان قدس رضوی ترکیب رواق دارالضیافه است که توضیح آن در سابق داده شد.

مدرسه علینقی میرزا (از پسران فتحعلیشاه که مدتی والی خراسان بود) در زمین باقی مانده وقفی شاه عباس در جنوب دارالسعادة اثر دیگری از دوران قاجاریه بود که چون ساختمان مدرسه در زمین وقفی آنها ضمن مجموعه بناهای آستان قدس رضوی با مبانی شرعی وفق نمیداد عملاً از آن برای مدرسه استفاده نکردند و محلّ خادمان و جایگاه کتابخانه را در طبقات زیرین و بالائی آن ترتیب داده بودند و ضمن ایجاد رواقهای متعدد بعدی بصورت دیگر درآمد که توضیح داده خواهد شد.

نام محمدشاه قاجار و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار بر لوحه های کاشی و مرمری و کتیبه های متفرق در سردرها و ایوانهای چندی از صحن کهنه و صحن نو مرقوم رفته حکایت از تعمیر و تنظیف ابنیه آستان قدس و دیگر خدمتهای مربوط به این مجموعه و حتی برخی کارهای عمرانی شهر مشهد مینماید که شرح آن در این مقاله مطلب را بدرزا می کشاند.

در دوران رضاخان پهلوی کارهای اساسی و تحولات مهم در مجموعه آستان قدس رضوی صورت گرفت. این شخص در سفر خود به سال ۱۳۰۷ خورشیدی به مشهد دستور احداث فلکه ای در گرداگرد مجموعه نامبرده صادر نمود و در نتیجه فلکه ای به صورت نزدیک به دایره به شعاع خارجی ۱۸۰ متر از نوک گنبد مطهر و به پهنا ۳۰ متر ترتیب یافت.^{۳۶} پیش از احداث فلکه مورد ذکر بست بالا خیابان از مغرب به مشرق و بست پائین خیابان از مشرق به مغرب در دو طرف صحن کهنه و در امتداد آن واقع بود و حد شرقی و غربی فلکه از انتهای دو بست گذرانده شد.^{۳۷} پس از احداث فلکه، اندیشه ساختمان موزه مناسبی برای آستان قدس رضوی به میان آمد و در آغاز امر در نظر گرفتند بر فراز بناهای شمالی بست بالا خیابان، تالاری جهت موزه بسازند ولی بعداً محوطه و بناهای واقع بین صحن نو و بخش جنوبی فلکه را منظور داشتند و بجای مدرسه وسیع قدیمی بنام مدرسه پائین یا مدرسه سعدیه و بناها و محوطه های متفرق پیرامون آن، صحن موزه و بنای سه اشکو به کتابخانه و موزه (در قسمت شمالی آن) ساخته و پرداخته

شد و قبر شیخ بهاء الدین محمد عاملی دانشمند شهیر دوران شاه عباس (در گذشته به سال ۱۰۳۰ هجری) نیز در همان مکان قرار داشت. نقشه بنای موزه و کتابخانه بوسیله آقای آندره گدار (Andre Godard) فرانسوی به گونه ای ترسیم شد که تالار بزرگی در بخش شمال غربی طبقه هم کف آن برای آرامگاه شیخ بهائی احداث گردید و طبقه بالای آن تالار هم به گنجینه قرآن آستان قدس اختصاص یافت و در سایر قسمتهای بنا طبقه زیرین برای مخزن کتاب و طبقه های هم کف و بالا جهت تالارهای موزه و کتابخانه مورد استفاده قرار گرفت. ساختمان بنای موزه و کتابخانه در سال ۱۳۴۶ خورشیدی آغاز شد ولی پایان کار آن تا آذرماه ۱۳۵۲ خورشیدی بدرازا کشید.

پیش از ساختمان موزه و کتابخانه تالار وسیعی بنام تالار تشریفات در اشکوب دوم انتهای غربی ضلع شمالی صحن پهلوی ساختند که برای مواقع سلام و انجام تشریفات مورد استفاده قرار می گرفت و پس از ساختمان تالار تشریفات جدید محل آن برای منظوره های دیگر اختصاص یافت.

در زمان محمدرضا پهلوی بسیاری تغییر و تحوّل های مهم و چشم گیر در وضع ساختمانهای آستان قدس رضوی انجام گرفت. بر اثر افزایش تصاعدی زائران، از طرفی فضای درون حرم و رواقهای موجود گنجایش آمدورفت انبوه مردمی را که به زیارت می شتافتند نداشت و از طرف دیگر مسافرخانه ها و مستغّل ها و سایر مکانهای بیرون دیوارهای مجموعه بناهای آستان قدس به صورتی چنان فشرده و دور از پاکیزگی و بهداشت درآمده بود که مطلقاً شایسته چنین مکان متبرک و دینی و ملی نبود و این همه موجب شد از سالیان دراز در صدد چاره چنین گرفتاریها برآیند.

برای بهبود وضع برون بناها، رواقهای کوچک غیرمهم و دیوارهای ستبر خشتی واقع در بعضی از جوانب حرم یا در کنار رواقهای بزرگ را برهم زدند و با بهره مندی از فضای آنها رواقهای بزرگ و وسیع دیگر ترتیب دادند. بمنظور رفع نگرانی مربوط به پیرامون مجموعه آستان قدس هم فلکه پیشین را تا شعاع ۳۲۰ متر (از نوک گنبد مطهر) گسترده کردند^{۳۸} و غیر از ساختمانهای متعلق به مجموعه آستان قدس و چند بنای تاریخی متصل و مجاور به آن باقی ساختمانها را بهر صورت که بود (اعم از زیبا و زشت و تاریخی و غیرتاریخی) برچیدند و محل آنها را به فضای سبز تبدیل نمودند و به قصد رسیدن به مقصود زشت خود، مصلحتهای چندی را نادیده گرفتند.

درباره رواقها قبلاً هنگام ذکر نام هر کدام آنها که تاکنون توصیف گردیده است توضیح مناسب داده شد و اینک برای معرفی همگی آنها به گونه آسانتر مناسب میدانم از رواق مهم جنوبی دارالحفاظ مطلب را آغاز کند و به ترتیب حرکت عقربه ساعت یک یک آنها را برشمرده اشاره اجمالی و گویا به تاریخ و وضع پیشین و کنونی هر کدام بنماید.

۱- دارالحفاظ، مهمترین رواقها که قاطبه زائران از آنجا بدرون حرم میروند در ضلع جنوبی متصل بحرم و ساختمان آن با مجموعه مسجد جامع گوهرشاد یکجا و یک زمان انجام گرفته بوضع اصلی خود پابرجا مانده است.

۲- دارالسیاده، بزرگترین رواقها سراسر ضلع غربی دارالحفاظ و مسجد بالاسر را فراگرفته هنگام ساختمان جامع گوهرشاد در محور آن به سمت شمال ساخته شد و بصورت اصلی باقی مانده است.

۳- مسجد بالاسر، قدیمترین رواق دارای فضای مشترک با حرم، مطهر واقع در ضلع غربی آن از آثار دوران غزنوی.

۴- دارالخلاص، بین دارالسیاده و ایوان طلای صحن کهنه واقع گشته به جای مجموع دو بنای قدیمی (راهرو زاویه جنوب غربی ایوان طلا معروف به راهرو سقاخانه و آرامگاه پیشین ابوالقاسم بابر پسر بایسنقر که تبدیل به جایگاه رئیس قراشان آستان قدس شده بود) و پایه های ساختمانی موجود در آنجا ساخته و پرداخته شده است.^{۳۹}

۵- دارالشکر، در سمت شمال غربی حرم مطهر بین مسجد بالاسر و ایوان طلای صحن کهنه به جای قرآن خانه و بخش غربی راهرو معروف به پس و پشت و چندپایه ستبر واقع در آنجا (که همگی این آثار به احتمال زیاد مربوط به دوران غزنوی بوده است) همزمان با رواق دارالخلاص احداث گردید.^{۴۰}

۶- توحیدخانه، منسوب بدوران شاه عباس بزرگ واقع در محور شمالی حرم مطهر بین رواقهای دارالشکر و دارالفیض از سمت جنوب و صحن کهنه از جانب شمال.

۷- دارالفیض، رواق بس زیبا و مجلل واقع در قسمت شمال شرقی حرم مطهر بین آنجا و توحیدخانه که در محل بخش شرقی راهرو معروف به پس و پشت و مسجد ریاض یا مسجد زنانه (که بازهم با احتمال زیاد مربوط به دوران غزنوی بوده است) و دیوارها و پایه های ساختمانی دو بنای نامبرده به سال ۱۳۳۳ ترتیب یافته است.^{۴۱}

۸- گنبد الله وردیخان، واقع در جانب شمال شرقی حرم مطهر از آثار دوران شاه عباس بزرگ که پیش از این توضیح داده شد.

۹- گنبد حاتم خانی واقع در سمت پائین پا اثر دیگری از زمان شاه عباس بزرگ که ذکر آن هم گذشت.

۱۰- دارالضیافه، در مشرق گنبد الله وردیخان که توضیح آن قبلاً مذکور افتاد.

۱۱- دارالسعاده، در مشرق گنبد حاتم خانی و مشرف به ایوان طلای صحن نو بشرحی که در سطور پیشین معرفی نمود.

۱۲- دارالسرور، رواق باریک بلند شرقی غربی واقع در جنوب دارالسعاده بجای اطاقهای شمالی مدرسه علینقی میرزا (رواق کنونی دارالذکر) در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ خورشیدی ساخته شده است و بمناسبت نام خانوادگی شادروان دکتر سیدفخرالدین شادمان نایب التولیه وقت نام دارالسرور بر آن نهاده اند.

۱۳- دارالذکر، رواق نسبتاً بزرگ که بجای صحن پیشین مدرسه علینقی میرزا در جنوب رواق دارالسرور در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ساخته شده است.

۱۴- دارالزهد، دورترین رواقها نسبت به حرم مطهر^{۴۲} و تازه سازترین آنها، رواق نسبتاً وسیع که پس از ساختمان بنای جدید موزه و کتابخانه در ضلع شرقی صحن پهلوی، بنای پیشین موزه و کتابخانه را در شمال صحن نامبرده تا محاذات ضلع جنوبی آرامگاه شیخ بهائی برداشته محل آنرا به صحن افزودند و فضائی را که در مغرب آرامگاه شیخ بهائی بصورت عقب رفتگی مانده بود به انضمام سرسرای زیر تالار تشریفات سابق در خلال سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ بصورت دواشکوبه ساختند.^{۴۳} تالار بزرگ اشکوب زیرین در شماریکی از رواقها درآمد و آنرا به مناسبت نام خانوادگی آقای حسن زاهدی نایب التولیه وقت دارالزهد نامیدند.

۱۵- دارالعزه، رواق نسبتاً کوچک در مشرق دارالسلام، که بجای اطاقهای غربی مدرسه علینقی میرزا (رواق کنونی دارالذکر) در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ساخته شده بمناسبت نام خانوادگی سپهبد امیرعباس عزیزی نایب التولیه وقت نام دارالعزه بدان داده اند.

۱۶- دارالسلام، رواق بزرگ تازه ساز در سراسر مغرب دارالحفاظ که بجای دو بنای عهد تیموری یعنی گنبد اوپک میرزا و اطاق بزرگ انبار مانند از متعلقات واقفه

جامع گوهرشاد در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ بشرحی که قبلاً اشاره نمود ساخته شد. برآستانه‌های جنوبی و شرقی حرم مطهر و آستانه‌های متعدد که رواقها را بیکدیگر مرتبط می‌سازد در حال حاضر درهائی با روکش صفحات زر نصب شده است که مهمترین آنها در آستانه جنوبی حرم قرار دارد.

در مورد صندوق روی مرقد و ضریح مطهر تا آنجا که از بررسی منابع و نوشته‌های پیشین و امروزی برمی‌آید مسلم می‌گردد که در نیمه اول سده هشتم هجری (هنگام مسافرت ابن بطوطه که پیش از این اشاره گردید) صندوق چوبی مزین به صفحات نقره بر روی مرقد نصب بوده شاه عباس بزرگ صندوقی با ورقه‌های زرو نوشته‌ها در آنجا نصب نمود که توضیح آن قبلاً داده شد، از زمان شاه طهماسب اول صفوی هم ضریح چوبی با شبکه از میله‌های آهنی که بخشی از آن با ورقه‌های نقره پوشیده بود وجود داشته است^{۴۵} که پیش از این اشاره به قسمتهای باقیمانده آن نمود.

امروزه صندوقی از سنگ مرمرشاندیز که در زمان رضاشاه به کوشش و هزینه شادروان حسین حجارباشی زنجانی تهیه شده بر روی مرقد نصب و وضع ضریح‌های سه گانه بدین قرار است:

۱- ضریح تازه‌ساز که بفرمان محمدرضا پهلوی از خرداد ۱۳۳۴ تا اردیبهشت ۱۳۳۵ خورشیدی ساخته و نصب شده است و در ساخت آن فولاد و فلز بصورت ریخته‌گری با صفحه‌های زرین و سیمین و میناکاری بکار رفته در طره‌های بالای آن نام الله تکرار گشته و قسمتهای مختلف ضریح با طرحهای گل و بوته و هنرهای ظریف آراسته است. شش سال پیش از ساخت آن ضریحی ساخته شده بود که بر اثر فرسایش و لطمه‌های حاصل از فشار زائران قسمتهائی از آن فرو ریخته و جدا شده بود و قطعه‌های موجود آن در ضریح تازه بکار رفت.

۲- ضریح فولادی مرصع که نگین‌های آن نفاست و اهمیت چندانی ندارد و نام اهداءکننده آن در نوشته طلائی بالای در ورودی ضریح «سلطان نادرشاهرخ شاه الحسینی الموسوی الصفوی» و تاریخ ۱۱۶۰ قمری مرقوم رفته است و قرائن امر نشان میدهد که پس از کشته شدن نادرشاه در همین سال ضریح نامبرده که بفرمان آن شهریار برای محل گور او ساخته شده بود بوسیله شاهرخ نواده او بر مرقد امام منتقل و در آنجا نهاده شده است.^{۴۶}

۳- ضریح فولادساده از زمان فتحعلیشاه قاجار، اثر بس مهم دیگر از آنچه به آستان قدس رضوی تعلق دارد کتابخانه آنست که پیشینه آن به گواهی نسخه‌های خطی کلام الله مجید موجود در آنجا به سده سوم هجری یعنی حتی پیش از تجدید بنای روضه مطهر که در دوران غزنویان صورت گرفت میرسد و قدیمیترین تاریخ مرقوم وقف برجزوه‌هائی از کلام الله مجید، سال ۴۲۱ هجری است.^{۴۷} و در طول دوازده سده گنجینه بی‌مانندی از قرآنهای خطی و کتابهای خطی نایاب و تعداد فراوانی کتابهای چاپی فراهم آمده است.^{۴۸}

کتابخانه نامبرده در دوره‌های گذشته در اطاقهای مختلف مجموعه بناهای آستان قدس و بویژه در اطاقهای اشکوب دوم جانب غربی صحن نو قرار داشت و ساختمان مستقلی هم که برای موزه و کتابخانه در دوران رضاشاه آغاز شد تا پایان سلطنت وی به انجام نرسید و پس از آنکه در آذرماه ۱۳۲۴ پایان پذیرفت با اجرای طرح گسترش صحن بناهای متفرق جانب شرقی صحن نامبرده را تاحد فلکه پیشین آستانه برداشتند و بجای آنها بنای پنج اشکوبه‌ای ساختند که دو اشکوب آن پائین‌تر از کف زمین است و زیربنای همه بنا به ده هزار مترمربع (هراشکوب ۲۰۰۰ مترمربع) میرسد. دواشکوب زیرین محل خزانه آستان قدس و گنجینه کتابهای خطی و بخشی از نمایشگاه موزه است. در اشکوب هم کف تالارموزه قرار دارد اشکوب اول (چهارمین اشکوب نسبت به پائین‌ترین کف ساختمان) تالار قرائت‌خانه و اشکوب بالائی مخزن کتاب و تاسیسات اداری و فنی و عکاسی و تهیه فیلم کتاب و تجهیزات تلویزیون مدار بسته و اینگونه نیازمندیها است.^{۴۹}

رویه‌مرفته مجموعه بناهای آستان قدس رضوی و گنجینه‌های گوناگون که در این مجموعه وجود دارد نشانه و نمودار ایمان و اخلاص و فرهنگ و هنر و اندیشه‌های معنوی مردم ایران از امرا و حکام تا مردم عادی و بسیاری دانشمندان و هنرمندان این سرزمین است که در تمام جهان اسلام پدیده تابناک و درخشان بی‌مانندی را بوجود آورده‌اند.

- ۱ - علی مؤتمن - تاریخ آستان قدس رضوی - چاپ تهران - شهریور ۱۳۴۸ ص ۵۱.
- ۲ - محمدحسنخان صنیع الدوله - مطلع الشمس - جلد اول - چاپ تهران ۱۳۰۱ هجری ص ۱۹۲.
- ۳ - علی مؤتمن - کتاب سابق الذکر ص ۶۱ - محمدحسنخان صنیع الدوله مطلع الشمس جلد دوم چاپ تهران ۱۳۰۲ هجری ص ۵۰.
- ۴ - محمدحسنخان صنیع الدوله - همان کتاب و همان صفحه.
- ۵ - دانشنامه ایران و اسلام شماره ۱ - چاپ تهران ۱۳۵۴ خورشیدی ص ۸۹. مقاله آقای عبدالحمید مولوی.
- ۶ - محمدحسنخان صنیع الدوله همان کتاب صفحه ۷ - دانشنامه سابق الذکر همان صفحه به نقل از تاریخ بیهقی - بکوشش دکتر غنی و دکتر قیاض ص ۲۴۶.
- ۷ - طبق نقشه مندرج در کتاب بارگاه رضا (تالیف دکتر بیژن سعادت) نشریه مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی سمت قبله در مجموعه ابنیه آستان قدس رضوی درست با جهت جنوب غربی مطابقت دارد - در این مقاله برای آسانی کار بجای قبله سمت جنوب ذکر میگردد و طبعاً همه جهات ۴۵ درجه با آنچه اشاره میشود اختلاف دارد.
- ۸ - حبیب الله شاملوئی - تاریخ ایران از ماد تا پهلوی چاپ تهران ۱۳۴۷ خورشیدی ص ۳۸۷.
- ۹ - علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۶۱ - محمدحسنخان صنیع الدوله مطلع الشمس جلد دوم چاپ تهران ۱۳۰۲ هجری ص ۵۱.
- ۱۰ - تقی بینش - مقاله مربوط به سنگاب خوارزمشاهی - نامه آستان قدس رضوی شماره ۱ - دوره جدید ۳۸ مسلسل - ص ۸۱ و ۹۹.
- ۱۱ - دانشنامه سابق الذکر ص ۸۹.
- ۱۲ - کاشیهای مورد ذکر در دورانهای گذشته از جای خود کنده شده بود و ضمن تعمیرات زمانهای پیشین بواسطه آشنانیدن به ترتیب نوشته ها آنها را بصورت نامرتب و ناقص در ازاره حرم نصب نموده بودند و کلمه ها و جمله های آنها اطلاعات بس سودمندی در برداشت که در کتاب مطلع الشمس جلد دوم چاپ تهران ۱۳۰۲ هجری صفحه ۶۳ نقل گردیده است.
- ۱۳ - دکتر صمدی - سید حبیب الله - راهنمای موزه آستان قدس رضوی ص ۲۱ و ۳۱ - سال و محل چاپ این کتاب ذکر نشده است و تقی بینش همان مقاله در نامه سابق الذکر آستان قدس - ص ۸۶.
- ۱۴ - محمد بن ابی طاهر کاشانی استاد زبردست کاشی ساز بوده خود و پسرانش تا چند نسل به تهیه کاشیهای محراب و مرقد و ازاره های بناهای مذهبی مهم ایران می پرداخته اند، قدیمیترین و گرانقدرترین کار این استاد نامی که تا کنون از آن اطلاع داریم کاشیهای مرقد حضرت معصومه (ع) مورخ به ماه رجب ۶۰۲ هجری است که علاوه بر حجم زیاد کار از نظر رنگ آمیزی و ترکیب و جنبه های هنری گوناگون هم شاهکاری بی مانند بشمار میرود، کارهای دیگر افراد این خانواده نیز که از آن آگاهی بدست آمده علاوه بر آنچه ذکر شد بدین قرار است:
- ۱ - قطعاتی از محراب امامزاده یحیی (قرنگی امام) واقع در وایرنه های جرجان نزدیک شهر کنونی گنبد کاوس که نام «محمد بن ابی طاهر القاسانی» بر آن مرقوم رفته است و تاریخ ندارد و ضمن کاوشهای اداره باستان شناسی در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در شالوده بنای پیشین امامزاده نامبرده بدست آمد و اکنون در مخزن موزه

ایران باستان نگهداری میشود.

۲- محرابی که در زیر دهانه طاق سمت بالا، سر حرم مطهر حضرت رضا (ع) بر دیوار نصب بود و ضمن توسعه آن دهانه، محراب را به موزه آستان قدس رضوی انتقال دادند کار علی فرزند محمّد بن ابی طاهر مربوط به سال ۶۴۰ هجری.

۳- بخشی از محراب کار علی فرزند محمّد بن ابی طاهر مورخ به ۶۶۳ هجری متعلق به مسجدی در قم که به موزه برلن برده شده است.

۴- محراب امامزاده یحیی ورامین کار علی فرزند محمّد بن ابی طاهر مورخ به شعبان سال ۶۶۳ هجری در موزه متروپولیتن نیویورک (طبق نوشته آقای حسن نراقی در موزه دانشگاه فیلادلفیا).

۵- محراب کوچک متعلق به بقعه حبیب بن موسی کاشان که روی آن دو سال تاریخ (۶۶۷ و ۶۷۰) مرقوم رفته است کار علی فرزند محمّد بن ابی طاهر در موزه ایران باستان.

۶ - لوحه کاشی به صورت محراب متعلق به امامزاده یحیی بن زید ورامین کار یوسف پسر علی فرزند محمّد بن ابی طاهر مورخ به محرم ۷۰۵ در موزه ارمیتاژ لنین گراد.

۷ - کتیبه کاشی مورخ به شعبان ۷۰۹ به امضای یوسف پسر علی فرزند محمّد بن ابی طاهر در موزه بریتانیا (لندن).

۸ - کتیبه محراب موزه صنایع عرب در قاهره مورخ به سال ۷۱۰ هجری کار یوسف پسر علی فرزند محمّد بن ابی طاهر.

۹ - محراب بقعه علی بن جعفر مورخ به رمضان ۷۳۴ کار یوسف پسر علی فرزند محمّد بن ابی طاهر در موزه ایران باستان. در مواردی هم مانند کاشیهای مرقد حضرت معصومه (ع)

و کاشیهای داخل حرم آستانه رضوی (ع) نام پسر (علی) همراه نام پدر (محمّد بن ابی طاهر) دیده میشود که میرساند این استاد زبردست پسر جوان خود را در تهیه شاهکارهای هنری بی سابقه خود شرکت میداده است (برای اطلاع بیشتر در این باره میتوان به کتاب صنایع ایران ظروف سفالین تالیف شادروان دکتر مهدی بهرامی، نشریه شماره ۳۸ دانشگاه تهران - ۱۳۲۷ و مقاله آقای حسن نراقی زیر عنوان «هنرمندان یک خاندان تاریخی کاشان و آثار گرانهای آنان» در مجله هنر و مردم شماره پانزدهم دوره جدید - دیماه ۱۳۴۲ و مقاله این جانب تحت عنوان «خانواده هنرمند» در مجله اطلاعات ماهانه شماره ۹۰ - شهریور ۱۳۳۴ مراجعه نمود).

(۱۵) متن کتیبه بخط ریز چنین است: «خداوندا بحق این امام پاک معصوم بر آن بنده رحمت کن که یکبارہ سورۃ فاتحه الکتاب بخواند از بهر اینضعیف عبدالعزیز بن آدم و بگوید خداوندا گناهانش عفو کن و او را رحمت کن بفضلک و کرمک و رحمتک» ضمناً در همین محراب عبارتی بدین شرح نوشته شده است: «اللهم اغفر لمن استغفر لا بی زید بن ابی محمّد بن زید النقاش». ابوزید بقله نقاش زبردست دیگری بوده است که نام او در کنار نام محمّد بن ابی طاهر در کاشیهای بی نظیر مرقد حضرت معصومه (ع) نیز ذکر گردیده است و مقام والائی در هنر کاشیکاری ایران دارد.

(۱۶) محمّد حسنخان صنّیع الدوله کتاب سابق الذکر ص ۵۳ و علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۶۱ و دانشنامه سابق الذکر ص ۹۰.

(۱۷) دانشنامه سابق الذکر ص ۹۱

(۱۸) نقشه نامبرده در کتاب «آستان قدس رضوی دیروز و امروز» از انتشارات آستان قدس رضوی

اردیبهشت ۱۳۵۶ ص ۴۸ عیناً مندرج است.

(۱۹) دکتر صمدی - سید حبیب الله - کتاب سابق الذکر ص ۳۱ و ۳۲ با مختصر سهو در اندازه ها - ناگفته نماند واژه های خود گرو کوفتگر از اصطلاحات فلزکاری که در این نوشته بکار رفته در ردیف آهنگر و ریخته گر و همانند آنها بوده از لحاظ زبان شناسی و اهل فن درخور توجه است.

(۲۰) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۱۴۱ و دکتر بیژن سعادت کتاب «بارگاه رضا» جلد اول ص ۳۵ و ۳۹ - آقای علی مؤتمن در کتاب خود ص ۱۶۹ و ۴۵۱ بخش شرقی این رواق را بنام «دارالفیض» و بخش غربی آنرا بنام «دارالشکر» معرفی کرده توضیحات کافی در هر دو مورد نوشته اند.

(۲۱) محمد حسنخان صنیع اللوله کتاب سابق الذکر ص ۱۰.

(۲۲) در سمت مغرب رواق بزرگ دارالشیاده تقریباً محاذی با حرم مظفر نیز مسجد کوچکی وجود دارد که طبعاً مربوط به پیش از زمان احداث دارالشیاده یعنی پیش از ساختمان مسجد گوهرشاد است و تصور می رود ضمن بناهای مورد ذکر این بطولیه باشد که هنوز باقی مانده است (نقل از گفته دانشمند گرامی آقای عبدالحمید مولوی) در نقشه های مجموعه بناهای آستان قدس چنین مسجدی بصورت روشن و مطمئن تشخیص داده نمی شود. (۲۳) نگارنده همواره چنین تشخیص داده بودم که مدرسه دو در بنام مدرسه شاهرخ نیز شناخته شده و میشود (بانی آن امیر غیاث الدین یوسف خواجه از امیران زمان شاهرخ و سال بنای آن ۸۴۳ هجری است) دانشمند گرامی آقای عبدالحمید مولوی این نام را متعلق به مدرسه بالا سر میدانند ضمناً سند نوشته ای برای تعلق داشتن مدرسه پریزاد و مدرسه بالا سر بدوران تیموری مورد اطلاع این جانب نیست بلکه کاشیهای معرق قدیمی این دو بنا میرساند مربوط بآن دوران است و هر دو مدرسه به شهادت کتیبه های آنها در زمان شاه سلیمان صفوی (به سال ۱۰۹۱ هجری) تعمیر شده است.

(۲۴) تقریر دانشمند گرامی آقای عبدالحمید مولوی.

(۲۵) بنای اصلی ایوان طلای صحن کهنه همانطور که از کتیبه پیشانی آن برمی آید از آثار زمان سلطان حسین میرزای بایقرا شهر یر تیموری است که در سالهای ۸۷۲ تا ۹۱۱ هجری (= ۱۴۶۷ تا ۱۵۰۵ میلادی) بر قسمتهائی از نواحی شرقی و شمال شرقی ایران سلطنت میکرد و وزیر معروف منشاء خدمتهای مهم و ارزنده شد که ایجاد صحن کهنه و ایوان جنوبی آن طی سالهای ۸۷۵ تا ۸۸۵ هجری (۱۴۷۰ تا ۱۴۸۰ میلادی) در مجموعه ابنیه آستان قدس رضوی هم از آن جمله است. ایوان نامبرده در پائین منار دوره غزنوی ساخته شده که پایه مناره درست در وسط بدنه جنوبی ایوان قرار گرفته است و بهمین جهت از وسط ایوان به رواقهای پشت آن نمی توانستند راهی بگشایند بلکه از دو سمت پایه منار آستانه هائی ترتیب داده اند. ناگفته نماند که وجود منار دوران غزنوی به مسافت کم و به هیئت تقریباً مستقل و جداگانه از حرم مظفر، نظر نگارنده را مبنی بر همانندی بنای اصلی حرم مظفر با گور ارسلان جاذب بیش از پیش تأیید می نماید و احتمالاً میتوان اندیشید که با وضع اصلی و اولیه بنای آستانه رضوی احداث ایوان در پائین مناره عهد غزنوی ابتکاری هوشمندانه و از لحاظ هنر معماری در خور ستایش است و همین عمل در دوران شاه عباس بزرگ و دوره های بعدی هم محور و مبنای بسیاری کارهای عمرانی دیگر در مجموعه بناهای آستان قدس رضوی و حتی بخشی از شهر مشهد گردید.

(۲۶) علی مؤتمن - کتاب سابق الذکر ص ۱۷۲ - حاشیه ۲ نقل از کتاب عالم آرای عباسی ضمن وقایع سال ۲۶ جلوس شاه عباس چنین آورده است:

«چون صحن سابق و ایوان میرعلیشیر در نظر همت والا تنگ و حقیر نمود طبع سلیم آنحضرت اقتضای آن کرد که عمارات سابق جانب شرقی را که انهدام پذیرفته بود برداشته اضافه صحن نمایند بنوعی که ایوان مذکور در

وسط حقیقی واقع شود و ایوان دیگر در مقابل آن، که جانب شمالی صحن ورودی بجنوب داشته باشد و دو ایوان دیگر در طرف شرقی و غربی عمارت کنند و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح فرمودند که از هر طرف بصحن مبارک رسیده از میان ایوانها بگذرد. و چون ساکنان مشهد و زوآر روضه متبرکه از قلت آب در عذاب بودند آب از انهار چشمه گللب (چشمه گیلان) و قنوات مجدد احداث کرده آن حضرت بشهر آورده نهری در میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن بوسع مذکور احداث فرمودند که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی پائین پای مبارک جاری گردد و معماران مهندس و استادان چابکدست شروع در کار کرده در اندک وقتی فرموده‌ها بسرکاری حکام مشهد مقدس بنوعی که مکنون خاطر انور بود انجام پذیرفت.»

(۲۷) تقریر دانشمند گرامی آقای عبدالحمید مولوی.

(۲۸) پایان سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا واپسین شهریار تیموری بشرح مذکور در ذیل شماره ۲۵

سال ۹۱۱ هجری و آغاز سلطنت شاه اسمعیل اول سرسلطه دودمان صفویه چهارسال پیش از آن به سال ۹۰۷ هجری بوده است.

(۲۹) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۱۰۳

(۳۰) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۱۰۱ به نقل از کتاب بدر فروزان توام با تردید در درستی

قول.

(۳۱) دکتر صمدی - سید حبیب الله - کتاب سابق الذکر ص ۱۷ - ۱۹ - ۴۱.

(۳۲) همان کتاب ص ۲۰ و ۲۱.

(۳۳) محمد احتشام کاویانیان - کتاب شمس الشموس - چاپ مشهد ۱۳۵۴ خورشیدی ص ۱۶۹ تا

۲۷۲.

(۳۴) همان منبع ص ۲۴۷.

(۳۵) همان کتاب ص ۱۴۶.

(۳۶) آستان قدس رضوی دیروز و امروز ص ۱۵۴.

(۳۷) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۲۱۱ و ۲۱۳.

(۳۸) همان منبع ذیل ۳۶.

(۳۹ و ۴۰) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۱۷۱ و ۱۶۹.

(۴۱) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۴۵۱.

(۴۲) رواقی هم بنام دارالعباده در شمال شرقی آرامگاه شیخ بهائی وجود دارد که نسبت به حرم مظهر از

دارالزهد هم دورتر است لکن چون در مجموعه رواقهای مجاور و متصل بحرم مظهر نیست بلکه جداگانه در کنار صحن نو واقع گشته است از توضیح درباره آن خودداری مینماید.

(۴۳) آستان قدس رضوی دیروز و امروز ص ۱۰۹.

(۴۴) به ذیل شماره ۳۳ مراجعه فرمایند ضمناً یک جفت در زرین جواهر نشان تقدیمی فتحعلیشاه قاجار

که صرفاً جنبه تزئینی داشت درون ضریح طرف پائین پا نصب بود و اکنون بر بالای دیوار حرم نصب است، درهای دیگر از دوران قاجاریه که بانیان آنها شخصیت‌های آن دوران بودند و تعدادی از آنها روکش زر و بیشتر آنها روکش سیم داشت پس از نصب درهای تازه به موزه آستان قدس منتقل و در آنجا نهاده شده است.

(۴۵) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۸۵ و ۸۸.

(۴۶) علی مؤتمن کتاب سابق الذکر ص ۸۸ بعد و آستان قدس رضوی دیروز و امروز ص ۱۱۹ ضمناً

ذکر نسب حسینی موسوی صفوی که مربوط به مادر شاهرخ است میرساند که نواده شهریار افشار به رعایت جانب احساسات مردم در هواخواهی دودمان صفوی مناسبتر دیده است حسب تیره مادری خود را بنویسد.

(۴۷) محمد احتشام کاویانیان، کتاب سابق الذکر ص ۲۹۵.

(۴۸) برابر آمار بهمن ماه ۱۳۵۶ شمسی ۶۴۳۳ نسخه قرآن کامل با جزوه های خطی کلام الله و ۱۱۷۳۳ جلد کتاب خطی مربوط به سده پنجم هجری بعد و ۳۱۰۰ جلد قرآن چاپی و ۵۹۷۴۲ جلد کتابهای چاپی بزبانهای فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسه و روسی و آلمانی که مجموع همه این ارقام بالغ بر ۸۱۰۰۸ جلد میشود در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود بوده است و فهرستهای مربوط به این کتابخانه از سال ۱۳۰۵ خورشیدی بعد در ۸ جلد در نخستین مرحله بوسیله آقای عبدالعلی میرزا اوکثانی که مدت ۵۳ سال ریاست کتابخانه را عهده دار بودند و در دنباله خدمت ایشان بوسیله آقایان حاجی عمادالواعظین فهرستی و مهدی ولایتی و ابوالقاسم کتابداری و احمد گلچین معانی که سمت ریاست کتابخانه یا همکاری در این زمینه را بر عهده داشتند تنظیم و چاپ شده است (نقل از یادداشت آقای محمد طاهر بهادری که بدرخواست این جانب آمار کتابخانه و اطلاعات گوناگون دیگر در این باره را تهیه و از مشهد ارسال نموده اند).

(۴۹) آستان قدس رضوی — دیروز و امروز ص ۱۶۷.

آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) (شهری)

آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) همانند دیگر زیارتگاههای بزرگ و معتبر ایرانیان در آغاز امر شامل بنای حرم یعنی قسمت اصلی و مرکزی آن بود و به تدریج در طول سده های مختلف، بناها و متعلقات دیگر متصل بدان و پیرامون آن احداث شد و بصورت مجموعه بزرگ کنونی مشتمل بر حررها و رواقها و مسجدها و ایوانها و صحنها و دیگر آثار مربوط و وابسته به آن درآمد که بقعه های امامزاده حمزه (ع) و امامزاده طاهر (ع) نیز ضمن همین مجموعه قرار دارد.

بنای اصلی و نخستین این آستانه یعنی حرم آن در نیمه دوم قرن سوم هـ (قرن نهم میلادی) توسط محمد پسر زید داعی علوی تعمیر اساسی یافت و درگاه اصلی ورودی آن که در سمت شمال واقع است نخست بفرمان پادشاهان آل بویه و سپس به همت مجدالملک قمی^۱ تکمیل گشت و آذین یافت.^۲

بنای حرم در قسمت پائین به هیئت چهارضلعی و اندازه هر ضلع حدود هشت متر است و مانند همه بناهای سلجوقی بر فراز چهار گوشه حرم چهار گوشوار یعنی چهار طاق مورب احداث نموده اند و قسمت بالای آنرا بصورت هشت ضلعی ترتیب داده اند و بالاتر از قسمت هشت ضلعی با احداث طاق بندیهای کوچک آنرا به شانزده ضلعی تبدیل نموده اند و بدین نحو زمینه را برای ایجاد پوشش گنبدی فراهم ساخته اند (درون حرم مزین به آینه کاری است).

پوشش زیرین گنبد شامل طاق ضربی مدور و گنبد بالائی آن با سابقه و بدنه بلند بصورت مخروطی یا هرمی بوده که در زمان شاه طهماسب صفوی تغییر شکل یافته است.^۳

از چگونگی تغییر یا توسعه بنا و احداث قسمتهای مختلف در فاصله زمانی دوران سلجوقی (سده پنجم هجری = آغاز سده ۱۲ م) تا زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری = ۱۵۲۴ تا ۱۵۷۶ م) اطلاع درستی نمیتوان بدست آورد بدین مناسبت بذکر تاریخها و برخی اطلاعات مفید مربوط به صندوق و بعضی درهای منبت متعلق به پیش از آغاز پادشاهی شهریار نامبرده می پردازد، باشد که در این زمینه مفید افتد.

۱- صندوق مرقد حضرت عبدالعظیم به درازای ۲/۵۸ متر و پهنای یک متر و نیم و بلندی ۱/۲۰ متر بوده از جمله آثار صنعتی و تاریخی ممتاز ایران بشمار میرود. پایه ها و قیده های ضخیم و محکم آن از چوب عود است و آلت و لقط و شمشه ها و نیم شمشه های چهار جانب آنرا از چوب عود و فوفل و گردو ساخته اند. بر سطح فوقانی و جوانب چهارگانه آن کتیبه های حاوی آیات کلام الله مجید و زیارت امام دوازدهم و نسب حضرت عبدالعظیم (فرزند علی فرزند حسین فرزند زید فرزند امام حسن مجتبی ع) و نام بانی صندوق (خواجه نجم الدین محمد فرزند خواجه محمد فرزند محمد قوهدی) و تاریخ ساخت آن ۷۲۵ هجری (۱۳۳۵ م) و بالاخره سازنده آن یحیی فرزند محمد اصفهانی مرقوم رفته است.

این صندوق در سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ شمسی = ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ م بوسیله استاد فقید حاجی محمد صنیع خاتم با همکاری دستیارانش به طرز فنی صحیح شست و شو و تعمیر شد و حاشیه های خاتم کاری زیبا بر لبه های آن و کناره های کتیبه ها و شمشه ها نصب گردید.

۲- دولوحه کتیبه چوبی بر روی یک جفت در چوبی منبت نصب است که بر روی لوحه سمت راست جمله: بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین سلام علیکم طبتم فاد خلوها خالدین و بر روی لوحه سمت چپ عبارت: تمت هذا الباب المشهد الامام المقدس سید عبدالعظیم علیه السلام سنه ثمانه و اربعین و ثمانمائنه بخط ثلث برجسته مرقوم رفته است.

همانطور که از این نوشته ها برمی آید در سال ۸۴۸ هجری (۱۴۴۴ م) برای آستانه حضرت عبدالعظیم دری ساخته بودند که دو لوح نامبرده مربوط بآن در است ولی دری که عجالتاً این لوحهای چوبی بر آن نصب شده است کمتر از صد سال قدمت دارد و کارکنان آستانه این در را بنام در مسجد هلاکو مینامند و نقل میکنند که در بخشی از

اطاق بزرگ محلّ مقبره ناصرالدین شاه (واقع بین گوشه جنوب غربی حرم حضرت عبدالعظیم و ضلع شمالی حرم امامزاده حمزه)^۴ سابقاً مسجدی بنام مسجد هلاک و وجود داشت و این در مربوط به آن مسجد بوده است (این در اکنون در محلی نصب نیست و شاید ضمن درهای منبت عهد صفویه و بعضی آثار تاریخی و نفیس دیگر در خزانه آستانه نگاهداری میشود).

۳- در بزرگ چوبی زیبایی بر درگاه بین رواق شمالی حرم و مسجد زنانه (یا مسجد پائین پادر جانب شرقی حرم) قرار دارد که کتیبه منبت حاوی آیات قرآن بر حاشیه ای زیبا و همچنین پوشش روکوب خوش طرح مخطط چوبی به شیوه روکوبیهای دوران آل مظفر و تیموری (سده های ۸ و ۹ هجری برابر ۱۴ و ۱۵ میلادی) آنرا زینت می بخشد و بر بالای دماغه تاریخ ۹۰۴ هجری (۱۴۹۸ م) مرقوم رفته است.^۵

درماه محرم سال ۹۴۴ هجری (۱۵۳۶ م) بفرمان شاه طهماسب اول ایوان آستانه حضرت عبدالعظیم بنا نهاده شد^۶ و هم در دوران شهر یاری او و دیگر پادشاهان سلسله صفویه، صحن اصلی و مسجد شمالی همان صحن و رواق و مسجد بالاسر و مسجد زنانه در جوانب شمال و مغرب و مشرق حرم احداث گشت.^۷

در گوشه جنوب غربی صحن امامزاده حمزه کوچه کوتاه یا راهرو و بازی است که به سردری از زمان شاه طهماسب اول منتهی میگردد. این سردر مزین به کتیبه کاشی معرق مورخ به سال ۹۴۵ هجری (۱۵۳۷ م) است، در آنجا یک جفت در بسیار کهن با روپوش آهنکوب نصب است که تصور میرود دست کم از قرن نهم هجری (۱۵ م) باشد و دو قطعه لوحه کتیبه کوفی برجسته آهنی مشتمل بر این کلمات: «امرالعبد الضعیف المذنب المرجی الی رحمة الله تعالی عبدالصمد بن فخرآور» در بالای آن نصب بوده است که در خزانه آستانه نگاهداری میگردد.

بقعه امامزاده حمزه مشتمل بر حرم به اندازه تقریبی و هیئت حرم حضرت عبدالعظیم و همانند آن مزین به آینه کاری، دارای ضریح نقره از اواسط دوران قاجاریه و صندوق چوبی تازه ساز و ایوان بزرگ شرقی و مسجد بالاسر (در جانب غربی آن) در جنوب غربی آستانه حضرت عبدالعظیم واقع است و بنظر میرسد از ابنیه دوران شاه طهماسب صفوی باشد.

بنای امامزاده طاهر در جانب شرقی صحن اصلی حضرت عبدالعظیم واقع بوده

وسعت حرم آن تقریباً همانند حرم حضرت عبدالعظیم مزین به نقاشی نسبتاً ساده و ضریح آن فولادی مربوط به ربع اول قرن ۱۴ هجری (آغاز قرن بیستم م) و تمامی بنای آن از دوران محمد شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار بوده تاریخ سردر ورودی حرم آن ۱۳۰۴ هجری (۱۸۸۷ م) است.

گنبد های هر سه حرم نامبرده دو پوش بوده گنبد حضرت عبدالعظیم با خشتهای مسی زرین و دو گنبد دیگر به پوشش کاشی دوران قاجاریه مزین است.

نسب حضرت عبدالعظیم در توضیح صندوق آن مرقوم گشت. امامزاده حمزه از فرزندان حضرت امام موسی کاظم (ع) بوده و در زیارتنامه آن اشاره باین مطلب رفته است که حضرت عبدالعظیم (در گذشته به سال ۲۵۴ یا ۲۵۵ هجری = ۸۶۸ یا ۸۶۹ م) مرقد وی را زیارت کرده است.

نسب امامزاده طاهر را در زیارتنامه چنین نوشته اند: «حضرت طاهر فرزند محمد فرزند حسن فرزند حسین فرزند عیسی فرزند یحیی فرزند حسین فرزند زید فرزند امام چهارم شیعیان (ع)».

در دوران فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ هجری = ۱۷۹۶ تا ۱۸۳۴ م) ضریح نقره پیشین حضرت عبدالعظیم احداث شد و اکنون بخشی از کتیبه حاشیه بالای آن در ضریح کنونی (که همزمان با تعمیر صندوق نفیس آن بوسیله استاد غلامحسین اقلیما و دستیارانش زیر نظر استاد فقید حاجی محمد صنیع خاتم ترتیب یافته) بجای اصلی نصب شده است.

از سال ۱۲۹۹ هجری (۱۸۱۴ م) تا سال ۱۳۲۰ هجری (۱۹۰۲ م) مقارن پادشاهی فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار تزیینات کاشیکاری و آئینه کاری و تهیه و نصب درهای نقاشی یا منبت یا خاتم و تعمیر ضریح و احداث مناره های بلند و نما سازی صحن اصلی و ترتیب صحنهای متعدد و کارهای دیگر بوسیله بانیان و نیکوکاران مختلف در مجموعه بناهای آستانه حضرت عبدالعظیم انجام گرفت که توضیح زیاد درباره آنها از حوصله این مقاله بیرون است و از نظر اهمیت پوشش زرین گنبد توضیح میدهد که این کار بفرمان ناصرالدین شاه (و همچنین ساختمان دومناره بلند) در سال ۱۲۷۰ هجری (۱۸۵۳ م) صورت گرفت.

موقعیت مجموعه ابنیه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) نسبت به محل شهر باستانی
ری در جانب غربی بیرون باروی آن شهر در محله باتان بوده است.^۱

۱- در نوشته آجری که ضمن بازپیرائی اطراف در ورودی شمال حرم حضرت عبدالعظیم از زیراندود گچ در زمستان ۱۳۴۷ شمسی (۱۹۶۸ م) پدیدار گردید این کلمات خوانده میشود: «بسم الله الرحمن الرحيم امر للبناء هذه القبة المطهرة على ساكنها السلم صاحب الدولة سيد شمس الدين مجد الملك مشيد الدولة ابو الفضل اسعد بن محمد بن موسى ثقة امير المؤمنين اطال الله بقيه وكيل مظالم على يدى عبدالله (الراجى ؟) الى رحمة الله زرينكفش ابى الفوا (رس)» آقای مهندس محمد کریم پیرنیا که در بازپیرائی و مرمت سردر تار یخی مورد ذکر با متصدیان محترم آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) از لحاظ فنی همکاری بسیار نزدیک و موثر داشته اند ضمن مقاله مفید مربوط باین موضوع در مجله باستان شناسی و هنر ایران - شماره دوم - بهار ۱۳۴۸ - درباره مجدالملک نامبرده مینویسند که «از سادات شیعی قم بوده و در دستگاه سلاطین سلجوقی مانند ملکشاه و برکیارق (پسر ملکشاه) منصب استیفا و وکالت مظالم داشته و بدستکاری زبیده خاتون همسر ملکشاه و با حمایت او بوزارت برکیارق نیز رسید و چندی بعد با دسیسه فرزند نظام الملک که پیش از او منصب وزارت داشته مقتول گردید.»

۲- در نوشته ای که بر بدنه های دو سمت درگاه ورودی مورد ذکر بتازگی پس از انجام تعمیرات آن نوشته اند پس از اشاره به آنچه بوسیله محمد پسر زید داعی علوی و پادشاهان آل بویه انجام یافته است اشاره نموده اند که اقدام مجدالملک در فواصل سالهای ۴۸۰ تا ۴۹۰ قمری (۱۰۸۷ تا ۱۰۹۷ م) صورت گرفته است.

۳- مهندس کریم پیرنیا - مقاله سابق الذکر.

۴- سنگ بزرگ و یک پارچه آرامگاه ناصرالدین شاه قاجار که نقش برجسته این پادشاه را از روبرو بر سطح بالای آن حجاری کرده و در جوانب آن بوسیله سنگهای مرمر، یک پله زیبا ترتیب داده اند از آثار هنری برجسته ایران در اوایل قرن ۱۴ هجری (اواخر قرن ۱۹ م) است.

۵- توضیحات مربوط به شماره های ۱ و ۲ از نوشته سید محمد تقی مصطفوی (آستانه حضرت عبدالعظیم ع) تهران شهریور ۱۳۳۰ شماره های ۴ تا ۸ و ۱۶ و ۱۷ اقتباس شده اطلاعات مندرج در شماره ۳ برای مقاله حاضر مستقیماً فراهم گشته است.

۶- دکتر حسین کریمان (ری باستان - مجلد اول - انتشارات انجمن آثار ملی) تهران اسفند ۱۳۵۴ - ص ۱۳۹۱.

۷- محمد کریم پیرنیا مقاله سابق الذکر.

۸- حضرت عبدالعظیم (ع) علاوه بر نسبت نزدیک به خاندان پیمبر اسلام (ص) از نظر مرتبت علمی و روحانی هم بسیار بلندپایه بود چنانکه در زیارت نامه او عنوان «محدث العلیم» بوی داده اند و برای توضیح این مطلب مناسب است که قسمتهائی از آنچه در دو کتاب مربوط به آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) نوشته شده است نقل نماید:

یک - «... حضرت عبدالعظیم درک خدمت سه امام، محمد تقی الجواد، امام علی التقی الهادی، و

امام حسن العسکری را فرموده، ولی احادیثی را که نقل کرده همه بعنوان استماع از دو امام نهم و دهم است...» «حضرت عبدالعظیم (ع) گذشته از قرابتی که با حضرت جواد و حضرت هادی داشت دائماً اوقاتش را صرف خدمت آنان و استفاده علم و معرفت از آن دو بزرگوار میکرد و در مسافرتیکه ببغداد و سامره مینمود ملتزم خدمت و محرم اسرار آنها بود. بجهت همین خلطه و آمیزش فوق العاده با دو امام مذکور و تقریب زیاد نزد آنان مورد سوءظن مخالفین زمان یعنی مأمورین خلفای عباسی واقع گردید در مقام اذیت و آزار او برآمده بودند، تا اینکه در زمان خلافت المعتز بالله عباسی بنابر امر حضرت علی النقی الهادی خانواده خود را در مدینه طیبه گذارده و از آنجا مهاجرت فرمود و دستور داشت که بسمت ایران عزیمت نموده و در شهری بتعلیم مسائل دین و ارشاد مردم اشتغال ورزند» (دکتر محمد علی هدایتی - آستانه ری - چاپ تهران ۱۳۴۴ خورشیدی ص ۱۹).

دو... محدث العظیم آن بزرگوار است که بدون واسطه از چند نفر ائمه معصومین احادیث صحیحه استماع نموده و بدون نقصان و زیاده بمردمان شهری رسانیده...» (حاجی ملا باقر - جنة النعیم یا روح و ریحان - چاپ سنگی تهران - ۱۲۹۶ هجری - ص ۱۱۵).

۹- دکتر حسین کریمان - کتاب سابق الذکر ص ۳۸۳ و ۳۸۸ و ۳۹۵.

چهار بنادر چهار شهر بنام قلعه دختر

۱- در خراسان و سیستان

جاده مشهد به تربت حیدریه از تنگه ای میگذرد که بر فراز دوکوه طرفین آن ویرانه های دو قلعه استحکاماتی پدیدار است یکی از این دو ویرانه را بنام قلعه دختر و دیگری را بنام قلعه پسر میخوانند. هنگامیکه از مشهد به تربت حیدری بروند پس از آنکه از دهکده ای بنام رباط سفید بگذرند به تنگه مزبور میرسند.

اینجا یکی از نقاط متعددی است که نام دختر را برمحل قدیمی نهاده اند به شرحی که طی دو مقاله ذکر خواهد نمود یک سلسله آثار تاریخی ایران منسوب بدختر بوده بنام دختر خوانده میشود و تحقیق و بحث در این باره خود موضوعی بسیار دلنشین است و برای جوانان محقق و دانشمند میتواند منشاء مطالعه مفید و دلچسبی باشد. در تنگه مزبور مهمتر از آثار قلعه پسر و قلعه دختر بنای استوار معظمی از سنگ و گچ در پائین کوه قرار دارد که در ردیف چهار طاقهای معروف عهد ساسانی بوده بمسافت قریب صدمتری جاده واقع گردیده است. این بنای معظم ساسانی بنام بازهور (بروزن کازرون) خوانده میشود و مشتمل بر چهار طاقی بزرگی است که دو دهلیز بار یک در دو سمت شمال و جنوب آن وجود دارد و از نظر نقشه ساختمانی هم اثر منحصر بفردی بشمار میرود. طول بنا متجاوز از بیست و عرض آن بیش از ۱۵ متر است نام محلی آن آشپزخانه بوده مردم آنرا آشپزخانه قلعه دختر و قلعه پسر فوق الذکر معرفی میکنند. تصور میرود که نام دهکده رباط سفید هم بمناسبت همین بنای بازهور باشد زیرا رنگ سفید سنگ و گچ و موقعیت بنادر کنار جاده مناسبت دارد که آنرا مربوط بر رباط یا قسمتی از رباط سفید رنگ بدانند و دهکده نزدیک را بدان نام بخوانند.

اگر اداره فرهنگ خراسان یا فرمانداری یا بخشداری مربوط یا مقامات دیگر محلی یا کدخدا و مالک آن حدود بتوانند استاد بنای مطمئن و لایقی را با مقدار کافی گچ مرغوب به این محل بفرستند و پایه‌های بنای قدیمی را بوضع اصلی آن که شفته سنگ و گچ بوده است تجدید نمایند یقیناً چندصد سال بر دوام و عمر این اثر تاریخی افزوده خواهد شد و چنین کاری هم از وظائف اولیه سهل و عملی ادارات فرهنگ و مقامات و شخصیت‌های مثبت محلی در مورد بسیاری از ابنیه باستانی ایران است.

از قراریکه یکی از اهالی سیستان اظهار مینمود در آنجا هم بنای قدیمی بنام قلعه دختر وجود دارد و چون نگارنده آنرا ندیده‌ام و اطلاعی هم نتوانستم درباره آن تحصیل نمایم اظهار نظر درباره آن میسر نبوده همینقدر میتوان احتمال داد که بنای قلعه دختر سیستان مربوط بیکی از دوره‌های اشکانی یا ساسانی یا صفاری باشد زیرا آثار مهم عهد اشکانی در سیستان وجود دارد و دور نیست قلعه دختر هم یکی از همان آثار باشد یا اینکه آنرا مانند قلعه دختر بین مشهد و تربت حیدری در عهد ساسانیان بنا نموده باشند و یا باقتضای طلوع سلسله صفاریان در سیستان از قلاع و استحکامات یعقوب لیث و شهریاران دیگر آن سلسله محسوب گردد.

۲- در کوهستان البرز جاده شهرستانک

شاهزاده خانمی که از بستگان خویش رنجیده خاطر بوده دست برادر را میگیرد و به محلی دور بر فراز کوهستان میرود و در آنجا جهت سکونت خود و برادرش قلعه‌ای از سنگ و گچ می‌سازد. ملاط این قلعه را با شیر گوسفند آمیخته‌اند و بنا بگفته بعضی دیگر پنبه و تخم مرغ و آهک در آن بکار برده‌اند. برخی این قلعه را منسوب به لشکریان اسکندر دانسته و عده‌ای هم آنرا قلعه مادر دختر میخوانند.

در محلی که جاده به گردنه بین آهار و شهرستانک میرسد در سمت شمال بر فراز قله مشرف به جاده آثار بنائی از سنگ و گچ پدیدار است که بگفته آقای سیرو معمار مهندس فرانسوی محل آن باندازه ۳۲۲ متر از گردنه مزبور بلندتر است و مجموع ارتفاع آن از سطح دریا بالغ بر ۳۱۲۰ متر میگردد. افسانه‌های فوق را اهل محل در باره همین بنا نقل میکنند. بنای مزبور از آثار عهد ساسانیان بوده آنرا برای مراقبت و تأمین جاده فوق که از معبرهای قدیم کوهستانی بین ری و نقاط مختلف سمت جنوب کوه البرز یا نواحی

داخل و پشت کوه نامبرده میباشد احداث نموده‌اند و مشتمل بر دو اطاق و یک راهرو بوده تنها بوسیله مدخلی از سمت شمال می‌توانستند داخل راهرو بشوند و بدرون بنا راه یابند و مساحت مجموع آن در حدود ۱۰ متر در ۱۰ متر میباشد.

در این بنای کوهستانی مانند بسیاری ساختمانهای عهد ساسانی سنگ و گچ را بصورت شفته بهم آمیخته با کمک قالبهای چوبی و تخته دیوار و طاق بنا را استوار نموده‌اند و اصطلاح «قالب دبه» که در معماری قدیم ایران وجود داشت و امروز بنام «کفراژ» در ساختمانهای بتون مسلح بکار میرود مربوط بهمین سبک ساختمان است. در بنای بازه‌ور خراسان و قلعه دختر قم و تپه میل نزدیک طهران و بسیاری ابنیه عهد ساسانی آثار آن بخوبی دیده میشود. کوهستان واقع در چند کیلومتری شمال شهرستانک نیز بنام کود دختر خوانده میشود و قلاع چند دیگر در کوه البرز که حتی برخی از آنها مربوط بعهد مغول است نیز قلعه دختر نام دارد.

۳- در بیرون شهر قم

قریب یک کیلومتری می مغرب شهر قم بر فراز تپه‌ای که مابین جاده اراک و رودخانه قم قرار دارد بنای دیگری از عهد ساسانیان بنام قلعه دختر واقع گردیده است بنای مزبور رویهمرفته بطول ۱۵ و عرض قریب ده متر مشتمل بر ایوانی بوده که از دوجانب گشاده و از یک سمت به راهرو و اطاق کوچکی متصل میگشته و از یک سمت به طاق‌نمایی باز میشد و کتیبه بسیار محقری هم در اطاق کوچک آنجا بر دیوار نقر شده است که نام علیرضا و سال تاریخ ۱۱۲۱ هجری در آن تشخیص میگردد. تصوّر میرود منظور اولیه از ساختمان آن جهت آتشکده بوده در دوره صفویه هم برای راز و نیاز بدرگاه خدای متعال از آن استفاده میکرده‌اند و پس از آن بر اثر سستی تپه و فرونشستن سنگها و خاکهای مجاور بکلی از حیث انتفاع افتاده بصورت متروک کنونی درآمده باشد. آقای مهندس سیرو ضمن ذکر مطالب بالا چنین اظهار نظر مینماید که امامزاده پائین تپه مورد ذکر (بقعه شاه جمال) بعد از انهدام قطعی بنای قدیم بالای تپه دائر و آباد گردیده است و البته در این باره باید بیشتر تحقیق و تأمل نمود.

۴- در خانه اردشیر بابکان

در فیروزآباد علاوه بر کاخهای معظم اردشیر بابکان و آتشکده مهم آنجا قلعه‌ای

هم از آثار شهر یارمزبور بر فراز کوهستان است که نام قلعه دختر بآن داده اند و ساختمان آن از نظر استحکام و دقت پای ابنیه دیگر فیروزآباد نمیرسد. یقیناً علاوه بر آثار فوق استحکامات یا آتشکده های دیگر در بسیاری نقاط ایران وجود دارد که بنام قلعه دختر خوانده میشود آثاری هم بهمین ترتیب بنامهای دیگر وجود دارد که از موضوع این مقاله بیرون است. ابنیه و آثار دیگری غیر از قلعه نیز بنام دختر وجود دارد که در میان آنها از ابنیه تاریخی بسیار مهم ایران هم دیده میشود و امیدوار است در مقاله جداگانه ای بعرض خوانندگان کرام برساند.

غنی ترین بقاع متبرک

اگر بخواهیم مشاهد متبرک و زیارتگاههای شیعیان را علاوه بر جنبهٔ تیمن و تبرک آنها از لحاظ یادگارهای هنری و شاهکارهای صنایع ظریفه و تزئینات گرانبها و نفائس روزگاران گذشته مورد بررسی و دقت قرار دهیم یقیناً هیچکدام آنها باندازه آستانه امام هشتم شیعیان در مشهد جلب نظر نمیکند.

باتوجه بتاریخ سرزمین خراسان در ادوار اسلامی و کشمکشهای سلسله‌ها و شاهان مختلف تاحدی میتوان باین موضوع پی برد که بسیاری شهریاران باایمان از سلسله‌های مختلف و بزرگان دیگر آنقدر که توانسته‌اند بآستان قدس رضوی اخلاص ورزیده و اثری در آنجا گذارده‌اند و از طرف دیگر هنرمندان ایرانی از همان قرون اولیهٔ اسلام شاهکارهای هنری خود را براین درگاه پر منزلت عرضه داشته اسرار نهفته پیشهٔ ظریف خویش را دراین راه بکار برده‌اند و نمونه‌های بی نظیری از نفائس تاریخی را نثار هدف پاک خویش نموده‌اند.

در کتابهایی که راجع بآستانه رضوی (ع) مطالبی مرقوم رفته است ملاحظه میشود که نویسندگان ایرانی و غیرایرانی دراین باره متحدالقولند که آستان قدس رضوی از بقاع متبرک دیگر مسلمین همیشه پرنورتر و دارای تزئینات گرانبها تر بوده است و دراین مقاله سعی میشود با استفاده از مشهودات و یادداشتهای خود و مختصر مطالعه در کتاب «مطلع الشمس» اطلاعاتی از زبده‌ترین و مهمترین آثار این کانون متبرک و مقدس را بعرض علاقه‌مندان و خوانندگان گرامی برساند.

قدیمی ترین آثار تاریخی

در سال ۶۱۲ هجری که معاصر با سلطنت سلطان محمد خوارزمشاه بوده است

استاد معروف کاشی ساز آنزمان بنام محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین کاشانی با همکاری هنرمند نامی دیگر موسوم بابوزید بظه نقاش ازاره کاشی دورادور حرم حضرت رضا(ع) و محرابهای کوچکی که بر دیوار جنوبی حرم مطهر نصب می باشد و کتیبه اطراف جبهه خارجی درب جنوبی حرم را ساخته شاهکارهای بی نظیری از قدیمترین کاشیهای عهد اسلام بوجود آورده است که بر روی یک قسمت آن در ازاره حرم مطهر نام سلطان محمد خوارزمشاه را ذکر نموده اند و بر قسمت دیگر که کتیبه خارجی اطراف درب جنوبی حرم می باشد اسم بانی این کار علی بن محمد المقری مرقوم رفته است.

اهمیت این کاشیها و همچنین کاشیهای مرقد حضرت معصومه سلام الله علیها بحدی است که خود میتواند موضوع رساله ای مستقل واقع گردد. در اینجا همینقدر لازم بذکر میداند که چقدر بجا و خوب بود بهر قیمت و هر ترتیب میسر میگردید از طرف اولیای محترم آستان قدس روی قسمتهائی از این کاشیهای نفیس مخصوصا کتیبه اطراف در جنوبی حرم را در دارالحفاظ بوسیله نصب جامهای شیشه کلفت میپوشاندند زیرا بر اثر تماس دست و بدن مردم آسیبهای زیاد و غیر قابل جبران باین نفائس بی نظیر وارد آمده اگر فکری بحال آنها نشود قسمتهای مهمی از آنها حقیقتاً از میان میرود و موجب سرافکندگی همه خواهد بود.

در قسمتی از کاشیهای صفة شمالی حرم مطهر دو شعر فارسی ذیل مشاهد میشود
 بادا هزار بار فزونتر سلام حق بر تو ایا غریب خراسان امام حق
 مشتاق حضرت توام ای سید شهید حق که هستم از دل و از جان غلام حق
 گوینده این اشعار نام خود را عبدالله بن محمد بن عبدالله و تاریخ آنرا سال ۶۱۲ ذکر نموده است. بخوبی معلوم میشود که در این سال دامنه تعمیر و تزیین و کاشیکاری آستان مقدس امام هشتم وسیع بوده فعالیت و کارهای زیادی صورت گرفته است نوشته هائی هم مربوط به پیش از سال ۶۱۲ هست.

یکی از کاشیهای کتیبه ازاره حرم مطهر که کلمه خمسمائه باقی و کسری آن مشهود نیست و دیگری بر روی سقاخانه سنگی که از متعلقات آستانه بوده بنام سلطان ابوالفتح محمد بن مسعود و دارای تاریخ شعبان سال ۵۷۷ هجری می باشد بعد از سال ۶۱۲ آثاری از قرن هشتم هجری پدیدار و اجمالاً عبارتست از اول قسمتی از ضریح فولادی ظریف زمان سلطان محمد الحایتو خدا بنده که قدیمترین ضریح مرقد مطهر بوده

و اکنون در موزه آستان قدس نگهداری میشود. دوم در چوب شمشاد آستانه مجاور ایوان طلای صحن کهنه که از آنجا برواق وسیع مغرب حرم موسوم به «توحیدخانه» و «دارالسیاده» وارد میشود و بر کتیبه بالای چارچوب آن تاریخ ۷۳۵ هجری ذکر شده است. سوم کاشیهای ازاره صفه شمالی حرم مطهر که دارای تاریخ ۷۶۰ هجری است و میرساند که در آن سال بار دیگر تعمیر و تزیین بارگاه رضوی (ع) مورد توجه قرار گرفته نواده‌های استادان کاشی ساز و نقاش که ذکرشان ضمن اشاره به کاشیهای سال ۶۱۲ هجری گذشت هنر اجدادی خود را در تهیه قسمتهای دیگر کاشیهای نفیس حرم بکار بسته‌اند.

یکمرتبه دیگر آبادی و توسعه بیشتر

از لحاظ وضع معماری بنای حرم آنچه از کاشیهای سال ۶۱۲ میتوان فهمید دو چیز است یکی اینکه بنای حرم بهمین هیئت در قرن ششم هجری وجود داشته در سال ۶۱۲ ضمن تعمیر و مرمت آن کاشیهای نفیس مورد ذکر را بردیوار و در آن نصب نموده‌اند. دوم آنکه مدخل اصلی و قدیمی حرم از در جنوب بوده است و در مزبور که تا سال ۱۳۳۵ محاذی دالان و کفش کن شرقی ایوان شمالی مسجد گوهرشاد قرار داشت و بسته بود اخیراً از طرف تولیت مسجد گوهرشاد مجدداً باز و دایر شده است لکن در عین حال بر اثر توسعه و تغییر و تبدیل ساختمانها راه مستقیم ورود بدرج جنوبی عملاً تغییر یافته برای دخول بحرم مطهر باید از چند قسمت گذشت و شرح اینگونه تغییرات و تبدیلات مفصل‌تر از آنست که دراین مختصر بگنجد. اجمالاً باید گفت که در زمان شاهرخ تیموری از یکطرف به همت زوجه او گوهرشاد خاتون مسجد جامع گوهرشاد که خود شرح و تفصیل جداگانه دارد در سمت جنوب حرم بنا گردید و از طرف دیگر مدرسه دودرو مدخل شمال غربی حرم مطهر و ابنیه دیگر متصل به ضلع غربی حرم ساخته شد و بدینطریق یکمرتبه دیگر آستان مقدس رضوی آبادی و توسعه بیشتریافت.

هنگام سلطنت شاه سلطان حسین میرزای بایقرا نبیره امیر تیمور گورکان نصف جنوبی صحن شمالی که به صحن کهنه موسوم است بوسیله امیرعلیشیرنواهی وزیر او ساخته شد و چون ایوان مرکزی این بنا با حرم مطهر موازی نبود لذا دهانه که محل نصب پنجره فولاد است تعبیه گردید که در شمال حرم مطهر قرار دارد.

مرکز سیاسی شرق ایران

یقیناً سیاست ایران نگهدار سلسله صفویه از آغاز سلطنت شاه اسمعیل اول ایجاب مینمود که بقاع متبرک ائمه معصومین بیش از پیش مورد توجه و احترام و آبادانی قرار گیرد و یکی از آثار سیاست مزبور این شد که شهر هرات که پیش از عصر صفویه پایتخت سلطنت معتبر نواحی شرق ایران بود از مرکزیت سیاسی افتاد و در پرتو وجود آستان حضرت رضا (ع) و توجه روزافزون بآن آستان مبارک از آن بیعد شهر مشهد مهمترین مرکز سیاسی استانهای شرقی ایران گردید و در اینجا به مهمترین نمونه‌های آثار شاهان صفوی در آستان قدس رضوی اشاره میکنیم.

شاه طهماسب اول صفوی که به کلیه بقاع متبرک شیعیان توجه بسیار داشت کتیبه مشک طلا مشتمل بر سوره هل اتی بر مرقد مطهر حضرت رضا (ع) نصب نمود و این عبارت هم در آن نوشته شده بود:

«بتوفیق الهی و تایید حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین طهماسب بن اسمعیل الحسینی الصفوی بوضع این محجر طلا در این موضع عرش اعتلا موفق و مؤید گردید. سنه ۹۵۷» قطعات این کتیبه اکنون زینت بخش موزه آستانه مشهد است.

در سال ۱۳۰۹ هجری هنگامی که شاهزادگان و بزرگان از یک در اصفهان بحضور شاه عباس کبیر پذیرفته شدند ضمن هدایائی که با خود آورده و تقدیم داشتند یک قطعه الماس گرانبها بود که سابقاً هنگام غارت روضه مطهر رضوی از آن آستان مقدس بچنگ عبدالمومن خان اوزبک افتاده بود و شاه عباس آنرا به پیشکشی قبول نکرد و خواست به خزانه حضرتی عودت دهد لکن به فتوای علمای عصر قرار شد الماس را بفروشند و بجای آن املاک مرغوب جهت آستانه خریداری کنند و در نتیجه الماس مزبور را به اسلامبول فرستاده بقیمت مناسب فروختند و قیمت آنرا برای تبدیل باحسن بآستانه رضوی فرستادند.

شاه عباس پیاده از اصفهان بمشهد رفت

در سال ۱۳۱۰ هجری شاه عباس نذری را که از مدتها قبل برای پیاده رفتن از اصفهان به مشهد برعهده داشت عملی نموده و ابتدا از عمارت شاهی نقش جهان

اصفهان بمسجد طوقچی در خارج شهر رفت و از آنجا بدولت آباد در سه فرسخی اصفهان عزیمت نمود کسانی که داوطلب همسفری شاه شدند و عموماً بجز سه نفر از همراهان که تا مشهد پیاده در رکاب شاه بودند بقیه که مانند شاه عباس نذری برعهده نداشتند سواره در این سفر شرکت نمودند و محمدزمان سلطان بایندر ترکمان و مهتر سلطان رکابدار باشی و میرزا هدایت الله نواده نجم ثانی با سه نفر دیگر طنابی بدست گرفته دوازده هزار ذرع را که یک فرسخ شرعی است اندازه می گرفتند و جلال الدین یزدی منجم مخصوص شاه حساب این ذرع و پیمانرا نگاه میداشت که معلوم باشد هر روز شاه چقدر مسافت طی میکند و از اصفهان تا مشهد چند فرسخ است و مدت ۲۸ روز مسافت اصفهان تا مشهد بدین طریق طی گردید.

در کتاب عالم آرای عباسی که شرح این مسافرت را نوشته است متأسفانه خط سیر و اطلاعات بیشتر درباره این مسافرت مهم نمیدهد ولی تصور نزدیک به یقین میرود که شاه ایران از راه کاشان و سیاه کوه ورامین و خوار و قشلاق (گرمسار) بسمنان رسیده از آنجا به سمت مشهد رفته باشد و باید انصاف داد که بیست و هشت روز برای چنین مسافرتی با اردوی شاهی و همراهان و دستگاه سلطنتی مدت زیادی نیست و مسافرت مزبور جنبه تفریح نداشته و شاه و همراهان بخوبی راه اخلاص می پیموده اند.

در همان سال پس از رسیدن بمشهد دستور تزیین گنبد مطهر را با خشتهای طلاپوش داد و این کار در ظرف مدت شش سال انجام گرفت. در کتیبه طلای مینائی گنبد اشاره باین امر شده نام کمال الدین محمود یزدی که استاد کار بوده و علیرضا عباسی که نویسنده کتیبه باشد ذکر گردیده است.

گنبد الله وردیخان در کنار صحن کهنه در گوشه شمال شرقی حرم مطهر از ممتازترین و نفیس ترین ابنیه کاشیکاری ایران است و خوشبختانه استادان هنرمند مشهد در سالهای اخیر حد اعلای مهارت خود را در تعمیرات دقیق آن نشان داده اند و اثر دیگری از آبادانی آستان قدس رضوی در عهد شاه عباس کبیر بشمار میرود.

در چهارترنج بزرگ که بر بدنه طلای گنبد میناکاری شده کتیبه بخط محمدرضا امامی مرقوم و طی آن حکایت شده است که گنبد طلای رضوی بر اثر زلزله سال ۱۰۸۴ هجری خرابی پیدا کرد و در سال ۱۰۸۵ شاه سلیمان صفوی آنرا تجدید و تعمیر نمود.

شاه عباس ثانی در سال ۱۰۵۹ هجری نصف شمالی صحن کهنه را بنیان نمود و در کتیبه ایوان شمالی صحن مزبور نام این شهر یار ذکر شده است.

آثار دوره نادری

نادرشاه افشار در سالهای ۱۱۴۲ تا ۱۱۴۶ یعنی تا دو سال پیش از اینکه رسماً به سلطنت برسد ایوان جنوبی صحن کهنه یعنی ایوانی را که امیرعلیشیر ساخته بود با دومناره یعنی دو گلدسته همین صحن که یکی برفراز ایوان جنوبی و دیگری بر بالای ایوان شمالی است با خشتهای طلاپوش طلاکاری کرد و در یکی از مصراعهای اشعار که در محراب ایوان طلای مزبور نوشته شده اسم این شهر یار «کلب درگاه امیرالمومنین نادرعلی» و در بیت بعدی عنوان او در آن هنگام «والی ملک خراسان» ذکر گردیده است.

همچنین طبق آنچه در کتاب مطلع الشمس اشاره شده بنا بر کتیبه ای که بر درب جنوبی حرم مطهر مرقوم رفته است در سال ۱۱۵۵ نادرشاه افشار داخل حرم را هم طلاکاری نموده و بر اثر خرابی و کهنگی بامر ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۷ بجای طلاکاری مزبور داخل حرم مطهر را آئینه کاری کرده اند.

مرقد مطهر دارای دوضریح فولادی است. ضریح بزرگتر که زوآر میبوسند و عرض نیاز میکنند ساده و بدون نوشته است. ضریح دوم هم از فولاد است لکن مزین به طلا و مرصع به یاقوت و زمرد میباشد که کتیبه ای بنام سلطان نادرشاهرخ شاه الحسینی الصفوی بهادرخان بسال ۱۱۶۰ بر روی آن مشاهده میشود.

دو سفر ناصرالدینشاه

فتحعلیشاه قاجار صحن نورا که در سمت مشرق آستان متبرک است بنا نمود و بحکایت نوشته های موجود در آن کار ساختمان و تزئینات و کاشیکاری صحن در زمان فتحعلیشاه پایان نیافته در زمان محمدشاه و ناصرالدین قاجار ادامه داشته ایوان طلای صحن مزبور که مدخل شرقی آستان مطهر باشد در زمان ناصرالدین شاه طلاکاری شده است.

ناصرالدین شاه دومرتبه بزیارت حضرت ثامن الائمه رفت سفر اول در ۱۵

ذیحجه سال ۱۲۸۳ قمری از طهران عازم شده از طریق دوشان تپه به خاتون آباد و راهی که کم و بیش هم اکنون بمشهد می‌رود سواره مسافرت نموده پس از دوماه یعنی روز ۱۴ صفر ۱۲۸۴ قمری بمشهد رسید و سفر دوم در ۱۳۰۰ هجری دوماه و شش روز از طریق فیروزکوه و از شاهرود به بسطام و جاجرم و بجنورد و از آنجا به طوس و مشهد مسافرت نموده است.

بادگیر پدیده‌ای زیبا و سهل و ممتنع در معماری اصیل ایرانی

از جمله پدیده‌های چشم‌گیر در ساختمانهای روزگاران گذشته ایران «بادگیر» است که مخصوصاً در شهرها و آبادیهای کرانه‌های کویر و دشت و هامونهای بادخیز بر فراز ساختمانها دیده میشود و برخی اشخاص آنرا بیش از فائده تھویه از جنبه تزئینی مهم می‌پندارند ولی حقیقت اینست که در عین زیبایی و زینت بخشودن به ساختمان، نقش بس‌مؤثر و ارزنده در چگونگی تھویه فضای درونی ساختمانها و خنک کردن سردابها و آب‌انبارها دارد.

معماران و استادکاران امور ساختمانی ایران همانگونه که از عامل «سرمای» زمستانهای سخت بوسیله ایجاد دیوارهای بلند یخچال بهره می‌گرفتند و با یخ بستن آب و انباشتن یخ در چالهای گود و بزرگ ثمره سرمای زمستان را بصورت این ماده بلورین بدست می‌آوردند تا هنگام تابستان و توف گرما در اختیار مردم تشنه و گرم‌زده بگذارند. و همچنین با تعبیه آسیاهای بادی بزرگ (آسبادها) که پره‌های بلند متعدد قائم دارد در نواحی شرقی خراسان نیروی باد را عیناً و بدون هیچگونه تغییر و تبدل به سنگ روئین آسیا منتقل می‌کردند و در نتیجه توأم با وزش باد آسیاهای متعدد ناحیه خواف و خرگرد و زوزن و دیگر بخشهای جنوب شرقی و جنوب خراسان به گردش در می‌آمد^۱ عامل باد را نیز با استادی و هوشمندی فراوان برای تعدیل گرمای درون تالارها و سردابها و گوارا نمودن آب آب‌انبارها و مصنعه‌ها به خدمت می‌گرفتند.

چگونگی استفاده از عامل باد در بادگیرها بدین ترتیب است که بناهای برج مانند باریک و بلند چهار پهلویا احياناً هشت پهلوی برفراز بام ساختمان احداث می کنند و قسمت بالای بنای نامبرده را در چهار سمت، گشاده و باز می گذارند. بالای دهانه های چهارگانه یا احياناً هشت گانه رو به آسمان بسته است ولی پائین آن بطرف داخل بنا تادرون ساختمان یا آب انبار یا سرداب باز و آزاد است.

در عین حال داخل بنای برج مانند را بوسیله تیغه ها و پره های آجری مورّب به چهار قسمت تقسیم می کنند بطوریکه چون در فضای بالای بنای نامبرده باد از هر سو بوزد بدرون دهانه همان سو وارد می گردد و بر اثر اینکه تیغه ها و پره های مورّب و مجراها (یا به اصطلاح برخی از مردم امروزی کانالها) در داخل بادگیر رو به پائین ادامه دارد کشش باد هم به سمت پائین ادامه پیدا می کند و باد از هوای آزاد بالا بدرون ساختمان میرسد و از سوی دیگر هوا بیرون میرود و این امر باعث وزش باد و جابجا گشتن هوای فضای داخل ساختمان می گردد (ش ۱).

با مختصر بررسی بادگیرها در بناهای گوناگون میتوان دریافت که بادگیرهای موجود کنونی در مرحله های نخستین بصورت ساده تر از آنچه اکنون مورد اطلاع و آشنائی است ساخته می شد بدین معنی که هر بادگیر تنها از یک سو دارای دهانه ای باز در بالا بود و موضوع تقسیم بندی داخل بادگیر و ترتیب پره در میان نمی آمد بلکه تمام فضای درون بادگیر همچون یک هواکش یک سره بود، برای تهویه فضای داخل آب انبار بر فراز آن دو یا سه یا چهار بادگیر احداث می کردند و هر بادگیر رو به یک جانب دارای دهانه باز و سه طرف دیگر آن بسته بود و دهانه باز در هر بادگیر در جهتی غیر از جهت باز سایر بادگیرها قرار داشت و در نتیجه از هر جانب که باد میوزید وزش و جریان باد از یک یا دو بادگیر به فضای درون بنا راه می یافت و طبعاً در قبال وزش باد بداخل بنا بهمان اندازه هوای درونی ساختمان از دو بادگیر (یا سه بادگیر) دیگر به بیرون سوق داده میشد و بدین ترتیب هوای داخل ساختمان تعویض میگردد (ش ۲) استادان معمار چنین بادگیرها را با اصطلاح « بده و بستان » می نامند^۲.

پس از این مرحله وضع بادگیرها تکامل مختصری پیدا کرد و آن بدینصورت بوده است که هر بادگیر در بالا از چهار سو دارای دهانه باز بود و تیغه های مورّب عمودی و متقاطع در طول بادگیر احداث میکردند و در نتیجه هر بادگیر نقش چهار بادگیر را که

هر سمت دهانه‌ای داشته باشد ایفاء می نمود (ش ۳).

مرحله بعدی چنین بود که در دهانه‌های چهارسوی هر بادگیر تیغه‌های عمودی متعدّد و موازی یکدیگر ترتیب میدادند و این عمل از طرفی موجب تنظیم بهتر فشار باد و از طرف دیگر به زیبایی نمای بادگیر منجر می گشت (ش ۴).

باملاحظه و بررسی بادگیرهای موجود در بناهای دورانهای مختلف تاریخی میتوان باور داشت که قدیمترین و ابتدائیترین بادگیرهای باقی مانده با دهانه‌های یک جانبه حداقل از دوران صفویه (سده یازدهم هجری) برجا مانده است ولی پیشینه احداث بادگیر به چند سده پیش از دوران صفویه می رسد چنانکه در کتاب تایخ جدید یزد تالیف احمد بن حسین بن علی الکاتب از آثار نیمه دوم سده نهم هجری (حدود ۱۴۵۸ میلادی) ضمن شرح بناهای شاهان آل مظفر و تیموریان که در سده‌های هشتم و نهم هجری در یزد ساخته و پرداخته شده است مکرّر به احداث بادگیرهای «رفیع» اشاره رفته گهگاه در اشعاری هم که به مناسبت ایجاد ساختمانهایی در آن زمان سروده‌اند و در همان کتاب مندرج است ذکر بادگیر به میان می آید^۳.

کمی پس از زمان احداث بادگیرهای یک طرفه باز از همان دوران صفویه، بادگیرهای مرحله دوم را که هر بادگیر در هر سمت دارای دهانه‌ای بوده است میتوان ملاحظه و بررسی نمود و پس از دوره صفویه به احتمال بیشتر از زمان فتحعلیشاه قاجار بادگیرهای زیبا که هرجانب آن بوسیله پره‌های چند تقسیم بندی شده هیئت و ترکیب تزئینی قابل توجهی داشت معمول گردید (ش ۵ و ۶ و ۷).

آخرین مرحله تکامل بادگیرها را باید بادگیر دو مرتبه‌ای یاد و اشکوبه‌ای دانست و آن بدین گونه است که یک بادگیر بزرگ با دهانه‌ها و تیغه‌ها و پره‌های معمولی در هر چهار سمت احداث میکردند و قسمت وسط آنرا جدا از هر چهار سمت بصورت مستقل به ارتفاع بیشتری بالا میبردند (ش ۸) و در حقیقت بادگیر باریکی از وسط بادگیر ستبر و بزرگ بجانب آسمان به ارتفاع یکی دومترا یا بیشتر افزون از سایر قسمتهای بادگیر می افراشتند بطوریکه اگر فرضاً تیغه‌های بادگیر مرکزی فرومی ریخت آسیبی به بادگیر بزرگ چهار پهلوی آن وارد نمی آمد و همچنین چنانکه هربخش بادگیر بزرگ لطمه‌ای میدید به بادگیر باریک مرکزی ارتباط پیدا نمی کرد.

یکی از مشخصترین و زیباترین چنین بادگیرهایی را نگارنده در ابرقوبرفراز

صفه تالارخانه‌ای بنام خانه آقازاده دیدم (ش ۹).

اکنون به ذکر این نکته پردازیم که محل رسیدن باد از راه بادگیر به درون بنا را چگونه ترتیب میدادند:

برای بهره‌مندی از نسیم و وزش باد بطور کلی دهانه‌های ساده در کنار سقف یا در محل مناسبی از دیوار احداث میشد چنانکه در خانه‌ها و سردابها و آب‌انبارها و کاروانسراهای داخل و خارج شهرهای کنار کویر این گونه دهانه‌ها در محل پیوستگی بادگیر به کنار پوشش گنبد یا در سقف شاه‌نشین یا بدنه دیوار وجود دارد. در مسجد آقا در شهر کاشان (مورخ به سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۶ هجری = ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۰ میلادی) بر بدنه افقی بالای قسمت وسط محراب روزه‌ای به اندازه یک طاقچه کوچک وجود دارد که بادگیر بدان منتهی میگردد و از آنجا باد به درون محراب میوزد.

در زیرزمینهای بزرگ خانه‌های قدیم جلو دهانه محل وزیدن باد بدرون زیرزمین غالباً پنجره‌های مشبک کاشی نصب مینمودند و بدینوسیله چنین دهانه و روزه‌ای را از صورت ساده و ناهم‌آهنگ با ازاره و قسمتهای دیگر زیرزمین بیرون می‌آوردند.

در بعضی خانه‌های بزرگ در محل ارتباط سرداب یا اطاق به بادگیر، درپچه چوبی یا پنجره مشبک چوبی یا پنجره کاشی مشبک ترتیب می‌دادند و چنانکه باد بصورت نسیم میوزید پنجره مشبک طبعاً بهتر و مفیدتر بود و در صورتیکه شدت وزش باد بیش از حد اعتدال باشد درپچه و درمناسبت است که بتوان آنرا باز و بسته نمود.

بنای استانداری یزد (محل سابق فرمانداری آن شهر تاریخی) سرای قدیمی خوش‌طرح و زیبا و استواری است که حوضخانه بزرگی دارد و بادگیر آن به یکی از اطاقهای گوشه حوضخانه مربوط میشود. اطاق نامبرده مانند اطاقهای گوشه‌های دیگر حوضخانه دارای در و پیکر چوبی است که هنگام لزوم باز و بسته میشود — شدت بادی که از بادگیر بدرون اطاق زیر آن میوزد آن‌چنان زیاد است که عموماً مجبور هستند در اطاق به حوضخانه را به بندند و یقیناً نظیر چنین بادگیر و اطاق و سرداب در خانه‌های دیگر یزد و سایر شهرها و آبادیهای کنار کویر وجود دارد.

بادگیر دوطبقه‌ای بلند و زیبای ابرقوبر فراز شاه‌نشین تالار بزرگ پائین آن (خانه معروف به خانه آقازاده) قرار دارد. کیفیت ارتباط آن با فضای تالار بدین گونه است

که بر سقف شاه نشین در یچه های چهار گوش متعدّد ترتیب داده اند و هر در یچه درست زیر یکی از مجراها (کانالهای) باد گیر واقع شده است و طبعاً در یچه های مرکزی به مجراهای باد گیر وسط که بشرح سابق الذکر یک طبقه روی باد گیر ستبر پیرامون آن بلندتر است مربوط می گردد و در یچه ها طوری است که بوسیله یک چوب بلند با قلاب انتهای آن میتوان چفت و بست هر در یچه را گشود و در یچه را باز نمود و بدین طریق هر موقع و هر اندازه بخواهند راه وزش باد را بدون تالار می گشایند و هنگامی هم که هوا مساعد نباشد و نیازی به وزش باد احساس نگردد بوسیله همان چوب و قلاب آن همگی در یچه ها را می بندند. طبعاً در چنین وضعی پشت هر در یچه خاشاک و مواد زائدی که داخل باد گیر میشود جمع میگردد و گاهگاه ضمن باز کردن در یچه ها به نحو مناسب آنها را میزدایند و پاکیزه میکنند.

آخرین نکته ای که مناسب می بیند درباره باد گیر بدان اشاره نماید توجه به قسمت بالای باد گیر است یعنی همانجائی که ترکها و دهانه های آنرا احداث می کنند.

شاید برخی چنین پندارند که ترتیب محلّ بالای باد گیر برای احداث دهانه های آن بستگی به نظر استاد سازنده یا صاحب آن دارد و کاری سهل و ساده بوده تابع قاعده مشخصی نیست ولی حقیقت امر اینست که بدین گونه امری است ممتنع بدین معنی که اگر بدون در نظر گرفتن چگونگی وزش باد هر محلّ، دهانه های باد گیر ساخته شود نتیجه مطلوب بدست نمی آید بلکه تنها خاک و غبار و خاشاک از راه باد گیر بدرون ساختمان فرو میریزد بدون اینکه اثری از نظر تهویه یا خنک کردن هوا داشته باشد.

همانطور که استادان آشنا به فن احداث قنات میدانند کدام زمین را برای کندن مادر چاه قناب برگزینند، استادان سازنده باد گیر هم بوسیله بالا رفتن از نردبامهای دوطرفه بلند و به کار بردن لاله های گوش خود جهت احساس و آزمایش چگونگی وزش باد و نسیم هوا در بالای محلّی که مورد نظرشان هست بلندی لازم را جهت انجام منظور درمی یابند و باد گیر را به گونه ای می سازند که دهانه های بالای آن در همان جایگاه و همان بلندی احداث گردد.

در روزگار کنونی با فراهم بودن وسائل تهویه امروزی طبعاً چنین باد گیر بصورت سابق بویژه در شهرها مورد پیدا نمی کند ولی با پیروی از آنچه در گذشته برای

ترتیب گذرگاههای باد در درون ساختمانها انجام می گرفت می توان مجرای تهویه را بوضعی پنهان و ناپیدا در دل دیوارها پیش بینی نمود و از احداث مجراهای فلزی نازیبا بر جبهه ساختمانها احتراز کرد.

۱- درباره این گونه آسیاهای بادی مقاله تحقیقی در خورستایشی زیر عنوان «آس بادهای خواف» به خامه آقای بقراط نادری همراه با نقشه های فنی دقیق و روشن ترسیم آقای مهندس داریوش اعظم در شماره صد و هفتاد و هفتم و صد و هفتاد و هشتم سال پانزدهم (تیر و امردادماه ۱۳۵۶) مجله هنر و مردم انتشار یافته است که برای علاقه مندان بدینگونه پژوهشها بسیار ارزنده و شایسته توجه فراوان است.

۲- پژوهنده و دانشمند گرامی آقای مهندس کریم پیرنیا در مقاله تمتع و فشرده ای که زیر عنوان «بادگیر و خیشخان» در مجله باستان شناسی و هنر ایران - شماره چهارم پائیز و زمستان ۱۳۴۸- نگاشته اند در مورد بادگیرهای یک جهتی نظری مرقوم داشته اند که با آنچه نگارنده بشرح بالا به عرض علاقه مندان میرساند تطبیق نمی کند. نگارنده با توجه به اینکه این گونه بادگیرها برفراز بام یک بنا هر کدام رو به یک سمت مغایر با سمت باز بادگیرهای دیگر دارای دهانه است نسبت به آنچه نگاشته ام به تصور درست بودن نظر خویش باقی هستم.

۳- این کتاب گرانقدر و ارزنده نخستین بار در سال ۱۳۱۷ خورشیدی از روی نسخه خطی کتابخانه ملک که با مساعدت شادروان سعید نفیسی به اختیار اداره فرهنگ یزد گذارده شده بود بیادگار انجام ساختمان دبیرستان ایرانشهر یزد و گشایش آن بهزینۀ آن اداره چاپ و منتشر گردید و بار دیگر ضمن انتشارات فرهنگ ایران زمین (سلسله متون و تحقیقات - شماره ۱۰) به کوشش آقای ایرج افشار در چاپخانه دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۵ خورشیدی بصورتی آراسته تر چاپ شده و انتشار یافته است.

بدینوسیله از دوست دانشمند آقای مهندس کریم پیرنیا که توجه این بنده را به آنچه در کتاب نامبرده درباره بادگیر نوشته شده حاوی اطلاعات بس مفید و مستند است عرض سپاسگزاری کامل مینماید.

توضیحات تصویرها:

ش ۱- نقشه بادگیر چهار پهلو (نقل از مقاله آقای مهندس کریم پیرنیا- مجله باستان شناسی و هنر ایران - شماره ۴)

ش ۲- تصویری از یک آب انبار بین نائین و یزد که سه بادگیر رو به سه جانب مختلف برفراز آن دیده میشود (نقل از مقاله آقای آندره گذار درباره طاقهای ایرانی مندرج در

نشریه آثار ایران به زبان فرانسه — مجلد دوم از جلد چهارم — سال ۱۹۴۹ ص (۲۲۷)

ش ۳—تصویری از یک آب انبار بین اصفهان و نائین که هرکدام از چهاربادگیر آن روبه چهارجانب دهانه ای دارد (نقل از همان منبع که در ذیل شکل شماره ۲ توضیح داده شد — ص ۲۲۶)

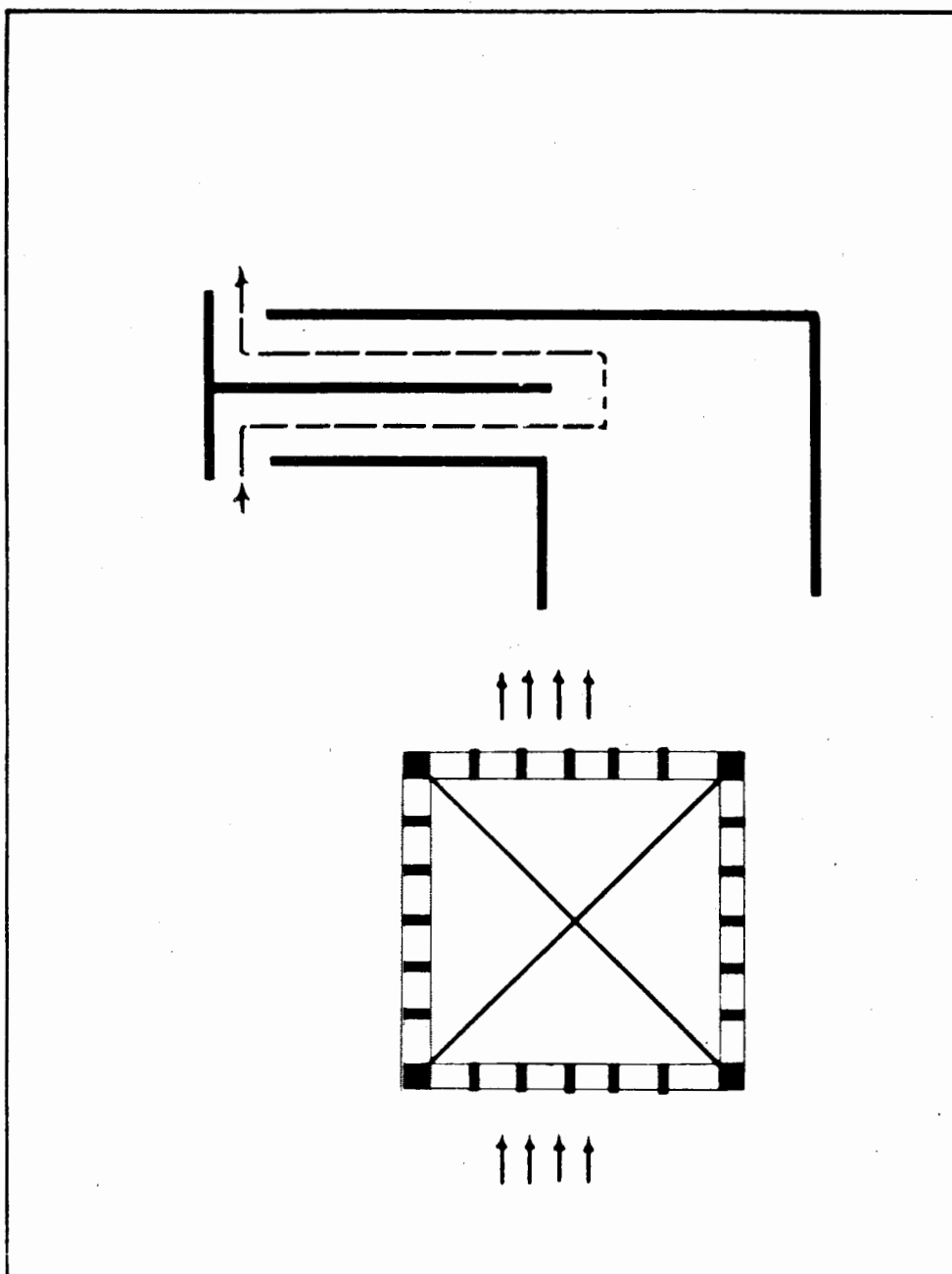
ش ۴—تصویری از یک آب انبار بین اصفهان و نائین که دارای دو بادگیر بوده هرطرف بادگیر دهانه ای چند پره دارد (نقل از همان منبع که در ذیل اشکال شماره ۲ و ۳ توضیح داده شده است — ص ۲۲۶)

ش ۵—جبهه جنوبی خانه قدیمی در کوچه میرزا محمودوزیر در تهران موزخ به سال ۱۲۵۳ هجری که دو بادگیر بر فراز بام تالار بزرگ آن پدیدار است.

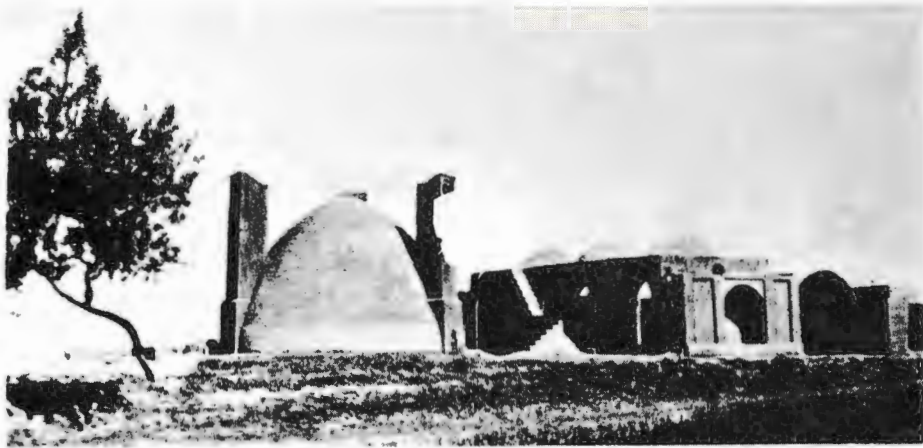
ش ۶—تصویریکی از دو بادگیر مذکور در ذیل ش ۵

ش ۷—یکی از چهاربادگیر کاخ بادگیر در مجموعه کاخهای سلطنتی گلستان — تهران
ش ۸—نقشه و طرح و برش بادگیر دو اشکوبه (نقل از همان منبع مذکور در توضیح شکل (۱)

ش ۹—بادگیر دو اشکوبه در خانه قدیمی معروف به خانه آقا زاده در ابرقو (نقل از کتاب نگاهی به هنر معماری ایران — نوشته سید محمد تقی مصطفوی — چاپ تهران ۱۳۴۶ — ص ۸۰).



بادگیر چهارطرفه برای مناطقی که بادهای مختلف میوزد



ش - ۲

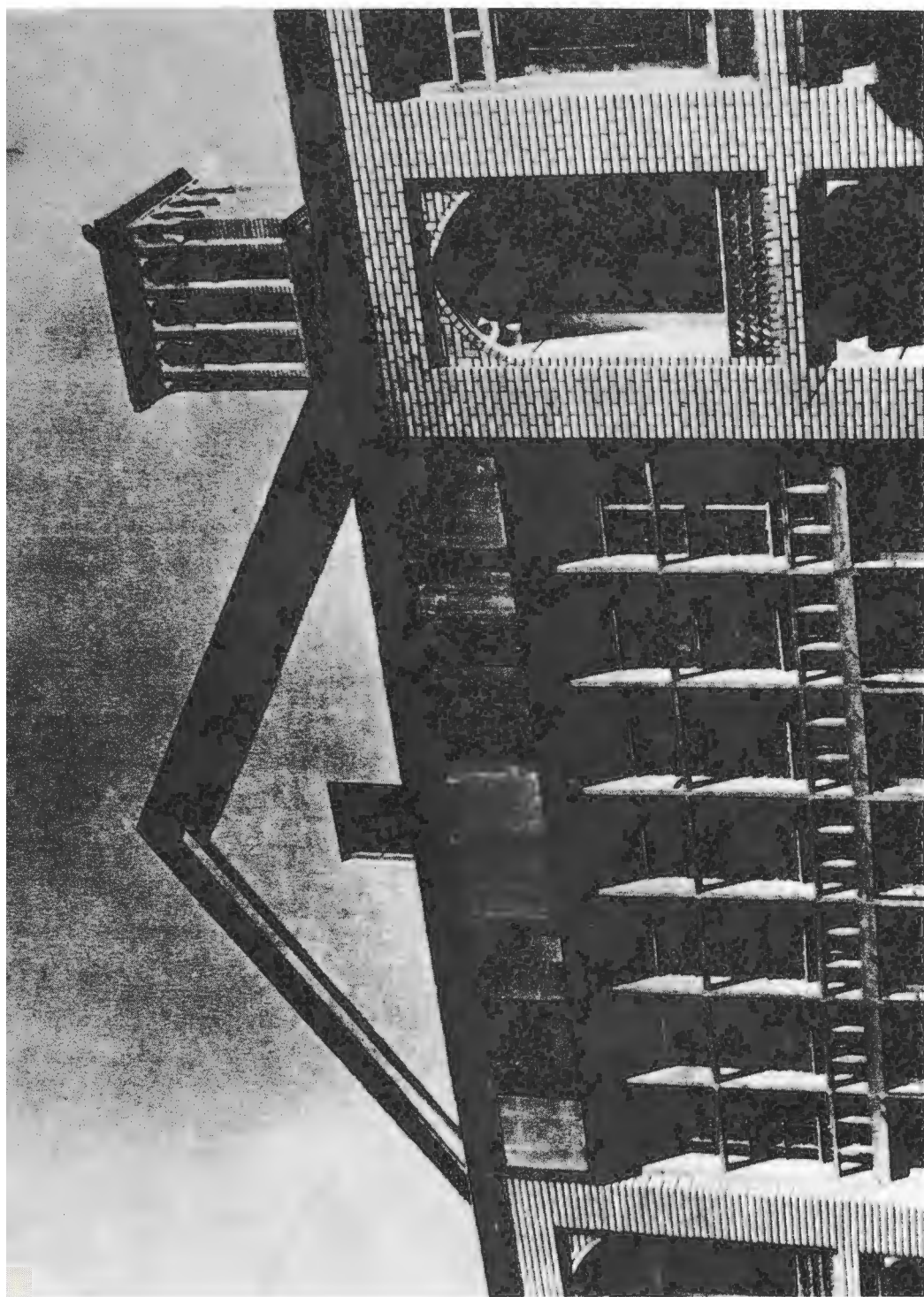


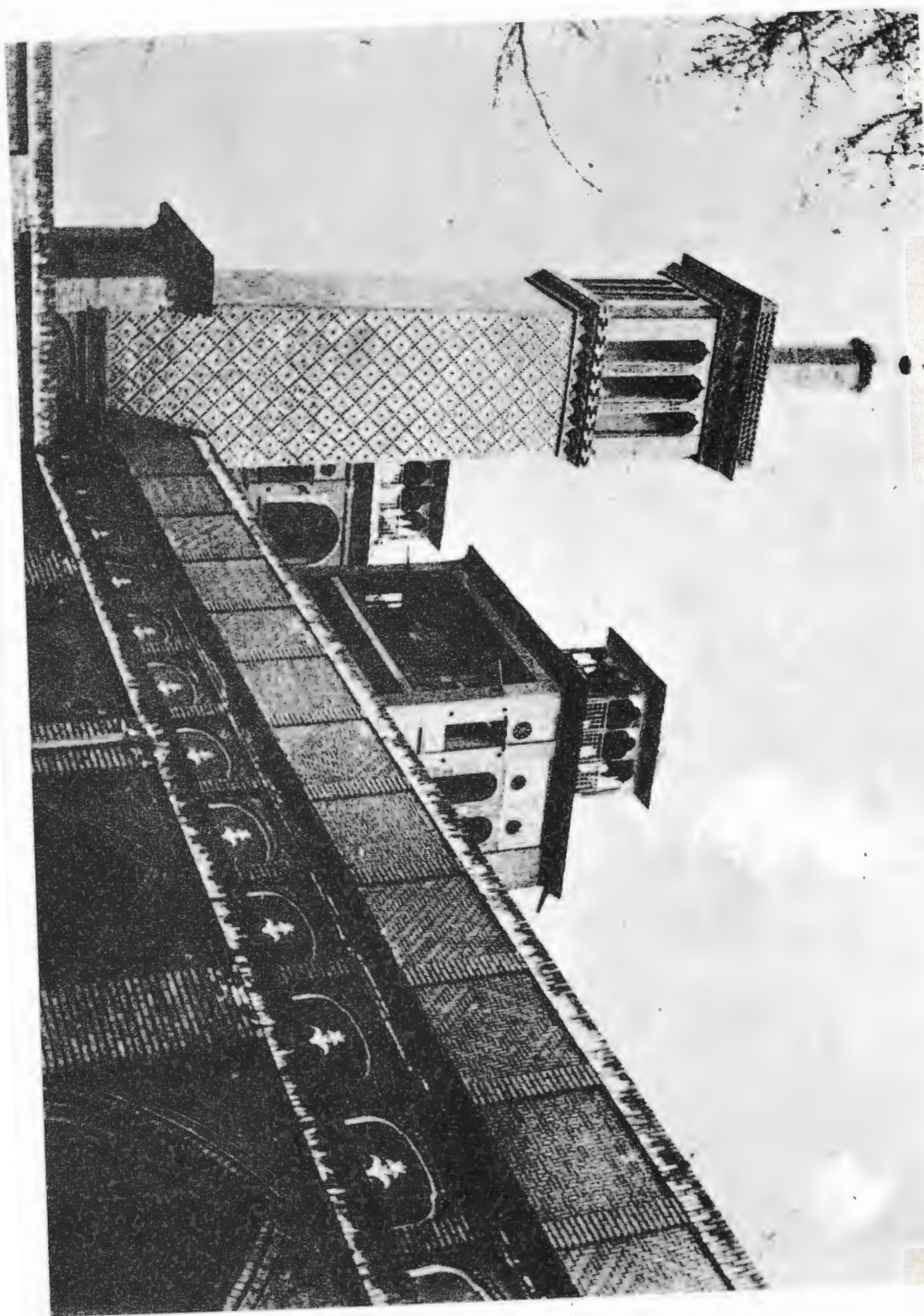
ش - ۳

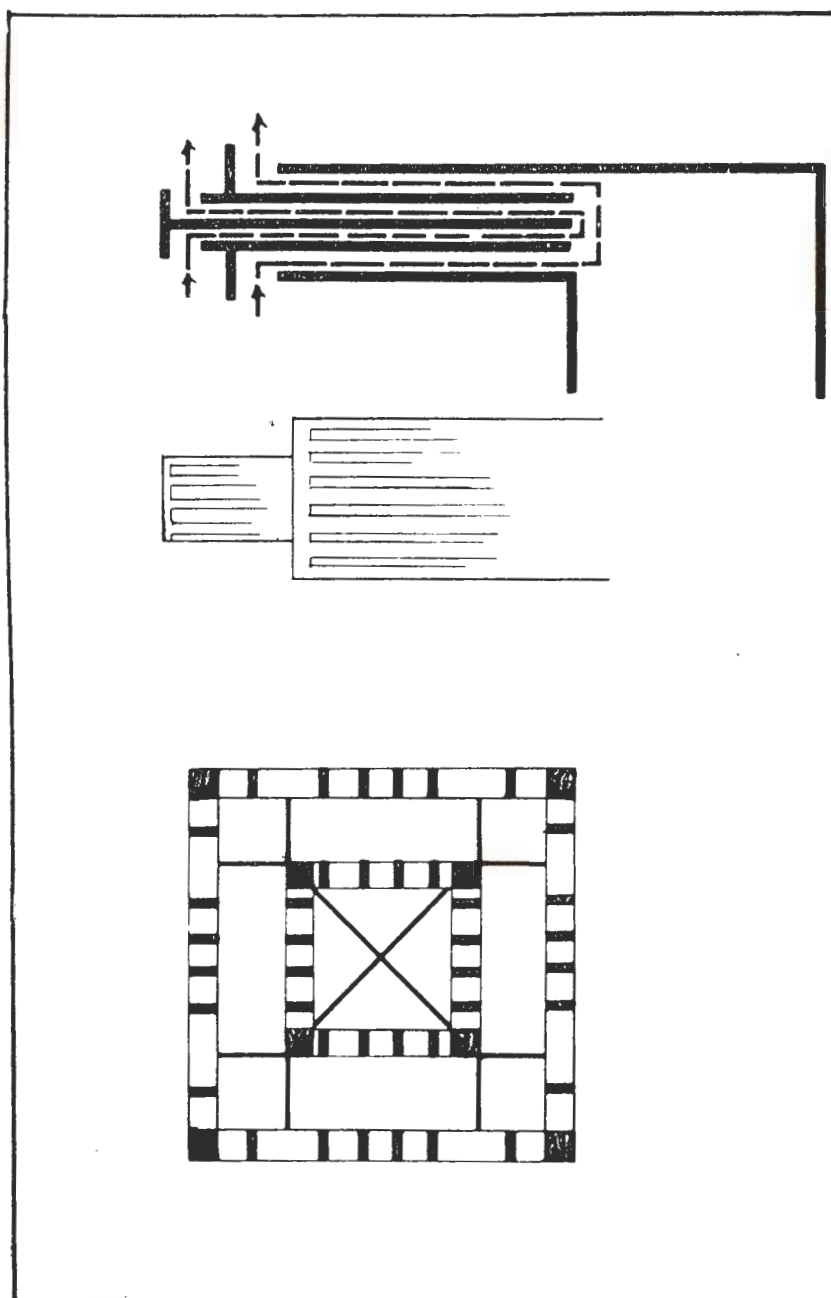


ش - ۴









بادگیر مضاعف برای تقاطع سطح وزش باد مختلف است



ش - ۹

مسجد جمعه نائین

مسجد جمعه نائین یکی از نمونه‌های ممتاز کهن‌ترین مسجدهای ایران است از نظر معماری مشتمل بر صحنی است که شبستانهای بزرگی بصورت چهلستون در سه جانب آن (شمال غربی و مغرب و جنوب غربی یعنی طرف قبله) قرار دارد و در ضلع شمال شرقی هم ایوان سراسری با یک‌دیف ستون ساخته‌اند.

شیوه کلی ساختمان بخوبی میرساند که در قرن دوم هجری ساخته شده و تا قرن چهارم هجری در تزیینات آجری اطراف صحن و بخصوص گچ‌بریهای ممتاز طاقها و پایه‌های مجاور محراب آن دست اندرکار بوده‌اند.

آجرکاریهای اطراف صحن مسجد جمعه نائین با آجر کاریهای سردر شمالی مسجد حکیم در اصفهان (که تنها اثر باقیمانده مسجد جامع جورجیر از بناهای نیمه دوم قرن چهارم هجری و مربوط بدوران دیلمیان است) شباهت دارد و گواه ادامه کارهای ساختمانی و تزئین مسجد نامبرده در روزگار دیلمیان بشمار میرود.

برجسته‌ترین اثر هنری مسجد جمعه نائین، گچ‌بریهای بسیار عالی و ظریف و خوش طرح و استادانه محراب مسجد و هلالها و ستونهای مجاور محراب است که آنرا بصورتی بس دلنشین و مبتکرانه ترکیب نموده و انجام داده‌اند^(۱) و کلیه گچ‌بریهای مورد ذکر مربوط به قرن چهارم هجری است.

در زیر صحن مسجد شبستان وسیعی بصورت سردابه وجود دارد که پایه‌های آنرا همانند سردابهای برخی شهرهای باستانی همچون کاشان و دزفول و دیگر نقاط نظیر آنها از خاک و دج طبیعی درآورده‌اند و در موسم گرما مورد استفاده نمازگزاران واقع میشود.

(۱) علامت کارخانه گچ تهران از روی یکی از ترنجهای گچبری همین قسمت اقتباس و بهره برداری شده است.

در گوشه جنوب شرقی مسجد مناره آجری به بلندی ۲۸ متر واقعست که بدنه آن بر خلاف مناره های معمولی استوانه شکل نبوده و ۸ ضلعی است و بنای آنهم بنظر میرسد از دوران مغول - قرن هشتم هجری - باشد.

در کنار محراب مسجد منبر چوبی مورخ به سال ۷۱۱ هجری وجود دارد منبت کاری این منبر از بهترین کارهای منبت است و از کتیبه های آن چنین بر می آید که شخصیتی بنام «ملک التجار جمال الدین حسین فرزند مرحوم عمر پسر عفیف» آنرا بر مسجد جامع نائین وقف کرده سازنده منبر «استاد محمود شاه فرزند محمد نقاش کرمانی» بوده است.

شهر تاریخی و گرامی نائین با دارا بودن بنای مسجد جمعه، اثر تاریخی مذهبی و ملی را که از پاره ای جهات میتوان آنرا بی نظیر یا کم نظیر دانست در بر گرفته و ازین بابت واجد امتیازی در خور آفرین و ستایش است.

فهرست

آثار باستانی و ابنیه تاریخی ایران بطور تفکیک^۱

بخوانندگان گرامی و دانشجویان ارجمند:
فهرستهائی که در این اوراق بنظر شریفتان میرسد با استفاده از کوششهای که تابحال در راه گردآوری و تنظیم صورت آثار تاریخی و نقاط باستانی کشور کهنسال ایران بعمل آمده و اطلاعات و بررسیها و یادداشتهای شخصی فراهم گشته و بطور یقین نیازمند تکمیل و تصحیح بسیار است تهیه شده.

برای اینکه در آینده بتوان در این زمینه کارهای بهتر و سودمندتر و رساتر انجام داد تا آنجا که هم اکنون میسر شد از محیط مساعد و تشویق آمیز مرکز آموزش خدمات جهانگردی سازمان جلب سیاحان به تهیه فهرستهای حاضر (بصورتی که ملاحظه میفرمایند) مبادرت نمود. همانطور که در تلوصفحات این مجموعه دیده میشود یادگارهای فرهنگی و تاریخی ایران به گروههای گوناگون تقسیم بندی شده فهرستی از موزههای کنونی کشور نیز در پایان آن مذکور افتاده است.

در یک ستون جداگانه زیر عنوان درجه اهمیت شمارههای ۱ یا ۲ یا ۳ ذکر گشته، در چند مورد حرف ج نوشته شده و در مواردی هم مطلقاً شماره و حرفی قید نگردیده است.

منظور از حرف ج اشاره به اینست که اثر تاریخی مرقوم در آن سطر از درجه یک هم بالاتر است و اهمیت جهانی دارد (مانند تخت جمشید - مسجد جامع اصفهان -

۱- این جزوه در سال ۱۳۴۹ در مرکز آموزش خدمات جهانگردی توسط مؤلف تدریس میشده.

سلطانیه و غیره) در مواردی که هیچ شماره‌ای گذارده نشده نشانه اینست که اهمیت محل مذکور در آن سطر کمتر از درجه سه تشخیص داده شده است.

بمورد میداند اضافه نماید که درجه بندیهای مورد اشاره از جنبه های مختلف معماری هنری — درجه عظمت و قدمت و دیگر نکات شایسته اهمیت در اینگونه آثار بنظر رسیده است امیدوار است با همکاری علاقه مندان باینگونه خدمات راه ادامه و تکمیل چنین منظور ثمر بخش بیش از پیش فراهم آید.

هر نوع یاد آوری و اصلاح و نظریات عملی و علمی نسبت بخدمت نارسائی که در این باره بشرح معروض انجام پذیرفته است باعث سپاس فراوان بوده و خواهد بود. نقل و اقتباس و هرگونه استفاده از آنچه در این صفحات یاد شده است موجب خرسندی و سپاسگزاری کامل و اشاره به مأخذ آن بسته بطرز اندیشه و سلیقه بهره مندان خواهد بود.
مرداد ماه ۱۳۴۹ — سید محمد تقی مصطفوی

مساجد تاریخی و باستانی و تکایا و مصلی ها و کلیساهای تاریخی ایران

شماره محل (درجه اهمیت)	نام بنا	تاریخ
۱ ابرقو	مسجد جمعه	از قرن هفتم هجری تا عهد صفویه
۲ اردبیل	مسجد جمعه	عهد سلجوقی
۳ اصفهان	(ج) مسجد جمعه	از قرن ۲ تا قرن ۱۳ هـ
۴ اصفهان	(۱) سردرب مسجد جورجیر متصل بمسجد حکیم	قرن چهارم هـ (زمان آل بویه)
۵	مسجد شعیا	از قرن ششم تا یازدهم هـ
۶	مسجد لبنان	عهد مغول و شاه عباس کبیر
۷	(۲) مسجد علی	قرن دهم هـ

عهد صفوی	(۲) سردرب مسجد قطیبه (در کنار باغ چهلستون)	۸
قرن دهم هـ	سردر مسجد درب جو باره (در کنار باغ چهلستون)	۹
قرن یازدهم هـ	(۱) مسجد شیخ لطف الله	۱۰
قرن یازدهم هـ	(۱) مسجد شاه	۱۱
عهد صفویه	مسجد خان	۱۲
قرن یازدهم هـ	مسجد ساروقی (۲)	۱۳
قرن یازدهم هـ	مسجد ظلمات	۱۴
قرن یازدهم هـ	(۲) مسجد ایلچی	۱۵
قرن یازدهم هـ	مسجد مصری	۱۶
قرن یازدهم هـ	مسجد سرخی	۱۷
مورخ بسال ۱۰۱۹ هـ عهد صفویه	(۲) مسجد جارچی	۱۸
قرن یازدهم هـ	(۲) مسجد حکیم	۱۹
قرن دوازدهم هـ	(۳) مسجد علیقلی آغا	۲۰
قرن سیزدهم هـ قاجاریه	(۲) مسجد سید	۲۱ اصفهان
۱۲۶۶ هـ	(۳) مسجد حاجی محمد جعفر آباده	۲۲
قرن هشتم هـ	(۲) مسجد جامع آذرون	۲۳ (آذرون)
عهد صفوی	(۱) کلیسای بیت لحم	۲۴ (جلفا)
	(۱) کلیسای معروف وانک	۲۵
قرن چهارم و ششم هـ	(۱) مسجد جامع	۲۶ اردستان
۹ و ۸ هـ	(۱) مسجد جامع	۲۷ اشترجان
قرن پنجم هـ	(۱) مسجد جمعه (منار آن)	۲۸ (برسیان)
	مورخ بسال ۴۹۱ هـ	
قرن پنجم هـ	(۱) مسجد پامنار (منار آن مورخ بسال ۴۶۱ هـ)	۲۹ (زواره)
قرن ششم هـ	(۱) مسجد جامع	۳۰

۳۱ (سین)	(۲) مسجد	
۳۲ (کاج)	(۳) مسجد جامع	عهد مغول
۳۳ (گزن)	(۳) مسجد بزرگ	عهد سلجوقی
۳۴ (هفت شویه)	مسجد جامع هفت شویه	قرن ۷ هـ اوایل مغول
۳۴ / الف (ورزنه)	(۲) مسجد جامع ورزنه	۸۴۷ هجری، دوران تیموری
۳۵ بروجرد	(۲) مسجد جامع	عهد سلجوقی
۳۶ = =	(۳) مسجد شاه	عهد قاجاریه
۳۷ بسطام	(۱) مسجد جامع مجاور بقعه	بسال ۵۱۴ ساخته شده است
۳۷ / الف بیرجند	(۲) مسجد جامع	قرن پنجم هـ
۳۸ تایباد (خراسان)	(۱) مسجد مولانا	مورخ بسال ۸۴۸ هـ
۳۹ تبریز	(۳) مسجد جمعه	عهد مغول و صفویه و قرن ۱۳
۴۰	(۳) خرابه های مسجد وزیر علی شاه	قرن هشتم هـ
۴۱ تبریز	(۱) خرابه های مسجد کبود	قرن نهم هـ
۴۲ جلفای آذربایجان	(۱) کلیسای استفانوس مقدس	قرن هشتم هـ
۴۳ دامغان	(۱) مسجد و مناره چهلستون که	قرن ۲ و ۶ هـ
مشهور بتاریخانه است		
۴۴ دزفول (خوزستان)	(۳) مسجد جامع	قرن اول هـ بعد
۴۵ دماوند (تهران)	مسجد جمعه (پیش از نوسازی)	عهد تیموری و صفویه
۴۶ رضائیه (آذربایجان)	(۲) مسجد جامع	محراب آن مورخ بسال ۶۷۶ هـ
۴۷ زوزن (خراسان)	(۳) مسجد ملک زوزن	سال ۶۱۰ هـ
۴۸ ساوه	(۱) مسجد جمعه	عهد مغول و صفویه
۴۸ / الف ساوه	(۱) مسجد میدان	آغاز دوران صفویه (قرن دهم هـ)
۴۹ سجاس (ازتوابع سلطانیه، زنجان)	مسجد جامع	عهد سلجوقی
۴۹ / الف سمنان	(۲) مسجد جمعه	آغاز دوران سلجوقی و تیموری
۵۰ سمنان	(۲) مسجد سلطانی	قرن ۱۳ هـ

سنندج	۵۱	(۳) مسجد جامع دارالاحسان از آثار ۸-۱۲۲۷ هـ	امان‌اله خان فرمانفرمای کردستان
شوشتر (خوزستان)	۵۲	(۱) مسجد جامع	قرن سوم هجری بعد
شیراز	۵۳	(۱) مسجد جامع عتیق	قرن سوم هجری بعد
شیراز	۵۴	(۳) مسجد نو	قرن هفتم زمان اتابک ابوبکر سعد بن زنگی
شیراز	۵۵	(۲) مسجد وکیل	قرن ۱۲ هجری
شیراز	۵۶	(۳) مسجد نصیرالملک	۱۲۹۳ هـ
الف طبس	۵۶	(۲) مسجد جامع	قرن هفتم هـ بعد
تهران	۵۷	مسجد مرحوم سید عزیزاله	قرن ۱۳ هـ
تهران	۵۸	مسجد حاج رجبعلی	" " "
تهران	۵۹	مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین	قرن ۱۳ هـ
"	۶۰	(۳) سپهسالار قدیم (در حیات شاهی)	" " "
الف تهران	۶۰	(۳) مدرسه عالی و مسجد سپهسالار	قرن ۱۳ و ۱۴ هجری
فارس (سوریان)	۶۱	مسجد جامع	قرن ششم هجری
قزوین	۶۲	(۱) جمعه	از قرن ششم هـ بعد
"	۶۳	(۳) شاه	عهد قاجاریه قرن ۱۳ هـ
"	۶۴	(۲) حسینیة امینی	مورخ بسال ۱۲۹۵ هـ
کاشان	۶۵	(۳) مسجد جامع (تاریخ مناره ۴۶۶)	قرن پنجم هـ بعد
"	۶۶	(۳) معروف بمسجد وزیر	شاه عباس صفوی
کرمان	۶۷	(۱) ملک	قرن پنجم هجری بعد
"	۶۸	(۱) جامع	از قرن ششم هـ بعد
"	۶۹	پامنار	قرن ۹ هـ
"	۷۰	(۲) گنجعلیخان	عهد صفویه سال ۱۰۵۵
گرگان (استرآباد)	۷۱	مسجد جمعه	قرن نهم تا دوازدهم هـ
گلپایگان	۷۲	(۱) جامع	قرن ششم هـ
(سراون)	۷۳	جامع	عهد صفویه

قرن هفتم هـ	جامع	۷۴ گناباد (خراسان)
قرن ۴ یا ۵ هـ	سرکوپه	۷۵ محمدیه (یزد) نزدیک نائین
عهد صفویه بعد	ملا رستم	۷۵ / الف مراغه (۲)
عهد صفویه بعد	عزالدين	۷۵ / ب مراغه (۲)
قرن ۸ هـ	محراب مسجدیکه ابوسعید	۷۶ مرند (۲)
	ساخته است.	
قرن نهم هـ	مسجد شاه	۷۷ مشهد (۱)
عهد صفویه	مصلی پائین خیابان	۷۸ (۳)
۵۸۳۵ هـ	طرق، بنای مصلی در ۳ کیلومتری جنوب مشهد	۷۹ (۳)
قرن هفتم و سیزدهم	کلیسای طاطاووس	۸۰ ناحیه ماکو (آذربایجان)
قرن سوم و چهارم هـ	مسجد جامع (علویان)	۸۱ نائین (۱)
آغاز قرن هشتم هـ	بابا عبدالله	۸۲ (۳)
قرن هشتم هـ	جمعه و خانقاه و مناره	۸۳ نطنز (۲)
قرن هشتم هـ	کوچه میر	۸۴ (۳)
قرن ۵ هـ	جمعه	۸۵ نیریز (فارس) (۱)
مورخ بسال ۸۹۹ هـ	جمعه	۸۶ نیشابور (خراسان)
قرن هشتم هـ بعد	جامع	۸۷ یزد (۱)
قرن نهم هـ	میرچقماق	۸۸ (۲)
" " "	سرریگ	۸۹ (۲)
" " "	زاویه	۹۰
مورخ بسال ۹۵۸ هـ	مصلا	۹۱ (۲)
قرن ۹ هـ بعد	تکیه میرچقماق	۹۲ (۳)

مدارس قدیمه تاریخی ایران

تاریخ	نام بنا	شماره محل (درجه اهمیت)
قرن نهم هجری	مدرسه امامی (۲)	۱ اصفهان
عهد صفویه	مدرسه جده کوچک (۲)	۲
عهد صفویه	مدرسه ملا عبدالله (۲)	۳
عهد صفویه	مدرسه نیماور (۲)	۴
۱۱۰۲ هجری	مدرسه کاسه گران (۲)	۵
عهد صفویه	مدرسه چهارباغ (۱)	۶
قرن نهم هجری	مدرسه خرد گرد (خراسان) (۱)	۷
عهد صفویه	مدرسه خان (۲)	۸ شیراز
قرن سیزدهم هـ	مدرسه مروی (۳)	۹ تهران
قرن سیزدهم هـ	مدرسه سپهسالار قدیم (۳)	۱۰
قرن ۱۳ و ۱۴ هـ	مدرسه عالی و مسجد سپهسالار (۲)	۱۰/ الف
قرن ششم هـ	مدرسه حیدریه (۳)	۱۱ قزوین
قرن سیزدهم هـ	مدرسه سلطانی (۲)	۱۲ کاشان
" " "	مدرسه ابراهیم خان (۱)	۱۳ کرمان
مورخ بسال ۸۴۳ هـ	مدرسه دودر (۲)	۱۴ مشهد
دوره تیموری	مدرسه پر یزاد (۳)	۱۵
" "	مدرسه بالاسر (۳)	۱۶

آرامگاهها و خانقاهها و برجها و مناره‌های تاریخی (دوران اسلامی) در ایران که
تاکنون مورد اطلاع است

شماره محل (درجه اهمیت)	نام بنا	تاریخ
۱ ابرقو	(۱) گنبد علی یا گنبد عالی	قرن پنجم هجری
۲	(۳) محراب و مقبره پیر حمزه سبز پوش	قرن ششم هـ
۳	مقبره طاووس الحرمین	قرن هشتم هـ
۴ اخنجان (خراسان) (۱)	میل اخنجان	قرن نهم هـ
۵ اردستان	(۱) بقایای مناره مسجد امام حسن	عهد سلجوقی
۵ / الف اردستان	(۲) سنگ سفید	عهد صفویه
۶ اصفهان	(۱) مناره چهل دختران	مورخ بسال ۵۰۱ هـ
۷	(۱) مناره ساربان	عهد سلجوقی
۸	(۲) دروازه درب کوشگ (سر در خانقاه)	قرن نهم هجری
۹ (رهروان)	مناره رهروان که در باغ چهلستون است	عهد سلجوقی
۱۰ (غار)	(۱) منار غار	قرن ۶ هـ
۱۱ (زیار)	(۱) منار زیار	اواسط قرن ششم
۱۲	(۲) دو منار معروف به منارجنبان و مقبره عموعبداللّه	قرن هشتم هجری
۱۳	(۲) دو منار دارالضیافه	نیمه اول قرن ۸
۱۴	(۲) منار باغ قوشخانه	دوره مغول
۱۵ (دشتی)	(۲) گنبد دشتی	دوره مغول

قرن هشتم هـ	(۲) مناره های دردشت	۱۶
قرن نهم هـ	(۱) سردرب بقعه شیخ امیرمسعود	۱۷
قرن نهم هـ	(۲) مقبره باباقاسم	۱۸
قرن ۱۳ هـ	مقبره منسوب بسلطان ملکشاه سلجوقی	۱۹
قرن هشتم هـ	(۲) مقبره ایکه بصورت برج ساخته شده است و برج کاشانه نام دارد	۲۰ بسطام
مورخ بسال ۴۶۰ هـ و ۴۸۶ هـ	(۱) دو برج آرامگاه بسیار قزوین و همدان	۲۱ خرقان (بین)
قرن ششم هـ	مهم عهد سلجوقی	۲۲ خرم آباد (لرستان)
قرن نهم هـ	(۲) مناره نزدیک شهر (۲) مناره موجود از مقبره شمس الملک دنبلی	۲۲ / الف خوی
قرن پنجم هجری	(۱) مقبره پیر علمدار	۲۳ دامغان
	(۱) مقبره چهل دختران	۲۴
قرن ششم هـ	(۲) مناره مسجد تاریخانه	۲۵
پایان قرن پنجم هـ	(۲) مناره مسجد جامع مورخ بسال ۵۰۰ هـ	۲۶
قرن پنج هـ	(۱) مقبره ایکه بصورت برج ساخته شده است	۲۷ رادکان (نزدیک بندر شاه)
قرن نهم هـ	(۱) میل رادکان	۲۸ رادکان (خراسان)
قرن پنجم هـ	(۱) برج بنام قلعه گبری (احتمالاً مورخ بسال ۴۰۰ هـ)	۲۹ رسکت (مازندران)
۵۸۰ هـ	(۱) برجی که مقبره است موسوم بسه گنبد	۳۰ رضائیه (آذربایجان)
قرن ۴ و ۵ هـ	(۲) نقاره خانه (مقابر دیلمی) و سلجوقی	۳۱ ری

۳۲ ری	(۲) مقبره‌ایکه بصورت برج و منسوب بطغرل است منسوب بطغرل است	قرن ششم (سلجوقی)
۳۳ ساری	(۳) مقبره سلطان محمد رضا	قرن نهم هـ
۳۴	(۳) مقبره ملا مجدالدین	قرن نهم هـ
۳۵ ساوه	(۱) مناره مسجد میدان	تاریخ آن ۴۵۳ است
۳۶	(۱) مناره مجاور مسجد جمعه	تاریخ ۵۰۴ هـ
۳۷ سبزوار (خسروگرد)	(۱) مناره خسروگرد	۵۰۵ هـ
۳۸	(۳) مناره‌ایکه در حدود سال ۷۰۰ ۷۰۰ هـ ساخته شده است	
۳۹ سرخس (خراسان)	(۱) مقبره موسوم به بابا القمان	قرن هشتم هـ
۴۰ سلطانیه	(ج) مقبره سلطان محمد البایتو	قرن ۸ هـ
۴۱ سلطانیه	(۱) مقبره چلبی اغلی	قرن ۸ هـ
۴۲	(۳) مقبره ملا حسن شیرازی	عهد صفویه
۴۳ سمنان	(۱) مناره عهد سلجوقیان	عهد سلجوقی
۴۴	خانقاه و مزار شیخ علاءالدوله سمنانی	عهد مغول
۴۵ سنگ بست (خراسان)	(۱) مقبره و مناره عهد غزنوی (معروف بایاز)	قرن چهارم هـ
۴۶ شیراز	(۳) خاتون قیامت یا ابش خاتون	آخر قرن هشتم تاده هـ
۴۶ / الف شیراز	(۱) بنای کلاه فرنگی (موزه پارس) دوران زندیه— محل اولیه آرامگاه کریمخان زند	قرن ۱۲ هـ
۴۷ طوس	(۱) گنبد هارونیه (آرامگاه امام محمد غزالی)	قرن ششم هـ
۴۷ / الف طوس	(۱) آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی و تمام ابنیه و باغ و متعلقات دیگر آن	دوران پهلوی

- ۴۸ تهران (۲) منار واقع در محله پامنار قرن سیزدهم هـ
 ۴۹ فیروزآباد (خراسان) (۲) منار عهد سلجوقیان عهد سلجوقی
 از توابع کاشمر
 ۵۰ قزوین (۲) مقبره حمداله مستوفی عهد مغول
 ۵۱ قم (۲) گنبد سبز مشتمل بر مقبره- عهد مغول
 هائیکه در قرن هشتم ساخته شده است
 ۵۱/ الف قم (۲) مناره مجاور میدان نزدیک عهد مغول
 مسجد جمعه
 ۵۱/ ب قم (۳) دو مناره و سردرب و یران مدرسه عهد مغول
 عهد مغول
 ۵۲ کاشان (۲) مناره مسجد جمعه مورخ عهد سلجوقی
 بسال ۴۶۶ هجری
 ۵۳ (۲) مناره واقع در نزدیکی قرن هفتم هـ
 میدان کمال الملک
 ۵۴ (۳) بقعه خواجه تاج الدین قرن نهم هـ
 ۵۵ کرمان (۱) گنبد جبلیه عهد سلجوقی
 ۵۶ (۲) گنبد سبز قرن نهم هـ
 ۵۷ (۲) مقبره خواجه اتابک قرن ششم هـ
 ۵۷/ الف کرمان (۲) گنبد مشتاقیه قرن ۱۲ هجری
 ۵۸ کشمار (خراسان) برج کشمار قرن هفتم هـ
 ۵۹ گلپایگان (۲) مناره عهد سلجوقی قرن ششم هـ
 ۶۰ گلشن (طبرس) (۲) مناره مدرسه دومنار عهد سلجوقی
 خراسان
 ۶۱ گنبد قابوس (ج) گنبد قابوس قرن چهارم هـ
 ۶۲ لاجیم (مازندران) (۱) برج آرامگاه بنام امامزاده قرن پنجم هـ
 عبدالله (مورخ بسال ۴۱۳ هجری)

عهد صفوی	مقبره شیخ حیدر	۶۳ مشگین شهر (خیاو)
قرن پنجم هـ	(۱) گنبد سرخ	۶۴ مراغه
قرن ۶ هـ	(۲) برج مجاور مقبره منسوب بمادر هلاکو	۶۵
قرن ۸ هـ	(۱) مقبره منسوب بمادر هلاکو	۶۶
قرن ۷ هـ	(۲) گنبد غفاریه	۶۷
عهد سلجوقی	(۲) میل نادری	۶۸ نرماشیر (کرمان)
عهد سلجوقی	(۱) قسمت موجود از منار قدیمی با کتیبه کاشی کوفی عالی	۶۸/الف نگار (کرمان)
قرن ۷ هـ	(۱) برج علاءالدین	۶۹ ورامین
قرن ۷ هـ	(۱) مقبره استرو مردخای	۷۰ همدان
قرن ۷ هـ	(۲) برج قربان	۷۱

گرمابه‌ها و بازارها و پلها و کاروانسراها و سایر ابنیه عام المنفعه تاریخی ایران

تاریخ	نام بنا	شماره محل (درجه اهمیت)
عهد مغول	(۲) (نزدیک پل دختر) (بر روی رودخانه قزل اوزن)	۱ آذربایجان شرقی (نزدیک میانه)
عهد سلجوقی	(۲) کاروانسرای گز	۲ اصفهان (گز)
قرن نهم و ۱۱ و ۱۳ هـ	(۱) پل خواجو (بابا رکن الدین)	۳
عهد صفوی	(۱) سردر قیصریه (میدان نقش جهان)	۴
قرن ۱۱ هـ	(۲) پل الله وردیخان (سی و سه پل)	۵
بنای آن متعلق بزمان شاه سلیمان صفوی	(۱) کاروانسرای مهیار	۶ (مهیار)
قرن ۱۲ هـ	(۲) حمام علیقلی آغا	۷

سده ۱۳ هـ	(۲) کاروانسرای پاسنگان	۸ پاسنگان (بین قم و کاشان)
قرن چهارم و پنجم هـ	(۱) پایه سنگی در خارج شهر کنار شاهراه خرم آباد بدزفول دارای کتیبه کوفی	۹ خرم آباد
منسوب بدوران سلجوقی	(۲) بند اخلمد	۹/ الف خراسان
عهد مغول	(۱) بند فریمان	۹/ ب خراسان
عهد ساسانی	(۲) پل عهد ساسانیان	۱۰ دزفول
عهد قاجاریه	(۱) دروازه ارگ	۱۱ سمنان
حداقل از عهد صفویه	(۲) الف شاهان گرماب	۱۱/ الف شاهان گرمابه (خراسان) یعنی گرمابه شاهان
عهد ساسانی	(۱) پل عهد ساسانیان	۱۲ شوشتر
عهد زندیه	(۱) مجموعه ابنیه و آثار کریمخان زند	۱۲/ الف شیراز
قرن چهارم هـ	(۱) بنای معروف به زندان هارون یاخان	۱۳ تهران (۱۲ کیلومتری) (۱) بنای معروف به زندان مشرق تهران
عهد ساسانی	(۲) پل عهد ساسانیان (ویرانه)	۱۴ فیروزآباد (فارس)
عهد ساسانی	(۱) کاروانسرای واقع در سرراه قدیمی فیروزآباد به بندر طاهری	۱۵ فیروزآباد (فارس)
عهد قاجاریه	(۱) دروازه قدیم تهران	۱۶ قزوین
عهد قاجاریه	(۲) حمام صفا و برخی حمامهای دیگر همانند آن	۱۶/ الف
عهد قاجاریه قرن ۱۳ هـ	(۱) دروازه کوشک	۱۷
عهد صفویه	(۱) مجموعه آثار گنجعلی خان	۱۸ کرمان
عهد قاجاریه	(۱) مجموعه ابنیه ابراهیم خان	۱۹
عهد قاجاریه	(۳) مجموعه ابنیه حاجی میرزا علی	۱۹/ الف
عهد صفوی	(۱) قیصریه	۲۰ لار (فارس)

۲۱ لرستان (سمک) (۲) خرابه پلی که بر روی کشکان رود ۳۹۹ هـ ساخته شده است

۲۲ ورامین (عین) — کاروانسرای عین الرشید عهد صفوی

الرشید بر سر راه ورامین

و گرمسار به کاشان

۲۳ یزد (۲) بنای معروف به تکیه میرچقماق قرن هشتم و عهد قاجاریه توضیح: باروها و ارگها و دژهای کهن که در شهرهای تاریخی ایران باقی مانده است مانند ارگ بم — ارگ طبس و نظائر آنها یا باروهای کهنه یزد — کاشان — سمنان و امثال آنها همه شایسته توجه و نگاهداری و بررسی است و همچنین تیمچه های قدیمی مانند تیمچه های حاجب الدوله — مهدیه — کتابفروشان — علاءالدوله — صدراعظم در تهران و سرای امین الدوله در کاشان و سرای مشیر در شیراز و کاروانسرای صدراعظم در قم و نظائر آنها در شهرهای دیگر و بالاخره کاروانسراهای مختلف قدیمی کنار شاهراهها و جاده های قدیمی که اغلب آنها مربوط بزمان شاه عباس و بقیه از دوران شاهان بعدی صفویه و احياناً از عهد قاجاریه است تماماً از نظر هنری و تاریخی و اجتماعی درخور بررسی و مراقبت است.

اماکن باستانی و تاریخی مهم ایران متعلق بادوارپیش از اسلام

شماره محل (درجه اهمیت)	نام بنا	تاریخ
۱ ارجان (خوزستان) (۲)	خرابه های عهد ساسانی	عهد ساسانی
۲ اردستان (۳)	شهر و خرابه های عهد ساسانی	عهد ساسانی
۳ استخر فارس (۲)	محل ویرانه های استخر قدیم	دوره هخامنشی بعد
۳/ الف (۱)	نیشته های پهلوی در مغاره شیخعلی	عهدشاپوراول
۴ اسدآباد (۲)	خرابه های عهد ساسانیان	عهد ساسانی
۵ اسک (۳)	بین ارجان و رامهرمز	عهد ساسانی

۶	اهواز	(۳) خرابه های هرمز اردشیر قدیم	عهد ساسانی
۷	ایوان کرخه	(۱) خرابه های شهر عهد ساسانی	عهد ساسانی
۸	بوشهر	(۱) محل ریشهر قدیم	دوره عیلام
۹	بیستون	(۱) محل بغستان قدیم	عهد هخامنشی
			تا ساسانی
۱۰		محل موسوم به تخت شیرین	عهد ساسانی
۱۱	پشتکوه (لرستان)	(۲) سلیمان تپه بر روی رودخانه تورسک	عهد عیلام
۱۲	تنگ سولک (در)	(۱) نقوش برجسته عهد اشکانی	عهد اشکانی
		کوههای بختیاری	
۱۳	حسنلو	(۱) تپه حسنلو	هزاره اول
		(آذر بایجان غربی)	
۱۴	خرم آباد (لرستان)	(۲) تپه های مجاور گلدان شاهین آباد	پیش از تاریخ
۱۵	داراب گرد	(۱) قلعه دحیه در ۵ کیلومتری شهر	عهد ساسانی
		(فارس)	
۱۶	دامغان (تپه حصار)	(۲) خرابه ها و تپه واقع در جنوب شهر	پیش از تاریخ
		و عهد ساسانی	
۱۷	رامهرمز	(۲) طاق نصرت، خرابه های باستانی	عهد ساسانی
۱۸	رودبار (رحمت آباد)	تپه مارلیک و چهار تپه	هزاره اول
	— در گیلان	نزدیک آن	پیش از میلاد
۱۹	ری	(۲) تپه مرتضی گرد	عهد ساسانی
۲۰	ری	(۱) تپه چشمه علی و باروی شهر	پیش از تاریخ تا
		آغاز عهد اسلامی	
۲۱		(۲) محوطه ای بشعاع سیصد متر که	عهد ساسانی
		مرکز آن تپه بزرگ خاکی چال تلخان	
		است که بمسافتی در جنوب تپه میل	
		قرار دارد.	

۲۲	تپه میل (نزدیک (۱) بقایای کاخی بزرگ از عهد ساسانی	عهد ساسانی
	شاهراه شهرری	ساسانی بر فراز تپه
	بورامین	
۲۳	زرنج (سیستان) (۲) خرابه های قدیم پایتخت سیستان عهد اشکانی	
۲۴	سرپل ذهاب (۱) دو حجاری در سنگ کوه	عهد عیلامی
	متعلق به حدود ۲۸۰۰ ق-م	
۲۵	(۱) دو حجاری در سنگ کوه	عهد عیلامی
	متعلق به حدود ۲۸۰۰ ق-م	
۲۶	(۱) نقش برجسته سنگی واقع در هورن در شمال غربی	قرن ۲۰ تا ۳۰ ق-م
۲۷	(۲) محل خلمان قدیم آشور یها	عهد آشوری
۲۸	(۱) دکان داود و مقبره متعلق به عهد ماد	عهد ماد
۲۹	(۲) دخمه سنگی معروف باطاق فرهاد	عهد ماد
۳۰	(۱) دو حجاری و کتیبه در کوه سار هزار	عهد اشکانی
	جریب کرمانشاهان از عهد اشکانی	
۳۱	سیرجان (کرمان) (۲) خرابه های پایتخت قدیم کرمان	عهد ساسانی
	و قلعه سنگ	تا آغاز دوران اسلام
۳۲	سمیره (لرستان) (؟) تل شیروان	عهد ساسانی
۳۳	(؟) تل های تارهان	عهد ساسانی
۳۴	(؟) تل های لورت	عهد ساسانی
۳۵	(؟) لالار خرابه های تو بوی قدیم	عهد عیلامی و ساسانی
۳۶	(۱) دره شهر	عهد عیلامی و ساسانی
۳۷	شاپور (کازرون) (۱) بیشاپور (محل پایتخت قدیم)	عهد ساسانی
۳۸	شوش (۱) محل شهر و تپه های مجاور آن	پیش از تاریخ
۳۹	(۲) تخت ما در سلیمان و نقاط مجاور آن (قصر ابونصر)	عهد هخامنشی

- ۴۰ صحنه (کرمانشاه) (۱) مقبره موسوم بفرهاد و شیرین که عهد ماد
در کوه کنده شده است متعلق
به عهد ماد
- ۴۱ طاق بستان (۲) نقاط مجاور طاق بستان عهد ساسانی
- ۴۲ (۳) محل گامبادنه قدیم عهد ساسانی
- ۴۳ فارس (کورانگون) (۱) نقوش برجسته عیلامی عهد عیلامی
(ممسنی)
- ۴۴ فارس (گوردختر) (۱) گوردختر عهد هخامنشی
نزدیک سر مشهد
- ۴۵ فقرگاه در جنوب (۱) دخمه سنگی عهد ماد عهد ماد
در یاچه رضائیه
- ۴۶ فراش بند (۲) نقاط اطراف بنای چارطاقی عهد ساسانی
- ۴۷ فیروزآباد (۱) محل گورد قدیم عهد ساسانی
- ۴۸ (۱) قلعه دختر عهد ساسانی
- ۴۸ / الف قصر جمهور (۳) ویرانه های کاخ بابک خرم دین آغاز دوران اسلامی
در ۵۰ کیلومتری
شمال اهر
- ۴۹ قصر شیرین (۲) دو بنای عهد ساسانی موسوم به عهد ساسانی
قصر شیرین
- ۵۰ قلعه ضحاک (۱) قلعه ضحاک عهد ماد تا
(آذربایجان)
- ۵۱ کاشان (۱) تپه سیلک پیش از تاریخ
- ۵۲ گرگان (۱) تورنگ تپه هزاره دوم ق م
- ۵۳ (۱) شاه تپه هزاره دوم ق م
- ۵۴ (استرآباد) (۳) محل قدیم شهر و پیش از اسلام تا
محلات خارج آن اوایل عهد اسلامی

پیش از تاریخ	گوگ تپه (۲)	۵۵ گوگ تپه
		نزدیک رضائیه
عهد عیلامی و اشکانی	(۱) حجار یهائیکه در سنگ کوه	۵۶ مال امیر
	احداث گردیده است	(خوزستان)
عهد اشکانی	(۱) خورهه (خرابه های معبد)	۵۷ محلات
عهد آشوریان	(۲) خرابه های شهری در نزدیکی	۵۸ مهاباد
	اندرکش	(آذربایجان غربی)
عهد آشوری	(۳) در جنوب غربی گردنه	۵۹ محل شهر
	کاروشینکا	قدیمی مهاباد
پیش از تاریخ	(۱) تپه گیان و نقاط مجاور آن	۶۰ نهاوند
آشوری	(۳) خرابه های شهری که ممکن است	۶۱ هلیلان (لرستان)
	بیت بونا کی آشور یها باشد	
عهد ماد و اشکانی	(۱) محل هگمتانه (اکباتان قدیم)	۶۲ همدان

کاخها و آثار ابنیه شاهی و نقوش برجسته سلطنتی تاریخی ایران (از آغاز سلطنت هخامنشی تا دوران پهلوی)

تاریخ	نام بنا	شماره محل (درجه اهمیت)
عهد صفویه	(۱) عالی قاپو	۱ اصفهان
"	(۱) میدان شاه	۲ اصفهان
"	(۱) خیابان چهار باغ	۳ اصفهان
"	(۱) کاخ چهلستون	۴ اصفهان
"	(۱) تالار اشرف	۵ اصفهان
"	(۱) عمارت هشت بهشت و اراضی که	۶ اصفهان
	از باغ قدیمی باقیمانده است	
عهد هخامنشی	(۱) حجار یها و کتیبه های عهد هخامنشی	۷ بیستون

عهد ساسانی اول در محل موسوم به خان تختی عهد هخامنشی	(۲) حجار یهای اردشیر بابکان و شاپور	۸ شاهپور (آذر بایجان)
	(۱) آثار کوروش	۹ فارس (پاسارگاد یا پارسگده)
" "	(۱) تخت جمشید	۱۰ فارس (تخت جمشید)
عهد ساسانی وهخامنشی	(۱) نقش رستم	۱۱ (نقش رستم)
" "	(۱) نقش رجب	۱۲ فارس (نقش رجب)
" "	(۱) کاخ و آتشکده و ابنیه دیگر اردشیر بابکان	۱۳ (فیروزآباد)
" "	(۱) نقوش برجسته اردشیر بابکان	۱۴ تنگ آب (فیروزآباد)
" "	(۱) نقوش برجسته ساسانی در تنگ چوگان	۱۵ فارس
" "	(۱) مجسمه شاپور در غار شاپور	۱۶ فارس (بیشاپور)
" "	(۱) نقش رستم	۱۷ (داراب)
" "	(۱) قصر ساسانی	۱۸ (سروستان)
" "	(۱) نقوش برجسته بهرام دوم در حال نبرد با شیر	۱۹ (سر مشهد)
عهد ساسانی	(۳) نقش رستم (نقش بهرام دوم)	۲۰ گوئیم (نزدیک شیراز)
" "	(۳) نقوش برجسته ساسانی	۲۱ فارس (برم دلك در مشرق شیراز)
" "	(۱) نقش بهرام در سراب بهرام	۲۲ فارس (نورآباد ممسنی)
عهد صفوی	(۲) سردرب عمارت عالی قاپو	۲۳ قزوین

آثار تاریخی طهران		۳۴۲
(۱) عمارت چهلستون (موزه قزوین)	۲۴	
(۱) بنای دوره قاجاریه که گچبریها و عهد قاجاریه نقاشیهای آن باقیمانده و فعلاً محل کتابخانه دانشکده کشاورزی است	۲۵	کرج
(۱) طاقها و حجاریهای عهد ساسانیان عهد ساسانی	۲۶	کرمانشاه (طاق بستان)
(۱) عمارت تخت مرمر	۲۷	تهران
(۱) کلیه ابنیه سلطنتی مربوط و متصل بباغ گلستان	۲۸	
(۱) دو بنای سلطنتی در سلطنت آباد	۲۹	
(۱) کاخ صاحبقرانیه (نیاوران)	۳۰	
(۱) کاخ مرمر	۳۱	
(۱) کاخ شهوند (سعدآباد)	۳۲	(شمیران)

خانه‌ها و باغهای قدیمی که برخی از آنها مانند عمارت دیوانخانه و باغ ارم و باغ دلگشا و باغ عفیف آباد و اندرون قوام الملکی و خانه مهرزاد و نظائر آنها در شیراز و خانه‌های مجلل اعیانی در اصفهان و کاشان و یزد و ابرق و نائین و کرمان و قزوین و رشت و آمل و تهران و کرمانشاه و تبریز و دیگر شهرها که نمونه‌های هنر معماری ایران در ادوار پیشین بشمار میرود نیز همگی شایسته نگهداری و دلسوزی و مصون داشتن آنها از آسیبهای گوناگون ناشی از بی خبری مردم و بعضی متصدیان غافل از اهمیت چنین آثاری است.

آتشکده‌های تاریخی و قدیمی ایران

شماره محل (درجه اهمیت)	نام بنا	تاریخ
۱	آذربایجان شرقی (ج) تخت سلیمان	ساسانی و اشکانی
۲	اصفهان (۲) آتشگاه	ومغول ساسانی و مغول

عهد ساسانی	(۱) چهارطاقی رباط سفید	۳ بازه هور (خراسان)
" "	(۱) چهارطاقی برزو	۴ برزو (سلطان آباد اراک)
عهد هخامنشی	(۱) دو پایه آتشدان سنگی	۵ فارس (پاسارگاد)
" "	(۲) پایه های متعدد آتشدان سنگی	۶ فارس (نقش رستم)
" "	(۲) آتشدان سنگی	۷ فارس (باغ بدره) نزدیک تخت جمشید
" "	(۲) پایه های متعدد آتشدان سنگی	۸ فارس (سمیرم)
عهد ساسانی	(۱) خرابه های آتشکده عهد ساسانی	۹ فارس (فیروزآباد)
عهد ساسانی	آتشکده عهد ساسانی	۱۰ فارس (موک) (مابین فیروزآباد و بندر طاهری)
عهد ساسانی	(۲) آتشکده دوره ساسانی	۱۱ فارس (کازرون)
" "	(۱) آتشکده جره	۱۲ (جره)
" "	بنای کوچک گنبددار	۱۳ (فراش بند)
" "	(۲) چند آتشکده نزدیک یکدیگر	۱۴ " "
" "	(۲) چهارطاقی، آتشکده	۱۵ (فیشورد) مغرب لار
عهد ساسانی	(۲) تنگ کرم	۱۶ فارس (نزدیکی فسا)
" "	(۱) آتشکده کنارسیاه	۱۷ فارس (کنارسیاه) بین فیروزآباد و بندر طاهری
" "	(۲) آتشکده بنام قلعه دختر	۱۸ قم
آتشکده دوره ساسانی	(۱) قلعه کهنه	۱۹ کاشان (خرمدشت)

عهد ساسانی	(۱) آتشکده نیاسر	۲۰	نیاسر)
ساسانی واشکانی	(۱) آتشگاه زمان اشکانیان و ساسانی	۲۱	مسجد سلیمان (خوزستان)
عهد ساسانی	(۱) کوشک (آتشکده)	۲۲	نطنز
آتشکده دوره اشکانی	(۱) میل اژدها	۲۳	نورآباد خوزستان
عهد ساسانی	(۱) آتشکوه	۲۴	نیمور (نزدیک دلیجان)

موزه های ایران در حال حاضر (تابستان ۱۳۴۹)

توضیح	محل	شماره نام
مشمول بر آثار هنری و تاریخی از حدود شش هزار ریال پیش تا قرن سیزدهم هجری	تهران	۱ موزه ایران باستان
حاوی آثاری از نفائس سلطنتی دوران صفویه تا عصر پهلوی	"	۲ موزه کاخ گلستان
مشمول بر آثار هنری و نفائس و یادگارهای سلطنتی شامل آثار برجسته هنرهای ملی ایران از قبیل مینیاتور— زری — کاشی — فرش — منبت کاری — خاتم کاری و دیگر هنرهای اصیل ملی ایران.	"	۳ موزه پهلوی —
مشمول بر آثار هنری کارهای دستی که جنبه تزئینی دارد (عموماً متعلق بقرن ۱۲ و ۱۳ هجری)	"	۴ موزه هنرهای تزئینی

۵	الف موزه جواهرات	(خزانه بانک مرکزی)	مشمول برجواهرات سلطنتی ایران موزه مخصوص فرض هم اکنون (تابستان ۱۳۴۹) در دست ساختمان است
۶	موزه آستان قدس رضوی	مشهد	مشمول برنقائس هنری متعلق بدر بار ولایت مدار رضوی و مربوط بقرن پنجم هجری بعد
۷	موزه آستانه حضرت معصومه (ع)	قم	مشمول برنقائس گوناگون هنری متعلق بآستانه حضرت معصومه (ع) مربوط بقرن دهم هجری بعد و برخی نمونه های آثار پیش از تاریخ و قبل از اسلام ایران.
۸	موزه تبریز	تبریز	حاوی آثار هنری و تاریخی واجتماعی ایران از هزاره چهارم پیش از میلاد تا قرن چهاردهم هجری.
۹	موزه پارس	شیراز	مشمول برآثار مختلف هنری و تاریخی ایران از هزاره سوم پیش از میلاد تا قرن سیزدهم هجری.
۱۰	موزه شهرام	شیراز	آثار هنری ادوار مختلف در یک بنای تاریخی ممتاز دوران قاجاریه
۱۱	موزه اسپهان	اصفهان	آثار هنری گوناگون عهد صفوی و نمونه های چند از ادوار بعد از صفویه
۱۲	موزه ملی کاشان	کاشان	آثار مربوط به شش هزار سال پیش تا عصر حاضر و قسمتی درباره مردم شناسی
۱۳	موزه آبادان	آبادان	آثار مربوط به شش هزار سال پیش تا قرن ۱۳ هجری و قسمتی درباره مردم شناسی.
۱۴	موزه شوش	شوش	نمونه های آثار مکشوف در شوش و چغازنبیل مربوط به شش هزار سال پیش بعد.

۳۴۸	آثار تاریخی طهران	
۱۵ موزه هفت تپه (خوزستان)	هفت تپه (در مربوط بآثار چند هزار ساله دست ساختمان) مکشوف در هفت تپه	
۱۶ موزه قزوین	قزوین شامل آثار تاریخی و هنری و صنایع دستی قزوین مربوط به حدود هزار سال پیش از میلاد تا قرن ۱۳ هجری و قسمتی نمودار تحولات اجتماعی و سیاسی آغاز دوران پهلوی بعد.	
۱۷ موزه رضائیه	رضائیه آثار مربوط به شش هزار سال پیش بعد و قسمتی درباره مردم شناسی	
۱۸ موزه میان دوآب	میاندوآب شامل نمونه های ممتاز از آثار پیش از تاریخ تا آذربایجان غربی قرن ۱۴ هجری و قسمتی درباره مردم شناسی	
۱۹ موزه خوی	خوی شامل آثار مربوط به شش هزار سال پیش بعد و قسمتی درباره مردم شناسی	
۲۰ موزه گرگان	گرگان مشتمل بر نمونه های آثار پیش از تاریخ و نفائس ظروف کاشی دوران اسلامی و آثار دیگر آن دوران که عموماً در سرزمین گرگان بدست آمده و می آید.	
۲۱ موزه آرامگاه ابن سینا	همدان شامل هدایائی گوناگون که بمناسبت ساختمان آرامگاه حکیم و گشایش رسمی آن (۱۳۳۲ شمسی) بموزه آنجا اهدا شده است.	
۲۲ موزه آرامگاه فردوسی	(طوس مشهد) شامل هدایای گوناگون مربوط به حکیم ابوالقاسم فردوسی.	
۲۳ موزه آرامگاه نادرشاه	(مشهد) مشتمل بر دو تالار بزرگ حاوی نمونه های اسلحه و لباس سربازان و تجهیزات ارتشی از دورانهای بسیار قدیم و عصر نادرشاه.	
۲۴ موزه بندرعباس	(بندرعباس) شامل آثار هنری و تزئینات مختلف. در بعضی بقاع متبرک و زیارتگاهها آثار هنری و نفائس قدیمی را بصورت ساده	

گردآوری و در محلی انبار مانند نگاهداری کرده‌اند که طبعاً هسته مرکزی موزه این گونه اماکن بشمار میرود و همچنین با پیشرفت دانش باستان‌شناسی و مردم‌شناسی و بالا رفتن سطح آشنائی هم‌میهنان عزیز نسبت با آثار گذشته و اجرای بیشتر کاوشهای گوناگون طبعاً باید انتظار داشت در آینده مرتباً به تعداد موزه‌های ایران و آثار تاریخی موجود آنها افزوده شود.

هنرهای تزئینی و بناهای تاریخی ایران، تکیه‌ها، کلیساها، دروازه‌ها، پلها و حمامها و غیره با شرح و نام و محل و تاریخ و طرح بنا^۱

هنرهای تزئینی و بناهای تاریخی ایران از آغاز اسلام تا پایان عهد قاجاریه

آنچه ضمن مطالب سلسله درسهای مربوط به آثار هنری ایران از پایان دوره ساسانی تا پایان عهد قاجاریه مورد بحث و بررسی قرار میگیرد عبارت خواهد بود از هنرهای معماری و تزئینی و سفال سازی از آغاز دوران اسلامی تا پایان عهد قاجاریه و ضمن بررسی هنرهای تزئینی درباره هنرهای کاشیکاری و مقرنس سازی و گچبری و آئینه کاری و منبت و مینیاتور نیز شمه ای توضیح داده خواهد شد و با معرفی دوره های مختلف هنر در هر منطقه و نمونه های برجسته آنها تا حد مناسب و ممکن سعی خواهد گردید آثار زنده و شواهد گویای هنرهای گویای ایران در دوره های نامبرده مورد بحث و آشنائی بیشتر واقع شود.

در نخستین مرحله هنر معماری و ابنی تاریخی دوره های اسلامی ایران را موضوع بررسی قرار میدهم چه اگر گفته شود که هنر معماری ایران در دوره اسلام از یک طرف نتیجه به ثمر رسیده و کاملتر و وسیعتر هنر معماری عهد ساسانی است و از طرف دیگر ریشه و اساس قسمت اعظم سایر هنرهای ایران را در دوره مزبور میتوان ضمن آشنائی با آثار معماری مهمتر آن دوره ها دریافت سخنی بگزارف نگفته ایم و بهمین

۱- مؤلف این جزوه را بعنوان رساله درسی در کلاس تربیت راهنمایان جهانگردی به سال ۱۳۴۶ تدریس می نموده.

مناسبت کوشش خواهد شد که ابنیه مهم ایران را در دوران اسلامی طی درسهای کنونی با ذکر نکات معماری وجنبه های مختلف هنری آنها بصورتی روشن وساده معرفی نموده توضیحات مربوط بهر یک از هنرهائی را که در آنها بکار رفته است تا حد مناسب مذکور دارد.

ابنیه تاریخی ادوار اسلامی موجود در ایران که در این مورد تاحد مناسب معرفی میشود مشتمل است بر:

- ۱- مساجد
- ۲- مشاهد مشرفه و زیارتگاهها
- ۳- مدارس قدیمی و علوم دینی
- ۴- مصلى ها و تکیه ها
- ۵- کلیساها
- ۶- باغها و کاخهای سلطنتی
- ۷- میدانها و بازارها و کاروانسراها و دروازه ها و پلها و حمامها
- ۸- خانقاه ها و آرامگاهها (که بیشتر آنها را بصورت برج ساخته اند)
- ۹- مناره ها

درباره هر یک از اینگونه آثار تحت عنوان جدا گانه توضیحاتی ذکر میگردد:

۱- مساجد

پس از گرویدن مردم ایران به آئین اسلام طبعاً ایجاد عبادتگاههای اسلامی برای انجام وظائف دینی ضرورت پیدا کرد. نخستین مساجدی که در ایران بوجود آمد مشتمل بر محوطه وسیع و روبازی بود که گرداگرد آن دیواری میساختند و در چهار جانب ستونها و پایه های متعدد احداث مینمودند و بالای آنها سقفهای آجری یا چوبی ترتیب میدادند و بدین ترتیب اطراف صحن مسجد شبستانهائی ایجاد میشد.

این چنین مساجد در طرف قبله دارای ردیفهای ستون بیشتر بود و شبستان آنطرف صورت چهلستون را پیدا میکرد و سه طرف دیگر گاه تنها یک ردیف ستون و گاه بیش از یک ردیف ستون داشت و احتمالاً شبستان جانب قبله مسجد ردیفهای زیاده تر ستون در

برداشته طبعاً فضای بیشتری را اشغال مینمود و محراب و منبر نیز در وسط همین شبستان جانب قبله قرار داشت.

نمونه‌های اینگونه مساجد قدیمی ایران که هنوز به نقشه و طرح اولیه واصلی خود پایدار باقیمانده است تا آنجا که اطلاع داریم عبارتست از

مسجد تاریخانه دامغان	از قرن دوم هجری
مسجد جامع نائین	از قرن ۴ هجری بعد
مسجد جامع شوشتر	از قرن ۲ هجری بعد
مسجد جامع دزفول	طرح آن به شیوه مساجد قرون اولیه هجری است ولی بنای کنونی آن قدیمتر از قرن ۹ بنظر نمیاید

مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع شیراز نیز در آغاز امر یعنی در قرن دوم و سوم هجری بهمین طرح بوده لکن بر اثر تغییرات و تصرفات مختلف قسمتهائی از آنها صورت دیگر پیدا کرده است که در موقع خود توضیح داده خواهد شد. شبستان بزرگ مسجد وکیل شیراز نیز با وجودیکه از آثار نیمه دوم قرن دوازدهم هجری است از لحاظ نقشه و سبک ساختمان به این گونه مساجد قرون اول اسلام بیشتر شباهت دارد.

بطوریکه اشاره شد نقشه مساجد نامبرده نسبتاً ساده بوده نکات معماری مهمی در آنها بکار نرفته است با وجود این شیوه‌های ساختمانی و تزئینی عهد ساسانی را در آنها بکار برده‌اند مثلاً طرز سوار کردن آجرها و بالابردن ستونها همانند بناهای عهد ساسانی انجام گرفته است و گچبریهای دوران ساسانی را نشان میدهد.

در این قسم مساجد گنبد وجود ندارد و ایوانهای بلند در چهار جانب صحن هم نظیر آنچه در مساجد معظمی مانند مسجد جمعه اصفهان یا مسجد شاه اصفهان و سایر مساجد بزرگ ایران هست بچشم نمیخورد و در بعضی مواقع در ردیف طاقهای وسط شبستان جانب قبله را که روبروی محراب (یا بعبارت دیگر در محور محراب) قرار گرفته است کمی بلندتر میساختند و طاق‌های وسط جلومحراب را غالباً با گچبری و آثار هنری دیگر مزین میداشتند و بدین طریق برای محراب و منبر که مهمترین محل عطف توجه نمازگزاران بوده است امتیاز و اهمیت بیشتری را رعایت مینموده‌اند و این نکته موجب میگردد که محراب و منبر با تختگاه شاهنشاهان ساسانی که در بالای ایوان کاخ قرار داشته واردین و بار یافتگان بحضور شهریاران در مقابل آن کرنش و احترام مینموده‌اند

قابل مقایسه و درخوراندیشه مخصوص شمرده شود.

احداث گنبدها و ایوانها در مساجد

ساختمان مساجد بصورت شبستانهای ساده سابق الذکر بطور کلی تا قرن سوم و چهارم هجری بیشتر ادامه نیافت و طولی نکشید عوامل ایرانی در ساختمان مساجد فزونی گرفته معماری شیوه ایرانی بیش از پیش نه تنها در مساجد بلکه در تمام ابنیه مذهبی ادوار اسلامی ایران رایج گردید.

برای اینکه بهتر بدین مطلب پی برده شود بهتر خواهد بود ابنیه مهم دوران ساسانی را که فعلا موجود و باقی مانده است با مساجد و آثار اسلامی دیگر ایران مقایسه نمائیم. تالارهای اصلی و مرکزی کاخ عظیم اردشیر بابکان در فیروزآباد و کاخ ساسانی سروستان مشتمل بر گنبدهای سترک است که بر فراز دیوارهای ابنیه چهار گوش استوار نموده اند و مختصر توجه بگوشه های بالای دیوارهای تالارهای مزبور نشان میدهد که معماران سازنده این ابنیه چگونه با احداث طاقهای کوچک مورب در آن گوشه ها ترتیب مقدمات پوشش گنبدی را بر روی بناهای چهار ضلعی فراهم کرده گنبدهای بزرگ نیم کروی یا شلجمی را در ابنیه معظم مورد ذکر بر افراشته اند چنانکه گنبدهای متعدد بس استوار و متناسب عهد سلجوقی (قرن ۶ و ۵ هجری) را در مساجد جمعه شهرهای تاریخی اصفهان و قزوین و گلپایگان و بروجرد و قم و اردستان و زواره در نظر آوریم در مییابیم که نکته فنی سابق الذکر نسبت با احداث گنبد مدور بر فراز بنای چهار ضلعی در مساجد نامبرده بصورتی بسیار دقیقتر و عالیترا از آنچه در دوران ساسانی انجام میگرفته است با رعایت نکات هندسی بوضع بسیار شیوا عملی گشته است.^۱

بنابراین مشاهده میکنیم که پس از رواج دین حنیف اسلام در ایران مردم مسلمان این سر زمین پرستش خدای یکتا و انجام آئین اسلام را در زیر گنبدها و درون بناهایی انجام میدادند که برسبک معماری ایران و همانند ساختمانهای عهد ساسانی

۱- گنبدهای معدودی هم که از دورانهای آل بویه و غزنوی باقی مانده و نمونه های آنرا میتوان بنای مسجد جامع قروه (که بین تاکستان و زنجان بوده تاریخ قدیمتر آن ۴۱۳ هجری است) و مقبره ارسلان جاذب در سنگ بست خراسان دانست بخوبی همین وضع را از آن زمان نشان میدهد.

بنیاد گذاری شده بود و ذوق و قریحه و نیروی هنری استادان ایرانی عوامل معماری نیاکانی خود را بوضع عالی و زیبا و متناسبت و کاملتر در این ابنیه بکار بسته است. با ذکر مقدمه فوق اینک مناسب میدانم اشاره بدین قسمت نماید که مهمترین بنای اسلامی ایران یعنی مسجد جامع اصفهان مشتمل بر آثار معماریهای مختلف از قرن دوم تا سیزدهم هجری است و برای کسانی که بخواهند شیوه های معماری و تزئینات گوناگون ابنیه اسلامی ایران را مشاهده و بررسی نمایند جامعترین نمونه چنین مجموعه ای همانا مسجد جامع اصفهان است که میتوان آنرا موزه اسلامی ایران نامید و مساجد جامع شیراز و قزوین هم تا حدی شامل آثار معماری دوره های مختلف هست ولی البته هرگز به اهمیت و پایه مسجد جامع اصفهان نمیرسد. اکنون به معرفی مهمترین نمونه های گنبد های عهد سلجوقی که استوارترین ابنیه اسلامی ایران بشمار میرود میپردازیم.

- ۱- گنبد جنوبی مسجد جامع اصفهان معروف بصفه صاحب از آثار خواجه نظام الملک وزیر معروف ملک شاه سلجوقی مربوط به قرن پنجم هجری.
 - ۲- گنبد شمالی مسجد جامع اصفهان معروف به گنبد خاکی که بانی آن تاج الملک (ابوالغنائم مرزبان بن خسرو فیروز) رقیب خواجه نظام الملک بوده و تاریخ آن ۴۸۱ هجری است.
 - ۳- گنبد جنوبی مسجد جامع اردستان از بناهای بسیار زیبای قرن ششم هجری.
 - ۴- گنبد جنوبی مسجد جامع زواره (نزدیک اردستان) از آثار قرن ششم هجری.
 - ۵- گنبد جنوبی مسجد جامع قزوین از آثار هنری ممتاز قرن ششم هجری.
 - ۶- گنبد جنوبی مسجد جامع قم از آثار قرن ششم هجری.
 - ۷- گنبد جنوبی مسجد جامع گلپایگان از آثار تاریخی قابل توجه قرن ششم هجری.
 - ۸- گنبد جنوبی مسجد جامع بروجرد از آثار قرن ششم هجری.
- علاوه بر اینها گنبدهای کوچکی از قرون ۵ و ۶ هجری در شهرهای دیگر یا مراکز آبادی بیرون از شهرهای بزرگ واقع است که به سبک گنبدهای بزرگ عهد سلجوقی و هم زمان با آنها بنیاد گردیده است و ذکر آنها در این مورد ضرورت پیدا نمیکند.

گنبدهای دو پوش

گنبدهائی که تاکنون معرفی و ذکر کردیم گنبدهای یک پوش هستند و

همانطور که میدانیم بسیاری بناهای تاریخی مهم ایران اعم از مساجد و آستانه‌های متبرک و آرامگاههای بزرگان دارای گنبدهای معظم و سترک دوپوش هستند که گنبدهای دوبرج خرقان^۱ و گنبد مسجدشاه اصفهان و گنبدهای زرین آستانه‌های حضرت رضا(ع) و حضرت معصومه(ع) و حضرت عبدالعظیم نمونه‌هایی از آن جمله بشمار می‌رود گنبدهای دوبرج خرقان که بعداً درباره آنها توضیح داده خواهد شد مستثنی می‌باشد.

برای آشنائی با چگونگی گنبدهای دوپوش نیز بهتر است باین نکته توجه داشته باشیم که از اواخر عهد سلجوقی و نزدیک به پایان قرن ششم هجری بتدریج مقدمات دوپوش ساختن گنبدها فراهم آمده است.

توضیح آنکه ابتدا بر فراز ابنیه مورد ذکر بجای اینکه گنبدهای یک پوش احداث نمایند دوپوشش ضربی گنبدی شکل بر روی هم به فاصله کم حداکثر قریب سی یا پنجاه سانتیمتر می‌ساخته‌اند و بدین ترتیب رطوبت و نفوذ برف و باران و یخ‌بندان و غیره از پوش بالائی به پوش زیرین سرایت نمی‌کرد و تزئینات سقف زیرین گنبدها که آجر کاریهای زیبا با گچ‌بری و خطوط کوفی و غیره بود بهتر محفوظ می‌ماند. قدیمترین نمونه‌ای از اینگونه گنبد مساجد که فعلاً در ایران سراغ داریم گنبد مسجد جامع برسیان بیرون شهر اصفهان است که تاریخ آن با احتمال قوی ۵۸۸ هجری است و هنگام تعمیرات اساسی بنای مزبور در تابستان ۱۳۴۳ شمسی (که بوسیله اداره باستان‌شناسی اصفهان به‌زینه انجمن آثار ملی صورت گرفت بخوبی مشهود گردید که گنبد مسجد در قسمت بالا (یعنی همان قسمتی که با اصطلاح معماران و بنایان بنام عرقچین خوانده میشود) دارای دو مرحله پوشش است بدین طریق که از بالای ساقه یابنده گنبد دوطاق ضربی طوری احداث نموده بودند که در ابتدا از قسمت پائین بروی قاعده مشترک آغاز می‌گردید و بتدریج فاصله مختصری بین دو پوشش ایجاد می‌کردند. در بالا ترین نقطه یاراس گنبد فاصله مزبور به حداکثر خود قریب سی تا پنجاه سانتیمتر میرسید و این چنین طرز پوشش مقدمه‌ای شده است که بعد ها بتدریج بر فاصله دو پوشش می‌افزودند تا جائیکه گنبدهای سترک و عظیمی مانند گنبد مسجد شاه اصفهان و نظائر آن

(۱) ناحیه واقع در شمال آب گرم (کنار شاهراه تاکستان به همدان) که مشتمل بر آبادیهای بسیار است و دوبرج مورد نظر در نزدیکی آبادی بنام حصار ارمنی قرار دارد

دارای دو پوشش جداگانه اساسی بوده فاصله بین پوشش زیرین و گنبد بیرونی مشتمل بر فضای وسیعی به بلندی ده تا پانزده متری گردیده است. اینگونه گنبدهای دو پوش به کیفیتی که توضیح داده شد از عوامل و قسمتهای بسیار نمایان و جالب توجه هنر معماری اسلامی ایرانی بشمار میرود و برای کسانی که آشنا و علاقمند به درک نکات فنی معماری و ریزه کاریهای استادان پیشین هستند موضوع جالب توجهی بشمار میرود زیرا وقتی از خارج به چنین گنبدهائی نگاه میکنند شگفت میاورند که چگونه چنین بنای مدور بلندی بابر جستگی و بیرون آمدگی سراسر قسمت وسط آن در فضا استوار و پایدار مانده است در صورتیکه هنگام ساختمان چنین ابنیه و سائلی از قبیل کلافها و مهارهای آهنی و ترتیب بتون مسلح و امثال آن هنوز معمول و مورد استفاده و آشنائی سازندگان این ابنیه نبوده است ولی چون بداخل گنبدهای یعنی به فضای بین دو پوشش آن بروند می بینند که استادان ایرانی با بکار بستن ترتیب ساختمانی ساده ای توانسته اند گنبد بالائی را بروی طاق زیرین بنانمایند و چون توضیح جزئیات این کار در این مجموعه دروس باعث بطول انجامیدن مطلب میشود لذا بهتر بنظر میرسد هر کس باین امر توجه و علاقه مخصوص داشته باشد از فضای درونی چنین گنبدی بازدید و چگونگی را از نزدیک مشاهده نماید.

ناگفته نباید گذاشت که اساساً ساختمان گنبدهای دو پوش بشرح بالا برای مساجد کمتر معمول بوده و بیشتر اینگونه گنبدها را برای آستانه های متبرک و زیارتگاه های مهم می ساخته اند و تعداد مساجدی که گنبد دو پوش بر فراز آن ساخته باشند چندان زیاد نیست و مهمترین این گونه مساجد که سراغ داریم بدین قرار است مسجد کبود در تبریز (که بصورت ویران افتاده بود و آنرا تعمیر اساسی و تجدید بنا بشیوه اصلی نموده اند لکن هنوز برای تجدید گنبد آن تصمیمی گرفته نشده است قرن نهم هجری (مورخ به سال ۸۷۰).

مسجد گوهرشاد در مشهد	قرن نهم هجری مورخ بسال ۸۲۱.
مسجد شاه در مشهد	قرن نهم و یازدهم هجری.
مسجد شاه در اصفهان	قرن یازدهم هجری.
مسجد شیخ لطف اله در اصفهان	قرن یازدهم هجری.
مسجد سید در زنجان	قرن سیزدهم هجری.
مسجد سید عزیزاله در تهران	قرن سیزدهم هجری.
مسجد آقا در کاشان	قرن سیزدهم هجری.

گنبدهای دوپوش دیگری هم هست که هیئت خارجی آنها بصورت هرم هشت ضلعی یادواره ضلعی یا مخروطی شکل است که بر فراز آرامگاهها و خانقاهها و برجها احداث مینموده اند و بهمین جهت معرفی و ذکر توضیح درباره آنها راموکول به هنگامی میسازد که راجع به ابنیه آرامگاه و خانقاه و برجهای تاریخی بحث گردد و بدین لحاظ صحبت خود را درباره گنبدهای مساجد بهمین جاپایان می بخشیم.

ایوان

اثر معماری بسیار مهم و رایج دیگری که از معماری عهد ساسانی ایران اقتباس گردیده و در ابنیه مختلف اسلامی اعم از مساجد و بقاع متبرک و مدارس و کاخهای سلطنت و کاروانسراها بسیار متداول شده است احداث ایوانهای بلند و بزرگ در وسط جبهه بناهای مزبور است.

همانگونه که گنبدهای مساجد عهد سلجوقی را به شیوه گنبدهای کاخهای فیروزآباد و سروستان و ابنیه دیگری از این قبیل ساخته اند و در آنها نکات هندسی و معماری را بصورت بس دقیق و بمراتب بهتر و بالاتر از آنچه در عهد ساسانیان انجام میگرفته است بکار می بسته اند ایوانهای مساجد و ابنیه اسلامی دیگر را هم از روی ایوان بزرگ عهد ساسانی که بزرگترین و نمایانترین نمونه آن در طاق کسری یا ایوان مدائن مشهود است اقتباس نموده اند.

بطوریکه میدانیم جبهه های چهار طرف صحن مساجد بزرگ و آستانه های متبرک و مدارس قدیمی و کاروانسراهای ایران بطور کلی مشتمل بر ایوان بلند و بزرگی در وسط و طاق نماهای کوچک در دو جانب آن است و در مساجد قدیمتر یا مساجدی که انجام چنین ترتیبی در چهار جانب صحن آن بواسطه محدود بودن فضای مسجد میسر نبوده یا بهر علت دیگری در هر یک از چهار ضلع صحن ایوان بلندی ساخته نشده باشد لا اقل یک طرف صحن و عموماً طرف قبله آن چنین ایوانی بناگشته است و مساجدی هم وجود دارد که ایوان منحصری در طرف قبله آن ساخته اند و غیر از ایوان مزبور چیز دیگری اعم از گنبد یا شبستان ندارد.

نمونه مهم نوع اخیر مسجد جامع نیریز است که در قرن چهارم هجری بنا گردیده

وازابنیه تاریخی بسیار قدیمی و معتبر ایران بشمار میرود. مسجد مزبور مشتمل بر صحن ساده‌ای است که در طرف قبله آن ایوان بلند و طولی ساخته‌اند و محراب آن مورخ بسال ۳۶۳ هجری است و بدین لحاظ بنای بس قدیمی و منحصر بفردی از آثار قرون اول اسلامی ایران محسوب میشود که بشیوه معماری عهد ساسانیان آنرا بنیاد نهاده‌اند.

در مساجد عهد سلجوقی که دارای گنبد های آن عهد است و نام آنها قبلا ذکر گردید نیز عموما ایوان بلندی متصل به گنبد ساخته‌اند و گنبد و ایوان مزبور در وسط طرف قبله مسجد قرار دارد و غالبا در هر یک از سه طرف دیگر صحن مسجد هم ایوان بلندی در وسط ساخته صحن مسجد را بصورت بسیار معروف و متداول چهار ایوانی در آورده‌اند.

مسجد چهار ایوانی که بشرح بالا مانند ساختمان گنبدها در عهد سلجوقی یعنی قرن پنجم و ششم هجری معمول شد اساس کلی طرح مساجد ایران در زمانهای بعد، گردید و مختصر توجهی بمساجد ایران از قرن پنجم هجری تا زمان حاضر نشان میدهد که شیوه و سبک مسجد چهار ایوانی چگونه در دورانهای مختلف معمول و متداول بوده است و کمتر مسجد مهمی در طول قرون متمادی سراغ میرود که صحن آن دارای طرح چهار ایوانی نباشد و بهمین جهت مناسب میدانند مهمترین مساجد ایران را از قرن پنجم هجری تا کنون ذکر نمائیم تا بهتر معلوم گردد که شیوه و طرح چهار ایوانی در مساجد کشورمان به چه اندازه جنبه عمومی یافته است.

مهمترین مساجد تاریخی و مهم ایران از عهد سلجوقی (قرن پنجم) تا زمان حاضر بشرح زیر مذکور و معرفی میگردد.

نام	محل	تاریخ	شیوه و طرح
مسجد جامع	اصفهان	از قرن ۲ تا قرن ۱۳ هجری	چهار ایوانی دارای گنبد و مناره‌ها
مسجد شاه	اصفهان	قرن ۱۱ هجری	چهار ایوانی و دارای گنبد و مناره‌ها
مسجد حکیم	اصفهان	قرن ۱۱ و ۱۲ هجری	چهار ایوانی
مسجد شیخ			
لطف اله	اصفهان	قرن ۱۱ هجری	دارای گنبد (بدون صحن و ایوان)

مسجد علی	اصفهان	قرن دهم هجری	چهارایوانی
مسجد سید	اصفهان	قرن سیزدهم هجری	چهارایوانی
مسجد جامع	زواره	قرن ششم هجری	چهارایوانی و دارای گنبد
مسجد پامناز	زواره	قرن پنجم هجری	بصورت شبستان دارای صحن بدون ایوان و گنبد
مسجد جامع	بروجرد	قرن ششم هجری	دارای گنبد و یک ایوان و دو مناره
مسجد شاه	بروجرد	قرن سیزدهم هجری	چهارایوانی و دارای گنبد
مسجد جمعه	تبریز	قرن ۸ تا ۱۳ هجری	در آغاز چهارایوانی بوده به علت تصرفات اخیر وضع آن مغشوش شده است
مسجد کبود	تبریز	قرن نهم هجری	غیر از بقایای گنبد و سردر چیزی از آن باقی نمانده است
مسجد جامع	دزفول	قرن نهم هجری	بصورت شبستان دارای صحن بدون گنبد و ایوان
مسجد جامع	رضائیه	قرن هفتم هجری	دارای گنبد و ایوان در ضلع جنوبی
مسجد جامع	ساوه	قرن ۷ و ۱۰ هجری	دارای گنبد و ایوان جنوبی و غربی
مسجد میدان	ساوه	قرن ۵ و ۱۰ هجری	دارای صحن سه ایوان و گنبد
مسجد جمعه	سمنان	قرن ۶ و ۹ هجری	دارای گنبد و ایوان بلند جنوبی
مسجد شاه	سمنان	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی
مسجد جامع			
دارالاحسان	سنندج	اوایل قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و ایوان غربی صحن
مسجد جامع	شیراز	قرن سوم هجری	دارای صحن چهارایوانی بدون گنبد
مسجد نو	شیراز	قرن هفتم هجری	دارای صحن بسیار بزرگ و ایوانهای شمالی و جنوبی بدون گنبد
مسجد وکیل	شیراز	قرن ۱۲ هجری	صحن چهارایوانی بدون گنبد
مسجد نصیرالمک	شیراز	اواخر قرن ۱۳ هجری	دارای صحن و ایوانهای شمالی و جنوبی بدون گنبد
مسجد سید عزیز الله طهران		قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی

مسجد شاه	طهران	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و صحن بزرگ چهارایوانی
مسجد شیخ عبدالحسین	طهران	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و ایوان جنوبی و صحن
مسجد سپهسالار یا مدرسه ناصری	طهران	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی و ۸ مناره
مسجد جامع	قزوین	قرن ۱۰ و ۱۱ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی و دو مناره
مسجد شاه	قزوین	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی
مسجد جامع	قم	قرن ۱۱ و ۱۲ هجری	دارای گنبد و ایوانهای جنوبی و شمالی صحن
مسجد جامع مسجد وزیر یا	کاشان	قرن هشتم هجری	دارای گنبد و ایوان جنوبی و صحن
مسجد مقیم	کاشان	قرن ۱۱ هجری	دارای صحن چهارایوانی بدون گنبد
مسجد آقا	کاشان	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و ایوان جنوبی و صحن دو طبقه
مسجد ملک	کرمان	قرن پنجم	(و تعمیرات و تصرفات بعدی) دارای گنبد و ایوان و صحن
مسجد جامع	کرمان	قرن ۸ و ۱۰ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی
مسجد گنجعلی خان کرمان	کرمان	قرن ۱۱ هجری	دارای گنبد و صحن سه ایوانی ناقص
مسجد جامع	گرگان (استرآباد)	قرن ۹ تا ۱۱ هجری	دارای ایوان جنوبی و صحن و بدون گنبد
مسجد جامع	گلپایگان	قرن ۶ هجری	دارای گنبد و صحن سه ایوانی ناقص
مسجد شاه	مشهد	قرن ۹ و ۱۱ هجری	دارای گنبد و ایوان بدون صحن
مسجد گوهرشاد	مشهد	قرن ۹ هجری	دارای گنبد و صحن چهارایوانی و دو مناره کوتاه
مسجد جامع	نطنز	قرن ۸ هجری	دارای گنبد و صحن چهار ایوانی
مسجد جامع	یزد	قرن ۸ و ۹ هجری	دارای گنبد و ایوان جنوبی و صحن و دو مناره

مسجد میرچقماق یزد	قرن نهم هجری	دارای گنبد و صحن چهار ایوانی
مسجد سرریگ یزد	قرن نهم هجری	دارای شبستان بزرگ بدون صحن
مسجد ملا اسمعیل یزد	قرن ۱۳ هجری	دارای گنبد و ایوان عظیم جنوبی و صحن

البته مساجد دیگری هم هست که نسبت به آنچه ذکر شد چندان اهمیت قابل ذکری ندارد و به همین مناسبت به بحث درباره مساجد در این جا پایان می بخشد و به ذکر توضیحات درباره سایر آثار تاریخی اسلامی ایران (که در آغاز درس قسمت بندی و اشاره گردید) میپردازد

۲ - مشاهد مشرفه و زیارتگاهها

پیش از توضیح درباره مشاهد مشرفه و زیارتگاهها (که دومین دسته آثار تاریخی اسلامی ایران بشمار رفته است) مناسب میداند اشاره بدین قسمت بنماید که آنچه نسبت به چگونگی احداث گنبد و ایوان و صحن درباره مساجد مهم ایران ذکر گردید عینا درباره آستانه های متبرک و زیارتگاه های مهمتر ایران و همچنین مدارس قدیمی یعنی مدارس علوم دینی و کاروانسراهای تاریخی و حتی در بسیاری از ابنیه کاخهای سلطنتی ادوار گذشته هم صدق مینماید و به همین جهت تکرار یک قسمت از اصول ساختمانی این گونه ابنیه مورد پیدا نمیکند و آنچه اختصاص بهر دسته از ابنیه مزبور دارد در قسمت مربوط بدانها مذکور میافتد. با توجه بدین معنی اینک توضیحات مربوط به آستانه های متبرک و زیارتگاه های اسلامی مهمتر ایران را ذکر مینماید. آستانه ها و زیارتگاه های ایران را از نظر وضع ساختمانی آنها بطور کلی میتوان بدو دسته تقسیم نمود یک دسته آنها که مهمتر و معظم تر است و به شیوه مساجد بزرگ و با همان اصول معماری مشتمل بر گنبد و ایوان و صحن و مناره و برخی متعلقات دیگر (که از لحاظ جنبه زیارتگاهی بنا نموده اند) ساخته شده و دسته دیگر همانند و شبیه آرامگاههای مختلفی است که از عهد سلجوقی ببعد احداث میکرده اند. دسته اول که عموما دارای گنبدهای دو پوشه ای بزرگ و مدور است مشتمل بر بنای مرکزی چهار ضلعی یا احیانا هشت ضلعی نسبتا وسیعی بوده وسط هر یک از چهار ضلع آن بوسیله دهانه درگشاده و پهنی به بناهای

مجاور متصل به بنای مرکزی مربوط میگردد.^۱

بنای مرکزی چهارضلعی (یا احیاناً هشت ضلعی) بنام حرم خوانده میشود و ضریح در وسط یا کم و بیش کنار حرم قرار دارد و درون ضریح مرقد امام یا منسوب به امام یا یکی از بزرگان دیگر دینی واقعست.

بناهای مجاور و متصل بحرم بفراخور چگونگی و موقع آنها بنامهای رواق و دهلیز و مسجد بالاسر و مسجد پائین یا مسجد پشت سر مسجد پیش رو غلام گردش راهرو و امثال اینگونه اسمها و در آستانه معظم و منحصر بفرد حضرت رضا (ع) نامهای مخصوص به ابنیه مجاور حرم داده اند که جداگانه مذکور خواهد گردید. در آستانه های مفصلتر و بزرگتر ابنیه متصل بحرم از جانب بیرون بایوان متصل میشود و آستانه هایی که ساده تر باشد حرم مستقیماً بایوان مربوط میگردد و بطور کلی جبهه بیرون آستانه ها دارای یک یا چند عدد ایوان متصل به رواق یا حرم یا ابنیه مختلف دیگر است و ایوان آستانه ها در کنار صحن واقع میشود که طبعاً مانند صحن مساجد در سایر جوانب آن نیز عموماً ایوانهای دیگر ترتیب میداده اند. بنابراینچه بشرح بالا توضیح داده شد وضع کلی زیارتگاههای دسته اول را که مهمتر است تشریح مینماید و برای اطلاع بهتر و صحیحتر در این باره ضرورت دارد چند آستانه مهم و معظم ایران را جداگانه مورد بحث قرار داده چگونگی هر کدام را بفراخور اهمیت و عظمت آنها بیان نماید.

آستانه هایی که بدین ترتیب مستقلاً معرفی میگردد بقرار زیر است:

- ۱- آستانه حضرت رضا (ع) در مشهد.
- ۲- آستانه حضرت معصومه (ع) در قم.
- ۳- آستانه سید میراحمد (ع) معروف بشاه چراغ در شیراز.
- ۴- آستانه شاه نعمت الله ولی در ماهان (کرمان).

۱- آتشکده ها و نیایشگاه های عهد ساسانی بنام چارطاق که نمونه های آن هنوز هم به تعداد قابل توجه در نقاط مختلف ایران خصوصاً در سرزمین فارس وجود دارد مشتمل بر بنای چهارضلعی دارای چهار پایه است که چهار رنگ طاق بر بالای آنها زده پوشش گنبدی را بر فراز آن استوار نموده اند و این ترکیب با توسعه و تکمیلی که پیدا کرده است از نمونه های مشخص و بارز معماری عهد ساسانی بوده بشرحی که درباره مساجد گنبدی شکل عهد سلجوقی بعد توضیح داده شد در عهد اسلام بنای معماری مساجد ایران از قرن پنجم هجری گردیده است و وضع آستانه ها و زیارتگاه های مهم و معتبر هم با آنچه فوق مذکور گردید بر همین شیوه و سبک معماری اصیل ایران عهد ساسانی انجام گرفته است.

۵- آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری.
سایر آستانه‌ها و زیارتگاههای مهم ایران که مورد اطلاع است پس از ذکر اطلاعات کلی مربوط بهریک از پنج آستانه معظم فوق فهرست وار مذکور خواهد افتاد.

۱- آستانه حضرت رضا (ع) در مشهد

بنای اصلی و قدیمی آستانه حضرت رضا مشتمل بر حرم چهارضلعی از عهد سلطان محمود غزنوی (قرن چهارم هجری) است که از هر طرف بوسیله دهانه عریض به ابنیه متصل بحرم ارتباط دارد. مسجد کوچکی در طرف مغرب حرم (بالاسر) و مسجد کوچکی در شمال حرم (طرف پشت سر) هست که بنظر میرسد بنای اولیه آنها پس از بنای حرم قدیمتر از سایر بناهای آستانه بوده تصور میرود مربوط به قرن هشتم هجری باشد.

مدخل قدیمی و اولیه حرم در ضلع جنوبی آن واقع گشته حاشیه‌ای مشتمل بر کتیبه‌ای از خشت‌های کاشی بسیار نفیس هنری مورخ به سال ۶۱۲ هجری زینت بخش اطراف جبهه خارجی آنست. در زمان شاهرخ تیموری یعنی اوایل قرن نهم هجری هنگامی که مسجد جامع گوهرشاد (مورخ بسال ۸۲۱) بهمت گوهرشاد خاتون همسر شهریار مزبور در جنوب آستانه حضرت رضا (ع) بنا گردید رواق جنوبی حرم که اکنون هم راه اصلی و مهمتر ورود به آنجاست و بنام دارالحفاظ خوانده میشود احداث گردید و مقارن با همان زمان رواق بزرگ سراسری طرف مغرب آستانه را که دارالسیاده نام دارد ساخته‌اند که طرف جنوبی آن به ایوان شمالی مسجد گوهرشاد بازگشته مدخل شمالی آن کنار ایوان طلای صحن عتیق یا صحن کهنه واقع است و بدین ترتیب رواقهای جنوبی و غربی آستانه متبرک حضرت رضا از آثار قرن نهم هجری بشمار میرود.

رواقها و مساجد و ایوانها و صحن‌ها و مناره‌ها و سردرها و ابنیه مختلف دیگری که متصل و مربوط به آستانه حضرت رضا (ع) است از نظر تعداد و تنوع بیشتر از هر آستانه دیگر ایران بوده حتی برآنچه در آستانه‌های معظم و متعدد شیعیان در عراق است (و عموماً آنها را عتبات عالیات یا عتاب مقدسه مینامند) افزونی دارد و با اطمینان خاطر

باید گفت که شاهنشاهان و بزرگان ملت شیعه ایران و شیعیان سایر کشورهای اسلامی در آستانه رضوی مجموعه شگرفی از آثار هنری ادوار تاریخی اسلامی ایران را گردآوری نموده‌اند که مخصوصاً از جنبه شاهکارهای تزئینی طلاکاری و کاشی و مقرنس و آئینه کاری و سنگ مرمر و کتیبه‌ها و انواع فنون ظریفه برای استادان و علاقه‌مندان باینگونه هنرها از جهات گوناگون شایسته تامل و بررسی است و در ضمن بحث هنرهای تزئینی ادوار اسلامی ایران شمه‌ای از آنها را ذکر خواهد نمود. از نظر وضع ابنیه آستان قدس با در نظر گرفتن آنچه در باره رواق جنوبی (دارالحفاظ) و رواق غربی (دارالسیاده) اشاره شد مناسب میدانم بطور کلی نام ابنیه متصل و مجاور حرم را در مرحله اول مذکور دارد و پس از آن بذکر اجمالی صحنها و مناره‌ها و سردرها پردازد و ترتیب ذکر کلیه آثار مزبور بدین قرار خواهد بود که از ابنیه واقع در سمت جنوب حرم آغاز گشته دنباله آن به پیروی از حرکت عقربه ساعت به آثار جوانب غربی و شمالی و شرقی ادامه پیدا میکند و ضمن معرفی آثار مورد ذکر به موقع و تاریخ آنها نیز اشاره مینماید. ابنیه مجاور و متصل به حرم:

نام	موقع	تاریخ
دارالحفاظ (رواق پیشرو)	در جنوب حرم	قرن نهم هجری
دارالسیاده (رواق سراسری بالاسر)	در مغرب حرم و دارالحفاظ و مسجد بالاسر	
	وتوحیدخانه	قرن نهم هجری
مسجد بالاسر	در مغرب قسمتی از حرم	قرن ۸ هجری
مسجد پیشتر	در شمال حرم	قرن ۸ هجری
مسجد ریاض یا مسجد زنانه	در شمال شرقی حرم	قرن ۸ هجری
توحیدخانه	در شمال مسجد پیشتر سرو	قرن نهم هجری
	مسجد ریاض	
گنبد اللهوری خان	در شمال شرقی حرم	قرن یازدهم هجری
دارالضیافه	در مشرق گنبد اللهوری خان	قرن یازدهم و سیزدهم هجری
گنبد حاتم خانی (رواق پائین پا)	در مشرق حرم	قرن یازدهم هجری
دارالسمعاده (رواق پائین پا)	در مشرق گنبد حاتم خانی	قرن سیزدهم هجری

دارالشرور و دارالسلام و دارالغز سه رواق متصل یکدیگر در دوران حاضر

جنوب شرقی حرم

از رواقها و مساجد و ابنیه فوق الذکر درهای متعددی به صحنهای مختلف باز میگردد که توضیح درباره هریک در این مورد ضرورت نخواهد داشت و درباره ایوانهای جوانب آستانه هم ضمن ذکر صحنها بطور اجمالی اشاره خواهد نمود.

گنبد طلای آستان قدس رضوی از آثار زمان شاه عباس کبیر بوده بر فراز گنبد زیرین حرم ساخته شده است و بر طبق کتیبه آن هنگامیکه شهریار مزبور از اصفهان پیاده بزیارت آستانه رضوی آمده است در سال ۱۰۱۰ هجری کار گنبد طلا بفرمان و بهزینه شخصی او آغاز گشته در ۱۰۱۶ پایان یافته است و بر اثر زلزله سال ۱۰۸۴ هجری خرابی زیاد به گنبد وارد آمده و در سال ۱۰۸۶ هجری شاه سلیمان صفوی ترتیب تعمیر و اصلاح گنبد و طلاکاری آنرا داده است.

گنبد طلای آستانه رضوی بواسطه بلندی قسمت بدنه (معروف به گردنی) ممتاز بوده و جلوه و عظمت مخصوص دارد.

صحن مسجد گوهرشاد که در حقیقت حکم صحن جنوبی آستانه رضوی را دارد مانند تمام قسمتهای مسجد نامبرده در قرن نهم هجری (حدود سال ۸۲۱ هجری) ساخته شده ایوان شمالی آن هم ایوان جنوبی آستانه محسوب میگردد و مدخل دارالسیاده از سمت جنوب است. صحن کهنه یا صحن عتیق در طرف شمال آستانه واقع گشته است و ایوان طلا در وسط جبهه جنوبی آن قرار دارد و مدخل اصلی جانب شمال آستانه است. سردر معظمی در وسط ضلع غربی آنست که راه ورود بصحن از بالا خیابان و بست بالا خیابان بوده سردری نظیر سردر غربی در ضلع شرقی صحن است که از آنجا به پائین خیابان و بست پائین خیابان ارتباط می یابد هریک از این دوسر دراز طرف صحن عتیق صورت ایوانی بزرگ دارد و ایوان بزرگی هم در جانب شمال صحن روبروی ایوان طلا هست و بدین ترتیب صحن عتیق طبق معمول صحنهای بزرگ و مهم ابنیه مذهبی ایران بصورت صحن چهارایوانی است.

مناره طلاکاری بر فراز ایوان طلای صحن عتیق و مناره طلاکاری دیگری روبروی آن بر فراز ایوان شمالی صحن مزبور ساخته شده برخلاف تمام مناره های زوج جلو گنبدها که قرینه یکدیگر در طرفین ایوان میسازند دو مناره طلا در دو طرف صحن قرار

گرفته و در نتیجه آستانه رضوی دارای وضع مخصوص و منحصر بسیار جالبی از این بابت گردیده است بر بالای ایوان غربی (طرف پائین خیابان) برج نقاره خانه قرار دارد و بر بالای ایوان شرقی (سمت پائین خیابان) برج ساعت را ساخته اند.

تاریخ بنای اولیه اصلی صحن و ایوان جنوبی آن (که بعداً طلاکاری و معروف به ایوان طلا شده است) و آخر قرن نهم هجری است و در زمان شاه عباس اول (اوایل قرن ۱۱ هجری) تعمیر و توسعه یافته بصورت کنونی درآمده و در زمان شاه عباس ثانی و نادر شاه افشار و شاهان قاجاریه و دوران پهلوی تعمیرات و طلاکاری و کاشیکاری و اصلاحات آنجا صورت گرفته است و مرتباً اصلاحات و تعمیرات لازم مانند آنچه در سایر ابنیه آستان قدس انجام مییابد ادامه دارد.

صحن نو

در جانب شرقی بنای آستانه، هنگام سلطنت فتحعلیشاه قاجار احداث شده و در زمان ناصرالدین شاه قاجار تکمیل گردیده است. ایوان طلای شرقی آستانه رضوی که در وسط جبهه غربی صحن مزبور قرار دارد نیز توأم با احداث همان صحن ترتیب یافته مدخل بزرگ و مهم طرف پائین پا از آنطرف است که از آنجا وارد رواق های دارالسعاده و گنبد حاتم خانی و رواقهای دیگر مربوط بدان میگردند. روبروی ایوان طلای صحن نو مدخل شرقی صحن مزبور از جانب فلکه آستانه قرار دارد^۱ و در وسط جبهه شمالی صحن ایوان بزرگ و مدخل آن از بست پائین خیابان واقعست و روبروی آن در ضلع جنوبی صحن ایوان بزرگ دیگر و راه بین صحن نو و محوطه وسیع موزه آستان قدس قرار گرفته و

۱- در زمان صفویه خیابان بزرگ و محور اصلی شهر مشهد از مشرق به مغرب احداث گردیده که نهر آبی در وسط آن جاری بود و در امتداد صحن عتیق قرار داشت و در قسمت غربی شهر پیش از رسیدن به آستانه قدس رضوی بنام بالاخیابان خوانده میشد و پس از گذشتن از آستان قدس یعنی در قسمت شرقی شهر بنام پائین خیابان معروف بود و در دو طرف صحن عتیق بشرحی که در سطور سابق اشاره نمود محوطه هائی بنام بست که محل رسیدن خیابانهای مزبور به صحن عتیق باشد منظور گردیده بنام بست بالاخیابان و بست پائین خیابان شناخته شده است. در دوران پهلوی ضمن اصلاحات شهری در مشهد فلکه ای گرداگرد ابنیه آستان رضوی ترتیب داده اند که بالاخیابان از طرف مغرب بآن منتهی میگردد و پائین خیابان از طرف مشرق بآن آغاز میشود و بسوی پائین شهر مشهد یعنی بجانب مشرق امتداد مییابد. ضمناً از وسط جنوب فلکه مزبور خیابان تهران بطرف جنوب و از وسط شمال فلکه خیابان شیخ طبرسی به سوی شمال امتداد دارد و بدین ترتیب چهارخیابان از چهارطرف به فلکه آستان رضوی میرسد.

بدین ترتیب صحن نو نیز چهارایوانی است. محوطه وسیع موزه در جنوب شرقی ابنیه آستانه واقع گردیده در عصر پهلوی بنای تازه ساز شیوا و متناسبی برای محل موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی در شمال آن ساخته اند که مجموعه های نفیس هنری موزه و گنجینه بس مهم و تاریخی و عالی نسخه های خطی کلام الله مجید و کتب خطی دیگر و کتب چاپی و انتشارات مفید گوناگون در آنجا بطرز صحیح و شایسته نگهداری گشته مورد استفاده کلیه مراجعین و اهل علم و سایر علاقه مندان دیگر است.

۲- آستانه حضرت معصومه (ع)

دومین آستانه مهم و زیارتگاه بزرگ ایران آستانه حضرت معصومه (ع) در قم است که بنای اصلی و اولیه آنرا حرم هشت ضلعی مربوط به قرن ششم هجری تشکیل میدهد و مرقد بزرگ داخل ضریح آن مشتمل بر خشتهای کاشی طلایی بصورت محراب بزرگ (سطح فوقانی مرقد و کتیبه های برجسته قرآنی و تاریخی و خطوط عالی بوده مورخ بسال ۶۰۲ هجری است و شاهکار منحصر بفردی از آثار مذهبی و هنری ایران در دوره اسلام بشمار میرود آنچه از بررسیهای تاریخی برمیآید بنای حرم فعلی با گنبد هرمی هشت ضلعی در قرن ششم هجری بنا شده و تا دوران صفویه بهمان صورت باقی بوده است.^۱

در زمان نخستین شهریاران دودمان صفویه (شاه اسمعیل اول - شاه طهماسب اول) وضع گنبد را تغییر داده آنرا بصورت مدور درآوردند و ایوان شمالی آستانه و صحن کهنه (صحن شمالی) ساخته شد و کاشیکاریهای عالی ایوان مزبور و طاقهای طرفین آن صورت گرفت و طلاکاری گنبد و ایوان نامبرده در دوران قاجاریه (قرن ۱۳ هجری) انجام پذیرفت.

سردر اصلی و قدیمی صحن کهنه از طرف شمال و روبجانب شمال است که

۱- ابنیه متعددی در داخل و خارج شهر قم وجود دارد از جمله آنها بناهای معروف به گنبد سبز مربوط به قرن هفتم هجری که بصورت ۸ ضلعی ساخته شده با گنبد هشت ضلعی و پوشش کاشی فیروزه قام در محله دروازه کاشان نزدیک بقعه علی بن جعفر (معروف به در بهشت) موجود و تاحدی نمودار وضع قدیمی آستانه حضرت معصومه (ع) است.

هم اکنون نیز بحال قدیمی باقی بوده بین صحن کهنه و مدرسه فیضیه قرار دارد. سردر مزبور از آثار هنری ممتاز زمان شاه طهماسب صفوی دارای کاشیکاری های معرقی عالی و کتیبه بنام آن شهریار بوده مورخ بسال ۹۳۴ هجری است.

در شمال مدرسه فیضیه هم بنای دیگری با محوطه وسیع وجود دارد که بنام دارالشفای معروف و آنهم از ابنیه عهد صفوی است^۱ و تا اواسط عهد قاجاریه راه اصلی ورود به آستانه حضرت معصومه از دارالشفای به مدرسه فیضیه و از آنجا به صحن کهنه بود و بعدا با ایجاد صحن نوراه اصلی ورود به آستانه از وضع پیشین تغییر یافت. صحن کهنه و مدرسه فیضیه در ردیف صحنهای چهارایوانی است و در صحن کهنه دومناره عهد قاجاریه نیز بر طرفین ایوان جنوبی بنا نهاده اند. در سمت جنوب بنای حرم صحن کوچک دیگری از عهد صفویه وجود داشت که بنام صحن زنانه خوانده میشد و در سالهای اخیر با احداث گنبد عظیم سیمانی آنرا به مسجد زیبا و مجللی تبدیل کرده و بیرون و درون آنرا به کاشیکاری های ممتاز و آئینه کاری بسیار عالی مزین ساخته اند. در گوشه جنوب غربی آستانه آرامگاههای شاه عباس دوم و شاه صفی^۲ و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین قرار دارد و در مجاورت آنها نیز موزه آستانه قم در قسمتی از بقایای ابنیه عهد صفوی واقع است. صحن نو که بسیار وسیعتر و مجللتر از صحن کهنه است در نخستین سالهای قرن چهاردهم هجری بوسیله میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) ساخته شده مشتمل بر چهارایوان اصلی در چهار سمت صحن و دومناره بسیار بلند بر دو پایه طرفین ایوان غربی و دومناره کوتاه یا گلدسته (مأذنه) و روبروی آنها و پنج سردر در جوانب مختلف صحن است. ایوان غربی صحن که مدخل شرقی حرم باشد از نظر عظمت و جنبه هنری آن خصوصا مقرنس کاری و آئینه کاری شایسته توجه و ستایش است و صحن نو نیز با وجودیکه بصورت مستطیل کامل نبوده شکل کثیرالاضلاع دارد باز هم مانند کلیه صحنهای ابنیه اسلامی ایران طرح آن چهارایوانی است. بنای حرم نیز با توجه به توضیحاتی که گذشت از جوانب مختلف به رواقها و ابنیه دیگر مربوط و متصل بوده جبهه خارجی شمال آن ایوان طلای صحن عتیق و سمت مشرق آن ایوان آئینه صحن

۱- صحن دارالشفای به علت موقعیت زمین آن که در کنار رودخانه واقع گشته است نسبت به مدرسه فیضیه تا حدی آریب و تقریباً در امتداد قبله قرار دارد.

۲- آرامگاه شاه صفی درون اطاق مستطیلی در جنوب آرامگاه شاه عباس دوم بود و ضمن احداث مسجد بزرگ فوق الذکر در گوشه شمال غربی آن واقع گردیده اطاق آرامگاه به کلی از میان رفته است.

نوقرار دارد و طرف مغرب حرم بعد از رواق آن طرف به مسجد بالاسر میرسد و جهت جنوبی آن به طاق شمالی مسجدی که در محل صحن زنانه احداث کرده‌اند منتهی میگردد و بطور اجمالی خواه در بنای حرم و خواه در صحنهای آستانه حضرت معصومه عوامل معماری اصیل ایرانی ضمن هرگونه توسعه و تحول ابنیه مزبور بکار رفته و پدیدار است.

۳- آستانه سید میراحمد (معروف به شاه چراغ) در شیراز

بنای آستانه سید میراحمد برادر امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) معروف به شاه چراغ و یکی از مهمترین زیارتگاههای مهم مشتمل بر صحن و ایوان و گنبد و مناره بوده عوامل معماری ایرانی در قسمتهای مختلف آن به چشم میخورد و در عین حال اختصاصاتی دارد که توضیح داده میشود محوطه اصلی حرم که در زیر گنبد بزرگ دوپوش آستانه واقع گردیده مشتمل بر فضای چهارگوش است که هرطرف آن شاه نشین وسیع و عمیقی وجود دارد و مرقد و ضریح برخلاف زیارتگاههای نقاط دیگر ایران در زیر گنبد قرار نگرفته است^۱ بلکه در شاه نشین غربی قرار دارد و محوطه چهارگوش وسیعی با سقف گنبدی شکل ضریبی در جانب دیگر ضریح هست که حکم مسجد بالای سر یا رواق بالاسر را پیدا میکند.

حرم شاه چراغ با چهار شاه نشین طولانی چهار جانب آن که در حقیقت میتوان آنرا طرح چلیپائی خواند نمونه مشخصی از شیوه معماری زیارتگاههای چند و آثار اسلامی دیگر شیراز در قرون هشتم تا دوازدهم هجری بشمار میرود چنانکه زیارتگاههای معتبر سید میرمحمد و شاه میرعلی بن حمزه و آستانه سید علاءالدین و هم چنین بنای اصلی آرامگاه کریمخان زند که کلاه فرنگی نامیده میشود و اکنون محل موزه پارس است و بنای دیگری نظیر و همدوران آن در وسط باغ جهان نما بهمین شیوه و طرح ساخته شده نمونه قدیمتر چنین طرحی هم تالار بزرگ کاخ شاپور اول شهریار ساسانی است که بقایای آن در ویرانه های نیشابور نزدیک کازرون دیده میشود و مختصر توجه باین طرح ساختمان و مقایسه آن با نقشه چارطاقی عهد ساسانی بخوبی معلوم میدارد که طرح

۱- در دو زیارتگاه دیگر شیراز یعنی بقعه سیر میرمحمد و آستانه علاءالدین نیز مرقد و ضریح در وسط حرم و زیر گنبد نیست بلکه درون شاه نشین شمالی واقع گردیده و محوطه ای با پوشش گنبدی شکل در جانب دیگر ضریح و مرقد وجود دارد که مسجد پشت سر محسوب میگردد.

چلیپائی در واقع همان نقشه چارطاق بصورت بزرگتر و کاملتر بوده اینگونه ساختمان نیز براساس و ریشه معماری ایران در دوران ساسانی بوجود آمده است.

اختصاص دیگری که آستانه شاهچراغ دارد وضع صحن آنست توضیح آنکه بنای آستانه مزبور از یک طرف (سمت مغرب) متصل بدیوار بوده سه ضلع دیگر آن آستانه است و بدین قرار صحن شاهچراغ از جوانب شمال و مشرق و جنوب اطراف بنای آستانه را در میان گرفته است و این ترتیب در سایر زیارتگاههای ایران دیده نمیشود و عموماً در زیارتگاهی یا از جبهه اصلی دارای صحن جداگانه است و اگر در جبهه‌های دیگر نیز صحن داشته باشد هرطرف صحن مستقلی ترتیب داده‌اند یا اینکه بنای زیارتگاه بصورت کوشک گنبددار در وسط محوطه قرار گرفته صحن از چهارطرف بنا را احاطه کرده است. بنای اصلی و قدیمی آستانه شاهچراغ در قرن هفتم هجری زمان اتابک ابوبکر سعدبن زنگی ساخته شده بود و بعداً ملکه تاش خاتون مادر شاه ابواسحق ینجو در اواسط قرن هشتم هجری بنای مزبور را تعمیر و آثار مهمی در جنوب آن اضافه نمود که چیزی از آنها باقی نمانده است. در زمان شاه اسماعیل اول (اوایل قرن دهم هجری) تعمیرات اساسی در بقعه صورت گرفت و در پایان همان قرن بر اثر زلزله نیمی از آن ویران گردید و مجدداً تعمیر شد و در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری آئینه کاری حرم و کاشیکاریهای گنبد صورت گرفت و از هفت سال پیش گنبد آن که بعلت شکافهای متعدد وضع خطرناکی یافته بود طبق نقشه دقیق و با استخوان‌بندی آهنی و مصالح محکم مناسب تجدید گردیده است جبهه اصلی بنا بطرف مشرق بوده و دومناره کوتاه بسبک معمول دوران اتابکان و عهد تیموری در دو انتهای شمالی و جنوبی ایوان مزبور بنا نهاده‌اند.

۴- آستانه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان (کرمان)

آستانه شاه نعمت‌الله ولی در قصبه ماهان بمسافت حدود چهل کیلومتری کرمان کنار شاهراه کرمان به بم واقع بوده و در عین سادگی و نداشتن تزئینات طلا و کاشیکاریهای بسیار عالی و آئینه کاری و امثال آن یکی از روحانی‌ترین و با شکوه‌ترین و مصفا‌ترین آثار دینی و ملی و تاریخی ایران بوده دارای صحنها و مناره‌ها و سردرهای متعدد است. بنای آستانه مشتمل بر حرم وسیع چهارضلعی دارای نقوش تزئینی

برسقف و دیوارهای حرم و گنبد دوپوش بلند بوده چهارجانب آن رواقهای ترتیب داده‌اند و دو صحن بزرگ قدیمی در امتداد یکدیگر در طرف قبله^۱ یعنی سمت مغرب و دو صحن بزرگ نسبتاً جدید در امتداد یکدیگر در طرف مقابل یعنی سمت مشرق آستانه قرار دارد.

طبق کتیبه بالای جبهه خارجی در سمت قبله حرم ساختمان اصلی آستانه بسال ۸۴۰ هجری بهزینة احمدشاه دکنی (از شاهان دکن - هندوستان) احداث گردیده شیوه آن مانند حرمهای بزرگ زیارتگاههای مهم دیگر بصورت چهارگوش است و از وسط هر ضلع آن درگاهی برواقهای گرداگرد حرم باز میگردد و گنبد کاشیکاری بلند (مزین بطرحهای هندسی معروف به گره کاری) مانند گنبدهای دوپوش دیگر ابنیه اسلامی برفراز سقف مرتفع زیرین آن استوار است رواق بزرگتر و بلندتر آن در جانب مغرب (سمت قبله) قرار دارد که بصورت فعلی با دو صحن واقع در همان طرف در زمان شاه عباس بزرگ احداث گردیده است و بهمین مناسبت رواق مزبور را بنام رواق شاه عباسی میخوانند.^۲

سه جانب دیگر حرم نیز رواقهای سراسری واقعست که از نظر بلندی سقف و پهنای آنها بپایه رواق طرف قبله نمیرسد ولی آنها هم بوضعی موثر بر شکوه و اهمیت آستانه شاه نعمت‌الله میافزاید و در رواق پائین‌پا (طرف جنوب) آرامگاه شاه خلیل‌الله ثانی نواده شاه نعمت‌الله قرار دارد.

اساساً طرح حرم با رواقهایی که بصورت راهرو پهن و غلام گردش در چهارجانب آن واقع شده باشد در چند زیارتگاه ایران دیده میشود و بطور کلی بنظر میرسد چندین طرح و ساختمان از قرن نهم هجری تا حدی معمول گردیده باشد و هر چند آستانه شاه نعمت‌الله ولی را نیز بشرحی که گذشت بسال ۸۴۰ هجری ساخته‌اند لکن رواقهای اطراف حرم آنجا از روی قرائن موجود بدوران شاه عباسی (اوایل قرن یازدهم هجری) تعلق دارد. جبهه قدیمی و مدخل اصلی آستانه نعمت‌الله از طرف قبله بوده که دو صحن

۱- قبله ماهان و کرمان تقریباً روبجانب مغرب است.

۲- برای تهیه مطالب مربوط به آستانه شاه نعمت‌الله ولی علاوه بر یادداشتهای شخصی و مشاهدات نگارنده، از رساله مفید و متمتع راهنمای آثار تاریخی کرمان نشریه فرهنگ کرمان تالیف آقای باستانی پاریزی چاپ تهران شهر یور ۱۳۳۵ استفاده شده است.

شاه عباس و سردر بزرگ و جلو خان وسیع در امتداد یکدیگر در همان طرف قرار دارد و جاده عمومی و خیابان اصلی قصبه ماهان نیز سابقا از جلو سردر مزبور میگذشت و روبروی سردر جلوخان (در جانب دیگر جاده) خانه بزرگ قدیمی ساز واقعست که برای سکونت متولی آستانه ساخته اند. در زمان محمد شاه قاجار (اواسط قرن ۱۳ هجری) دومناره کاشیکاری بلند و زیبا بر فراز پایه های طرفین سردر ورودی صحن شاه عباسی در جانب صحن ساخته اند و تناسب و بلندی آنها و بخصوص شیوه منحصر مأذنه بالای مناره ها که استادان کاشیکار ذوق و ابتکار مخصوصی در آن داده اند امتیاز خاصی به آستانه شاه نعمت الله ولی بخشیده است. در سمت مشرق بنای آستانه صحن وسیع بسیار دلباز و مصفائی با درختان کهن و حرم و حوض بزرگ آب وجود دارد که در زمان محمد اسماعیل خان وکیل الملک و فرزندش مرتضی قلیخان وکیل الملک ثانی فرمانفرمایان کرمان در زمان ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده است. این پدر و پسر در دوران فرمانروایشان که ربع آخر قرن سیزدهم هجری باشد کارهای آبادانی زیاد اعم از احداث آبادیها و روستاها و ساختمان بقاع و سراها و حمامها و بازار و غیره انجام دادند و صحن بزرگ وکیل الملکی صحن دیگری است که بنام صحن اتابکی خوانده میشود و میتوان گفت محل فرود آمدن کاروانها و پیاده شدن زوار بوده بیشتر جنبه کاروانسرائی دارد و مرحله پیش از ورود مسافران و زائرین به صحن وکیل الملکی در آنجا صورت میگرفته است ولی اکنون با تعمیرات و اصلاحاتی که در آن بعمل آورده و میاورند صحن اخیر هم صورتی بهتر و آبرومندتر یافته است. بین صحن وکیل الملکی و صحن اتابکی بنای دواشکوبه مفصلی از دوران قاجاریه قرن سیزدهم هجری هست که قسمت زیرین آن اطاقهای مربوط بدو صحن مزبور و ابنیه مورد نیاز دیگر قرار گرفته قسمت بالای آن تالارها و حیاط و اطاقهای محل پذیرائی میهمانان و شخصیتهای محترم وارد به آستانه است.

در سالهای اخیر آقای امان الله عامری شخصیت معروف و نیکوکار کرمان که از اعقاب وکیل الملک هستند جبهه خارجی ضلع شرقی صحن اتابکی را که بجانب شاهراه کرمان بم قرار دارد طبق نظر اداره کل باستان شناسی تعمیر و کاشیکاری نموده سردر ورودی آبرومندی در آنجا احداث کرده اند و بدین ترتیب مدخل اصلی آستانه که در دورانهای گذشته جانب مغرب و سردر و صحنهای شاه عباسی بوده و در زمان

ناصرالدین شاه از جانب عکس آن یعنی از سمت مشرق و صحنهای اتابکی و وکیل‌الملکی تغییر یافته است اکنون بیش از پیش صورت شایسته و مناسبتری دارد. صحنهای چهارگانه آستانه ماهان کم و بیش بصورت صحنهای چهارایوانی بوده اطراف تمام آنها اطاقهای مختلف محل سکونت زوار و اعتکاف‌کنندگان (کسانی که در اماکن متبرکه روزها و شبهای متوالی اقامت نموده به عبادت میپردازند) قرار دارد^۱ موزه مختصر و غیرمهم و کتابخانه آستانه مزبور نیز در اطاقهای بزرگ و خوش طرح صحن وکیل‌الملکی واقعست. بر رویهم یکبار دیگر ذکر این نکته را یادآور میشود که آستانه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان از زیباترین و خوش‌منظرترین و روحانی‌ترین آثار ملی و تاریخی ایران بشمار میرود.

هـ- آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

بنای اصلی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری مشتمل بر حرم چهارگوش وسیعی است که از بالای دیوارهای آن صورت هشت گوشه پیدا میکند و گنبد دوپوشه بر فراز آن بنیاد نهاده‌اند و مانند حرمهای سایر آستانه‌های مهم از وسط هر ضلع در بزرگی به ابنیه مجاور دارد. آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) مانند زیارتگاههای بزرگ دیگر مسجدها و رواقها و ایوانها و مناره‌ها و صحنها و ابنیه مختلف بسر بنای اصلی افزوده شده. بنای قدیمی که حرم کنونی باشد از آثار قرن هفتم هجری است که در عهد صفویه و سپس دوران قاجاریه به تکمیل و تزئین آن پرداخته‌اند صندوق عتیقه منبت کاری نفیس آن مورخ بسال ۷۲۵ هجری است. از قرائن برمیآید که در آغاز امر دو بقعه جداگانه در کنار هم قرار داشته مدفن حضرت عبدالعظیم (ع) و مزار امامزاده حمزه (ع) مجاور یکدیگر هر کدام در یکی از دو بقعه مزبور بوده است و در قرن نهم هجری با ساختمان

۱- در دوران ناصرالدین شاه قاجار در طرح صحنهای اماکن متبرکه و زیارتگاهها رعایت چهارایوان بزرگ مرکزی هرجبیه بوضع قدیم را نکرده بفراخور و باقتضای معماری جدید و معمول آنزمان اطاقها و ایوانهای دارای ستون در اطراف صحن ساخته و میپرداخته‌اند که نمونه آنرا صحن حضرت معصومه (ع) و صحن شمالی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) میتوان دانست.

مسجد و بعضی ابنیه مختصر دیگر دو بقعه نامبرده بصورت یک مجموعه بنا درآمده است^۱ و در زمان شاه طهماسب صفوی (قرن دهم هجری) صحن و سردر آستانه را در طرف مشرق و جنوب مجموع ابنیه آنجا ترتیب داده‌اند و هم اکنون در بزرگی که بین رواق شمالی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و مسجد پائین پا (یا مسجد زنانه) قرار دارد و مورخ بسال ۹۴۴ هجری است.^۲

و همچنین سردر قدیمی با قسمتی از کتیبه کاشی معرق مورخ بسال ۹۴۵ هجری در انتهای جنوبی راهرو و بازگوشه جنوب غربی صحن امامزاده حمزه (ع) تا اندازه‌ای وضع قدیمی صحن و مدخل پیشین آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و مجموعه بناهای سابق الذکر را نشان می‌دهد.

امامزاده حمزه (ع) نیز حرمی شبیه و کوچکتر از حرم حضرت عبدالعظیم دارد و بمناسبت انتساب امامزاده مزبور بفرزندی حضرت امام موسی کاظم (ع) یعنی امام هفتم شیعیان که شاهان صفوی خود را از اعقاب همین امام میدانستند طبعاً عامل دیگری برای توجه شاه طهماسب اول به مجموعه بناهای آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) بوده است.^۱ در بین نفائس موجود در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) که امید می‌رود زودتر روزی فرا رسد بموزه منظم بصورت علمی درآید) یک جلد قرآن خطی مذهب عالی مورخ

۱- دولوحه چوبی مورخ بسال ۸۴۸ هجری بر روی درمبیت کاری قدیمی که قبلاً بین مسجد بالاسر و مقبره ناصرالدین شاه بود و بعد آنرا در دهانه راهروئی که بشمال ایوان امامزاده حمزه (ع) منتهی می‌گردد کارگزارده بودند نشانه‌ای از احداث ابنیه مسجد و غیره در قرن نهم هجری و متصل ساختن دو بقعه بیکدیگر بدینوسیله بوده است. ناگفته نماند که پیش از قتل ناصرالدین شاه محل فعلی مقبره این شهریار مشتمل بر مسجد کوچکی بنام مسجد تیموری و چند اطاق بود که خوابگاه ابدی جیران همسر سوگلی شاه مزبور در همین قسمت قرار داشت و همه آنها را برای احداث مقبره مزبور خراب کرده تبدیل به وضع فعلی نمودند. درمبیت سابق الذکر مورخ بسال ۸۴۸ هجری را نیز بتازگی ضمن توسعه راهرو بین دو حرم از محل مورد ذکر برداشته‌اند.

۲- در فوق الذکر از نظر بزرگی (پهنای داخل چارچوب آن تقریباً یک متر و نیم و بلندی آن نیز متناسب با پهنای آنست) و طرح و ترکیب و زینت روی تمام در و حاشیه کتیبه دارا اثر تاریخی بس جالب توجهی از زمان شاه طهماسب اول بشمار می‌رود و آنرا از محل اصلی خود برداشته در محل کنونی گذارده‌اند.

۱- دری که اکنون در سردر فوق الذکر نصب است یک جفت در قدیمی آهنکوب است که احتمال می‌رود کمی قدیمتر از تاریخ کاشیکاری سردر نامبرده (۹۴۵) هجری باشد و دو قطعه کتیبه کوفی بر لوحه‌های آهنی براین در نصب بوده که مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و برای حفظ آنها در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) نگاهداری می‌شود.

سال ۹۴۰ و دوجفت در عتیقه منبت با نوشته‌ها و اشعار شیوا از آثار هنری زیبای عهد صفویه قرن دهم هجری و قطعه روپوش زری همان عهد وجود دارد که تاحدی حکایت از رونق آستانه متبرک مزبور در آن دوران میکند. پرواضح است سردر و درچوبی بزرگ و آثار هنری مختلف سابق الذکر موجود در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) که عموماً از اوایل سلطنت شاه طهماسب اول صفوی است توجه مخصوص آن شهریار را به آستانه نامبرده میرساند.

در دوران قاجاریه از زمان فتحعلیشاه بعد ضریح نقره پیشین حضرت عبدالعظیم (ع) و ضریح نقره امامزاده حمزه (ع) و تعمیر و آئینه کاری هردو حرم و درهای خاتم متعدد موجود در اطراف و جوانب بنای آستانه و طلاکاری گنبد و احداث و مناره بلند صورت گرفت لکن مهمترین کاری که در آن دوران شد احداث صحن بزرگ اصلی در جانب شمال آستانه و تغییر مدخل آن جانب بود که بر اثر ازدیاد زائرین و لزوم و تامین محل وسیع آستانه حضرت عبدالعظیم را از وضع سابق بیرون آورده با احداث بازار و صحن تازه و غرفه‌ها و ایوانهای اطراف صحن مزبور و ایوان بزرگ آئینه و کفش کنهای دوطرف آن و ساختمان مدرسه امین السلطان در مغرب صحن و باغ جیران یا صحن جیران در مغرب بنای آستانه و باغ طوطی در مشرق صحن بزرگ و بالاخره ساختمان بقعه و گنبد بزرگ امامزاده طاهر تغییر اساسی در وضع آستانه حضرت عبدالعظیم داده شد و راه ورود و خروج عموم زائرین که سابقاً از طرف جنوب و مشرق آستانه بود بجانب شمال تغییر یافت و ضلع شمالی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) که در ادوار پیشین قسمت عقب و پشت بنا محسوب میشد صورتی دگرگون یافته مدخل و جبهه اصلی بنای آستانه گردید و این تغییر در زمان مظفرالدین شاه با درختکاری و تکمیل خیابان اصلی شمالی جنوبی شهرری بمرحله تکمیل رسید در سالهای اخیر هم بر اثر احداث آرامگاه رضاشاه وسیع و احداث باغ بزرگ اطراف آن و ترتیب خیابان مستقل آرامگاه وضع آستانه حضرت عبدالعظیم بصورتی دیگر درآمده.

اکنون که بطور اجمال پنج زیارتگاه مهمتر ایران معرفی و مذکور گردید سایر زیارتگاههای مهم ایران را فهرست وار ذکر کرده بطرح ساختمان و تاریخ آن (در صورت لزوم) نیز اشاره مینماید (فهرست مختصر سایر مشاهد مشرفه و زیارتگاههای تاریخی و مهم ایران به ترتیب الفبائی نام محل آنها).

نام	محل	تاریخ	طرح بنا
امامزاده سهل بن علی	آستانه اراک	عهد صفویه	دارای گنبد و پوش مدور
امامزاده ابراهیم	آمل	قرن هشتم	چهار ضلع با گنبد و پوش هرمی ۸ ترک
امامزاده احمد	اصفهان	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی و گنبد و پوش مدور
امامزاده اسمعیل	اصفهان	قرن هشتم و دهم هجری	حرم چهار ضلعی و گنبد و پوش مدور و رواق
امامزاده جعفر	اصفهان	قرن هشتم هجری	برج هشت ضلعی و پوش مدور که گنبد بالائی آن از بین رفته است.
امامزاده شاه زند	اصفهان	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی و گنبد و پوش
بابا رکن الدین	اصفهان	قرن ۱۱ هجری	حرم ۵ ضلعی و گنبد و پوش هرمی ۱۲ ترک
بابا قاسم	اصفهان	قرن هشتم هجری	حرم ۴ ضلعی و گنبد و پوش هرمی ۸ ترک
پیر بکران	خارج اصفهان	قرن ۸ هجری	ایوان بلند با تزئینات کاشیکاری عالی و طرح جالب توجه
درب امام	اصفهان	قرن نهم بعد	حرم چهار ضلعی و گنبد مدور دو پوش
هارون ولایت	اصفهان	قرن دهم هجری	حرم چهار ضلعی و گنبد مدور دو پوش
بقعه سلطان شهاب الدین	اهر	قرن دهم هجری	بنای چهار ضلعی بلند با پوش و پایه های دو مناره برد و جانب ایوان شمالی
امامزاده قاسم	آستانه بابل	آغاز قرن ۹ هجری	بنای ۸ ضلعی با گنبد هرمی ۸ ترک و ایوان
بقعه سلطان محمد طاهر	بابل	قرن ۹ هجری	بنای ۸ ضلعی با گنبد هرمی ۸ ترک
امامزاده ابراهیم	بابلسر	قرن ۹ هجری	بنای ۸ ضلعی با گنبد هرمی ۸ ترک
بقعه پیر	تاکستان	عهد سلجوقی	حرم چهار گوش با ایوان بلند از آثار تاریخی
		(قرن ۵ هجری)	بنای چهار ضلعی با گنبد مدور

مزار مولانا	تایبا (خراسان)	قرن نهم هجری	حرم چهار گوش با ایوان بلند از آثار تار یخی وهنری درجه اول ایران
تربت حیدریه	تربت حیلویه	قرن ۸ و ۹ هجری	بنای ۴ ضلعی با گنبد مدور
تربت شیخ جام	تربت جام	قرن ۸ هجری	بنای ۴ ضلعی با گنبد مدور و ایوان بزرگ
امامزاده اظهر	درجزین (همدان)	قرن ۸ هجری	برج مضرس ۱۹ ترکی با گنبد مخروطی بلند
امامزاده هفتادو دوتن ساروق	اراک	قرن ۸ هجری	سه حرم ۴ ضلعی با پوشش های گنبدی
امامزاده یحیی	ساری	قرن ۹ هجری	برج ۱۲ ضلعی با گنبدی هرمی ۱۲ ترک
شاهزاده اسحق	ساوه	قرن ۷ هجری	بقعه دایره ای با گنبد دو پوش مدور
امامزاده حمزه	سور یان (فارس)	قرن دهم هجری	حرم چهار گوش با پوشش گنبدی
بقعه دانیال	شوش	عهد قاجاریه	حرم چهار ضلعی با گنبد مخروطی مضرس
امامزاده عبدالله	شوشتر	قرن هفتم هجری	حرم چهار ضلعی با گنبد هرمی ۱۲ ترک
امامزاده سید محمد بازار	شوشتر	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش و رواق چهارم جانب حرم
بی بی شهر بانو	شهرری	قرن چهارم هجری بعد	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده علی اکبر	شهرضا (اصفهان)	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
بقعه شهرضا	شهرضا	قرن ۸ هجری بعد	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
سید علا الدین حسین	شیراز	قرن دهم هجری	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
سید میر محمد	شیراز	قرن ۸ هجری	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
شاه میر حمزه	شیراز	قرن هفتم هجری بعد	حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی

امامزاده زید	تهران	قرن ۱۰ و ۱۳ هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده یحیی	تهران	قرن ۹ و عصر حاضر	حرم ۸ ضلعی با گنبد هرمی ۱۲ ترک
امامزاده اسمعیل	تهران	قرن ۹ و ۱۳ هجری	حرم چهارضلعی با پوشش گنبدی
سیدناصرالدین	تهران	قرن ۱۱ و ۱۳ هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مدور
قدمگاه	قدمگاه	عهد صفویه	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مدور

(نیشابور)

شاهزاده حسین	قزوین	عهد صفویه	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مدور و نمای خارجی شش ضلعی
بقعه علی بن جعفر (معروف به در بهشت)	قم	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش هرمی ۱۲ ترک
در قم امامزاده ها و زیارتگاههای تاریخی متعدد وجود دارد که مهمترین آنها پس از آستانه حضرت معصومه (ع) بقعه علی بن جعفر است که بذکر آن اکتفا نمود			
بقعه قیدار	قیدار (زنجان)	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مخروطی
امامزاده حبیب بن موسی	کاشان	قرن هفتم هجری	حرم وسیعی بصورت شبستان
آرامگاه شاه عباس کبیر	کاشان	بعد	با گنبد دو پوش مدور کوچک
بابالوئو	کاشان	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد
شاهزاده ابراهیم	کاشان	بعد	دو پوش هرمی ۱۲ ترک
	کاشان	کنار عهد قاجاریه	حرم چهارضلعی با گنبد
بابا افضل	کاشان	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش ۱۲ ترک و ایوان
مشهد اردهال	کاشان	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش ۱۲ ترک و ایوان
	کاشان	بعد	پوش هرمی ۱۲ ترک و ایوان
	کاشان	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد
	کاشان	قرن هشتم هجری	حرم چهارضلعی با گنبد دو پوش مدور

۱ - در کاشان نیز زیارتگاههای تاریخی متعدد از قبیل سلطان میراحمد و سلطان عطاءبخش و پنجه شاه در داخل شهر و بقعه پیردرقصر هست که از نظر تاریخی و توجه بازدید کنندگان شایسته ذکر به نظر میرسد لکن به رعایت اختصار در این مورد ضمن فهرست مرقوم نیامده است.

بقعه مشتاقیه	کرمان	قرن دوازدهم هجری	چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده نور	گرگان	قرن نهم	حرم چهار ضلعی با پوشش سوفا لی
امامزاده روشن آباد	گرگان (کنار قرن نهم راه بندر شاه به گرگان)		حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده هفده تن	گلپایگان	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور و نمای خارجی شش ضلعی
امامزاده حسین	گلشن (طیس قرن پنجم خراسان)	هجری بیعد	حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی
امامزاده سلطان محمد عابد	گناباد (کاخک)	قرن دهم هجری	حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی
چهار پادشاه امامزاده ابوالفضل و یحیی	لاهیجان محلات	عهد صفویه عهد مغول و صفویه	حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
بقعه خواجه ربیع	مشهد (بیرون)	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده محمد محروق	نیشابور	قرن دهم هجری	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده جعفر	ورامین (پیشوا)	عهد صفویه	حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
امامزاده یحیی بقعه استرومردخای زیارتگاه یهود گنبد علویان	ورامین همدان	قرن هشتم هجری قرن هشتم هجری	حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی حرم چهار ضلعی با گنبد دو پوش مدور
دوازده امام	همدان یزد	قرن ششم هجری قرن پنجم هجری	چهار ضلعی با پوشش گنبدی (که پوشش قدیمی آن وجود ندارد) حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی

بقعه سید رکن الدین
یزد
قرن هشتم
حرم چهار ضلعی با پوشش گنبدی
هجری

البته بسیاری زیارتگاه‌های دیگر در نقاط مختلف ایران هست که چون از نظر قدیمی بودن بنا یا بعلل دیگر جنبه تاریخی ندارد یا اینکه کمتر مورد بازدید مسافران است و از طرفی ذکر آنها موجب خواهد شد که مطلب بیش از حد مناسب بدرازا بکشد لذا از معرفی آنها خودداری گردید.

۳- مدارس قدیمی علوم دینی

ساختمان مدارس دینی و علوم قدیمه از قرون اول اسلامی در ایران مورد توجه فراوان بوده دانشمندان بنامی چون ابوعلی سینا و محمد زکریای رازی و ابوریحان بیرونی و بسیاری شخصیت‌های علمی دیگر در این گونه مدارس علوم زمانرا کسب مینموده‌اند و از دورانهای قدیم اسلامی بنام مدارس دینی بر میخوریم که به وسیله شهریاران و بزرگان ایران ایجاد شده است. در کاوشهای ری نیز بقایای مدرسه دینی مربوط به قرن پنجم هجری کشف نموده‌اند و در زمان خواجه نظام الملک وزیر مشهور عهد سلجوقی مدارس معروف نظامیه در بغداد و ری و نیشابور و نقاط مختلف دیگر ساخته شده که در تواریخ مذکور است.

آنچه از بررسی بقایای مکشوف یا آثار موجود اینگونه مدارس برمیآید نقشه مدارس قدیمی کاملاً شبیه مساجد چهارایوانی است و اختلاف عمده بین مساجد چهار ایوانی و مدارس قدیمی را میتوان ترتیب اطاقها و ایوانهای کوچک آنها در اطراف صحن مدارس دانست زیرا در مساجد صرف نظر از ایوان بزرگ وسط هر جبهه سایر قسمتهای اطراف صحن مشتمل بر شبستانهایی است که برای اقامه نماز در فصل زمستان یا محل نمازگزاری روحانیان مختلف احداث مینموده‌اند در صورتیکه در مدارس قدیمی عموماً غیر از ایوانهای چهار جانب صحن بقیه جبهه چهارسوی حیاط حجرات و اطاقهای مخصوص سکونت طلاب را در یک طبقه یا دو طبقه میساخته‌اند و جلوه هر اطاق هم ایوان کوچکی ترتیب میداده‌اند و نمونه بسیار مشخص این ترتیب مدرسه چهارباغ در اصفهان و مدرسه ابراهیم خان در کرمان و مدرسه عالی سپهسالار در تهران را میتوان نام برد در نتیجه همین ترتیب ساختمان است که منظر داخلی مدارس قدیمی منظمتر بوده از لحاظ معماری و رعایت زیبایی و تناسب بنا بیشتر طرف توجه بینندگان واقع میگردد بدیهی

است مدارس علوم دینی نیازمند محلی برای اقامه نماز بوده و عموماً به فراخور اهمیت هر مدرسه مسجدی نیز در آن می ساخته اند همچنان که در بعضی مساجد مهم و بزرگ هم قسمتی را برای سکونت طلاب اختصاص میداده اند و یا مدرسه ای متصل به مسجد بنا مینموده اند که بحث درباره آن لزومی پیدا نمیکند همین قدر توجه به این قسمت مناسب خواهد بود که به شرح سابق الذکر مدرسه علوم دینی در عین حال ممکن است دارای شبستان و گنبد و مناره مانند آنچه در مساجد وجود دارد باشد ضمناً در گوشه و کنار محوطه ای که برای احداث مدرسه علوم دینی تخصیص می یافت بفراخور وضع محوطه آن محللهائی برای تدریس طلاب (مدرس) یا کتابخانه و سایر احتیاجات مدرسه میساخته اند.

از ابنیه مدارس قدیمی علوم دینی بصورت اصلی و اولیه که دارای جنبه تاریخی و اهمیت معماری و هنری باشد تعداد زیادی در ایران باقی نمانده است و آنچه از اینگونه ابنیه سراغ داریم با رعایت ترتیب الفبائی نام محل آنها بشرح زیر مذکور و معرفی میگردد.

نام	محل	تاریخ	توضیح
مدرسه امامی	اصفهان	قرن هشتم هجری	مدرسه کوچک دوطبقه و چهار ایوانی
مدرسه جده کوچک	اصفهان	عهد صفویه	دوطبقه و چهار ایوانی
مدرسه چهارباغ	اصفهان	قرن ۱۲ هجری	دارای گنبد و چهار ایوان و دو مناره و اطاقها و ایوانهای دوطبقه گرداگرد صحن از ممتازترین آثار تاریخی ایران
مدرسه کاسه	اصفهان	آغاز قرن ۱۲ هجری	دوطبقه و چهار ایوانی دارای معرق کاری گچی ظریف و عالی
گران			
مدرسه ملا عبدالله	اصفهان	عهد صفویه	دوطبقه و چهار ایوانی
مدرسه نیماور	اصفهان	عهد صفویه	دوطبقه و چهار ایوانی دارای معرق کاری گچی ظریف و عالی
مدرسه خرگردیا	خرگرد	قرن نهم هجری	دارای صحن چهار ایوانی و چهار زاویه با پوششهای گنبدی
مدرسه غیاثیه	(خراسان)		

مدرسه خان	شیراز	عهد صفویه	دو طبقه و چهار ایوانی دارای صحن بزرگ و سردر معظم
مدرسه مروی	تهران	قرن سیزدهم	دارای ایوان بزرگ و مدرس در طرف شمال صحن
مدرسه سپهسالار قدیم	تهران	قرن سیزدهم	دارای شبستان در طرف جنوب و حجرات در سه طرف دیگر و سردر و دو مناره
مدرسه عالی سپهسالار	تهران	قرن ۱۳ و ۱۴	دارای گنبد و ۸ مناره و چهار ایوان و دو طبقه اطاقها و ایوانهای اطراف صحن و مدرس و کتابخانه و متعلقات دیگر
مدرسه حیدریه	قزوین	قرن ششم هجری	فقط بنای چهار ضلعی گنبد عهد سلجوقی از قسمت تاریخی آن باقی مانده
مدرسه سلطانی	کاشان	قرن سیزدهم هجری	دارای گنبد و ایوان بزرگ سمت قبله
مدرسه ابراهیم خان	کرمان	قرن سیزدهم	دارای اطاقها و ایوانها در چهار جانب صحن از بهترین و متناسبترین آثار معماری دوران قاجاریه
مدرسه بالاسر	مشهد	قرن نهم	مدرسه کوچک که به وضع نامساعدی افتاده است
مدرسه پریزاد	مشهد	قرن نهم	مدرسه کوچک که بصورت غیر مطلوب نگهداری میشود.
مدرسه شاهرخ یا مدرسه دودر	مشهد	قرن نهم	دارای چهار ایوان و گنجبری ممتاز
مدرسه میرزا جعفر	مشهد	عهد صفویه	در پشت قسمت شرقی ضلع شمالی صحن عتیق دارای صحن وسیع طرح چهار ایوانی

مصلی ها، تکیه ها، حسینیه ها و کلیساهای تاریخی ایران

واژه مصلی که (گاهی بغلط مصلا مینویسند) بمعنی نماز خواندنست و این نام را به بناهایی داده اند که در داخل و یا خارج شهرها مردم برای خواندن نماز مخصوص روز جمعه یا نماز مخصوص عید فطر و عید قربان در آنجا اجتماع مینمودند و در موارد خشکسالی و نیامدن باران نیز برای خواندن نماز مخصوص و استغاثه بدرگاه خداوند و طلب باران رحمت بدانجا روی آورده براز و نیاز میپرداختند و در چنین موقع میگفتند مردم به مصلی رفتند یعنی برای طلب باران بمحلّ منظور جهت ادای نماز مخصوص چنین موقعی روی آوردند.

تمام شهرها دارای بنای مخصوص مصلی نبود و غالباً انجام مراسم چنین نمازها در محوطه مناسبی بیرون شهر صورت گرفته و میگیرد چنانکه آن عده از مردم تهران که روز عید فطر نماز عید میخوانند بخارج شهر میروند و ادای فریضه مینمایند و در همدان تپه بزرگ واقع در کناره شهر که بر فراز آن بقایای دژ باستانی از عهد اشکانی وجود دارد موسوم به «تپه مصلی» است و میرساند مردم همدان نماز عید یا نماز باران را در آنجا ادا مینموده اند و در اصفهان محلی در خارج دروازه طوقچی (از محلات بسیار قدیمی در شمال شهر) بنام مصلی خوانده میشده است^۱ ولی در بعضی شهرهای قدیمی از دورانهای پیشین بنائی در محل مصلی ساخته اند که چند نمونه آنها باقی و دارای اهمیت تاریخی است.

تکیه یا حسینیه نیز بمحلی گفته میشود که آئین عزاداری ماه محرم یا مراسم سوگواری برای ائمه شیعیان در آنجا صورت میگیرد و بنائی در خور چنین مراسم بر پا

۱- در تخت فولاد اصفهان نیز مسجدی بنام مصلی هست که ایوان بزرگ منفردی در وسط محوطه جانب جنوبی آن از عهد صفویه وجود دارد لکن محوطه مسجد آن اندازه وسیع نیست که در خور اقامه نماز جمعه یا عید برای شهری چون اصفهان باشد.

داشته صحن یا محوطه مناسبی جهت آن ترتیب داده‌اند.

تعداد اینگونه ابنیه (مصلی - تکیه - حسینیه) که در ردیف آثار تاریخی بشمار آید در ایران بسیار محدود است ولی همین تعداد کم از نظر کیفیت و تنوع شایسته توجه فراوان بوده مناسبت دارد بمعرفی و توضیح جداگانه هر کدام (با رعایت جنبه تاریخی و قدمت آنها) پردازد و در راه انجام این منظور از چنین ابنیه و آثاری در مشهد و یزد و شیراز و قزوین و کرمانشاهان که مورد اطلاع بوده در خور معرفی بنظر میرسد یاد میکنیم:

مصلی طرق (مشهد)

آبادی و باغستانهای طرق (بر وزن افق) بمسافت حدود سه کیلومتری جنوب شرقی مشهد (در اراضی بین شاهراه اسفالتی و خط آهن مشهد - نیشابور) واقعست. بیرون آبادی بنای بلند و آجری مشتمل بر ایوان و گنبد آجری در وسط و طاقنها و اتاقهای کوچک بر دو جانب آنها در قرن نهم هجری (۸۳۷ هجری) ساخته‌اند که در چشم انداز صحرا منظره جالبی دارد و اجتماع مردم در چنین بنای ساده بلند و محوطه مقابل آن برای نماز جمعه و عید و نظایر آن حالتی بسیار روحانی و گیرنده ایجاد مینماید.

در جلو ایوان سنگ مزار بسیار عظیمی بصورت شکسته و چند قطعه شده فرو افتاده است که بنام درویش یحیی از بزرگان خادمین حضرت رضا بوده در سال ۹۲۶ هجری فوت نموده مقابل ایوان فوق الذکر بخاک سپرده شده است.

مصلی (یزد)

بنای مصلی یزد بصورت چهار طاقی بلند و بزرگی است که آنرا بر فراز سکوی چهار ضلعی پهن و کوتاهی در وسط محوطه وسیعی ساخته‌اند و از نظر طرح و نقشه بنا عینا نقشه چارطاقی عهد ساسانی را مینمایاند (با اختلاف طاقهای تیزه دار دوران اسلامی و طاقهای قوسی بدون تیزه عهد ساسانی) طبق کتیبه‌های موجود بر سر در ورودی آن بنای مصلی یزد بسال ۹۵۸ هجری (زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی) ساخته شده در زمان سلطنت شاه عباس اول بسال ۱۰۳۵ هجری تعمیر گردیده است.

اطراف محوطه وسیع مزبور اطاقها و طاقنها را منظم ساخته‌اند که مورد استفاده مؤمنین و نمازگزاران و مراجعین دیگر بمصلی است و در جانب قبله بنای چهار

طاقی (سمت جنوب غربی آن) مسجدی با حیاط وسیع در سطح پائین تر از محوطه بزرگ ترتیب داده اند بطوریکه بام اطاقها و ایوانهای بلند چهار طرف حیاط در زیر کف محوطه وسیع بالائی واقع میگردد و در وسط حیاط بسیار گود پائینی حوض آب و نهر در جهت طولی حیاط مزبور (شمال غربی بجنوب شرقی) قرار دارد.

بدین ترتیب مشاهده میشود که بنای تاریخی مصلی یزد تا چه اندازه کیفیت اختصاصی دارد. از طرفی اصل بنا بصورت چهارطاقی آتشکده‌های عهد ساسانی ساخته شده است از طرف دیگر محوطه بزرگ پیرامون بنای چارطاقی و بالاخره اطاقها و ایوانهای زیرزمینی مسجد زیرین و حیاط آن در کنار بنای چارطاقی وضع مخصوصی باین بنای مذهبی و تاریخی یزد میدهد.

با توجه بوضع مخصوص بنای مصلی یزد و شباهتهای گوناگون آن با ابنیه آتشکده ممکن است تصور رود که قبلا در محل مصلی کنونی یزد آتشکده‌ای وجود داشته بعدا تبدیل به بنای اسلامی و صورت فعلی گردیده باشد و این احتمال با توجه باینکه در کتیبه‌های سر در ورودی مصلی هم نام بنا را معبد ذکر نموده اند تا حدی بیشتر مورد پیدامیکند ولی در توصیفی که از بنای نامبرده در کتاب آثار ایران شده تصریح گردیده است که هیچ نشانه‌ای از وجود منشأ و ریشه پیش از اسلامی در بنای مصلی وجود ندارد^۱.

بهر صورت بشرحی که گذشت بنای مصلی در یزد اثر تاریخی مخصوص و در نوع خود منحصر بفردی بشمار میرود.

مصلی پائین خیابان مشهد

در قسمت پائین خیابان مشهد (خیابان صفوی) در دوران صفویه ایوان بلند و پهنی رو بقبله در کنار محوطه‌ای وسیع بمنظور مصلی جهت برگزاری نماز عید و نماز باران و امثال آن ساخته‌اند— در دو پهلوی ایوان دو شبستان کوچک و چهار گوش با پوشش گنبدی کوتاهتر از ایوان اصلی قرار دارد و در جبهه خارجی شبستانها نیز طاقنماهای کوچک ترتیب داده‌اند.

۱- کتاب آثار ایران- نشریه اداره کل باستانشناسی بزبان فرانسه- جزوه اول از جلد سوم- چاپ

هارلم (هلند) ۱۹۳۸ میلادی (۱۳۱۷ شمسی)

طبق کتیبه‌های کاشی معرق و اشعار فارسی که بر کاشی نوشته شده است بنای مزبور را در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته‌اند و در کتیبه‌های نامبرده سالهای تاریخ ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ ذکر گردیده است.

با توجه به وضع بنای مورد ذکر معلوم میگردد که هسته مرکزی این ساختمان ایوان عظیم و گشاده‌ای بوده دو طرف آن شبستان و طاقنماهای کوچک وجود داشته است و چنین ترکیبی برای جمعیت بزرگ نمازگزاران در فضای آزاد بسیار شایسته و عملی بوده از نظر محفوظ ماندن مردم از آفتاب و باران (هنگام نماز عید) و استفاده بانوان نمازگزار از دو شبستان جنین ایوان بسیار ترتیب پسندیده و سهلی بنظر میرسد.

مصلی شیراز

همانطور که میدانیم خواجه حافظ شیرازی در ستایش زادگاه خود ضمن یکی از غزلهای خویش بیتی چنین سروده است:

میان جعفر آباد و مصلی عبیر آمیز می‌آید شمالش
هنگامی که از اصفهان بشیراز وارد شوند پس از گذشتن از دروازه قرآن چون خیابان دروازه قرآن را کمی بطرف مرکز شهر طی نمایند اراضی سمت راست (جانب شمال غربی) بنام مصلی خوانده میشود و در آنجا بنائی مشتمل بر یک ایوانست که محرابی هم دارد و از آثار شادروان حاجی معتمدالدوله - فرهاد میرزا فرمانفرمای فارس و عموی ناصرالدینشاه قاجار - است که بسال ۱۲۹۵ هجری آنرا ساخته‌اند و چندان بزرگ و مجلل نبوده نسبت به مصلی‌های مشهد و یزد ساده و کوچکتر است. محل مزبور علاوه بر اینکه برای نماز عید و نماز باران مورد استفاده نمازگزاران واقع میشد هنگام ورود فرمانفرمایان فارس (استانداران قدیم) نیز جایگاه مراسم استقبال و قربانی جلو فرمانفرمای تازه وارد بوده است بهمین جهت بنای مورد ذکر را قربانگاه نیز نامیده‌اند.

تکیه میرچقماق یزد:

مسجد تاریخی میرچقماق یزد (از آثار زیبای قرن نهم هجری) مشرف بمیدانی است که در وسط خیابان پهلوی قرار دارد. این میدان در زمان سابق محل انجام آئین سوگواری ماه محرم و جایگاه اجتماع دسته‌های سینه‌زنی و اینگونه مراسم بوده است و در وسط ضلع جنوب شرقی آن هم دهانه بازار قرار داشته است.

در قرن نهم هجری بر دهانه بازار سردر و طاقنماهایی ساخته بودند و در عهد

قاجاریه بر دو جانب سردروطاقنماهای آن طاقنمای دو طبقه دیگری افزودند و دو مناره هم در طرفین دهانه بازار بر فراز طاقنمای مرکزی برافراشتند و بر اثر این الحاقات سراسر ضلع جنوب شرقی محوطه تکیه میرچقماق بصورت طاقنما بندی دو طبقه خوش ترکیبی درآمده است که دهانه زیرین مرکزی آن مدخل بازار بوده بقیه طاقنماها هم که در سابق جهت غرفه بندی شخصیتها و دسته های مختلف عزاداری در هنگام محرم مورد استفاده قرار میگرفته است فعلا صورت تزئینی دارد و برای شهریزد که احداث تکیه هائی با این نوع طاقنما سازی دو طبقه در آن رواج داشته است نمونه مشخص و ممتازی از چنین ابنیه و سنن مذهبی و ملی بشمار میرود که بشرح فوق الذکر قسمت مرکزی بنا از قرن نهم هجری و سایر قسمت های آن مربوط بدوران قاجاریه است و بمناسبت محل تکیه قدیمی میرچقماق، که تبدیل بمیدان فعلی میرچقماق شده است بنای مورد ذکر را بنام تکیه میرچقماق میخوانند و از نقاط دیدنی و قابل توجه اختصاصی شهر تاریخی یزد محسوب میگردد خصوصا که مسجد بسیار زیبا و خوش طرح میرچقماق در ضلع جنوب غربی میدان مزبور واقع بوده قسمت روبروی مسجد میرچقماق هم آب انبار قدیمی و بادگیرهای آن که بنوبه خود معرف معماری و وضع اقلیمی یزد است قرار دارد و رویهمرفته تکیه میرچقماق با آثار مختلف مورد ذکر پیرامون آن مرکز جالب توجهی از دیدنیهای یزد را در بر دارد که در فرصتی کوتاه میتوان با دیدار آنها نمونه هائی مشخص از آثار تاریخی و وضع محلی یزد را دریافت.

حسینیه های تفت (از توابع یزد)

مسافران و جهانگردان علاقه مند و آشنا به آثار و سنن تاریخی ایران برای ناحیه تفت یزد که دره حاصلخیز و سرسبزی در جنوب یزد (بمسافت ۲۴ کیلومتری آن شهر) است اهمیت خاصی قائل هستند زیرا در این ناحیه سنن مذهبی ایرانیان پیش از اسلام بدون اینکه عمدا توجه و علاقه خاصی برعایت و حفظ آنها باشد در ابنیه اسلامی مشهود میگردد و ابنیه و آثار متعددی در دامنه کوهستان هست که بسبب آثار ساسانی احداث گردیده و عبادتگاه مسلمانانست و همچنین سکوهائی بنام کلک^۱ در وسط حسینیه های تفت قرار دارد که آتشدانهای عهد هخامنشی و ساسانی واقع در هوای آزاد را در نظر

۱- همانطور که میدانیم در تهران ظرف سفالی و جای آتش را که شبیه لاوک و منقل است کلک

مینامند.

مجسم میسازد.

اینگونه کلکها عبارت از پایه هشت ضلعی به بلندی قریب دو متر است که اضلاع آنرا دو طبقه طاقچه بندی کرده اند و درمواقع سوگواری شب هنگام چوبهای نیمسوز و شمع بر فراز سطح فوقانی و درون طاقچه های اطراف آن میگذارند و بدینوسیله کلک بصورت مشعل فروزان درمیآید.

حسینیه های چند در تفت وجود دارد که مشتمل بر محوطه بازی بوده سه طرف آنها را طاقنما بندی کرده اند و در وسط طرف باز و آزاد آنها که مدخل حسینیه باشد سکوی سابق الذکر بنام کلک واقع گردیده است و بدینوسیله نمونه بسیار بارز و گویای دیگری از پیوستگی معنوی و باطنی مردم ایران بسنن ملی خود بهر عنوان و صورت که مقتضی زمان باشد در دیده علاقمندان بچنین مطالب میگذارد.

تکیه و حسینیه های تاریخی شیراز

در شیراز یک تکیه و دو حسینیه تاریخی سراغ میرود تکیه هفت تن در دامنه کوه شمالی شیراز بمسافتی در شمال آرامگاه حافظ است که شامل محوطه مشجر و محصور بوده هفت سنگ مزار بزرگ همانند یکدیگر بر تربت هفت نفر عارف که آنجا مدفون هستند قرار دارد و در قسمت شمالی آن ایوانی بلند از دوران کریمخان زند با دو ستون یکپارچه سنگی و تزئینات و نقاشیهای آنزمان ساخته اند و طرفین ایوان بلند مرکزی اطاقها و غرفه ها و ایوانچه ها محل توقف و آسایش زیارت کنندگان است.

محوطه جلو ایوان و عمارت نسبت به بقیه محوطه این محل کمی بلندتر بوده در وسط آن حوض آبی تعبیه و کف آنرا با تخته سنگهای صاف فرش کرده اند و برای انعقاد مجالس سوگواری و ذکر مصیبت و خواندن دعا و رادو تشکیل اجتماعات مذهبی و محفلهای عرفانی مختلف محلی بسیار مصفا و روحانی بیرون شهر شیراز نزدیک آرامگاه حافظ و بزرگان دیگر مدفون در آن حول و حوش است و تصور میرود بهمین دلیل نام تکیه هفت تن بدان داده اند.

حسینیه قوام

در کنار خیابان لطفعلیخان زند واقع بوده مشتمل بر حیاط بزرگی است که در سمت جنوب آن ایوان بلند دو ستونی بشیوه ایوانهای دوران کریمخان زند (که ابنیه مجلل شیراز را در عهد قاجاریه بطور کلی بر همان طرح میساخته اند) قرار دارد و اطراف

حیات هم اطاقها و طاقنها و غرفه‌های مختلف ترتیب داده‌اند و سر در متناسب قدیمی آن کنار خیابان لطفعلیخان زند است و رو به‌مرفته نمونه قابل توجهی از آثار عهد قاجاریه در شیراز بشمار میرود.

حسینیه مشیر

نزدیک مسجد مشیر در کوچه‌های شرقی خیابان قآنی بوده آن هم مشتمل بر حیاطی است که ایوان بلندی با دو ستون یک پارچه باز هم بشیوه ابنیه عهد زندیه در طرف شمال آن قرار دارد و در اطراف حیاط و زوایای آن اطاقها و غرفه‌ها و طاق‌نماهای مربوط به مراسم سوگواری را ترتیب داده‌اند و اشعار مناسب با تعزیه‌داری در ایوان شمالی و محلهای دیگر حسینیه نوشته‌اند. اکنون این بنای مذهبی محل دبیرستان سلطانی و موقوفه بانوی نیکوکار شیرازی است که دبیرستان را بنام او خوانده‌اند.

حسینیه دیگری هم بنام حسینیه ایلخانی در قسمت جنوب غربی شهر شیراز بود که سر در بلند کاشیکاری با جلوخان بزرگی داشت و ایوانی با دو ستون سنگی یک پارچه در شمال آن واقع بود ولی چون بصورت ویران افتاده بود در محل آن دبیرستان دخترانه‌ای ساخته‌اند و تنها دو ستون سنگی آن در محل خود بر پا مانده است.

حسینیه امینی (قزوین)

در قسمت جنوب غربی شهر تاریخی قزوین بنای عالی از دوران ناصرالدینشاه قاجار مشتمل بر حیاط قدیمی و حوض بزرگ و سه تالار وسیع بسیار مجلل و مزین به گچ‌بریها و نقاشیها و آئینه‌کاریها و پنجره‌های بدیع از بهترین آثار هنری قزوین وجود دارد که حسینیه حاجی وکیل یا حسینیه امینی نام دارد سه تالار بزرگ بموازات هم و در مجاورت و کناریکدیگر قرار گرفته بوسیله پنجره‌های قدیمی (ارسی) و درهای زیبا بیکدیگر مربوط میشود و هنگام انجام مراسم سوگواری ارسی‌ها را بالا میزنند و هر سه تا مجلس واحدی را تشکیل میدهد. در دو انتهای تالار اطاقهای کوچک مخصوص بانوان و خاص و نزدیکان صاحب مجلس ساخته‌اند و غرفات طبقه بالا و اطاقهای دیگری هم برای رفت و آمد گماشتگان و شربت‌خانه و قهوه‌خانه و متعلقات چنین محلی ترتیب داده‌اند و رو به‌مرفته حسینیه امینی قزوین برای آشنائی و بررسی هنر معماری و تزئینات ابنیه در دوره قاجاریه خصوصاً مکتب عالی هنری قزوین در آن دوران از بهترین و ممتازترین محلها و مجموعه‌ها بشمار میرود.

حسینیه‌های کرمانشاهان

در کرمانشاه نیز دو حسینیه جالب توجه از دوران قاجاریه سراغ میرود که یکی حسینیه معاون الملک است و دیگری حسینیه بیگلربیگی.

حسینیه معاون الملک

دارای حیاط وسیع و تالار بزرگ آئینه کاری و کتیبه‌های مناسب با مراسم تعزیه داری است و صاحب آن در تالار بزرگ دیگری از همان حیاط مجموعه جالب توجهی از آثار باستانی و اشیاء هنری از قبیل مفرغهای لرستان و ظروف کاشی و سکه و غیره را جمع آوری نموده بمعرض بازدید و بررسی بینندگان و علاقه‌مندان بدینگونه آثار گذاره است و در واقع حسینیه بیگلربیگی صورت موزه کوچک محلی کرمانشاه را نیز دارد.

رو بهمرفته میتوان گفت شهر کرمانشاه که از نظر آثار تاریخی داخل شهر (بر خلاف بسیاری شهرهای تاریخی ایران) آثار مهم چندانی ندارد دارای دو حسینیه قابل توجه از دوران قاجاریه است.

شاید در شهرهای دیگر ایران نیز تکیه‌ها و حسینیه‌های واجد اهمیت معماری و هنری موجود باشد ولی چون اطلاعی از آنها نبود در این مورد مذکور نیفتاد^۱ و البته اگر چنین آثاری هر کجای ایران سراغ رود شایستگی توجه و بررسی و بازدید داشته و خواهد داشت.

۵- کلیساهای تاریخی ایران

کلیساهای موجود در ایران که جنبه تاریخی و هنری دارد تا آنجا که وضع آنها و قرائن مربوط بدین امر معلوم میسازد متعلق به آغاز قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) بعد است و این امر دلیل نخواهد بود که پیش از آن کلیسا در ایران نبوده است بلکه آنچه وجود دارد و مورد اطلاع ما است مربوط به آغاز قرن هشتم هجری بعد است.

در سرزمین آذربایجان کلیساهای متعدد وجود دارد که بشرح بالا از اوان قرن

۱- در تخت فولاد اصفهان بسیاری از آرامگاههای شخصیت‌های معروف را که دارای بنا و محوطه مخصوصی است بنام تکیه میخوانند که چون با آنچه فوق توضیح داده شد مطابقت نمینماید و ذکر آنها هم از هدف این رشته دروس بیرون بوده باعث اطناب مطلب میگردد از توضیح درباره آنها خودداری میشود و علاقه‌مندان باین موضوع ممکن است به کتاب (بخشی از گنجینه آثار ملی) نگارش آقای عباس بهشتیان چاپ اصفهان ۱۳۴۳ خورشیدی مراجعه فرمایند.

هشتم هجری باینطرف ساخته شده و تاکنون باقی و مورد استفاده بوده نیایشگاه هم میهنان مسیحی ما است و با گذشت سوانح بس ناگوار و جنگها و حملات گوناگون که طی ادوار مختلف در مرز و بوم عزیز آذربایجان رخ داده است صدمات و لطمات بسیار به کلیساها هم وارد آمده است. در زمان شاه عباس بر اثر حسن تدبیر این شهریار عده زیادی از ارمنیان آذربایجان به اصفهان و نقاط دیگر ایران کوچ داده شدند و قصبه ارمنی نشین جلفا در ساحل جنوبی زاینده رود برای سکونت ایشان احداث گردید و کلیساهای چند نیز در آنجا ساخته شد و طولی نکشید که عده ای از ارمنیان در گیلان نواحی دیگر ایران هم سکونت یافتند و جمعی از ایشان نیز بشیراز رفتند. شاه عباس ثانی نیز برفاه ارمنیان و ساختمان کلیساهای دیگر توجه بخرج میسداد و در دوران قاجاریه بر اثر رفت و آمد بیشتر ارو پائیان که عموماً پیرو آئین مسیحی هستند کلیساهای دیگری ساخته شد و مجموع این عوامل باعث گردید تعدادی کلیسا که از نظر معماری و جنبه هنری دارای اهمیت تاریخی هست در ایران بوجود آید و یک قسمت از آثار تاریخی و هنری ایران در دوران اسلام مشتمل بر کلیساها باشد^۱.

قدیمترین کلیساهای ایران در آذربایجان بوده مهمترین و معروفترین آنها دو کلیسا است یکی کلیسای معروف به وانک^۲ طاطاووس یا قره کلیسا در ناحیه مرزی سیاه چشمه (قره عینی) در جنوب ماکو و دیگری کلیسای سن استپانوس در ۲۴ کیلومتری جنوب جلفای آذربایجان. عموماً بنای اصلی هر کلیسا مشتمل بر تالار بزرگی برای نمازخانه است که قسمت بالای آن بصورت سکونی بوده جایگاه تصاویر مذهبی و انجام مراسم دینی بوسیله کشیش و افروختن شمع و سایر آئین مربوط بکیش عیسوی است و بقیه تالار محل توقف نمازگزاران است که رو بجانب سکو بحالت ایستاده یا نشسته یا زانو بر زمین نهاده بفراخور مراسمی که در کلیسا صورت میگیرد باقی میمانند و همانطور که نمازگزاران مسلمان در مساجد رو بمحراب نماز میگزاردند، مسیحیان نیز در کلیسا رو به سکو و جایگاه کشیش نموده عبادت میکنند و ساختمان چنین تالارهایی در کلیساهای ایران کم و بیش طبق اصول معماری ایران انجام گرفته یا مخلوطی از معماری

۱- کنیسه ها و زیارتگاههای یهود مربوط بدوران اسلامی هم در ایران وجود دارد که چون بین آنها کنیسه های دارای جنبه تاریخی و هری سراغ نمیرود از ذکر آنها تحت عنوان جداگانه خودداری شد و زیارتگاههای تاریخی یهود و مقابر منسوب به پیغمبران یهود واقع در ایران نیز ضمن معرفی زیارتگاههای و آرامگاهها مذکور میگردد.

غیر ایرانی در آن آمیخته گشته است.

کلیسای طاطاووس یا قره کلیسا

در آغاز مشتمل بر تالار کوچکی بشرح بالا بوده که گنبد هرمی ۱۲ ترک بشیوه گنبدهای هرمی ابنیه اسلامی عهد مغول (منتها از سنگ) بر فراز آن ساخته بودند و بدنه گنبد بسبک معماری بیزانس (رم شرقی) مرکب از حاشیه های افقی متوازی از سنگهای سفید و سیاه بوده نمای خارجی کلیسا نیز از سنگهای سیاه با تزئینات و ترکیبات زیبایی از سنگهای سفید و سیاه ترتیب یافته بود و چون بطور کلی نمای خارجی بنا از سنگ سیاه درست شده بود نام محلی آنرا از سابق قره کلیسا (کلیسای سیاه) گفته اند. در زمان فتحعلیشاه بفرمان عباس میرزا ولیعهد ایران و فرمانروای آذربایجان قسمت جدیدی بر کلیسای طاطاووس افزوده نمازخانه آنرا خیلی بزرگتر کردند بطوریکه نمازخانه قدیم آن جایگاه کشیش و سکو و منبر گردید و محل برج ناقوس و مدخل نمازخانه را در یکطرف بنای جدید احداث کردند لکن متأسفانه قسمت اخیر ناتمام مانده بعداً هم بر اثر دور افتادگی محل کلیسا و انقلابات و زد و خوردهای مرزی و غائله های مختلف کلیسای مزبور بصورت متروک و ویران افتاده و در چند سال اخیر تعمیرات ضروری در آن تا حدی انجام گرفته است.^۱

قسمتی که بفرمان عباس میرزا بر کلیسای طاطاووس افزوده اند از سنگهای سفید بوده گنبد دوازده ترک هرمی شکل تماماً از سنگ سفید بلندتر از گنبد قدیمی بر فراز آن ساخته اند و نمای خارجی آن نیز مزین به نقوش برجسته حواریون و گل و بوته و شیر و خورشید و ترنجهای کار استادان ایرانی است و بدین ترتیب نمای خارجی قسمت الحاقی که بخش اعظم بنای کلیسا را تشکیل میدهد کاملاً جنبه هنری ایرانی دارد و بنای کلیسا با داشتن دو گنبد مجاور یکدیگر در موقعیت کوهستانی آن منظر بس زیبا و روحانی پیدا کرده است. سبک ساختمان داخل کلیسا مانند نظایر آن بشیوه معماری بیزانس و معماری سرزمین ارمنستان و گرجستان بوده سقف آنرا بوسیله طاقهای هلالی و

۱- در فصل معینی از سال جمعیت زیادی از ارمنیان از نقاط مختلف ایران برای نیایش و زیارت و پختن غذاهای نذری بوسیله اتوموبیلهای جیب و کامیون و وسائط نقلیه قابل عبور از راههای ناهموار بکلیسای طاطاووس رفته روزها و شبهایی را در آنجا به اجرای مراسم مذهبی میپردازند و بقیه روزهای سال کلیسای نامبرده بکلی خلوت و بصورت متروک در محل دور افتاده خود باقی است.

قوسی نیم دایره (بدون زاویه) و پوشش گنبدی شکل مدور بوضعی ظریف و استادانه ترتیب داده‌اند.

در کنار محوطه بزرگ کلیسا هم اطاقهای محل توقف زوار و عبادت کنندگان و معتکفین کلیسا قرار دارد.

کلیسای سن استپانوس

که بمسافتی در مغرب شاهراه مرند بجلفا و بمسافتی در مشرق جاده خوی بجلفا قرار دارد دارای گنبد هرمی شکل زیباتر و خوش طرح‌تر از کلیسای طاطا ووس است و وضع کلی ساختمان آن بیشتر شیوه معماری ارمنی و گرجی را مینمایاند و داخل آن مزین به نقوش زیبا کارهنرمند ارمنی بنام هوناتانیان است و استاد فقید هایک عجمیان دانشمند ارمنی تاریخ بنای این کلیسا را قرن نهم میلادی دانسته است ولی با وضع زلزله خیز آذربایجان بنای قرن نهم میلادی بر پا نمانده بشرحی که دانشمند فقید مزبور نوشته است در زمان شاه عباس دوم مجدداً آنرا تعمیر و بنا نموده‌اند.

علاوه بر دو کلیسای تاریخی فوق کلیساهای دیگر آذربایجان که کم و بیش اهمیت تاریخی دارد بشرح زیر مذکور میگردد:

کلیسای حضرت مریم در تبریز

که بنای اولیه آن مربوط به قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) بوده در سفرنامه مارکو پولو (جهانگرد معروف ونیزی که در قرن هشتم هجری بایران آمده بسوی چین رفته است) نام آن ذکر گردیده است ولی بنای فعلی آن چندان قدیمی نیست لکن مرکز خلیفه گری ارمنیان در آذربایجان بوده کلیسائی آباد و پررونق با محوطه وسیع و متعلقات مختلف است و هیئتی مرکب از شخصیت‌های ارمنی امور آنرا تحت نظر دارند. کلیسای قدیمی در آبادی موژامبار بمسافت ۵۰ کیلومتری تبریز مربوط بقرن هشتم هجری کلیسای بزرگ سن سرکیس در خوی از آثار زمان شاه عباس دوم (قرن ۱۲ هجری) کلیسای دیگری از زمان شاه عباس دوم در آبادی مه‌لزن در شمال شرقی خوی که دارای گنبد بزرگی است.

کلیسای سن ژرژ (سن گورگ) در آبادی هفت وان نزدیک شاپور (سلماس) که از مرمر ساخته شده مربوط به زمان شاه عباس دوم است. کلیسای واقع در آبادی دریشک نزدیک شاپور که طاقی بزرگ دارد.

سایر کلیساهای آذربایجان که شایسته ذکر بنظر میرسد فهرست وار بشرح آتی مذکور میگردد!

در رضائیه و دوازده آبادی از توابع آن کلیساهائی هست که دارای اهمیت تاریخی نیست. در تبریز علاوه بر کلیسای حضرت مریم که ذکر آن گذشت کلیساهای دیگری بنام سن سرکیس و سن شوقاکات وجود دارد.

در مراغه نیز کلیسایی وجود دارد که واجد اهمیت تاریخی نیست.

کلیسای بزرگ تاریخی و معروف جلفا (اصفهان)

مهمترین کلیسای تاریخی ایران کلیسای بزرگ قدیمی اصفهان است که عموماً آن را بنام وانک میخوانند (بطور کلی در زبان ارمنی به هر کلیسای بزرگی وانک میگویند) این کلیسا در زمان شاه عباس اول بسبب معماری کاملاً ایرانی ساخته شده گنبد آجری دو پوش نظیر گنبدهای دو پوش عهد صفویه بر فراز آن ساخته اند و درون آن از نقاشیها و مینیاتورهای ترکیب هنر ایرانی و ایتالیائی بطرز بسیار بدیع و دلکش مزین است و صحنه های مذهبی باعتقاد مسیحیان و نقش فرشتگان و حواریون و کاشیکاریهای عهد صفویه سقف و دیوار از آنرا پوشانیده است.

در کنار حیاط وسیع کلیسا اطاقهای دفتر و محل پذیرائی مهمانان و جایگاه هیئت خلیفه گری اصفهان که از مهمترین سازمانهای مذهبی ارمنیان بشمار میرود قرار دارد.

در عمارت جداگانه ای هم موزه کلیسا حاوی اسناد تاریخی و فرمانهای شاهنشاهان ایران (از زمان شاه عباس اول پیش از ساختمان کلیسای مزبور تا دوران پهلوی) و مجموعه های هنری جالب ترتیب داده شده است.

علاوه بر کلیسای مورد ذکر کلیساهای تاریخی دیگری هم در جلفای اصفهان هست که آنها را نیز در دوران صفویه و بسبب معماری ایران در آن دوره ساخته اند و مهمتر از همه کلیسای معظم بیت لحم در کنار خیابان نظر و کلیسای مریم در میدان جلفا و کلیسای ایروان در محله ای بهمین نام در قسمت غربی جلفا است.

۱- دانشمند فقید ارمنی شادوران هابک عجمیان طبق تقاضای اینجانب فهرستی از کلیساهای ارمنی در ایران تهیه و در مهرماه ۱۳۴۱ باختیارم گذارده اند که برای ذکر مطالب مذکور مورد استفاده واقع شده است.

کلیسای تاریخی ارمنی در شیراز

در کوچه‌های شرقی خیابان قآنی در کوی موسوم به «سرجوی ارمنیها» کلیسای جالب توجهی از دوران صفویه (زمان شاه عباس دوم) وجود دارد که بنای اصل آن در وسط محوطه باغچه مانند واقع گردیده مشتمل بر تالار نمازخانه مستطیل شکلی با سقف بلند مسطح و غرفه‌هایی در دو پهلوی آن است و سقف نمازخانه مزین به نقاشیهای اصیل ایرانی عهد صفویه بوده غرفه‌های دو جانب تالار نیز بصورت طاقچه‌بندی با حاشیه مقرنس کاری گچبری همان زمان زینت یافته است و رو بهمرفته از ابنیه تاریخی دیدنی شیراز بشمار میرود و اطاقهای محل سکونت پیشوای روحانی و کارکنان کلیسا در کنار محوطه قرار دارد.

کلیسای حضرت شمعون غیور (شیراز)

در مجاورت بیمارستان مرسلین انگلیسی در شیراز کلیسای نسبتاً مهمی است که بنای آن چندان قدیمی نیست. تالار نمازخانه بزرگ آنرا کاملاً بسبک ایرانی با پوشش طاقهای رومی و چشمه طاقهای ضربی ساخته‌اند و علاوه بر آن آثار هنری مختلف ایرانی از جمله پنجره‌های دارای شیشه‌های رنگین در تزئین نمازخانه کلیسای مزبور بکار رفته است.

کلیسای تجلیل مسیح در قلات (۳۴ کیلومتری مغرب شیراز)

در محل ییلاقی قلات، کلیسای خوش طرح و ساده‌ای وجود دارد که در دوران قاجاریه ساخته شده است و دیوارهای بلند خشت و گلی و پنجره‌های هلالی و گنبد کروی شکل آن در میان درخت‌ها و باغستانهای قلات منظر روحانی و بس دل‌انگیزی داشته بر آنچه در چنین مواردی احساس آرامش و معنویت می‌گردد می‌افزاید.

کلیسای ظهور مسیح (بوشهر)

در بوشهر نیز کلیسایی از دوران قاجاریه وجود دارد که آنرا بسبک ایرانی در دوره قاجاریه ساخته‌اند و از نمونه‌های خوب هنر معماری ایران است و تمم پنجره‌های آن نیز از نمونه‌های پنجره‌های ابنیه قدیمی ایران بوده شیشه‌های رنگی ایرانی که با دست کار می‌گذارند در آنها بکار برده شده است.

کلیسای طاووس (طهران)

در محله چالمیدان که از قدیمترین محلات طهران است بمسافت کمی در

جنوب بقعه سید اسمعیل کوچه پهن قدیمی از بازار معروف به بازار دروازه (بمناسبت اینکه دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم پیش از توسعه طهران در زمان ناصرالدینشاه در دهانه جنوبی بازار مزبور قرار داشت) بطرف مغرب منشعب میگردد. کوچه مزبور را بنام کوچه ارمنیها و همچنین کوچه جارچی باشی میخوانند و در ضلع شمالی اوایل کوچه مزبور قدیمی ترین کلیسای طهران قرار دارد که در زمان فتحعلیشاه قاجار ساخته شده مشتمل بر نمازخانه ای با پوشش گنبدی شکل و چهارشاه نشین است و محراب و محل پیشوای روحانی در شاه نشین شرقی آنست. اطاقهای محل سکونت پیشوای مذهبی و کارکنان کلیسا کنار حیاط واقع بوده در دهلیز ورودی کلیسا آرامگاههایی از شخصیتهای برجسته مسیحی غیرایرانی که در ایران در گذشته اند قرار دارد. در وسط صحن کلیسا هم کالبد گریبایدوف سفیر روسیه تزاری در زمان فتحعلیشاه با کالبدهای سایر کارکنان سفارت روسیه که در آن زمان بر اثر انقلاب مردم طهران مقتول گردیده اند بخاک سپرده شده است.

علاوه بر کلیساهای فوق کلیساهای متعدد دیگر در رضائیه (اورمیۀ فعلی) و آبادیهای اطراف آن و آبادیهای ارسباران و شهرهای اردبیل و مراغه و نقده (سلدوز نزدیک رضائیه) و قزوین و همدان و ملایر و کرمانشاه و رشت و بندر پهلوی و مشهد و ناحیه خرقان (بین قزوین و زنجان و همدان) و استان خوزستان و طهران و قریۀ قدیمی ونک (تهران) و نواحی فریدن و چهارمحال اصفهان و شهراراک و نواحی بوروار و کمره و جاپلق و کزاز (که از توابع اراک مابین اراک و اصفهانست) بصورت آباد یا متروک وجود دارد که اهمیت تاریخی و هنری آنها چندان زیاد نیست و همچنین کلیساهای آشوریان در رضائیه و برخی نقاط دیگر آذربایجان غربی هست که بنوبه خود شایستگی بحث مخصوص دارد و توضیح در بارۀ آنها باعث بدرازا کشیدن مطلب بیش از حد مناسب در این باره میگردد لذا از ذکر آنها خودداری و به بحث در باره کلیساهای تاریخی ایران پایان داده میشود.

۶- باغها و کاخهای سلطنتی تاریخی ایران

بطوریکه میدانیم احداث باغها و کوشکها و کاخهای سلطنتی از جمله کارهای مورد علاقه شهریاران ایران از قدیمترین روزگاران بوده همیشه در پایتختهای ایران و نقاط دور و نزدیک پیرامون آنها باغهای سلطنتی و کاخهای شاهی احداث گردیده است و

طبعاً باغهای مزبور با تغییر سلسله شاهان و انتقال پایتخت شهر دیگر سرنوشت نامساعد پیدا نمیکرده بتدریج از میان میرفته است و بهمین دلیل در حال حاضر شماره بس معدودی از باغهای سلطنتی و تاریخی ایران که در داخل مرزهای کنونی کشور باقی مانده و مورد اطلاع ما است بدوران صفویه بعد تعلق دارد و بشرح آینده اجمالاً معرفی میگردد.^۱

عمارت تیموری (اصفهان)

از جمله کاخهای سلطنتی تاریخی ایران بنای تالار تیموری در اصفهان است که در گوشه شمال شرقی باغ چهلستون و در کنار خیابان استانداری نزدیک میدان شاه واقع گردیده مشتمل بر ایوان بزرگ مرکزی و تالارهای متعدد و ایوانهای کوچک در جوانب بنا بوده پوشش همه قسمتهای آن بوسیله طاقهای ضربی با طرحهای معروف به یزدی بندی صورت گرفته است و از این بابت هنرنامه‌ی مخصوصی در آن بکار بسته‌اند و هر چند اصل بنا را از خشت ساخته‌اند ولی چگونگی احداث سقفهای یزدی بندی آن کاملاً در خور ستایش و قابل توجه است و از چند سال پیش آنرا محل باشگاه افسران اصفهان قرار داده بوضع شایسته‌ای از بنا و محوطه آن نگاهداری و مراقبت مینمایند.

عمارت تیموری پیش از آنکه اصفهان به پایتختی ایران برگزیده شود نزدیک باغ قدیمی نقش جهان (که بعداً بمیدان نقش جهان یا میدان شاه تبدیل شده است) احداث گشته‌قرائن امر میرساند همانطور که از نام آن برمیآید مربوط بدوره تیموریان (قرن نهم هجری) بوده است.

عالی قاپو و چهلستون (قزوین)

شهر قزوین در زمان شاه طهماسب اول و فرزندش سلطان محمد (پدر شاه عباس اول) و در سالهای اول سلطنت شاه عباس کبیر پایتخت ایران بود و مجموعاً مدت ۷۵ سال تختگاه نخستین شهریاران سلسله صفوی بشرح بالا در این شهر تاریخی قرار داشت و طبعاً در طول چنین مدتی کاخها و باغهای سلطنتی متعدد در آن احداث گردید و پس از انتقال پایتخت به اصفهان متدرجاً متروک ماند و دستخوش ویرانی و لطمات گوناگون واقع شد و یکی پس از دیگری از میان رفت و اکنون فقط دو قسمت از ابنیه سلطنتی

۱- درباره باغهای ایران و کوشکهای واقع در این گونه‌باغها کتاب بسیار زیبا و جامعی بزبان انگلیسی

توسط دانشمند ایران‌شناس آمریکائی دونالد ویلبر Donald. N. Wilber بنام Persian Garden and Garden Pavilions

(چاپ توکیو- ۱۹۶۲ میلادی) تألیف گردیده است که علاقمندان باین موضوع از آن بهره بسیار میتوانند برد.

قزوین بر جای مانده است که یکی از آنها کاخ تاریخی چهلستون می باشد و دیگری عالی قاپو.

کاخ تاریخی چهلستون

در وسط قسمت کوچک باقیمانده باغ قدیمی سلطنتی واقع و موزه قزوین در آن ترتیب داده شده است و مشتمل بر عمارت دو اشکوبه هشت ضلعی است که اشکوب زیرین آن شامل تالار مرکزی بزرگ با چهار شاه نشین در چهار جانب و طاقهای کوچک و متفرعات مختلف در چهار زاویه آن میباشد و ضمن تعمیرات بنا و آماده کردن آن جهت موزه بر بالای دیوارها و بدنه طاقهای تالار و شاه نشینها و طاقهای مزبور نقوش مینیاتور زمان شاه طهماسب اول را یافته اند و بطوریکه از نقوش مکشوف بر میآید معلوم میگردد در خلال چند مرحله تعمیرات بنای مزبور در دوران صفوی مکرر روی نقوش مینیاتورها را از گچ پوشانده نقش دیگری بجای نقوش پیشین کشیده اند. پذیرائی شاه طهماسب اول از همایون شاه هندی که بسال ۹۵۱ هجری بایران پناهنده شد در همین کاخ چهلستون قزوین صورت گرفته است (تصویری از این پذیرائی شاهانه در تالار چهلستون اصفهان ترسیم گردیده است).

در دوران قاجاریه تعمیرات و تصرفاتی در کاخ چهلستون نموده مخصوصا اشکوب فوقانی آنرا به شیوه بناهای عهد قاجاریه تغییر صورت داده اند و قسمت وسط ضلع شمالی ایوان گرداگرد آن اشکوب را برای احداث پلکان اصلی بنا بر هم زده اند (در عهد صفویه پلکان کاخ در راهروهای گوشه بنا واقع بوده است).

کاخ چهلستون قزوین تا چند سال پیش مقر فرمانداری آن شهر بود و خوشبختانه از چند سال پیش باینطرف موزه آثار هنری و تاریخی شهر قزوین در آنجا مستقر گردیده است.

عالی قاپوی قزوین

که اکنون سر در شهر بانی آنجا است سر در کاخهای سلطنتی دوران صفویه بوده کتیبه آن بنام شاه عباس کبیر و بخط ثلث شیوا اثر علیرضا عباسی با کاشی معرق حاشیه دیوار سر در را زینت می بخشد و میگویند شاه عباس کبیر باندازه ای در تشویق هنرمندان میکوشید که برای نوشتن کتیبه عالی قاپو شخصا شبها چراغ بدست میگرفت و علیرضا عباسی کتیبه را مینوشته است.

بنای سر در مشتمل بر دهلیز وسیع بسیار بلند با پوشش گنبدی بوده اطاقهای کوچک و پلکانها که لازمه چنین سر در رفیعی است در اطراف دهلیز قرار دارد و در حال حاضر اثر دیگری از کاخهای سلطنتی دوران صفوی پیرامون عالی قاپو دیده نمیشود.

عالی قاپو (اصفهان)

در ضلع غربی میدان نقش جهان یا میدان شاه اصفهان بنای بس مرتفع و زیبا مشتمل بر پنج اشکوب وجود دارد که مدخل اصلی باغها و کاخهای سلطنتی شهریاران صفویه بوده در کتب زمان شاه عباس بنام **درگاه دولتخانه** معرفی گردیده است.

بنای مزبور در آغاز مشتمل بر کاخ رفیع مربعی بود که قسمت پائینی آن شامل دهلیز بسیار بلندی با پوشش ضربی و تزئینات گچبری ظریف بسیار عالی در وسط است و چهار جانب آن دهانه‌های طاقما و راه ورود و خروج اطاقهای مختلف قرار داشت و در قسمت بالا بر فراز دهلیز مزبور تالار مرکزی بلندی با همان تزئینات ظریف گچبری واقع گشته و بر جوانب تالار اطاقهای کوچک و ایوانهایی مرتبط بیکدیگر ساخته بودند و بالا تر از آن تالار دیگری با تزئینات مخصوص گچی بشیوه بسیار عالی و هنرمندانه موسوم به **نقل دان**... آنرا نیز اطاقهایی با همان گونه تزئینات نقل دانی و مینیاتورهای ظریف ترتیب داده بودند.

راه بالا رفتن به اشکوبها و قسمتهای مختلف کاخ عالی قاپو بوسیله دو پلکان از دو جانب دهانه طاقنمای جنوبی طبقه زیرین بوده است که همانند پلکانهای مناره‌ها بصورت دایره اطراف ستون و محور مرکزی چرخیده بطبقات بالا میرسید و سقف و دیوارهای دو پلکان عالی مزبور از همان گونه گچبریهای ظریف سایر قسمتهای کاخ تزئین یافته بود.

در سال ۱۰۲۱ هجری که بفرمان شاه عباس طرح میدان نقش جهان ریخته شد جبهه شرقی کاخ عالی قاپو در کنار ضلع غربی میدان واقع میگردد و بدین مناسبت قسمت اضافی بر آن جبهه عالی قاپو افزودند و در طبقه زیرین این قسمت الحاقی چند دهانه از بازار گرداگرد میدان که از جلو عالی قاپو میگذشت با اطاقهای مربوط بمدخل کاخ احداث شد و در طبقه بالا ایوان پر شکوهی با ۱۸ ستون بلند چوبی و پوشش عالی هنری از نقاشیهای روی چوب در جلو تالار بزرگ آن طبقه افزودند و برای رسیدن بایوان بزرگ مزبور نیز اطاقهای دیگری با پلکانهای ساده ساختند که بوسیله آنها راحت تر و آسان تر بایوان میتوانستند رسید.

باغ و کاخ چهلستون (اصفهان)

در وسط باغ بزرگی از عهد صفویه بمساحت ۶۷ هزار متر مربع یکی از زیباترین و مجللترین کاخهای سلطنتی شهریاران صفوی در اصفهان واقع گردیده است که باغ و کاخ چهلستون نام دارد. کاخ چهلستون مشتمل بر تالار بسیار وسیعی است که بوسیله سه چشمه طاق ضربی بزرگ و بلند پوشیده گشته تمام آنها مزین به نقوش عالی و زیبایی تذهیب کاری است و چهار گوشه تالار از طرف خارج اطاقهای کوچک بوده ایوانهای مختلف در چهار جانب تالار وجود دارد و مدخل اصلی آن از طرف مشرق است که ایوان عظیم و گشاده کاخ با ۱۸ ستون بلند بر سطح قریب یکمتری از کف باغ ترتیب یافته و پس از آن ایوان دو ستونی مدخل اصلی (که از جانب دیگر پشت تالار بزرگ مرکزی سابق الذکر واقع میشود) نقاشی های اصیل و قدیمی زمان شاه عباس کبیر را از زیر قشر گچ و دوده ظاهر ساخته اند که از بهترین آثار هنری دوران آن شهریار محسوب میگردد.

طبق آنچه از اشعار کتیبه پیشانی ایوان بزرگ کاخ معلوم میشود شاه عباس ثانی در سال ۱۰۵۷ هجری ایوان بزرگ مزبور را بر جانب شرقی بنای اصلی کاخ که از آثار زمان شاه عباس کبیر است افزوده جلال و شکوه بیشتری بدان بخشیده است و بر اثر آتش سوزی که در سال ۱۱۱۸ هجری زمان سلطنت شاه سلطان حسین در آنجا اتفاق افتاد ایوانرا تجدید نموده اند و بدین قرار سقف بسیار وسیع ایوان که از بهترین شاهکارهای قاب بندی و تذهیب کاری عهد صفوی است نمونه ممتازی از هنر اصفهان در دوران سلطنت شاه سلطان حسین بشمار میرود.

در وسط ایوان بزرگ حوضی از مرمر ساخته روبروی آن هم در طول باغ حوض درازی احداث نموده اند و در انتهای دیگر حوض مزبور ایوانی با پوشش ضربی کنار باغ بنیاد کرده اند که صورت بس جالب و متناسبی دارد.

بر بالای هر یک از دیوارهای شرقی و غربی تالا کاخ چهلستون سه مجلس نقاشی بزرگ ترسیم کرده اند که موضوع آنها از اینقرار است:

جهت غربی (روبروی در ورودی به تالار) از شمال بجنوب:

۱- مجلس پذیرائی شاه عباس اول از ولی محمدخان اوزبک پادشاه ترکستان

در سال ۱۰۱۹ هجری که شاه عباس او را دوباره بسلطنت رسانید.

۲- صحنه جنگ شاه اسمعیل اول در چالدران با سلطان سلیم عثمانی مربوط سال ۹۲۰ هجری (این مجلس را در زمان نادر شاه افشار بر روی مجلس نقاشی دیگری که در دوران صفویه کشیده بودند ترسیم نموده اند).

۳- پذیرائی شاه طهماسب اول از محمد همایون شاه هندی پسر بابر در سال ۹۵۱ هجری که به کمک شاه طهماسب دوباره به سلطنت هندوستان رسید.
جبهه شرقی تالار از شمال بجنوب

۱- پذیرائی شاه عباس دوم از نادر محمد خان اوزبک پادشاه ترکستان در سال ۱۰۵۵ که شاه عباس دوم دوباره او را به پادشاهی رسانید.

۲- صحنه پیروزی نادر شاه در کرنال و فتح هندوستان در سال ۱۱۵۱ هجری که در زمان نادر شاه ترسیم و در زمان آقا محمد خان قاجار تجدید شده است.

۳- صحنه نبرد شاه عباس اول با ازبکان در سال ۱۰۰۶ هجری که نخستین پیروزی آن شهریار بر اوزبکان بود و شاه عباس اهمیت فراوان بدان میداد.

تصویر ناصرالدین شاه قاجار مورخ سال ۱۲۷۶ و عمل محمد حسن افشار بر روی پارچه ترسیم و بر دیوار غربی تالار الصاق گردیده است.

پائین تر از این مجلس نقاشی بزرگ تصاویر کوچکی مشتمل بر مینیاتورهای مختلف صحنه های بزم وجود دارد و همچنین در دو تالار طرفین ایوان بزرگ کاخ نیز از همین گونه مینیاتورها هست که تمامی آنها را در سال ۱۳۰۷ پس از بیرون آوردن از زیر گچ مجدداً نقاشی نموده اهمیت تاریخی و هنری آنها را بکلی از میان برده اند.

بر عکس مینیاتورهای ضایع شده مزبور در اطاقهای کوچک جنبین تالار و ایوانهای شمالی و جنوبی نقوش مختلف اصیل عهد صفویه وجود دارد که از زیر گچ و دوده و غیره بیرون آورده شده بدون تصرف و تعمیرات ناروا بحال خود محفوظ مانده است.

طرز پوشش ایوان بزرگ چهلستون نیز که با الوارها و تنه های بلند و قطور درختان چنار خرپاسازی شگفت آوری کرده اند نیز بنوبه خود شاهکار دیگری از دوران صفویه را مینمایاند.

بر آنچه گذشت ذکر این نکته را هم بمورد میداند که باغ چهلستون اصفهان تنها باغی از میان باغهای فراوان دوران صفوی در اصفهانست که با مختصر اختلاف

و نقصانی بمساحت و وسعت اصلی خود باقی مانده است و این قسمت را بایستی مرهون مراقبتها و جدیتهای متصدیان فرهنگ و باستان شناسی دانست.

سایر باغها و کاخهای سلطنتی تاریخی ایران

چون توصیف سایر کاخهای سلطنتی تاریخی و باغهای آنها حتی بطور مختصر باعث خواهد شد که بیش از حد مقرر دروس مورد نظر مطلب را بدادارازابکشدناچار در باره سایر اینگونه ابنیه بذکر نام و محل تاریخ و اشاره اجمالی به چگونگی هر کدام اکتفا مینماید:

تالار اشرف در اصفهان

از آثار شاه سلیمان (قرن ۱۱ هجری) مشتمل بر تالار بزرگ مرکزی و اطاقهای دو طرف مزین به مقرنس کاری گچی اعلا و نقوش طلا کاری ممتاز.

کاخ هشت بهشت در اصفهان

از آثار شاه سلیمان (قرن ۱۱ هجری) در وسط قسمت بسیار کوچک باقیمانده باغی بس وسیع گوشک ۸ ضلعی بسیار زیبایی با سه ایوان در سه ضلع و محوطه مرکزی دارای سقف مقرنس کاری مذهب و اطاقهای دو اشکوبه در قسمتهای دیگر بنا قرار دارد اطاقی مزین به تزئینات گچبری و طلا کاری از نوع نقل دانی در طبقه دوم زاویه شمال غربی موجود است. در دوران فتحعلیشاه که کاخ مزبور مورد علاقه فراوانش بوده روزگاری در آن گذرانیده است تغییرات و تصرفات زیادی در آن داده اند. کاخها و باغهای سلطنتی ساری و فرح آباد و بهشهر و صفی آباد و عباس آباد در مازندران

از دوران شاه عباس کبیر و جانشین او شاه صفی باغها و کاخهای سلطنتی متعدد در نقاط فوق باقی بود و تنها در بهشهر باغهایی بنامهای باغ چشمه عمارت - باغ زیتون - باغ تپه - باغ چهلستون - باغ صاحب الزمان - باغ شاه - باغ حرم - باغ خلوت - باغ شمال وجود داشته که عموماً ویران شده و اکنون قسمتهای کمی از کاخها و باغهای مختلف دوران صفوی باقی مانده که کاخ صفی آباد و چشمه عمارت و باغ شاه از جمله آنها است و تعمیرات فراوان هم در آنها نموده اند. شیوه کاخهای مزبور عموماً بسبک ابنیه زیبا و خوش طرح مازندران با معماری نواحی شمال ایران و سواحل دریای خزر بوده ایوانهایی در وسط با ستون داشته پوشش آنها مسطح با بامهای سوفالی بوده

است.

باغشاه فین (کاشان)

بمسافت ۶ کیلومتری جنوب غربی کاشان آنجا که چشمهٔ پر آب فین از دل زمین بیرون می‌آید باغی بزرگ از دوران صفویه (زمان شاه سلیمان)^۱ با حوضها و آب نماها و نهرها و شتر گلوها وجود دارد که در وسط آن بنای چهار ضلعی مشتمل بر حوضخانه و چهارشاه نشین دو طبقه از چهار سو گشاده و اطاقهای دو طبقه در زوایای بنا است و حوض مرکزی در وسط حوضخانه واقع بوده آب از کف آن بالا می‌آید و از اطراف بیرون میریزد.

صفه ای در زمان فتحعلیشاه نزدیک گوشهٔ جنوب غربی باغ ساخته اند که آن نیز حوض و شتر گلوی جداگانه دارد در جوانب باغ اطاقها و تالارها و ایوانهای دیگر از دوران زندیه و قاجاریه هست و حمام کوچک باغ که قتلگاه امیر کبیر (میرزا تقی خان) باشد نزدیک گوشهٔ جنوب شرقی باغست. در وسط ضلع شمالی باغ بنای موزه ملی کاشان به همت و هزینهٔ شخصیتهای روشن فکر و علاقمند کاشانی الاصل ساخته و پرداخته شده انجمن آثار ملی و شرکت ملی نفت نیز در این خدمت کمکهای نموده اند.

بیرون باغ در محل چشمه حوض و محل تقسیم آب در زمان شاه سلیمان ساخته شده بهمین مناسبت چشمه بزرگ فین را بنام چشمهٔ سلیمانی خوانده اند و چند سال پیش به همت و هزینهٔ آقای حاجی سید محمود لاجوردی (رئیس فعلی انجمنی که موزه ملی کاشانرا ساخته اند) تعمیر و احیا گردیده است.

کاخ خورشید (کلات نادری)

نادر شاه افشار در سالهای آخر سلطنت خود (۱۱۵۵ تا ۱۱۶۰ هجری) کاخ عظیمی بوضعی مخصوص در کلات ساخت که قسمت مرکزی آن بصورت برج بزرگ استوانه شکل و قسمت پائین بنا بطرح چهار ضلعی ساخته شده نمای بنا از سنگهای تراش بسیار بزرگ بوده است. طبقهٔ زیرین بنا برای احتیاجات مختلف کاخ از قبیل گرمابه و آشپزخانه و آبدارخانه و غیره و جایگاه سکونت مستخدمان اختصاص یافته طبقات دوم و سوم که در قسمت برج واقع شده است مسکن شاه و شاهزادگان و حرمسرا بود است.

۱- پیش از احداث باغ شاه کنونی شهریاران پیشین ایران هم مکرر در فین روزهای خوشی گذارنده آثاری در آنجا بنا نموده بودند که از میان رفته و باغشاه فعلی مربوط بدوران شاه سلیمان صفوی بیعد است.

ارتفاع اصلی بنا به ۲۵ متر بالغ میشد بر اثر زلزله سال ۱۲۹۹ هجری طبقه بالا شکاف برداشته بتدریج سنگهای نما و سقف آن ریخته است و ویرانی این کاخ عظیم تاکنون بوضعی روز افزون ادامه دارد. درون قسمتهای داخل برج مزین به گچبری و مینیاتور و نقاشیهای عالی بوده که بر اثر عوامل مختلف جز آثار مختصر چیزی از آنها نمانده است. نمای قسمت برج بصورت مضرس معروف به خیاری از تخته سنگهای تراش عظیم ترتیب یافته نمای سنگی طبقه زیرین هم مزین بنقوش برجسته گل و بوته و کارهای ظریف دیگر است و اجمالا کاخ خورشید اثر هنری و تاریخی شگرفی بشمار میرود که نیاز به تعمیر و توجه فراوان دارد.

ارگ کریمخانی و باغ و موزه پارس و باغ جهان نما (شیراز)

از مجموع باغها و کاخهای سلطنتی که شهریار عادل کریمخان زند در شیراز ساخته و پرداخته بود تنها سه قسمت باقیمانده است که آنها نیز در خور مراقبت و دلسوزی کامل میباشد.

ارگ کریمخانی

بصورت قلعه آجری ساخته شده بوسیله دیوار بلند و برجهای آجری از خارج محصور میگردد و در داخل آن حیاط بزرگ و حوض و درخت و باغچه بندی ترتیب داده بودند و اطراف حیاط اطاقها و تالار و گرمابه و آشپزخانه و سایر احتیاجات مختلف خاندان شاهی زند واقعست. بدنه های کاشیکاریهای عالی عهد زندیه مشتمل بر تصاویر گماشتگان حامل ظروف میوه و غذا با لباسهای همان دوران بر بالای جبهه داخلی مدخل ارگ نصب بوده بالای جبهه خارجی آن نیز نقش رستم و دیو سفید بوضعی جالب بر کاشی نقش و کار گذارده شده است.

از چندین سال پیش بنای تاریخی ارگ کریمخانی در اختیار شهربانی بوده بطور موقت برای محل زندان مورد استفاده قرار گرفته است و در نظر دارند بنای جدیدی مناسبی جهت زندان شیراز بسازند که بنای تاریخی ارگ از صورت کنونی بیرون بیاید.

باغ و عمارت موزه پارس

یکی از آثار سلطنتی دوران کریمخان زند باغ بزرگی بود که بنای هشت ضلعی بنام کلاه فرنگی در وسط آن ساخته و چهار حوض در چهار جانب بنا عمود بر آن احداث

نموده بودند.

بنای کلاه فرنگی مشتمل بر محوطه داخلی با پوشش گنبدی و چهار شاه نشین در چهار جانب و چهار اطاق در چهار زاویه بوده و سقف آن و درون بنا مزین به مقرنس کاری و نقاشی و گچبری زیبای عهد زندیه است.

کف عمارت نسبت به کف باغ بیش از یک متر بلندتر و با سنگهای ازاره متمایز است. در وسط محوطه داخلی حوض مرمری قرار دارد و آرامگاه کریمخان زند در شاه نشین شرقی آن بود که بفرمان آقامحمد خان قاجار از آنجا بیرون برده اند. در سال ۱۳۱۴ بنای مزبور تعمیر شده محل موزه پارس گردیده است.

باغ موزه پارس که بنام باغ نظر معروف بود بر اثر امتداد خیابان کریمخان زند و بعضی تصرفات ناروا از آنچه در ابتدا بود بسیار کوچکتر شده و احتیاج به توجه و مراقبت کافی دارد که لااقل از وسعت کنونی آن کاسته نشود و درختان موجود و وضع فعلی آن محفوظ بماند.

باغ جهان نما

باغ دیگری از آثار کریمخان زند بنام باغ جهان نما در کنار خیابان دروازه قرآن هست که دیوار آجری بانماسازی ساده آنرا محصور میکند و داخل آن بنائی شبیه کلاه فرنگی موزه پارس لکن بصورتی ساده قرار دارد و چهار حوض مانند وضع قدیم باغ نظر هم در آن هست و اجمالا باغ و بنای مزبور بوضعی متروک افتاده است.

باغها و کاخهای سلطنتی تاریخی دوران قاجاریه

در عهد قاجاریه معماری ایران مرحله جالب توجهی را طی نموده است بدین معنی که در آغاز آن دوره معماری ایران همان معماری عهد زندیه بود که آن نیز بنوبه خود دنباله معماری دوران صفویه و دوره های پیشتر بوده است و بتدریج که ارتباط ایران با دنیای مغرب زمین گسترش یافت از طرفی عوامل معماری ایرانی با روشن بینی و توجه بیشتری در ساختمانهای مهم و از جمله کاخهای سلطنتی بکار رفت و از سوی دیگر معماری جدید مغرب زمین با معماری ایران آمیخته شد و ابنیه ای بوجود آمد که حائز هر دو قسمت بود و از این آمیختگی آثار هنری دلپسندی بوجود آمد که هم با مقتضیات اقلیمی ایران مطابقت داشت و هم رفاه و آسایش در خور زندگی جدید را حائز بود.

برای توضیح مطلب بطور ساده میتوان ایوان تخت مرمر تهران و کاخ

صاحبقرانیه در نیاوران شمیران و تالار عاج و عمارت بادگیر در کاخ گلستان را مثال آورد.

عمارت تخت مرمر که اساس اولیه آن بوسیله کریمخان زند طرح ریزی شد در زمان آقامحمد خان قاجار و فتحعلیشاه تکمیل گردیده بدون اینکه کمترین اختلافی از نظر شیوه معماری با کاخهای وکیل در شیراز داشته باشد.

کاخ صاحبقرانیه

از نظر طرح تالار بزرگ آن (تالار جهان نما) عینا همانند داخل کلاه فرنگی شیراز است یعنی تالاری با محوطه مرکزی و چهار شاه نشین بزرگ منتها آنرا بصورتی بزرگتر و مجللتر و با آئینه کاری و تزئینات عالی دیگر ساخته اند و در عوض پوشش ضربی گنبدی عهد زندیه سقف آنرا بوسیله شیروانی که در زمان ناصرالدینشاه معمول و عملی تر بوده است پوشانیده اند. طبقه زیرین تالار مشتمل بر حوضخانه بزرگی بهمان طرح و نقشه است که برای کاخ ییلاقی بسیار تناسب دارد و قسمتهای دیگر کاخ مشتمل بر اطاقها و راهروها و تالارهای سبک مغرب زمین و طبق احتیاجات کاخ سلطنتی دوران ناصرالدینشاه قاجار است.

تالار عاج

در ضلع جنوبی باغ گلستان مشتمل بر تالار بزرگی است که جبهه اصلی آن رو بباغ قرار دارد و دو جانب آن پلکان و کفش کن و دهلیز ترتیب داده اند و طبقه پائین آن هم زیرزمین است و این نقشه با اساس معماری دوران زندیه اختلاف زیادی ندارد جز آنکه زیرزمین مناسب با اقلیم تهران در طبقه پائین منظور گشته بطرح معماری زندیه در شیراز افزوده شده است.

عمارت بادگیر

مشتمل بر زیرزمین وسیع و گودی بوده تالار بزرگ اصلی کاخ بر روی آن ساخته شده مزین به آئینه کاری و نقاشی عالی است و دو طرف تالار دهلیز و پلکانهای مرمری و درهای منبت زیبا و اطاقهای فرعی کاخ قرار دارد و بادگیرهای کاشیکاری با قبه های گوی زرین در گوشه های کاخ افراشته شده برای تهویه طبقه زیرزمینی کاخ بکار میرفته است.

یک نظر اجمالی به کاخهای دیگر سلطنتی دوران قاجاریه بخوبی نظریات بالا

را تأیید مینماید که چگونه عوامل معماری ازو پائی خصوصا معماری شیوه اسپانیا (که اساس قدیم آنهم در روزگاران پیشین از مشرق زمین خصوصا ایران و کشورهای غربی افریقای شمالی اقتباس گشته بود) آمیخته شده ابنیه بسیار جالب و دل انگیزی بوجود آورده است. با ذکر توضیحات بالا اکنون کاخها و باغهای سلطنتی دوران قاجاریه را که در ردیف آثار تاریخی ایران بشمار میرود فهرست وار معرفی مینماید:

نام محل	توضیح
تخت مرمر تهران	شیوه کامل عهد زندیه توام با نقوش و تزئینات زیاد.
باغ و کاخ سلیمانیه	بنای دو طبقه و تالار گشاده از دو جبهه با دهلیز و پلکان و
کرج (محل) کنونی دانشکده	مزمین به گچبریهای عالی و نقوش بی نظیر از آغاز عهد قاجاریه.
کشاورزی)	
استخر شاه (شاه گلی)	بنای هشت گوش مشتمل بر محوطه مرکزی و چهار شاه نشین
بیرون شهر تبریز	بزرگ شیوه عهد زندیه که جزیره مصنوعی وسط استخر بزرگ
حوضخانه	آب ساخته اند از آثار دوران فتحعلیشاه.
باغ قدیم نگارستان در	بنای هشت گوش با شاه نشینهای شیوه عهد زندیه از بقایانی
تهران	آنچه در باغ نگارستان در عهد فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار
عمارت موزه	ساخته بودند مزمین به گچبریهای عالی که فعلا محل موزه هنرهای
سلطنتی و ابنیه متصل	ملی در وزارت فرهنگ و هنر بوده و فاجعه خفه کردن میرزا
	ابوالقاسم قائم مقام در آنجا رخ داده است.
	تالار وسیع به شیوه معماری ایرانی با پوشش ضربی چشمه
	طاقها و تالارها و طبقه زیرین بسبک کاملا ایرانی و سرسرا

- و پلکان مجلل آئینه کاری بطور کلی شیوه آمیخته مطلوبی از معماری ایرانی و اروپائی.
- شمالی باغ گلستان
- تالار و طبقه زیرین و دهلیز و راهرو و تزئینات نقاشی و گچبریها تماما شیوه ایرانی بسیار نزدیک بسبک آثار زندیه.
- تالار عاج در جبهه جنوبی باغ گلستان
- حوضخانه و تالار مرکزی بزرگ آئینه کاری بسبک کاملاً ایرانی و اطاقها و پلکانها و راهروها در طرفین بشیوه اروپائی معماری آمیخته بصورت دلپسند.
- باغ و کاخ صاحبقرانیه در نیاوران شمیران
- طبقه زیرین بصورت حوضخانه و تالار بزرگ اصلی متصل به برج چند اشکوبه که در هر طبقه بنوعی تزئینات ایرانی بکار رفته است. نماهای کاشیکاری، پلکانهای مرمری، شیوه معماری آمیخته بسیار دلپسند ایرانی و اروپائی که در یک گوشه ییلاقی بکار رفته است.
- عمارت خوابگاه در سلطنت آباد شمیران
- بنای بلند پنج طبقه که از لحاظ معماری شیوه روشنی ندارد بوضع درهم و برهمی از معماری ایرانی و اروپائی درآمد جلب توجه چندانی نمینماید. از نظر نمای خارجی مشتمل بر نمونه های زیبای کاشیکاری است و در داخل آئینه کاریها و گچبریهای عالی دارد.
- کاخ شمس العماره در کنار باغ گلستان
- کاخی بشیوه معماری تقریباً اروپائی با سرسرا و پلکانها بزرگ مرمری که ازاره های داخلی آن از کاشی بوده تالار بزرگ آن مزین به تابلوهای تصاویر شهریاران قاجار و فرمانروایان همسایه ایران معاصر ناصرالدینشاه است.
- کاخ ابیض در کنار باغ گلستان تهران

آثار و ابنیه اسلامی قسمتهائی از استان مرکزی شامل تهران، شهرری، قم، ساوه، کاشان و گلپایگان^۱

شامل مساجد، زیارتگاه‌ها، اماکن متبرکه، کاخها، باغهای سلطنتی، آرامگاهها،
مصلی‌ها، تکیه‌ها، تیمچه‌ها، حمامها و مناره‌ها

در این جلسات درس کوشش میشود آثار و ابنیه اسلامی قسمتهائی از استان
مرکزی که شامل طهران و شهرری و قم و ساوه و کاشان و گلپایگان باشد تا حد مناسب
معرفی و توضیح گردد.

اینگونه ابنیه و آثار بطور کلی شامل مساجد، مشاهد مشرفه و زیارتگاهها،
مدارس قدیمی و علوم دینی، آرامگاههای بزرگان و خانقاه‌ها، مصلی‌ها و تکیه‌ها،
کلیساها، باغها و کاخهای سلطنتی، ابنیه عام‌المنفعه (بازارها، تیمچه‌ها و
کاروانسراها، میدانها، حمامها، پلها، دروازه‌ها) و بالاخره مناره‌ها میگردد که درباره
هر دسته آنها جداگانه توضیحاتی مذکور خواهد شد.

۱- مساجد

مقدمه بمورد است اشاره باین موضوع بنماید که پس از گرویدن مردم ایران به
آئین اسلام طبعاً ایجاد عبادتگاههای اسلامی برای انجام وظایف دینی ضرورت پیدا
کرد. نخستین مساجدی که در ایران بوجود آمد مشتمل بر محوطه وسیع و روبازی بود که
گرداگرد آن دیواری میساختند و در چهار جانب، ستونها و پایه‌های متعدد احداث
مینمودند و بالای آنها سقفهای آجری یا چوبی ترتیب میدادند و بدین ترتیب اطراف صحن

۱- این مقاله سلسله درسهای است که مؤلف در سال ۱۳۴۸ در دوره آموزش راهنمایی جهانگردان
استان تهران ایراد میکرده.

مسجد شبستانهایی ایجاد میشد. این چنین مساجد در طرف قبله دارای ردیفهای ستون بیشتری بود و شبستان آنطرف صورت چهلستون را پیدا میکرد و سه طرف دیگر گاه تنها یک ردیف ستون و گاه بیش از یک ردیف ستون داشت و اجمالا شبستان جانب قبله مسجد ردیفهای زیادتر ستون دربرداشته طبعا فضای بیشتری را اشغال مینمود و محراب و منبر نیز در وسط همین شبستان جانب قبله قرار داشت.

تا آنجا که اطلاع داریم نمونه‌های اینگونه مساجد قدیمی ایران که هنوز به نقشه و طرح اولیه و اصلی خود پایدار و باقی مانده باشد در شهرستانهای فوق‌الذکر سراغ نمیرود بنابراین به ذکر مساجدی می‌پردازیم که دارای گنبد و ایوان بوده از قرن پنجم هجری بعد متداول شده است.

گنبد و ایوان دو عامل بسیار مشخص معماری ایران در دوره ساسانی است که پس از رواج آئین مقدس اسلام در ایران مورد توجه معماران و سازندگان ابنیه مختلف قرار گرفته و نه تنها در مساجد بلکه در تمام ابنیه مذهبی ادوار اسلامی ایران رایج گردید. برای اینکه آسانتر بدین مطلب پی برده شود بهتر خواهد بود ابنیه مهم دوران ساسانی را که فعلا موجود و باقی مانده است با مساجد و آثار اسلامی دیگر ایران مقایسه نماییم.

تالارهای اصلی و مرکزی کاخ عظیم اردشیر بابکان در فیروزآباد و کاخ ساسانی سروستان مشتمل بر گنبدهای سترک است که بر فراز دیوارهای ابنیه چهارگوش استوار نموده‌اند و مختصر توجه بگوشه‌های بالای دیوارهای تالارهای مزبور نشان میدهد که معماران سازنده این ابنیه چگونه با احداث طاقهای کوچک مورب در آن گوشه‌ها ترتیب مقدمات پوشش گنبدی را بر روی بناهای چهارضلعی فراهم کرده گنبدهای بزرگ نیم کروی یا شلجمی را در ابنیه معظم مورد ذکر برافراشته‌اند.

چنانکه گنبدهای متعدد بس استوار و متناسب عهد سلجوقی (قرون ۶و۵ هجری) را در مساجد جمعه شهرهای تاریخی اصفهان و قزوین و گلپایگان و بروجرد و قم و اردستان و زواره در نظر آوریم در مییابیم که نکته فنی سابق‌الذکر نسبت باحداث گنبد مدور بر فراز بنای چهارضلعی در مساجد نامبرده بصورتی بسیار دقیقتر و عالیتراز آنچه در دوران ساسانی انجام میگرفته است با رعایت نکات هندسی بوضع بسیار شیوا

عملی گشته است.^۱

بنابراین مشاهده میکنیم که پس از رواج دین حنیف اسلام در ایران مردم مسلمان این سرزمین پرستش خدای یکتا و انجام آئین اسلام را در زیر گنبدها و درون بناهایی انجام میدادند که بر سبک معماری ایران و همانند ساختمانهای عهد ساسانی بنیادگذاری شده بود و ذوق و قریحه و نیروی هنری استادان ایرانی عوامل معماری نیاکانی خود را بوضعی عالی و زیبا و متناسبترو کاملتر در این ابنیه بکار بسته است.

اثر معماری بسیار مهم دیگری از معماری عهد ساسانی ایران که در ساختمان ابنیه مختلف اسلامی اقتباس نموده اند احداث ایوان در وسط هر یک از جبهه های حیاط بزرگ یا صحن اینگونه ابنیه است.

همانطور که میدانیم در مساجد و بقاع متبرک، مدارس قدیمی و دینی و کاخهای سلطنتی و کاروانسراها عموماً ایوان بزرگی در وسط هر ضلع خارجی بنا به چشم میخورد و بخوبی میتوان پنداشت همانگونه که گنبدهای مساجد عهد سلجوقی را به شیوه گنبدهای کاخهای فیروزآباد و سروستان و ابنیه دیگری از این قبیل ساخته اند و در آنها نکات هندسی و معماری را بصورت بس دقیق و بمراتب بهتر از آنچه در عهد ساسانیان انجام میگرفته است بکار می بسته اند ایوانهای مساجد و ابنیه اسلامی دیگر را هم از روی ایوان بزرگ عهد ساسانی که بزرگترین و نمایانترین نمونه آن در طاق کسری یا ایوان مدائن مشهود است اقتباس نموده اند.

بطوریکه میدانیم جبهه های چهار طرف صحن مساجد بزرگ و آستانه های متبرک و مدارس قدیمی و کاروانسراهای ایران بطور کلی مشتمل بر ایوان بلند و بزرگی در وسط و طاقنماهای کوچک در دو جانب آنست و در مساجد قدیمتر یا مساجدی که انجام چنین ترتیبی در چهار جانب صحن آن بواسطه محدود بودن فضای مسجد میسر نبوده یا بهر علت دیگری در هر یک از چهار ضلع صحن ایوان بلندی ساخته نشده باشد لااقل یک طرف صحن و عموماً طرف قبله آن چنین ایوانی بنا گشته است و مساجدی

۱- گنبدهای معدودی هم که از دورانهای آل بویه و غزنوی باقی مانده و نمونه های آنرا میتوان بنای مسجد جامع قروه (که بین تاجیکستان و زنجان واقع بوده تاریخ قدیمتر آن ۴۱۳ هجری است) و مقبره ارسلان جاذب در سنگ بست خراسان دانست، همین وضع را از آن زمان نشان میدهد.

هم وجود دارد که ایوان منحصری در طرف قبله آن ساخته اند و غیر از ایوان مزبور چیز دیگری اعم از گنبد یا شبستان ندارد.

در مساجد عهد سلجوقی که دارای گنبدهای آن عهد است نیز عموماً ایوان بلندی متصل به گنبد ساخته اند و گنبد و ایوان مزبور در وسط طرف قبله مسجد قرار دارد و غالباً در هر یک از سه طرف دیگر صحن مسجد هم ایوان بلندی در وسط ساخته صحن مسجد را بصورت بسیار معروف و متداول چهار ایوانی درآورده اند.

مسجد چهار ایوانی که بشرح بالا مانند ساختمان گنبدها در عهد سلجوقی یعنی قرن پنجم و ششم هجری معمول شد اساس کلی طرح مساجد ایران در زمانهای بعد گردید و مختصر توجهی بمساجد ایران از قرن پنجم هجری تا زمان حاضر نشان میدهد که شیوه و سبک مسجد چهار ایوانی چگونه در دورانهای مختلف معمول و متداول بوده است و کمتر مسجد مهمی در طول قرون متمادی سراغ میرود که صحن آن دارای طرح چهار ایوانی نباشد.

مدارس قدیمی هم که طی قرون متمادی دوران اسلام در سراسر ایران ساخته شده است عموماً از نظر ترکیب نماسازی صحن همانند مساجد مشتمل بر ایوان بزرگی در وسط هر جبهه است که بفراخور وضع محل و کیفیت ساختمانی هر مدرسه ترتیب میداده اند و جوانب صحن برای احداث اطاق و غرفه های محل سکونت دانشجویان علوم دینی (طلاب) مورد استفاده قرار میگرفت.

چنانکه مدرسه دینی برای مسجد هم مورد نظر بوده است در پشت ایوان سمت قبله آن گنبدی میساخته اند و شبستان یا چهل ستونی هم در فضای مناسب دیگر مدرسه احداث میکرده اند و نمونه بارزتر اینگونه مدارس، مدرسه عالی سپهسالار در تهران و مدرسه چهارباغ در اصفهان را میتوان نام برد.

با ذکر این مقدمه اکنون بمورد میداند بذکر مساجد تاریخی و مدارس قدیمی و مهم شهرهای فوق تا حدی که درخور و مناسب این سلسله دروس باشد پردازد:

مساجد مهمتر شهر تهران

۱- مسجد جمعه یا مسجد جامعه در محله بازار

به شهادت کتیبه های موجود در زیارتگاههای داخل شهر تهران قدیم قسمت اصلی و قدیمی پایتخت از قرن نهم هجری رو به آبادی و رونق میرفته است و بدین

لحاظ تردیدی نمیتوان داشت که مسجد جامع تهران هم لااقل در قرن نهم هجری موجود و دائر بوده است لکن آنچه در حال حاضر دیده میشود اثری قدیمتر از قرن سیزدهم هجری در مسجد مزبور بنظر نمیرسد و امری طبیعی است که پس از برگزیده شدن تهران به پایتختی بنای مسجد جامعه تهران تجدید و توسعه یافته باشد.

اکنون مسجد نامبرده مشتمل بر صحن بزرگی است که درازای آن شرقی و غربی بوده دو ایوان عظیم از عهد قاجاریه (قرن سیزدهم هجری) و شبستانهایی از همان زمان در عقب ایوانها در ضلع جنوبی دارد و در جانب شمال آن شبستان سراسری زیرزمینی و مهتابی بر فراز شبستان مزبور احداث نموده اند. ورودیه اصلی مسجد در سمت مغرب از بازار شمالی چارسوق بزرگ قرار دارد و در هر یک از گوشه های شمال شرقی و جنوب شرقی در فرعی وسیله ارتباط آنها با کوچه ها و بازارهای حول و حوش مسجد فراهم میسازد.

در ضلع شرقی مسجد هم شبستان دیگر و ابنیه تابعه و ضروریات مسجد واقع گردیده است.

۲- مسجد سید عزیزالله در محله بازار

این مسجد در زمان فتحعلیشاه قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم هجری) ساخته شده دارای گنبد و صحن سه ایوانی است و ضلع شمالی آن سابقا شامل شبستان زیرزمینی سراسری بوده که بالای آن نیز ایوان روباز یکسره ترتیب داده بودند و در سالهای اخیر شبستان نوسازی در آنجا احداث نموده کیفیت تاریخی آنها بکلی از میان برده اند.

از نظر طرح و هیئت گنبد دو پوشی و کاشیکاریهای داخل ایوانها و رعایت تناسب ابعاد ساختمانی بنای قابل توجهی بشمار میرود.

در ورودی اصل آن از بازار بین چارسوق کوچک و چهارسوق بزرگ است و در فرعی هم از جانب مغرب دارد.

۳- مسجد شاه در محله بازار^۱

مسجد بسیار وسیع که همانند چند مسجد شاه دیگر در سمنان و قزوین و بروجرد در زمان فتحعلی شاه قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم هجری) ساخته شده است دارای

۱- حتماً خوانندگان محترم توجه دارند که تاریخ تدریس و نگارش این مقاله قبل از انقلاب ایران میباشد.

صحن بزرگ بوده شبستان عظیمی با پوشش گنبدی در جانب قبله و ایوان بلندی در وسط هریک از چهار جبهه صحن دارد. از نظر نکات معماری مانند سایر ابنیه فتحعلیشاهی شیوه ساختمانهای دوران کریمخان زند در آن بکار رفته است چنانکه درب ورود بزرگ و اصلی آن در سمت شمال قرار دارد که جلوخانی در مقابل آن احداث کرده اند و بوسیله دهلیز وسیعی از دو طرف ایوان شمالی به صحن مسجد میرسد و این ترتیب کاملاً همانند مسجد وکیل شیراز است. در هریک از دو جانب مشرق و مغرب آن نیز در ورودی دیگری با جلوخان و دهلیز تعبیه نموده اند که هریک از دو دهلیز اخیر هم از دو سوی ایوانهای شرقی و غربی به صحن ارتباط مییابد.

کاشیکاریهای خشتی و تزئینات آجر و کاشی از نوع معروف به معقلی در نماسازی داخل ایوانها بکار رفته است و رویهمرفته اثر تاریخی و هنری مهمی بشمار نمیرود.

از چند سال پیش بدینطرف بر اثر نقاشی رنگ و روغن زیر گنبد مسجد که از نقش کاشیکاری بی بدل زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله تقلید نموده اند و کاشیکاریهای معرق ظریف جبهه خارجی ضلع جنوبی صحن که با طرح اصلی نماسازی آن تفاوت فاحش دارد تغییراتی خلاف اصول تعمیر چنین ابنیه در مسجد شاه تهران بوجود آمده است.

۴- مسجد شیخ عبدالحسین و مدرسه ای بهمین نام در محله بازار

مسجد خوش طرح از آثار قرن سیزدهم هجری مشتمل بر مقصوره و گنبدی در ضلع جنوبی طاق نماهای متناسب کوچک در جوانب دیگر و شبستانی در ضلع شرقی مزین به معقلی های کاشی و آجر. این مسجد پس از کشته شدن امیرکبیر (میرزا تقی خان فراهانی) از محل ثلث ماترک او بوسیله مرحوم شیخ عبدالحسین تهرانی ملقب به شیخ العراقین ساخته شده بهمین مناسبت بنام مسجد شیخ عبدالحسین موسوم گردیده است و چون محل انجام مراسم تعزیه داری بازرگانان آذربایجانی مقیم تهرانت آنرا بنام مسجد ترکها یا مسجد آذربایجانیها نیز میخوانند.

در جانب غربی مسجد شیخ عبدالحسین مدرسه قدیمی علوم دینی با وسعت نسبتاً زیاد بهمین نام موجود است که صحن آن بشیوه چهار ایوانی ترتیب یافته اطاقها و غرفه های محل سکونت طلاب را در اطراف صحن ترتیب داده اند.

در مثبت بسیار عالی و ممتاز و کاشیکاریهای خشتی هفت رنگ خوش طرح و زیبای سردر مدرسه شیخ عبدالحسین از آثار هنری قابل توجه قرن سیزدهم هجری بشمار میرود.

مدرسه مروی در محله مروی

مدرسه وسیع از زمان فتحعلیشاه قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم هجری) مشتمل بر صحن که در وسط ضلع شمالی آن ایوان خوش طرحی ترتیب داده اند و پشت ایوان اطاق بزرگی است که مدرس (محل انعقاد جلسات درس و مباحثه) مدرسه در آنجا قرار دارد. در وسط هریک از اضلاع شرقی و غربی مدرسه اطاق بزرگی جایگزین ایوان شده است که از آنها نیز برای اجتماعات و مدرس استفاده مینمایند. ورودیه مدرسه از ضلع جنوبی است و وضع سردر قدیمی آنرا ضمن تعمیرات و تصرفات ناروای تازه تغییر داده اند. در قسمتهای دیگر چهار جانب صحن حجره ها و غرفه های محل سکونت طلاب را ترتیب داده اند.

مدرسه سپهسالار قدیم در محله حیاط شاهی

دارای جلوخان و سردر و دو مناره که در ضلع غربی انتهای جنوبی کوچه حیاط شاهی واقع و از سمت مغرب متصل و پیوسته به مدرسه مروی است صحن وسیع مشجری دارد که در ضلع جنوبی آن شبستان طولانی شرقی غربی با ستونهای سنگی بلند استوار بوده از نظر معماری شایسته توجه و اثر قابل ملاحظه ای از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بشمار میرود.

مساجد و مدارس قدیمی تاریخی قم

مسجد جامع

مسجد خوش طرح نسبتاً پاکیزه ای که گنبد آن مربوط بعهد سلجوقی (قرن ششم هجری) است و تعمیرات و تزئینات کاشیکاری مناسبی از دوران صفویه (قرن یازدهم هجری) در آن صورت داده اند و خوشبختانه بر اثر توجه و روشن بینی آقایان روحانیون و متصدیان وضع رضایت بخشی دارد.

مدرسه فیضیه

مدرسه وسیعی از دوران شاه طهماسب اول صفوی (قرن دهم هجری) واقع در شمال صحن عتیق آستانه حضرت معصومه (ع)، مهمترین قسمت دیدنی آن سر در اصلی مدرسه است که در ضلع جنوبی صحن بین صحن عتیق سابق الذکر و مدرسه نامبرده قرار دارد.

از مدرسه فیضیه راهی بجانب شمال به مدرسه دیگری بنام مدرسه دارالشفا میرود که آنهم از عهد صفویه و مربوط به قرن یازدهم هجری است و بعلمت موقعیت زمین آن که در کناره شرقی رودخانه قم قرار گرفته است بر اثر وضع بستر رودخانه نسبت به محور مدرسه فیضیه و امتداد قبله انحراف کامل دارد.

مساجد تاریخی و مدارس قدیمی دیگر شهر قم چون از نظر جهانگردی طرف بازدید و توجه واقع نیست بذکر آن در این مورد نمی پردازد.

مساجد تاریخی ساوه

مسجد میدان

واقع در کنار میدان انتهای جنوبی بازار، مشتمل بر شبستان گنبدی از دوران شاه اسمعیل اول (نیمه اول قرن دهم هجری) و صحن سه ایوانی که ایوان شمالی آن در محور درب ورودی مسجد قرار گرفته است. گچ بریهای داخل شبستان گنبدی خصوصاً محراب آن که از گچ بریهای معرق مشتمل بر کتیبه و طرحهای گل و بوته و غیره ترکیب یافته است در ردیف هنرهای ظریف و ممتاز و کم نظیر بشمار میرود.

در کنار محوطه جنوبی مسجد و مجاور شبستان گنبدی سابق الذکر گنبد قدیمی با مقرنس کاری و قطار بندی جالب توجهی وجود دارد که بتازگی آنرا تعمیر نموده برای کتابخانه مسجد تخصیص داده اند.

قسمت پائین مناره آجری از عهد سلجوقی که قدیمترین تاریخ مورد اطلاع در باره مناره های ایران (۴۵۳ هجری) بر آن مرقوم است بر فراز پایه متصل به شبستان مسجد میدان پایدار و پدیدار میباشد.

مسجد جامع

در اراضی جنوبی شهر کنونی ساوه که محل قسمتی از ویرانه های باستانی

شهر پیشین است بنای مسجد جامع قرار دارد. مشتمل بر صحن با ایوان و گنبد بزرگی در قسمت جنوب و ایوان بزرگتری در جانب مغرب آنست. از وضع بنا و بررسی قسمتهای مختلف آن بخوبی معلوم میگردد که پس از ویرانی بنای اصلی و قدیمی مسجد در دورانهای مغول و تیموری یعنی قرون هشتم و نهم هجری مجدداً مسجد را ساخته قسمتهائی از آنرا تجدید نموده و قسمتهای دیگر را بصورتی دیگر درآورده اند و محرابهای گچ بری قدیمی در شبستان متصل به گنبد و در قسمت شرقی مسجد از زیراندود تازه گچ یا از دل خاک بیرون آمده پدیدار گشته است.

گنبد اصلی و ایوان جلوی آن در ضلع جنوبی مسجد از آثار برجسته زمان شاه اسمعیل اول است و هنر گچکاری معرق در محراب و بدنه های داخل گنبد مزبور مهمترین و عالیتترین اثر هنری این بنای تاریخی بشمار میرود.

مناره آجری بزرگ و تنومند مزین به انواع نما سازی آجرکاری و کتیبه کوفی بنام محمد بن ملک شاه سلجوقی و مورخ بسال ۵۰۴ هجری در کنار مسجد مزبور قرار دارد و تنها نشانه اصیل و موجود بنای عهد سلجوقی مسجد بشمار میرود.

سایر مساجد و مدارس ساوه از نظر بازدید جهانگردان عجالة مورد علاقه و توجه نیست و بهمین مناسبت به صحبت خود در باره اینگونه ابنیه ساوه پایان می بخشد.

مساجد و مدارس تاریخی کاشان

مسجد جامع

بنای اولیه مسجد جامع کاشان از دوران سلجوقی — قرون پنجم و ششم هجری — بوده و محراب گچ بری از آن زمان هنوز باقیست. بر اثر زلزله و خرابیهای وارده بآن در اواخر قرن دوازدهم و اواخر قرن سیزدهم هجری تعمیرات فراوانی در آن بعمل آورده اند ولی هیئت اصلی گنبد و ایوان بزرگ آن نسبتاً محفوظ مانده است جنبه هنری و اهمیت معماری زیادی ندارد و مهم ترین اثر تاریخی آن بقایای محراب گچ بری باستانی است که در کنار شبستان بسیار قدیمی مسجد بر دیوار خشتی باقی مانده است. مناره متصل به مسجد که وسط آن خشتی و روکاری آن از آجر ساخته شده و در سالهای اخیر تعمیر گردیده است. کتیبه کوفی آجری مورخ بسال ۴۶۶ هجری دارد که میرساند مسجد جامع نیز لا اقل در آن تاریخ دائر و آباد بوده است.

مسجد میدان — مسجد میرعمادی

مسجدی از قرن نهم هجری که کتیبه گچبری سر در آن میرساند در زمان سلطان جهانشاه قراقوینلو از طرف امیر عمادالدین محمود شیروانی ساخته شده و تاریخ بنای آن سال ۸۶۸ هجری مرقوم گردیده است.

منبر کاشیکاری ممتاز و عالی در داخل شبستان مسجد وجود دارد که کتیبه آن بنام سلطان ابوسعید گورکان از شاهان تیموری است و با توجه به اینکه دوران سلطنت ابوسعید گورکان از ۸۶۳ تا ۸۷۳ هجری است معلوم می‌گردد مقارن سلطنت سلطان جهانشاه قراقوینلو سلطان ابوسعید گورکان هم در کاشان سلطه یافته منبر کاشی نفیس و ممتاز مسجد میدان بنام وی ترتیب یافته است.

به مناسبت نام بانی مسجد — امیر عمادالدین — مسجد میدان را بنام مسجد میرعمادی هم میخوانند.

مسجد آقا

مسجد بسیار معظم مشتمل بر گنبد بلند و عظیم که از هر طرف بازو گشاده بوده از نظر معماری وضع ممتاز و مخصوصی دارد — چنانکه محراب مسجد در طاقنمای زاویه جنوب غربی واقع و قبله آن مورب ترتیب داده شده بدینوسیله امتیاز خاصی یافته است.

بنای مسجد در دوران محمد شاه قاجار انجام گرفته تاریخهای مذکور در کتیبه از ۱۲۶۰ هجری بعد و بعضی کتیبه‌ها مورخ به سالهای اول سلطنت ناصرالدین شاه است و رو بهمرفته بنای مسجد مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم هجری (نیمه اول قرن نوزدهم میلادی) می‌گردد.

علاوه بر امتیاز مخصوص مسجد نامبرده از لحاظ معماری تزئینات کاشیکاری و مقرنسهای گچی و درب وردیه مسجد و صحن دو طبقه آن نیز شایسته دقت و توجه است.

مسجد وزیر (یا مسجد مقیم)

مسجد نسبة کوچکی از دوران صفویه — قرن ۱۱ هجری — واقع در محله دروازه اصفهان شهر کاشان که در زمان شاه عباس ثانی بوسیله میرزا مقیم وزیر او ساخته شده دارای صحن چهار ایوانی و سردر کاشیکاری جالب توجه است.

کتیبه گچبری سردر مسجد مورخ بسال ۱۰۵۵ هجری بنام شاه عباس دوم بوده

اشاره بساختمان مسجد و برکه آب (آب انبار) مجاور آن بفرمان شهریار نامبرده مینماید. بر روی سنگ مرمر ازاره محراب مسجد تاریخ ۱۰۵۶ هجری مرقوم رفته است.

مدرسه سلطانی

مدرسه خوش طرح و زیبائی از آثار فتحعلیشاه قاجار مشتمل بر صحن وسیع مشجر که بصورت چهار ایوانی ترکیب یافته است. گنبد بزرگ و ایوان اصلی آن در جانب قبله و بر روی سردر ورودی مدرسه قرار دارد. ایوانهای شرقی و غربی را با احداث دیوار مناسبی در جلو هر کدام بصورت اطاق بزرگی در آورده برای کتابخانه و مدرس از آنها استفاده مینمایند.

حوض طولانی در طول صحن مدرسه از نزدیک مدخل مدرسه تا جلوی ایوان بزرگ اصلی جانب قبله احداث نموده اند و حوض دیگری از جهت عرض مدرسه وسط حوض طولانی مزبور را قطع میکند که دو سر آن به جلوی اطاقهای کتابخانه و مدرس سابق الذکر میگردد.

مساجد تاریخی گلپایگان

مسجد جامع شهر گلپایگان یکی از بهترین و ممتازترین نمونه های موجود گنبد های عهد سلجوقی بشمار میرود که مشتمل بر بنای اصلی گنبد از آثار زمان سلطان محمد (فرزند ملکشاه) سلجوقی (۴۹۸ تا ۵۱۱ هجری) و صحن و شبستانهای جوانب شرقی و غربی از آثار زمان فتحعلیشاه قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم هجری) و شبستان نوساز نامتناسب در ضلع شمالی است.

اهمیت خاص این مسجد بواسطه وجود گنبد آجری اصیل عهد سلجوقی آنست که خوشبختانه به هیئت اولیه باقی مانده و الحاقات و تزئیناتی از دورانهای مختلف در آن صورت نگرفته است که باعث تغییر منظر و مغشوش گشتن وضع معماری اصلی آن بشود.

کتیبه های کوفی آجری در حاشیه های محراب و بدنه های مختلف مسجد و اطراف درونی گنبد و همچنین تزئینات آجری پایه ها و ستونها و دیوارهای بنای مزبور هم امتیاز دیگر این بنای تاریخی بشمار میرود.

مسجد جامع سرآور

د رقریه سرآور از توابع گلپایگان که به مسافت حدود ۱۸ کیلومتری شمال شرقی

گلیپایگانست مسجد جامعی وجود دارد که پوشش مسطح آن بوسیله الوارهایی که بر فراز ستونها استوار کرده اند تشکیل یافته است و از نظر معماری نمونه جالب توجهی از ابنیه دارای پوشش چوبی میباشد زیرا بجای احداث طاقهای ضریبی که در عموم مساجد نواحی مرکزی ایران متداول است پوشش مسجد نامبرده را مانند بناهای نواحی شمالی که نزدیک دریای خزر واقعست و همانند کاخهای تخت جمشید بوسیله الوارهای چوب انجام داده اند و از این لحاظ شایستگی توجه مخصوص دارد.

بر روی منبر چوبی مسجد تاریخ ذیقعه ۸۱۱ و نام ابراهیم بن علی سرآوری بانی مسجد مرقوم گردیده در مسجد نیز سال تاریخ ۹۷۹ را در بردارد.

مساجد دیگری که در شهرستانهای مورد بحث در این سلسله دروس واقع است از نظر هدف و منظور در جلسات درس حاضر تصور نمیرود نیازی به معرفی و توضیح آنها باشد. بدین مناسبت بحث خود را درباره مساجد شهرستانهای سابق الذکر پایان بخشیده بذکر توضیحات و معرفی زیارتگاهها و اماکن متبرک شهرهای مورد نظر میپردازیم.

زیارتگاهها و اماکن متبرکه

در مورد زیارتگاهها و اماکن متبرکه مناسب میداند قبلاً بتوضیح این مطلب بپردازد که چون هدف و منظور اصلی از احداث مشاهد مشرفه دسترسی به مرقد مطهر امام یا امامزاده یا یکی از بزرگان دین مدفون در بنای مورد زیارت مردم و طواف در اطراف مزار یا ضریح آنست بنابراین بفرخور اهمیت مقام و مرتبه شخص مدفون و موقعیت بنای هر زیارتگاه و بناهای تابعه از قبیل مسجد و رواق و دهلیز و راهرو و ایوان و صحن و غیره در اطراف بنای اصلی و مرکزی ایجاد میگردد حتی در زیارتگاههای معظم ضمن اینگونه ابنیه و متعلقات صحنهای متعدد هم در جوانب مختلف آنها بوجود میآید که بطور مثال میتوان از آستانه های حضرت رضا (ع) در مشهد و حضرت معصومه (ع) در قم و شاه نعمت الله ولی در ماهان و حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری نام برد.

بسیاری از زیارتگاهها مشتمل بر بقعه ای با پوشش گنبدی است که ایوانها و طاقناهایی در جوانب آن متصل و توأم با بقعه اصلی ساخته اند و چنین بنائی در وسط محوطه ای باز قرار دارد و برای نمونه این گونه زیارتگاهها میتوان بقعه های امامزاده

عبدالله (ع) و ابن بابویه در شهرری و امامزاده یحیی (ع) در تهران و بقعه شاهزاده حسین (ع) در قزوین و امامزاده هفده تن (ع) در گلپایگان را نام برد و نظایر آن در نقاط دیگر ایران هم بطور متعدد وجود دارد.

زیارتگاههای دیگری هم هست که ترکیب و هیئت معماری آنها مانند مساجد بوده مشتمل بر قسمت اصلی بقعه و ایوان اصلی و صحن در مقابل آن میباشد.

با توجه به توضیحات بالا و در نظر گرفتن اینکه طی جلسات دروس فعلی از زیارتگاهها و اماکن متبرکه تهران و شهرری و قم و ساوه و کاشان و گلپایگان صحبت میشود مناسب خواهد بود ابتدا به توضیح دو زیارتگاه مهمتر واقع در نواحی مزبور یعنی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری و آستانه حضرت معصومه (ع) در قم پردازد و پس از آن درباره سایر زیارتگاههای نقاط نامبرده اطلاعات اجمالی مذکور نماید:

۱- آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

بنای اصلی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری مشتمل بر حرم چهار گوشه وسیعی است که از بالای دیوارهای آن صورت هشت گوشه پیدا میکند و گنبد دو پوشی بر فراز آن بنیاد نهاده اند و مانند حریمهای سایر آستانه های مهم از وسط هر ضلع در بزرگی به ابنیه مجاور دارد.

در آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) مانند زیارتگاههای بزرگ دیگر مسجدها و رواقها و ایوانها و مناره ها و صحنها و ابنیه مختلف بر بنای اصلی افزوده اند.

بنای قدیمی که حرم کنونی باشد از آثار قرن هفتم هجری است که در عهد صفویه و سپس دوران قاجاریه به تکمیل و تزئین آن پرداخته اند صندوق عتیقه

منبت کاری نفیس آن مورخ بسال ۷۲۵ هجری است. از قرائن برمیآید که در آغاز امر دو بقعه جداگانه در کنار هم قرار داشته مدفن حضرت عبدالعظیم (ع) و مزار امامزاده حمزه (ع) مجاور یکدیگر هر کدام در یکی از دو بقعه مزبور بوده است و در قرن نهم هجری با ساختمان مسجد و بعضی ابنیه مختصر دیگر، دو بقعه نامبرده بصورت یک مجموعه بنادر آمده است و در زمان شاه طهماسب صفوی (قرن دهم هجری) صحن و سردر آستانه را در طرف مشرق و جنوب مجموع ابنیه آنجا ترتیب داده اند^۱ و هم اکنون در بزرگی که بین رواق شمالی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و مسجد پائین پا (یا مسجد زنانه) قرار دارد و مورخ بسال ۹۴۴ هجری است^۲ و همچنین سر در قدیمی با قسمتی از

کتیبه کاشی معرق مورخ بسال ۹۴۵ هجری در انتهای هجری در انتهای جنوبی راهرو روباز گوشه جنوب غربی صحن امامزاده حمزه (ع) تا اندازه ای وضع قدیمی صحن و مدخل پیشین آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) و مجموعه بناهای سابق الذکر را نشان میدهد.

امامزاده حمزه (ع) نیز حرمی شبیه و کوچکتر از حرم حضرت عبدالعظیم دارد و بمناسبت انتساب امامزاده مزبور بفرزندی حضرت امام موسی کاظم (ع) یعنی امام هفتم شیعیان که شاهان صفوی خود را از اعقاب همین امام میدانستند طبعاً عامل دیگری برای توجه شاه طهماسب اول به مجموعه بناهای آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) بوده است و بطوریکه میدانیم شهریار مزبور در طول مدت پنجاه سال پادشاهی خود بیش از سایر شاهان صفوی و هر پادشاه دیگر نسبت به آبادانی و رونق اماکن متبرکه و زیارتگاههای شیعیان کوشش و توجه بخرج داده است و در بزرگ عتیقه و سردر قدیمی سابق الذکر نیز از جمله کارهای او بشمار میرود^۱.

در بین نفائس موجود در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) (که امید میرود زودتر روزی فرا رسد بموزه منظم و بصورت علمی درآید) یک جلد قرآن خطی مذهب عالی مورخ بسال ۹۴۰ و دو جفت در عتیقه منبت با نوشته ها و اشعار شیوا از آثار هنری

۱- دری که اکنون در سردر فوق الذکر نصب است یک جفت در قدیمی آهنکوب است که احتمال میرود کمی قدیمتر از تاریخ کاشیکاری سردر نامبرده (۹۴۵) هجری باشد و دو قطعه کتیبه کوفی بر لوحه های آهنی بر این در نصب بوده که مربوط بقرن پنجم یا ششم هجری است و برای حفظ آنها در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) نگهداری میشود.

→ ۱- دو لوحه چوبی مورخ بسال ۸۴۸ هجری بر روی در منبت کاری قدیمی که قبلاً بین مسجد بالا سرو مقبره ناصرالدین شاه بود و بعد آنرا در دهانه راهروی که بشمال ایوان امامزاده حمزه (ع) منتهی میگردد کار گذارده بودند نشانه ای از احداث ابنیه مسجد و غیره در قرن نهم هجری و متصل ساختن دو بقعه بیکدیگر بدینوسیله بوده است. ناگفته نماند که پیش از قتل ناصرالدینشاه محل فعلی مقبره این شهریار مشتمل بر مسجد کوچکی بنام مسجد تیموری و چند اطاق بود که خوابگاه ابدی جیران همسر سوگلی شاه شهید نیز در همین قسمت قرار داشت همه آنها را برای احداث مقبره مزبور خراب کرده تبدیل به وضع فعلی نمودند. در منبت سابق الذکر مورخ بسال ۸۴۸ هجری را نیز بتازگی ضمن توسعه راهرو بین دو حرم از محل مورد ذکر برداشته اند.

۲- در فوق الذکر از نظر بزرگی (پهنای داخل چارچوب آن تقریباً یک متر و نیم و بلندی آن نیز متناسب با پهنای آنست) و طرح و ترکیب و زینت روی تمام در و حاشیه کتیبه دار اثر تاریخی بس جالب توجهی از زمان شاه طهماسب اول بشمار میرود و آنرا از محل اصلی خود برداشته در محل کنونی گذارده اند.

زیبای عهد صفویه - قرن دهم هجری - و قطعه رو پوش زری همان عهد وجود دارد که تا حدی حکایت از رونق آستانه متبرک مزبور در آن دوران میکند.

پرواضح است سر در و در چوبی بزرگ و آثار هنری مختلف سابق الذکر موجود در خزانه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) که عموماً از اوایل سلطنت شاه طهماسب اول صفوی است توجه مخصوص آن شهریار را به آستانه نامبرده میرساند

در دوران قاجاریه از زمان فتحعلیشاه بعد ضریح نقره پیشین حضرت

عبدالعظیم (ع) و ضریح نقره امامزاده حمزه (ع) و تعمیر و آئینه کاری هر دو حرم و درهای خاتم متعدد موجود در اطراف و جوانب بنای آستانه و طلاکاری گنبد و احداث دو مناره بلند صورت گرفت لکن مهمترین کاری که در آن دوران شد احداث صحن بزرگ اصلی در جانب شمال آستانه و تغییر وضع آنجانب بود که بر اثر ازدیاد زائرین و لزوم تامین محل وسیع، آستانه حضرت عبدالعظیم را از وضع سابق بیرون آورده با احداث بازار و صحن تازه غرفه‌ها و ایوانهای اطراف صحن مزبور و ایوان بزرگ آئینه و کفش کنهای دو طرف آن و ساختمان مدرسه امین السلطان در مغرب صحن و باغ جیران یا صحن جیران در مغرب بنای آستانه و باغ طوطی در مشرق صحن بزرگ و بالاخره ساختمان بقعه و گنبد بزرگ امامزاده طاهر تغییر اساسی در وضع آستانه حضرت عبدالعظیم داده شد و راه ورود و خروج عموم زائرین که سابقاً از طرف جنوب و مشرق آستانه بود بجانب شمال تغییر یافت و ضلع شمالی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) که در ادوار پیشین قسمت عقب و پشت بنا محسوب میشد صورتی دگرگون یافته مدخل و جبهه اصلی بنای آستانه گردید و این تغییر در زمان مظفرالدینشاه با درختکاری و تکمیل خیابان اصلی شمالی جنوبی شهر ری بمرحله تکمیل رسید.

۲- آستانه حضرت معصومه (ع)

یکی از چند آستانه مهم و زیارتگاه بزرگ ایران آستانه حضرت معصومه (ع) در قم است که بنای اصلی و اولیه آنرا حرم هشت ضلعی مربوط به قرن ششم هجری تشکیل میدهد و مرقد بزرگ داخل ضریح آن مشتمل بر خشتهای کاشی طلائی بصورت محراب بزرگ (سطح فوقانی مرقد) و کتیبه‌های برجسته قرآنی و تاریخی و خطوط عالی بوده مورخ بسال ۶۰۲ هجری است و شاهکار منحصر بفردی از آثار مذهبی و هنری ایران در دوره اسلام بشمار میرود.

آنچه از بررسیهای تاریخی برمیآید بنای حرم فعلی با گنبد هرمی هشت ضلعی در قرن ششم هجری بنا شده و تا دوران صفویه بهمان صورت باقی بوده است.^۱

در زمان نخستین شهریاران دودمان صفویه (شاه اسمعیل اول - شاه طهماسب اول) وضع گنبد را تغییر داده آنرا بصورت مدور درآورده اند و ایوان شمالی آستانه و صحن کهنه (صحن شمالی) ساخته شد و کاشیکاری های عالی ایوان مزبور و طاقهای طرفین آن احداث گردید و طلاکاری گنبد و ایوان نامبرده در دوران قاجاریه (قرن ۱۳ هجری) انجام پذیرفت. سردر اصلی و قدیمی صحن کهنه از طرف شمال و رو بجناب شمال است که هم اکنون نیز بحال قدیمی باقی بوده بین صحن کهنه و مدرسه فیضیه قرار دارد - سر در مزبور از آثار هنری ممتاز زمان شاه طهماسب صفوی دارای کاشیکاری های معرق عالی و کتیبه بنام آن شهریار بوده - مورخ بسال ۹۳۴ هجری است.

در شمال مدرسه فیضیه هم بنای دیگری با محوطه وسیع وجود دارد که بنام دارالشفای معروف و آنهم از ابنیه عهد صفوی است^۲ و تا اواسط عهد قاجاریه راه اصلی ورود به آستانه حضرت معصومه از دارالشفای به مدرسه فیضیه و از آنجا به صحن کهنه بود و بعداً با ایجاد صحن نوره ورود به آستانه از وضع پیشین تغییر یافت.

صحن کهنه و مدرسه فیضیه در ردیف صحنهای چهار ایوانی است و در صحن کهنه دو مناره عهد قاجاریه نیز بر طرفین ایوان جنوبی بنا نهاده اند.

در سمت جنوب بنای حرم صحن کوچک دیگری از عهد صفویه وجود داشت که بنام صحن زنانه خوانده میشد و در سالهای اخیر با احداث گنبد عظیم سیمانی آنرا به مسجد زیبا و مجللی تبدیل کرده و بیرون و درون آنرا به کاشیکاریهای ممتاز و آئینه کاری بسیار عالی مزین ساخته اند. در گوشه جنوب غربی آستانه آرامگاههای شاه عباس دوم و شاه صفی^۳ و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین قرار دارد و در مجاورت آنها نیز موزه

۱- ابنیه متعددی در داخل و خارج شهر قم وجود دارد از جمله آنها بناهای معروف به گنبد سبز مربوط بقرن هفتم هجری که بصورت ۸ ضلعی ساخته شده با گنبد هشت ضلعی و پوشش کاشی فیروزه فام در محله دروازه کاشان نزدیک بقعه علی بن جعفر (معروف به در بهشت) موجود و تا حدی نمودار وضع قدیمی آستانه حضرت معصومه (ع) است.

۲- صحن دارالشفای نسبت بمدرسه فیضیه تا حدی اُریب و تقریباً در امتداد قبله است.

۳- آرامگاه شاه صفی درون طاق مستطیلی در جنوب آرامگاه شاه عباس دوم بود و ضمن احداث مسجد بزرگ فوق الذکر در گوشه شمال غربی آن واقع گردیده طاق آرامگاه بکلی از میان رفته است.

آستانه قم در قسمتی از بقایای ابنیه عهد صفوی واقع است. صحن نو که بسیار وسیعتر و مجللتر از صحن کهنه است در نخستین سالهای قرن چهاردهم هجری بوسیله میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) ساخته شده مشتمل بر چهار ایوان اصلی در چهار سمت صحن و دو مناره بسیار بلند بر دو پایه طرفین ایوان غربی و دو مناره کوتاه و گلدسته (مأذنه) روبروی آنها و پنج سردر در جوانب مختلف صحن است.

ایوان غربی صحن که مدخل شرقی حرم باشد از نظر عظمت و جنبه هنری آن خصوصاً مقرنس کاری و آئینه کاری شایسته توجه و ستایش است و صحن نو نیز با وجودیکه بصورت مستطیل کامل نبوده شکل کثیرالاضلاع دارد باز هم مانند کلیه صحنهای ابنیه اسلامی ایران طرح آن چهار ایوانی است.

بنای حرم نیز با توجه به توضیحاتی که گذشت از جوانب مختلف برواقها و ابنیه دیگر مربوط و متصل بوده جبهه خارجی شمال آن ایوان طلای صحن عتیق و سمت مشرق آن ایوان آئینه صحن نو قرار دارد و طرف مغرب حرم بعد از رواق آن طرف به مسجد بالا سر میرسد و جهت جنوبی آن به طاق شمالی مسجدی که در محل صحن زنانه احداث کرده اند منتهی میگردد و بطور اجمال خواه در بنای حرم و خواه در صحنهای آستانه حضرت معصومه عوامل معماری اصیل ایرانی ضمن هر گونه توسعه و تحویل ابنیه مزبور بکار رفته و پدیدار است.

سایر زیارتگاهها

بطوریکه قبلاً اشاره شد علاوه بر آستانه های معظم و مهم حضرت عبدالعظیم (ع) و حضرت معصومه (ع) زیارتگاههای قابل توجه دیگر هم در طهران و شهری و قم و ساوه و کاشان و گلپایگان وجود دارد که طی سطور آینده بذکر اجمالی و معرفی آنها میپردازد.

زیارتگاههای تاریخی شهر طهران

بقعه سید اسمعیل

قدیمترین تاریخی که عجلاله در شهر طهران سراغ میبرد مربوط به بقعه متبرک سید اسمعیل واقع در محله چالمیدان به مسافت کمی از ضلع غربی قسمت جنوبی

خیابان سیروس است. بقعه مزبور مشتمل بر بنای حرم چهارضلعی متناسبی با ایوان بزرگ ورودی و دو مناره و رواق و صحن بطرح چهار ایوانی در جانب مشرق آنست و در طرف مغرب حرم در منبت کاری عتیقه ای بین حرم و مسجد کوچکی قرار دارد که از روی کتیبه های آن برمیآید بسال ۸۸۶ هجری مقارن با ساختمان پیشین بقعه نامبرده آنرا تهیه و نصب نموده اند و بنای فعلی در زمان سلطنت محمد شاه قاجار بسال ۱۲۶۲ ساخته شده است و در قدیمی را هم بزرگتر کرده در محل فعلی کار گذارده اند.

بشرحی که اشاره شد تاریخ ۸۸۶ که قدیمترین تاریخ مورد اطلاع موجود در تهران است بر روی در عتیقه نامبرده در بقعه سید اسمعیل (ع) وجود دارد.

بقعه امامزاده یحیی

در محله عودلاجان در کوی معروف به کوی امامزاده یحیی واقع گردیده مشتمل بر حرم هشت ضلعی و ایوان و مسجد و اطاقهایی برای محل موزه و کتابخانه بوده مقبره امامزاده یحیی نیز در جنب آن واقعست.

بنای اصلی امامزاده یحیی که عبارت از برج خشتی هشت ضلعی احتمالا از قرن هفتم هجری و دارای گنبد هرمی شکل ۱۲ ضلعی بود بسال ۱۳۱۸ شمسی منهدم گردید و در سال ۱۳۲۰ بنای کنونی از روی نقشه و هیئت قدیمی با آجر ساخته شد و طی سالهای بعد متدرجا ابنیه مسجد و کتابخانه و موزه متصل و ملحق به آن احداث گشت.

صندوق عتیقه آن مورخ بسال ۸۹۵ هجری بوده نام ملک شاه غازی فرزند ملک شاهرخ بعنوان پادشاه وقت در کتیبه آن مذکور گردیده است. بر روی در کوچک عتیقه منبت آنهم بانی بنای اصلی بنام قرابشاره و معمار آن موسوم به دیو حسین مرقوم رفته است.

بقعه امامزاده زید

واقع در محله بازار مشتمل بر حرم چهارضلعی بزرگ و ایوان و صحن وسیعی در جانب مشرق و گنبد دو پوش مدور و ملحقات مناسب است. صحن بزرگ و اصلی آنرا در حدود سی سال پیش برای احداث دبستان و دبیرستان حافظ مورد استفاده قرار داده اند و بهمین جهت صحن کوچکی با راهرو مناسب در سمت جنوب از طرف بازار خیاطها بوسیله اداره کل باستان شناسی ساخته شده است که اکنون راه ورود به حرم و

زیارت در آنجا صورت میگیرد.

بنای اصلی بقعه مربوط بزمان صفویه — قرن دهم هجری — است که در زمان فتحعلیشاه و ناصرالدینشاه قاجار صحن و ایوان و گنبد دو پوش و متعلقات دیگر آنرا احداث نموده‌اند. صندوق عتیقه منبت بقعه مورخ بسال ۹۰۲ هجری است و این امر میرساند که پیش از تاریخ مزبور بقعه امامزاده زید در تهران آباد و دائر بوده است و در نتیجه پایتخت شدن شهر و رونق و آبادی روزافزون آن، بقعه نامبرده هم توسعه و تزئین یافته است.

بقعه سید ناصرالدین

زیارتگاه تاریخی دیگری که در داخل شهر تهران وجود دارد بقعه سید ناصرالدین در کنار خیابان خیام است که بشهادت تاریخهای موجود بر قطعه کتیبه چوبی ضریح قدیمی مورخ بسال ۹۹۳ هجری و نوشته‌های روی صندوق آن در قرن دهم وجود داشته است و تصور میرود اصل بنای بقعه از قرن هشتم هجری باشد که در دوره‌های صفویه و قاجاریه به احداث ایوان و صحن و انجام کاشیکاری و آئینه کاری آن مبادرت نموده‌اند.

در داخل شهر تهران زیارتگاههای دیگری هم هست که اهمیت تاریخی و هنری چندانی ندارد لذا از ذکر و توضیح در باره آنها خودداری مینماید. در میان بقاع متبرک و زیارتگاههای خارج شهر تهران چهار بنا اجمالا از نظر تاریخی واجد اهمیت است:

بقعه امامزاده صالح (تجریش)

بقعه‌ای است مشتمل بر حرم چهارگوش و رواق و ایوان مسجد پائین پا و اطاقهای متصل بحرم که در کنار درخت چنار بس کهن سالی ساخته گنبد دو پوش کاشیکاری بر فراز آن استوار نموده‌اند. با توجه به وجود چنار بسیار قدیمی (که متأسفانه روبه نیستی میرود) و سنگهای قبر عهد مغول یقیناً بنای اصلی بقعه مربوط به قرن هفتم یا هشتم هجری بوده است ولی بنای کنونی طبق کتیبه بالای در ورودی حرم آن بوسیله یکی از پسران فتحعلیشاه بنام هلاکوخان بسال ۱۲۱۰ هجری احداث گشته است و یا

بنای قدیمی را تعمیر و نقاشی نموده احیانا تغییراتی در آن داده‌اند. ضریح چوبی این بقعه را شبیه ضریحهای نقره که مرکب از پنجره‌های مشبک با قفل‌های کروی شکل و معمول به عموم مشاهد مشرفه مهم است ساخته‌اند و اثر هنری جالب توجهی بشمار میرود.

بقعه امامزاده قاسم (امامزاده قاسم)

بر فراز تپه‌ای واقع در آبادی معروف امامزاده قاسم در شمال تجریش برج هشت ضلعی آجری وجود دارد که با احتمال قوی مربوط بقرن نهم هجری است و در زمان شاه طهماسب اول صفوی صندوق منبت مورخ به سال ۹۶۳ هجری را بر روی مرقد در وسط حرم هشت گوش بنا نهاده‌اند و رواق و گنبد دو پوش آنها بنظر میرسد مربوط بهمان زمان باشد. در عهد فتحعلیشاه قاجار ایوانی متناسب برای ورود به رواق و حرم بر آن افزوده‌اند و رویهمرفته میتوان آنها اثر مذهبی و تاریخی خوش منظر شایسته توجهی دانست.

بقعه معصوم صالح (فره‌زاد)

در شمال آبادی بزرگ فره‌زاد (که بغلط فره‌زاد مینویسند) بقعه ساده‌ای با گنبد آجری بنام معصوم صالح وجود دارد که لوحه سنگی درون آن بر روی مزار حاوی دوبیت زیر نصب است و تاریخ ساختمان آن رامیرساند:

شاد باد آن کس که این بنیاد ساخت شادی دیگر که چون فولاد ساخت
نهصد و پنجاه و شش این روضه را بهراولاد علی آباد ساخت

سال ۹۵۶ مقارن با اواسط سلطنت شاه طهماسب اول صفوی است.

آرامگاه مستوفی و بقعه قاضی صابر (ونک)

در آبادی ونک باغ بزرگی بوسیله شادروان میرزا یوسف مستوفی الممالک صدراعظم زمان ناصرالدینشاه در محوطه اطراف درخت چنار کهن سال و متبرکی احداث گردید و در داخل باغ حیاطی با اطاقها و دهلیز و کتیبه سنگ مرمر و غیره ساخته و پرداخته شد که آرامگاه خانوادگی خاندان مستوفی است. نزدیک حیاط نامبرده در کنار ضلع جنوبی باغ مزبور هم بقعه قاضی صابر بصورت بنای هشت ضلعی که در هر ضلع آن شاه‌نشینی ترتیب داده‌اند همزمان با احداث باغ و آرامگاه سابق الذکر احداث نموده‌اند و آن هم اثر مذهبی و هنری زیبایی است. زیارتگاههای متعدد دیگر هم در

داخل و خارج شهر تهران هست که توضیح در باره آنها با در نظر گرفتن هدف این دروس مطابقت ندارد لذا از ذکر آنها خودداری میشود و به معرفی زیارتگاههای تاریخی نقاط دیگر میپردازد.

زیارتگاههای شهری

در شهر ری علاوه بر آستانه مهم حضرت عبدالعظیم (ع) زیارتگاههای دیگر هم هست که کم و بیش واجد اهمیت تاریخی است و ذیلا مذکور میگردد:

بقعه بی بی شهربانو

بر فراز صخره بزرگی در دامان کوهسار شمالی ری محاذی امین آباد، بقعه محکمی از سنگ و گچ مشتمل بر اطاقهای چند وجود دارد که یکی از اطاقها حرم و زیارتگاه منسوب به بی بی شهربانو همسر امام سیم شیعیان حضرت امام حسین (ع) و دختر یزدگرد سیم شاهنشاه نگون بخت ساسانی است. اصل بنا از قرن چهارم هجری مربوط بدوران دیلمیان بوده صندوق منبت عتیقه روی مرقد در کنار حرم مورخ بسال ۸۸۸ هجری و نام شهربانو دخت یزدگرد ساسانی بر روی آن مرقوم رفته است.

در زمان شاه طهماسب اول صفوی درب ورودی منبت مورخ بسال ۹۶۲ هجری را در ضلع شرقی حرم احداث نموده اند و در دوران قاجاریه صحنها و اطاقهای کنار صحنها را ساخته اند.

بقعه امامزاده عبدالله

بقعه متناسب و خوش طرحی از دوران صفویه مدفن عبدالله ایض از امامزادگان واجب التعظیم که در وسط محوطه بسیار وسیعی واقع و از چندین سال پیش گورستان مهمتر شهر تهران شده است و خوشبختانه بر اثر تعمیرات صحیح و مراقبتهای بمورد وضع رضایت بخشی دارد.

بقعه ابن بابویه

مزار عالم روحانی شهیر شیخ صدوق معروف به ابن بابویه است که در زمان فتحعلیشاه قاجار آنرا بصورت هشت ضلعی در وسط محوطه وسیعی ساخته اند و بواسطه موقعیت کنونی شهر تهران محوطه آنها برای گورستان بزرگ و مهمی مورد استفاده قرار گرفته و میگیرد.

بقعه بی بی زبیده

بر فراز تپه کوچکی در وسط محوطه‌ای ساخته شده مشتمل بر بنای حرم و ایوان ورودی بزرگ و ایوانهایی در اطراف بقعه است و کلیه بنای موجود و مشهود کنونی از دوران قاجاریه - قرن سیزدهم و چهاردهم هجری - بنظر میرسد.

زیارتگاههای شهر قم

در شهر قم علاوه بر آستانه متبرک و معظم حضرت معصومه (ع) که شرح آن گذشت تعداد فراوانی زیارتگاه وجود دارد که ذکر تمام آنها در اینجا مناسبت پیدا نمیکند آنچه مورد توجه بیشتر مردم است بشرح زیر مذکور میگردد:

بقعه علی بن جعفر

بقعه‌ای مشتمل بر حرم چهار ضلعی با گنبد کاشی هرمی شکل دوازده ترک از بناهای قرن هشتم هجری داخل حرم مزین به گچبریهای زیبا و قابل توجه است و قطعاتی از محراب کاشی آن که مورخ بسال ۷۳۴ هجری است در سالهای پیش مورد دستبرد شبانه واقع گردید و بدینجهت سایر قسمتهای آن از محل خود برداشته شد و هنگام تاسیس موزه ایران باستان در بخش اسلامی آنجا بمعرض نمایش قرار گرفت.

کاشیهای ازاره بقعه مزبور نیز که ترکیبی از خشتهای ستاره شکل هشت پر هفت رنگ مورخ بسال ۷۳۸ با کاشیهای چلیپا شکل فیروزه‌ای رنگ بود بوسیله یغماگران آثار تاریخی ربوده شده در موزه‌های مختلف جهان پراکنده است و معدودی از آنها هم در موزه ایران باستان نگاهداری میشود.

در زمان شاه عباس دوم - قرن یازدهم هجری - ایوان ورودی و کاشیکاری آن زینت بخش بقعه گردید.

امامزاده ابراهیم

بقعه نسبتاً کوچکی با گنبد کاشی دوازده ترک هرمی شکل که در داخل حرم آن به گچبری مزین است. تاریخ مرقوم در کتیبه بنا ۷۲۱ هجری بوده مدفن دو برادر بنام ابراهیم و محمد از فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) است.

همانطور که فوقاً اشاره نمود در شهر قم تعداد فراوانی امامزاده وجود دارد که بقعه‌های چهل دختران - شاه جمال - خاک فرج - امامزاده اسمعیل - امامزاده ابراهیم

(غیر از امامزاده ابراهیمی که توضیح آن گذشت) هم از جمله آنها است و چون از لحاظ هدف این سلسله دروس مورد فایده نیست درباره آنها اطلاعاتی مذکور نمیگردد.

زیارتگاههای ساوه

در کنار شهر ساوه در محله معروف به درب ری بقعه تاریخی مهمی بنام سید اسحق یا شاهزاده اسحق وجود دارد که مشتمل بر حرم دایره شکل و گنبد مدور آجری دو پوش بر فراز آنست کاشیهای فیروزه رنگ ازاره بنا و خشتهای کاشی لاجوردی روی مرقد از آثار هنری زیبا و قابل توجه بشمار میرود و کتیبه کاشی ازاره آن مورخ بسال ۶۷۶ هجری است و با توجه به اینکه در قرن هفتم بواسطه حمله مغول ابنیه بسیار معدودی احداث گردیده است بقعه شاهزاده اسحق در زمره اینگونه ابنیه نادر و کم نظیر بشمار میرود. غیر از بقعه مزبور زیارتگاه مهم دیگری از لحاظ منظور این دروس در شهر ساوه سراغ نمیرود.

زیارتگاههای کاشان

در شهر کاشان زیارتگاههای متعدد وجود دارد که در این مختصر تا حد مناسب به معرفی و توضیح آنها میپردازد.

بقعه حبیب بن موسی (ع) و آرامگاه شاه عباس بزرگ

در محله پشت مشهد در جانب شرقی شهر کاشان زیارتگاه معروفی بنام حبیب بن موسی (ع) واقع گردیده که مشتمل بر حرم وسیع با پایه ها و چشمه طاقهای متعددی است. کاشیهای مرقد متعلق بقرن هفتم هجری بوده علاوه بر جنبه هنری مدرک قدمت بنای بقعه محسوب میگردد. در گوشه حرم بقعه سنگ قبر سیاه رنگ نفیسی متعلق به آرامگاه شاه عباس بزرگ قرار دارد و آرامگاه شهریار مزبور در سرداب پائین همان قسمت واقعست.

بقعه ابولؤلؤ

در کنار خیابان اسفالتی که از شهر کاشان به باغشاه فین امتداد دارد بقعه زیبایی با گنبد کاشی دوازده ترک هرمی شکل بلند به مسافت بس کوتاهی از خیابان مزبور جلب

نظر مینماید که آنرا منسوب به آرامگاه فیروز نهاوندی مشهور به ابولوئث عنصر با حمیت ایرانی و بنام او میدانند و چون شخص نامبرده از راه تعصب ایران دوستی بسال ۲۳ هجری به قتل خلیفه دوم (عمر بن الخطاب) مبادرت نمود^۱ و از طرفی شهر کاشان از قدیمترین مراکز و کانون‌های آئین تشیع بوده است بنای نامبرده از دیرزمان مورد احترام و توجه مخصوص مردم کاشان قرار گرفته است.

اصل بنای موجود به احتمال قوی از دوران مغول — قرن هشتم هجری — و هیئت گنبد و تزئینات کاشیکاری آن مربوط بدوران صفویه — قرن دهم هجری — بنظر میرسد. بقعه‌های سلطان میراحمد — پنجه‌شاه — سلطان عطابخش — و بقاع چند دیگر در داخل شهر کاشان همزمان و همانند بقعه بابالوئث با گنبد هرمی شکل کاشیکاری وجود دارد و بقعه شاهزاده ابراهیم در خارج شهر کنار جاده فین واقع گردیده از آثار جالب توجه دوران قاجاریه است.

بقعه سلطانعلی معروف به مشهد اردهال یا مشهد قالی شویان

بقعه بسیار مجلل و خوش منظر بر فراز تپه‌ای در نزدیک جاده‌ای که از کاشان به دلیجان میرود (از راوند منشعب شده از نراق میگذرد و به دلیجان میرسد) واقع گردیده است. اصل بنا در زمان سلجوقیان — قرن ششم هجری — احداث گردیده در دورانهای مغول و صفویه و قاجاریه توسعه و تکمیل یافته و تزئین شده است. نام امامزاده مدفون در آنجا حضرت سلطانعلی فرزند امام محمد باقر (ع) (امام پنجم شیعیان) بوده بمناسبت حکایت مربوط به طرز شهادت آن بزرگوار همه ساله روز هفدهم پائیز جمعیت انبوهی از کاشان و نواحی مجاور بزیارت آن بقعه میروند و طی مراسمی فرش بقعه را میشویند و بهمین جهت به مشهد قالی شویان هم شهرت دارد.

بقعه بابا افضل

در آبادی مصفا و باطراوت مرق بر سر راه کاشان به نیاسر در نواحی کوهستانی شمال غربی کاشان بنای چهار ضلعی وسیعی با ایوان دو ستونی و گنبد کاشی دوازده ضلعی هرمی شکل از دورانهای مغول و صفوی وجود دارد که آرامگاه عارف ربانی بابا افضل کاشانی است و بر روی صندوق منبت آن تاریخ ۹۱۲ هجری مرقوم گردیده است.

۱- درباره علت این عمل خوانندگان محترم به کتب مربوطه مراجعه فرمایند.

زیارتگاههای گلپایگان

امامزاده هفده تن

در کنار شهر گلپایگان یک زیارتگاه مهم بنام بقعه هفده تن وجود دارد که مشتمل بر بنای بزرگ هشت ضلعی و گنبد دو پوش کاشیکاری است و از کتیبه حاوی اشعار بر جبهه بنا چنین معلوم میگردد که هنگام سلطنت شاه عباس بزرگ امام قلیخان سردار معروف آنزمان (فرزند الله وردیخان فرمانفرمای فارس و سپهسالار مشهور آن زمان) همت به ساختمان این بقعه گماشته تاریخ ۱۰۳۲ هجری در کتیبه مذکور گشته است.

امامزاده ابوالفتح

در قریه وانشان به مسافت قریب ۱۲ کیلومتری گلپایگان کنار راه گلپایگان به خوانسار زیارتگاه بزرگی مشتمل بر صحن و دهلیز و رواق و حرم و گنبد هرمی شکل کاشیکاری بصورتی جالب وجود دارد که تاریخهای مختلف از قرن دهم هجری بر روی در منبت و صندوق چوبی منبت مرقد آن موجود است و بقعه تاریخی قابل توجهی بشمار میرود.

بحث در باره زیارتگاههای مورد ذکر در این سلسله دروس د راینجا خاتمه پیدا میکند و اینک به معرفی و توضیح کاخها و باغهای سلطنتی تهران و سایر شهرهای موضوع نظر میپردازد.

کاخها و باغهای سلطنتی تهران

مهمترین کاخ سلطنتی تهران مجموعه کاخهای واقع در اطراف حیاط تخت مرمر و باغ گلستان است که ذیلا ذکر میگردد:

عمارت تخت مرمر

مشتمل بر ایوان بزرگ با دو ستون سنگی یک پارچه از دوران کریمخان زند که در زمان شاهان مختلف قاجاریه تکمیل و تزئین گردیده تخت مرمری بزرگ از آثار هنری برجسته زمان فتحعلی شاه قاجار در وسط ایوان بزرگ آن نهاده شده است. نام اصلی

تخت نامبرده تخت سلیمان است.

عمارت موزه سلطنتی و ابنیه متصل بآن در جبهه شمالی باغ گلستان

تالار وسیع محل موزه سلطنتی به شیوه معماری ایرانی با پوشش ضربی چشمه طاوها و تالار معروف آئینه (بر فراز دهلیز ورودی اصلی کاخ) و پلکان مجلل آئینه کاری و سرسراها و دهلیز و حوضخانه بزرگ در طبقه زیرین و بطور کلی مجموعه ای از ابنیه به شیوه آمیخته مطلوبی از معماری ایرانی و اروپائی.

تالار عاج و تالار برلیان

در ضلع شمالی باغ گلستان در امتداد تالار موزه و تالار آئینه به ترتیب تالار عاج و تالار برلیان قرار دارد که مانند سایر کاخهای اطراف باغ گلستان در زمان ناصرالدینشاه ساخته شده و از همان زمان هم در معرض تغییر و تبدیل قرار گرفته است. (در سالهای اخیر عمارت سلطنتی تازه ساز مناسبی متصل به تالار برلیان برای پذیرائی مخصوص سران کشورهای دیگر که به ایران می آیند بصورت ترکیبی از معماری جدید و تزئینات ایرانی ساخته و پرداخته شده است).

کاخ شمس العماره در ضلع شرقی باغ گلستان

بنای بلند پنج طبقه از زمان ناصرالدینشاه قاجار که بوسیله معیرالممالک از شخصیت‌های مهم آن زمان ساخته و به شهریار نامبرده اهداء گشته است. از لحاظ معماری شیوه روشنی ندارد و بوضع درهم و برهمی از معماری ایرانی و اروپائی درآمده چندان جلب توجه نمی کند از نظر نمای خارجی مشتمل بر نمونه های زیبای کاشیکاری بوده داخل بنا هم مزین به آئینه کاریها و گچبریهای عالی است.

عمارت بادگیر

در انتهای جانب شرقی ضلع جنوبی باغ گلستان عمارت خوش طرحی مشتمل بر تالار بزرگ مرکزی مزین به نقاشی و گچبری و آئینه کاری زیبا و دهلیزهای طرفین تالار مزبور و پله های مرمری و زیرزمین وسیع است و بواسطه دارا بودن بادگیرهای کاشیکاری آنرا عمارت بادگیر نامیده اند.

تالار الماس

در وسط ضلع جنوبی باغ گلستان واقع گردیده مشتمل بر تالار بزرگی است که جبهه اصلی آن رو بباغ قرار دارد و دو جانب آن پلکان و کفش کن و دهلیز ترتیب

داده‌اند و طبقه پائین آن هم زیرزمین است. بطور کلی نقشه تالار الماس را کاملاً به شیوه معماری عهد زندیه ترتیب داده‌اند جز آنکه زیرزمین مناسب با وضع اقلیمی تهران نیز در آن منظور گردیده است.

کاخ ایض

در انتهای جنوبی ضلع غربی باغ گلستان ساخته شده شیوه معماری آن تقریباً ارو پائی با سرسرا و پلکانهای بزرگ مرمری و ازاره‌های داخلی آنها از کاشی است. تالار بزرگ آن مزین به تابلوهای تصاویر شهریاران قاجار و سلاطین و فرمانروایان همسایه ایران معاصر ناصرالدینشاه است. کاخهای سلطنتی دیگر که بیرون از مجموعه کاخهای گلستان است بشرح زیر معرفی میگردد:

کاخ صاحبقرانیه (نیاوران)

مشمول بر تالار بزرگ جهان‌نما که مزین به آئینه کاری بسیار عالی است و حوضخانه بزرگ در طبقه زیرین تالار و سرسراها و پلکان‌ها و تالارهای مختلف و بطور کلی یکی از مهمترین کاخهای سلطنتی دوران قاجاریه بشمار میرود و بتازگی کاخ مجلل دیگری در گوشه شمال شرقی محوطه وسیع کاخ صاحبقرانیه ساخته‌اند که درعین رعایت اصول معماری امروزی مزین به کاشیکاریهای اصیل ایرانی مخصوصاً همانند مسجد کبود تبریز است.

کاخ سلطنت آباد

باغ بسیار بزرگ و کاخ‌های متعدد که در زمان ناصرالدینشاه در جلگه شرقی رستم آباد ساخته شد و بسال ۱۳۰۵ هجری پایان یافت و دارای عمارت‌های متعدد و استخر بزرگ و آب‌نماها و غیره بود آنچه از کاخهای قدیم آن باقی مانده عبارتست از بنای مرکزی کلاه فرنگی مشتمل بر عمارت دو طبقه و سرسرای وسیع و حوضخانه مرکزی مزین به گچ‌بریهای عالی و برج چهار طبقه خوابگاه متصل به تالار زیبا و حوضخانه طبقه زیرین آن که کاشیکاری عالی در قسمتهای مختلف داخل و خارج آن بکار رفته است. بقیه بناها و استخر و تمام محوطه باغ سلطنت آباد بر اثر تأسیس و توسعه کارخانه‌های مهمات سازی ارتش بصورت فعلی تغییر یافته است.

باغ و کاخ سلیمانیه د رحل کنونی دانشکده کشاورزی (کرج)

بنای دو طبقه و تالار گشاده از دو جبهه با دهلیز و پلکان و مزین به گچ‌بریهای عالی و نقوش بی نظیر از آغاز عهد قاجاریه که در گوشه جنوب شرقی باغ وسیع دانشکده کشاورزی واقع و نیازمند توجه و تعمیرات اساسی است باغ و کاخ مزبور بفرمان فتح‌علیشاه ساخته شده نام آنرا سلیمانیه نهاده بودند.

حوضخانه باغ قدیم نگارستان در تهران

بنای هشت گوش با شاه‌نشینهای شیوه عهد زندیه از بقایای آنچه در باغ نگارستان در عهد فتح‌علیشاه و محمدشاه قاجار ساخته بودند مزین به گچ‌بریهای عالی که فعلاً محل موزه هنرهای ملی در وزارت فرهنگ و هنر بوده و فاجعه خفه کردن میرزا ابوالقاسم قائم مقام در آنجا رخ داده است.

کاخ فیروزه در جانب شرقی خارج تهران

به مسافت قریب ۷ کیلومتری مشرق از حد سابق شهر تهران که از محل فعلی میدان ژاله محسوب میشود کاخ کوچک زیبایی مشتمل بر تالار بزرگ مرکزی و اطاقهای جوانب آن و ایوانی با یک ردیف ستون گرداگرد کاخ در کنار استخر آب و محوطه مشجر در زمان ناصرالدینشاه ساخته بودند که محل استراحت و نهارخوری آن پادشاه و شاهان بعدی در هنگام تفرج و شکار بود و از نظر کاشیکاری داخلی و شیوه معماری اثر هنری جالب توجهی بشمار میرود و بنام قصر فیروزه خوانده می شد از سی سال پیش محل نامبرده را به ملکیت و اختیار زردشتیان تهران گذارده‌اند و قسمتی از محوطه آن برای گورستان و بنای قدیمی جهت اجتماعات و تشریفات مناسب استفاده شده خانه‌ها و تاسیسات آموزشی و فرهنگی دیگر هم در آنجا ساخته‌اند و بدین ترتیب مرکزی برای انجام آئین‌های مذهبی و امور فرهنگی زرتشتیان تهران گردیده است.

کاخها و باغهای سلطنتی سایر نقاط مورد بحث

در دیگر شهرستانهای مورد بحث در این دروس تنها باغ و کاخ سلطنتی که سراغ میرود باغشاه فین کاشان است که مشتمل بر باغ وسیعی از دوران صفویه با عمارت مرکزی در دو طبقه و حوضها و آب‌نماها و فواره‌ها بوده اثر تاریخی بس جالب و دیدنی است. در دوره کریمخان زند و دوران قاجاریه هم ابنیه مختلف در آن ساخته‌اند و از سال ۱۳۱۴ بدینطرف بر اثر تعمیرات و توجه شایسته از طرف باستانشناسی و انجمن

آثار ملی بصورت مناسب درآمده است. از چند سال پیش هم موزه‌ای در ضلع غربی آن بوسیله انجمن حفاظت آثار باستانی کاشان و نطنز ساخته‌اند و اخیرا اداره فرهنگ کاشان در آنجا مستقر گشته کتابخانه و مرکز سمعی و بصری در ضلع شرقی آن جای دارد. حمام مقتل شادروان میرزا تقی خان امیرکبیر هم در کنار باغ واقعست. تا اینجا مهمترین آثار اسلامی تهران و شهرستانهای دیگر موضوع این دروس معرف و در باره آنها توضیح داده شد اینک سایر ابنیه دوران اسلامی نقاط مزبور را فهرست وار مذکور میدارد.

آرامگاههای بزرگان و خانقاهها

در تهران

بنای معروف به سرقبر آقا

در قسمت جنوبی شهر تهران که آرامگاه خانوادگی خاندان امام جمعه تهران است مشتمل بر بنای متناسبی از دوران ناصرالدینشاه قاجار با گنبد دو پوش کاشی کاری و حرم و رواق و ایوان عموما مزین به آئینه کاری و غرفه‌ها و ایوان‌های اطراف بنا با تزئینات مختلف آجرکاری و کاشیکاری و گچبری جلب توجه میکند مجموعه بنادر وسط محوطه مشجری واقع گردیده بر اثر ادامه خیابان سیروس و ایجاد مستحدثات مختلف در مجاورت بنای نامبرده از وسعت محوطه آن کاسته شده است.

آرامگاه شادروان حاجی شیخ هادی نجم آبادی

شخصیت روحانی روشنفکر و اصلاح طلب دوران ناصرالدینشاه قاجار در کنار خیابانی که بنام آن فقید در داخل شهر تهرانست قرار دارد.

آرامگاه سردار محمد کریم خان فیروز کوهی منتظم الدوله

در انتهای جنوبی بنای دبستان فیروز کوهی در محل دبستان قدیمی مورخ به سال ۱۳۱۶ قمری احداثی آن مرحوم در چهار راهی محل تلاقی خیابانهای شاه و آقا شیخ هادی ساخته شده آرامگاه بانی خیر آن هم در محل خود بصورتی مناسب درآمده است و نگهداری میگردد.

آرامگاه خداندان هدایت در کنار خیابان اسلامبول

متصل و توأم با مسجد نوساز آبرومند و حیاط وسیع و مؤسسه بهداشتی و تالار

بزرگ محلّ آرامگاه چند نفر از افراد خاندان معروف هدایت که شادروان صنیع الدوله نیز یکی از آنهاست.

آرامگاههای چند نفر از شهدای راه مشروطیت

(شادروانان ملک المتکلمین — قاضی ارداقی — میرزا جهانگیرخان
صوراسرافیل — روح القدس...) در خیابان مخصوص در مجاورت محل بیمارستان
لقمان الدوله قرار دارد.

خانقاه صفی علیشاه

که محل آرامگاه آن شخصیت روحانی هم شده است در خیابان صفی علیشاه.
خانقاههای متعدّد دیگر نیز در تهران وجود دارد که کم و بیش واجد اهمیت
هنری هست ولی بمناسبت اینکه قدیمی نیست ذکر آنها در اینجا مورد پیدا نمیکند.

آرامگاه مستوفی درونک

که ذکر آن ضمن زیارتگاههای تهران (بمناسبت وجود بقعه قاضی صابر در
آنجا) گذشت نیز محل خانقاه شادروان میرزا یوسف مستوفی الممالک و در عین حال
آرامگاه خاندان مستوفی برخی دوستان آن خاندانست و از محلهای روحانی قابل توجه
محسوب میگردد.

در شهری

بمناسبت وجود آستانه متبرک حضرت عبدالعظیم (ع) و نزدیکی آن به پایتخت
طبعا آرامگاه بزرگان مختلف ایران در مجاورت آن آستانه متبرک قرار دارد. چنانکه
آرامگاه ناصرالدینشاه در جوار حرم مطهر آنجا واقع گردیده است.
آرامگاههای بزرگان مختلف و خاندانهای ایشان نیز در اطراف صحنها و
گورستانهای حول و حوش همان آستانه و بقاع متبرک دیگر شهری وجود دارد که طبعا
ذکر و معرفی آنها باعث اطالة کلام و بیمورد خواهد بود.

در قم

سه بنای متشابه بنام گنبد سبز بصورت برجهای هشت ضلعی با گنبدهای هرمی
شکل که گنبد یکی از آنها فرو ریخته و دو دیگر باقی مانده و بتازگی کاشیهای فیروزه
فام سطح خارجی دو گنبد مزبور تجدید و تعمیر گشته است در محله معروف به دروازه
کاشان نزدیک بقعه علی بن جعفر واقع است. هر سه بنا متعلق بقرن هشتم هجری و

آرامگاه شخصیت‌های بزرگ آن دوران بوده است و از نظر گچ‌بریها و تزئینات داخل بنا و کتیبه‌های مختلف در ردیف آثار تاریخی و هنری قابل توجه عهد مغول بشمار میرود. آرامگاه‌های عده‌ای از شاهان و بزرگان ایران هم در رجوار آستانه حضرت معصومه (ع) قرار دارد از قبیل آرامگاه‌های شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین، فتحعلیشاه، محمدشاه، مهدعلیا، فرخ خان امین الدوله و غیره که در میان آنها آثار هنری و تاریخی ممتاز وجود دارد.

در ساوه و کاشان و گلپایگان بنای متمایز و مخصوصی که منحصرآرامگاه یکی از شاهان یا بزرگان باشد و در شمار آثار تاریخی محسوب گردد سراغ نمیرود تنها آرامگاه شاه عباس بزرگ در کنار حرم امامزاده حبیب بن موسی (ع) در کاشان واقعست که ضمن توضیحات مربوط به آن امامزاده در محل خود بدان اشاره نمود.

مصلی‌ها و تکیه‌ها

در شهرهای تهران و قم و کاشان و ساوه و گلپایگان بنای مصلی یا حسینیه یا تکیه که در ردیف آثار تاریخی شمرده شود مورد اطلاع نیست البته محل انعقاد مجالس تفریه داری ایام عاشورا و سایر روزهای مذهبی در خانه‌ها یا تکیه‌های وقفی هست که بعضی از آنها هم از نظر معماری اهمیت دارد ولی در این سلسله دروس توضیح در باره آنها مورد پیدا نمیکند.

کلیساها

در شهر تهران کلیسای نسبتاً قدیمی بنام کلیسای طاطا ووس بمسافت مختصری از بقعه سید اسمعیل (ع) در محله معروف چاله میدان وجود دارد که از ابنیه دوران فتحعلیشاه قاجار است و چون آرامگاه بزرگانی از ارمنیان ایران و مدفن چند نفر از شخصیت‌های اروپائی که هنگام انجام مأموریتشان در ایران فوت نموده‌اند در آن واقعست علاوه بر اینکه قدیمترین کلیسای تهران محسوب میگردد از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت است.

کلیساهای دیگر شهر تهران اهمیت تاریخی قابل ذکر در این مورد را ندارد.

ابنیه عام المنفعه در شهرستانهای مورد بحث

مقصود از بناهای عام المنفعه در اینجا بازارها چارسوقها - کاروانسراها و

تیمچه‌ها - آب انبارها - میدانها - حمامها - پلها - دروازه‌ها - برخی آثار تاریخی متفرق دیگر بوده آنچه از این گونه ابنیه و آثار در تهران و شهرستانهای دیگر موضوع دروس کنونی سراغ می‌رود ذیلاً مذکور می‌گردد.

در تهران

چارسوق بزرگ

قدیمترین بنای قابل توجه در راسته بازارهای تهران که پس از برگزیده شدن تهران بپایتختی کشور آنرا ساخته‌اند چارسوق بزرگ از آثار زمان فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار است.

بازار امیر

از آثار شادروان میرزا تقی خان امیرکبیر که بمناسبت وجود دکانهای کفافی بنام بازار کفاشان معروف است و بسیاری مردم نام بازار امیر را ببازار مهمتر تهران که از نزدیکی انتهای خیابان ناصرخسرو شروع گشته و بچارسوق کوچک می‌رسد اطلاق می‌نمایند.

تیمچه حاجب الدوله

در وسط بازار واقع و محوطه اصلی آن دارای پوشش عظیم ضربی از شاهکارهای معماری است.

تیمچه صدراعظم

در کنار خیابان ناصرخسرو قرار گرفته و دارای پوشش عظیم ضربی مزین بقطار بندی عالی کاشیکاری است و در سالهای اخیر برای بهره‌برداری بیشتر تجاری سقف جدیدی در وسط آن زده ارتفاع اصلی آنرا به دو نیمه کرده بنا را بصورتی نامناسب درآورده‌اند.

تیمچه مهدیه

در ابتدای بازار امیر (بازار کفاشان) دارای پوشش عظیم ضربی و یزدی بندی عالی است.

تیمچه کتابفروشان

کمی پائین تر از تیمچه مهدیه و شبیه آن است.

تیمچه‌های علاء الدوله و حاجی میرزا لطف الله و امین اقدس و قیصریه در بازار بین چارسوق کوچک و چارسوق بزرگ نیز از نظر معماری و طاق‌بندی و تزئینات داخلی قابل توجه است.

سبزه میدان

میدان واقع در روبروی بانک ملی بازار که دهانه ورودی بازار امیر (یا بازار کفشان) در وسط ضلع جنوبی آن قرار دارد.

میدان شمس‌العماره

روبروی سردرب شمس‌العماره (باب عالی)

دروازه محمدیه

بقایای دروازه‌ای که در سال آخر سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۶۳ هجری قمری) در انتهای جنوبی بازار عباس‌آباد نزدیک میدان معروف به یاقاقوق (که بعداً توسعه یافته بنام میدان اعدام معروف شده است) بنا گردید و کاشیهای جبهه بالای آن شامل نقش رستم و دیو در انبار موزه ایران باستان نگاهداری میشود.

سردرب باغ ملی

سردرب بلند و باشکوهی که در نخستین سالهای وزارت جنگ رضاشاه در مدخل میدان مشق سابق ساخته شد و چون پس از اندک زمانی قسمت مهمی از زمینهای میدان مشق برای باغ ملی تخصیص یافت به سردرب باغ ملی معروف گردید و طولی نکشید باغ ملی هم بحال خود باقی نماند و ابنیه مختلف مؤسسات دولتی از قبیل وزارت امور خارجه و شهربانی کل کشور و اداره کل ثبت اسناد و موزه ایران باستان و موزه جدید البناء مجاور آن و پستخانه مرکزی و بنای اولیه شرکت ملی نفت در تهران و تعدادی خانه‌ها و مستغلات شخصی در آنجا احداث گشت و سردرب مزبور بین عمارت پستخانه مرکزی و بنای قدیمی شرکت ملی نفت قرار گرفت.

در شهری

نقش برجسته فتحعلیشاه در کنار چشمه علی از آثار دیدنی شهری بشمار

میرود.

در قم

تیمچه صدراعظم

واقع در راسته بازار قم دارای پوشش عظیم ضربی توأم با هنرنمایی عالی یزدی بندی.

کاروانسرای پاسنگان

در کنار راه بین قم و کاشان واقع و از کاروانسراهای ممتاز ایران بشمار میرود که آنرا در قرن سیزدهم هجری ساخته اند.

در کاشان

سرای امین الدوله

واقع در بازار کاشان دارای پوشش عظیم ضربی مزین بقطار بندی عالی کاشی که از نظر هنرنمایی بر تیمچه های سابق الذکر برتری دارد، از ابنیه ممتاز اواخر قرن سیزدهم هجری است.

حمام عبدالرزاق خان

از آثار دوران زندیه که بوسیله عبدالرزاق حکمران کاشان در آن دوران ضمن کارهای عمرانی مختلف آن مرد آبادانی دوست در راسته بازار کاشان ساخته شده نمونه زیبا و جالبی از حمامهای اصیل و قدیم ایرانست و خوشبختانه بصورت خوب و آبرومند دائر بوده و نگاهداری میشود.

حمام حاجی سید حسین

حمام خوش طرحی از دوران قاجاریه در راسته بازار کاشان که آنهم از نظر معماری شایسته توجه است.

در کاشان باقتضای وضع اقلیمی و موقعیت و نیازمندیهای عمومی تعداد زیادی آب انبارهای بزرگ و بسیار عمیق وجود دارد که شیوه پلکانهای آنها جلب نظر بینندگانرا میکند و از اینگونه آب انبارها در شهرهای قم و تهران هم وجود داشته و در حال حاضر عموماً در شهر تهران متروک مانده است.

ابنیه عمومی دیگر که شایسته ذکر در این مختصر باشد در تهران و سایر شهرهای موضوع این دروس سراغ نمیرود.

مناره ها

آخرین قسمت از آثار اسلامی مورد ذکر در این قسمت مناره ها است و آنچه در این باره

مناسب بنظر میآید ذیلا مذکور میگردد:

مناره‌های بقعه سید اسمعیل و مدرسه مجاور آن

دو مناره آجری بر فراز پایه‌های طرفین ایوان بقعه سید اسمعیل (ع) با روکاری آجری بصورت حاشیه‌های مارپیچ و دو مناره آجری ساده بر فراز پایه‌های طرفین سر در مدرسه مجاور بقعه مزبور که روسازی آنها انجام نگرفته است هر چهار مناره از آثار قرن سیزدهم هجری است.

مناره‌های مدرسه سپهسالار قدیم در محله حیاط شاهی

دو مناره آجری بر فراز پایه‌های طرفین سر در مدرسه سپهسالار قدیم که ذکر آن در ضمن معرفی مدارس قدیمی تهران گذشت - نماسازی روی مناره‌ها کاشی کاری بطرح مارپیچی و از ابنیه قرن سیزدهم هجری است.

منار پامنار

منار آجری متصل بمسجدی که قسمت بیشتر آن در مسیر خیابان جدید الاحداث پامنار واقع و منهدم گردید. روکاری منار کاشیهای فیروزه فام با طرح حواشی متوازی مارپیچ پوشیده و مزین شده است. تاریخ آن قرن سیزدهم هجری است.

مناره‌های مدرسه عالی سپهسالار

مجموعاً هشت مناره آجری و دو مناره در طرفین جلونخان اصلی و چهار مناره در جبهه جنوبی صحن بر فراز پایه‌های جلو گنبد و دو مناره بر فراز پایه‌های طرفین ایوان شمالی (ایوان ساعت) قرار دارد هر هشت مناره از آجر ساخته شده و روکاری آنها مزین به نره کاشیهای هفت رنگ مخصوص دوران قاجاریه و از آثار اوایل قرن چهاردهم هجری است.

در قم

مناره مسجد جمعه

مناره بلند آجری نسبتاً ساده متصل بمسجد جامع که تصور میرود از قرن هفتم هجری باشد.

دو مناره عهد مغول

بر فراز پایه‌های سردری از مدرسه عهد مغول که بصورت نیمه ویران باقی مانده

است دو مناره آجری ساده دیده میشود که در کنار خیابان اصلی شهر قم مسیر جاده کاشان قرار گرفته و اهمیت هنری و تاریخی چندانی هم ندارد.

مناره‌های آستانه حضرت معصومه (ع) و مسجد اعظم در مجاور آن

دو مناره آجری با تزئینات کاشیکاری و طلاکاری در قسمت بالای پوشش گلدسته‌ها بر فراز پایه‌های طرفین شمالی آستانه در جنوب صحن عتیق واقعست و دو مناره بسیار بلند آجری بر فراز پایه‌های طرفین ایوان آئینه در ضلع شرقی حرم قرار دارد که تماماً مزین بکاشیکاریهای ظریف طرح مارپیچی است. هر چهار مناره از آثار اواخر قرن ۱۳ هجری است. دو مناره بلند آجری همانند مناره‌های ایوان آئینه در سالهای اخیر بر فراز پایه‌های طرفین ایوان بزرگ مسجد اعظم ساخته‌اند که مانند سایر قسمت‌های مسجد بزرگ مزبور جنبه تقلید و اقتباس دارد و فاقد اهمیت هنری و معماری بوده مخصوصاً از نظر رعایت نکردن تناسب و حجم قسمت‌های مختلف بنا و بی‌اعتنائی به منظر زیبا و جنبه تاریخی آستانه حضرت معصومه (ع) باعث لطمات جبران ناپذیر به آستانه مزبور شده است.

در ساوه

مناره مسجد میدان

دارای کتیبه کوفی آجری مورخ بسال ۴۵۳ هجری که فقط قسمت پائین مناره موجود است. تاریخ مزبور قدیمترین تاریخی است که بر روی مناره‌های ایران سراغ میرود.

مناره مسجد جامع

مناره بزرگ و ستبر آجری در مجاورت مسجد جامع در قسمت جنوبی شهر که محل ویرانه‌های بخشی از ساوه قدیم است قرار دارد که مزین بانواع طرحهای آجرکاری و کتیبه خط کوفی آجری مورخ بسال ۵۰۴ می‌باشد.

در کاشان

در شهر کاشان مناره‌های متعددی وجود دارد که عمده‌ترین آنها دو مناره بشرحی است که توضیح داده میشود:

مناره مسجد جمعه

مناره خشتی با روپوشی از آجر دارای کتیبه کوفی آجری مورخ بسال ۴۶۶

هجری. تاریخ مزبور سومین تاریخ مورد اطلاع است که بر روی مناره‌های ایران مرقوم داشته‌اند.

مناره خواجه زین الدین

مناره بلند و ستبر آجری در محله معروف پامنار مزین بنماسازی معقل و آجر و کاشی از آثار قرن نهم هجری. بر اثر کج شدن مختصر و تدریجی آن در سالهای پیش قسمت بالای مناره را عمدا خراب کرده‌اند که باقی آن سر پا بماند. مناره‌های دیگر شهر کاشان با مقایسه نسبت بدو مناره نامبرده چندان اهمیت هنری و تاریخی ندارد.

در گلپایگان

مناره کنار خیابان اصلی شهر

در کنار خیابان اصلی شهر که مسیر جاده اراک باصفهانست مناره آجری با پایه هشت ضلعی وجود دارد که هر ضلع پایه آن مزین بنوعی نماسازی آجری است و کتیبه پهن بخط کوفی شامل آیه قرآن کریم بر بالای پایه ترتیب داده‌اند. این مناره از آثار جالب توجه عهد سلجوقی و مربوط بقرن ششم هجری است.

مناره مسجد جامع

در گوشه جنوب شرقی گنبد قدیمی مسجد جامع گلپایگان مناره‌ای از عهد سلجوقی معاصر با گنبد مزبور از آثار اوایل قرن ششم هجری وجود داشت که منهدم گشته یا با احتمال بیشتر در زمانهای پیشین آنرا منهدم کرده‌اند. چند سال پیش ضمن تعمیرات گنبد نامبرده که از طرف اداره کل باستان‌شناسی انجام میگرفت ریشه مناره را در پائین دیوار گوشه خارجی مسجد نمایان ساخته بارتفاع حدود یک متر آنرا بطرح قدیم تجدید ساختمان نمودند و اکنون بدین ترتیب محل مناره قدیمی بصورتی روشن پدیدار و مشخص است.

سیری در آثار پیش از عهد صفویه شهر تهران

در قسمت قدیمی شهر تهران علاوه بر بسیاری آثار و ابنیه ارزنده دوره قاجاریه اعم از مساجد و بقاع متبرک و کلیساها و کاخهای سلطنتی و تیمچه‌ها و سراهای بازرگانی و بازار و چارسوق و غیره سه بنای تاریخی موجود است که هر سه آنها آثاری متعلق به پیش از دوران صفویه را در بردارد و این آثار به ترتیب عبارتست از:

۱- بقعه سید اسمعیل در محله چالمیدان دارای در منبت قدیمی مورخ بسال

۸۸۶ هجری.

۲- بقعه امامزاده یحیی در محل عودلاجان- کوی معروف به امامزاده یحیی

دارای صندوق منبت عتیقه مورخ بسال ۸۹۵ هجری و در منبت قدیمی از همان زمان.

۳- بقعه امامزاده زید در محل بازار دارای صندوق منبت عتیقه مورخ بسال ۹۰۲

هجری. بر روی اینگونه آثار عموماً آیاتی از کلام الله مجید و حدیثهای نبوی مرقوم گردیده ضمناً نام بانی و سازنده و تاریخ ساخت آنها هم مذکور افتاده است و طبعاً نقل تمام نوشته‌های آنها در این مورد مناسب بنظر نمیآید همین قدر نوشته‌های تاریخی آثار فوق‌الذکر را که هر کدام از نظر پیشینه قدمت شهر تهران سند قابل توجهی بشمار میرود برای آشنائی با یادگارهای کهن پایتخت کنونی کشور باستانی ایران تا حدی که در خور چنین فرصتی است مذکور میدارد:

بر روی در قدیمی بقعه سید اسمعیل جملات زیر خوانده میشود:

صاحب خیر هذا الباب مزار متبرکه سلطان سید اسمعیل علیه التحية والسلام

استاد حسین ابن پیرعلی حداد تهرانی بتاریخ غره جمید الاول سنه ست ثمانین و ثمانمائه..... عمل استاد حسین ابن حسن نجار لباسانی.

طبق نوشته بالا استاد حسین فرزند پیرعلی آهنگر تهرانی در غره ماه جمادی الاول سال ۸۸۶ هجری در نامبرده را برای بقعه سلطان سید اسماعیل بوسیله استاد حسین پسر استاد حسن درودگر لواسانی ساخته و وقف بر آن بقعه نموده است. بر روی صندوق عتیقه بقعه امامزاده یحیی مطالب تاریخی زیر مرقوم گشته است:

امر بنحت هذا القبر خلاصة الملوك والسلطين عادالدوله ملك شاه غازی ایدالله دولته ابن المرحوم مغفور ملک شاهرخ نورقبره تقرّباً الى اله تعالى عمل استاد حسن واخوه محمد بن حسن لباسانی.

... تمام شد در تاریخ شهر ربیع الآخر سنه خمس و تسعين و ثمانمائه.

بر روی در منبت قدیمی بقعه نامبرده نیز این کلمات را میتوان خواند:
بنده درگاه قرايشاره

معمار العماره دیوحسن

از روی نوشته های بالا معلوم میشود که ملک شاه غازی فرزند مرحوم ملک شاهرخ دستور ساختن صندوق مرقد امامزاده یحیی (ع) را داده و استاد حسن و بوادرش استاد محمد فرزندان حسن لواسانی در ماه ربیع الآخر سال ۸۹۵ هجری این کار را انجام داده اند و ساختمان بقعه پیشین امامزاده یحیی نیز مقارن با همان اوقات به تصدی قرايشاره نام از گماشتگان خاص ملک شاه غازی به معماری دیو حسن صورت گرفته بوده است.

نوشته های تاریخی صندوق منبت عتیقه امامزاده زید (ع) بشرحی است که ذیلاً نقل میگردد. هذه البرئة المقبره امام زاده سيد زيد بن زين العابدين بن حسين بن علي عليه السلام.

وقف نمود جناب عمدة الصواحب في الزمان مباني الخيرات — خواجه ميرعلی بن محمد زرین کمر الطهرانی دام توفيقه.

عمل زيد تي الصناعين استاد حبيب و استاد احمد نجار الباسانين تحريرافي خامس شهر الله رجب المرجب سنه اثني و تسعمائه هجريه النبويه عليه افضل الصلوات.

از مجموع نوشته های بالا برمیآید که صندوق متبرک امامزاده زید را خواجه

میرعلی فرزند محمد زرین کمر تهرانی وقف نموده استاد حبیب و استاد احمد درودگران لواسانی آنرا ساخته‌اند و نوشته‌های آن در تاریخ پنجم ماه رجب سال ۹۰۲ هجری باتمام رسیده است.

پس از آثار مزبور که عموماً مربوط به پیش از دوران صفویه است قدیمترین اثر تاریخی که در تهران سراغ می‌رود یک قطعه کتیبه چوبی باقیمانده از ضریح قدیمی بقعه سیدناصرالدین واقع در کنار خیابان خیام در محله سنگلج است که می‌رساند حاجی میرزا ثقفی تهرانی در سال ۹۹۳ هجری (دو سال پیش از آغاز سلطنت شاه عباس بزرگ) بانی ضریح قدیمی بوده و استاد قطب‌الدین پسر سیف طرشتی آنرا ساخته است. صندوق قدیمی بقعه نامبرده هم از آثار عهد صفوی بوده نوشته‌های آن تا حدی که خوانده شد بدینقرار است: «وقف‌کننده این صندوق سفی الله بن رئیس حشن خویذرجری عمل استاد قطب‌الدین بن استاد سیف بن استاد صوفی نجار لباسانی».

آثاری که پس از پایتخت شدن تهران در عهد قاجاریه ساخته شده محتاج فرصت و بحث بیشتری بوده و باید جداگانه در باره آنها توضیحاتی داده شود.

آثار تاریخی قزوین

مسجد جامع قزوین

مسجد بسیار بزرگ و عالی مشتمل بر گنبد معظم دوران سلجوقی مورخ بسال ۵۰۷ تا ۵۱۴ هجری که به همت ابومنصور خمارتاش ساخته شده است و بهترین تزئینات گچبری و کتیبه‌های کوفی ریحانی اوایل قرن ششم هجری در آن دیده می‌شود. معاصر با ساختمان گنبد، ایوان بزرگ شمالی مسجد با دو مناره بر فراز پایه‌های آن نیز بنیاد گردیده و صحن وسیع چهارایوانی طرح ریزی گشته است. در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی تعمیر و کاشیکاری ایوان جنوبی جلو گنبد بزرگ و ایوان غربی انجام گرفته سالهای تاریخ ۱۰۶۹ و ۱۰۸۰ هجری در کتیبه‌های کاشی آن مذکور است.

مدرسه حیدریه

گنبدی از عهد سلجوقی — قرن ششم هجری — مشتمل بر گچبری‌های عالی و

زیبای آنزمان که بر اثر گذشت سالیان دراز سقف آن فرو ریخته بحال نیمه ویران افتاده بود و حدود سی سال پیش نسبت به تعمیر بنا و ترتیب پوشش شیروانی مناسب بر فراز آن از طرف باستان شناسی اقدام گردید.

در فضای اثر تاریخی مزبور قبلاً مدرسه ای از عهد قاجاریه با اطاقها و حجرات اطراف آن ساخته بودند و اکنون دبیرستان نو بنیادی بنام دبیرستان رهنما در محل مدرسه پیشین ساخته اند که از لحاظ شیوه ساختمان نسبت به گنبد عهد سلجوقی هیچگونه تناسب و هم آهنگی ندارد.

آرامگاه حمدالله مستوفی

برج آجری که قسمت پائین آن چهار ضلعی بوده بالای آن هشت گوش و بالاتر از آن بصورت استوانه و مدور است و گنبد مخروطی بر فراز آن احداث نموده اند مدفن مورخ و نویسنده شهیر دوران مغول حمدالله مستوفی (تولد ۶۸۰ - درگذشت ۷۵۰ هجری). اصل بنا طبعاً مربوط به قرن هشتم هجری بوده بسال ۱۳۱۹ خورشیدی تعمیر شده و کاشیکاری گنبد و مقرنس کاری و کتیبه کاشی معرق آن صورت گرفته است.

بقعه شاهزاده حسین (ع)

از زیارتگاههای معروف ایران مشتمل بر بنای پنج ضلعی زمان شاه طهماسب اول با گنبد دو پوش کاشی و تزئینات کاشیکاری عالی آن زمان. صندوق چوبی منبت عتیقه که درون ضریح در وسط حرم قرار دارد مربوط بقرن نهم هجری و قدیمتر از قسمتهای دیگر این بنای تاریخی است.

اثر نفیس منحصر بفردی که در بقعه متبرک و زیبای شاهزاده حسین وجود دارد درب بزرگ منبت کاری واقع بین رواق شمالی و حرم آنجاست که تاریخ آن ۹۶۷ هجری بوده از جمله شاهکارهای هنر منبت عهد صفویه بشمار میرود.

در دوران ناصرالدین شاه ایوان آئینه کاری در جبهه اصلی بقعه یعنی بر جانب شمالی آن افزوده اند طرح پنج ضلعی اصلی بقعه و طاقنمابندی اطراف صحن و دروازه ورود شمالی صحن از عهد قاجاریه و دروازه جنوبی صحن مشرف به گورستان آنجا که مربوط بدوران صفویه و مورخ بسال ۱۰۴۰ هجری است و بالاخره فضای مشجر و مصفای جلوی دروازه شمالی وضع پرشکوه و خوش منظر و جالب توجهی باین اثر مذهبی و تاریخی بخشیده است.

عالی قاپو

سردر بلند که در زمان شاه طهماسب اول صفوی ساخته شده در روزگاری که شهر قزوین پایتخت کشور ایران بود مدخل اصلی و مهم کاخهای سلطنتی بوده است و اثر هنری مهمی که هم اکنون در آن باقی مانده کتیبه کاشی معرق بس عالی زیبا اثر خوشنویس معروف علیرضا عباسی است که بوضعی پسندیده آنرا تعمیر نموده‌اند.

چهلستون

محل موزه قزوین، بنای کوشک مانند دو اشکوبه از زمان شاه طهماسب صفوی در وسط قسمت باقی مانده باغ بزرگ سلطنتی قدیم، در زمان قاجاریه تصرفات و تغییراتی در بنای مزبور بکار برده‌اند و مقرر فرمانداری قزوین بود و از حدود پانزده سال پیش برای موزه قزوین اختصاص یافت و بتدریج تعمیرات و اصلاحاتی در آنجا صورت گرفت و در نتیجه قسمت‌هایی از نقاشیها و آثار هنری دوران شاه طهماسب مجدداً نمایان گردید.

دروازه کوشک

در شمال شهر مشتمل بر دروازه کاشیکاری دارای کتیبه ای بنام ناصرالدین شاه قاجار مورخ بسال ۱۲۹۶ هجری.

دروازه تهران

در مشرق شهر که شاهراه تهران از آنجا بشهر قزوین میرسید و هم اکنون نیز مورد استفاده بوده وسایط نقلیه از همان خط سیر میگذرد لکن برای رعایت مصلحت بنای تاریخی نامبرده وسایط نقلیه از کنار آن میگذرند و تاریخ ساختمان آن بنظر میرسد همزمان با دروازه کوشک باشد.

حسینیه امینی

تالارهای متعدد مزین به آئینه کاری و نقاشی و گچبری و در و پنجره و ارسی‌های قدیم از بهترین آثار هنری زمان ناصرالدین شاه قاجار، محل برگزاری مراسم عزیه داری در ایام عاشورا و مواقع مذهبی دیگر.

در خارج شهر قزوین نیز بقعه پیر در تاکستان مربوط به قرن ششم هجری و دو برج آجری بس مهم در خرقان که یکی از آنها مورخ بسال ۴۶۰ و دیگری مورخ بسال ۴۸۶ هجری است و بالاخره امامزاده اباذر در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی قزوین مربوط باواخر قرن هفتم هجری و قرن دهم هجری در زمره آثار تاریخی قابل توجه بشمار میرود.

یادداشت درباره خانه بزرگ قدیمی محل انجمن آثار ملی در تهران^۱

سرای بزرگ قدیمی که از ۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی) به وسیله انجمن آثار ملی خریداری و پس از تعمیرات و بازپیرایی و اصلاحات درخور آن، محل کار این انجمن در آنجا مستقر گردیده تنها سرایی است که از مجموعه ساختمانهای متعلق به حسین پاشاخان ملقب به امیربهادر وزیر دربار مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ هجری برابر ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۶ میلادی) باقی مانده است.

مجموعه ساختمانهای نامبرده شامل چند دستگاه خانه‌های بزرگ و مفصل همچون اندرونی و بیرونی و دیوانخانه و حسینیه و حیاط خلوت گرمابه و سایر نیازمندیهای مربوط بزندگانی اینگونه افراد متشخص بود که طبعاً با تغییر وضع زمانه و درگذشت صاحب اولیه آنها بازماندگان نمی‌توانستند از عهده نگاهداری و اداره چنین مجموعه‌ای برآیند و ناچار بفروش قسمتهای مختلف آن می‌شدند و در نتیجه بتدریج این خانه‌ها یکی پس از دیگری فروخته و خراب شد و تعدادی خانه‌های کوچک نوساز جایگزین هر کدام آنها گردید.

محل انجمن آثار ملی هنگام حیات صاحب اولیه آن مخصوص حسینیه بوده است بدین معنی که در هنگام سوگواری یعنی ماه‌های محرم و صفر که دو ماه نخستین هر سال قمری است و روزهای ۱۹ تا ۲۱ ماه رمضان و اعیانا روزهای دیگری که در طول سال آئین سوگواری و روضه‌خوانی انجام می‌گرفت محل اجتماع مردمی بود که به برگزاری و اجرای چنین مراسم دلبستگی داشتند و گویندگان مذهبی بر فراز منبر به وعظ و توضیح مسائل دینی و شرح مصیبتهای وارد به امامان معصوم می‌پرداختند و

تاریخ نگارش این بخش رامولف در پایان مقاله فروردین ۱۳۵۹ قید کرده به این ترتیب جزء آخرین یادداشت‌های مؤلف می‌باشد

شنوندگان را از چنین مطالب آگاه و بطور کلی متأثر و گریان می نمودند و خوشبختانه از میان تمام مجموعه تنها سرائی بود که با وجود فروش به افرادی غیر از بازماندگان شادروان امیربهادر و تملکهای بعدی، سرنوشت بناهای دیگر آن مجموعه را پیدا نکرد. سرای مورد ذکر در وسط محوطه غربی فاصله بین شهر طهران قدیم که در زمان شاه طهماسب اول صفوی به سال ۹۶۰ هجری (۱۰۵۳ میلادی) محصور گردید و مرحله توسعه آن در زمان ناصرالدین شاه قاجار که به سال ۱۲۸۴ هجری (۱۸۶۷ میلادی) صورت گرفت واقع شده است. (نقشه شماره ۱-)

خیابان پهنی که مختصری پائین تر از محل تلاقی خیابان امیریه و خیابان قزوین بطرف مشرق به سمت خیابان حنیف نژاد (شاهپور سابق) امتداد دارد بنام خیابان پل امیربهادر معروف است^۱ و پس از مسافت کمی به دو شاخه منشعب میگردد شاخه باریکتر آن بطور مستقیم دنباله خیابان پل امیربهادر است و بنام خیابان بوعلی یا خیابان آرامنه خوانده میشد و شاخه دیگر کمی مایل به سمت جنوب به طرف میدان حنیف نژاد (میدان شاهپور سابق) ادامه می یابد و نام آن در حال حاضر خیابان شیخ بهائی است (قبلاً خیابان ظفرالدوله نامیده میشد).

سرای محل انجمن آثار ملی درست در همان محلی که خیابان پل امیربهادر به دو شاخه (خیابان بوعلی یا آرامنه، شیخ بهائی یا خیابان ظفرالدوله) منشعب میگردد در جانب شمال خیابان واقع شده است (نقشه شماره ۲-). و خیابان باریکی هم بنام خیابان اهلی شیرازی از شمال آن می گذرد.

این سرا مشتمل بر صحن وسیعی است که بنای اصلی در جانب شمال آن ساخته شده بنای دیگری شامل حوضخانه و دو اطاق و نیازمندیهای مربوط به آنها در سمت جنوب صحن احداث گشته است (نقشه شماره ۳-). محوطه آزادی نیز بصورت حیاط و باغچه با حوض آب کوچکی در شمال بنای اصلی و در ضلع جنوبی خیابان

۱- در دوران گذشته در انتهای شرقی همین قسمت پهن تر خیابان پلی از طرف شمال به جنوب وجود داشت که بر روی گودال یخچال (محلی همانند استخر بزرگ باریک مستطیل شکل و کم عمق که در سمت جنوب آن دیواری بسیار بلند میساختند تا آفتاب به آن نتابد و درون آن را از آب پر میکردند و در شبهای طولانی و سرد زمستان آب یخ می بست و یخ را در انبار بزرگی که برای همین منظور در کنار حوض نامبرده ساخته بودند ذخیره میکردند و در فصل تابستان به مصرف میرساندند) ساخته شده بود و بدین مناسبت این قسمت پهن خیابان بنام پل امیربهادر معروف است.

اهلی شیرازی وجود دارد که بفراخور وضع و موقع آن مورد بهره‌مندی قرار گرفته بنای گلخانه و ساختمان دو اشکوبه تازه ساز جهت بخشی از مخزن کتاب و جایگاه نگهداری کلیشه‌ها و دیگر متعلقات مخزن کتاب و بالاخره زیرزمین محل دستگاه حرارت مرکزی را در آنجا ساخته و پرداخته‌اند.

بنای اصلی در مرحله نخستین ساختمان با وضع کنونی آن کمی اختلاف داشته است که طی سطور آینده اشاره خواهد شد.

اشکوب اول بنای اصلی (در مرحله نخستین ساختمان) مرکب از تالار بزرگ چهار ستونی به شیوه اصیل ایرانی بنام چهار صّفه و مزین به آینه کاری در بخش غربی ساختمان و راهرو سراسری شمالی جنوبی و پلکان انتهای شمالی آن در وسط و اطاقها و راهرو و پلکان فرعی و آبدارخانه و نیازمندیهای دیگر در سمت مشرق راهرو وسط بود و در کرانه جانب شرقی بنا هم راهرو سراسری شمالی جنوبی احداث کرده بودند که از طرفی ارتباط مستقیم بین صحن بزرگ و حیاط شمالی بوسیله آن صورت می گرفت (و هم اکنون نیز صورت میگیرد) و از طرف دیگر بوسیله پلکانهای فرعی دو طرفی میتوانستند از وسط این راهرو به اشکوب دوم بروند و راهرو فرعی شرقی غربی که از میان دو قسمت پائین پلکانهای فرعی میگذشت راهرو سراسری شمالی جنوبی را بیکدیگر مربوط می نمود ایوان کم ارتفاعی با هفت دهانه طاق نیز سراسر ضلع جنوبی ساختمان را فرا می گیرد (نقشه شماره ۴-۱).

اشکوب دوم بنای مورد ذکر (در مرحله نخستین) شامل تالار بزرگ بر فراز تالار آئینه کاری و راهرو سراسری مرکزی همانند راهرو زیرین با پلکانهای انتهای شمالی آن و اطاقها و سرسرا و پلکانهای فرعی (در جانب شرقی بنا) بود و ایوان پهن با ستونهای بلند سراسری در جبهه جنوبی تری داده بودند که بهمان صورت باقی است (نقشه شماره ۵-۱).

آنچه از بررسی مجموعه بنای اصلی کنونی برمی آید ساختمان شامل سه دهانه طاقهای موازی شمالی جنوبی در اشکوب اول در سمت شمال تالار آئینه که در حال حاضر مخزن کتاب و محل دفتر انتشارات انجمن در آنجا قرار دارد و همچنین تالار بزرگ بر فراز همین قسمت که اینک برای تالار کتابخانه و قرائت خانه انجمن از آن استفاده میگردد مدتی بعد از ساختمان اصلی احداث و بر بنای پیشین افزوده شده است

(نقشه‌های شماره ۳ و شماره ۶ که ضمن آنها دو قسمت بنای الحافی مورد ذکر را بصورت نقطه چین مشخص نموده‌اند).

تغییر دیگری که در بنای اصلی انجمن داده‌اند موقوف کردن پلکانهای فرعی دو جانبه در قسمت شرقی بنا و تبدیل آنها به اطاق و انبار در اشکوب اول و ترتیب اطاق مرکزی در اشکوب دوم است.

با توجه به نقشه‌های شماره ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بهتر میتوان به چگونگی تغییرات مورد ذکر آشنائی پیدا کرد.

از نظر اصول معماری و شیوه ساختمان باید یادآور شد که بنای اصلی و بزرگتر انجمن آثار ملی ترکیبی از عوامل معماری ایرانی توأم با اقتباس و بهره‌مندی از برخی عوامل متداول هنگام احداث بنا (حدود هفتاد سال پیش) در کشور سابق روسیه است، توضیح آنکه تالار چهار صفت چهار ستونی آئینه کاری^۱ در اشکوب اول و همچنین راهروهای مختلف و پوششهای ضربی تالار و راهروهای نامبرده و کاشیکاری راهروی مرکزی و بعضی از آستانه‌ها در همان اشکوب از جمله عوامل معماری ایران از دورانه‌های ساسانی و هخامنشی و حتی قدیمتر از آنست که در معماری عهد قاجاریه نیز هنوز ادامه داشت.

برای آشنائی به پیشینه تالارهای چهار صفت و چهار ستونی در ایران میتوان بطور نمونه منابع زیر را بررسی نمود:

۱- مقاله آقای اسکار رویتز Oscar Reuther در باره تاریخ معماری اشکانی در جلد اول نگاهی به هنر ایران A Survey of Persian Art چاپ ژاپن صفحه ۴۳۸ نقشه معبد سر Shar در نباتین Nabataean واقع در کشور سوریه.

۲- مقاله همان پژوهنده در باره تاریخ معماری عهد ساسانی در جلد دوم همان

۱- پیشینه آئینه کاری در ایران از سالهای آخر سلطنت شاه عباس اول به بعد است و چنین بنظر میرسد انگیزه نخستین هنر نامبرده این بود که جامه‌های آئینه ضمن سایر کالاهای بازرگانی متبادل بین ایران و جمهوری ونیز (ایتالیا) با وسائل حمل و نقل آن زمان به ایران حمل میگردد و خواه ناخواه مقدار قابل توجهی از آن شکسته می‌شد و استادان ایرانی برای جلوگیری از زیان ناشی از ضایع شدن چنین کالای نفیس و گران قیمت آن روز در صدد استفاده از قطعات کوچک آئینه برآمدند و چنین هنری را زینت بخش بناهای سلطنتی (نخست در چهلستون و پس از آن در کاخ هشت بهشت) نمودند و در دوره قاجاریه مراحل بس گسترده‌تر و تکامل یافته پیدا کرد و بصورتی بسیار عالی در بناهای مذهبی و سلطنتی و اعیانی جلوه گر شد.

کتاب صفحه ۵۵۲ - نقشه بنای واقع در رباط سفید (بازه Hour Bazeye واقع در خراسان).

۳ - کتاب بیشاپور Bichapour تألیف پرفسور گیرشمن Prof. R. Ghirshman چاپ پاریس ۱۹۵۶ نقشه ۲.

هم اکنون نیز در شهرهای کنار کویر مرکزی ایران همچون کاشان و اردستان و زواره و یزد و کرمان و سمنان و طبس و دیگر شهرها و حتی روستاها و آبادیهای نواحی کم آب ایران خانه‌هایی که قسمت مرکزی آنرا بصورت چهار صفت ساخته‌اند معمول و متداول است.

چگونگی پوشش تالار آئینه که از چشمه طاقهای ضربی متعدد ترتیب یافته است (نقشه شماره ۷) و طاق گاهواره‌ای راهرو سراسری مرکزی اشکوب زیرین بنا و طاقهای ضربی چهار بخشی در قسمتهای مختلف اشکوبهای دوگانه از جمله عوامل معماری ایرانی است که در بنای انجمن آثار ملی بکار بسته‌اند.

نمونه دیگر چنین عواملی در ایوان بزرگ سراسری جبهه جنوبی یا جبهه اصلی بنای نامبرده دیده میشود. (نقشه شماره ۸).

با در نظر آوردن ایوانهای کاخهای متعدد دوران هخامنشی در بازارگاد و شوش و تخت جمشید بخوبی میتوان دریافت که اینگونه ایوانهای ستون دار حداقل از سده ششم پیش از میلاد در ایران متداول بوده و یکی از عناصر تشکیل دهنده معماری ایران بشمار میرود.

با بررسی بیشتر کاخهای تخت جمشید معلوم میگردد که بکار بستن ستونهای چوبی با ته ستونهای سنگی در کاخهای متعدد و نسبتاً کم ارتفاع تر آنجا بعداً و فوراً انجام گرفته سقف تمام تالارها و ایوانهای عمارتهای معروف به خزانه و اندرون و کاخهای تَشَرّ Tatchara و هَدِش Hadish بر فراز چنین ستونها احداث گشته و تعدادی از ستونها دارای روکش گچی مزین به نقاشیهای هم بوده است.

در دورانهای اشکانی و ساسانی هر چند ساختمان ایوانهای ستون دار به اندازه دوره هخامنشی رایج نبوده است ولی خواه در حیاطهای داخلی و خواه در جبهه خارج بنا به احداث ستون مبادرت میورزیده‌اند چنانکه نقشه کاخ اشکانی در کشور عراق که

ضمن مقاله تاریخ معماری اشکانی نگاشته آقای اسکار رویتز در کتاب سابق الذکر مندرج است و قبلاً بدان اشاره رفت گواه وجود ایوانهای ستون‌دار در معماری عهد اشکانی ایران بشمار میرود و همچنین بنای عهد ساسانی نزدیک راه تهران به ورامین بنام تپه میل^۱ دارای ایوان بزرگ چهارستونی در جانب شرقی است که نمای اصلی بنا بوده و مدخل کاخ نامبرده بشمار میرود.

در قرنهای اول اسلام و عهد سلجوقیان تا دوران صفویه بکار بردن ستون‌ها در نواحی شمالی و شمال غربی ایران به اقتضای وضع اقلیم و آب و هوای آنجا متداول بود ولی در قسمتهای مرکزی و جنوب ایران ساختمانها عموماً بوسیله طاقهای ضربی پوشیده می شد چه به علت کمی آب، مقدار کافی چوب در دسترس قرار نداشت. از طرف دیگر آفت موریانه بنوبه خود به از بین رفتن سقفها و ستونهای چوبی کمک می نمود، با وجود این بناهای قابل توجهی از آن دورانها با پوششهای مسطح و ستونها و سرستونهای چوبی زیبا وجود دارد که چندتای آنها را میتوان بطور نمونه و مثال ذکر نمود:

- (۱) مسجد جامع ابیانه از توابع نطنز دارای سالهای تاریخ ۴۶۶ هجری (۱۰۶۴ میلادی) بر روی منبر چوبی و ۴۷۷ هجری (۱۰۸۴ میلادی) بر روی محراب چوبی و ۷۷۲ هجری (۱۳۷۰ میلادی) بر کتیبه‌های مختلف نقاشی بالای دیوارها.
- (۲) بقعه شاهزاده اسمعیل در روستای بَرَز از توابع نطنز دارای سال تاریخ ۵۴۳ هجری (۱۱۴۸ میلادی) بر روی منبر.

- (۳) مسجد کوچه میر در نطنز دارای محراب گچبری بسیار ظریف از دوران سلجوقی (اواخر قرن ششم هجری = ۱۳ میلادی)^۴

- (۴) مسجد جامع سَرآوَز از توابع گلپایگان (به مسافت ۱۸ کیلومتری شمال شرقی آن شهر) که منبر آن مورخ به سال ۸۱۱ هجری (۱۴۰۸ میلادی) است.^۵
- یقیناً اگر در محلّهای دیگر نواحی مرکزی و غربی ایران بخصوص آبادیها و روستاهائی که دارای آب کافی است بررسی و جستجو گردد بناهای دیگر از دورانهای سلجوقی و پس از آن باقی و پایدار مانده گواه بیشتر بر چنین مدّعا تواند بود.

۱- تپه میل در یک کیلومتری جنوب جاده تهران به ورامین و به مسافت ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرری (حضرت عبدالعظیم (ع) واقع گردیده شامل بقایای کاخی از اواخر عهد ساسانی بر فراز تپه خاکی مشرف به جلگه پهناور است و آنرا آسیا بادی و قصر افراسیاب هم می نامند.



در دوران صفویه بخصوص سده‌های دهم و یازدهم هجری بویژه هنگام سلطنت شاه عباس اول (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هجری = ۱۵۸۸ تا ۱۶۲۹ میلادی) که هنر معماری ایران از نو شکوفائی و رونق تازه یافت احداث بناها با پوشش‌های گنبدی و طاقهای ضربی و همچنین ایجاد کاخ‌هایی با ستونهای متعدد چوبی و سقفهای مرکب از الوارها و حمالها و تخته و دیگر قسمتهای چوبی انجام پذیرفت. کاخ چهلستون قزوین از زمان شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری = ۱۵۲۴ تا ۱۵۷۶ میلادی) و کاخهای عالی قاپو و چهلستون اصفهان از زمان شاه عباس اول و کاخهای همان شهریار در ساری و اشرف (بهشهر) مازندران^۴ ترکیب زیبایی از هر دو شیوه معماری اصیل ایران یعنی ساختمان با طاقهای ضربی و ایوانهای ستون‌دار با پوششهای مسطح چوبی است.

این چنین ترکیب پس از دوران صفویه یعنی در عهد زندیه و در دنباله آن در دوران قاجاریه مرحله تکامل و پیشرفت و رونق افزونتری را پیمود.

از بناهای دوران کریمخان زند (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری = ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۹ میلادی) در شیراز و تهران آنچه شامل مسجد و مدرسه دینی و بازار و کاروانسرا و گرمابه است همانند سایر چنین آثار و نظائر آنها از عهد صفویه و پیش از آن بطور کلی بوسیله طاقهای ضربی پوشیده شده و شیوه تازه قابل ذکر را در بر نمی گیرد و آنچه غیر از اینگونه آثار است یک دسته شامل کاخهای سلطنتی ارک کریمخانی و دیوانخانه در شیراز و دیوانخانه وکیل در تهران (که بعداً بنام و عنوان ایوان تخت مرمر تکمیل و موسوم گردیده است) میشود که عموماً ایوان دو ستونی منفرد یا بیش از یک ایوان دارد در قسمت عقب ایوان بخشی از بنا را بصورت ایوان کوچکتر یعنی شاه‌نشین تعبیه کرده‌اند که از ابتکارات دلپسند معماری و ساختمانی بشمار میرود و محل مشخص جلوس شخصیت‌های خانوادگی و مهمانان است و در دو سمت ایوان هم طاقهای چند با پوششهای ضربی احداث نموده‌اند و بطور خلاصه میتوان گفت ترکیب بسیار دلچسب و خوش آیندی از هر دو گونه معماری ایران یعنی ایوان یا ایوانهای دارای ستون و پوشش

۴- کتاب ۱. Iran Tome I Fas - Athar - چاپ هارلم ۱۹۳۶ مقاله آقای آندره گدار Andre Godard

در باره نطنز، بخش زیر عنوان مسجد کوچه میر ص ۸۱ و ۸۲

۵- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران تنظیم و نگارش آقای، نصرت‌الله مشکوتی چاپ

دوم - تهران - اسفند ۱۳۴۹ - ص ۶۶ و ۶۷

Persian Gardens 8 Garden Pa VilionsDonapd . N . Wilber

۶- چاپ توکیو ۱۹۶۲ ص ۱۲۱ بیعد

مسطح و طاقهای دارای پوششهای ضربی، بخش عمده و مهم معماری دوران زندیه بشمار میرود.

ایوان دو ستونی جزئی از معماری دوران صفویه است که در دوران زندیه بیشتر مورد توجه و پسند خاطر سازندگان ساختمانهای مهمتر آن دوران بوده است. ایوان دو ستونی حد فاصل ایوان بزرگ ۱۸ ستونی کاخ چهلستون اصفهان و تالار بزرگ آنجا بخوبی گواه این مدعا میتواند بود و همچنین ایوانهای جوانب مختلف کاخ هشت بهشت اصفهان نمونه دیگری از اینگونه ایوانها در معماری دوران صفویه است. در هر دو بنای سابق الذکر طاقها و تالارهای دارای پوشش ضربی در دو جانب ایوانهای دو ستونی قرار دارد و بدین ترتیب ترکیب چنین ایوانها با بخشهای دیگر ساختمان دارای طاقهای ضربی اساساً در عهد صفویه معمول گشته در دوران زندیه رواج بیشتر پیدا کرده است.

یک دسته دیگر بناهای زندیه شامل ساختمانهای کوشک مانند همچون کوشک جهان‌نمای شیراز و عمارت معروف به کلاه فرنگی در همان شهر (محل کنونی موزه پارس که آرامگاه کریمخان زند بوده است) میشود که بناهای چهار صقه‌ای بس زیبا و متناسب بوده از لحاظ مقاله کنونی با آنچه بیش از این توضیح داده شد مطلب تازه‌ای را در بر نمی‌گیرد.

معماری دوران قاجاریه (۱۲۰۶ تا ۱۳۴۳ هجری = ۱۷۹۱ تا ۱۹۲۵ میلادی) در آغاز از نظر اصول دنباله معماری دورانهای صفویه و زندیه لکن در سطح پائین‌تر بود و از دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ هجری = ۱۹۸۶ تا ۱۸۳۴ میلادی) که بین ایران و اروپا ارتباط زیادتر برقرار شد بتدریج نفوذ معماری غربی در ساختمانهای ایران پدیدار گشت و این نفوذ در درجه اول از طریق روسیه و قفقاز و در درجه دوم از سمت بوشهر و خلیج فارس به معماری ایران اثر نهاد و هر اندازه ارتباط بازرگانی و مسافرت ایرانیان به روسیه و اروپا بیشتر شد چنین تأثیر هم افزایش یافت و مسافرتها ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ هجری = ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ میلادی) با گروهی از درباریان و شخصیت‌های دیگر به فرنگستان طبعاً در طرز فکر و سلیقه ایشان در مظاهر مختلف زندگی از جمله احداث خانه‌ها و ساختمانها مؤثر افتاد و این تأثیر در قسمتهای مختلف مجموعه کاخهای سلطنتی گلستان و صاحبقرانیه نیاوران و سلطنت آباد و

عمارت بهارستان (محل مجلس شورای ملی سابق) و مسعودیه (حوزه وزارت آموزش و پرورش کنونی) و کاخهای قدیمی سرخه حصار و فرح آباد (دوشان تپه) و شاه آباد شمیران و بسیاری کاخها و ساختمانهای دیگر آن زمان (که بیشتر آنها بر اثر عوامل گوناگون دستخوش ویرانی گردید و خانه های تازه ساز و خیابان و غیره به جای آنها احداث شد) نمایان بوده و هست و عمارت محلّ انجمن آثار ملی نیز یکی از همین گونه ساختمانها بشمار میرود و میتوان آنرا نمونه قابل توجهی از چنیسن ترکیب اصول معماری اصیل ایران با تأثیراتی از معماری اروپائی دانست.

راهروهای سراسری مرکزی عمارت انجمن آثار ملی و پلکانهای بزرگ انتهای شمالی آن (نقشه شماره ۹) از جمله چنین تأثیرهایی شمرده میشود.^۷

کاشیکاریهای آستانه ها و ازاره های بنا و کف صفه های تالار آینه و آینه کاری تمام بدنه ها و سقف تالار نامبرده عوامل تزئینی ایرانی است که در عمارت انجمن آثار ملی جلوه گری می کند. حاشیه های گچبری و تزئینات دیگر گچی در اطراف سقفها و حاشیه های مختلف دیگر و سربخاریها و بالا و پائین ستونهای ایوان اصلی اشکوب بالائی و همچنین صراحیهای جلوایوان نامبرده (نقشه شماره ۱۰) و بخاری بزرگ دیواری سبک و ویژه روسیه در حوضخانه وسط بنای جنوبی انجمن و بالاخره چگونگی ترکیب درها و پنجره ها (به استثنای پنجره های شیوه مخصوص بنام اُرسی که در استانهای جنوبی ایران بنام دَرزُگ خوانده میشود و از زمانهای بسیار دور بصورتهای مختلف در کشورهای متعدد آسیا و آفریقا و جنوب اروپا متداول از بدیع ترین آثار هنری درودگری توأم با شیشه بندیهایی زیبا در کارهای معماری بشمار میرود) عوامل معماری غربی است که در عمارت محلّ انجمن آثار ملی بکار بسته اند.

در مورد سقفهای زیرین تالار بزرگ اشکوب دوم و راهروهای مجاور و اتاقهای

۷- شیوه پلکانهایی که همانند پلکانهای انتهای شمالی راهرو سراسری عمارت انجمن آثار ملی با دو مرحله تمغیسیر جهت در دو پاگرد برخلاف جهت اولیه قرار می گیرد و صد و هشتاد درجه اختلاف شفت پیدا می کند در کاخهای تخت جمشید بطور متعدد وجود دارد (پلکان بزرگ اصلی دو طرفه که از کف جلگه مرودشت به بالای صفه تخت جمشید میرود، پلکانهای شمالی کاخ مرکزی یا سه دروازه، پلکانهای شرقی حیاط کاخ هدیش) ولی اینگونه پله ها در تخت جمشید عموماً در حیاطها و فضای آزاد احداث شده است و درون کاخها نمونه آن سراغ نمیرود لذا میتوان پنداشت اینگونه پلکانها و سراسراها از کاخها و ساختمانهای اعیانی مغرب زمین و روسیه اقتباس شده باشد.

جنب آن که از پوششهای قاب بندی و نقاشی ترکیب یافته است میتوان گفت که با در نظر گرفتن سقف زیرین ایوان های کاخهای عالی قاپو و چهلستون اصفهان و قسمتهای مختلف کاخ هشت بهشت اصفهان و شیوه چنین پوششها در آذربایجان و استانهای جنوب دریای خزر و بسیار نقاط دیگر ایران (مانند قزوین و همدان و ایبانه نطنز و غیره) ترتیب تخته کاری و قاب بندی چوبی در سرزمین ایران از قدیم الایام متداول بوده است و در دوره قاجاریه در موارد مختلف این نوع پوشش را با استفاده از قطعات فلزی نازک نقاشی شده سبک ارو پائی انجام داده بجای تخته های چوبی لوحه های فلزی نازک منقوش را بکار برده اند و بدینقرار هنری آمیخته از عوامل ایرانی و ارو پائی بوجود آمده است.

ته ستونهای سنگی تالار آئینه (نقشه شماره ۱۱) هم نمونه دیگری از هنر مشترک ایران و سایر کشورها بوده نظیر آن بصورت های گوناگون و کم و بیش همانند یکدیگر در آثار معماری ادوار باستانی و تازه سرزمینهای مختلف وجود دارد.

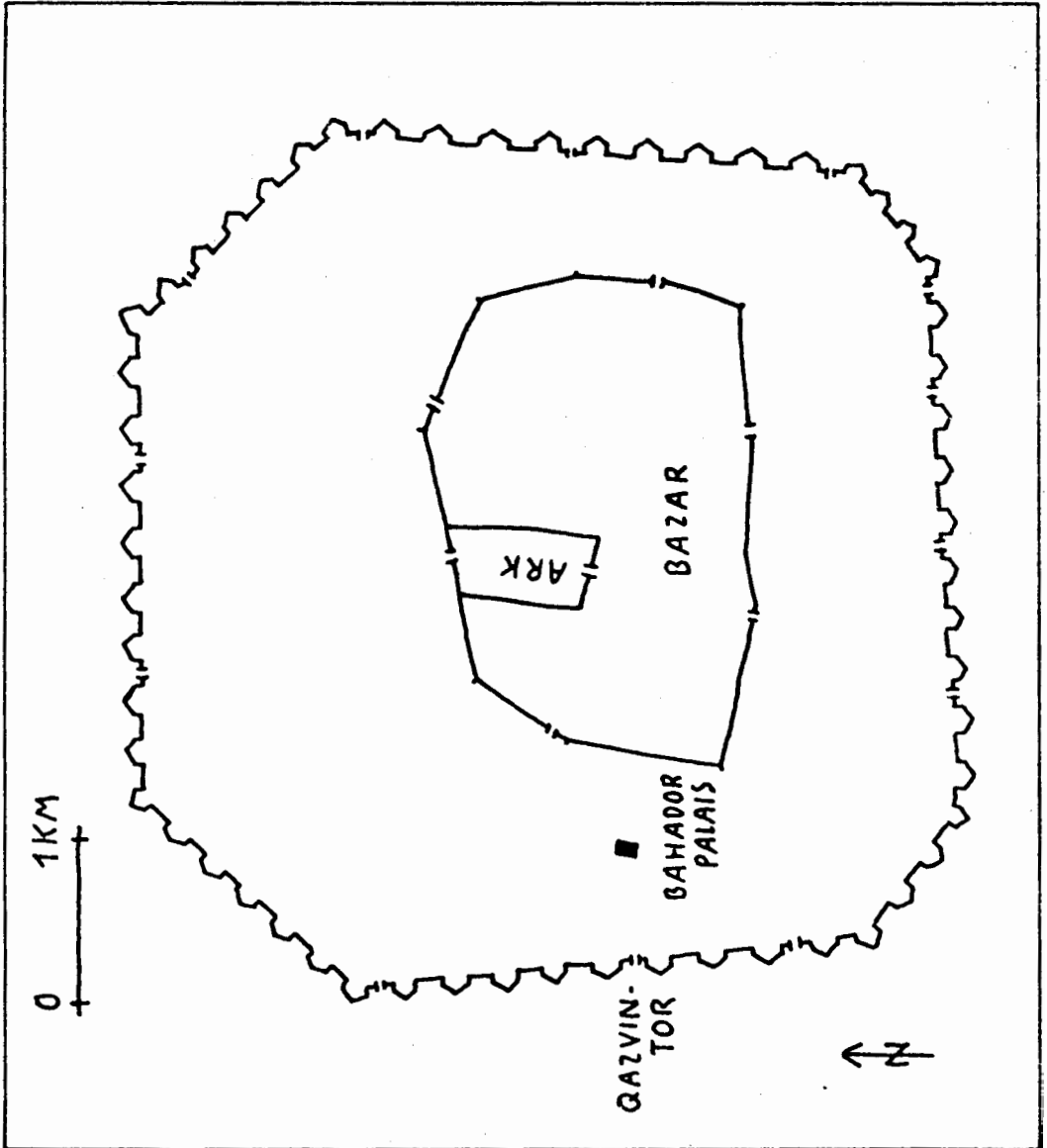
از دانشمند گرامی آقای دکتر کلیس (DR. W. Kleiss) رئیس مؤسسه باستان شناسی آلمان در ایران که هنگام بازدید و آشنائی شان از نزدیک با فعالیتهای انجمن آثار ملی در بهار سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) نسبت به ساختمان محل آن اظهار علاقه نمودند و تهیه نقشه ها و عکسهائی از آنجا را وجهه همت خود ساختند و با دستیاری همکارانشان این امر را انجام داده این جانب را هم به تهیه مقاله ای در این زمینه دعوت و تشویق فرمودند صمیمانه سپاسگزاری مینماید.

فروردین ۱۳۵۹ = آوریل ۱۹۸۰

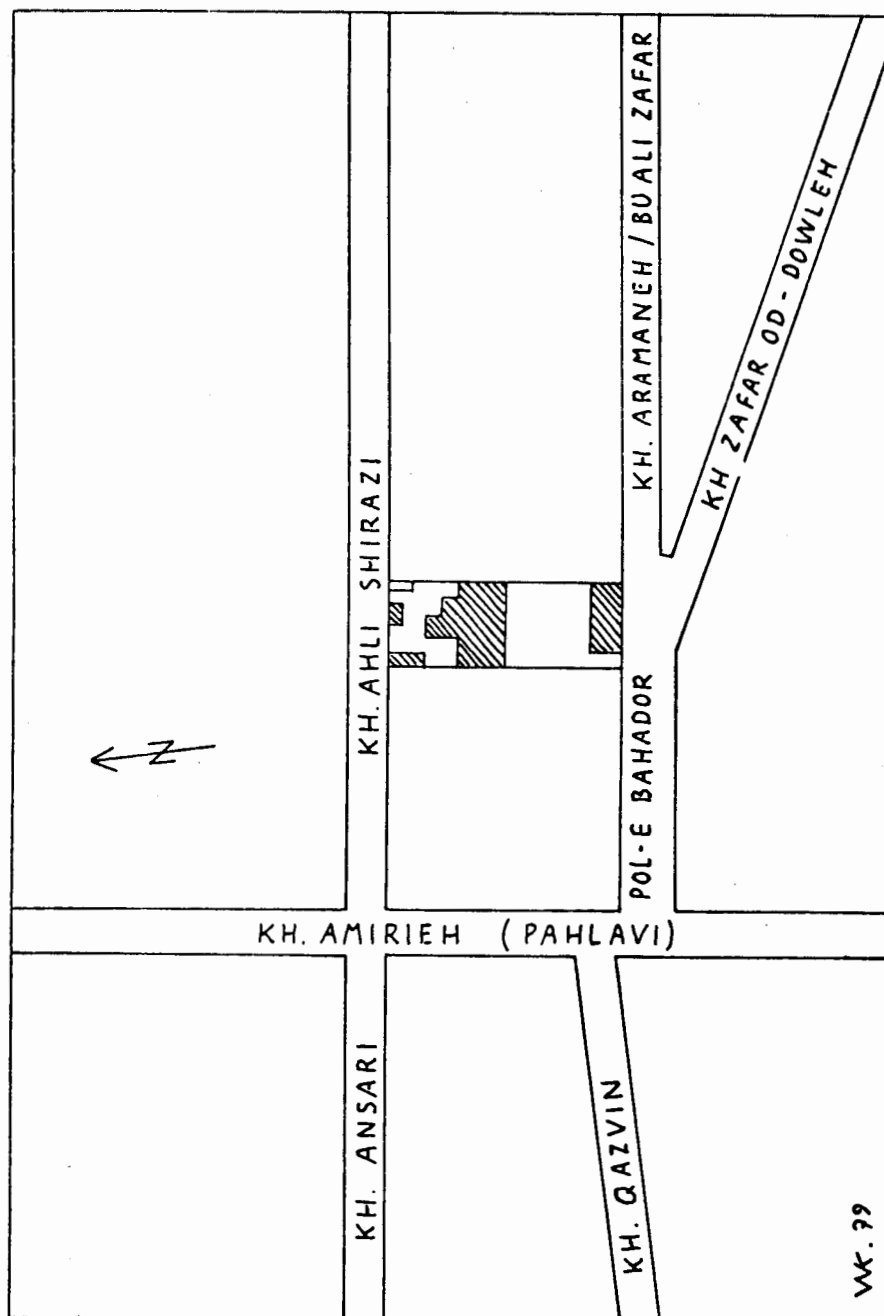
سید محمد تقی مصطفوی

توضیحات مربوط به نقشه های مندرج در مقاله خانه بزرگ قدیمی محل انجمن آثار ملی
۱- موقعیت خانه قدیمی محل انجمن آثار ملی در وسط محوطه غربی فاصله بین تهران قدیم و مرحله توسعه آن در زمان ناصرالدین شاه قاجار.

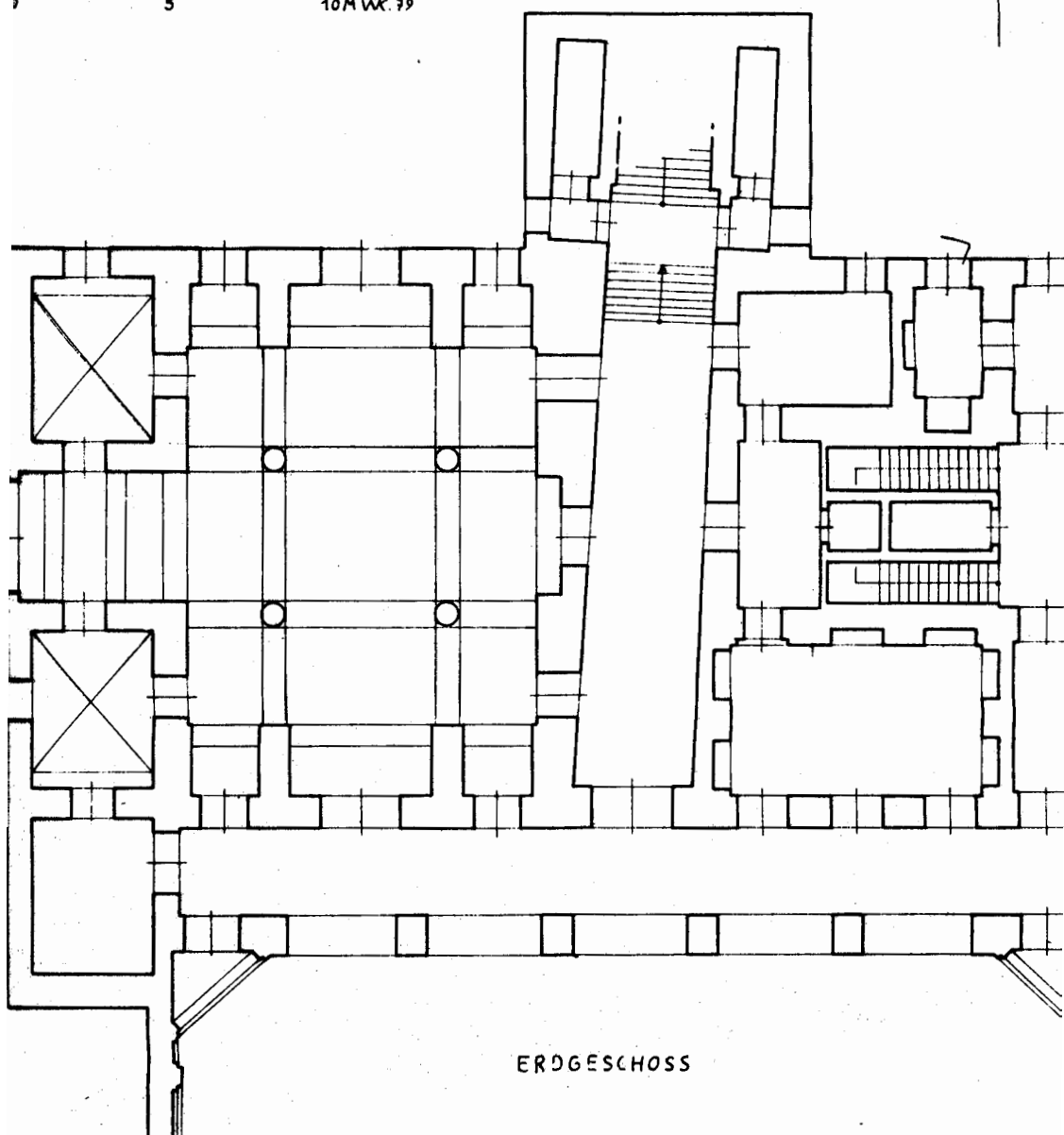
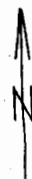
- ۲- موقعیت انجمن آثار ملی در جانب شمال خیابان پل امیر بهادر و جنوب خیابان اهلی شیرازی.
- ۳- نقشه کلی بنای انجمن آثار ملی در حال حاضر (اشکوب دوم).
- ۴- نقشه اشکوب اول بنای اصلی انجمن آثار ملی در وضع نخستین آن.
- ۵- نقشه اشکوب دوم بنای اصلی انجمن آثار ملی در وضع نخستین آن.
- ۶- نقشه اشکوب دوم بنای اصلی انجمن آثار ملی در وضع کنونی.
- ۷- برش شمالی جنوبی تالار آئینه (اشکوب اول) و تالار اجتماعات انجمن (اشکوب دوم).
- ۸- نمای جبهه جنوبی نمای اصلی انجمن آثار ملی.
- ۹- برش شمالی جنوبی بنای اصلی انجمن آثار ملی در محور راهرو بزرگ مرکزی آن.
- ۱۰- طرح نمونه هائی از گچ بری صُراحیها و ته ستون ایوان جبهه جنوبی انجمن آثار ملی.
- ۱۱- طرح ته ستون ها در تالار آئینه انجمن آثار ملی.



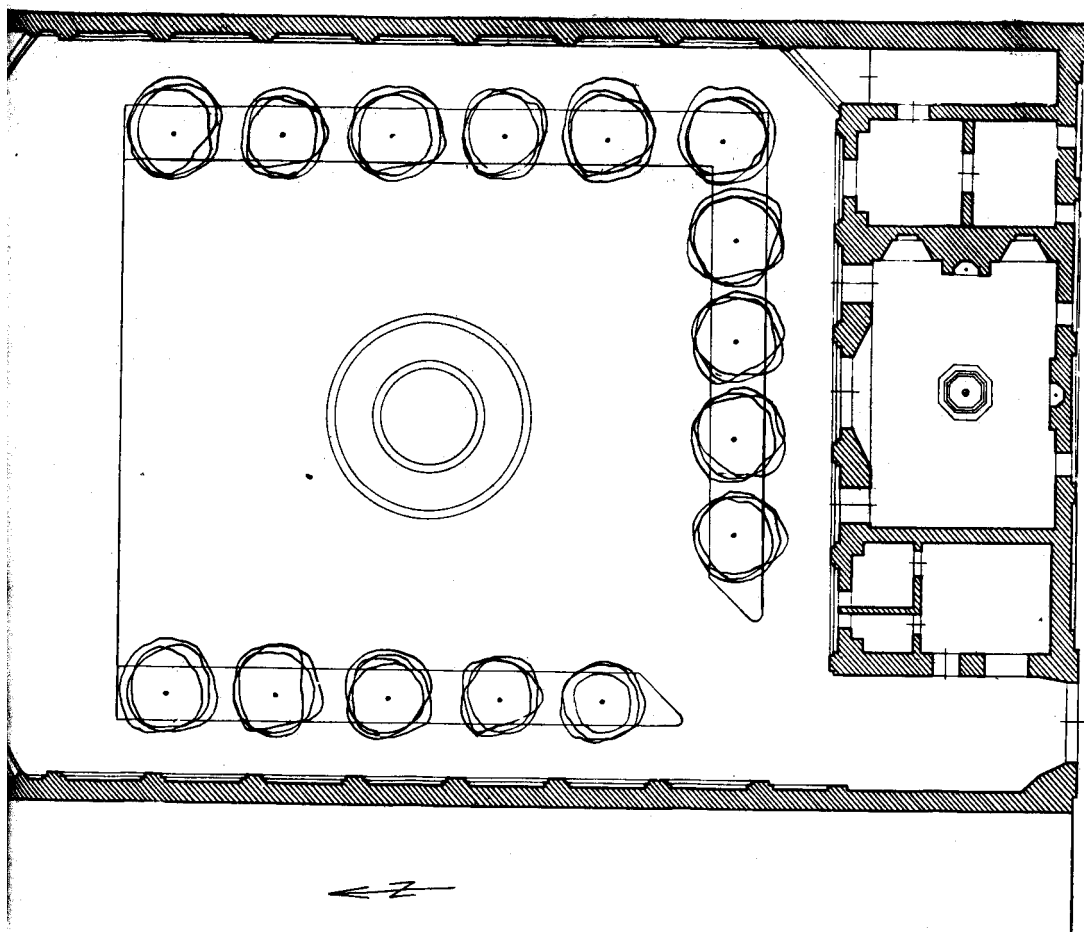
نقشه شماره ۱

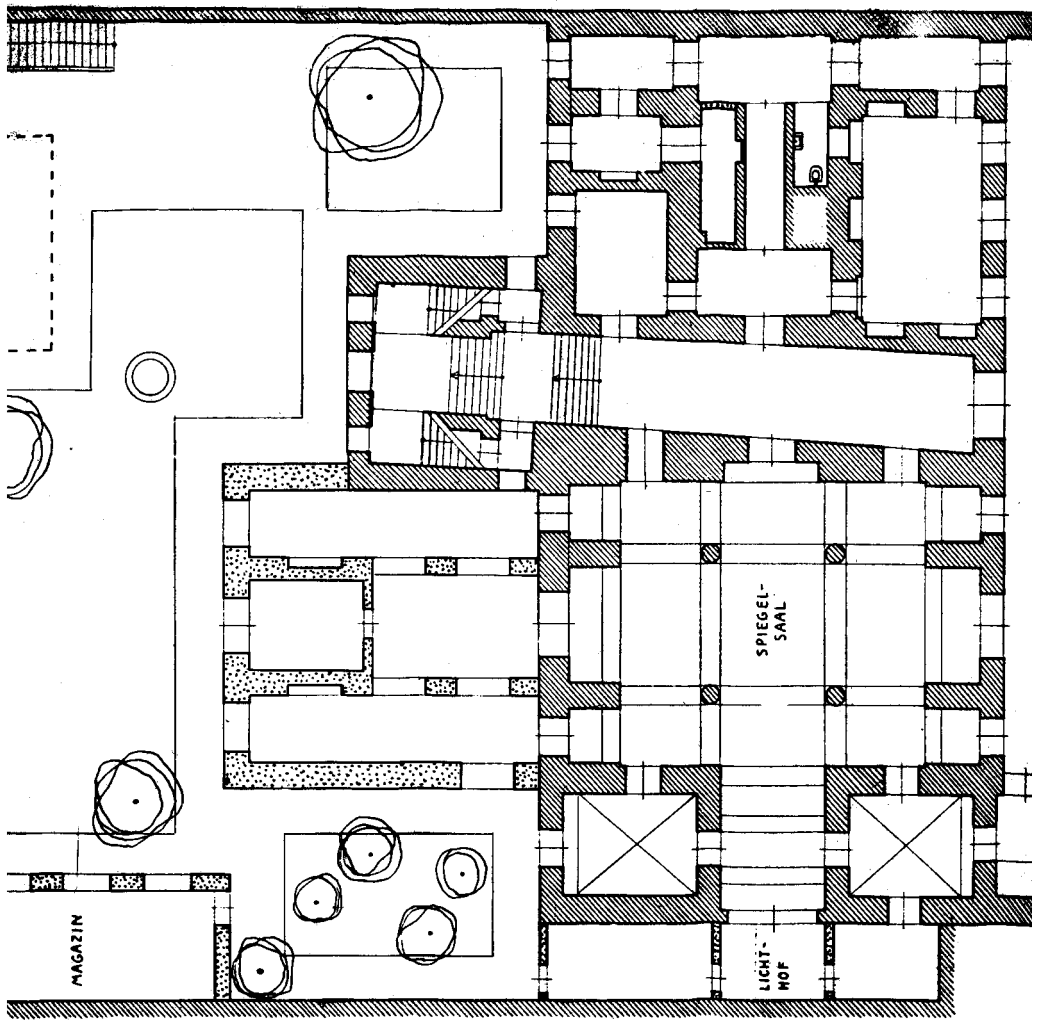


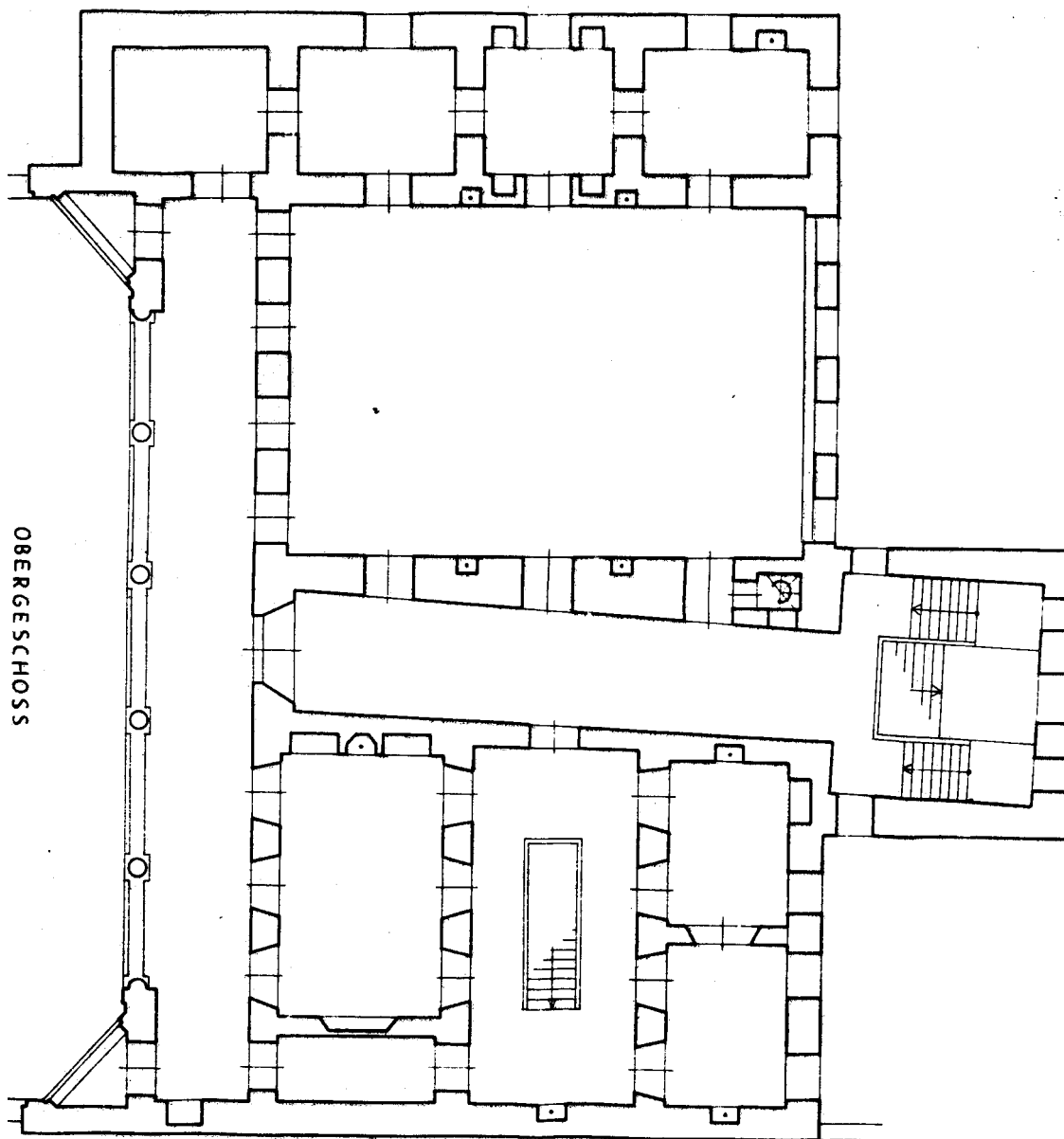
0 5 10 M WK. 79



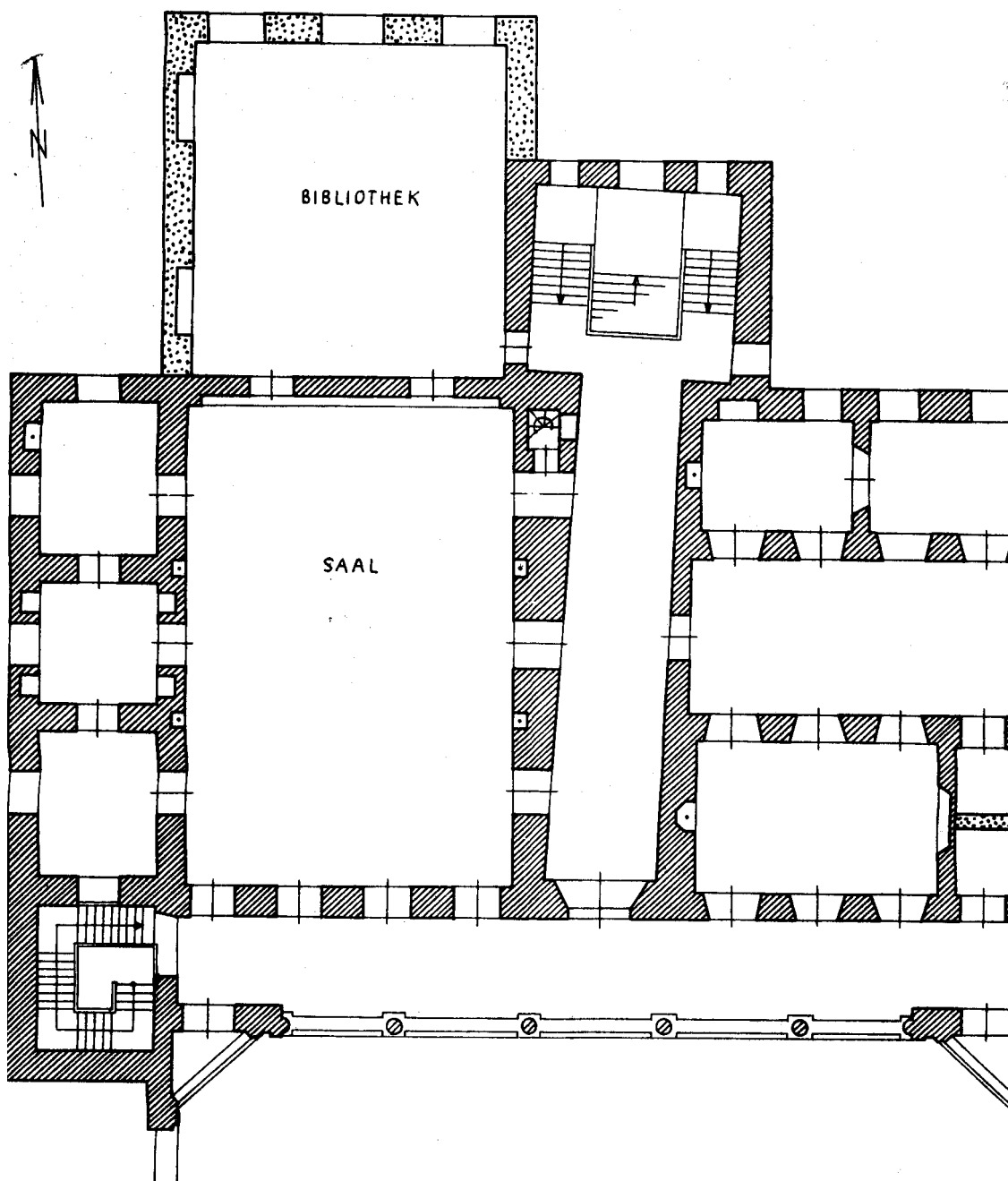
نقشه شماره ۴







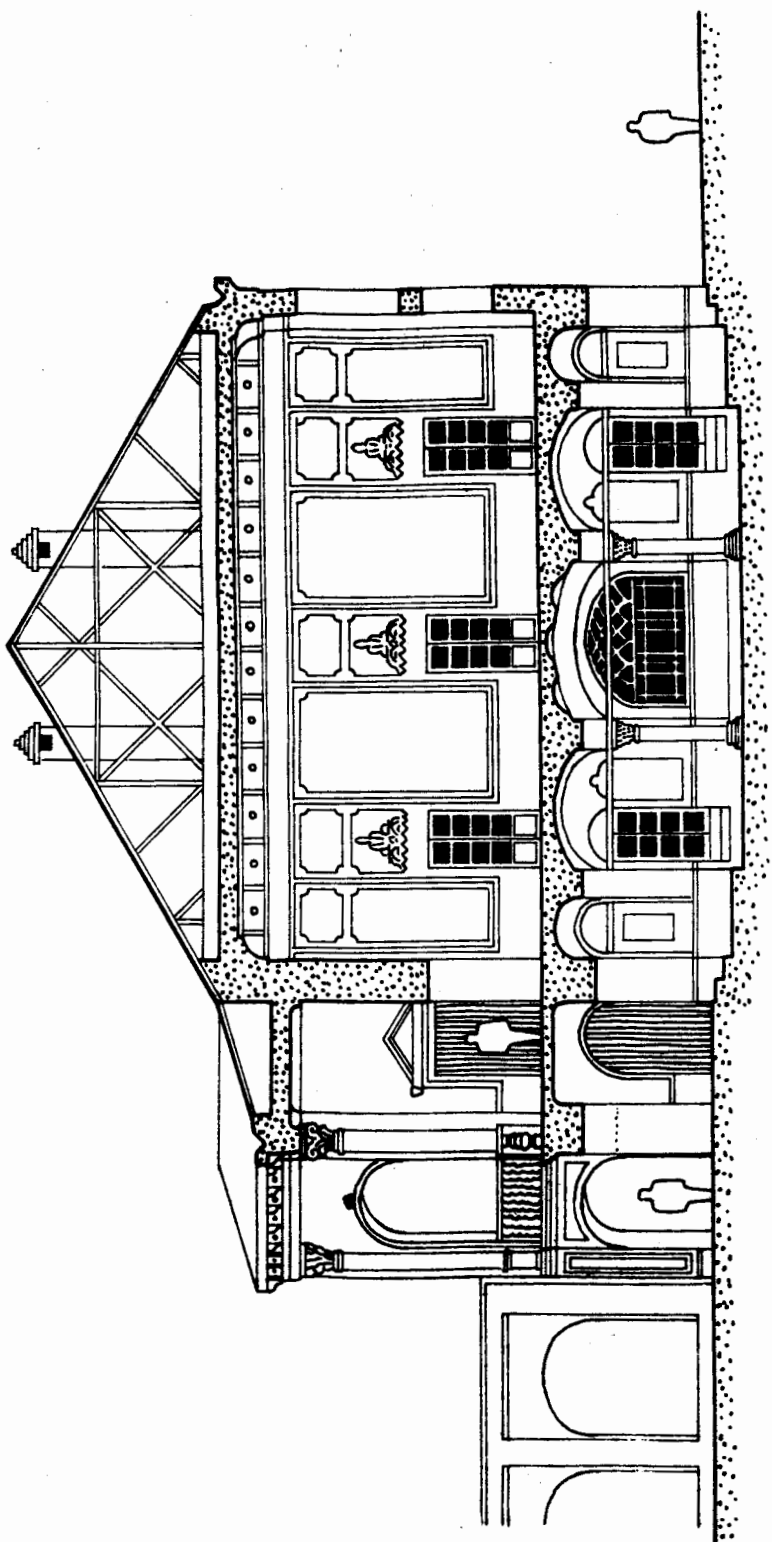
OBERGESCHOSS



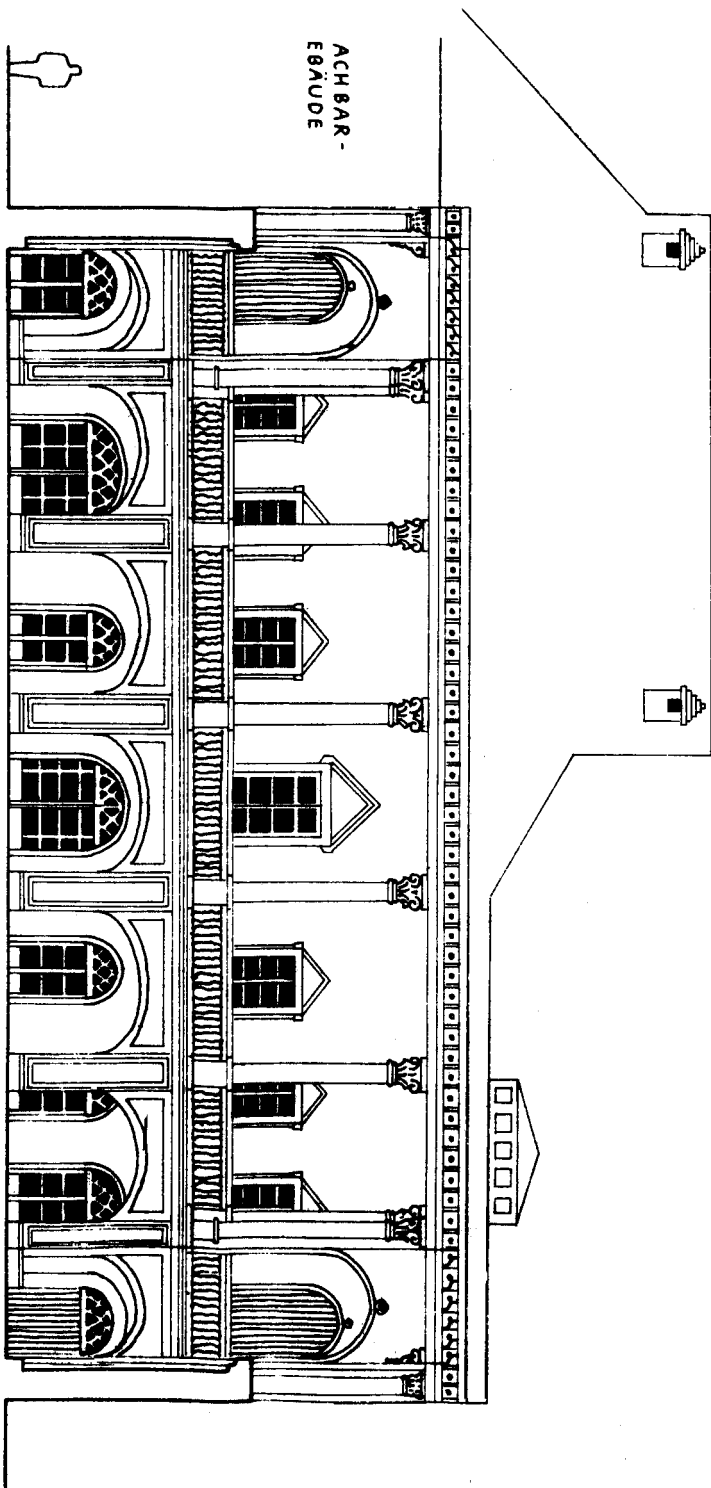
OBERGESCHOSS

0 5 10 M WK. 79

نقشه شماره ۶

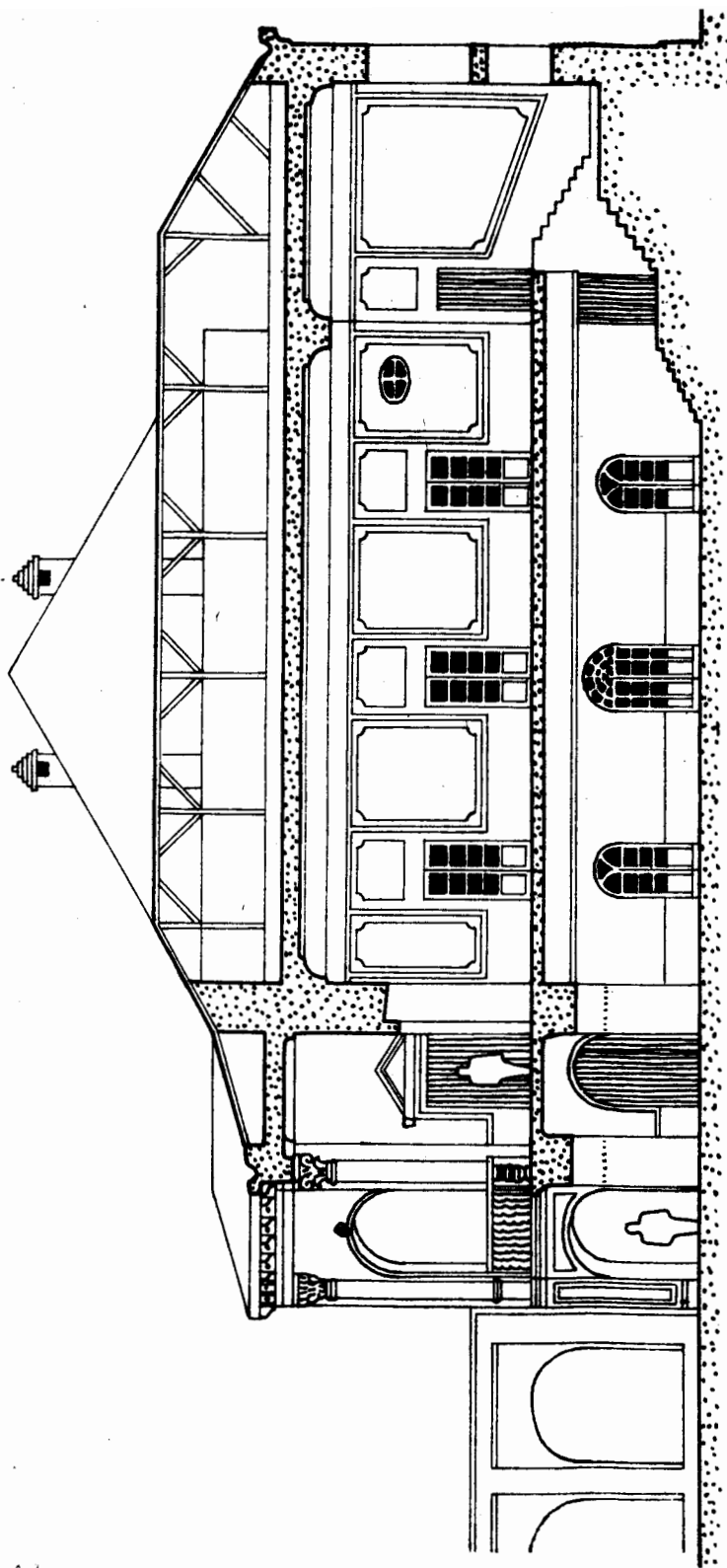


نقشه شماره ۷

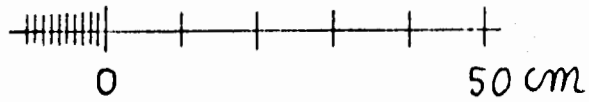
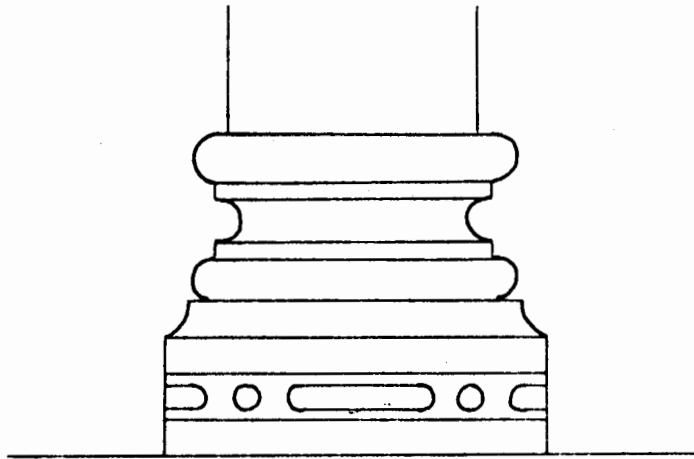


ACHBAR-
EBAUDE

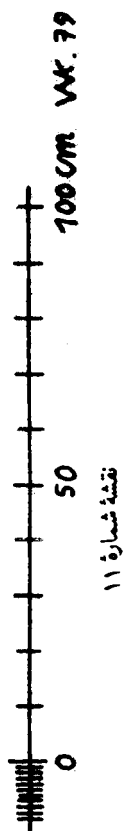
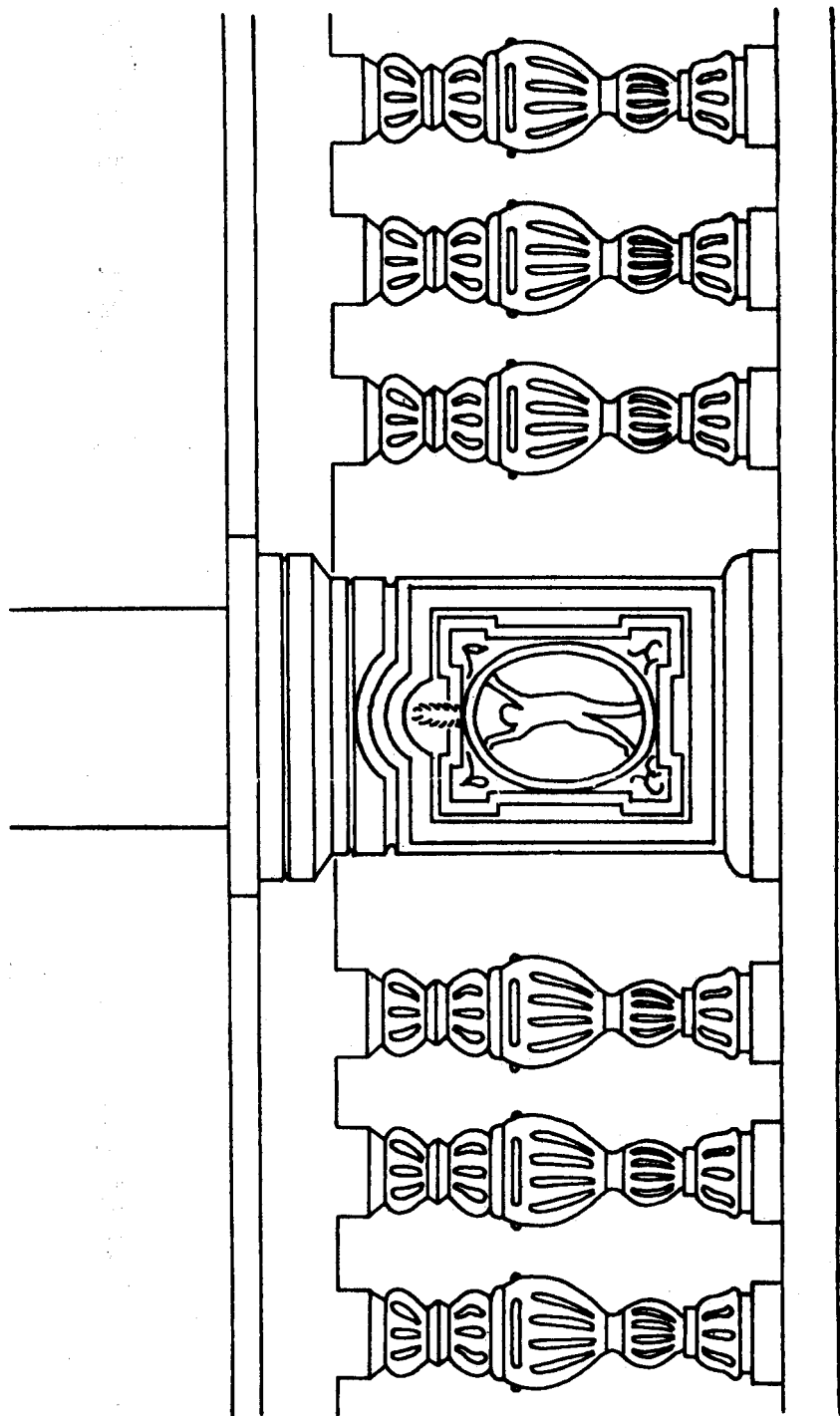
تصميم شماره ۸



نقشه شمارة ۹



نقشة شماره ١٠



فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱ -	فهرست مختصری از آثار و ابنیة تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲ -	آثار ملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳ -	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴ -	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پروفسور هرتسفلد - ترجمه آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵ -	سه خطابه درباره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶ -	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پروفسور هرتسفلد)	اسفند ماه ۱۳۱۲
۷ -	کنفرانس محمد علی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸ -	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹ -	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰ -	رساله جودیة ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱ -	رساله نبض ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲ -	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳ -	طبیبیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴ -	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵ -	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمد معین)	۱۳۳۱
۱۶ -	رساله نفس ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷ -	رساله ای در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸ -	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۱۹ -	معراج نامه ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۲۰ -	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۱-	رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-
۲۲-	ظفر نامه منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳-	رساله کنوز المعزمین ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همائی)	۱۳۳۱
۲۴-	رساله معیار العقول - جرثقیل - ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵-	رساله حی بن یقظان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶-	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷-	ترجمه مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸-	ترجمه اشارات و تنبیها (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹-	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰-	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱-	جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲-	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهر جان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳-	جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگره ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴-	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سر لشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵-	جبر و مقابله خیام (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶-	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (به تصحیح و تحشیه آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷-	اشتر نامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸-	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹-	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضا زاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۰-	دره نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیة آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱-	شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲-	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳-	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمه آقای دکتر علی اصغر حریری (به اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴-	دیوان غزلیات و قصائد عطار (به اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی)	۱۳۴۱
۴۵-	جهانکشای نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی (باتصحیح و تعلیقه آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶-	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیة آقای جلال الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷-	نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸-	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیه تاریخی فارس) تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹-	سفارش نامه انجمن آثار ملی	اردی بهشت ۱۳۴۴
۵۰-	یادنامه شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱-	ذخیره خوارزمشاهی، تألیف زین الدین ابوبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی- دکتر محمد شهراد- دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲-	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح به خط خود استاد- مقدمه و شرح حال به خط وخامه استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳-	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری به کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴-	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهرری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵-	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ماه ۱۳۴۶

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۶-	فردوسی و شعرا و تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۷-	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸-	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹-	کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات در باره فردوسی و شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰-	روزبهار نامه به کوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱-	کشف الایات فردوسی (جلد اول) به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲-	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳-	آثار باستانی کاشان و نظنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴-	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهر از	آبان ۱۳۴۸
۶۵-	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶-	تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۶۷-	عهد اردشیر بر گرداننده به فارسی سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸-	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹-	ری باستان (مجلد دوم) تألیف آقای دکتر حسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰-	از آستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱-	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه‌ها به مناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲-	فردوسی و شاهنامه او به اهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳-	فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴-	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵-	یادنامه شادروان سید حسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶-	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی - (کتاب دوم) بهمن ۱۳۴۹	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۷-	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن	تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور بهمن ۱۳۴۹
۷۸-	تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان	نوشته آقای یحیی ذکاء فروردین ۱۳۵۰
۷۹-	کشف الایات شاهنامه فردوسی- جلد دوم- به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰-	آثار باستانی و تاریخی لرستان- جلد نخست- تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱-	دردبار شاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی- ترجمه آقای کیکاووس	جهانداری مرداد ۱۳۵۰
۸۲-	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفیسور فضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳-	مونس الاحرار فی دقایق الاشعار (جلد ۲) تألیف محمد بن بدر جاجرمی	به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میر صالح طبیبی شهریور ۱۳۵۰
۸۴-	مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر	قائم مقامی شهریور ۱۳۵۰
۸۵-	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضا زاده شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶-	دانش و خرد فردوسی فراهم آورده دکتر محمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷-	وقفنامه ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخه مورخ به سال ۷۰۹	قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار اسفند ۱۳۵۰
۸۸-	ذیل جامع التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری	با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانیبا بیانی اسفند ۱۳۵۰
۸۹-	از آستارا تا استارباد (مجد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان	بیه پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده خرداد ۱۳۵۱
۹۰-	نصیحة الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیه استاد جلال الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱-	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول)- آثار تاریخی شهرستان تبریز	تألیف آقای عبدالملی کارنگ آذرماه ۱۳۵۱
۹۲-	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳-	مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی با اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱

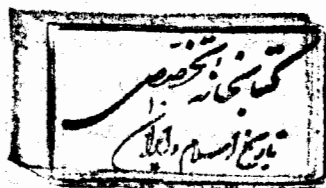
شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۴-	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن و شرح و توضیح به کوشش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	فردوس (در تاریخ شوشتر) تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری	
	(قرن ۱۱ هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال الدین محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمد جواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷-	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوابراهم اسمعیل جرجانی	
	سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی جلد سوم	شهریور ۱۳۵۲
۹۸-	ترجمه يك فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر دانسرشت با مقدمه و الحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹-	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دوست ساله مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱-	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲-	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳-	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴-	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران به کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵-	تاریخ بافت قدیمی شیراز تألیف آقای کرامت الله فسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶-	فرار از مدرسه درباره زندگی و اندیشه ابو حامد غزالی تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷-	بیرونی نامه - مشتمل بر تحقیق در آثار ریاضی استاد ابوریحان بیرونی نابغه بزرگ ایران پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	شهریور ۱۳۵۳
۱۰۸-	جامع جعفری - تاریخ یزد در دوران نادری و زندیه و عصر سلطنت فتحعلی شاه - تألیف محمد جعفر بن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب» به کوشش آقای ایرج افشار	آبان ماه ۱۳۵۳

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۰۹-	کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ، تألیف ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدید نظر و تعلیقات و مقدمه تازه به خامه استاد جلال الدین همائی	دی ماه ۱۳۵۳
۱۱۰-	(دیار شهر یاران) آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول - تألیف آقای احمد اقتداری	اردیبهشت ۱۳۵۴
۱۱۱-	(دیار شهر یاران) آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش دوم - تألیف آقای احمد اقتداری	اردیبهشت ۱۳۵۴
۱۱۲-	احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی بضمیمه منتخب نورالعلوم تألیف آن عارف بزرگوار، با اهتمام استاد مجتبی مینوی	خرداد ماه ۱۳۵۴
۱۱۳-	شرح احوال و آثار و دویبتی های باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منسوب بعین القضاة همدانی (۹) با اصل و ترجمه کتاب (الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة) بشرح و تفسیر محمد بن ابراهیم مشهور به خطیب وزیر بکوشش دکتر جواد مقصود	تیر ماه ۱۳۵۴
۱۱۴-	کتاب « الفارات » تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوفی اصفهانی با اهتمام استاد میر جلال الدین محدث (بخش نخست)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۵-	کتاب « الفارات » به شرح مذکور در شماره ۱۱۴ (بخش دوم)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۶-	یادگارهای یزد (جلد دوم باضمیمه - شهر یزد) تألیف ایرج افشار	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۷-	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قاجاریه (جلد اول) تألیف دکتر ابوالقاسم طاهری	مهر ماه ۱۳۵۲
۱۱۸-	از آستارا تا آستار باد (مجلد ششم) شامل اسناد تاریخی گرگان بکوشش آقایان مسیح ذیحجی و دکتر منوچهر ستوده (بخش نخست)	مهر ماه ۱۳۵۴
۱۱۹-	از آستارا تا آستار باد مجلد هفتم بشرح مذکور در شماره ۱۱۸ (بخش دوم)	آذر ماه ۱۳۵۲
۱۲۰-	سفرنامه حکیم ناصر خسرو به کوشش و تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی	بهمن ماه ۱۳۵۲
۱۲۱-	آثار باستانی خراسان جلد اول شامل آثار و ابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار - اثر آقای عبدالحمید مولوی	اردیبهشت ماه ۱۳۵۵

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۲۲-	تاریخ باستانی ایران بر پایه باستان‌شناسی تألیف پرفسور هر تسفلد	
۱۲۳-	ترجمه آقای علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران آثار باستانی و تاریخی لرستان (جلد دوم) تألیف آقای حمید ایزدپناه	اردیبهشت ماه ۱۳۵۵
۱۲۴-	تحریر کتاب استخراج الاوتار تألیف استاد ابوریحان بیرونی	خرداد ماه ۱۳۵۵
۱۲۵-	پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	تیر ماه ۱۳۵۵
۱۲۶-	تاریخ نیشابور- تألیف آقای سید علی مؤید ثابتی	تیر ماه ۱۳۵۵
۱۲۷-	وادی هفت‌واد - بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان (جلد اول) تألیف آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی	
۱۲۸-	استاد دانشگاه تهران مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریزی	بهمن ماه ۱۳۵۵
۱۲۹-	بکوشش آقای نصرت الله فتحی	بهمن ماه ۱۳۵۵
۱۳۰-	«المختارات من الرسائل» مجموعه اسناد و وثایق تاریخی از روی نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد بامقدمه وزیر نظر آقای ایرج افشار	بهمن ماه ۱۳۵۵
۱۳۱-	آثار باستانی آذربایجان- جلد دوم شامل آثار و ابنیه تاریخی شهرستانهای اردبیل، ارسباران، خلخال، سراب، مشکین شهر،	
۱۳۲-	مغان تألیف آقای سید جمال الدین ترابی طباطبائی	اسفند ماه ۱۳۵۵
۱۳۳-	از آستارا تا استارباد (مجلد سوم) آثار و بناهای تاریخی	
۱۳۴-	مازندران غربی تألیف دکتر منوچهر ستوده	اسفند ماه ۱۳۵۵
۱۳۵-	کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز (۱۳۰۱ تا ۱۳۵۵ خورشیدی)	
۱۳۶-	تألیف دکتر حسین بحر العلوم دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران	اسفند ماه ۱۳۵۵
۱۳۷-	هنر گره سازی در معماری و درودگری تألیف و تحقیق آقای	
۱۳۸-	جواد شفائی	مهر ماه ۱۳۵۶
۱۳۹-	کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا تألیف دکتر ضیاء الدین سجادی	
۱۴۰-	استاد دانشگاه تهران	مهر ماه ۱۳۵۶
۱۴۱-	یادنامه شادروان تیمسار سیهب فرج الله آقاولی رئیس پیشین هیئت	
۱۴۲-	مدیر انجمن آثار ملی	آذر ماه ۱۳۵۶

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۳۵	فهرست کتابهای کتابخانه انجمن آثار ملی. بخش نخست. نسخه‌های خطی. تدوین از خانم فاطمه مهران و آقای محمد غلامرضائی	دی ماه ۱۳۵۶
۱۳۶	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (جلد سوم - بخش دوم)	اسفند ماه ۱۳۵۶
۱۳۷	قصران (کوهسران) مباحث تاریخی و جغرافیائی واجتماعی و مذهبی و وصف آتشیگاه منطقه کوهستانی ری باستان و تهران کنونی تألیف دکتر حسین کریمان استاد دانشگاه ملی ایران	اسفند ماه ۱۳۵۶
۱۳۸	گره سازی و گره چینی در هنر معماری ایران - گردآورنده مهندس مرتضی فرشته نژاد رئیس دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در خوزستان	اسفند ماه ۱۳۵۶
۱۳۹	وقفنامه ربع رشیدی (چاپ حروفی) از روی نسخه مورخ به سال ۷۰۹ قمری به کوشش آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار با همکاری آقای عبدالملی کارنگ	اسفند ماه ۱۳۵۶
۱۴۰	جغرافیای تاریخی سیراف تألیف آقای محمد حسن سمسار	خرداد ماه ۱۳۵۷
۱۴۱	شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی تألیف دکتر سید جعفر شهیدی استاد دانشگاه تهران	دی ماه ۱۳۵۷
۱۴۲	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس جلد دوم از عقد معاهده گلستان تا پیمان اتحاد روس و انگلیس (۱۲۸۶ خورشیدی برابر ۱۹۰۷ میلادی) تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	بهمن ماه ۱۳۵۷
۱۴۳	کتاب نقص تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی متکلم بزرگ سده ششم هجری به تصحیح و استاد فقید سید جلال الدین محدث ارموی	آذر ماه ۱۳۵۸
۱۴۴	تعلیقات نقص (جلد اول) تألیف شادروان سید جلال الدین محدث ارموی	آذر ماه ۱۳۵۸
۱۴۵	تعلیقات نقص (جلد دوم) تألیف شادروان سید جلال الدین محدث ارموی	آذر ماه ۱۳۵۸
۱۴۶	سکه‌های ایران در دوران هخامنشی تألیف ارنست بابلون (Ernest Babelon) موزه دارسکه‌ها، مدال‌ها و آثار باستانی (پاریس) ترجمه خانم ملک‌زاده بیانی و آقای دکتر خانبابا بیانی استادان دانشگاه تهران	آذر ماه ۱۳۵۸

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۴۷-	آثار باستانی و ائینه تاریخی کرمانشاهان و کردستان مجلد اول - شامل بناها و آثار تاریخی اسدآباد و کنگاور و صحنه	تألیف آقای دکتر مسعود گلزاری اسفند ماه ۱۳۵۸ خورشیدی
۱۴۸-	فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (در شرح حال شیخ ابواسحق کازرونی) تألیف محمود بن عثمان (به سال ۷۲۸ هجری) بکوشش آقای ایرج افشار	تیرماه ۱۳۵۹
۱۴۹-	خوزستان و کهگیلویه و ممسنی - جغرافیای تاریخی و آثار باستانی - جلد سوم در مجموعه آثار خوزستان - تألیف آقای احمد اقتداری	تیرماه ۱۳۵۹
۱۵۰-	ارجان و کهگیلویه - از فتح عرب تا پایان دوره صفوی تألیف هانیس گاو به ترجمه: سعید فرهودی تحشیه و تنظیم آقای احمد اقتداری	۱۳۵۹
۱۵۱-	ظهور تیمور تألیف استاد فقید عباس اقبال آشتیانی بکوشش میرهاشم محدث	مرداد ماه ۱۳۶۰
۱۵۲-	تاریخ ایرانیان و عربها (شرح بر فتمت ساسانیان تاریخ طبری) تألیف: نولدکه - ترجمه دکتر عباس زریاب خوئی	۱۳۶۱



یادآوری

- همانطور که در سر آغاز و مقدمه توضیح داده شده است
تألیف کتاب قبل از سال ۱۳۵۷ انجام گرفته و پس از حروفچینی
و تهیه فیلم و زینک بعضی از امکانه تغییر نام پیدا کرده که عبارتند از:
- ۱- مسجد امام خمینی (مسجد شاه سابق)
 - ۲- مدرسه عالی شهید مطهری (مدرسه عالی سپهسالار)